

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری "نشریه علمی"

سال چهاردهم، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۳

این فصلنامه "نشریه علمی" طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی - پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سردبیر: علی رحمانی

رشته	درجه علمی	دانشگاه	عضو هیئت تحریریه
حسابداری	استاد	دانشگاه شهید باهنر کرمان	امید پورحیدری
حسابداری	استاد	دانشگاه هاوایی ایالات متحدہ امریکا	حمید پورجلالی
حسابداری	استاد	دانشگاه الزهراء (س)	رضوان حجازی
حسابداری	استاد	دانشگاه الزهراء (س)	علی رحمانی
حسابداری	استاد	دانشگاه ممفیس ایالات متحدہ امریکا	ذبیح اله رضایی
حسابداری	استاد	دانشگاه شهید بهشتی	حسین سجادی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	غلامرضا سلیمانی امیری
حسابداری	دانشیار	دانشگاه تهران	بیبا مشایخی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه تهران	ساسان مهرانی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه گاول سوئد	سعید همایون
حسابداری	استاد	دانشگاه سالفورد انگلستان	حسن یزدی فر

مدیر اجرایی: اعظم امیری خواه

ویراستار علمی و ادبی: نازنین بشیری منش

ویراستار انگلیسی: علی رضایی

صفحه آرا: مرضیه حسن زاده علی آبادی

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک رامتین

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

این فصلنامه با همکاری انجمن حسابداری مدیریت ایران به چاپ می رسد.

خط مشی انتشار مجله

فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری نشریه‌ای علمی است که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/آرشیوی، آزمایشی، بین رشته‌ای/انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تأکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن Nazanin B با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن Zar B با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره

گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۲-۱. **صفحهٔ جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبهٔ علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شمارهٔ تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبهٔ علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحهٔ اول مقاله:** عنوان و چکیدهٔ مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوهٔ استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحهٔ دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارندهٔ موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینهٔ (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

- ۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)
- ۴-۲. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)
- ۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت
- ۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه و ویرگول (!) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۰ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در نگاره‌هایی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت در همان صفحه ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها با تکنیک راه‌اندازی مجدد در هر صفحه، در ورد درج شود.

فهرست مطالب

- مرور نظام‌مند ادبیات نااطمینانی با رویکرد فراترکیب ۱
- بهرنگ پارسا فرد، قاسم بولو، مقصود امیری، محمدجواد سلیمی
- نقش تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی در رابطه بین چرخه عمر و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ۳۵
- علی ابراهیمی کردلر، علیرضا نصر اصفهانی
- فرا ترکیب اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر متغیرهای بازار سرمایه ۶۷
- وحید احمدیان، رقیه نامور
- واکنش بازار به رفتار نامتقارن هزینه: مطالعه اثر انتظارات رشد بلندمدت ۱۲۱
- فرشاد سبزی علی پور، غریبه اسماعیلی کیا، مهران احمدی
- تأثیر خوانایی صورت‌های مالی بر سرعت تعدیل اعتبار تجاری شرکت‌ها ۱۵۵
- محمدحسین فتحه
- تحلیل محتوای کمی و کیفی مقالات علمی پژوهشی حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی ۱۷۹
- مریم شیخی، رضوان حجازی، مجید زنجیردار
- تأثیر شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ۲۱۳
- نجمه حاجیان، مرجان هاشم زاده
- نقش تعدیل‌کننده عملکرد غیرمالی بازارمحصول در رابطه بین فعالیت‌های محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی با عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ۲۴۱
- زهرا ذوالفقاری، ناصر ایزدی نیا و سعید علی احمدی
- ارزیابی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در آینده‌ی مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ۳۱۳
- امیرحسین اسدی، حسین بدیعی، رویا دارابی، نوروز نوراله زاده
- طراحی چارچوب استیلای‌گرایی قدرت شرکای حسابرسی: شناسایی علل کلیدی مؤثر بر آموانه‌گرایی شریک حسابرسی ۲۴۹
- فرزانه پورمهدی بروجنی، بهاره بنی طالبی دهکردی، حمیدرضا جعفری دهکردی

مرور نظام‌مند ادبیات نااطمینانی با رویکرد فراترکیب^۱بهرنگ پارسافرد^۲، قاسم بولو^۳، مقصود امیری^۴، محمدجواد سلیمی^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده

وجود ثبات بر فرآیند برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیمات بهینه توسط مدیران، تاثیرگذار است؛ نااطمینانی و بی‌ثباتی در ادبیات مالی و اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین عوامل موثر بر میزان و سطح سرمایه‌گذاری در کشورها معرفی شده‌اند. تاثیر نااطمینانی بر کاهش درآمد و سودآوری شرکت‌ها و به تبع آن عدم جذابیت بازار مالی کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی، توجه صاحب‌نظران و محققین را به خود جلب نموده است. هدف پژوهش حاضر، مرور نظام‌مند تحقیقات نااطمینانی با هدف تعیین روندهای آتی این حوزه تحقیقاتی می‌باشد. برای این منظور، از مرور نظام‌مند ادبیات با رویکرد فراترکیب استفاده می‌شود. بعد از تعیین پروتکل جستجو و شاخص‌های انتخاب مقالات، در نهایت ۶۸ مقاله انتخاب شدند. ارزیابی مقالات انتخاب شده منجر به شناسایی ۴۷ مولفه به همراه شاخصه‌های اندازه‌گیری مربوط به هر مولفه گردید. مولفه‌های نااطمینانی در چهار بعد شرکت، صنعت، اقتصاد کلان و اقتصاد بین‌الملل طبقه‌بندی شدند. بررسی تحقیقات انجام شده در بعد شرکت نشان‌دهنده علاقه محققین به بررسی نااطمینانی‌های مربوط به زنجیره بالادستی و پایین‌دستی است؛ در واقع مدیران و سهامداران شرکت‌ها نسبت به تامین مواد اولیه تولید و فروش محصولات تولید شده نااطمینانی دارند. در ادامه مقالات جریان‌ساز و نویسندگان پرستاد در هر دوره مورد اشاره قرار گرفتند. نویسندگان بر این باورند که روند تحقیقات آتی حوزه نااطمینانی بر تحقیقات ترکیبی در دو بعد جهانی و شرکتی متمرکز خواهد بود و محققین به بررسی تاثیر نااطمینانی بر شرکت‌های بین‌المللی خواهند پرداخت؛ این مسیر تحقیقاتی چند سالی است که با جنگ تعرفه‌ای ایالات متحده آمریکا و چین شروع شده و با تغییرات نرخ مالیات توسط دولت‌ها تشدید شده است؛ لذا به نظر می‌رسد روند تحقیقات در حوزه آریترائز مالیاتی افزایشی خواهد بود. همچنین با توجه به روند افزایشی تحقیقات مشترک در حوزه نااطمینانی و رمزارزها انتظار می‌رود این مسیر تحقیقاتی به یکی از اصلی‌ترین مسیرها در مطالعات نااطمینانی تبدیل شود.

واژه‌های کلیدی: نااطمینانی، مرور نظام‌مند، فراترکیب، بی‌ثباتی، حجم تولید بهینه، رمزارز.

طبقه‌بندی موضوعی: D81, G1.

10.22051/jera.2024.47279.3248.doi .1

2. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
(behrang.parsafard@yahoo.com)

3. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (blue@atu.ac.ir)

4. استاد، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (amiri@atu.ac.ir)

5. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (j_salimi@atu.ac.ir)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه^۱

پیش‌بینی آینده در زمینه‌های مختلف، همواره برای انسان جالب و جذاب بوده است. به جرات می‌توان گفت که پیش‌بینی آینده و روند تغییرات در همه حوزه‌ها، از دغدغه‌های اصلی و همیشگی مدیران سطوح بالا و میانی شرکت‌ها می‌باشد (فینگر^۲، ۱۹۹۴).

واحدهای تجاری، همواره با فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی روبه‌رو می‌شوند و نیازمند تصمیم‌گیری منطقی نسبت به یک سرمایه‌گذاری بهینه هستند. در واقع، سرمایه‌گذاری هر واحد تجاری باید با توجه به محدودیت منابع و کارا بودن آن صورت بگیرد. اما مسئله اصلی، انتخاب طرح‌ها و تصمیم‌گیری راجع به فرصت‌های سرمایه‌گذاری یا تغییرات سطوح سرمایه‌گذاری به‌وسیله مدیران واحد تجاری است (ثقفی و معتمدی، ۱۳۹۰)؛ شناخت فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری در بازار اوراق بهادار، نیازمند تحلیل دقیق صورت‌های مالی شرکت‌ها و پیش‌بینی مناسب سود آتی است، بنابراین تحلیل و پیش‌بینی متغیرهای موثر بر افزایش سودآوری و همچنین موانع سودآوری شرکت‌ها، همواره مدنظر سرمایه‌گذاران، کارگزاران و سایر افراد ذی‌نفع در بازار اوراق بهادار می‌باشد (فینگر، ۱۹۹۴). یکی از مهمترین موانع افزایش درآمد شرکت‌ها و سودآوری فعالیت‌های تجاری مفهوم نااطمینانی است.

ثبات اقتصاد کلان و روشن بودن جهت کلی سیاست‌های اقتصادی، فضای مناسبی را برای فعالیت‌های عاملان اقتصادی و بخش خصوصی فراهم می‌کند. یکی از مفاهیم مرتبط با موضوع بی‌ثباتی و نوسانات اقتصادی مفهوم نااطمینانی است (واعظ و درسه، ۱۳۹۷). در دنیای واقعی، اقتصاد مملو از نااطمینانی نسبت به عوامل اقتصادی و مالی است، که به بروز ریسک و مخاطره در فضای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران منجر شده و از طریق تاثیر بر رفتار آنها منابع کمیاب سرمایه را جذب فعالیت‌های دیگر با بازده کمتر یا کارکرد منفی در اقتصاد می‌کند. ریسک و بی‌ثباتی در ادبیات مالی به عنوان یکی از مهمترین عوامل موثر بر میزان و سطح سرمایه‌گذاری در کشورها معرفی شده‌اند. این عوامل نه تنها منجر به کاهش سودآوری شرکت‌ها و به تبع آن عدم جذابیت بازار مالی کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود، بلکه با تسهیل سرمایه‌گذاری مطمئن در کشورهای دیگر سرمایه‌های داخلی نیز در جستجوی دارایی‌های امن

۱. پژوهش حاضر مستخرج از رساله دکتری می‌باشد

و با ریسک کمتر از کشور خارج می‌شوند. البته پدیده نااطمینانی یکی از ویژگی‌های اساسی انگیزه سرمایه‌گذاری است (دارابی و همکاران، ۱۴۰۰).

نااطمینانی شرایطی است که در آن یا پیشامدهای ممکن که در آینده اتفاق می‌افتد مشخص و معلوم نیست یا اینکه در صورت مشخص بودن، احتمال وقوع آنها یا تابع توزیع آنها نامشخص است. در چنین شرایطی با وجود هر دو یا یکی از حالت‌های فوق، تصمیم‌گیری در مورد آینده پیچیده و دشوار می‌شود و اصطلاحاً عنوان می‌شود که فضای نااطمینانی بر تصمیمات حاکم شده است (دارابی و همکاران، ۱۴۰۰ و ال‌علی، ۲۰۲۰).

در بازارهای جهانی بعد از افزایش چشمگیر نااطمینانی اقتصادی، بسیاری از شرکت‌ها سیاست‌های سرمایه‌گذاری خود را تغییر دادند؛ بعد از تأثیرات عمیق رکود جهانی، موسسه روابط سرمایه‌گذاری ملی^۱ یک نظرسنجی در سطح شرکت‌های بزرگ ترتیب داد که نتایج حاکی از تأثیر ۶۴ درصدی نااطمینانی بر تغییر سیاست‌های سرمایه‌گذاری بود (مورگان^۲، ۲۰۰۹)؛ در واقع هنگامی که اطلاعات کاملی در خصوص آینده شرکت وجود داشته باشد، شرکت‌ها با حداکثر سودآوری قادر به تصمیم‌گیری در خصوص تصمیمات سرمایه‌گذاری‌های خود هستند. به بیانی دیگر، نااطمینانی در خصوص آینده بر تصمیمات سرمایه‌گذاری‌های شرکت تأثیرگذار است. نقش نااطمینانی در خصوص سرمایه‌گذاری‌های شرکت هنگامی بیشتر نمایان می‌شود که سرمایه‌گذاری‌های شرکت در موارد برگشت‌ناپذیر باشد (ال‌علی^۳، ۲۰۲۰)؛ همچنین از آنجا که سیاست‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در شرایط نااطمینانی اقتصادی با تردید روبه‌رو می‌شوند، انتظار می‌رود که نااطمینانی اقتصادی محیط فعالیت شرکت‌ها، ارتباط مستقیمی با نااطمینانی اقتصادی در سیاست‌های سرمایه‌گذاری داشته باشد. چرا که اصولاً تصمیمات سرمایه‌گذاری، تصمیمات بلندمدت و هزینه بر هستند و اساساً در محیط بی‌ثبات اقتصادی سرمایه‌گذاری‌ها دارای ریسک بیشتری هستند که این امر می‌تواند ثبات سرمایه‌گذاری‌های شرکت را از طریق تأثیر بر هزینه‌ها، تقاضا و سودآوری، دچار اختلال نماید؛ مسائل پیش گفته در ایران به دلیل تحریم‌ها و مشکلات محیط اقتصادی ایران پررنگ‌تر است و موجب کاهش نرخ سرمایه‌گذاری خارجی و به اصطلاح فرار سرمایه شده است. بر این اساس بروز نااطمینانی

1 - National Investment Relations Institute

2- Morgan

3- Alaali

بر کلیه تصمیمات استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و تصمیمات شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد (فینگر، ۱۹۹۴).

پژوهشگران متعددی از جمله کولاک^۱، جنز^۲، کلی^۳ و پاستور^۴ تاثیر نااطمینانی بر متغیرهای گوناگون از جمله سرمایه‌گذاری، مدیریت نقدینگی، هزینه حقوق صاحبان سهام و ... بررسی کرده‌اند و در این رابطه نوسانات قیمت نفت خام، نوسانات بازار سرمایه، ریسک‌های مالی و ریسک‌های اقتصادی را به عنوان شاخص اندازه‌گیری نااطمینانی در نظر گرفته‌اند.

شواهد حاکی از آن است که نااطمینانی کاملاً بر راهبری شرکت و تصمیمات مدیران موثر است. لذا بررسی تحقیقات موجود در این حوزه می‌تواند به درک بیشتر عوامل ایجادکننده نااطمینانی در رابطه با درآمد و سودآوری شرکت‌ها کمک کند و قانون‌گذاران می‌توانند با کاهش نااطمینانی‌های مرتبط با سیاست‌های بودجه‌ای، مالی و اقتصادی، به بازار سرمایه از طریق بهبود سودآوری شرکت‌ها کمک کنند؛ بر این اساس مقاله حاضر با هدف ارتقاء درک موضوع نااطمینانی با انجام روش‌های مرور نظام‌مند ادبیات^۵ با رویکرد فراترکیب^۶ می‌پردازد. مرور نظام‌مند ادبیات، روشی برای انتخاب نظام‌مند مقالات از پایگاه‌های اطلاعاتی متعدد و معتبر طبق دستورالعمل منظم است (کولیچیا و استروزی^۷، ۲۰۱۲).

سهم نوآوری پژوهش حاضر، بررسی جامع و نظام‌مند نااطمینانی در تحقیقات گذشته می‌باشد که آغاز طرح و پژوهش روی این موضوع به سال ۱۹۲۱ برمی‌گردد؛ سه وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات دیگر عبارتند از: اول اینکه پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد ترکیبی مرور نظام‌مند ادبیات به بررسی ادبیات حوزه نااطمینانی می‌پردازد. دوم، مدل‌ها، الگوها و رویکردهای موجود در تحقیقات حوزه نااطمینانی به طور مفصل بحث و تحلیل می‌شود. در نهایت، پیش‌بینی روند مطالعاتی آینده در این موضوع تحلیل و بررسی می‌شود.

ساختار ادامه مقاله به صورت زیر می‌باشد. در بخش دوم، مفهوم نااطمینانی و خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش ارائه می‌گردد. بخش سوم به روش‌شناسی پژوهش می‌پردازد. در این بخش، اهداف و سوالات، استراتژی جست‌وجوی مقالات و داده‌های توصیفی بیان و تشریح می‌شود.

1 - Colak
2- Jens
3 - Kelly
4 - Pastor
5 - Systematic Literature Review (SLR)
6 - Meta analysis
7 - Colicchia & Strozzi

در بخش چهارم که نتایج پژوهش بیان می‌شود، مقالات انتخابی و آمار توصیفی از این مقالات ارائه می‌شود. در نهایت در بخش پنجم، بحث و تحلیل بر روی نتایج پژوهش ارائه می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کمیته حمایت از سازمان‌ها در کمیسیون تردوی معروف به کوزو^۱ معتقد است که کسب و کارهای آینده با یک محیط مملو از نااطمینانی مواجه خواهند بود (کوزو، ۲۰۱۷). نااطمینانی شرایطی است که در آن یا پیشامدهای ممکن که در آینده اتفاق می‌افتد، مشخص و معلوم نیست (دارابی و همکاران، ۱۴۰۰ و ال علی، ۲۰۲۰). در واقع نااطمینانی جایی وجود دارد که همه نتایج ممکن مشخص نیست، یا امکان وقوع نتایج به صورت کامل شناخته نشده است، یا مشخص نیست از چه توزیعی پیروی می‌کند و یا اینکه هر دو نتایج و احتمالات ناشناخته‌اند. در مقابل، ریسک جایی وجود دارد که همه نتایج ممکن مشخص است، اما با اطمینان نمی‌توان تعیین کرد کدام نتایج رخ خواهد داد و فقط احتمال وقوع هر یک از نتایج مشخص است؛ احتمال یا توزیع نتایج را، تصمیم‌گیرنده مشخص می‌کند (میگیلینکاس و همکاران^۲، ۲۰۰۸).

تحقیقات اولیه در ارتباط با نااطمینانی در اوایل دهه ۱۹۲۰ توسط نایت^۳ (۱۹۲۱) انجام شد. فرانک نایت اقتصاددان دانشگاه شیکاگو، در کتاب خود با عنوان ریسک، نااطمینانی و سود، تعریفی برای نااطمینانی ارائه داد. نایت در ابتدا مفهوم ریسک را تعریف کرد. از نظر وی ریسک توزیع احتمال شناخته شده پیرامون مجموعه‌ای از حوادث را توصیف می‌کند؛ ریسک متناظر با موقعیت‌هایی است که احتمال‌ها شناخته شده، قابل اندازه‌گیری و یا عینی باشند. اما نااطمینانی بر خلاف این وضعیت است. وی نااطمینانی را به صورت ناتوانی افراد در پیش‌بینی احتمال وقوع حوادث تعریف کرد (هییتی و همکاران، ۱۳۹۵).

بعد از تلاش‌های نایت^۴ (۱۹۲۱) و کینز^۵ (۱۹۳۶) در خصوص تبیین مفهوم نااطمینانی بسیاری از پژوهشگران از جمله برنانکی^۶ (۱۹۸۳) اثرات نااطمینانی را روی حوزه‌های پولی، مالی، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بررسی کرده‌اند. آنها نشان داده‌اند که منابع نااطمینانی محدود به سیاست‌های دولت نیست بلکه قیمت نفت، چشم‌انداز جنگ و بی‌ثباتی سیاسی موجب به تاخیر

1 - Coso(Committee of Sponsoring Organizations)

2 - Migilinskas et al

3 - Knight

4 - Knight

5 - Keynes

6 - Bernanke

انداخته شدن سرمایه‌گذاری و استخدام نیروی جدید از سوی بنگاه‌های اقتصادی می‌شود که این موضوع از طبقه‌بندی نااطمینانی توسط برخی محققین به دو قسمت درونی (در اختیار مدیر) و بیرونی (خارج از اختیارات مدیر) حمایت می‌کند. از سوی دیگر، جدیدترین یافته‌های مدل‌های اقتصادی اخیر، اثرات منفی نااطمینانی روی بازار سهام را نیز تایید می‌کند. مطالعات تجربی در خصوص این موضوع، به صورت معمول روی یک منبع نااطمینانی و یک پیامد اقتصادی متمرکز شده‌اند.

در سال ۱۹۷۷ گالبرایت^۱ مطالعات حوزه نااطمینانی را با انتشار کتاب "عصر نااطمینانی"^۲ وارد مرحله جدیدی کرد. بطوریکه بسیاری از رویدادهای مهمی که توسط رسانه‌ها پوشش داده می‌شد، به عنوان عامل ایجاد کننده نااطمینانی، در ادبیات مالی مورد مطالعه قرار گرفت. نااطمینانی‌های مربوط به جغرافیای سیاسی، رویدادهای خاص صنعت، حتی اخبار خاص شرکت مانند پیش‌بینی‌های نامطمئن فروش، تغییرات (تودیع و معارفه) در سطح مدیریت و شایعات مربوط به قطع همکاری با یک مدیر شایسته، تنها مثال‌هایی از نااطمینانی است؛ بنابراین برخی محققین، نااطمینانی را به صورت غیرقابل پیش‌بینی بودن سیاست‌های مالی، نظارتی و پولی یاد می‌کنند که در نهایت به نوسانات بازار منجر می‌شود. در واقع، نااطمینانی را می‌توان به عنوان تغییرات غیرمنتظره‌ای که بر محیط اقتصادی تأثیر می‌گذارند، و چگونگی این تأثیرات، تعریف کرد (ابل^۳، ۱۹۸۳).

به جرات می‌توان گفت که مدل تدوین شده توسط موسسه راهبری ریسک پروژه‌ها^۴ (۱۹۸۵) به منظور اندازه‌گیری نااطمینانی اقتصادی، ارزشمندترین کار تحقیقاتی در این حوزه می‌باشد و رتبه بالایی استنادی مقاله مربوط به این مدل، گواه این ادعاست. مدل مذکور از ۱۰ متغیر تشکیل شده که عمدتاً با استفاده از متغیرهایی که بانک‌های مرکزی افشاء می‌کنند قابل محاسبه است. این مدل با اساس ویژگی‌های محیطی ایالات متحده تدوین شده است لیکن در بسیاری از مقالات محققین با استفاده از این مدل به مقایسه کشورهای توسعه یافته از منظر نااطمینانی پرداخته‌اند.

1 - Galbraith

2 - The Age of Uncertainty

3 - Abel

4 - Project Risk Governance

بالانتین و همکاران^۱ (۱۹۹۳) رابطه اندازه و سودآوری شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند؛ آنها طی تحقیقات خود دریافتند که اندازه شرکت از عوامل ایجاد کننده نااطمینانی است بطوریکه در یک صنعت خاص هر چه اندازه شرکت کوچک‌تر باشد نااطمینانی سهامداران نسبت به سودآوری آن شرکت بیشتر است زیرا شرکت‌های بزرگ در یک صنعت سیاست‌های خود را بر کل صنعت (من جمله شرکت‌های کوچک) تحمیل می‌کنند و این سیاست‌ها ممکن است در جهت سودآوری شرکت‌های کوچک نباشد. پمبرتون^۲ (۱۹۹۷) نااطمینانی درآمد را با استفاده از چرخه‌ی عمر شرکت‌ها مدل‌سازی کرد؛ بدین منظور او از آن دسته از مدل‌هایی که نرخ‌های بهره مشخص و ثابت دارند اما نسبت به دستمزد آتی نیروی کار نااطمینانی وجود دارد، بهره گرفت. طی تحقیقات پمبرتون مشخص شد نااطمینانی در چرخه‌ی عمر با یک فرآیند تصادفی همراه است لذا با نتایج تحقیقات دیگر در این حوزه مغایر است. بولان^۳ (۲۰۰۵) طی پژوهشی بر مبنای داده‌های ترکیبی که حاصل از نتایج عملکرد شرکت‌های امریکایی بود، به این نتیجه رسید که نااطمینانی ناشی از نوسانات بازده سهام تاثیر منفی و معناداری بر روی سرمایه گذاری در سطح شرکت می‌گذارد که مشتمل بر جریان‌ات نقدی نیز می‌باشد.

بعد از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ نااطمینانی پیرامون سیاست‌های اقتصادی دولت، به دلیل نااطمینانی مشاغل و خانواده‌ها در رابطه با چارچوب‌های نظارتی آتی دولت، سیاست‌های مالی، مخارج، هزینه‌های درمانی و مالیات به اوج خود رسید؛ نااطمینانی پیرامون سیاست‌های اقتصادی دولت، خروج از رکود را دشوارتر می‌کند زیرا مشاغل و خانواده‌ها سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های مصرفی خود را به آینده موکول می‌کنند. در سال‌های پس از بحران مالی جهت تحقیقات به سمت نااطمینانی‌های ناشی از بحران‌های مالی تغییر کرد؛ ادبیات پژوهش نشان می‌دهد نااطمینانی می‌تواند مدیریت را محافظه‌کار کند و از این طریق بر تصمیمات درون سازمانی و برون سازمانی شرکت تاثیرگذار باشد (بلوم^۴، ۲۰۰۹؛ پانوسی و پاپانیکولاو^۵، ۲۰۱۲). نااطمینانی باعث کاهش تزریق سرمایه به اقتصاد می‌شود و هزینه تامین مالی را به شدت افزایش می‌دهد لذا بر تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه شرکت که یکی از حیاتی‌ترین تصمیمات است، تاثیر می‌گذارد

1 - Ballantine et al

2 - pemberton

3 - Bulan

4 - Bloom

5 - Panousi & Papanikolaou

(کولاک و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ جنز^۲، ۲۰۱۷؛ کلی و همکاران^۳، ۲۰۱۶؛ پاستور و ورنوسی^۴، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳). موهن و میسوند^۵ (۲۰۰۹). شرکت‌های فعال در صنعت نفت و گاز را مورد بررسی قرار داده و تاثیر بلندمدت دو معیار نااطمینانی یعنی نوسانات قیمت نفت و نوسانات بازده را بر روی سطح سرمایه‌گذاری را ارزیابی کردند. نتایج حاکی از تاثیر منفی نوسانات بازده سهام بر روی سرمایه‌گذاری و همچنین تاثیر مثبت نوسانات قیمت نفت بر روی سرمایه‌گذاری در بلندمدت بود. زمان خان و همکاران^۶ (۲۰۱۱)، مدل اندازه‌گیری نااطمینانی محیطی را با استفاده از پرسشنامه تدوین کردند. پرسشنامه مذکور متشکل از ۳۷ سوال در حوزه‌های مالی و غیر مالی بود که عمدتاً بر اساس اطلاعاتی که از طریق صورت‌های مالی افشا می‌شود، طراحی شده بود. جورادو و همکاران^۷ (۲۰۱۵)، به منظور اندازه‌گیری نااطمینانی، داده‌هایی در سطح شرکت را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و دریافتند نااطمینانی متغیر با زمان اقتصاد کلان بر چرخه‌های تجاری موثر است و شوک‌های اقتصاد کلان موجب کاهش سودآوری شرکت‌ها می‌شود.

بیکر و همکاران (۲۰۱۶) نااطمینانی سیاسی را به صورت نامشخص بودن سیاست‌های آتی دولت و چارچوب‌های نظارتی تعریف کردند. پژوهش بیکر و همکاران یکی از مهمترین و پر استنادترین تحقیقات در حوزه نااطمینانی است؛ بطوریکه مدل پیشنهاد شده ایشان توسط بسیاری از محقق برای اندازه‌گیری نااطمینانی مورد استفاده قرار گرفته است. آنها به منظور تدوین مدل اندازه‌گیری نااطمینانی اقتصادی از فراوانی پوشش روزنامه‌ها استفاده کردند. نویسندگان با بررسی تیتراصلی ۱۲۰۰۰ روزنامه در طول چند دهه، نااطمینانی سیاسی را مدل سازی کردند، آنها به دنبال مقالاتی بودند که در آنها کلمات «اقتصاد» و «نااطمینانی» و یکی از کلمات «کنگره»، «کمبود» و مانند آن به کار رفته باشد. شواهد حاکی از این بود که برای ایالات متحده نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری، جنگ‌های خلیج فارس اول و دوم، حملات ۱۱ سپتامبر، اختلاف سقف بدهی در سال ۲۰۱۱ و سایر نبردهای بزرگ، شاخص نااطمینانی سیاسی افزایش می‌یابد. همچنین داده‌ها در سطح شرکت، حاکی از این امر بود که عدم قطعیت سیاسی با نوسانات بیشتر قیمت سهام به علت تردید در سودآوری شرکت‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال در

1 - Colak, Durnev, & Qian,

2 - Jens

3 - Kelly, Pastor, & Veronesi

4 - Pastor & Veronesi

5 - Mohn, Misund

6 - Zaman Khan

7 - Jurado et al

بخش‌های حساس به سیاست مانند دفاع، مراقبت‌های بهداشتی، مالی و ساخت‌وساز زیرساخت مرتبط است. پیامدهای ناشی از انتخابات ریاست جمهوری نیز به عنوان یکی از شاخص‌های نااطمینانی سیاسی که در همه کشورها رخ می‌دهد مورد توجه پژوهشگران زیادی قرار گرفته است (وایسمن و همکاران^۱، ۲۰۱۵؛ آتاناسو و همکاران^۲، ۲۰۱۹؛ لی و همکاران^۳، ۲۰۲۰؛ دای و نکو^۴، ۲۰۲۱).

دربتز و همکاران^۵ (۲۰۱۸) رابطه بین نااطمینانی محیطی، هزینه حقوق صاحبان سهام و سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که بین سرمایه‌گذاری و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین سایر یافته‌ها بیانگر آن است که نااطمینانی محیطی رابطه منفی بین متغیرهای یاد شده را کاهش می‌دهد. افزایش نااطمینانی محیطی فرار سرمایه و هزینه حقوق صاحبان سهام را افزایش می‌دهد.

همه‌گیری کووید ۱۹ تحقیقات حوزه نااطمینانی را کاملاً تحت تاثیر قرار داد و پژوهشگران نااطمینانی را بیشتر در سطح جهانی (اقتصاد بین‌المللی) مورد بررسی قرار دادند. پژوهش‌های میدانی صورت گرفته توسط سینر^۶ (۲۰۲۱)، نشان می‌دهد که نااطمینانی صورت گرفته بعد از همه‌گیری کووید ۱۹ تاثیرات منفی بسیار زیادی بر سودآوری شرکت‌ها گذاشته است که این نااطمینانی به عنوان نااطمینانی محیطی شناخته می‌شود (در ادامه نااطمینانی محیطی از دیدگاه پژوهشگران مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد). داربتز و همکاران^۷ (۲۰۱۸) رابطه بین نااطمینانی محیطی، هزینه حقوق صاحبان سهام و سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که بین سرمایه‌گذاری و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین سایر یافته‌ها بیانگر آن است که نااطمینانی محیطی رابطه منفی بین متغیرهای یاد شده را کاهش می‌دهد. افزایش نااطمینانی محیطی حساسیت‌ها به سرمایه‌گذاری و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های دارای مالکیت شرکت‌های را کاهش می‌دهد.

1 - Waisman et al

2 - Atanassov et al

3 - Lee et al

4 - Dai & Ngo

5 - Drobotz et al

6 - Ciner

7 - Drobotz, Ghoul, Guedhami, Janzen

قایول و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی نااطمینانی سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از داده‌های ۱۹ کشور، پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که با افزایش نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. این رابطه برای شرکت‌های وابسته به دولت و شرکت‌های با ریسک سیاسی بالاتر قوی‌تر بود. همچنین فان و همکاران^۲ (۲۰۲۱) نااطمینانی سیاسی و ثبات مالی که با استفاده از داده‌های بدست آمده از ۲۳ کشور در بازه زمانی ۲۰۱۶-۱۹۹۶ انجام شد، بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که نااطمینانی سیاسی تاثیر منفی و معنادار بر ثبات مالی دارد. در کشورهای دارای رقابت بالاتر و کشورهای دارای بازارهای مالی کوچک‌تر این رابطه قوی‌تر است.

دای و نگو^۳ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی نااطمینانی سیاسی و محافظه‌کاری پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که نااطمینانی سیاسی عدم تقارن اطلاعاتی را افزایش داده و در نتیجه باعث افزایش محافظه‌کاری می‌شود. همچنین نتایج پژوهش بیانگر این بود که ویژگی مذکور در شرکت‌هایی که دارای اهرم مالی بالاتری بودند و شرکت‌هایی که مشخصه مالکیت مدیریتی آنها پایین‌تر بود قوی‌تر است. لی و همکاران^۴ (۲۰۲۰) نیز در پژوهشی به مطالعه نااطمینانی سیاسی بر چسبندگی هزینه پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که نااطمینانی سیاسی ناشی از انتخابات بر چسبندگی هزینه‌ها تاثیر دارد؛ به این معنا که در سال‌هایی که انتخابات در آن‌ها برگزار شده بود در مقایسه با سایر سال‌ها رفتار هزینه‌ها از چسبندگی بیشتری برخوردار بود. در واقع در شرایط نااطمینانی مدیران تمایل بالایی به حفظ شرایط موجود داشتند.

چن و همکاران^۵ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای چگونگی اثر ادراک مدیریتی از نااطمینانی بر کشش بها را بررسی کردند. نویسندگان با استفاده از یک رویکرد منحصربه‌فرد، تأثیر نااطمینانی در مورد حاشیه سود هر واحد و حجم فروش را بر کشش بها تحلیل می‌کنند. یافته‌های آن‌ها وجود ارتباط مثبت معنادار بین نااطمینانی در مورد حاشیه سود و کشش بها و ارتباط منفی با نااطمینانی

1 - Ghoul et al

2 - phan et al

3 - Dai & Ngo

4 - Lee et al

5 - Chen, Kama & Lehavy

در مورد حجم فروش، با تغییرات بر اساس ویژگی‌های شرکت و صنعت را نشان می‌دهد. این امر بر اهمیت درک تأثیر نااطمینانی بر تصمیمات تخصیص منابع و شکل دادن کسب‌وکارها تأکید می‌کند. این مطالعه با ارائه شواهد تجربی حمایت از استدلال‌های نظری، برجسته کردن رابطه پویا بین نااطمینانی و کسب‌وکارها و تأکید بر نیاز به در نظر گرفتن انواع مختلف نااطمینانی و ویژگی‌های شرکت، به تجزیه و تحلیل این رابطه کمک می‌کند؛ به طور کلی، نتایج مطالعات حوزه نااطمینانی در سطح شرکت مبین این موضوع است که شرکت‌ها در مواجهه با شرایط نااطمینانی به علت افزایش هزینه‌های استقراض، سیاست‌های محافظه‌کارانه‌تری اتخاذ می‌کنند (کولاک و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ جنز^۲، ۲۰۱۷؛ کلی و همکاران^۳، ۲۰۱۶؛ پاستور و ورنوسی^۴، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳). بنابراین شرکت‌ها کمتر سرمایه‌گذاری می‌کنند (گولن و جون^۵، ۲۰۱۵). تحت شرایط نااطمینانی عرضه‌های اولیه سهام کمتر صورت می‌گیرد (کولاک و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین ترکیب‌های تجاری کمتری انجام می‌گیرد (بونامی و همکاران^۶، ۲۰۱۸؛ نگوین و فان^۷، ۲۰۱۷) و سیاست‌های پرداخت محافظه‌کارانه‌تری را اتخاذ می‌کنند (پانوسی و پاناکولاسو^۸، ۲۰۱۲؛ والکوپ^۹، ۲۰۱۶) و شرکت تمایل به نگهداشت بیشتر وجه نقد نشان می‌دهند (دمیر و ارسان^{۱۰}، ۲۰۱۶؛ فان و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۹).

تحقیقات داخلی نیز انواع نااطمینانی‌های سیاسی، اطلاعاتی و ... را مورد بررسی قرار دادند. دلاوری و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر نااطمینانی بر هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران را در خلال سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار دادند. نویسندگان به تبعیت از بیکر و همکاران^{۱۲}

-
- 1 - Colak, Durnev, & Qian,
 - 2 - Jens
 - 3 - Kelly, Pastor, & Veronesi
 - 4 - Pastor & Veronesi
 - 5 - Gulen & Ion
 - 6 - Bonaime et al
 - 7 - Nguyen & Phan
 - 8 - Panousi & Papanikolaou
 - 9 - Walkup
 - 10 - Demir & Ersan
 - 11 - Phan et al
 - 12 - Baker et al

(۲۰۱۶) ابهام ناشی از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را معیار اندازه‌گیری نااطمینانی سیاسی در نظر گرفتند. نتایج حاکی از تاثیر نااطمینانی سیاسی بر هزینه سرمایه بود و بر این اساس پژوهشگران نتیجه گرفتند که تامین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام در سال‌هایی که انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود برای شرکت‌ها مناسب نیست و در صورت لزوم بهتر است از ابزارهای مبتنی بر بدهی تامین مالی کنند. دارایی و همکاران (۱۴۰۰) تاثیر نااطمینانی اقتصادی بر ریسک سقوط سهام را مورد بررسی قرار دادند؛ آنها به منظور اندازه‌گیری نااطمینانی از ریسک اقتصادی (شامل ۵ متغیر) و ریسک مالی (شامل ۵ متغیر) استفاده کردند و نتایج حاکی از این بود که نااطمینانی اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر سقوط سهام تاثیر مثبت دارد. ابراهیم پور و همکاران (۱۳۹۷) تاثیر نااطمینانی محیطی با میانجی‌گری انعطاف‌پذیری تولید و کارایی عملیاتی و تعدیل‌گری ظرفیت جذب عملیاتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که عملکرد شرکت با افزایش انعطاف‌پذیری تولید و کارایی عملیاتی می‌تواند افزایش یابد و با افزایش انعطاف‌پذیری، به تغییرات محیطی پاسخ مؤثرتری داده می‌شود. رجیبی و تاج‌الدین (۱۳۹۵)، تحلیل تاثیر نااطمینانی اقتصاد کلان بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ایران در بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنان حاکی از آن است که تاثیر نااطمینانی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی منفی و معنادار بوده است. مرشدی و حسینی (۱۴۰۱) معیارهای سنجش ریسک شرکت‌ها به منظور ورود به بازار سرمایه را شناسایی نمودند که معیارهای پیشنهاد شده توسط نویسندگان در خصوص شرکت‌های در مانده و ورشکسته مصداق داشته و تاییدی بر مولفه‌های درماندگی و ورشکستگی می‌باشد؛ همچنین تامرادی و همکاران (۱۴۰۱) مدیریت ریسک شرکتی را با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی^۱ و مدل راف توسعه یافته^۲، مدل‌سازی نمودند. حجازی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با موضوع هموارسازی سود و نااطمینانی اطلاعاتی، به منظور اندازه‌گیری نااطمینانی اطلاعاتی از دو متغیر خطای پیش‌بینی سود هر سهم و تغییر پذیری بازده سهام استفاده کردند. نتایج حاکی از وجود رابطه منفی معنی‌دار بین هموارسازی سود و نااطمینانی اطلاعاتی بود.

1 - Analytical Hierarchy process

2 - Rough Developed theoretical Model

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی تحقیق، بررسی و مرور ادبیات و رویکردهای موجود در حوزه نااطمینانی و پیش‌بینی روند آینده آن می‌باشد. متناسب با این هدف و مطابق با روش مرور نظام‌مند ادبیات نیاز است سوالاتی مطرح شود. این سوالات عبارتند از:

۱. چه الگوها و مدل‌هایی برای نااطمینانی در تحقیقات و مطالعات قبلی استفاده شده است؟
۲. دیدگاه‌های محققین در مطالعات نااطمینانی کدامند و از چه جنبه‌هایی به این مفهوم پرداخته شده است؟
۳. مسیر پیش رو برای مطالعات و تحقیقات آینده در حوزه نااطمینانی به چه صورت است؟
۴. در مرحله دوم مرور نظام‌مند ادبیات نااطمینانی آغاز می‌شود. در پژوهش حاضر با توجه به موضوع پژوهش ۶ پایگاه اطلاعاتی معتبر بین‌المللی به شرح زیر به منظور جستجوی مطالعات انتخاب می‌شوند.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر با به کارگیری یک روش موثر در بررسی مطالعات، به تحلیل جامع در حوزه نااطمینانی می‌پردازد. بررسی نظام‌مند ادبیات در دهه اخیر مورد توجه بسیاری از محققان در علوم مختلف قرار گرفته است (گلو سین و نایم^۱، ۲۰۰۹؛ کولیچیا و استروزی، ۲۰۱۲؛ موریوکا و کاروالهو^۲، ۲۰۱۶). بررسی نظام‌مند ادبیات هر موضوعی نیازمند سه مرحله می‌باشد (شکل ۱). در مرحله اول که ساختار پژوهش شکل می‌گیرد، به ترتیب اهداف و سوالات، سپس پروتکل جستجو و بررسی مقالات و در نهایت شیوه تجزیه و تحلیل مشخص می‌شود. در مرحله دوم، فعالیت‌های مورد نیاز برای جمع‌آوری، استخراج و تجزیه و تحلیل تحقیقاتی که از لحاظ کیفی

1 - Gosling & Naim

2 - Morioka & Carvalho

ارزیابی شده‌اند، انجام می‌گردد. در مرحله نهایی تجزیه و تحلیل نتایج و پیشنهادهای ارائه می‌شود. در ادامه به تفصیل به فعالیت‌های اجرایی در هر مرحله پرداخته خواهد شد.

مرور نظام‌مند ادبیات با رویکرد فراترکیب

بررسی نظام‌مند ادبیات پژوهش که شامل شناسایی، ارزیابی و گزارشگری تمام تحقیقات موجود در یک زمینه و یا موضوع خاص است که یک مطالعه ثانویه از مقالات و مطالعات گذشته است (کیتچنهام و همکاران^۱، ۲۰۱۰). بررسی نظام‌مند ادبیات پژوهش می‌تواند برای شناسایی شکاف موجود در تحقیقات به منظور پیشنهادهایی برای انجام و یا تهیه چارچوب فعالیت‌های تحقیقاتی جدید انجام شود. بررسی نظام‌مند باید طبق یک استراتژی جستجو از پیش تعیین شده باشد که توانایی ارزیابی تحقیقات را داشته باشد. با استفاده از مرور ادبیات تحقیق، محققان می‌توانند دقیق، جامع و تکراری بودن فرآیند پژوهش را ارزیابی کنند و اطلاعاتی درباره کارایی روش‌های تجربی به دست آورد یا تکنیک‌هایی که در مقالات کمتر مورد تاکید و توجه هستند را شناسایی کرد.

در پژوهش حاضر از روش فراترکیب بر اساس الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکس و باروسو^۲ استفاده شده است. در مرحله اول فراترکیب به منظور ایجاد چارچوب کلی پژوهش، سوالات پژوهشی به شرح زیر مشخص می‌شوند.

استراتژی جستجو و منابع تحقیقات و مقالات

بعد از تعیین اهداف و سوالات باید تحقیقات و مطالعات موجود در این زمینه شناسایی شوند. در این پژوهش فرض می‌شود که نتایج مستخرج از کتاب‌ها و گزارش‌های فنی در مقالات معتبر آمده‌اند و فقط به بررسی مقالات موجود پرداخته می‌شود. پایگاه‌های اطلاعاتی دیجیتال مورد استفاده در این پژوهش و میزان استخراج مقاله و کلمات مورد استفاده در جستجو در جدول ۱ آمده است. کلمات کلیدی برای موضوع نااطمینانی شامل *Income Uncertainty*

1 - Kitchenham et al.

2 - Sandelowski & barroso

پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهاردهم، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۳

Return Uncertainty، Earning Uncertainty، Profit Uncertainty و Revenue Uncertainty می‌باشند.

جدول ۱. پایگاه‌های اطلاعاتی و کلمات کلیدی پژوهش

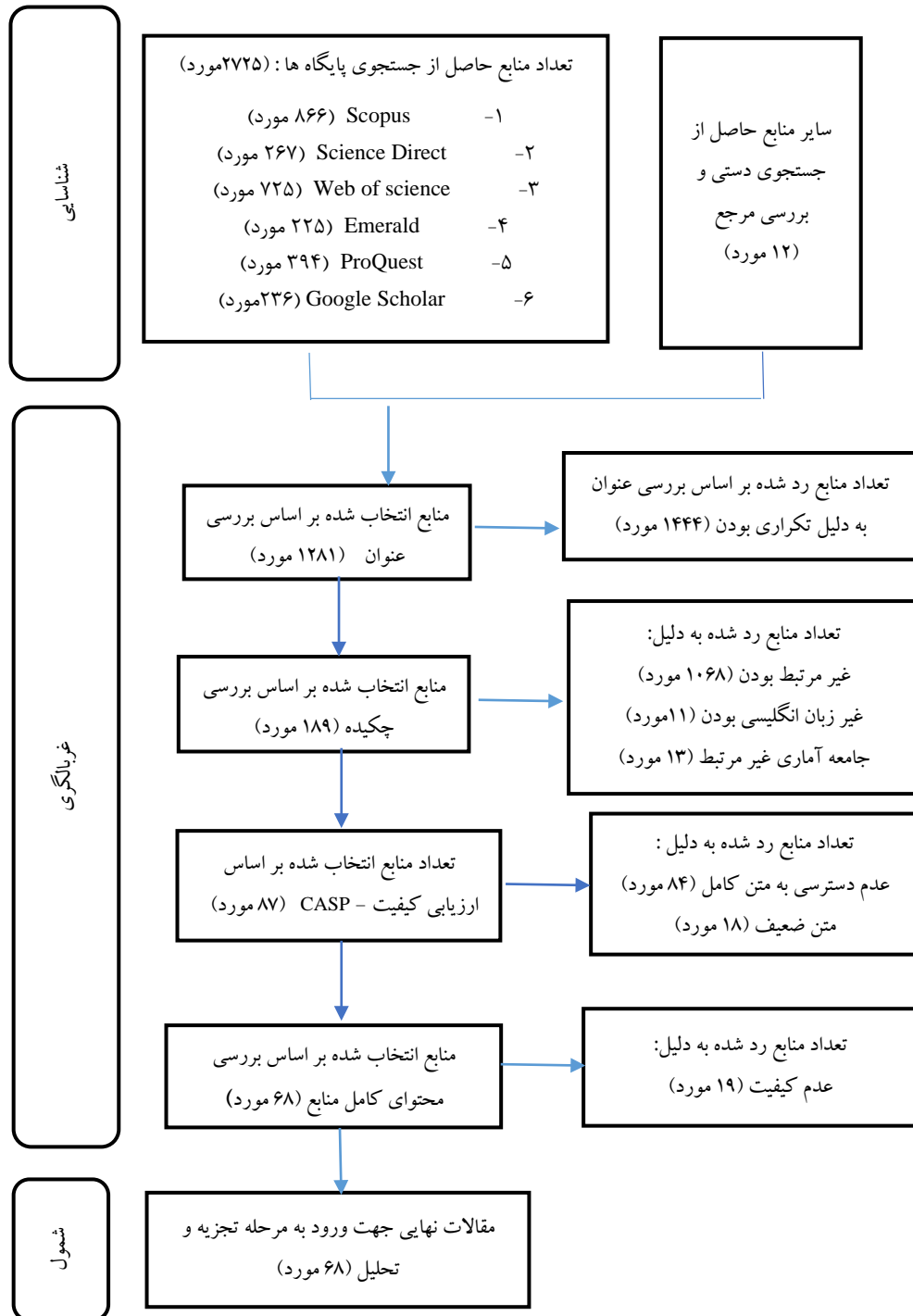
کلمات کلیدی	پایگاه اطلاعاتی
Income Uncertainty	Emerald
Profit Uncertainty	Google Scholar
Earning Uncertainty	Sciencedirect
Return Uncertainty	Scopus
Revenue Uncertainty	Web of Science
	Springer

مرحله سوم فراترکیب به غربالگری و انتخاب متون مناسب اختصاص دارد. شکل ۲ فرآیند جستجوی پژوهش را نشان می‌دهد که طبق این فرآیند، ۲۷۲۵ مقاله ابتدایی از طریق جستجوی کلمات کلیدی در پایگاه‌های اطلاعاتی شناسایی شده و بر اساس نام (۱۴۴۴ مقاله رد)، خلاصه مقاله (۱۰۹۲ مقاله رد)، شاخص پذیرش و رد (جدول ۲) (۱۰۲ مقاله رد)، بر اساس مرور متن مقاله (۱۹ مقاله رد) غربال گردیده و در نهایت ۶۸ مقاله به عنوان مقالات نهایی برای انجام تجزیه و تحلیل انتخاب شدند.

جدول ۲. شرایط انتخاب و رد مقالات

معیارهای پذیرش مقالات	معیارهای رد مقالات
زبان انگلیسی و مرتبط با موضوع و کلمات کلیدی	مقالات غیر زبان انگلیسی
چاپ شده در ژورنال	غیر مرتبط با سوالات تحقیق
تحقیقات منتشر شده در پایگاه‌های الکترونیکی	مقاله‌های کوتاه و کنفرانس‌های غیر معتبر

فرآیند غربالگری در چهار گام از نظر عنوان پژوهش، چکیده پژوهش، محتوای پژوهش و در نهایت کیفیت روش شناختی پژوهش، با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی، مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از غربالگری در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. فرآیند انتخاب مقالات جهت تحلیل (نمودار پرینما)

در مرحله چهارم فراترکیب که استخراج اطلاعات از متون می‌باشد، به طور پیوسته مقالات انتخاب شده مورد مطالعه قرار گرفته و در این راستا کلیه مفاهیمی که منعکس کننده عوامل ایجاد کننده نااطمینانی هستند استخراج و در جدول ای برای تجزیه و تحلیل در مرحله بعد یادداشت گردیدند. در مجموع با بررسی محتوای کامل ۶۸ مقاله انتخاب و ۳۹۸ کد یا مفهوم پایه شناسایی شد. در جدول ۳ مقالات و کدهای استخراج شده ارائه شده‌اند.

جدول ۳. نمونه مقالات و کدهای استخراج شده

ردیف	سال انتشار	کدهای استخراج شده	عنوان	کد مقاله
۱	۱۹۷۳	نااطمینانی حجم تولید بهینه - ارزش اطلاعات کامل - حجم تولید هر محصول در شرایط نااطمینانی - توری تصمیم - حجم، بها و سود - حسابداری صنعتی - رویکردی یزی -	an approach to cost—volume—profit analysis under uncertainty	A1
۲	۱۹۷۵	بازده شرکت از دیدگاه حسابداری - بازده شرکت از دیدگاه اقتصادی - نااطمینانی بازده - اندازه گیری -	Measures of return under uncertainty	A2
۳	۱۹۷۹	رویکرد میانگین واریانس تعمیم یافته - نااطمینانی محیطی - مدل خطی - نااطمینانی درآمد شرکت - نااطمینانی بهای تولید - نااطمینانی محیطی - توری مدرن پورتفولیو	Revenue and cost uncertainty, generalized mean-variance, and the linear complementarity problem	A3
۴	۱۹۷۹	نااطمینانی حجم تولید بهینه - تصمیم گیری حجم تولید هر محصول در شرایط نااطمینانی - توری تصمیم - حجم، بها و سود - حسابداری صنعتی - برنامه فرترن	A general decision model for cost-volume-profit analysis under uncertainty	A4
۵	۱۹۸۰	نااطمینانی قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای - نوسانات نرخ بهره - نوسانات بازده فرصت های سرمایه گذاری - شرایط نااطمینانی	Admissible uncertainty in the intertemporal asset pricing model	A5
۶	۱۹۸۲	نااطمینانی حجم تولید بهینه - حجم تولید هر محصول - توری تصمیم - حجم، بها و سود - حسابداری صنعتی - اختلاف نوسانات حجم، بها و سود از منظر علم حسابداری و اقتصاد - شرایط نااطمینانی	Cost-volume-profit analysis under uncertainty: An integration of economic and accounting concepts	A6
۷	۱۹۸۳	سود شرکت در شرایط نااطمینانی - مدل سود نئوکلاسیک - نوسانات جریان نقدی - نوسانات تولید و فروش - دوره وصول حساب های دریافتی - میزان استفاده از اعتبار تجاری	a neoclassical measure of profit: an extension for uncertainty	A7
۸	۱۹۸۵	بازده غیر عادی - نوسانات قیمت سهام - نااطمینانی ناشی از عدم کفایت نظارت - شرکت های فرعی و وابسته -	bank holding company acquisitions, stockholder returns, and regulatory uncertainty	A8

ردیف	سال انتشار	کدهای استخراج شده	عنوان	کد مقاله
۹	۱۹۸۷	مدیریت بها- مدیریت سود- ناطمینی سود- تجزیه تحلیل حجم، بها و سود- رفتار سرمایه گذار- نرخ بازده مورد انتظار	On adjustment costs, profit uncertainty and investment behavior	A9
۱۰	۱۹۹۲	ذخایر احتیاطی- ناطمینی درآمد- نوسانات اقتصاد کلان- بی ثباتی اقتصاد کلان	earnings uncertainty and precautionary saving	A10
۱۱	۱۹۹۲	ذخایر احتیاطی- بی ثباتی و نوسانات اقتصاد کلان- سرریز نوسانات- واکنش ها به ناطمینی در سطوح مختلف اقتصاد-	a comparison of 2 methods for estimating income uncertainty with an application to aggregate consumption behavior	A11
۱۲	۱۹۹۳	ناطمینی حجم تولید بهینه- تصمیمات مدیریت- حجم تولید هر محصول- تئوری تصمیم- حجم، بها و سود- حسابداری صنعتی- انعطاف پذیری تولید	cost-volume-profit analysis under uncertainty when the firm has production flexibility	A12
۱۳	۱۹۹۳	ناطمینی قیمت- جریان درآمد- میزان ثروت- نوسانات عرضه و تقاضا- نوسانات قیمت محصولات در بازار-	a simple procedure to evaluate ex-ante producer welfare under price uncertainty	A13
۱۴	۱۹۹۳	ناطمینی سودآوری، اندازه شرکت، تعدیل اثرات ناطمینی- استراتژی مواجهه با ناطمینی	Profitability, uncertainty, and firm size	A14
۱۵	۱۹۹۵	ناطمینی نرخ مالیات- مصرف کل- درآمد- بی ثباتی قوانین- همبستگی مصرف و درآمد	tax rate uncertainty and the sensitivity of consumption to income in an overlapping generations model	A15
۱۶	۱۹۹۷	نوسانات نرخ بهره- تنزیل درآمدهای آتی- ذخایر احتیاطی- ناطمینی درآمد- بی ثباتی اقتصاد- چرخه عمر- مدل سازی ناطمینی	Modelling and measuring income uncertainty in life cycle models	A16
۱۷	۱۹۹۸	سیاست های مالیاتی- ناطمینی نرخ مالیات- شرکت های بین المللی- شوک های خاص یک کشور- سیاست جذب سرمایه خارجی	On capital income tax policies under uncertainty	A17
۱۸	۱۹۹۹	ریسک- ویژگی های محیطی- تصمیمات مدیریت- نوسانات درآمد- ناطمینی جریان درآمد-	Decoupling risk taking from income stream uncertainty: A holistic model of risk	A18
۱۹	۲۰۰۱	نرخ ارز- نوسانات نرخ ارز- ناطمینی سودآوری- واریانس سود شرکت-	Exchange rate uncertainty and firm profitability	A19
۲۰	۲۰۰۱	تورم- ناطمینی درآمد- کالاهای بادوام- کاهش ارزش پول ملی- کاهش قدرت خرید	Disinflation, real income uncertainty and the demand for consumer durables in a mean-variance model of portfolio selection	A20
۲۱	۲۰۰۲	تئوری یزی- مدل ناطمینی- پیشینی بازده سهام تحت ناطمینی- نوسانات بازار سرمایه-	Stock return predictability and model uncertainty	A21

ردیف	سال انتشار	کدهای استخراج شده	عنوان	کد مقاله
۲۲	۲۰۰۲	نااطمینانی درآمد - کاهش قدرت خرید پول ملی - صندوق‌های بازنشستگی - تورم	Income uncertainty and IRAs	A22
۲۳	۲۰۰۴	تغییرات نرخ مالیات - سرمایه‌گذاری بین‌المللی - نااطمینانی سودآوری - بی‌ثباتی قوانین مالی - صادرات - واردات	The choice and timing of foreign direct investment under uncertainty	A23
۲۴	۲۰۰۵	نوسانات بازار سرمایه - نااطمینانی بازدهی اوراق قرضه - نوسانات بازار سرمایه - همبستگی بازده اوراق قرضه و بازار سرمایه	Stock market uncertainty and the stock-bond return relation	A24
۲۵	۲۰۰۵	استفاده از چند مدل تصمیم - واریانس بازده سهام - مدل نااطمینانی - نوسانات بازار سرمایه	Model uncertainty, thick modelling and the predictability of stock returns	A25
۲۶	۲۰۰۵	اندازه دولت - دولت بزرگ - دولت کوچک - رای دهندگان ثروتمند - رای دهندگان فقیر - رای دهندگان متوسط - تغییرات نرخ مالیات - نوسانات نرخ مالیات بر درآمد	Uncertainty and the size of government	A26
۲۷	۲۰۰۶	نااطمینانی اطلاعاتی - خطای پیش‌بینی سود هر سهم - نارسایی‌های آگاهی دهندگی محیط اطلاعات عمومی - انحراف قیمت - اخبار خوب و بد - تغییرات مقطعی در بازده سهام	Information uncertainty and stock returns	A27
۲۸	۲۰۰۶	نااطمینانی سیاسی - انتخابات - حزب پیروز - تغییرات در قوانین و مقررات - تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی	Presidential election uncertainty and common stock returns in the United States	A28
۲۹	۲۰۰۶	سقوط بزرگ - نااطمینانی سودآوری - پیش‌بینی سقوط بزرگ - کاهش سرمایه‌گذاری - کیوتوین -	Investment and Uncertainty: Precipitating the Great Depression in the United States	A29
۳۰	۲۰۰۹	نااطمینانی سودآوری - ریسک - پیش‌بینی پذیری سود شرکت - اختلاف نظر تحلیل‌گران	The impact of risk and uncertainty on expected returns	A30
۳۱	۲۰۰۹	نااطمینانی محیطی - مدیریت سود - اقلام تعهدی - اصول پذیرفته شده حسابداری -	Environmental uncertainty and managers' use of discretionary accruals	A31
۳۲	۲۰۰۹	جریان‌های نقدی - توزیع سود سهام نقدی - انحراف استاندارد بازده ماهانه سهام - نااطمینانی جریان‌های نقدی -	Payout policy and cash-flow uncertainty	A32
۳۳	۲۰۰۹	برآورد گر فازی - نااطمینانی حجم بها و سود - نوسانات حجم موجودی پایان دوره - نوسانات تقاضا در بازار -	Cost-volume-profit analysis under uncertainty: A model with fuzzy estimators based on confidence intervals	A33
۳۴	۲۰۰۹	کاهش معاملات - کمبود نقدینگی - نااطمینانی قیمت - گناری دارایی‌های سرمایه‌ای - مدیریت وجوه نقد	Model uncertainty and liquidity	A34

ردیف	سال انتشار	کدهای استخراج شده	عنوان	کد مقاله
۳۵	۲۰۱۰	قوانین مالیاتی - هیئت استانداردهای حسابداری - دارایی های مالیاتی - بدهی های مالیاتی - مدل نااطمینانی مالیاتی - استاندارد ۴۸-	FIN 48 and Tax Compliance	A35
۳۶	۲۰۱۰	متغیرهای در اختیار دولت - نوسانات سود سهام - کاهش سود شرکت - نااطمینانی سود آوری	International stock return predictability under model uncertainty	A36
۳۷	۲۰۱۱	نرخ مالیات - مدل نااطمینانی مالیاتی - قوانین کشوری - بی ثباتی و تغییرات قوانین - ریسک‌گریزی دولت - ضرر‌گریزی افراد	Optimal taxation under income uncertainty	A37
۳۸	۲۰۱۲	نااطمینانی سیاسی - انتخابات - بازده سهام - ابهام در خصوص سیاست های دولت	Uncertainty about government policy and stock prices	A38
۳۹	۲۰۱۳	نااطمینانی محیطی - مدیریت سود - اقلام تعهدی - اصول پذیرفته شده حسابداری - نااطمینانی اطلاعاتی	Income Smoothing, Information Uncertainty, Stock Returns, and Cost of Equity	A39
۴۰	۲۰۱۳	فرانشیز - نااطمینانی سود آوری - مبالغ تعهد شده - بهینه نبودن قرارداد - زیاندهی قرارداد - ضمانت پرداخت	The optimal decisions in franchising under profit uncertainty	A40
۴۱	۲۰۱۳	حجم بها و سود چند محصولی - نااطمینانی حجم بها و سود - نوسانات حجم موجودی پایان دوره - نوسانات تقاضا در بازار -	Investment projects in agribusiness: Cost-volume-profit analysis considering uncertainty and risk	A41
۴۲	۲۰۱۳	نااطمینانی سیاسی - انتخابات - حزب پیروز - تغییرات در قوانین و مقررات - تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی	Measuring Economic Policy Uncertainty	A42
۴۳	۲۰۱۴	نااطمینانی اطلاعاتی - نوسانات بازده سهام - خطای پیش‌بینی سود هر سهم - نرسایی های آگاهی‌دهندگی محیط اطلاعات عمومی -	Momentum returns and information uncertainty: Evidence from China	A43
۴۴	۲۰۱۵	قیمت‌گذاری دارایی های سرمایه‌ای - نااطمینانی سیاست اقتصادی - تغییرات در قوانین - بازده بازارهای مالی -	The Asset-Pricing Implications of Government Economic Policy Uncertainty	A44
۴۵	۲۰۱۵	نااطمینانی بازده سهام - واریانس بازده - اندازه‌گیری نااطمینانی - شکستهای ساختاری	On the different approaches of measuring uncertainty shocks	A45
۴۶	۲۰۱۵	نااطمینانی اقتصاد کلان - نوسانات اقتصادی - نوسانات عرضه و تقاضا -	Measuring Uncertainty	A46
۴۷	۲۰۱۵	نااطمینانی سیاسی - واکنشها به اختلال - سرمایه‌گذاری - برگشت‌پذیری سرمایه‌گذاری - نااطمینانی در سطح شرکت	Policy uncertainty and corporate investment.	A47
۴۸	۲۰۱۶	نااطمینانی سیاسی - انتخابات - حزب پیروز - تغییرات در قوانین و مقررات - تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی	The Causal Relationship between Economic Policy Uncertainty and Stock	A48

ردیف	سال انتشار	کدهای استخراج شده	عنوان	کد مقاله
			Returns in China and India: Evidence from a Bootstrap Rolling Window Approach	
۴۹	۲۰۱۶	نااطمینانی سیاسی - اثرات انتخابات - تغییرات در قوانین و مقررات - نوسانات اختیار معاملات - حزب پیروز	The price of political uncertainty: Theory and evidence from the option market	A49
۵۰	۲۰۱۷	نااطمینانی اطلاعاتی - خطای پیش بینی سود هر سهم - نارسایی های آگاهی دهندگی محیط اطلاعات عمومی - انحراف قیمت	Oil price shocks, economic policy uncertainty and industry stock returns in China: Asymmetric effects with quantile regression	A50
۵۱	۲۰۱۸	نااطمینانی سیاسی - تاثیر انتخابات - تغییرات در قوانین و مقررات - تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی - بازده بیت کوین	Does economic policy uncertainty predict the Bitcoin returns? An empirical investigation	A51
۵۲	۲۰۱۸	نااطمینانی سیاسی واکنش بازارها به انتخابات - تغییرات در قوانین و مقررات - تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی - بازده بازار سرمایه	Can economic policy uncertainty predict stock returns? Global evidence	A52
۵۳	۲۰۱۸	نااطمینانی سیاسی - انتخابات - تلفیق - ادغام - ترکیب تجاری - ابهام در خصوص سیاست های دولت	Does policy uncertainty affect mergers and acquisitions?	A53
۵۴	۲۰۱۹	نااطمینانی سیاسی - انتخابات - حزب پیروز - تغییرات در قوانین و مقررات - تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی - بازده بیت کوین	The relationship between Bitcoin returns and trade policy uncertainty	A54
۵۵	۲۰۱۹	تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی - نااطمینانی سیاسی - انتخابات - حزب پیروز - تغییرات در قوانین و مقررات	Economic policy uncertainty: A literature review	A55
۵۶	۲۰۱۹	نااطمینانی سیاسی - انتخابات - نگهداشت وجه نقد - کاهش سرمایه گذاری - ابهام در خصوص سیاست های دولت	Policy uncertainty and firm cash holdings	A56
۵۷	۲۰۲۰	بیت کوین - ارزش دیجیتال - نااطمینانی اقتصادی - تغییرات در قوانین - بازده بازارهای مالی	Policy uncertainty and Bitcoin returns	A57
۵۸	۲۰۲۰	قوانین مالیاتی - نااطمینانی نرخ مالیات - انتقال سود - شرکت های بین المللی - مبادلات درون گروهی - صورت های مالی تلفیقی	Profit shifting and tax-rate uncertainty	A58
۵۹	۲۰۲۱	بحران جهانی - اقتصاد بین الملل - نااطمینانی محیطی - پاندمی کووید ۱۹ - قدرت نظام سلامت - نوسانات بازار سهام	The effect of COVID-19 pandemic on global stock market volatility: Can economic strength help to manage the uncertainty	A59

ردیف	سال انتشار	کدهای استخراج شده	عنوان	کد مقاله
۶۰	۲۰۲۱	بازده بیت کوین - واکنش بازارها به ناطمینی سیاسی - حزب پیروز - تغییرات در قوانین و مقررات - تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی	Predicting Bitcoin returns: Comparing the roles of newspaper- and internet search-based measures of uncertainty	A60
۶۱	۲۰۲۱	بی ثباتی اجرایی - تغییرات هیئت مدیره و مدیر عامل - ناطمینی سودآوری - مجمع عمومی عادی - مجمع عمومی فوق العاده	Economic policy uncertainty and executive turnover.	A61
۶۲	۲۰۲۲	واریانس شوک ها در سطح بانک - ناطمینی اقتصاد خرد - خلق نقدینگی -	Bank liquidity creation under micro uncertainty: The conditioning role of income structure	A62
۶۳	۲۰۲۲	ناطمینی سیاسی - انتخابات - حزب پیروز - تغییرات در قوانین و مقررات - تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی - بازده ریز ارز	Influences of uncertainty on the returns and liquidity of cryptocurrencies: Evidence from a portfolio approach	A63
۶۴	۲۰۲۲	ناطمینی سیاسی - اثر انتخابات بر ریزارزها - حزب پیروز - تغییرات در قوانین و مقررات - تغییر نرخ مالیات - تغییرات محیطی -	The determinants of Bitcoin returns and volatility: Perspectives on global and national economic policy uncertainty	A64
۶۵	۲۰۲۳	ارز دیجیتال - تغییرات در قوانین - بازده بازارهای مالی - بحران جهانی - ناطمینی محیطی - همه گیری کووید ۱۹ - شرکت های کوچک - سرمایه اجتماعی - حمایت دولتی	A comparative analysis of cryptocurrency returns and economic policy uncertainty pre- and post-Covid-19	A65
۶۶	۲۰۲۳	ناطمینی سیاست آب و هوا - تصمیمات دولت جدید - اقتصاد کلان - تغییر سیاست ها - سهام حساس به سیاست های آب و هوایی	Climate policy uncertainty and the cross-section of stock returns	A66
۶۷	۲۰۲۳	بحران جهانی - ناطمینی محیطی - پاندمی کووید ۱۹ - شرکت های کوچک و متوسط - سرمایه اجتماعی - حمایت دولتی	Navigating uncertainty: The resilience of third-sector organizations and socially oriented small- and medium-sized enterprises during the COVID-19 pandemic	A67
۶۸	۲۰۲۴	بحران جهانی - اقتصاد کلان - ناطمینی محیطی - همه گیری کووید ۱۹ - بازده سهام - سرمایه اجتماعی - اقتصاد نوظهور	fundamental analysis of the firm on stock returns in the uncertainty caused by the covid-19 pandemic: the case of emerging economy	A68

مرحله پنجم فراترکیب به تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی اختصاص دارد. در این تحقیق، از تحلیل محتوای کیفی برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها استفاده شده است. ابزار مورد

استفاده در تحلیل محتوا، کدگذاری است. بر این اساس ۴۷ مولفه در قالب ۵ بعد به همراه شاخصه‌های اندازه‌گیری هر یک شناسایی شد.

ششمین مرحله فراترکیب کنترل کیفیت اطلاعات می‌باشد. در روش فراترکیب، محقق از روش‌های مختلفی برای حفظ کیفیت در مطالعه استفاده می‌کند. در این پژوهش نیز اقدامات زیر برای کنترل کیفیت پژوهش مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته است:

- ارائه توضیحات و توصیف روشن و بدون ابهام در سراسر پژوهش
- استفاده از هر دو راهبرد جستجوی الکترونیک و دستی
- کنترل کیفیت مطالعات کیفی با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی
- استفاده از رویکردها و نگرش‌های مناسب جهت تلفیق مطالعات اصلی در زمان مناسب.

علاوه بر موارد فوق برای کنترل کیفیت و اطمینان از پایایی مفاهیم استخراجی از پژوهش‌های منتخب و دسته‌بندی آنها، از مقایسه نظر پژوهشگر با خبرگان استفاده گردید. برای این منظور فهرست کدهای استخراجی در اختیار دو تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه (خبرگان) قرار گرفت تا نسبت به دسته‌بندی این کدها در قالب مولفه‌ها اقدام نمایند. سپس ضریب توافق کاپای مولفه‌ها ارائه شده توسط دو پژوهشگر با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ در سطح معناداری ۰,۰۰۰ محاسبه شد. بر این اساس ضریب توافق کاپای مولفه‌ها ۸۵٪ بدست آمد که بیانگر سطح توافق بالا و پایایی نتایج است.

یافته‌های پژوهش

در هفتمین مرحله فراترکیب یافته‌های حاصل از مراحل قبل ارائه می‌شوند. بر اساس این یافته‌ها ۴۷ عامل کلیدی (مولفه) از تحلیل ۶۸ مقاله به روش نظام‌مند، شناسایی شدند. این ۴۷ مولفه به همراه شاخصه‌های اندازه‌گیری هر مولفه، در قالب ۴ بعد دسته‌بندی شدند. در ادامه به تشریح ابعاد و مولفه‌های موثر بر نااطمینانی خواهیم پرداخت. ابعادی که از طریق فرآیند مرور نظام‌مند شناسایی شده‌اند مشتمل بر بعد شرکت، صنعت، کلیت بازار سرمایه (اقتصاد کلان) و اقتصاد بین‌المللی می‌باشند.

بعد از تشریح و توسعه مفهوم نااطمینانی در خلال سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۶ توسط نایت و کینز، تحقیقات زیادی به منظور مطالعه علل وقوع نااطمینانی و رفتار مدیران شرکت‌ها در شرایط

نااطمینانی انجام شد که بخش قابل توجهی از تحقیقات مذکور در سطح شرکت می‌باشند. به طور کلی نااطمینانی نسبت به سودآوری، حجم تولید، حجم فروش، نرخ مواد اولیه و ... منجر به تصمیم‌گیری محافظه‌کارانه می‌گردد در نتیجه سرمایه‌گذاری شرکت‌ها کاهش می‌یابد و استفاده از اعتبار تجاری و دریافت تسهیلات محدود می‌گردد همچنین به موازات سخت‌گیری بانک‌ها در خصوص اعطای تسهیلات، هزینه‌های تامین مالی شرکت نیز افزایش می‌یابد که به نوبه خود به کاهش سودآوری شرکت دامن می‌زند.

مرور نظام‌مند ادبیات حوزه نااطمینانی به شناسایی ۲۷ مولفه به همراه شاخصه‌های اندازه‌گیری در سطح شرکت گردیده است که در جدول ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۴. مولفه‌های نااطمینانی در بعد شرکت

ردیف	ابعاد	مولفه	شاخصه
۱	شرکت	نااطمینانی حجم تولید بهینه	نوسانات حاشیه سود هر یک از محصولات
۲	شرکت	نااطمینانی حجم فروش آتی	نوسانات حجم تقاضای محصولات شرکت - نوسان حجم تقاضا در بورس کالا
۳	شرکت	نااطمینانی هزینه‌های انبارداری	نوسانات حجم موجودی کالای پایان دوره
۴	شرکت	نااطمینانی نقطه سر به سر تولید محصولات	نوسانات قیمت محصولات در بازار
۵	شرکت	نااطمینانی بهای تولید	نوسانات قیمت مواد اولیه
۶	شرکت	نوسانات زنجیره ارزش	تغییرات عمده در وضعیت عرضه کنندگان (تامین کنندگان - زنجیره بالا دستی) و طرف تقاضا (مشتریان - زنجیره پایین دستی)
۷	شرکت	عدم همبستگی در زنجیره تامین	قراردادهای کوتاه مدت با تامین کنندگان - عدم عقد قرارداد های بلند مدت با تامین کنندگان
۸	شرکت	نااطمینانی صداقت در گزارشگری سود	مدیریت سود
۹	شرکت	نااطمینانی صحت محاسبه سود (تحریف در گزارشگری مالی)	بندهای ناشی از تحریف در گزارش حسابرس
۱۰	شرکت	هموارسازی سود (ایجاد کننده نااطمینانی اطلاعاتی)	مدل تعدیل شده جونز
۱۱	شرکت	نااطمینانی صحت محاسبه سود	اختلاف مبلغ سود حسابداری و سود اقتصادی

ردیف	ابعاد	مؤلفه	شاخصه
۱۲	شرکت	عدم توافق با حسابرس	اختلاف فاحش (بیش از متوسط بازار) سود حسابرسی شده و حسابرسی نشده در دوره های قبل
۱۳	شرکت	نااطمینانی بازده نقدی	واریانس اختلاف سود خالص و سود نقدی
۱۴	شرکت	نااطمینانی گزارشگری مالی گروه - نااطمینانی عدم کفایت نظارت بر گزارشگری مالی	بازده غیر عادی ناشی از عملکرد شرکتهای فرعی و وابسته که در طول سال مالی به اندازه کافی افشا نداشته اند.
۱۵	شرکت	شکاف بین استاندارد های حسابداری و قوانین مالیاتی	عدم اعتماد به دارایی ها و بدهی های مالیاتی افشا شده
۱۶	شرکت	نااطمینانی نرخ بهره (نوسانات هزینه فرصت سرمایه گذاری ها)	نوسانات نرخ بهره
۱۷	شرکت	نااطمینانی جریان وجوه نقد	سرمایه در گردش کمتر نسبت گروه و روند کاهشی استفاده از اعتبار تجاری
۱۸	شرکت	نااطمینانی وصول مطالبات	روند رو به رشد مطالبات سوخت شده و افزایش دوره وصول مطالبات
۱۹	شرکت	نااطمینانی نرخ مالیات بر درآمد	تغییرات و بی ثباتی نرخ مالیات
۲۰	شرکت	نااطمینانی اطلاعاتی	تغییر پذیری بازده سهام و خطای پیش بینی سود هر سهم
۲۱	شرکت	اثرات منفی متغیرهای در اختیار دولت بر سود سهام شرکت ها	وابستگی شرکت در زنجیره بالادستی یا پایین دستی به دولت (دریافت خوراک با نرخ دولتی یا قیمت گذاری محصولات توسط دولت (خودروسازها))
۲۲	شرکت	نااطمینانی مبالغ تعهد شده در قراردادها	سهام بیش از ۱۰ درصدی یک قرارداد از کل درآمد شرکت
۲۳	شرکت	نااطمینانی نسبت به آب و هوا	ایجاد تنش آب در کشور (شرکتهای وابسته به اقلیم مانند صنایع کشاورزی)
۲۴	شرکت	ضعف مدیریتی	واریانس شوک ها در سطح بانک
۲۵	شرکت	بی ثباتی اجرایی	تغییر مدیرعامل در سال مورد بررسی - برکناری مدیرعامل قبل از پایان مدت مسئولیت تعیین شده

ردیف	ابعاد	مؤلفه	شاخصه
۲۶	شرکت	نارسانی های آگاهی دهندگی محیط اطلاعات عمومی	فرصت های رشد
۲۷	شرکت	پیشبینی پذیر نبودن سود	واریانس (پراکندگی) بالای نظرات تحلیلگران در مورد سود شرکت

بر اساس نتایج حاصل از مطالعات حوزه سرریز نوسانات در ماندگی مالی و ورشکستگی یک شرکت بر شرکت‌های هم‌گروه تاثیر بسیار شدیدی دارد که نتایج حاصل از بررسی تحقیقات حوزه نااطمینانی در سطح صنعت تایید کننده‌ی این امر می‌باشد. نااطمینانی‌های شناسایی شده در سطح صنعت در جدول ۵ ارائه گردیده است.

جدول ۵. مؤلفه های نااطمینانی در بعد صنعت

ردیف	ابعاد	مؤلفه	شاخصه
۱	صنعت	نارسانی های محیط اطلاع رسانی عمومی	سقوط شدید شاخص کل
۲	صنعت	انتقال (سرایت) ورشکستگی در صنعت	وجود یک یا چند شرکت درمانده و ورشکسته در صنعت
۳	صنعت	رانت اقتصادی	تخصیص ارز دولتی
۴	صنعت	نقش بودجه	قیمت خوراک پتروشیمی - نرخ خرید تضمینی گندم و ...
۵	صنعت	کاهش همزمانی قیمت	کاهش همبستگی شاخص کل و بازده روزانه شاخص صنایع

مطالعه ادبیات پژوهش مبین این امر است که بیشتر مدل‌ها و الگوهای پیشنهاد شده جهت اندازه‌گیری نااطمینانی در سطح کلیت بازار سرمایه و کشور می‌باشد؛ متغیرهایی مانند نرخ بهره، نرخ تورم و نرخ ریپو و ... به سرعت باعث شکل‌گیری نااطمینانی نسبت به وضعیت اقتصادی کشور می‌شود لذا مهار کردن مؤلفه‌های نااطمینانی در سطح اقتصاد کلان حائز اهمیت می‌باشد. در ادامه مؤلفه‌های ایجادکننده نااطمینانی در بعد اقتصاد کلان در جدول ۶ ارائه می‌گردد.

جدول ۶. مولفه‌های نااطمینانی در بعد اقتصاد کلان

ردیف	ابعاد	مولفه	شاخصه
۱	اقتصاد کلان	نااطمینانی نرخ ارز	نوسانات نرخ ارز (کاهش ارزش برابری پول ملی در برابر طلا)
۲	اقتصاد کلان	بی ثباتی و تغییرات در قوانین کشور	مقاطع انتخابات
۳	اقتصاد کلان	وضعیت کلی اقتصاد - نااطمینانی درآمدهای کشور	روند کاهشی تولید ناخالص داخلی
۴	اقتصاد کلان	تعامل با جهان - جذب سرمایه گذاری خارجی	کاهش جذب سرمایه خارجی به علت وضعیت کشور در لیست FATF
۵	اقتصاد کلان	قدرت پول ملی	نرخ تورم
۶	اقتصاد کلان	تصمیمات بانک مرکزی	نرخ بهره
۷	اقتصاد کلان	بی ثباتی سیاستهای اقتصادی	پراکندگی (نوسان) تولید ناخالص داخلی
۸	اقتصاد کلان	تعامل با جهان	وضعیت تحریم‌ها
۹	اقتصاد کلان	تصمیمات بانک مرکزی	نرخ ریو
۱۰	اقتصاد کلان	کسری بودجه دولت	عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده - رویدادهای غیرمترقبه
۱۱	اقتصاد کلان	چشم انداز منفی تجارت	منفی بودن تراز تجاری

همه‌گیری کووید ۱۹ تحقیقات حوزه نااطمینانی را به شدت تحت تاثیر قرار داد. لذا در سال‌های بعد از پاندمی شاهد افزایش تلاش‌های پژوهشی در زمینه پیشنهاد مدل اندازه‌گیری نااطمینانی و تاثیر نااطمینانی در سطح جهانی بر متغیرهایی در سطح شرکت، اقتصاد کلان و اقتصاد بین‌المللی خواهیم بود. در ادبیات مالی سهام کشاورزی و دارویی با عنوان سهام تدافعی شناخته شده هستند و بر اساس تحقیقات انجام شده در خصوص تاثیر همه‌گیری کووید ۱۹ بر بازار سرمایه، سهام گردشگری کمترین مقاومت و سهام دارویی - کشاورزی بیشترین مقاومت در برابر وقوع نااطمینانی را داشتند. مرور نظام‌مند ادبیات حوزه نااطمینانی منجر به شناسایی ۳ مولفه در بعد جهانی (اقتصاد بین‌الملل) شد.

جدول ۷. مولفه‌های نااطمینانی در بعد جهانی

ردیف	ابعاد	مولفه	شاخصه
۱	جهانی (اقتصاد بین‌المللی)	قیمت انرژی	قیمت نفت
۲	جهانی (اقتصاد بین‌المللی)	عرضه و تقاضای مواد اولیه	نرخ LME
۳	جهانی (اقتصاد بین‌المللی)	نااطمینانی محیطی	بحران‌های جهانی مانند پاندمی کووید ۱۹

بحث و نتیجه‌گیری

در حال حاضر نااطمینانی‌های زیادی در خصوص سیاست‌های مالیاتی، مالی، پولی و سایر قوانین نظارتی وجود دارد؛ نااطمینانی‌های مذکور نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست‌های بودجه‌ای دولت، تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و راهبری شرکت‌ها دارد؛ در واقع برقراری فرض تداوم فعالیت برای شرکت‌ها در گرو فائق آمدن بر نااطمینانی‌ها نسبت به سودآوری است که این امر فقط در خصوص نااطمینانی‌های درونی (در بعد شرکت، در اختیار مدیر و در بعد اقتصاد کلان، عوامل در اختیار دولت) مصداق دارد و مدیر یا سران سیاسی نمی‌تواند اثرات نااطمینانی‌های بیرونی را مهار کند.

نتایج حاصل مرور مطالعات حوزه نااطمینانی مبین این موضوع است که شرکت‌ها در مواجهه با شرایط نااطمینانی به علت افزایش هزینه‌های استقراض، سیاست‌های محافظه‌کارانه‌تری اتخاذ می‌کنند، بنابراین شرکت‌ها کمتر سرمایه‌گذاری می‌کنند. تحت شرایط نااطمینانی عرضه‌های اولیه سهام کمتر صورت می‌گیرد و ترکیب‌های تجاری کمتری انجام می‌گیرد؛ همچنین سیاست‌های پرداخت محافظه‌کارانه‌تر می‌شود و شرکت‌ها به نگهداشت بیشتر وجه نقد متمایل می‌شوند زیرا استفاده از اعتبار تجاری محدود می‌شود و احتمال کمبود سرمایه در گردش به وجود می‌آید، به طور کلی نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات مشابه مانند بیکر و همکاران (۲۰۱۶)، بلوم (۲۰۰۹)، کولاک (۲۰۱۷)، لی (۲۰۲۰) و ... مطابقت دارد و همانطوری که قیمت طلا دماسنج ترس در جهان محسوب می‌شود (در بعد اقتصاد بین‌الملل)، مدل‌ها و متغیرهای اندازه‌گیری نااطمینانی هم با کلید واژه‌های درماندگی مالی، ورشکستگی و بحران مالی^۱ رابطه مستقیم دارند (در ابعاد شرکت و صنعت) لذا پیش‌بینی کوزو در سال ۲۰۱۷ در خصوص حرکت جهان به سمت فضای نااطمینانی مطابق با نتایج مقاله حاضر می‌باشد (در کلیه ابعاد).

بررسی نظام‌مند ادبیات پژوهش در حوزه نااطمینانی منجر به شناسایی ۴۷ مولفه به همراه شاخصه‌های اندازه‌گیری مربوط به هر مولفه گردید. مولفه‌های نااطمینانی در چهار بعد شرکت، صنعت، اقتصاد کلان و اقتصاد بین‌الملل طبقه‌بندی شدند که بعد شرکت بیشترین حجم از تحقیقات را به خود اختصاص داده است. همچنین بررسی تحقیقات انجام شده در بعد شرکت نشان‌دهنده علاقه پژوهشگران به بررسی نااطمینانی‌های مربوط به زنجیره بالادستی و پایین دستی است در واقع شرکت‌ها نسبت به تامین مواد اولیه تولید و فروش محصولات تولید شده نااطمینانی دارند.

در سال‌های اخیر، چالش‌های بزرگ متعددی در سطح جهان پدیدار گشت که منجر به نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی شده است؛ زیرا جهان به هم پیوسته است و آنچه در یک گوشه‌ای از جهان رخ می‌دهد می‌تواند بر قسمت دیگر تأثیرگذار باشد. پیچیدگی‌ها و وابستگی‌ها به طور قابل توجهی در دنیای امروز افزایش یافته است که به خودی خود منجر به نااطمینانی هرچه بیشتر می‌شود. این چالش‌ها با "بهار عربی" آغاز شد که منجر به آشفتگی سیاسی در خاورمیانه و در میان ابرقدرت‌های جهان شد و با انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده پایان یافت. همانطور که جهان با سرعت به سمت تکامل حرکت می‌کند، حوادثی از این دست منجر به بروز احساس بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی شده و نااطمینانی را در سراسر جهان تشدید می‌کند. در اروپا، رویدادهایی مانند الحاق کریمه به روسیه و بحران پناهجویان، که به ظهور عقاید سیاسی با گرایش راست و افزایش تهدیدات تروریستی دامن زده و روابط درون و بین کشورها را مختل کرد. در ادامه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا یا تردیدها را در مورد آینده یورو و سیاست‌های اقتصادی در اروپا افزایش داده است (التهقب و الغربعلی، ۲۰۱۹) و با شروع همه‌گیری کووید ۱۹ نااطمینانی‌ها در سطح جهان به بالاترین سطح رسید؛ اندکی پس از پایان بحران کووید ۱۹ با شروع جنگ بین روسیه و اوکراین نااطمینانی‌ها نسبت به آینده اروپا را افزایش یافته است به طوری که بسیاری از نخبگان و ثروتمندان از اروپا به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرده‌اند. بر این اساس نگارنده بر این باور است که تحقیقات آتی حوزه نااطمینانی بر تحقیقات ترکیبی در دو بعد جهانی و شرکتی متمرکز خواهد بود و محققین به بررسی تأثیر نااطمینانی بر شرکت‌های بین‌المللی خواهد پرداخت؛ این مسیر تحقیقاتی چند سالی است که با

جنگ تعرفه‌ای ایالات متحده آمریکا و چین شروع شده و با تغییرات نرخ مالیات توسط دولت‌ها تشدید شده است و شرکت‌های بین‌المللی را با نااطمینانی نرخ مالیات و نااطمینانی سودآوری مواجه کرده است و این شرکت‌ها نیز در پاسخ به نوسانات نرخ مالیات در کشورهای مختلف راهبرد آربیتراژ مالیاتی روی آورده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- اصغرپور، حسین؛ احمدیان، کسری و منیعی، امید (۱۳۹۲). اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ایران: رهیافت غیر خطی، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۱ (۶۸)، ۱۷۵-۱۹۴
- تامرادی، فاضل؛ بشیری منش، نازنین؛ کعب عمیر، احمد و عارف منش، زهره (۱۴۰۲). ارائه مدل مولفه‌های موثر و پیامدهای مالی مدیریت ریسک شرکت: تحلیل سلسله مراتبی و تئوری راف توسعه یافته. پژوهش‌های تجربی حسابداری ۱۳ (۳)، ۱۶۴-۱۳۳
- ثقفی، علی؛ معتمدی فاضل، مجید (۱۳۹۰). رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با امکانات سرمایه‌گذاری بالا. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳ (۴)، ۱-۱۴.
- حجازی، رضوان؛ قیطاس، روحاله؛ کریمی، محمدباقر (۱۳۹۰). هموارسازی سود و عدم اطمینان اطلاعاتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۸ (۶۳)، ۸۰-۶۳
- دارابی، رویا؛ سرایی، سمیرا؛ تقوی، فاطمه (۱۴۰۰). تاثیر عدم اطمینان سیاست اقتصادی با استفاده از معیارهای ریسک مالی و ریسک اقتصادی بر ریسک سقوط سهام، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۴۰، ۴۷-۶۲
- دلآوری، سیدجواد؛ نادری، علی و اوریایی، زهرا؛ (۱۴۰۲). بررسی رابطه نااطمینانی سیاسی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری و هزینه سرمایه شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران؛ مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل؛ ۶ (۱)، ۱۳۱-۱۰۷.
- رجبی، مصطفی و تاج‌الدینی، نسیم (۱۳۹۵). تحلیل اثر نااطمینانی اقتصاد کلان بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۹، فصلنامه اقتصاد کاربردی، ۶ (۱۸)، ۱۵-۲۱
- مرشدی، فاطمه و حسینی، سیدعلی (۱۴۰۱). شناسایی و رتبه‌بندی معیارهای سنجش ریسک شرکت‌ها برای پذیرش در بازار سرمایه. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۲ (۴)، ۴۸-۲۷
- مهربان‌پور، محمدرضا؛ حبیب‌زاده، ملیحه؛ (۱۳۹۷). خوشه‌بندی و پیش‌بینی سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد درخت تصمیم؛ مطالعات تجربی حسابداری مالی؛ ۵۹ (۲)، ۱۳۵-۱۵۷
- واعظ، سید علی؛ درسه، سیدصابر (۱۳۹۷). بررسی تاثیر تخصص حسابرسان در صنعت بر رابطه بین عدم شفافیت اطلاعات مالی و خطر سقوط آتی قیمت سهام. تحقیقات حسابداری و حسابرسی ۳۹ (۱)، ۱۱۱-۱۳۲
- هیبتی، رضا؛ شجری، هوشنگ و صمدی، سعید (۱۳۹۵). اندازه‌گیری نااطمینانی در اقتصاد کلان، فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی، ۲۸، ۲۲۳-۲۵۰

References

- Abel, A. B. (1983). Optimal investment under uncertainty. *The American Economic Review*, 73(1), 228-233.

- Alaali, F;(2020). The effect of oil and stock price volatility on firm level investment: The case of UK firms, *Energy Economics*, 87 (1), 104-126
- Al-Thaqeb, S. A; & Algharabali, B. G. (2019). Economic policy uncertainty: A literature review. *The Journal of Economic Asymmetries*, 20, 1-11
- Asgarpur H, Ahmadian K, Maniee O.(2014) Effect of Political Instability on Economic Growth in Iran (Nonlinearity method, APARCH) . *Journal of Economic Research and Policies*; 21 (68) :175-194 .(In Persian).
- Atanassov, J; Julio, B; & Leng, T. (2024). The bright side of political uncertainty: The case of R&D. *The Review of Financial Studies*, hhae023, 11, 1-60
- Baker, S. R; Bloom, N; & Davis, S. J. (2013). Measuring Economic Policy Uncertainty. *Chicago Booth Research Paper 13-02*.
- Baker, S. R; Bloom, N; & Davis, S. J. (2016). Measuring economic policy uncertainty. *The quarterly journal of economics*, 131(4), 1593-1636.
- Ballantine, John.w; Frederick .c.cleveland, c.timothy..(1993), profitability, uncertainty & firm size, *small business economics*, 93 (1) 87-100
- Bernanke, B. (1983), Irreversibility, uncertainty, and cyclical investment. *Quarterly Journal of Economics*, 98 (1), 85-106.
- Bernanke, B. S. (1983). Irreversibility, uncertainty, and cyclical investment. *The Quarterly Journal of Economics* 98(1), 85-106.
- Bonaime, A; Gulen, H; & Ion, M. (2018). Does policy uncertainty affect mergers and acquisitions? *Journal of Financial Economics Forthcoming*, 129(3), 531-558
- Bulan, L. T. (2005). Real options, irreversible investment and firm uncertainty: new evidence from us firms. *Review of Financial Economics* 14(3-4), 255-279.
- Chen, J. V; Kama, I; & Lehavy, R. (2024). The managerial perception of uncertainty and cost elasticity. *Journal of Accounting and Economics*, 77(1), 101613.
- Ciner, Cetin. (2020). Stock Return Predictability in the time of COVID-19, *Finance Research Letters*, 38(1), 1-17
- Çolak, G; Durnev, A; & Qian, Y. (2017). Political uncertainty and IPO activity: Evidence from US gubernatorial elections. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(6), 1-42.
- Colicchia, C; and Strozzi, F. (2012). Supply chain risk management: A new methodology for a systematic literature review. *Supply Chain Management*, 17(4), 403-418.
- COSO. (2017). Enterprise risk management integrating with strategy and performance. <www.erm.coso.org> accessed 02.05.2018. (pp. 1-10): Committee of Sponsoring Organisations of the Treadway Commission.
- Dai, L, & Ngo, P. (2021), Political uncertainty and accounting conservatism. *European Accounting Review*, 30 (2), 277-307.
- Darabi, R; sarae, S; & taghavi qasem abad, F. (2021). The effect of economic policy uncertainty using financial risk and economic risk criteria on stock crash risk. *Accounting and Auditing Studies*, 10(40), 47-62. (In Persian).
- Delavari, S. J; Naderi, A; & Oryaie, Z. (2023). Investigating the Relationship Between Political Uncertainty Caused by Presidential Elections and Cost of Capital in Tehran Stock Exchange Companies. *International Political Economy Studies*, 6(1), 107-131. (In Persian).
- Demir, E; & Ersan, O. (2017). Economic policy uncertainty and cash holdings: Evidence from BRIC countries. *Emerging Markets Review*, 33 (2), 189-200.

- Drobetz, W; El Ghouli, S; Guedhami, O; & Janzen, M. (2018). Policy uncertainty, investment, and the cost of capital. *Journal of Financial Stability*, 39 (1), 28-45.
- Ewing, B.T; & Malik, F. (2013). Volatility transmission between gold and oil futures under structural breaks. *International Review of Economics and Finance*, 25(3): 113-121
- Finger, C. A. (1994). The ability of earnings to predict future earnings and cash flow. *Journal of accounting research*, 32(2), 210-223.
- Galbraith, J. K. (1977). *The Age of uncertainty*. Boston: Houghton Mifflin.
- Ghouli, S; Guedhami, O; Kim, Y; & Yoon, H. (2021), Policy uncertainty and accounting quality. *The Accounting Review*, 96 (4), 233-260.
- Gosling, J; and Naim, M. M. (2009). Int. J. Production Economics Engineer-to-order supply chain management: A literature review and research agenda, *Empirical Research in Accounting*. 122, 741-754.
- Gul, F. A; & Kealey, B. T. (1999). Chaebol, investment opportunity set and corporate debt and dividend policies of Korean companies. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 13, 401-416.
- Gulen, H; & Ion, M. (2015). Policy uncertainty and corporate investment. *Review of Financial Studies*, 29(3), 523-564.
- Heibati, R; Shajari, H. Samadi, S; (2017). Measuring Uncertainty in Macroeconomics; *Monetary and Banking Research Quarterly*. 9 (28) (In Persian).
- Hejazi, R; Gitas, R; Karimi, M. (2011). Profit smoothing and informational uncertainty. *Accounting and Auditing Review*, 18(63). (In Persian).
- Jens, C. E. (2017). Political uncertainty and investment: Causal evidence from US gubernatorial elections. *Journal of Financial Economics*, 124(3), 563-579.
- Jones, C. M; & Kaul, G. (1996). Oil and the stock markets. *The journal of Finance*, 51(2), 463-491.
- Jurado, Kyle Sydney C. Ludvigson, and Serena Ng, (2015), Measuring Uncertainty, *American Economic Review* 2015, 105(3): 1177-1216
- Kelly, B; P_ astor, L; & Veronesi, P. (2016). The price of political uncertainty: Theory and evidence from the option market. *The Journal of Finance*, 71(5), 2417-2480.
- Kitchenham, B; Pretorius, R; Budgen, D; Pearl Brereton, O; Turner, M; Niazi, M; and Linkman, S. (2010). Systematic literature reviews in software engineering – A tertiary study. *Information and Software Technology*, 52(8), 792-805.
- Lee, W; Pittman, J; & Saffar, W. (2020), Political uncertainty and cost stickiness: evidence from national elections around the world, *Contemporary Accounting Research*, 37 (2), 1107- 1139.
- Mehrabanpour, M; & Habibzade, M. (2018). Clustering and Profitability Forecast of Companies listed in Tehran Stock Exchange with the Decision Tree c5 Approach. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 15(59), 135-157. (In Persian).
- Morioka, S. N; and Carvalho, M. M. De. (2016). A systematic literature review towards a conceptual framework for integrating sustainability performance into business, *Empirical Research in Accounting*. 36, 134-146.
- Morshedi, F; & Hosseini, S. A. (2023). Identification and ranking the criteria for measuring the risk of companies for listing in the capital market. *Empirical Research in Accounting*, 12(4), 27-48. (In Persian).
- Nguyen, N. H; & Phan, H. V. (2017). Policy uncertainty and mergers and acquisitions. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(2), 613-644.

- Panousi, V; & Papanikolaou, D. (2012). Investment, idiosyncratic risk, and ownership. *The Journal of Finance*, 67(3), 1113–1148.
- Pastor, L; & Veronesi, P. (2012). Uncertainty about government policy and stock prices. *The Journal of Finance*, 67(4), 1219–1264.
- Pastor, L; & Veronesi, P. (2013). Political uncertainty and risk premia. *Journal of Financial Economics*, 110(3), 520–545.
- Pemberton, J. (1997). Modelling and measuring income uncertainty in life cycle models. *Economic Modelling*, 14(1), 81-98.
- Phan, D, Iyke, B, Sharma, S, & Affandi, Y. (2021), Economic policy uncertainty and financial stability—is there a relation? *Economic Modelling*, 94, 1018-1029.
- Phan, H. V; Nguyen, N. H; Nguyen, H. T; & Hegde, S. (2019). Policy uncertainty and firm cash holdings, *Journal of Business Research*, 95, 71–82.
- Rajabi, M; Tajoddin, N; (2017); Analyzing the effect of macroeconomic uncertainty on investment and economic growth in Iran. *Applied Economics*. 6 (18) (In Persian).
- Sadorsky, P. (1999), "Oil Price Shocks and Stock Market Activity", *Energy Economics*, 21, 449-69.
- Sadorsky, P. (2006), "Modelling and Forecasting Petroleum Futures Volatility", *Energy Economics*, 28, 467–488.
- Saghafi, A; & Motamedi Fazel, M. (2012). Relation between Audit Quality and Investment Efficiency in Firms with High Investment Opportunities. *Financial Accounting Research*, 3(4), 1-14. (In Persian).
- Sandelowski, M; & Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer publishing company, 151-227
- Small, H. G. (1978). Cited documents as concept symbols. *Social studies of science*, 8(3), 327-340.
- Tamoradi, F; Bashirimanesh, N; Kaabomeir, A; & Arefmanesh, Z. (2023). Designing a Model of Effective Determinants and Financial Consequences of Enterprise Risk Management: Hierarchical Analysis and Developed Theory of Rough. *Empirical Research in Accounting*, 13(3), 133-164. (In Persian).
- Vaez, S. A; & Dorseh, S. S. (2018). Impact of Industry Specialization on Auditors on the Relationship between Accounting Opacity and Future Stock Price Crashes. *Accounting and Auditing Research*, 10(39), 111-132. (In Persian).
- Waisman, M; Ye, P; & Zhu, Y. (2015), the effect of political uncertainty on the cost of corporate debt. *Journal of Financial Stability*, 16, 106–117.
- Walkup, B. (2016). The impact of uncertainty on payout policy. *Managerial Finance*, 42(11), 1054–1072.
- Zaman Khan, Md Habib, Abdel K. Halabi, Md Rashidzaman Khan, (2011), Non-financial performance measures-organizational performance relationship in the Bangladeshi firms: the moderator role of environmental uncertainty and corporate culture, *Working paper*, East West University, Dhaka, Bangladesh, 1-30.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

نقش تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی در رابطه بین چرخه عمر و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱

علی ابراهیمی کردلر^۲، علیرضا نصرافهانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر جایگاه شرکت در چرخه عمر بر مدیریت سود واقعی با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی می‌باشد. روش این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی محسوب می‌شود. همچنین این پژوهش، از نظر ماهیت یک پژوهش علی-معلولی از نوع پژوهش‌های پسارویدادی است و منبع آن اطلاعاتی است که در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران درج شده است. محدوده زمانی تحقیق شامل هشت سال متوالی از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. نمونه آماری شامل ۱۴۱ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران است. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها با کمک نرم‌افزار آماری ایویوز صورت گرفته است. برای بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا نمونه کل تحقیق به دو گروه شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی و فاقد مالکیت خانوادگی تقسیم می‌شود. در ادامه تأثیر چرخه عمر بر متغیرهای مدیریت سود با استفاده از آنالیز رگرسیون چندمتغیره در هر دو نمونه به طور مستقل آزمون می‌شود. در نهایت نیز ضرایب تأثیر به دست آمده در دو نمونه از طریق آزمون مقایسه میانگین دونمونه‌ای (مقایسه زوجی) با یکدیگر مقایسه می‌شود. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد اولاً بین مراحل چرخه عمر شرکت‌ها و مدیریت سود از طریق مدیریت فروش، مدیریت هزینه‌های تولید و مدیریت سرمایه‌گذاری ارتباط معناداری وجود دارد؛ ثانیاً استراتژی‌های مدیریت سود مورد استفاده در چرخه عمر شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی متفاوت از سایر شرکت‌ها است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی در مراحل معرفی و بلوغ به ترتیب از مدیریت هزینه‌های تولید و مدیریت فروش استفاده می‌کنند و در مراحل پایانی عمر (افول) مدیریت سود با استفاده از مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها را در دستور کار قرار می‌دهند؛ در حالی که شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی در مراحل اولیه (معرفی و رشد) از مدیریت سود استفاده نمی‌کنند و در مراحل بلوغ نیز با استفاده از مدیریت فروش، اقدام به مدیریت سود واقعی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود واقعی، چرخه عمر، مالکیت خانوادگی، بورس اوراق بهادار تهران.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

10.22051/JERA.2024.46135.3199.doi .1

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (aebrahimi@ut.ac.ir)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) (alirezanasr97@gmail.com)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

ارائه استراتژی‌هایی متناسب با مراحل مختلف چرخه عمر برای موفقیت شرکت حیاتی است. استراتژی‌هایی که شرکت‌ها در مراحل اولیه ارائه می‌کنند در راستای کسب مزیت رقابتی، سهم بازار (راماسوامی^۱ و همکاران، ۲۰۰۷) و نوآوری (آدرتش و فلدمن^۲، ۱۹۹۶) هستند. شرکت‌ها ضمن رقابت برای به دست آوردن مشتریان ممکن است با ارائه تخفیف‌های اضافی و افزایش اعتبار به منظور حفظ و جذب سرمایه‌گذاران، درآمدها را مدیریت کنند. مدیران با هزینه‌ها و محدودیت‌های زیادی در زمینه مکانیسم‌های مدیریت سود واقعی نظیر کاهش هزینه‌های اختیاری و کاهش سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت مواجه‌اند؛ زیرا ممکن است این مکانیسم‌ها با استراتژی‌هایشان همسو نباشند. شرکت‌های مضمون به مدیریت سود، معمولاً کنترل‌های داخلی توسعه‌نیافته‌ای داشته و تحلیلگران کمتر به آن‌ها می‌پردازند. در این شرکت‌ها به دلیل انعطاف‌پذیری در روش‌های حسابداری، هزینه‌ها و محدودیت‌های مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی نیز کمتر است؛ بنابراین، احتمال استفاده این شرکت‌ها از مدیریت سود واقعی در سطح تجمعی، نسبت به شرکت‌هایی که در مراحل پایانی چرخه عمر قرار دارند کمتر است. از سوی دیگر، شرکت‌ها در مراحل پایانی احتمالاً به دنبال استفاده از استراتژی‌های کمینه‌سازی هزینه هستند (جنکینز و کین^۳، ۲۰۰۴) تا هزینه و محدودیت‌های مرتبط با مدیریت هزینه را کاهش دهند. با این حال، اگر شرکت‌ها در مرحله آخر به دنبال استفاده از فرصت‌هایی در زمینه محصولات یا بازارهایی جدید با هدف تغییر مقصدشان باشند، ممکن است از کاهش هزینه‌ها صرف‌نظر کنند. بنابراین چالش اصلی، همسویی بین روش‌های مدیریت سود و جایگاه شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر است.

وانگک (۲۰۰۶) نشان داد که شرکت‌ها در مراحل اولیه مدیریت فروش بیشتر و درعین حال مدیریت هزینه‌ها و بهای تولید کمتری نسبت به شرکت‌های بالغ داشته باشند و شرکت‌هایی که در مراحل پایانی قرار دارند، ممکن است مدیریت سود واقعی بیشتری را به کارگیرند. ژیه و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهند شرکت‌های مشکوک به مدیریت سود، در مرحله افول سعی می‌کنند با افزایش شرایط اعتباری، تولید بیش‌ازحد و فروش دارایی‌های ثابت سود خود را

1. Ramaswamy
2. Audretsch & Feldman
3. Jenkins & Kane

افزایش دهند؛ با این حال شواهدی مبنی بر اینکه شرکت‌های رو به زوال بیشتر از شرکت‌های بالغ اقدام به مدیریت هزینه‌ها کنند وجود ندارد (ژیه و همکاران، ۲۰۲۲). مشخصه شرکت‌های خانوادگی در اقتصاد جهانی اهمیت و پویایی آن‌ها است (لاپورتا^۱ و همکاران، ۱۹۹۹). شرکت‌های خانوادگی، به دلیل ساختار مالکیتی معمولشان، تصمیمات استراتژیک متفاوتی برای مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی می‌گیرند (آچلایتنر^۲ و همکاران، ۲۰۱۴؛ علی^۳ و همکاران، ۲۰۰۷؛ سالواتو و مورز^۴، ۲۰۱۰؛ وانگ^۵، ۲۰۰۶). کرایزر^۶ و همکاران (۲۰۰۶) گزارش کردند که کنترل شرکت‌های خانوادگی در مراحل اولیه چرخه عمر نسبت به مراحل پایانی قوی‌تر است. مطالعات پیشین قضاوت‌های متفاوتی درباره سطح مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی در قیاس با شرکت‌های غیر خانوادگی دارند (پایوا^۷ و همکاران، ۲۰۱۶). به همین دلیل، رفتار مدیریت سود واقعی شرکت‌های خانوادگی در قیاس با شرکت‌های غیر خانوادگی در مراحل مختلف چرخه عمر به‌طور تجربی ارزیابی می‌شود. برای این منظور از داده‌های شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که دسترسی به داده‌ها امکان‌پذیر بوده، استفاده می‌شود (یه^۸ و همکاران، ۲۰۰۱).

وانگ (۲۰۲۲)، آچلایتنر و همکاران (۲۰۱۴)، پایوا و همکاران (۲۰۱۶) و ژیه و همکاران (۲۰۲۲) ثابت می‌کنند که مالکیت خانوادگی می‌تواند عدم تقارن اطلاعات را به‌طور قابل توجهی کاهش دهد، رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را مهار کند و هزینه‌های معامله بین تمام ذینفعان را کاهش دهد و به دلیل کاهش هزینه سرمایه و بدهی و افزایش ارزش شرکت، کارایی سرمایه‌گذاری را ارتقا دهد. همچنین مالکیت خانوادگی، ارزش دارایی‌های نقدی را اضافه می‌کند و به‌طور خلاصه می‌تواند به کاهش ریسک اطلاعات سهامداران، هزینه‌های کنترل نمایندگی و افزایش ارزش سهامداران کمک کند. در نتیجه، به‌طور گسترده به‌عنوان یک مکانیسم مؤثر در نظر گرفته می‌شود (عبدالله و اسماعیل، ۲۰۱۶). تحقیقات تحلیلی قبلی صورت گرفته در حوزه مالکیت خانوادگی و مدیریت سود، یافته‌های متفاوتی را گزارش می‌دهند. برخی

1. La Porta
2. Achleitner
3. Ali
4. Salvato & Moores
5. Wang
6. Kreiser
7. Paiva
8. Yeh

از پژوهش‌ها بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود بوده و در مقابل برخی دیگر از پژوهش‌ها، بین متغیرهای مذکور رابطه منفی و معناداری را نشان می‌دهند (ژیه و همکاران، ۲۰۲۲). لذا با توجه به این نتایج متناقض، می‌توان گفت که مالکیت خانوادگی، نظارت بر هیئت‌مدیره را تسهیل می‌کند. این افزایش نظارت همچنین سودمندی مدیریت سود برای دور زدن نظارت بر هیئت‌مدیره را افزایش می‌دهد. در واقع، زمینه برای افزایش درآمد در شرکت‌های خانوادگی که احتمالاً نقصان و مقررات بیشتری دارند، وجود دارد.

علی‌رغم مطالعاتی که در بازارهای مالی توسعه‌یافته صورت گرفته، رابطه بین چرخه عمر شرکت‌ها و استراتژی‌هایی که برای مدیریت سود استفاده می‌کنند در بازارهای مالی نوظهوری نظیر بازار سرمایه ایران به خوبی مستند نشده است. هدف این پژوهش، بررسی تاثیر چرخه عمر بر مدیریت سود شرکت‌ها با تاکید بر نقش تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی است. سؤال اصلی این است که آیا مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها بر مدیریت سود واقعی آن‌ها تأثیرگذار است؟ نقش مالکیت خانوادگی بر این تأثیرگذاری چیست؟ این پژوهش از منظر روش‌شناسی دارای نوآوری است. در این پژوهش برای سنجش چرخه عمر از مدل دیکنسون (۲۰۱۱) استفاده شده است. از آنجا که چرخه عمر شرکت به معنی چرخه عمر محصولات شرکت است و هر شرکت سبب متنوعی از محصولات دارد که هر کدام در مراحل مختلفی (معرفی، رشد، بلوغ و یا افول) از حیات خود قرار دارند. بنابراین باید از مدلی استفاده شود که منعکس‌کننده این تنوع باشد و این مزیت مدل دیکنسون (۲۰۱۱) است. نوآوری دیگر این پژوهش، تفکیک روش‌های مدیریت سود و متعاقباً بررسی وضعیت هر یک از این روش‌ها در هر مرحله از چرخه عمر شرکت‌ها به صورت مجزا است. با تمرکز بر ارتباط بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود، متوجه می‌شویم در ادبیات و پیشینه پژوهش، کمبود شواهد تجربی وجود دارد، در حالی که تحقیقات تحلیلی قبلی، یافته‌های متفاوتی را گزارش می‌دهند. برخی از پژوهش‌ها (رویگودهری، ۲۰۰۶؛ ورس، ۲۰۱۶؛ کاسکی و لاکس، ۲۰۱۷) بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود بوده و در مقابل برخی دیگر از پژوهش‌ها (وانگ، ۲۰۰۶؛ آبرناتی و همکاران، ۲۰۱۴؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۱۶)، بین متغیرهای مذکور رابطه منفی و معناداری را نشان می‌دهند. لذا با توجه به این نتایج متناقض، اهمیت این پژوهش روشن می‌شود. در بخش دوم به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته شده است. بخش سوم و چهارم نیز به ترتیب

روش‌شناسی و یافته‌های تجربی را در بر می‌گیرد. در بخش پایانی نیز به بحث و بررسی نتایج به دست آمده پرداخته شده است.

مبانی نظری و مرور ادبیات پژوهش

مفهوم مدیریت سود واقعی به تصمیمات فعالیت‌های عملیاتی، ساختار معاملات واقعی، زمان فروش دارایی‌ها و سایر فعالیت‌هایی که به عملیات شرکت مربوط می‌شود، بستگی دارد (اسکینر و دیچو^۱، ۲۰۰۰). ژو^۲ و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند مدیریت سود واقعی شامل تلاش‌های مدیریت برای تغییر سود گزارش شده از طریق تعدیل زمان و مقیاس فعالیت‌های تجاری اساسی است. چوئن^۳ و همکاران (۲۰۱۵) مدیریت سود واقعی را اقداماتی می‌نامند که مدیران برای تغییر فعالیت‌های واقعی شرکت انجام می‌دهند تا به اهداف مورد نظر گزارش‌های مالی دست یابند. مفهوم مدیریت سود واقعی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از اقدامات انجام شده توسط مدیران به منظور تأثیرگذاری بر سود اعلام شده از طریق ساختار دادن به معاملات و دستکاری زمان بندی یا معاملات مالی برای رسیدن به سطح بهینه خلاصه کرد (المادحون و قدم^۴، ۲۰۲۱).

تحقیقات مرتبط چرخه عمر یک شرکت را به دوره‌هایی تقسیم می‌کند که با ویژگی‌های خاص شرکت مانند درجه عدم اطمینان، دارایی‌های موجود و فرصت‌های سرمایه‌گذاری متمایز می‌شوند (آهارونی^۵ و همکاران، ۲۰۰۶). ثبت و ضبط چرخه عمر در سطح شرکت (و نه در سطح محصول یا صنعت) یک کار دشوار است؛ زیرا شرکت دارای محصولات متنوعی است که چرخه عمر آن‌ها در عین همپوشانی، متمایز است (دیکینسون^۶، ۲۰۱۱). در نتیجه، این موضوع (تنوع محصولات) بر تعداد مراحل پیشنهادی در مدل‌های چرخه زندگی تأثیر می‌گذارد. اگرچه مطالعات تعداد متفاوتی از مراحل را از سه تا ده نشان می‌دهند، همه شرکت‌ها از طریق یک سری مراحل تکامل می‌یابند. آدیزز^۷ (۱۹۷۹) اولین مطالعه‌ای است که ده مرحله چرخه زندگی را پیشنهاد می‌کند که حداکثر در بین سایر مطالعات است. دیکینسون (۲۰۱۱) و گورت و کلپر^۸

1. Skinner and Dechow
2. Xu
3. Choen
4. Elmadhoun and Gaddam
5. Aharony
6. Dickinson
7. Adizes
8. Gort and Klepper

(۱۹۸۲) پنج مرحله چرخه عمر را شامل مرحله معرفی، رشد، بلوغ، رکود و افول تعریف می‌کنند. بلک^۱ (۱۹۹۸ الف، ۱۹۹۸ ب) با حذف مرحله رکود، چهار مرحله را پیشنهاد می‌کند. آهارونی و همکاران، (۲۰۰۶) و یونپای و چن^۲، (۲۰۰۶) مطالعاتی هستند که سه مرحله رشد، بلوغ و زوال را پیشنهاد می‌کنند. به طور کلی روش‌های مختلفی برای تعیین مراحل چرخه عمر شرکت‌ها وجود دارد که از جمله آن می‌توان به روش آنتونی و رامش (۱۹۹۲)، روش آهارونی و همکاران (۲۰۰۶) و روش دیکینسون (۲۰۱۱) اشاره کرد. در این مطالعه از مدل دیکینسون و همکاران (۲۰۱۱) مشتمل بر مرحله شروع، رشد، بلوغ و افول استفاده می‌شود.

در شرکت‌های خانوادگی عموماً بخش زیادی از سهام در اختیار یک یا چند سهامدار عمده حقیقی از اعضای یک خانواده است و اعضای خانواده در پست‌های مدیریتی و عملیاتی مشغول کار هستند. طبق پژوهش‌های انجام‌شده، مشخص شده اگر میزان سهم مدیران از حدی بیشتر باشد، می‌تواند این انگیزه را در آن‌ها ایجاد کند تا وضعیت مالی و عملکرد مطلوب‌تری را ارائه دهند، همچنین سهامداران عمده نیز می‌توانند از طریق کنترل رفتار مدیران بر روی تصمیمات و فعالیت‌های شرکت تأثیرگذار باشند (بجستان زاده و مرادی، ۱۳۹۹). تئوری نمایندگی ادعا می‌کند که جدایی مالکیت و مدیریت در شرکت‌های دولتی ممکن است باعث شود مدیران به جای منافع سهامداران، منافع خود را انجام دهند (جنسن و مک‌لینگ^۳، ۱۹۷۶). به گفته جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)، شلیفر و ویشنی^۴ (۱۹۸۶) و اندرسون و ریب (۲۰۰۳)، زمانی که خانواده سهامدار شوند، انگیزه لازم برای به حداقل رساندن مشکلات نمایندگی و نظارت بر تصمیمات مدیریتی مربوط به اثربخشی پروژه‌های شرکت ندارند. به گفته بروتون و همکاران (۲۰۰۳)، این کار برای حفظ ارزش بلندمدت شرکت و تشویق مدیریت به تخصیص منابعی که می‌تواند ارزش شرکت را بهینه کند، انجام می‌شود. مالکیت خانوادگی می‌تواند مانعی باشد و به دلیل اثر خویشاوندی، تأثیر منفی بر شرکت بگذارد. ویلانگا و آمیت (۲۰۱۰) این تأثیر منفی را به‌عنوان مزایای خصوصی کنترل طبقه‌بندی می‌کنند. بر اساس این تأثیر، شرکت‌هایی که توسط خانواده کنترل می‌شوند ممکن است ترجیح دهند اعضای خانواده را که نسبتاً شایستگی کمتری دارند به کار گیرند. ارزش شرکت زمانی کاهش می‌یابد که یک کارمند از اعضای خانواده که

1. Black

2. Yonpae & Chen

3. Jensen and Meckling

4. Shleifer and Vishny

واجد شرایط نیست در موقعیت تیم مدیریت شرکت قرار گیرد. خویشاوندی همچنین ممکن است اثربخشی در نظارت توسط خانواده بر مدیرعامل را کاهش دهد. این امر ناشی از رابطه بین فرزندان و والدین است که به‌طور بالقوه به یک سوگیری در ارزیابی عملکرد نماینده تبدیل می‌شود؛ زیرا مدیرعامل، فرزند خودشان است (لوباتکین و همکاران، ۲۰۰۵). برخی مطالعات قبلی (آچلایتنر و همکاران، ۲۰۱۴؛ پایوا و همکاران، ۲۰۱۶؛ وانگ، ۲۰۰۶) دو ویژگی تعیین‌کننده میزان مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی یعنی مالکیت و حاکمیت متمرکز مالکان خانواده و فرصت سنگربندی مدیریت (ثبات و ریشه دوانی) را مستند کرده‌اند. مطالعات انجام شده در شرکت‌های ایالات متحده و اروپای غربی نشان می‌دهد که مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی کمتر است (پایوا و همکاران، ۲۰۱۶). این مطالعات استدلال می‌کنند که شدت مشکلات نمایندگی نوع I در شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی کمتر است. باین‌حال، نتایج حاصله از مطالعات انجام شده در خارج از ایالات متحده و اروپای غربی خلاف آن را مستند کرده‌اند؛ به‌طوری‌که مشکلات نمایندگی نوع II در این کشورها احتمالاً نقش بیشتری در اقدامات گزارشگری دارند. چون مشکل نمایندگی نوع II در شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیر خانوادگی شدیدتر است، مدیریت سود نیز در این شرکت‌ها بیشتر است (ژییه و همکاران، ۲۰۲۲). آوابروت و پاوسی (۲۰۲۳) نشان می‌دهند حفظ کنترل کسب‌وکار یکی از عوامل اجتماعی-عاطفی برای تجارت خانوادگی در بین شرکت‌های هندی است. بر اساس مطالعات ایشان، مشاغل خانوادگی هندی مملو از بدهی، برای صیانت از ثروت اجتماعی-عاطفی خود (کنترل تجارت) به فعالیت‌های مرتبط با مدیریت سود روی می‌آورند. ژیه و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تاثیر مالکیت خانوادگی بر رابطه بین جایگاه شرکت در چرخه عمر و مدیریت سود واقعی پرداختند. آنها بر اساس اطلاعات حاصل از تحلیل داده‌ها استدلال می‌کنند شرکت‌های خانوادگی در مراحل معرفی و افول در مقایسه با شرکت‌های خانوادگی بالغ از مدیریت سود بیشتری استفاده می‌کنند. خوونگ و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند رفتار مدیریت سود تعهدی بین فازهای جایگاه شرکت در چرخه عمر متفاوت است. نتایج یک الگوی U شکل را نشان داد که اقلام تعهدی اختیاری در مراحل اولیه، کاهش قابل توجه‌تر و در مراحل باقی مانده کمتر بود. یافته‌های مربوط به ارتباط بین جایگاه شرکت در چرخه عمر و مدیریت سود واقعی بسته به تکنیک مدیریت سود واقعی مورد استفاده متفاوت است. نتایج از دخالت مالکیت خانوادگی

به‌عنوان تعدیل‌کننده در هر دو رابطه جایگاه شرکت در چرخه عمر و مدیریت سود واقعی و جایگاه شرکت در چرخه عمر و مدیریت سود پشتیبانی می‌کند.

در داخل ایران نیز مطالعاتی صورت گرفته است. لاحقی و زوار رضایی (۱۳۹۴) نشان دادند رابطه مثبت معنی داری بین چرخه عمر و مدیریت سود وجود دارد. به این معنی که رابطه مستقیم موجود بین مدیریت سود در شرکت‌های در مرحله رشد (۰/۲۵۴) نسبت به شرکت‌های در مرحله بلوغ (۰/۳۰۸) ضعیف‌تر می‌باشد. همچنین رابطه مستقیم موجود بین مدیریت سود در شرکت‌های در مرحله افول (۰/۳۳۸) نسبت به شرکت‌های در مرحله بلوغ و (۰/۳۰۸) قوی‌تر می‌باشد. اثنی عشری و نادری نورعینی (۱۳۹۶) نشان دادند شرکت‌ها در مراحل ظهور و افول بیشتر الگوی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را بکار می‌گیرند؛ در حالیکه در مراحل رشد و بلوغ، فعالیت‌های واقعی نقشی غالب در مدیریت سود بر عهده دارند؛ بعلاوه، هر چه دورنمای رشد شرکت‌های واقع در مراحل رشد و بلوغ افزایش یابد، سهم اقلام تعهدی در مدیریت سود افزایش می‌یابد. کاظمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان دادند که اولاً مدیریت سود واقعی در مرحله رشد نسبت به مرحله بلوغ کمتر است، ثانیاً مدیریت سود واقعی در مرحله بلوغ نسبت به مرحله افول کمتر است و ثالثاً در مرحله افول، احتمال مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد. مهربان پور و همکاران (۱۳۹۹) مدیریت شرکت در مرحله بلوغ، از طریق هزینه تولید غیرعادی دست به مدیریت سود می‌زند. همچنین شرکت‌های در حال افول در سال‌های پایانی عمر شرکت از طریق جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی، دست به مدیریت سود می‌زنند و این موضوع، به این معنی است که هر چه شرکت به سال‌های پایانی عمر خود نزدیک‌تر می‌شود، از جریان‌ات نقدی عملیاتی بیشتر از سایر موارد مدیریت سود واقعی استفاده می‌کند. ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند مدیریت سود در شرکت‌های بورسی ایران معضلی چند بعدی است؛ چرا که متغیرهای مرتبط با شاخص سودآوری، نقدینگی و بدهی بر این نوع مدیریت اثرگذارند. چند بعدی بودن عوامل موثر بر این فرآیند الزام هماهنگی میان سیاست‌گذاران بازارهای مالی و سرمایه را خواهد طلبید تا موجبات تعدیل و کاهش مدیریت سود در بورس اوراق بهادار را کاهش دهند. با توجه به مبانی نظری و مرور ادبیات پژوهش، فرضیه اصلی تحقیق به قرار زیر تدوین می‌شود: مالکیت خانوادگی، ارتباط بین چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و مدیریت سود واقعی را تعدیل می‌کند. با تکیه بر مبانی نظری و مرور ادبیات پژوهش، فرضیه اصلی به شرح زیر تدوین شده است: مالکیت خانوادگی، ارتباط

بین چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و مدیریت سود واقعی را تعدیل می‌کند.

این فرضیه خود در قالب چهار فرضیه فرعی زیر قابل بررسی است:

- مالکیت خانوادگی ارتباط بین جایگاه شرکت در چرخه عمر و مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت فروش در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را تعدیل می‌کند.
- مالکیت خانوادگی ارتباط بین جایگاه شرکت در چرخه عمر و مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های تولید در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را تعدیل می‌کند.
- مالکیت خانوادگی ارتباط بین جایگاه شرکت در چرخه عمر و مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های اختیاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را تعدیل می‌کند.
- مالکیت خانوادگی ارتباط بین جایگاه شرکت در چرخه عمر و مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

یکی از بهترین روش‌های تهیه طرح (روش‌شناسی) پژوهش، استفاده از الگوی پیاز تحقیق ملنیکوواس^۱ (۲۰۱۸) است. بر اساس این تئوری، محقق در بدو امر باید فلسفه پژوهش، هدف پژوهش، ماهیت، شیوه استدلال، قلمرو زمانی و مکانی، نحوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و ... را تعیین کند. با تاسی از این الگو، فلسفه حاکم بر پژوهش، فلسفه کارکردگرایی (فانکشنالیزم) است؛ زیرا هدف محقق در نهایت کاربست نتایج در بازار سرمایه ایران است. همچنین، این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت یک پژوهش علی-معلولی می‌باشد. به دلیل اینکه این پژوهش از اطلاعات گذشته استفاده می‌کند، از نوع پژوهش‌های پسارویدادی است که منبع آن اطلاعاتی است که در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران درج شده است. قلمرو زمانی تحقیق شامل ۸ سال متوالی از سال

1. Melnikovas

۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ لغایت ۱۴۰۰ است. نمونه آماری با اعمال فیلترهای زیر بر روی نمونه انتخاب شده است:

- طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ فعال باشد.
- بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری که به واسطه فعالیت خاص کنار گذاشته شدند.
- سال مالی آنها به پایان اسفند ختم شود.
- بین سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ تغییر سال مالی نداشته باشند.
- اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس باشد.

با اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه آماری نهایی متشکل از ۱۴۱ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران به دست آمده و داده‌های مرتبط با متغیرهای پژوهش گردآوری شده است. به پیروی از الگوی اقتصادسنجی ارائه شده توسط ژیه و همکاران (۲۰۲۲)، مدل رگرسیونی مورد استفاده در این پژوهش برای بررسی و آزمون فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی به قرار رابطه ۱ است:

(۱)

$$EMGT_{it} = \beta_0 + \beta_1 Life\ Cycle\ Dummy_{it}^I + \beta_2 Life\ Cycle\ Dummy_{it}^G + \beta_3 Life\ Cycle\ Dummy_{it}^M + \beta_4 Life\ Cycle\ Dummy_{it}^D + \beta_5 DA_{it} + \beta_6 BIGN_{it} + \beta_7 TENURE_{it} + \beta_8 LEV_{it-1} + \beta_9 LMVE_{it-1} + \beta_{10} MTB_{it-1} + \beta_{11} \Delta E_{it-1} + \beta_{12} ROA_{it-1} + \beta_{13} IND_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل i نماد شرکت، t نماد سال است. نحوه سنجش متغیرهای مدل در بخش بعد ارائه شده است. در این مدل متغیر وابسته مدیریت سود^۱ است که در فرضیه اصلی به صورت متغیر مدیریت سود واقعی^۲ از جمع چهار متغیر مدیریت سود از طریق مدیریت فروش^۳، مدیریت هزینه‌های تولید^۴، مدیریت هزینه‌های اختیاری^۵ و مدیریت سرمایه‌گذاری^۶ به دست می‌آید. متعاقباً در مدل آزمون فرضیه‌های فرعی، این متغیر می‌تواند مدیریت سود از طریق فروش، مدیریت هزینه‌های تولید، مدیریت هزینه‌های اختیاری و یا مدیریت سرمایه‌گذاری باشد.

1 . EMGT

2 . Aggregate

3 . $DEP_Stdr - CFO_{it}$ 4 . $DEP_Stdr - PROD_{it}$ 5 . $DEP_Stdr - DISX_{it}$ 6 . $DEP_Stdr - GainA_{it}$

بر اساس مبانی نظری پژوهش، مدیریت سود واقعی عملیاتی شامل مدیریت فروش از طریق افزایش تخفیف‌ها یا شرایط اعتباری برای تسریع فروش یا ایجاد فروش اضافی اما ناپایدار، مدیریت هزینه تولید از طریق تولید بیش‌ازحد با هدف کاهش هزینه کالاهای فروخته شده و مدیریت هزینه‌ها از طریق کاهش مخارج اختیاری می‌باشد (ژیه و همکاران، ۲۰۲۲). مدیران شرکت‌های مشکوک طبق نظریه چرخه عمر در انتخاب مکانیسم‌های مختلف مدیریت سود، هزینه‌های مورد انتظار و محدودیت‌های روش‌های مدیریت سود را با هم مقایسه کنند (زانگ، ۲۰۱۲). برخی خصیصه‌های شرکت‌های بالغ عبارت‌اند از کارایی حداکثری، رشد پایدار فروش، حاشیه سود بالا، توجه بیشتر از سوی تحلیلگران و علاقه بیشتر سرمایه‌گذاران، تأمین مالی بیشتر از بدهی و سهام عمومی، ریسک‌گریزی بیشتر، هزینه سرمایه کمتر، و ساختارهای سازمانی بروکراتیک (دی‌آنجلو^۱ و همکاران، ۲۰۰۶؛ حبیب و حسن^۲، ۲۰۱۷؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۵). شرکت‌ها در مرحله بلوغ بسیار رقابتی‌اند و برندهای خاص خود را دارند. شرکت‌ها طی مرحله بلوغ نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتری در تحقیق و توسعه برای تسریع نوآوری فنی دارند (توشمن و نادلر^۳، ۱۹۸۶). برخی خصیصه‌های مرحله معرفی در مقایسه با مرحله بلوغ عبارتند از ساختار ساده و غیررسمی، عدم تقارن اطلاعاتی قابل توجه، مخارج سرمایه‌ای بالا، عدم اطمینان در جریان‌ات درآمد و بها، هزینه سرمایه بالا، فرصت طلبی زیاد مدیران، مالکیت متمرکز، تأمین مالی بیشتر از طریق بدهی و سرمایه‌گذاری شخصی و نوآوری محصول (هانسن و همکاران، ۲۰۱۸؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۵؛ میلر و فریسن^۴، ۱۹۸۴).

مدیریت، استراتژی‌هایی را برای کسب مزیت رقابتی، سهم از بازار (راماسوامی و همکاران، ۲۰۰۷) و نوآوری (آدرتش و فلدمن، ۱۹۹۶) ارائه می‌کند. استراتژی تأکید بر سهم بازار و رشد فروش از طریق افزایش اعتبار و تخفیف، حتی به بهای بازده عملیاتی کوتاه مدت، نه تنها می‌تواند در بلندمدت منجر به کسب مزیت در هزینه و بازاریابی شود، بلکه باعث افزایش سود کوتاه مدت نیز می‌شود (آنتونی و رامش، ۱۹۹۲؛ جنکینز و کین، ۲۰۰۴). بعلاوه، گانی (۲۰۱۰) دریافت که وقتی مدیران از مدیریت سود واقعی برای برآورده کردن اهداف و معیارهای سود استفاده

1. DeAngelo
2. Habib & Hasan
3. Tushman & Nadler
4. Miller & Friesen

می‌کنند، ارتباط مثبتی بین مدیریت سود واقعی و عملکرد عملیاتی آینده بوجود می‌آید. گانی استدلال می‌کند که این رابطه با نقش سیگنال دهی مدیریت سود واقعی برای منفعت شرکت از افزایش شهرت و اعتبار سود همخوانی دارد. باین حال، شرکت‌ها در مرحله معرفی نسبت به کاهش سرمایه‌گذاری و مخارج اختیاری در اموری نظیر تبلیغات و تحقیق و توسعه بی‌میل‌اند؛ زیرا این کارها را در تضاد با استراتژی تأکید بر سهم بازار و نوآوری می‌دانند (آنتونی و رامش، ۱۹۹۲). ممکن است شرکت‌ها در مرحله معرفی توانایی مالی برای تولید در مقیاس بالا به‌منظور کاهش بهای تمام شده کالاهای فروش رفته را نداشته باشند (ژیو و همکاران، ۲۰۲۲). با عنایت به توضیحات فوق، در این پژوهش برای محاسبه متغیر وابسته یعنی مدیریت سود واقعی ابتدا چهار معادله به شرح روابط ۲، ۳، ۴ و ۵ برآورد شده است. سپس پسماند هر معادله استخراج و مجموع پسماند چهار معادله نشان دهنده میزان مدیریت سود واقعی است. معادلات به قرار زیر است:

(۲)

$$\frac{CFO_{it}}{TA_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \beta_2 MV_{it} + \beta_3 Q_{it} + \beta_4 \left(\frac{S_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \beta_5 \left(\frac{\Delta S_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

(۳)

$$\frac{DISX_{it}}{TA_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \beta_2 MV_{it} + \beta_3 Q_{it} + \beta_4 \left(\frac{INT_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \beta_5 \left(\frac{\Delta S_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

(۴)

$$\frac{PROD_{it}}{TA_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \beta_2 MV_{it} + \beta_3 Q_{it} + \beta_4 \left(\frac{S_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \beta_5 \left(\frac{\Delta S_{it-1}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

(۵)

$$\frac{GAINA_{it}}{TA_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \beta_2 MV_{it} + \beta_3 Q_{it} + \beta_4 \left(\frac{INT_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \beta_5 \left(\frac{ASALES_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \beta_6 \left(\frac{ISALES_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای استفاده شده در این مدل‌ها به قرار زیر است:

جریان نقد عملیاتی^۱، ارزش دفتری کل دارایی‌ها^۲، ارزش بازار شرکت (لگاریتم طبیعی حاصل ضرب قیمت در آخرین روز معاملاتی سال مالی در تعداد سهام شرکت^۳، کیوتوبین (مجموع ارزش بازار و بدهی تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها^۴، فروش خالص^۵، تغییرات فروش خالص (تفاوت بین فروش خالص سال جاری نسبت به سال قبل^۶، مخارج اختیاری^۷ (هزینه‌های فروش و عمومی و اداری، هزینه تحقیق و توسعه و هزینه تبلیغات)، درآمد نقدی^۸ (درآمد بعد از مالیات بعلاوه هزینه استهلاک)، درآمد ناشی از فروش دارایی ثابت بعلاوه فروش سرمایه گذاری بلند مدت^۹)، فروش دارایی ثابت^{۱۰}، فروش سرمایه گذاری بلند مدت^{۱۱}، بهای تولید (مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و تغییرات موجودی کالا)^{۱۲}.

متغیر مستقل این پژوهش، چرخه عمر شرکت^{۱۳} است. متغیرهای ساختگی (موهومی) چرخه عمر شرکت‌ها نیز به ترتیب نشان‌دهنده مراحل معرفی (I)، رشد (G)، بلوغ (M) و افول (D) می‌باشند. برای محاسبه چرخه عمر شرکت از مدل دیکسون (۲۰۱۱) استفاده می‌شود. طبق این مدل، استدلال بر این است که جریان‌های نقد، تفاوت در سوددهی، رشد و ریسک شرکت را نشان می‌دهد و از این رو میتوان از جریان‌های نقد مربوط به فعالیت‌های عملیاتی^{۱۴}، سرمایه گذاری^{۱۵} و تامین مالی^{۱۶} برای تعیین مراحل چرخه عمر شرکت شامل «شروع»، «رشد»، «بلوغ»، «افول» استفاده کرد:

۱- اگر $CFO < 0$ ، $CFI < 0$ و $CFF > 0$ باشد، نشانگر مرحله شروع است.

۲- اگر $CFO > 0$ ، $CFI < 0$ و $CFF > 0$ باشد، نشانگر مرحله رشد است.

1. CFO_{it}
2. TA_{it}
3. MV_{it}
4. Q_{it}
5. S_{it}
6. ΔS_{it}
7. $DISX_{it}$
8. INT_{it}
9. $GAINA_{it}$
10. $ASALES_{it}$
11. $ISALES_{it}$
12. $PROD_{it}$
13. $Life\ Cycle\ Dummy_{it}$
14. CFO
15. CFI
16. CFF

۳- اگر $CFO > 0$ ، $CFI < 0$ و $CFF < 0$ باشد، نشانگر مرحله بلوغ است.

۴- اگر $CFO < 0$ ، $CFI > 0$ و $CFF > 0$ باشد، نشانگر مرحله افول است.

متغیرهای کنترلی مورد استفاده در این پژوهش به شرح زیر است:

- اندازه حسابرس^۱: اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد این متغیر یک در غیر این صورت صفر است.
- تصدی گری حسابرس^۲: تعداد سال های سپری شده که حسابرس، حسابرسی شرکت را به عهده داشته باشد.
- اهرم مالی^۳: نسبت بدهی کل تقسیم بر ارزش دفتری دارایی ها
- نوسانات بازده سهام^۴: لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت
- ارزش بازار به دفتری^۵: نسبت ارزش بازار شرکت تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت
- تغییرات درآمد^۶: تغییرات درآمد تقسیم بر ارزش دفتری دارایی ها سال قبل
- بازده دارایی ها^۷: نسبت سود خالص تقسیم بر ارزش دفتری دارایی ها
- استقلال هیئت مدیره^۸: نسبت اعضا غیر موظف تقسیم بر کل اعضا هیئت مدیره
- مدیریت سود تعهدی^۹: مدل استفاده شده برای محاسبه مقدار مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی مدل استفاده شده توسط کازنیک (۱۹۹۹) است که به عبارت رابطه ۶ می باشد:

(۶)

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_1 \frac{(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{it-1}} + \alpha_2 \left(\frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta CFO_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

TAC_{it} : جمع اقلام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان های نقدی عملیاتی) در سال t برای

شرکت تحت مطالعه i

1. $BIGN_{it}$
2. $TENURE_{it}$
3. LEV_{it}
4. $LMVE_{it}$
5. MTB_{it}
6. ΔE_{it}
7. ROA_{it}
8. IND_{it}
9. DA_{it}

TA_{it-1} : جمع دارایی‌های در سال $t-1$ برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREV_{it} : تغییرات درآمد طی سال $t-1$ تا t برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREC_{it} : تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی طی سالهای $t-1$ تا t برای شرکت‌های تحت مطالعه i

PPE_{it} : مبلغ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t برای شرکت‌های تحت مطالعه i

ΔCFO_{it} : تغییرات جریان نقد عملیاتی

ε_{it} : مجموع خطای رگرسیون، فرض بر این است که به صورت مقطعی نا همبسته و دارای

توزیع نرمال با میانگین صفر هستند.

در این پژوهش به پیروی از مهرآدین و همکاران (۱۳۹۲) از دو شرط زیر برای تعریف شرکت‌های خانوادگی در ایران استفاده شده است: نخست اینکه سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰٪ از سهام عادی شرکت باشد؛ دوم اینکه یکی از اعضای هیئت‌مدیره، خود، به تنهایی مالک حداقل پنج درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیئت‌مدیره و اعضای خانواده و فامیل وی، حداقل پنج درصد از مجموع سهام عادی شرکت باشد. شرکت‌های غیرخانوادگی نیز شرکت‌هایی هستند که هیچ‌یک از شرایط ذکر شده را نداشته باشند. در این پژوهش برای سنجش اثر تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی، از روش‌های مرسوم رگرسیونی که در آن متغیر تعدیلگر در متغیر مستقل ضرب می‌شود، استفاده نشده است. در واقع، برای سنجش نقش تعدیلگر مالکیت خانوادگی، نمونه پژوهش به دو بخش دارای و فاقد مالکیت خانوادگی تقسیم شده و مدل روبرو به تفکیک برای هر دو گروه ران شده است. در نهایت ضرایب به دست آمده در دو مدل برازش شده به صورت متناظر با یکدیگر مقایسه شده (آزمون زوجی) و در خصوص نقش تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی بحث می‌گردد. بنابر توضیحات فوق، از آنجا که مالکیت خانوادگی در مدل استفاده نشده، نیاز به ارائه نیست. مالکیت خانوادگی صرفاً نمونه را به دو بخش تقسیم می‌کند و در مدل رگرسیونی وارد نمی‌شود.

ابتدا مدل‌های رگرسیونی فوق برای شرکت‌های فاقد و دارای مالکیت خانوادگی به صورت مجزا برازش می‌شود. ضرایب به دست آمده برای متغیرهای چرخه عمر در دو نمونه با یکدیگر مقایسه می‌شود. برای مقایسه ضرایب تأثیر به دست آمده متناظر هر یک از مراحل چرخه عمر در دو مدل برازش شده، از آزمون مقایسه میانگین دو نمونه^۱ در نرم‌افزار SPSS استفاده می‌شود.

1. Two sample t-test

فرض صفر در این آزمون برابری ضرایب تأثیر (عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین ضرایب تأثیر) و فرض جانشین، وجود تفاوت معنی‌دار بین ضرایب تأثیر به دست آمده برای متغیرهای چرخه عمر است. در صورتی که فرضیه جانشین تأیید شود (بین ضرایب تأثیر متغیرهای چرخه عمر تفاوت معنی‌داری وجود دارد)، فرضیه‌های فرعی منبعث از فرضیه اصلی پژوهش نیز تأیید می‌شود؛ به این معنی که مالکیت خانوادگی ارتباط بین چرخه عمر شرکت‌ها و مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت فروش، مدیریت هزینه‌های تولید، مدیریت هزینه‌های اختیاری و مدیریت سرمایه‌گذاری را تعدیل می‌نماید. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، ابتدا از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده که بر این اساس، مبانی نظری و ادبیات پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین گردآوری گردید. سپس داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌های منتخب، گزارشات هیئت مدیره، لوح‌های فشرده، آرشیو تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و سایت کدال استخراج شد. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها با کمک نرم‌افزار آماری ایویوز صورت گرفته است.

یافته‌های تجربی

پس از گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، در این بخش به ارائه نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای مرتبط با مدیریت سود را نشان می‌دهد. اصلی‌ترین شاخص در بررسی آمار توصیفی، میانگین است که نشان‌دهنده مرکز ثقل توزیع می‌باشد. همانطور که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود، با توجه به اینکه متغیرهای مدیریت سود از اجزای اخلاص مدل‌های رگرسیونی مختلفی به دست آمده‌اند، طبیعتاً میانگین آنها صفر خواهد بود. نزدیک‌بون میانگین به میانه برای شاخص‌های مدیریت سود حکایت از این دارد که غالب مشاهدات متغیرها، حول میانگین و میانه توزیع شده‌اند. یکی از شاخص‌های اساسی در محاسبه میزان پراکندگی داده‌ها، انحراف معیار است. انحراف معیار به دست آمده برای متغیرهای مدیریت سود تقریباً برابر عدد یک است که دلیل این موضوع به ویژگی توزیع نرمال اجزای اخلاص مدل‌های رگرسیونی (میانگین = ۰ و انحراف معیار = ۱) مبنای محاسبه این متغیرها برمی‌گردد.

جدول ۱.۱ آمار توصیفی متغیرهای مرتبط با مدیریت سود (متغیرهای وابسته)

شاخص‌های آمار توصیفی	مدیریت سود واقعی	مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها	مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های اختیاری	مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های تولید	مدیریت سود از طریق مدیریت فروش
میانگین	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
میانه	۰/۰۷۰۰	-۰/۰۶۰۲	-۰/۱۱۰۸	۰/۰۲۳۱	۰/۰۰۹۱
حداکثر مشاهده	۹/۶۷۰۰	۷/۵۹۶۹	۲/۳۸۰۳	۲/۴۰۲۲	۲/۷۰۹۱
حداقل مشاهده	-۵/۲۲۰۰	۴/۷۷۹۰	۲/۲۴۹۱	-۲/۴۲۲۱	-۲/۴۵۶۳
انحراف معیار	۱/۶۷۹۳	۰/۹۳۳۵	۰/۹۲۳۵	۰/۹۳۳۹	۰/۹۹۶۵
چولگی	۰/۶۳۳۹	۲/۸۰۳۶	۰/۲۸۸۷	-۰/۰۴۲۴۲	۰/۰۷۰۱
کشدگی	۵/۱۳۵۱	۱۷/۸۰۶۶	۲/۴۵۶۸	۲/۶۵۱۱	۳/۰۰۰۶
جارگ-برا	۲۸۹/۸۱۴۸	۱۱۷۸۱/۷۰	۲۵/۸۴۶۷	۶/۰۵۷۳	۰/۸۰۸۵
آماره احتمال	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۴۸۴	۰/۶۶۷۵
مشاهدات	۱۱۲۸	۱۱۲۸	۹۸۷	۱۱۲۸	۹۸۷

جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای گسسته (دو یا چندجمله‌ای) را نیز بر حسب فراوانی نشان می‌دهد. بر اساس چرخه عمر، اکثریت نمونه پژوهش در مرحله رشد (بالغ بر ۴۳٪ مشاهدات) قرار داشته‌اند. پس از آن ۲۸٪ از نمونه پژوهش در مرحله بلوغ قرار داشته‌اند و تنها ۳٪ از مشاهدات پژوهش به دوره افول مربوط می‌شوند. همچنین تقریباً ۸۴٪ شرکت‌های مورد بررسی توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده‌اند که معیار مطلوبی برای حصول اطمینان از کیفیت حسابرسی می‌باشد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای ساختگی (DUMMY)

حالت‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
چرخه عمر شرکت‌ها		
معرفی	۹۲	۸
رشد	۴۹۱	۴۳
بلوغ	۳۱۴	۲۸
افول	۲۹	۳
مرحله ^۱ shake out	۲۰۲	۱۸
جمع کل	۱۱۲۸	۱۰۰

۱. شرکت‌هایی که در هیچ‌یک از دسته‌بندی چهارگانه معرفی، رشد، بلوغ و افول قرار نمی‌گیرند.

پس از بررسی آمار توصیفی، لازم است مدل‌های رگرسیونی ذکر شده در بخش قبلی برای شرکت‌های فاقد و دارای مالکیت خانوادگی برازش شود. برای این منظور ابتدا از پایایی و هم‌انباشتگی متغیرهای توضیحی اطمینان حاصل گردید. برای آزمون پایایی از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته به روش لوین، لین و چو^۱ استفاده شده که با توجه به سطح معنی‌داری کمتر از پنج درصد متغیرهای مورد استفاده در پژوهش، نتایج به دست آمده حکایت از مانایی کل متغیرهای پژوهش داشت. در ادامه به منظور بررسی هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی مدل، ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش برآورد شد و نتایج به دست آمده نشان داد ضرایب همبستگی بین متغیرهای توضیحی مدل‌های رگرسیونی از آستانه بحرانی (۰/۸۰٪) تجاوز نموده است. پس از تعیین روش صحیح برازش با آزمون اف لیمر و هاسمن، مدل‌های آزمون فرضیه به شیوه اثرات ثابت ترکیبی برازش گردید. سپس فروض رگرسیون کلاسیک شامل خودهمبستگی سریالی و ناهمسانی واریانس اجزای اخلال با استفاده از آماره دوربین واتسون و بروش-پاگان آزمون شد و نتایج به دست آمده در برازش مدل‌های نهایی مدنظر قرار گرفت. در نتیجه بررسی فروض کلاسیک، مدل‌های دارای خودهمبستگی اجزای اخلال با افزودن متغیر خودرگرسیون مرتبه اول و مدل‌های دارای ناهمسانی واریانس از طریق وزن‌دهی به مقاطع برآورد شدند. در نهایت، با برازش مدل‌های نهایی، آزمون فرضیه‌های پژوهش در سطح نمونه شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی و شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی صورت گرفت.

جدول (۴) آزمون فرضیه‌های پژوهش را در نمونه شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی نشان می‌دهد. در مرحله معرفی، در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی، مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های تولید دارای روند افزایشی است و مدیریت سود از طریق مدیریت سود واقعی، مدیریت فروش و مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها کاهشی می‌باشد. در مرحله رشد، در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی، مدیریت سود واقعی دارای روند کاهشی است؛ در حالی که مدیریت سود از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها، صرف‌نظر از نوع مالکیت، دارای روند کاهشی است. در مرحله بلوغ، در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی، مدیریت سود از طریق مدیریت فروش افزایشی است؛ ولی مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های تولید و مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها روند کاهشی به خود گرفته است. در مرحله افول، در شرکت‌های فاقد مالکیت

1. Levin, Lin & Chu (LLC)

خانوادگی، مدیریت سود از طریق مدیریت فروش کاهشی بوده ولی مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های تولید و مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی روند افزایشی به خود گرفته است.

جدول ۴. آزمون فرضیه‌های پژوهش در نمونه شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی

متغیرهای توضیحی مدل	مدیریت سود واقعی	مدیریت سود از طریق مدیریت فروش	مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های تولید	مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های اختیاری	مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها
مرحله معرفی	-۰/۷۰۵۵	-۰/۸۹۴۱	۰/۳۱۶۹	-۰/۱۱۱۳	-۰/۰۸۴۵
Sig.	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۲۵	۰/۴۷۱۵	۰/۰۰۴۸
مرحله رشد	-۰/۳۲۹۴	۰/۰۱۴۶	-۰/۱۱۰۱	-۰/۱۵۲۵	-۰/۰۵۷۶
Sig.	۰/۰۱۲۷	۰/۸۴۳۲	۰/۱۲۶۸	۰/۰۹۶۶	۰/۰۰۵۰
مرحله بلوغ	۰/۰۳۱۵	۰/۵۵۸۳	-۰/۲۶۹۲	-۰/۰۷۹۸	-۰/۰۶۳۷
Sig.	۰/۸۱۶۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۵	۰/۴۱۲۸	۰/۰۰۲۶
مرحله افول	۰/۴۱۲۹	-۱/۳۶۸۵	۰/۶۹۸۷	۰/۰۹۹۵	۰/۲۳۵۷
Sig.	۰/۲۹۲۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۴	۰/۶۵۱۳	۰/۰۱۵۸
دوره تصدی حسابرس	-۰/۰۲۶۲	-۰/۰۱۵۳	۰/۰۳۱۸	-۰/۰۳۸۸	-۰/۰۰۱۵
Sig.	۰/۲۸۶۷	۰/۲۸۷۸	۰/۰۲۴۰	۰/۰۲۸۸	۰/۶۶۲۶
نرخ بازده دارایی	۱/۸۵۳۸	۲/۸۸۳۸	-۱/۶۳۳۲	۰/۳۹۱۳	-۰/۴۲۰۶
Sig.	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۸۷۸	۰/۰۰۰۰
ارزش بازار به مبلغ دفتری سرمایه	۰/۰۰۵۱	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۰۴
Sig.	۰/۳۲۹۶	۰/۹۹۵۸	۰/۷۹۱۴	۰/۱۵۳۲	۰/۴۹۵۱
نوسان بازده سهام	۰/۰۰۹۲	-۰/۰۶۴۱	۰/۰۸۴۹	۰/۰۰۵۰	۰/۰۱۳۱
Sig.	۰/۷۵۳۰	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰	۰/۸۲۳۹	۰/۰۰۲۵
سطح اهرمی	۰/۷۴۷۵	۰/۱۸۴۱	۰/۱۰۰۹	۰/۲۵۴۲	۰/۰۸۲۵
Sig.	۰/۰۱۴۲	۰/۳۰۸۲	۰/۵۶۸۶	۰/۲۲۳۷	۰/۰۶۲۶
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۲۲۶۰	۰/۰۱۴۰	۰/۲۲۶۵	-۰/۲۹۴۹	۰/۱۰۳۱
Sig.	۰/۴۱۴۴	۰/۹۳۰۲	۰/۱۴۶۴	۰/۱۳۹۷	۰/۰۰۷۱
نوسان درآمد	-۰/۲۰۱۶	-۰/۱۹۵۳	۰/۰۶۶۶	-۰/۱۳۴۳	-۰/۰۸۵۲
Sig.	۰/۰۱۱۵	۰/۰۰۰۰	۰/۲۲۰۵	۰/۰۳۱۶	۰/۰۰۰۰
اقدام تعهدی	-۰/۵۰۲۰	-۰/۱۵۰۷	-۰/۴۱۴۴	-۰/۰۶۵۷	-۰/۰۶۹۸
Sig.	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۹۰۴	۰/۰۰۰۰
اندازه حسابرس	-۰/۰۹۳۱	-۰/۱۳۱۴	-۰/۱۹۲۲	۰/۰۶۲۲	۰/۰۲۰۱
Sig.	۰/۵۷۵۰	۰/۲۰۳۱	۰/۰۴۶۵	۰/۶۲۸۸	۰/۳۹۵۰

مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های اختیاری	مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های تولید	مدیریت سود از طریق مدیریت فروش	مدیریت سود واقعی	متغیرهای توضیحی مدل
-۰/۱۷۰۶	۰/۱۵۸۸	-۱/۲۲۴۳	۰/۵۵۲۴	جزء ثابت
۰/۰۲۷۲	۰/۶۹۹۵	۰/۰۰۰۲	۰/۱۰۸۰	Sig.
۳۳/۸۴۲۳	۱/۸۵۸۷	۳۰/۷۵۳۱	۵۳/۶۱۱۰	آماره F
۰/۰۰۰۰	۰/۰۳۱۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	F(sig.)
۰/۳۲۴۹	۰/۲۹۳۹	۰/۳۰۴۳	۰/۴۶۵۹	ضریب تعیین (R-squared)

جدول (۵) نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش را برای نمونه شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی خلاصه می‌کند. در مرحله معرفی، در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی فقط مدیریت سود از طریق مدیریت فروش دارای روند کاهشی است. در مرحله رشد، در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی، مدیریت سود واقعی دارای روند کاهشی است؛ در حالی که مدیریت سود از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها، صرف‌نظر از نوع مالکیت، چه برای شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی و چه برای شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی، دارای روند کاهشی است. در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی در مرحله بلوغ مدیریت سود واقعی و مدیریت سود از طریق مدیریت فروش دارای روند افزایشی است. در مرحله افول، چه در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی و چه در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی، مدیریت سود از طریق مدیریت فروش کاهشی بوده است.

جدول ۵. آزمون فرضیه‌های پژوهش در نمونه شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی

مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های اختیاری	مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های تولید	مدیریت سود از طریق مدیریت فروش	مدیریت سود واقعی	متغیرهای توضیحی مدل
۰/۰۳۶۳	۰/۳۸۵۹	۰/۳۰۳۴	-۰/۹۸۶۰	مرحله معرفی
۰/۵۵۹۰	۰/۱۴۸۹	۰/۲۱۷۹	۰/۰۰۰۰	Sig.
-۰/۰۸۴۰	۰/۱۰۳۹	-۰/۰۰۸۸	-۰/۱۲۹۱	مرحله رشد
۰/۰۴۴۲	۰/۵۷۴۰	۰/۹۶۱۴	۰/۴۲۶۶	Sig.
-۰/۰۳۸۷	۰/۲۷۰۲	-۰/۰۹۰۹	۰/۸۸۹۳	مرحله بلوغ
۰/۳۶۷۴	۰/۱۷۱۱	۰/۶۳۹۵	۰/۰۰۰۰	Sig.
۰/۰۱۴۲	-۰/۱۸۲۸	۰/۵۲۷۷	-۱/۴۸۱۷	مرحله افول

متغیرهای توضیحی مدل	مدیریت سود واقعی	مدیریت سود از طریق مدیریت فروش	مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه های تولید	مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه های اختیاری	مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت سرمایه گذاری ها
Sig.	۰/۰۷۷۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۷۵۵	۰/۵۴۴۶	۰/۸۹۵۸
دوره تصدی حسابرس	-۰/۰۳۳۴	۰/۰۳۸۲	-۰/۰۲۹۹	-۰/۱۵۶۰	۰/۰۰۸۶
Sig.	۰/۶۷۷۵	۰/۴۴۲۴	۰/۶۰۲۸	۰/۰۰۸۵	۰/۵۰۲۳
نرخ بازده دارایی	-۲/۱۴۹۸	۰/۹۶۹۸	-۰/۱۵۹۳	-۱/۶۰۹۸	-۰/۴۸۱۱
Sig.	۰/۰۲۱۵	۰/۱۲۸۷	۰/۸۲۷۸	۰/۰۳۱۴	۰/۰۰۹۹
ارزش بازار به مبلغ دفتری سرمایه	۰/۰۱۸۱	۰/۰۰۵۲	۰/۰۱۹۵	۰/۰۱۲۸	-۰/۰۰۲۱
Sig.	۰/۱۸۸۹	۰/۴۸۷۵	۰/۰۴۱۳	۰/۱۸۰۵	۰/۴۷۲۵
نوسان بازده سهام	۰/۱۶۸۸	۰/۰۴۳۵	۰/۱۲۶۳	-۰/۰۷۴۹	۰/۰۱۹۱
Sig.	۰/۰۷۰۱	۰/۴۴۱۷	۰/۰۴۹۷	۰/۲۶۹۸	۰/۲۲۵۳
سطح اهرمی	۰/۳۶۱۶	۰/۱۸۵۹	۰/۲۷۳۰	۰/۰۴۸۱	-۰/۰۶۴۶
Sig.	۰/۵۱۰۸	۰/۶۱۷۰	۰/۵۱۳۳	۰/۹۰۹۱	۰/۵۷۵۹
استقلال هیئت مدیره	-۰/۴۳۰۵	-۰/۱۱۰۹	-۰/۳۵۵۱	۰/۱۴۱۲	-۰/۰۴۲۸
Sig.	۰/۲۵۳۷	۰/۶۴۲۳	۰/۱۹۸۸	۰/۶۳۸۰	۰/۴۸۳۶
نوسان درآمد	-۰/۰۷۰۶	-۰/۲۵۴۹	-۰/۳۲۶۴	۰/۳۶۷۳	-۰/۰۹۷۰
Sig.	۰/۷۵۹۴	۰/۱۱۷۷	۰/۰۶۶۹	۰/۰۳۲۱	۰/۰۰۶۹
اقدام تعهدی	-۰/۱۵۲۸	-۰/۱۴۳۵	-۰/۰۶۹۳	۰/۰۲۶۲	-۰/۰۶۱۴
Sig.	۰/۲۳۰۶	۰/۱۰۰۰	۰/۴۵۴۱	۰/۷۹۷۴	۰/۰۰۱۲
اندازه حسابرس	-۰/۹۶۲۷	۰/۳۴۹۷	۰/۱۸۶۷	۰/۹۸۷۱	-۱/۱۷۴۳
Sig.	۰/۴۴۵۶	۰/۴۳۵۶	۰/۷۲۵۵	۰/۰۵۰۹	۰/۱۳۶۲
جزء ثابت	-۱/۸۷۴۰	-۰/۷۱۶۳	-۱/۶۹۰۷	۱/۲۴۳۵	-۰/۰۸۳۳
Sig.	۰/۱۳۴۳	۰/۳۷۹۷	۰/۰۵۳۱	۰/۲۰۳۴	۰/۷۲۰۲
آماره F	۲/۷۲۷۶	۱۳/۶۶۳۰	۲/۵۱۴۷	۲/۴۲۰۰	۶/۶۱۰۸
F(sig.)	۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین (R-squared)	۰/۱۶۰۱	۰/۵۲۴۵	۰/۱۴۹۵	۰/۱۶۳۴	۰/۳۱۶۰

جدول (۶) به طور کلی، نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها را با یکدیگر مقایسه می کند. از دقت در جدول (۶) می توان نتایج به دست آمده در جدول (۴) و (۵) را با یکدیگر مقایسه نمود. با عنایت به توضیحات جدول (۶) می توان گفت که مالکیت خانوادگی بر رابطه بین چرخه عمر شرکت ها و مدیریت سود اثر گذار است و این رابطه را تعدیل می کند؛ زیرا ارتباط بین چرخه عمر و مدیریت سود در شرکت های دارای مالکیت خانوادگی با کل نمونه و شرکت های فاقد

مالکیت خانوادگی دارای تفاوت محسوسی است. لیکن به منظور بررسی دقیق‌تر و علمی‌تر این موضوع، از آزمون مقایسه میانگین دو نمونه استفاده شده است.

جدول ۶. خلاصه نتایج آزمون فرضیه اصلی

مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها	مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های اختیاری	مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های تولید	مدیریت سود از طریق مدیریت فروش	مدیریت سود واقعی	مراحل چرخه عمر	نمونه پژوهش
کاهشی	بی‌تأثیر	افزایشی	کاهشی	کاهشی	مرحله معرفی	فاقد مالکیت خانوادگی
کاهشی	بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	کاهشی	مرحله رشد	
کاهشی	بی‌تأثیر	کاهشی	افزایشی	بی‌تأثیر	مرحله بلوغ	
افزایشی	بی‌تأثیر	افزایشی	کاهشی	بی‌تأثیر	مرحله افول	
بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	کاهشی	بی‌تأثیر	مرحله معرفی	دارای مالکیت خانوادگی
کاهشی	بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	مرحله رشد	
بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	افزایشی	افزایشی	مرحله بلوغ	
بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	بی‌تأثیر	کاهشی	بی‌تأثیر	مرحله افول	

جدول (۷) نتایج حاصل از مقایسه ضرایب تأثیر متغیرهای چرخه عمر بر مدیریت سود را در دو گروه نمونه شرکت‌های فاقد و دارای مالکیت خانوادگی ارائه می‌کند. در آزمون میانگین دو نمونه‌ای، متوسط ضرایب تأثیر متغیرهای مراحل چرخه عمر بر متغیرهای مدیریت سود واقعی، مدیریت سود از طریق مدیریت فروش، مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های تولید، مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های اختیاری و مدیریت سود از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی و شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی مقایسه شده است.

جدول ۷. آزمون مقایسه میانگین ضرایب تأثیر چرخه عمر بر مدیریت سود

نتیجه	سطح معنی‌داری	آماره t	ضرایب مدل‌های رگرسیونی
تفاوت بین ضرایب معنی‌دار است	۰/۰۰۰	-۸/۴۹	مدل رگرسیونی فرضیه اصلی
تفاوت بین ضرایب معنی‌دار است	۰/۰۰۰	۱/۷۸	مدل رگرسیونی فرضیه فرعی اول
تفاوت بین ضرایب معنی‌دار است	۰/۰۰۰	۳/۰۲	مدل رگرسیونی فرضیه فرعی دوم
تفاوت بین ضرایب معنی‌دار است	۰/۰۰۰	۴/۴۶	مدل رگرسیونی فرضیه فرعی سوم
تفاوت بین ضرایب معنی‌دار است	۰/۰۰۰	-۲/۶۲	مدل رگرسیونی فرضیه فرعی چهارم

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول (۷) از آنجا که سطوح معنی‌داری به دست آمده برای هر زوج کمتر از ۵٪ است، فرضیه صفر آزمون یعنی برابری ضرایب در هر دو گروه شرکت‌ها رد می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد ضرایب تأثیر چرخه عمر بر مدیریت سود شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی با شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی از نظر آماری و اقتصادی تفاوت معناداری دارد و فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر جایگاه شرکت در چرخه عمر بر مدیریت سود آن‌ها با تأکید بر نقش تعدیلگر مالکیت خانوادگی می‌پردازد. پس از تعیین نحوه اندازه‌گیری متغیرهای مدیریت سود واقعی، مدیریت سود از طریق مدیریت فروش، مدیریت هزینه‌های تولید، مدیریت هزینه‌های اختیاری و مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها، هر یک از مراحل چرخه عمر شرکت‌ها تعیین و در ادامه اطلاعات و داده‌های مربوط به ۱۴۱ شرکت طی ۸ سال گردآوری و روابط بین این متغیرها با استفاده از آنالیز رگرسیون چندمتغیره و آزمون مقایسه زوجی بررسی شد. مشخصه شرکت‌های خانوادگی در اقتصاد جهانی اهمیت و پویایی آن‌ها است و شرکت‌های خانوادگی، به دلیل ساختار مالکیتی معمولشان، تصمیمات استراتژیک متفاوتی برای مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی می‌گیرند. برای بررسی این موضوع، تأثیر مالکیت خانوادگی بر وضعیت مدیریت سود شرکت‌ها در هر یک از مراحل چرخه عمر در قالب یک فرضیه کلی و چهار فرضیه فرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه کلی پژوهش نشان می‌دهد، تأثیر جایگاه شرکت‌ها در چرخه عمر بر مدیریت سود شرکت‌ها در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی نسبت به شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی (با فرض ثبات سایر عوامل) تفاوت معناداری دارد و بنابراین فرضیه کلی پژوهش مبنی بر نقش تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی در رابطه بین جایگاه شرکت در چرخه عمر و مدیریت سود واقعی، تأیید گردید که مطابق با یافته‌های پژوهش ژو و همکاران (۲۰۰۷)، ژانگ (۲۰۰۷)، حسن و همکاران (۲۰۱۵)، هانسن و همکاران (۲۰۱۸) و ژیه و همکاران (۲۰۲۲) است.

در آزمون فرضیه فرعی اول، مشخص گردید که مدیریت سود از طریق مدیریت فروش چه در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی و چه در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی، در مراحل معرفی، رشد، بلوغ و افول به ترتیب کاهشی، بدون تغییر، افزایشی و کاهشی بوده و بنابراین مالکیت خانوادگی تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق مدیریت فروش نداشته است؛ زیرا روند مدیریت سود از طریق مدیریت فروش در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی با شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد. این موضوع یافته‌های پژوهش ریچادوری (۲۰۰۶) و گانی (۲۰۱۰) را تایید می‌کند اما با یافته‌های پژوهش ژیه و همکاران (۲۰۲۲) در تضاد است. در آزمون فرضیه فرعی دوم، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های تولید در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی طی مراحل معرفی، رشد، بلوغ و افول به ترتیب دارای روند افزایشی، بدون تغییر، کاهشی و افزایشی است؛ در حالیکه در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی، مدیریت سود از طریق مدیریت هزینه‌های تولید طی مراحل مختلف چرخه عمر، بدون تغییر بوده است. بنابراین فرضیه فرعی دوم پژوهش تایید می‌شود. نتایج به دست آمده در این بخش با نتایج مطالعات ژو و همکاران (۲۰۰۷)، پایوا و همکاران (۲۰۱۶) و ژیه و همکاران (۲۰۲۲) همسو و سازگار است؛ لیکن با نتایج پژوهش ژانگ (۲۰۰۷) در تضاد است. نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم، نشان می‌دهد مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت هزینه‌های اختیاری چه در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی و چه در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی بدون تغییر بوده و حساسیتی به جایگاه شرکت در چرخه عمر و نیز نوع مالکیت شرکت نشان نداده است. این نتایج نیز با یافته‌های حاصل از مطالعه حسن و همکاران (۲۰۱۵) و هانسن و همکاران (۲۰۱۸) سازگار است و نتایج مطالعه ریچادوری (۲۰۰۶) را نیز تا حد زیادی تایید می‌کند؛ ولی با پژوهش ژیه و همکاران (۲۰۲۲) در تضاد است. فرضیه فرعی چهارم وضعیت مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها را در شرکت‌های دارای و فاقد مالکیت خانوادگی به تفکیک مراحل مختلف چرخه عمر بررسی نموده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، در شرکت‌های فاقد مالکیت خانوادگی، مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها در مراحل معرفی، رشد، بلوغ و افول به ترتیب دارای روند کاهشی، کاهشی و در نهایت افزایشی بوده است؛ حال آنکه در شرکت‌های

دارای مالکیت خانوادگی، به جز مرحله بلوغ (کاهشی) در سایر مراحل چرخه عمر، مدیریت سود واقعی از طریق مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها بدون تغییر بوده و دارای روند افزایشی یا کاهشی نبوده است. تایچ به دست آمده در مرحله بلوغ با یافته‌های تحقیق حبیب و حسن (۲۰۱۷) و ژیه و همکاران (۲۰۲۲) تا حد زیادی سازگار است و نتایج مطالعه پایوا و همکاران (۲۰۱۶) را نیز تا حد زیادی تایید می‌کند.

بررسی مبانی نظری و مرور ادبیات پژوهش در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد شرکت‌ها در هر یک از مراحل چرخه عمر خود استراتژی‌های متفاوتی نظیر کاهش بهای تمام شده، کیفیت منحصر به فرد و ... را دنبال می‌کنند. غالب نتایج به دست آمده نیز نشان می‌دهد شرکت‌ها در مراحل اولیه چرخه عمر (معرفی)، ضمن رقابت برای به دست آوردن مشتریان ممکن است با ارائه تخفیف‌های اضافی و افزایش اعتبار به منظور حفظ و جذب سرمایه‌گذاران از مدیریت فروش استفاده کنند. همچنین مدیران با محدودیت‌های زیادی در زمینه مکانیسم‌های مدیریت سود واقعی نظیر کاهش هزینه‌های اختیاری و کاهش سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت مواجه‌اند؛ زیرا ممکن است این مکانیسم‌ها با استراتژی‌هایشان همسو نباشند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد، برخلاف مبانی نظری، شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران در مراحل اولیه فعالیت (معرفی) از مدیریت هزینه‌های تولید استفاده می‌کنند و مدیریت سود از طریق مدیریت فروش را در مراحل بلوغ مورد استفاده قرار می‌دهند. یکی از دلایل این موضوع این است که شرکت‌های ایرانی در مراحل اولیه فعالیت (مرحله معرفی)، به منظور دریافت سهم بیشتری از بازار فروش محصولات، بیش از هر چیز بر استراتژی «بهای تمام شده کمتر» تمرکز می‌کنند. بازارهای هدف این شرکت‌ها نیز که کالا و خدمات آنها را استفاده می‌کنند، غالباً داخلی بوده و در شرایط فعلی اقتصادی، بیش از هر چیز بر بهای تمام شده کمتر تمرکز نموده‌اند. بنابراین بدیهی است که این شرکت‌ها در مراحل معرفی خود، به دنبال دستیابی به بهای تمام شده کمتر باشند. در رابطه با استفاده از مدیریت فروش در مرحله بلوغ نیز باید گفت، در مدل‌های کسب و کار ایرانی، شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران در مرحله بلوغ به دنبال استفاده از فرصت‌هایی در زمینه محصولات یا بازارهایی جدید با هدف تغییر مقصدشان هستند و به همین دلیل از کاهش هزینه‌ها صرف‌نظر می‌کنند و به مدیریت فروش رو می‌آورند. همچنین نتایج

پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌های ایرانی در مرحله افول سعی می‌کنند با مدیریت هزینه‌های تولیدی و فروش دارایی‌های ثابت، سود خود را افزایش دهند که تا حدود زیادی با نتایج حاصل از مبانی نظری و مرور ادبیات پژوهش همسو است. مضافاً، شرکت‌های خانوادگی، به دلیل ساختار مالکیتی معمولشان، تصمیمات استراتژیک متفاوتی برای مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی می‌گیرند. دلیل عدم استفاده از مدیریت سود در مراحل اولیه در این شرکت‌ها این است که کنترل شرکت‌های خانوادگی در مراحل اولیه چرخه عمر نسبت به مراحل پایانی قوی‌تر است که این موضوع مطابق پژوهش کرایزر^۱ و همکاران (۲۰۰۶) است. در مرحله بلوغ نیز این شرکت‌ها به دنبال توسعه بازار محصولات فعلی، ارائه محصولات جدید در بازارهای جدید و دستیابی به مشتریان هدف بیشتر هستند و احتمالاً به همین دلیل در این مرحله بیشترین میزان استفاده از مدیریت سود را دارند. پژوهش حاضر از جمله معدود پژوهش‌های داخلی است که به بررسی تأثیر مستقیم چرخه عمر و مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود می‌پردازد. لذا انجام پژوهش در این زمینه ضروری بوده و از دیدگاه گزارشگری مالی (فعالان بازار سرمایه بویژه تحلیلگران مالی)، نتایج این پژوهش می‌تواند نشان‌دهنده مزایا (کاهش مدیریت سود) و معایب (افزایش مدیریت سود) مالکیت خانوادگی باشد. با توجه به اینکه مالکیت خانوادگی نقش مهمی در کاهش گزینه‌های مدیریت سود شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر دارد، به نهادهای سیاست‌گذار فعال در بازار سرمایه توصیه می‌شود اقدامات و زیرساخت‌های لازم برای تقویت/حمایت از مالکیت خانوادگی را مورد توجه قرار دهند تا متعاقباً شاهد افزایش کیفیت گزارشگری مالی باشیم. به مؤسسات و سازمان‌های حسابرسی نیز توصیه می‌شود هنگام تصمیم‌گیری در خصوص پذیرش کار، تعیین حق‌الزحمه، برآورد خطر حسابرسی و ... به موضوع مالکیت خانوادگی شرکت و قرارگیری شرکت‌ها در هر یک از مراحل چرخه عمر توجه ویژه‌ای داشته باشند. به سهامداران بالقوه و بالفعل شرکت‌ها نیز توصیه می‌شود ضمن بررسی و پایش مراحل چرخه عمر شرکت، به مزایا و معایب مالکیت خانوادگی (کاهش و افزایش مدیریت سود) در شرکت‌های سرمایه‌پذیر توجه داشته باشند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد .
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند .
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد .
تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- ابراهیمی، مهرنوش؛ حنیفی، فرهاد؛ حاجی‌ها، زهره؛ شاهوردیانی، شادی و کردلویی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مدیریت سود واقعی و تعهدی در بازار سرمایه با رویکرد مدل‌های بی‌زین. *فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۱۲ (۴۸): ۱۰۹-۱۴۲.
- اثنی عشری، حمیده؛ نادری نورعینی، مهدی. (۱۳۹۶). الگوی مدیریت سود در چرخه عمر شرکت. *دانش حسابداری مالی*، ۴ (۱): ۱-۲۲.
- بجستان زاده، اعظم؛ مرادی، مهدی. (۱۳۹۹). رابطه بین ویژگی‌های مدیران عامل و نگهداشت مازاد وجه نقد در شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی. *پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری*، ۴۶ (۱): ۲۷۲-۲۵۵.
- کاظمی، حسین؛ ترابیان، محسن؛ باقری، فاطمه. (۱۳۹۶). ارزیابی مدیریت سود واقعی در مراحل چرخه عمر شرکت‌های تولیدی. *فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری*، ۳ (۱): ۱۸۱-۱۶۹.
- لاحقی، پژمان؛ زوار رضایی، اکبر. (۱۳۹۴). تأثیر چرخه عمر بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه مرجع دانش*، ۳ (۲): ۱-۲۵.
- مهربان‌پور، محمدرضا؛ آذر خوش، حمید؛ حسن‌زاده کوچو، محمود؛ عربی، مهران. (۱۳۹۹). تأثیر چرخه عمر واحد تجاری بر مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲ (۴۶): ۱۰۷-۱۳۱.

References

- Abernathy, J. L; Beyer, B; & Rapley, E. T. (2014). Earnings management constraints and classification shifting. *Journal of Business Finance and Accounting*, 41(5&6), 600-626.
- Achleitner, A; Gunther, N; Kaserer, C; & Siciliano, G. (2014). Real earnings management and accrual-based earnings management in family firms. *The European Accounting Review*, 23(3), 431-461.
- Anthony, J. H; & Ramesh, K. (1992). Association between accounting performance measures and stock prices. *Journal of Accounting and Economics*, 15(2-3), 203-227.
- Audretsch, D. B; & Feldman, M. P. (1996). Innovative clusters and the industry life cycle. *Review of Industrial Organization*, 11(2), 253-273.
- Bejestanzadeh, A. & Moradi, M. (2019). The relationship between the characteristics of CEOs and holding excess cash in family and non-family companies. *New Researches in Management and Accounting*, 46(1), 272-255. (In Persian).
- Caskey, J; Laux, V; (2017). Corporate governance, accounting conservatism, and manipulation. *Journal of Manage Sci.* 63, 424-437.

- Chen, T. (2016). Internal control, life cycle and earnings quality –An empirical analysis from Chinese market. *Open Journal of Business and Management*, 4, 301-311.
- Chen, X; Yang, W; & Huang, D. (2010). Corporate life cycle and the accrual model: An empirical study based on Chinese listed companies. *Frontiers of Business Research in China*, 4, 580-607.
- Chin, C. L; Lin, H. W; & Chiou, W. H. (2005). The value-relevance of R&D and capital expenditure: A test of the life cycle
- Choi, J; Choi, W; & Lee, E. (2016). Corporate life cycle and earnings benchmarks. *Australian Accounting Review*, 26(4), 415-428.
- Cohen, D. A; & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1), 2-19.
- DeAngelo, H; DeAngelo, L; & Stulz, R. M. (2006). Dividend policy and the earned/ contributed capital mix: A test of the life-cycle theory. *Journal of Financial Economics*, 81(2), 227-254.
- Dickinson, V. (2011). Cash flow patterns as a proxy for firm life cycle. *The Accounting Review*, 86(6), 1969-1994.
- Ebrahimi, M; Hanifi, F; Hajiha, Z; Shahvardiani, S. & Kordloui, H. (1400). Identifying the most important factors affecting the management of real and accrual profit in the capital market with the approach of Bayesian models. *Financial Engineering and Securities Management*, 12(48), 109-142. (in Persian)
- Filatotchev, I; Toms, S; & Wright, M. (2006). The firms' strategic dynamics and corporate governance life-cycle. *International Journal of Managerial Finance*, 2(4), 256-279.
- Filip, A; Jeanjean, T; & Paugam, L. (2015). Using real activities to avoid goodwill impairment losses: Evidence and effect on future performance. *Journal of Business Finance and Accounting*, 42(3&4), 515-554.
- Garcia Lara, J, M; Garcia Osma, B; Penalva, F. (2020). Conditional conservatism and the limits to earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*, 39, 1-26.
- Graham, J. R; Harvey, C. R; & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40(1-3), 3-73.
- Habib, A; & Hasan, M. M. (2017). Firm life cycle, corporate risk-taking and investor sentiment. *Accounting and Finance*, 57(2), 465-497.
- Hasan, M. M; Al-Hadi, A; Taylor, G; Richardson, G; & G; (2017). Does a firm's life cycle explain its propensity to engage in corporate tax avoidance? *The European Accounting Review*, 26(3), 469-501.
- Hasan, M. M; Hossain, M; Cheung, A; & Habib, A. (2015). Corporate life cycle and cost of equity capital. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 11(1), 46-60.
- Healy, P. M. (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 7(1-3), 85-107.

- Hribar, P; & Yehuda, N. (2015). The mispricing of cash flows and accruals at different life-cycle stages. *Contemporary Accounting Research*, 32(3), 1053-1072.
- Jenkins, D. S; Kane, G. D; & Velury, U. (2004). The impact of the corporate life-cycle on the value-relevance of disaggregated earnings components. *Review of Accounting and Finance*, 3(4), 5-20.
- Kazemi, H; Torabian, M; & Bagheri, F. (2016). Evaluation of real profit management in the life cycle stages of manufacturing companies. *Management and Accounting Studies*, 3(1), 169-181. (In Persian)
- Kothari, S. P; Mizik, N; & Roychowdhury, S. (2016). Managing for the moment: The role of earnings management via real activities versus accruals in SEO valuation. *The Accounting Review*, 91(2), 559-586.
- Kreiser, P. M; Ojala, J; Lamberg, J. A; & Melander, A. (2006). A historical investigation of the strategic process within family firms. *Journal of Management History*, 12(1), 100-114.
- Kung, F. H; Chang, Y. S; & Zhou, M. T. (2019). The effect of gender composition in joint audits on earnings management. *Managerial Auditing Journal*, 34(5), 549-574.
- La Porta, R; Lopez-de-Silanes, F; & Shleifer, A. (1999). Corporate ownership around the world. *Journal of Finance*, 54(2), 471-517.
- Laheghi, P; & Zovar Rezaei, A. (2014). The effect of life cycle on profit management in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Marje Danesh Journal*, 3(2), 1-25. (In Persian).
- Mehrabanpour, M; Azar Khosh, H; Hassan Zadeh, M. & Arabi, M. (2019). The impact of business entity life cycle on earnings management through actual activities. *Financial Accounting and Audit Research*, 12(46), 107-131. (In Persian)
- Mehrazin, A; Qobdian, B; Forootan, O; & Taghipour, M. (2012). Family ownership, non-family companies and earnings management. *Audit Knowledge*, 13(52), 153-171. (In Persian)
- Melnikovas, A. (2018). Towards an Explicit Research Methodology: Adapting Research Onion Model for Futures Studies. *Journal of futures Studies*, 23(2).
- Miller, D; & Friesen, P. H. (1984). A longitudinal study of the corporate life cycle. *Management Science*, 30(10), 1161-1183.
- Nagar, N; & Radhakrishnan, S. (2017). Firm life cycle and real-activity based earnings management. *Innovation Finance & Accounting eJournal*, 2017.
- Ramaswamy, V; Ueng, J. C; & Carl, L. (2007). Corporate governance characteristics of growth companies: An empirical study. *Academy of Accounting and Financial Studies*, 12(1), 21-33.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.
- Srivastava, A. (2014). Why have measures of earnings quality changed over time? *Journal of Accounting and Economics*, 57(2&3), 196-217.

- Taso, S. M; Chang, D. S; Kuo, P. W; & Ou, I. S. (2009). Life cycle, analysts' forecasts and seasoned equity offerings underpricing. *Journal of Management*, 26(3), 255-273.
- Taylor, G. K; & Xu, R. Z. (2010). Consequences of real earnings management on subsequent operating performance. *Research in Accounting Regulation*, 22(2), 128-132.
- Toloi Sani, B. (2017). Investigating the effective factors on profit management with an emphasis on social responsibility of banks listed on the Tehran Stock Exchange. *Marje Danesh Journal*, 2(1), 26-42. (In Persian)
- Tushman, M; & Nadler, D. (1986). Organizing for innovation. *California Management Review*, 28(3), 74-92.
- Vorst, P. (2016). Real earnings management and long-term operating performance: The role of reversals in discretionary investment cuts. *The Accounting Review*, 91(4), 1219-1256.
- Wang, D. (2006). Founding family ownership and earnings quality. *Journal of Accounting Research*, 44(3), 619-656.
- Wen, He; Lilian, Ng; Nataliya, Zaiats; Bohui, Zhang. (2017), "Dividend Policy and Earnings Management across Countries", *Journal of Corporate Finance*, Vol. 42, PP. 267-286.
- Zang, A. Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87(2), 675-703.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

فرا ترکیب اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر متغیرهای بازار سرمایه^۱

وحید احمدیان^۲، رقیه نامور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده

به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سراسر جهان مورد توجه بسیاری از پژوهش‌ها واقع شده است. در این میان، یک خط فکری، نحوه گزارشگری مالی و اثرات بازار سرمایه مرتبط با تغییر رویکرد حسابداری را بررسی می‌کند. نظر به اینکه مطالعات قبلی یافته‌های متنوعی را گزارش می‌کنند، پژوهش حاضر فرا ترکیبی از مصادیق پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳ (سپتامبر) شکل می‌دهد تا آثار آن را بر متغیرهای بازار سرمایه بسنجد و تشریح کند. یافته‌های مطالعه که منتج از بررسی ۱۰۹ مقاله چاپ‌شده می‌باشد، نشان می‌دهند که اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در ۶ بُعد اصلی شامل راهبری شرکتی، شفافیت، تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان بازار، کیفیت گزارشگری مالی، یکپارچه‌سازی بین‌المللی بازارها، و متغیرهای بازار سهام قابل بحث است. در راستا، ۱۸ مقوله فرعی، ۸۱ مفهوم و ۱۶۳ کد در ارتباط با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در بازار سرمایه استخراج گردید. چارچوب مأخوذه مبنای نظری فراگیر و شواهد صریحی را برای اطلاع‌رسانی به ارزیابی‌های سیاست‌گذاری و بررسی‌های مربوط به گزارشگری مالی و اثرات ناشی از اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در بستر بازار سرمایه فراهم می‌کند. بنابراین، نتایج حاصل از آن بر تأثیرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سیستم‌های مالی و حسابداری تأکید کرده و داده‌هایی را برای انعکاس پیامدهای آن در بازار سرمایه، ارائه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، بازار سرمایه، متغیرهای مالی، پیامدهای اقتصادی، فرا ترکیب.

طبقه‌بندی موضوعی: M40، M41، M48.

10.22051/JERA.2024.46265.3203.doi

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول). (V.ahmadian@tabrizu.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد، گروه مدیریت کسب‌وکار، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (namvar.nastaran@hotmail.com)
۳. <https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

صورت‌های مالی بخش مهمی از مجموعه اطلاعات ارائه‌شده توسط شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران است که به پر کردن شکاف اطلاعاتی بین مالکان (سرمایه‌گذاران) و عامل (مدیر) کمک می‌کند. هرچه کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر باشد، عدم تقارن اطلاعاتی بین عامل (مدیر) و مالکان (سرمایه‌گذاران) کمتر می‌شود و سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد تا ارزیابی بهتری از عملکرد شرکت‌ها داشته باشند. در نتیجه استانداردهای حسابداری در همه کشورها با هدف ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری بکار گرفته می‌شوند. در اقتصاد جهانی کنونی، جهانی شدن تغییرات اساسی در تجارت و سرمایه‌گذاری ایجاد کرده است. فاصله‌ها اهمیت کمتری یافته و فعالیت تجاری در مقیاس بین‌المللی به ویژگی غالب تبدیل شده است. با توجه به جهانی شدن کسب و کارها، دیگر قابل قبول نیست که شرکت‌ها صورت‌های مالی خود را بر اساس استانداردهای حسابداری محلی تهیه کنند، که ممکن است از کشوری به کشور دیگر بر اساس عوامل اقتصادی، قانونی، فرهنگی و سایر عوامل سازمانی متفاوت باشد. توسعه استانداردهای جهانی در کشورهای مختلف و استانداردسازی در چارچوب سیاستی که بتواند عملکرد حسابداری را به خوبی تعریف و تنظیم کند، ضروری شده است (نورون‌نبی^۱، ۲۰۲۱). بنابراین، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌عنوان یک زبان تجاری جهانی در نظر گرفته شده است که به ذینفعان اجازه می‌دهد تا امور تجاری جهانی را درک و مقایسه کنند. بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اکنون به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت‌ها صرف‌نظر از اینکه به کدام کشور تعلق دارند عمل می‌کند و به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا از وضعیت مالی واقعی شرکت‌هایی که در سراسر جهان فعالیت می‌کنند مطلع شوند. از زمانی که هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی شروع به توسعه استانداردهای بین‌المللی حسابداری و افزایش شفافیت اطلاعات مالی کرد، بسیاری از کشورها تشویق شدند تا از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استفاده کنند (دی‌جورج^۲، ۲۰۱۳). صورت‌های مالی که بر اساس استانداردهای حسابداری تهیه می‌شود، مبنایی برای ارزیابی وضعیت مالی و عملکرد شرکت‌ها می‌باشد (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۷). این نشان می‌دهد که بین ارزیابی عملکرد و استانداردهای حسابداری اعمال‌شده توسط شرکت‌ها رابطه وجود دارد. از آن جایی

1. Nurunnabi
2. De George

که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ممکن است در اندازه‌گیری اقلام صورت‌های مالی با استانداردهای محلی متفاوت باشد، انتظار می‌رود که اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر معیارهای عملکرد شرکت تأثیر بگذارد. بر این اساس، یک جریان تحقیقاتی پدید آمده است که هدف آن بررسی تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر متغیرهای بازار سرمایه بوده است.

بررسی تأثیرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر بازار سرمایه مهم است؛ زیرا هدف اصلی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسعه استانداردهای گزارشگری مالی است که اطمینان حاصل شود، صورت‌های مالی قابل‌مقایسه هستند و مشارکت‌کنندگان در بازارهای سرمایه را قادر می‌سازد تا تصمیمات اقتصادی بهتری اتخاذ کنند و کارایی بازار سرمایه را بهبود بخشد. با این حال، پس از بیش از یک دهه تحقیق در مورد اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، نمی‌توان نتیجه‌گیری قطعی در مورد مؤلفه‌های تأثیرپذیر و جهت اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی گرفت، حتی اگر مطالعات تجربی سعی کرده‌اند مبانی نظری را برای تأثیر بالقوه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ارائه کنند. در طول سال‌های گذشته، چندین جریان از تحقیقات حسابداری، با استفاده از معیارهای مختلف پژوهشی برای اندازه‌گیری پیامدهای اقتصادی پذیرش (یا همگرایی) استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، شواهدی را در مورد تأثیرات مثبت آن، مانند افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری (مانند داسکه و همکاران^۱، ۲۰۰۸؛ بارث و همکاران^۲، ۲۰۱۲؛ لیو و سان^۳، ۲۰۱۵؛ حسین و نونو^۴، ۲۰۲۱؛ بندرا و فالتا^۵، ۲۰۲۱)، ارائه می‌کنند. به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به تفاوت‌های زیادی در جنبه‌ها و سطوح مختلف گزارشگری شرکت و در داده‌های موجود در صورت‌های مالی می‌شود. اندازه‌گیری و گزارشگری اکثر اقلام صورت‌های مالی طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ممکن است به درجات مختلف و در جهت‌های گوناگون با استانداردهای محلی متفاوت باشد. بنابراین، صورت‌های مالی مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ممکن است

1. Daske et al.
2. Barth et al.
3. Liu and Sun
4. Hussein and Nounou
5. Bandara and Falta

مجموعه بسیار متفاوتی از داده‌ها را ارائه دهد که تصویر متفاوتی از وضعیت مالی و کارایی مالی شرکت ایجاد می‌کند (آلبو و همکاران^۱، ۲۰۱۰). تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر صورت‌های مالی و نسبت‌های مالی در سال‌های اخیر مورد توجه تحقیقاتی قابل توجهی قرار گرفته است اما این مطالعات به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. به‌عنوان مثال، در حالیکه گودوین و همکاران^۲ (۲۰۰۷) استدلال می‌کنند که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به افزایش بدهی‌ها و نسبت‌های اهرمی و کاهش حقوق صاحبان سهام و سود شده است، هانگ و سوبرامانیام^۳ (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیده‌اند که ارزش کل دارایی‌ها، حقوق صاحبان سهام و درآمد خالص بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بسیار بالاتر است. در مقابل، دالچی و اوزیایچی^۴ (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر نسبت‌های نقدینگی، پرداخت بدهی و سودآوری تأثیری ندارد.

در پرتو این نتایج نامتوازن، این مطالعه با هدف بررسی تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر معیارهای عملکرد مالی و متغیرهای بازار سهام انجام گرفته است تا با نمایان‌سازی و تلخیص و چارچوب‌بندی این تأثیرات، به نتیجه‌گیری در مورد رابطه کلی بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و متغیرهای بازار سرمایه کمک کند. به‌طور خاص، این مطالعه با تمرکز بر اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر متغیرهای بازار سرمایه از طریق یک مطالعه فراترکیب انجام شده است که منجر به ایجاد اجماع به وسیله تحلیل کیفی خروجی‌های پژوهش‌های پیشین می‌گردد. در پژوهش‌های گذشته این جنبه پژوهش در حوزه اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در حوزه بازار سرمایه مورد بررسی قرار نگرفته است، بنابراین در این پژوهش، هدف ارائه یک چارچوب جامع از ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرپذیر در این زمینه می‌باشد.

مبانی نظری

استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۵ توسط کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۶ معرفی شدند. کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری در سال ۱۹۷۳ برای ارتقای کیفیت

1. Albu et al.
2. Goodwin et al.
3. Hung and Subramanyam
4. Dalci and Özyapıcı
5. International Accounting Standards
6. International Accounting Standards Committee

گزارشگری مالی تشکیل شد (بن‌عثمان و کوسنتینی^۱، ۲۰۱۵). کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری با هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۲ جایگزین شد، که نقش آن توسعه و تصویب استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای افزایش قابلیت مقایسه و شفافیت بین‌المللی بین کشورها و در نتیجه افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و کمک به مشارکت‌کنندگان در بازارهای مالی برای تصمیم‌گیری آگاهانه بود (تایرال و آگستام^۳، ۲۰۱۱). پس از آن که بسیاری از کشورهای جهان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اجباری کردند، هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی شروع به همکاری نزدیک با کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۴ برای همگرایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری^۵ کرد (اورتگا^۶، ۲۰۱۷). در نتیجه، سرمایه‌گذاران خارجی تمایل به سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی دارند که با اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا و استانداردهای حسابداری شفاف، مانند استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مشخص می‌شوند و علاوه بر این، نوآوری‌های حسابداری، مانند استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، به‌طور گسترده در سطح جهانی به منظور جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۷ به کار گرفته شده است (المقامز^۸، ۲۰۲۰). بر این اساس، بازارهای سهام در درجه اول با اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای بدست آوردن انواع دیگر منافع مالی، مانند هزینه سرمایه کمتر، انگیزه دارند (فریزر^۹، ۲۰۱۰). بعلاوه، به‌طور مشخص، در کشورهایی که ضمانت اجرای قانونی قوی برای حمایت از سرمایه‌گذار دارند، توسعه بازارهای سهام به‌طور مثبت با استانداردهای حسابداری با کیفیت بالا مرتبط است (فرانسیس و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۳).

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و کیفیت گزارشگری مالی: تولید اطلاعات مالی با کیفیت بالا یک عنصر حیاتی برای عملکرد کارای بازارهای سرمایه است (بال^۱،

1. Ben Othman and Kossentini
2. International Accounting Standards Board
3. Tyrrall and Aggestam
4. Securities and Exchange Commission
5. Generally Accepted Accounting Principles
6. Ortega
7. Foreign Direct Investment
8. Elmghaamez
9. Fraser
10. Francis et al.

(بال^۱، ۲۰۰۱). گزارشگری مالی منبع اولیه اطلاعات تأییدشده در مورد عملکرد مدیران را برای تأمین کنندگان سرمایه فراهم می‌کند (اسلون^۲، ۲۰۰۱). این امر تصمیمات تخصیص کارآمد منابع را با علامت دادن به تغییر فرصت‌های سرمایه‌گذاری به مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی، نظم بخشیدن به مدیران علاقه‌مند برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ارزشمند و کاهش هزینه سرمایه شرکت تسهیل می‌کند (بوشمن و پیوتروسکی^۳، ۲۰۰۶). بوشمن و اسمیت^۴ (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند که کارایی تخصیص سرمایه به مواردی از قبیل «میزان شناسایی فرصت‌های ارزش آفرین و تخریب‌کننده توسط مدیران، میزان انگیزه مدیران برای تخصیص سرمایه به سرمایه‌گذاری‌های ارزش آفرین و برداشت سرمایه از سرمایه‌گذاری‌های مخرب ارزش، و میزان وجود سرمایه برای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های ارزش آفرینی» بستگی دارد. انتظار می‌رود سیستم گزارشگری مالی، عمدتاً اطلاعات حسابداری مالی، تصمیمات تخصیص سرمایه را از طریق هر یک از این کانال‌ها تسهیل کند. با این حال، کارآمدی سیستم گزارشگری مالی منوط به شناسایی اهداف گزارشگری مالی و ایجاد مجموعه‌ای دقیق از استانداردهای حسابداری است که با آن اهداف گزارشگری و همچنین عوامل سازمانی خاصی (مانند حاکمیت شرکتی و وجود و اجرای قوانین حاکم بر حفاظت از سرمایه‌گذار و استانداردهای افشا) که اجرای دقیق استانداردهای حسابداری را تضمین می‌کند، سازگار باشد (بال و همکاران^۵، ۲۰۰۳).

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اکنون به یک چارچوب گزارشگری جهانی رایج تبدیل شده است. طرفداران مجموعه مشترک استانداردهای حسابداری استدلال می‌کنند که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی:

- (آ) شفافیت را با افزایش قابلیت مقایسه جهانی و کیفیت اطلاعات مالی بهبود می‌بخشد.
- (ب) پاسخگویی را با کاهش شکاف اطلاعاتی بین سهامداران و مدیریت تقویت می‌کند.
- (پ) با کمک به سرمایه‌گذاران برای شناسایی ریسک‌ها و فرصت‌ها در سرتاسر جهان، به کارایی اقتصادی کمک می‌کند (گزارش عملکرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سایت رسمی آن^۶، ۲۰۱۵).

1. Ball
 2. Sloan
 3. Bushman and Piotroski
 4. Bushman and Smith
 5. Ball et al.
 6. www.ifrs.org/about-us/who-we-are

موانع تحقق چنین مزایایی شامل موانع ارتباطی و تفسیری، روش‌های حسابداری جایگزین مجاز و مشوق‌های تهیه‌کننده، تمایل به حفظ استقلال در تنظیم استانداردهای حسابداری و تفاوت‌ها در رژیم‌های نهادی و قانونی است که بر انطباق و اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد (احمد ای) و همکاران^۱، ۲۰۱۳). استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باید تأثیر مثبتی بر کیفیت حسابداری داشته باشد زیرا دور زدن استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مبتنی بر اصول، به‌طور بالقوه دشوارتر است. مدل تحلیلی که توسط ترومبتا^۲ (۲۰۰۱) ارائه شده است نشان می‌دهد که نظام‌های مبتنی بر قوانین سختگیرانه‌تر از هم‌تایان انعطاف‌پذیرتر خود عملکرد بدتری دارند، زیرا یک رژیم نظارتی سختگیرانه یک فرمول یک‌اندازه را برای شرکت‌هایی که تحت شرایط کاملاً متفاوتی فعالیت می‌کنند، تجویز می‌کند. این یکنواختی مستلزم هزینه اطلاعاتی است زیرا میزان اطلاعات در دسترس تصمیم‌گیرندگان را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اختیارات مدیریتی مربوط به گزینه‌های حسابداری را محدود می‌کند و از این رو، میزان دستکاری حسابداری را کاهش می‌دهد. با این حال، انعطاف‌پذیری ذاتی در استانداردهای مبتنی بر اصول می‌تواند فرصت‌های مهم‌تری را برای مدیریت سود فراهم کند. علاوه بر این، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند جایگزین‌های حسابداری مؤثری را که مناسب‌ترین گزینه برای اطلاع‌رسانی اقتصادی زیربنایی تجارت هستند، محدود کند (بارث و همکاران^۳، ۲۰۰۸).

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و هزینه سرمایه: یکی از مزایای پذیرفته‌شده استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کاهش هزینه سرمایه است که با کیفیت بهتر گزارشگری مالی ایجاد می‌شود. کیفیت بالاتر اطلاعات یا ریسک تخمینی بازده آتی را کاهش می‌دهد (بری و براون^۴، ۱۹۸۵) یا عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی را کاهش می‌دهد، در نتیجه نرخ بازده مورد نیاز کاهش می‌یابد (دایموند و ورکیا^۵، ۱۹۹۱). با این حال، این ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سرمایه اندازه‌گیری شده در

1. Ahmed, A. et al.
2. Trombetta
3. Barth et al.
4. Barry and Brown
5. Diamond and Verrecchia

یک نظام اقتصادی واحد (بوتوسان^۱، ۱۹۹۷) یا در نظام‌های حسابداری مختلف (لئوز و ورکیا^۲، ۲۰۰۰)، هنوز قطعی نیست. آرمسترانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند که مجموعه‌ای از استانداردهای حسابداری یکسان احتمالاً کیفیت اطلاعات را بهبود می‌بخشد و اختیارات مدیریتی را با تأثیر مفید بر هزینه جمع‌آوری وجوه خارجی کاهش می‌دهد. استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به افشای حسابداری بیشتری نسبت به استانداردهای حسابداری محلی نیاز دارد (دینگ و همکاران^۴، ۲۰۰۷)، دسترسی بیشتر به اطلاعات را به نفع ذینفعان تضمین می‌کند و از این رو، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و کیفیت افشای حسابداری را بهبود می‌بخشد. سرمایه‌گذاران قادر به نظارت بر عملکرد مدیریتی بهتر و تقاضای بازده کمتری برای ریسک هستند که منجر به کاهش هزینه سرمایه می‌شود (فلدمن و همکاران^۵، ۱۹۹۷). سنگوپتا^۶ (۱۹۹۸) استدلال می‌کند که وام‌دهندگان و پذیرهنویسان، خط‌مشی افشای شرکت را در برآورد ریسک نکول خود در نظر می‌گیرند و در صورت افشای به موقع و معتبر، هزینه بدهی را کاهش می‌دهند. فرانسیس و همکاران^۷ (۲۰۰۴) از هر دو ویژگی سود مبتنی بر حسابداری و بازار استفاده کردند و تشخیص دادند که کیفیت اطلاعات بهتر هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد. این جریان از ادبیات، کاهش هزینه سرمایه را برای شرکت‌هایی که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اتخاذ می‌کنند، نشان می‌دهد، زیرا گزارش‌دهی مالی با کیفیت بالا با رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، عدم تقارن اطلاعات و در نتیجه هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد.

با این حال، شواهد ناشی از پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی چیز دیگری را نشان می‌دهد. داسکه^۸ (۲۰۰۶) هیچ مدرکی مبنی بر اینکه اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی فی‌نفسه منجر به منافع اقتصادی ناشی از هزینه کمتر حقوق صاحبان سهام برای شرکت‌های پذیرنده می‌شود، نمی‌یابد. داسکه (۲۰۰۶) استدلال می‌کند، شرکت‌هایی که سود کمی از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند، ممکن است از هرگونه

1. Botosan
2. Leuz and Verrecchia
3. Armstrong et al.
4. Ding et al.
5. Feldman et al.
6. Sengupta
7. Francis et al.
8. Daske

انعطاف‌پذیری ذاتی در اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بهره‌برداری کنند و مسیر خود را از طریق فرآیند با حداقل درجه انطباق «چک» کنند. دلایل متعددی وجود دارد که چرا انتظار می‌رود پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هزینه سرمایه را افزایش دهد. بال (۲۰۰۱) خاطر نشان می‌کند، بهبود استانداردهای حسابداری کمی بیشتر از «حساب‌آرایی»^۱ خواهد بود، مگر اینکه با تغییرات قابل توجهی در زیرساخت گزارشگری همراه باشد. با این حال، جایگزینی زیرساخت گزارشگری موجود که با استانداردهای حسابداری محلی با کیفیت بالا مشخص می‌شود با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ممکن است سود کمی از نظر کاهش هزینه سرمایه داشته باشد. موریس و همکاران^۲ (۲۰۱۴) با استفاده از نظرسنجی بر روی ۳۰۵ شرکت، مشخص کردند، اکثر پاسخ‌دهندگان احساس نمی‌کنند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد زیرا هزینه‌های اجرایی بالاتر و کمبود تخصص وجود دارد. در واقع، این خطر وجود دارد که هزینه حقوق صاحبان سهام در نظام پس از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی افزایش یابد، زیرا کاربرد گسترده گزارش ارزش منصفانه در سیستم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مبتنی بر اصول، حباب قیمتی را در صورت‌های مالی ایجاد می‌کند و سودهای نوسان بیشتری ایجاد می‌کند (پنمن^۳، ۲۰۰۷) و از این رو، نرخ بازده مورد نیاز بالاتری دارد. بنابراین، بدتر شدن کیفیت گزارشگری مالی پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ممکن است در واقع هزینه حقوق صاحبان سهام را افزایش دهد.

در این زمینه، بوا و پیرا^۴ (۲۰۱۲) از طریق یک ارزیابی تجربی با استفاده از مشاهدات شرکت خصوصی و عمومی از کنیا، کشوری در حال توسعه با بازارهای سرمایه نسبتاً باز اما منابع اجرایی محدود، به بررسی این امر که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، دو دیدگاه متضاد، اما نه منحصر به فرد، را در کشور آنها برانگیخته بود، پرداختند. یک دیدگاه این بود که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استانداردهای گزارشگری بهتری ایجاد می‌کند و پذیرش یکنواخت امکان مقایسه بیشتر را فراهم می‌آورد. نتیجه این است که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی محیط اطلاعاتی شرکت را بهبود می‌بخشد و در نتیجه

1. Window-Dressing

2. Morris et al.

3. Penman

4. Bova and Pereira

به کاهش هزینه سرمایه کمک می‌کند. دیدگاه جایگزین این بود که کیفیت افشا توسط نیروهای سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد و از این رو استانداردهای حسابداری با کیفیت بالاتر لزوماً به گزارشگری با کیفیت بالاتر تبدیل نمی‌شوند. پژوهشگران با تجزیه و تحلیل یک مجموعه داده منحصر به فرد که شامل اندازه‌گیری‌های خاص شرکت از مطابقت با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بود، به این نتیجه رسیدند که در حالی که شرکت‌های خصوصی و دولتی ملزم به رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هستند، شرکت‌های دولتی، مطابقت بیشتری با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نشان می‌دهند. آن‌ها در ادامه با برجسته کردن تأثیر باز بودن بازار سرمایه، دریافتند مالکیت خارجی به‌طور مثبت و معناداری با رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی همبستگی دارد. با بررسی رابطه علی اساسی، تجزیه و تحلیل اضافی محققان نشان داد مالکیت خارجی بیشتر منجر به انطباق بیشتر با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌شود و طی بررسی اثرات تبعیت از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، انطباق بالاتر به‌طور مثبت با گردش سهام مرتبط بود. آن‌ها در نهایت به این نتیجه رسیدند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی محیط اطلاعاتی شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد، مشروط بر اینکه شرکت‌ها انگیزه اقتصادی برای دستیابی به سطوح بالاتری از انطباق داشته باشند و همچنین رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌طور مثبت با گردش سهام بیشتر مرتبط است.

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و بازده بازار سهام و ارزش بازار:

بررسی تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر ارتباط ارزشی سود حاکی از آن است که اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ارتباط هم‌زمان بین بازده بازار و سود را افزایش می‌دهد که این نتیجه عمدتاً توسط شرکت‌های کوچک هدایت می‌شود و اصلاحات حسابداری به‌موقع بودن سود را بهبود می‌بخشد (فیلیپ^۱، ۲۰۱۰). افزایش حجم معاملات در بازار سهام، پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، منجر به بازده بالاتر بازار سهام می‌شود (بارتوف و همکاران^۲، ۲۰۰۵؛ پاگلیتی^۳، ۲۰۰۹؛ اسکاف و سفسف^۴،

1. Filip
2. Bartov et al.
3. Paglietti
4. Escaffre and Sefsaf

۲۰۱۱؛ یپ و یانگ^۱، ۲۰۱۲؛ اوکافور و همکاران^۲، ۲۰۱۶). در همین راستا، پنا و فرانکو^۳ (۲۰۱۷) ادعا کردند که پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبتی بر بازده بازار سهام دارد زیرا می‌تواند کیفیت اطلاعات مالی را افزایش دهد و در نتیجه ریسک بازده سهام را کاهش دهد. به‌همین ترتیب، نگی و همکاران^۴ (۲۰۱۴) استدلال کردند، بازده بازار سهام به‌طور مثبت با اخبار خوب، مانند پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مرتبط است. علاوه بر این، پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند بر بازده بازار سهام تأثیر مثبت بگذارد، زیرا اطلاعات برتری نسبت به پذیرش داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای فعالان بازار فراهم می‌کند و در نتیجه تفاوت‌های قابل توجهی در مخابره اطلاعات مالی ایجاد می‌کند. به‌همین ترتیب، مالاکیاس و همکاران^۵ (۲۰۱۶) گزارش کردند، بازده بازار سهام پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، سطح پایینی از نوسانات را تجربه کرده است و این برای شرکت‌هایی که اخبار خوب و بد دارند، مشهود است. با توجه به تأثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر ارزش بازار، مطالعات تجربی موجود که رابطه بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ارزش بازار سهام را بررسی کرده‌اند، نتایج متفاوتی را نشان داده‌اند. به‌طور خاص، اکثر مطالعات قبلی ارتباط مثبت معناداری بین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و سرمایه بازار یافتند (جاج و همکاران^۶، ۲۰۱۰؛ لاسمین^۷، ۲۰۱۱؛ کلیبی و کوسنتینی^۸، ۲۰۱۴؛ استین‌بنک^۹، ۲۰۱۴؛ فلسکی^{۱۰}، ۲۰۱۵). در مقایسه، مطالعات دیگر رابطه منفی بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ارزش بازار گزارش کردند (هوپ و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۶؛ رندرز و گیرمینک^{۱۲}، ۲۰۰۷؛ کلمنتز و

1. Yip and Young
2. Okafor et al.
3. Peña and Franco
4. Negi et al.
5. Malaquias et al.
6. Judge et al.
7. Lasmin
8. Klibi and Kossentini
9. Stainbank
10. Felski
11. Hope et al.
12. Renders and Gaeremynck

همکاران^۱، ۲۰۱۰؛ شیما و یانگ^۲، ۲۰۱۲؛ بروشت و همکاران^۳، ۲۰۱۳). در مقابل، مطالعات تجربی دیگری نیز وجود دارند که همبستگی معناداری پیدا نکردند (چبان و عثمان^۴، ۲۰۱۴؛ ریاحی و خوفی^۵، ۲۰۱۵). همچنین، کیملی (۲۰۱۷) استدلال کرد، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم ارزش بازار سهام را بهبود بخشد. همچنین می‌تواند مقایسه‌پذیری گزارشگری مالی را در بین شرکت‌های بورسی افزایش دهد و در نتیجه سرمایه‌گذاران خارجی بیشتری را جذب کند. نتایج حاصل از مطالعات فوق حاکی از آن است که کشورهایی با بازده بازار سهام و سرمایه‌بازار ضعیف تمایل دارند برای بهبود کیفیت اطلاعات مالی خود و در نتیجه بهبود وضعیت مالی خود با جذب سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را زودتر اتخاذ کنند.

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی:

بحث اصلی این است که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باید محدودیت‌های اطلاعاتی سرمایه‌گذاران خارجی هنگام سرمایه‌گذاری در خارج را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. به‌عنوان مجموعه غالب استانداردهای حسابداری در جهان، انتظار می‌رود که پذیرش آن، قابلیت مقایسه در گزارشگری مالی را افزایش دهد و عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان داخلی و خارجی اطلاعات صورت‌های مالی را کاهش دهد. بر اساس چارچوب‌های بحث‌شده گوردون و همکاران^۶ (۲۰۱۲) و چن و همکاران^۷ (۲۰۱۴)، سیستم حسابداری یک کشور به‌ویژه استانداردهای اساسی گزارش‌دهی، جزء زیرساخت‌های مهم سازمانی یک کشور تلقی می‌شوند که در افزایش جذابیت مکانی آن برای جریان‌های سرمایه‌گذاری خارجی بسیار مهم در نظر گرفته می‌شوند و در نتیجه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط یک کشور به‌طور مثبت بر میزان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به آن کشور تأثیر می‌گذارد. با تمرکز بر اهمیت یکسان‌سازی حسابداری در فعالیتهای خارجی در سطح کشور، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای کاهش هزینه‌های اطلاعاتی در بین کشورها و

1. Clements et al.
2. Shima and Yang
3. Brochet et al.
4. Chebaane and Othman
5. Riahi and Khoufi
6. Gordon et al.
7. Chen et al.

در نتیجه تشویق تجارت بین‌المللی کالا و سرمایه‌گذاری در بورس مفید می‌باشد، به طوری که منافع از نظر تجارت کالا و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هنگام اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد (مارکز-راموس^۱، ۲۰۱۱). از منظر تجربی، ارتباط بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و جریان‌های سرمایه‌گذاری فرامرزی به طور کلی و جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور خاص توجهاتی را دریافت کرده‌اند، اگرچه تنها تعداد محدودی از مطالعات پیوند استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بررسی کرده‌اند. بنابراین، علی‌رغم توجه‌های نظری در ادبیات، مطالعات بسیار کمی تا به امروز به طور خاص تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری فرامرزی بررسی کرده‌اند (مارکز-راموس، ۲۰۱۱؛ امیرام^۲، ۲۰۱۲؛ گوردون و همکاران، ۲۰۱۲؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴؛ لوئیس و اورکان^۳، ۲۰۱۴؛ ژو^۴، ۲۰۱۴؛ بنیش و همکاران^۵، ۲۰۱۵؛ اووسو و همکاران^۶، ۲۰۱۷). تا حدی، گوردون و همکاران (۲۰۱۲) فقدان مطالعات تجربی در این زمینه را به این واقعیت نسبت می‌دهند که محققان حسابداری معمولاً بر پیامدهای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح شرکت تمرکز می‌کنند و پیامدهای اقتصادی کلان آن را نادیده می‌گیرند. با این وجود، مطالعات معدود موجود نشان می‌دهند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پیامدهای مهمی بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. مارکز-راموس (۲۰۱۱) با استفاده از مدل جاذبه^۷، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را به عنوان محرک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارزیابی کرد و از افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان کشورهایی که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرفته‌اند حمایت کرد. به طور مشابه، چن و همکاران (۲۰۱۴) با در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به عنوان جزئی از زیرساخت سازمانی یک کشور، تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بررسی کردند. با استفاده از مدل جاذبه در بررسی روابط تجربی، یافته‌های آن‌ها همچنین نشان می‌دهد که جریان‌های سرمایه‌گذاری

1. Márquez-Ramos
2. Amiram
3. Louis and Urcan
4. Zhu
5. Beneish et al.
6. OWUSU et al.
7. Gravity Model

مستقیم خارجی به‌طور مثبت با انطباق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مرتبط هستند. بر خلاف این دو مطالعه که جریان‌های مرزی دو طرفه (یعنی دوجانبه) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین دو کشور را در نظر گرفتند، گوردون و همکاران (۲۰۱۲) به تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کل جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دریافتی هر کشور از سایر کشورها پرداخت. یافته‌های مطالعه آن‌ها با تکیه بیشتر بر پارادایم التقاطی دایننگ^۱، همچنین از این استدلال که کشورهایی که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اتخاذ می‌کنند، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بهتری را نسبت به کشورهای غیرپذیرنده تجربه می‌کنند، حمایت می‌کند. به‌طورخاص، نتایج آن‌ها بر اساس آزمون تفاوت در تفاوت‌ها^۲ نشان می‌دهد که تأثیر مثبت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه بسیار قوی‌تر از کشورهای توسعه یافته است. ژو (۲۰۱۴) تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بر ادغام‌ها و اکتساب‌های فرامرزی^۳ مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که کاهش اختلاف استانداردهای حسابداری ناشی از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باعث ارتقای ادغام‌ها و اکتساب‌های دوجانبه می‌شود. بنابراین، علی‌رغم این واقعیت که مطالعات مربوط به ارتباط بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و جریان‌های سرمایه‌گذاری خارجی هنوز در مرحله تکامل هستند، قسمت اعظم معدود مطالعات موجود به‌طور کلی نشان می‌دهند، کشورهایی که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اتخاذ می‌کنند، بیشتر از کشورهای غیرپذیرنده از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بهره می‌برند، مگر پژوهش اووسو و همکاران (۲۰۱۷) که دریافتند، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به تنهایی برای کشورهای در حال توسعه ممکن است برای جذب جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مورد نیاز کافی نباشد.

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ارزش سرقفلی: طبق پژوهشی که توسط همبرگ و همکاران^۴ (۲۰۱۱) صورت گرفت، میزان سرقفلی گزارش شده به‌دنبال پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. نکته مهم این

-
1. Dunning's Eclectic Paradigm
 2. Difference in Differences
 3. Mergers and Acquisitions
 4. Hamberg et al.

است که استهلاک سرقفلی طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌طور قابل توجهی کمتر از استهلاک سرقفلی و کاهش ارزش محاسبه شده بر اساس اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری است. در واقع، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باعث افزایش سود گزارش شده می‌شود و به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران، افزایش سود مرتبط با این موضوع را به‌عنوان نشانه‌ای از جریان‌های نقدی آتی بالاتر در نظر می‌گیرند. براین اساس، بهای تمام شده تاریخی با معیارهای ارزش منصفانه جایگزین می‌شود و بنابراین اختیارات بیشتری را برای تعیین ارزش منصفانه بدون بازار واقعی برای دارایی به مدیران می‌دهد. لدوکس و کورمیر^۱ (۲۰۱۳)، که موضوع تأثیر دارایی‌های نامشهود و سرقفلی بر ارزش‌گذاری‌های بازار شرکت را با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در کانادا مطرح کردند، نشان دادند که ارتباط ارزشی دارایی نامشهود با پذیرش استاندارد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در خصوص دارایی‌های نامشهود بهبود می‌یابد. بنابراین بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌طور قابل توجهی اندازه‌گیری اولیه و بعدی سرقفلی را در گزارش‌های سالانه تغییر می‌دهد (الاف و دویلیرز^۲، ۲۰۱۵).

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و قیمت سهام: رحمان و شهزاد^۳ (۲۰۱۴) با استفاده از اطلاعات ۱۷۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار کراچی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به بررسی پیامدهای اقتصادی گزارش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در حوزه ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد سود هر سهم و ارزش دفتری، هر دو تأثیر مثبت و معناداری بر قیمت سهام دارند. علاوه بر این، طبق پژوهش آن‌ها رابطه بین قیمت سهام، ارزش دفتری و سود هر سهم با گذشت زمان و پس از اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رو به وخامت است. همچنین آن‌ها گزارش دادند، ارزش دفتری بیشتر از سود هر سهم در اثر ترکیبی، ثابت و تصادفی با قیمت سهام مرتبط است. در این راستا، الماسرواه و همکاران^۴ (۲۰۱۸) با بررسی تأثیر انطباق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در بانک‌های اردن و ارتباط آن با قیمت سهام به این نتیجه رسیدند که عوامل متعددی در کشورهای در حال توسعه، مانند شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی،

1. Ledoux and Cormier
2. Eloff and de Villiers
3. Rehman and Shahzad
4. Almasarwah et al.

می‌توانند تأثیرات متفاوتی را برای رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نسبت به آنچه در کشورهای توسعه یافته مشاهده می‌شود، ایجاد کنند. آن‌ها نتیجه گرفتند که مطابقت با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر قیمت سهام تأثیر منفی می‌گذارد و اندازه شرکت با قیمت سهام رابطه مثبت دارد.

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و هزینه بدهی: بازار بدهی مهم‌ترین راه برای تأمین مالی است و اطلاعات حسابداری نقش عمده‌ای در تعریف شرایط و ضوابط قراردادهای بدهی ایفا می‌کند. با وجود این تسلط بازار بدهی بر بازار سهام، تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر هزینه بدهی کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است. علاوه بر این، از آنجایی که نیازهای اطلاعاتی وام‌دهندگان با نیازهای سرمایه‌گذاران سهام متفاوت است، تعمیم شواهد حاصل از تحقیقات در مورد بازار سهام به بازار بدهی مشکل‌ساز می‌باشد. موسکاریلو و همکاران^۱ (۲۰۱۴)، انگلستان، یک محیط نهادی قوی با اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری محلی مشابه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، و ایتالیا، یک محیط نهادی ضعیف با اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری محلی به‌طور قابل توجهی متفاوت از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بررسی کردند. در این دو کشور، از یک طرف، نظام حقوق عمومی کامن لا (بریتانیا) حاکم است که به حمایت قوی از سرمایه‌گذاران و حاکمیت شرکتی شناخته می‌شود، و از سوی دیگر، نظام حقوقی مدنی (ایتالیا) که با حمایت کم از سرمایه‌گذار حاکم است. این مطالعه بهبودی در روند قرارداد بدهی پس از پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پیدا کرد که منجر به کاهش هزینه بدهی در ایتالیا شده است. همچنین، نویسندگان توضیح می‌دهند که شباهت‌های بین اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری بریتانیا و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باعث شده است که تأثیر قابل توجهی از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر شرکت‌های بریتانیایی وجود نداشته باشد. فلورو و کوسی^۲ (۲۰۱۵) تأثیر پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بر انتشار اوراق قرضه و وام برای شرکت‌های اتحادیه اروپا در دوره نمونه ۲۰۰۷-۲۰۰۰ ارزیابی کردند. آن‌ها از مقایسه پذیرندگان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و عدم پذیرندگان آن دریافتند، پذیرندگان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بیشتر از بازار وام

1. Moscariello et al.

2. Florou and Kosi

خصوصی، به بازار اوراق قرضه عمومی دسترسی دارند. این امر به این دلیل است که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به کاهش قابل توجه «شکاف بازده اوراق قرضه^۱» شده بود، در حالی که هزینه وام‌ها نسبتاً بدون تغییر باقی مانده بود. آن‌ها بازده اوراق قرضه دولتی را به‌عنوان شکافی روی اوراق قرضه دولتی اندازه‌گیری کردند و برای بازار خصوصی هزینه وام به‌عنوان نقاط پایه نسبت به «نرخ بهره استقراض بین‌بانکی^۲» اندازه‌گیری شد. آن‌ها نشان دادند که اثر مشاهده‌شده در شرکت‌هایی از کشورهایی با واگرایی زیاد اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری محلی از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی متمرکز است و حتی برای شرکت‌هایی که اجرای گزارشگری مالی پایینی دارند، ادامه دارد. های روایی که نتیجه‌گیری‌های ذهنی ارائه می‌کند، دیدی عینی از نتایج تجربی ارائه می‌کند. آپیر و همکاران^۳ (۲۰۲۱) به این نتیجه رسید که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی قابلیت مقایسه گزارشگری مالی و نقدشوندگی بازار را افزایش داده و هزینه حقوق صاحبان سهام را کاهش داده است. کاهش هزینه بدهی، فقط در شرایط پذیرش داوطلبانه مشاهده می‌شود. بانسال^۴ (۲۰۲۳) با آزمون نمونه‌ای از ۲۶۸۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بمبئی بر اساس روش تفاوت در تفاوت، به این نتیجه رسید که بازار سرمایه هند به پذیرش استانداردهای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی واکنش منفی نشان می‌دهد. به طور خاص، نتایج نشان می‌دهد که هزینه سرمایه، هزینه بدهی و عدم تقارن اطلاعاتی برای شرکت‌های گروه آزمایش نسبت به شرکت‌های گروه کنترل بلافاصله پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی افزایش یافته و نقدشوندگی بازار کاهش یافته است و این اثر منفی در بین شرکت‌های کوچک بیشتر از شرکت‌های بزرگ است.

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و حجم معاملات بازار سهام و گردش بازار: مطالعات بسیار کمی برای بررسی رابطه بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و حجم معاملات سهام انجام شده است. با این حال، اکثر تحقیقات قبلی ارتباط مثبت معناداری را بین آن‌ها نشان داده‌اند (لئوز و ورکیا، ۲۰۰۰؛ لندزمن و همکاران^۵، ۲۰۱۲؛

1. Bond Yield Spread
 2. Libor
 3. Opare et al.
 4. Bansal
 5. Landsman et al.

مانیارا و بنوتو^۱، ۲۰۱۴؛ اوکویه و همکاران^۲، ۲۰۱۴). تنها یک مطالعه تجربی ارتباط منفی بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و حجم معاملات سهام پیدا کرد (فیگیولی و همکاران^۳، ۲۰۱۷). سانیاولو و همکاران^۴ (۲۰۱۷) ارتباط ناچیز بین حجم معاملات سهام در بازار سرمایه و پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را گزارش کردند. با این حال، آباد و همکاران^۵ (۲۰۱۸) به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ای مستقیم بین حجم معاملات و پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد. بنابراین، شرکت‌هایی که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اتخاذ می‌کنند، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر و حجم معاملات سهام بالا را تجربه می‌کنند و در نتیجه به افزایش نقدشوندگی سهام منجر می‌شوند. در مورد نسبت گردش سهام، اکثر مطالعات تجربی گزارش کردند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند منجر به افزایش نسبت گردش سهام شود، زیرا عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌های فهرست‌شده در بازارهای سهام مختلف را کاهش می‌دهد (لئوز و ورکیا، ۲۰۰۰؛ دریک و همکاران^۶، ۲۰۱۰؛ لوریرو و تابوآدا^۷، ۲۰۱۲؛ بارث و همکاران^۸، ۲۰۱۸). با این حال، سایر مطالعات ارتباط منفی بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و نسبت گردش سهام نشان داده‌اند (خورانا و میچاس^۹، ۲۰۱۱؛ برنت و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۵). مطالعات تجربی باقی مانده، ارتباط ناچیزی بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و نسبت گردش سهام پیدا کردند (لئوز^{۱۱}، ۲۰۰۳؛ گسن و سلهورن^{۱۲}، ۲۰۰۶). لوریرو و تابوآدا (۲۰۱۲) استدلال کردند، شرکت‌هایی با نسبت گردش سهام بالاتر تغییر مثبتی را در قیمت سهام خود پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تجربه می‌کنند. این وضعیت ممکن است به این دلیل رخ دهد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به افزایش

1. Manyara and Benuto
2. Okoye et al.
3. Figlioli et al.
4. Sanyaolu et al.
5. Abad et al.
6. Drake et al.
7. Loureiro and Taboada
8. Barth et al.
9. Khurana and Michas
10. Burnett et al.
11. Leuz
12. Gassen and Sellhorn

قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی می‌شود. بنابراین، شرکت‌هایی که فعالانه معامله می‌شوند، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برای بهره‌مندی از اطلاعات مالی با کیفیت بالاتر و افزایش نسبت گردش سهام خود، اتخاذ می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد کشورهایی که معاملات سهام و نسبت گردش مالی کمتری دارند، بیشتر مستعد پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای تقویت وضعیت مالی خود و جذب سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر هستند.

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و نقدشوندگی سهام: هیل و لئوز^۱ (۲۰۰۷) تغییرات نقدشوندگی را در بازار سرمایه پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تعداد روزهای معاملاتی با بازده صفر و اثر قیمتی معاملات^۲، هر دو پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کاهش یافته است و بنابراین این موضوع، افزایش نقدشوندگی را نشان می‌دهد. آن‌ها در ادامه استدلال کردند که تأثیر بر نقدشوندگی را می‌توان به عواملی مانند تغییرات نظارتی نسبت داد تا پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی. داسکه و همکاران (۲۰۰۸) کار هیل و لئوز (۲۰۰۷) را توسعه دادند تا کشورهای غیر اتحادیه اروپا را نیز در برگیرد که در این راستا، کاهشی در اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش، از ۳٪ تا ۶٪ پیدا کردند، بنابراین این موضوع نیز نشان‌دهنده افزایش نقدشوندگی بود. با این حال، در مطالعه آن‌ها تغییر نقدشوندگی فقط برای کشورهای گزارشی شد که ضمانت اجرایی قوانین در آنها قوی‌تر بود و بنابراین، نویسندگان انتساب اثرپذیری بازار سرمایه به صرف پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای پذیرندگان اجباری آن را زیر سؤال بردند. به‌طور مشابه، کریستنسن و همکاران^۳ (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که تغییرات اجرایی ایجاد کرده‌اند اما هنوز استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اتخاذ نکرده‌اند، همچنان نقدشوندگی افزایش‌یافته دارند و شواهد کمی از افزایش نقدشوندگی برای شرکت‌هایی در کشورهایی که تغییرات اجرایی قابل توجهی ندارند، وجود دارد. داسکه و همکاران^۴ (۲۰۱۳) با تمرکز بر ناهمگونی سطح شرکت در پیامدهای اقتصادی، تشخیص دادند که شرکت‌ها در نحوه اجرای استانداردهای جدید اختیار قابل توجهی دارند. نتایج مطالعه آن‌ها حاکی از آن بود که

1. Hail and Leuz
2. Price Impact Of Trades
3. Christensen et al.
4. Daske et al.

پذیرش «واقعی و عملی» با افزایش نقدشوندگی و کاهش هزینه سرمایه همراه است، در حالی که پذیرش «ظاهری و کلامی» اینطور نیست. آن‌ها با بررسی نقدشوندگی و هزینه سرمایه در مورد پذیرش داوطلبانه و اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دریافتند، در حالی که به‌طور متوسط نقدشوندگی و هزینه سرمایه اغلب در حدود پذیرش داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تغییر نمی‌کند، یافته‌ها حاکی از آن است که هنگام تفسیر اثرات بازار سرمایه در مورد پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باید احتیاط کرد، زیرا علاوه بر استانداردها، تغییرات در مشوق‌های گزارش‌دهی یا استراتژی‌های گزارشگری شرکت‌ها نیز منعکس در این امر دخیل باشد. ساراوانان و فیروز^۱ (۲۰۲۲) بر مبنای یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به افزایش نقدشوندگی بازار در یک کشور با محیط اجرایی ضعیف‌تر، یعنی هندوستان کمک کرده است. نتایج آزمون ناهمگونی اثرات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های مقطعی معنادار در تغییرات نقدشوندگی در میان شرکت‌های مورد بررسی است. بنابراین، در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهند که عوامل سطح شرکت، بر بهبود مشاهده‌شده در نقدشوندگی بازار در ازای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مؤثر هستند. دریک و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی وجود یا عدم وجود اثر مثبت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر نقدشوندگی، افزایش نقدشوندگی پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را مشاهده کردند و آن‌ها این اثر را به افزایش قابلیت مقایسه نسبت دادند. به‌طور کلی، نویسندگانی که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را از مجرای افزایش قابلیت مقایسه به افزایش نقدشوندگی ارتباط می‌دهند، شواهد تجربی مشخصی ارائه نمی‌کنند، اما ادعا می‌کنند که افزایش نقدشوندگی بازار برای شرکت‌هایی که محیط اطلاعاتی غنی‌تری قبل از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند، به افزایش قابلیت مقایسه نسبت داده می‌شود. این یافته توسط نیل^۲ (۲۰۱۷) نیز تقویت شده است. پژوهش نیل (۲۰۱۷) تفاوت‌های اساسی با طرح تحقیقاتی دریک و همکاران (۲۰۱۰) که از تفاوت در تفاوت استفاده کرده و نقدشوندگی را بر اساس نسبت گردش مالی، دو معیار عمق بازار، «شکاف

1. Saravanan and Firoz

2. Neel

قیمت پیشنهادی خرید و فروش^۱ و ترکیبی از چهار معیار اندازه‌گیری کردند، دارد. او از اثر قیمت، هزینه معاملات، و شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش به‌عنوان معیار نقدشوندگی بازار استفاده کرد و به این نتیجه رسید که کیفیت حسابداری تأثیر مرتبه دومی بر نقدشوندگی دارد. به علاوه، نتایج حاکی از آن بود که افزایش نقدشوندگی حتی در کشورهایی با نظارت‌های ضعیف‌تر و در کشورهایی که قبل از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تغییرات نظارتی مثبتی ایجاد نکرده‌اند، رخ می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که نهادهای قوی و بهبودهای نظارتی تنها محرک‌های افزایش نقدشوندگی نیستند. در ادامه، بارث و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود به بررسی تأثیر پذیرش داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر قابلیت مقایسه مبالغ حسابداری و متغیرهای بازار سرمایه پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند پس از اینکه شرکت‌ها داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرش کردند، نقدشوندگی، گردش سهام و اطلاعات خاص شرکت نسبت به شرکت‌های غیرپذیرنده افزایش یافت. همچنین آن‌ها به این نتیجه رسیدند، شرکت‌هایی با قابلیت مقایسه بالاتر مزایای بازار سرمایه بیشتری نسبت به شرکت‌های با قابلیت مقایسه‌پذیری کمتر دریافت می‌کنند و به طور کل آن‌ها نتیجه‌گیری کردند شرکت‌ها در کشورهایی با درصد نسبتاً بالایی از بنگاه‌هایی که از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استفاده می‌کنند، از مزایای بازار سرمایه بیشتری برخوردار هستند.

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و نوسانات بازار سهام: از نظر تأثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر نوسانات بازار سهام، چاو و همکاران^۲ (۲۰۱۳) استدلال کردند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند یک مسیر ایده‌آل برای کاهش سطح معاملات نوفه در نظر گرفته شود، بنابراین ثبات و کارایی بازار سهام را افزایش می‌دهد. از نظر تجربی، برخی از محققان ارتباط مثبت و معناداری را بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و نوسانات بازار سهام گزارش کردند (گسن و سلهورن، ۲۰۰۶؛ کلارکسون و همکاران^۳، ۲۰۱۱؛ لندزمن و همکاران، ۲۰۱۲). در مقابل، مطالعات دیگر رابطه منفی معناداری را بین سطح نوسانات بازار

1. Bid-Ask Spread
2. Chau et al.
3. Clarkson et al.

سهام و پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نشان دادند (نولا^۱، ۲۰۱۴؛ پاترو و گوپتا^۲، ۲۰۱۶). در همین راستا، فلروس^۳ (۲۰۰۷) استدلال کرد که مخابره خوب از نظر معاملات سهام می‌تواند منجر به کاهش نوسانات بازار سهام شود، در حالی که مخابره بد می‌تواند ریسک‌های مالی را افزایش دهد و سطح نوسانات بازار سهام را بالا ببرند. در مطالعه مشابهی، بن شیخ و بن رجب^۴ (۲۰۲۱) رابطه بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و توسعه بازار سهام را در اقتصادهای نوظهور بررسی کردند. آن‌ها دریافتند، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی عملکرد بازارهای سهام نوظهور را با کاهش نوسانات بازار سهام به دلیل کارایی اطلاعاتی بالا به‌طور قابل توجهی بهبود بخشیده است. با این حال، اکثر مطالعات قبلی، رابطه ناچیزی بین نوسانات بازار سهام و پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را گزارش کرده‌اند (اور^۵، ۱۹۹۸؛ لئوز و ورکیا، ۲۰۰۰؛ شوپرز و بوجینگ^۶، ۲۰۰۵؛ داسکه، ۲۰۰۶؛ فلروس، ۲۰۰۷). این نتیجه با دیدگاه پیشنهاد شده توسط برخی از مطالعات قبلی مطابقت دارد که به موجب آن پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی لزوماً به مزایای بازار سرمایه قابل توجهی نمی‌رسد (آباد و همکاران، ۲۰۱۸). در همین راستا، دی‌فاند و همکاران^۷ (۲۰۱۵) استدلال کردند، اگرچه نوسانات ناشی از ارزش منصفانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ممکن است خطر سقوط را افزایش دهد، اما پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر ریسک سقوط برای شرکت‌های مالی با مقررات محکم تأثیر نمی‌گذارد زیرا اطلاعات شفاف و معتبرتری ارائه می‌دهند. در واقع، تنها برای شرکت‌های مالی با قوانین ضعیف می‌تواند منجر به افزایش نوسانات و ریسک سقوط شود.

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و قدرت پیش‌بینی سود تحلیل‌گران:

مطالعاتی که پیش‌بینی‌های سود تحلیل‌گران را قبل و بعد از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بررسی می‌کنند، توسط بروگمان و همکاران^۸ (۲۰۱۳) به‌عنوان شواهد غیرمستقیم از اثرات بازار سرمایه مرتبط با تغییر رژیم حسابداری طبقه‌بندی می‌شوند. از آنجایی که تحلیل‌گران مالی پیش‌بینی‌های سود آتی را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند، به‌عنوان واسطه‌های اطلاعاتی

1. Nulla
2. Patro and Gupta
3. Floros
4. Ben Cheikh and Ben Rejeb
5. Auer
6. Cuijpers and Buijink
7. DeFond et al.
8. Brüggemann et al.

مهم در بازارهای سرمایه در نظر گرفته می‌شوند (بیور، ۱۹۹۸). صورت‌های مالی منبعی اساسی از اطلاعات است که توسط تحلیل‌گران برای پیش‌بینی سودهای آتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، در صورتی که اصول حسابداری مورد استفاده برای تهیه صورت‌های مالی از نظر قوانین افشا و اندازه‌گیری شفاف و قابل مقایسه باشد، تحلیل‌گران مالی مجموعه اطلاعات با کیفیت بالاتری برای اطلاع‌رسانی به واسطه پیش‌بینی‌های خود خواهند داشت. این موضوع دقت پیش‌بینی در آمد آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد. این امر از آنجا به وجود می‌آید که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در مقایسه با برخی اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری داخلی نیاز به اندازه‌گیری ارزش منصفانه و افشای اطلاعات بیشتری دارد. مطالعات تجربی که ارتباط بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و دقت پیش‌بینی سود تحلیل‌گران را بررسی می‌کنند، در طول زمان و در کشورهای مختلف انجام شده‌اند (بیارد و همکاران، ۲۰۱۱؛ چلمرز و همکاران، ۲۰۱۲؛ هورتون و همکاران، ۲۰۱۲؛ جانسون و همکاران، ۲۰۱۲؛ کیم و شی، ۲۰۱۲). نتایج عموماً از دقت پیش‌بینی بالاتر پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پشتیبانی می‌کنند.

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و یکپارچه‌سازی و توسعه بازار سهام: مطالعات تجربی رو به رشد، یافته‌های متفاوتی را در رابطه با اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و یکپارچه‌سازی بازار سرمایه با استفاده از نمونه‌های خاص کشور یا حجم نمونه کوچک گزارش می‌کنند. به‌عنوان مثال، اکثر محققان یک ارتباط مثبت و معنادار بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ادغام بازار مالی پیدا کردند (به‌عنوان مثال، کای و وانگ، ۲۰۱۰؛ دی‌جورج، ۲۰۱۳؛ ضالیوال و همکاران، ۲۰۱۹). در مقابل، دیگران ارتباط ناچیز بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ادغام جهانی بازارهای سرمایه را گزارش کردند (به‌عنوان مثال، آلتودل، ۲۰۱۶؛ نارانجو و همکاران، ۲۰۱۷). این شالوده تجربی بر اساس نظریه انتشار نوآوری^{۱۱} شکل گرفته است که به این معناست که پذیرندگان اولیه ممکن است نتایج مطلوب/ مفید را به دلیل پیامدهای بازار مطلوب تجربه

1. Beaver
2. Byard et al.
3. Chalmers et al.
4. Horton et al.
5. Jansson et al.
6. Kim and Shi
7. Cai and Wong
8. Dhaliwal et al.
9. Alnodei
10. Naranjo et al.
11. Diffusion of Innovation Theory

کنند. این نشان می‌دهد کشورهای که سطح یکپارچگی مالی پایین‌تری دارند و توسعه بازار کمتری دارند، به احتمال بیشتری برای افزایش یکپارچگی مالی خود، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را زودتر به کار می‌گیرند. ضالیوال و همکاران (۲۰۱۹) استدلال کردند، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌طور مثبت با اشتراک ریسک و کارایی بازار سهام مرتبط است، که منجر به کاهش موانع یکپارچه‌سازی بازار مالی می‌شود. این تحول مثبت به نحو مطلوبی در قیمت سهام منعکس می‌شود. به‌طور مشابه، کای و وانگ ادعا کردند داشتن یک مجموعه واحد از نوآوری‌های استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باعث افزایش شفافیت، پاسخگویی و قابلیت مقایسه میان شرکت‌ها می‌شود، بنابراین حرکت فرامرزی سرمایه و افزایش یکپارچگی بازار مالی جهانی را تسهیل می‌کند. به‌همین ترتیب، سیمپسون^۱ (۲۰۰۸) پیشنهاد کرد کیفیت اطلاعات مالی در بازارهای سرمایه با اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی افزایش می‌یابد، که منجر به کاهش هزینه سرمایه و افزایش جریان سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود و در نتیجه بازارهای سرمایه یکپارچه‌تری ایجاد می‌کند.

پرسش پژوهش

بررسی ادبیات پژوهش حاکی از آن است که اثرات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر متغیرهای حسابداری و مالی به‌طور وسیعی بررسی شده است، اما هنوز گزارش جامعی از متغیرهای تحت تأثیر وجود ندارد و نتایج گزارش شده توسط پژوهشگران، پراکنده و در بسیاری از موارد متناقض بوده است. بر همین اساس، سؤالی که مطرح می‌شود این است که در یک بررسی جامع، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کدام یک از معیارهای عملکرد مالی و متغیرهای بازار سهام تأثیر گذار بوده است؟

روش‌شناسی پژوهش

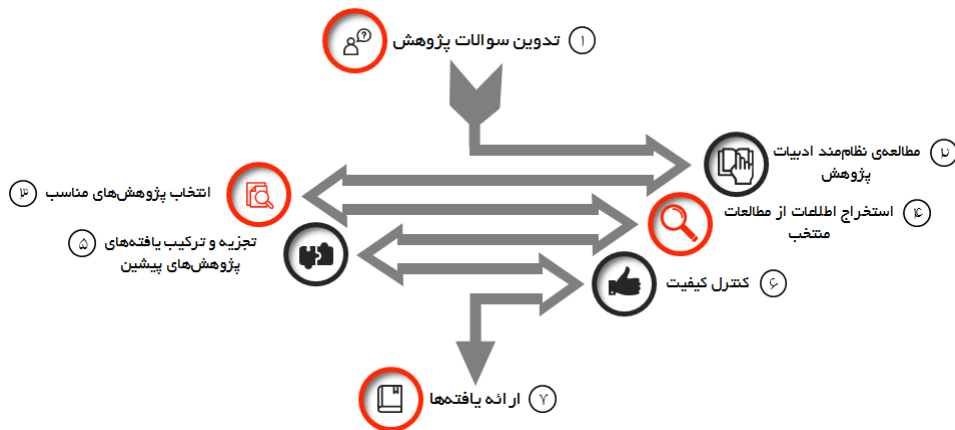
فراخوان برای ترکیب دانش از این فرض پیروی می‌کند که اساس علم، انباشت دانش از شواهد تحقیقاتی بسیاری از مطالعات است (ای‌هانتر و همکاران^۲، ۱۹۸۲؛ هانت^۳، ۱۹۹۷). به‌طور کلی‌تر، فرامطالعات به‌عنوان یک درک از دانش ساختن به‌عنوان یک توالی تکاملی در نظر گرفته می‌شوند (گلس^۴، ۱۹۷۷). از این منظر، دانش نه تنها از یک پیشرفت انقلابی سرچشمه

1. Simpson
2. E. Hunter et al.
3. Hunt
4. Glass

می‌گیرد (کوهن^۱، ۱۹۶۲)، بلکه می‌تواند از یک ادغام عقب‌گرا از شواهد قبلی نیز پدید آید (کمپبل^۲، ۱۹۷۴؛ ویک^۳، ۱۹۸۹). فعالیت‌های سنتز پژوهشی از آنجایی که این درک از ترکیب تحقیق به‌عنوان تجمیع، تفسیر و ترجمه مبتنی بر مفروضات متفاوتی است، راه‌های متمایزی برای نزدیک شدن به ترکیب دانش ایجاد می‌کنند (روسو و همکاران^۴، ۲۰۰۸).

فرا ترکیب به‌عنوان یک طرح تحقیقاتی اکتشافی و استقرایی برای ترکیب مطالعات موردی اولیه به‌منظور ایجاد مشارکتی فراتر از آنچه در مطالعات اولیه بدست آمده است، تعریف می‌شود. این روش یکی از شیوه‌های پژوهش فرامطالعه است که شامل انباشت شواهد کیفی مطالعات قبلی و به‌طور خاص استخراج، تجزیه و تحلیل و ترکیب آن‌ها می‌شود. در نتیجه، یک فرا ترکیب اقدام به استفاده مجدد از داده‌های دست اول ناشی از مشاهدات یا مصاحبه‌های خود محققین مورد اشاره، نمی‌کند. در عوض، یک فرا ترکیب در سطحی اتفاق می‌افتد که محققان اصلی مطالعات اولیه، پیش‌های خود را مطابق با درک و تفسیر خود از داده‌ها ساخته‌اند (ترانفیلد و همکاران^۵، ۲۰۰۳؛ سندلوفسکی و باروسو^۶، ۲۰۰۷).

بنابراین در این پژوهش فرا ترکیب، یک بررسی سیستماتیک کیفی با الهام از رویکرد معرفی شده توسط سندلوفسکی و باروسو (۲۰۰۷) دنبال شد (نمودار ۱ را ببینید).



نمودار ۱. گام‌های اجرایی روش فرا ترکیب

1. Kuhn
2. Campbell
3. Weick
4. Rousseau et al.
5. Tranfield et al.
6. Sandelowski and Barroso

گام اول: در ابتدایی‌ترین مرحله باید سؤال اصلی پژوهش مشخص شود. لذا، پژوهشگران سؤال خود را بدین صورت مطرح کردند: پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کدام یک از متغیرهای بازار سرمایه تأثیر می‌گذارد؟

گام دوم: در آغاز این گام، واژه‌های مهم و کلیدی مرتبط با حوزه مورد مطالعه مشخص شدند (جدول ۱ را ببینید). پس از آن نسبت به مرور نظام‌مند نتایج جستجوها اقدام شد تا پژوهش‌های مرتبط و مناسب انتخاب شوند. جامعه آماری این پژوهش شامل مطالعات علمی فارسی و انگلیسی منتشر شده بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳ (سپتامبر) در زمینه تأثیرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر بازار سرمایه است. بزرگترین پایگاه‌های اطلاعاتی و نشریات برتر مرتبط با استفاده از واژگان کلیدی، جستجو شدند.

جدول ۱. واژگان کلیدی جستجو

فارسی	انگلیسی
عواقب پذیرش IFRS	IFRS adoption Consequences
اثرات پذیرش IFRS	IFRS adoption Effects
پیامدهای پذیرش IFRS	IFRS adoption Implications
عواقب پیاده‌سازی IFRS	IFRS implementation Consequences
اثرات پیاده‌سازی IFRS	IFRS implementation Effects
پیامدهای پیاده‌سازی IFRS	IFRS implementation Implications
IFRS و تأثیر اقتصادی	IFRS and Economic Impacts
منافع پذیرش IFRS	IFRS adoption Benefits
منافع پیاده‌سازی IFRS	IFRS implementation Benefits
IFRS و بازار سرمایه	IFRS and Capital Market
IFRS و حسابداری	IFRS and Accounting
IFRS و گزارشگری مالی	IFRS and Financial Reporting
IFRS و عملکرد مالی	IFRS and Financial Performance
IFRS و بورس اوراق بهادار	IFRS and Stock Exchange
IFRS و حسابرسی	IFRS and Auditing
اثرات IFRS بر شرکت‌ها	IFRS Influences on Companies
IFRS و مقایسه‌پذیری	IFRS and Comparability

در انتهای این فرایند، ۱۱۸۷ مطالعه منتج شده مطابق جدول ۲، به منظور تطبیق محتوا، مورد غربالگری قرار گرفتند. همچنین فهرست اسامی برخی از مجلات غنی از مقالات مرتبط در نگاره ۴ ارائه می شوند.

جدول ۲. تعداد مطالعات دست یافته از هر بانک اطلاعاتی

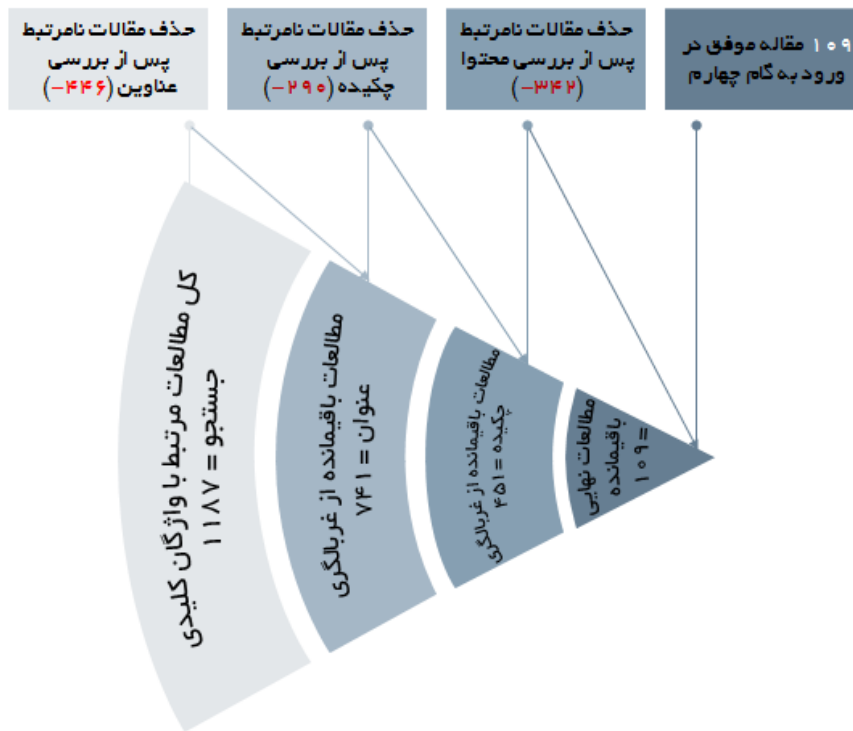
تعداد پژوهش	پایگاه اطلاعاتی
۵۰۸	گوگل اسکولار
۲۵۹	وب آو ساینس
۳۱۲	اسکوپوس
۹۳	مگ ایران
۱۵	سیویلیکا
۱۱۸۷	مجموع

جدول ۳. فهرست برخی از نشریات حاوی مقالات مورد استفاده در پژوهش

نام نشریات
International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation
Emerging Markets Finance and Trade
European Accounting Review
The Accounting Review
The International Journal of Accounting
Journal of Accounting Research
Inzinerine Ekonomika-Engineering Economics
Journal of International Accounting, Auditing and Taxation
International Journal of Managerial Finance
Banks and Bank Systems
Journal of Financial Reporting
Abacus
Thunderbird International Business Review
International Journal of Accounting and Information Management

نام نشریات
Australian Accounting Review
Accounting Forum
International Journal of Disclosure and Governance
Journal of Accounting and Public Policy
Accounting and Business Research
Journal of Behavioral and Experimental Finance
Accounting in Europe
International Journal of Finance and Economics
Accounting Perspectives
Journal of Applied Accounting Research
Journal of Corporate Finance
The Journal of Investing
Journal of International Financial Management & Accounting
Journal of Financial Regulation and Compliance
Journal of Financial Reporting and Accounting
Contemporary Accounting Research
Journal of Economic and Administrative Sciences
Intangible Capital
Management Science
Review of Accounting Studies
Cogent Business & Management
Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics

گام سوم: در این مرحله، از میان پژوهش‌های گام پیشین، در نهایت ۱۰۹ مطالعه منتخب مطابق نمودار ۲ پس از طی چندین مرحله فرایند انتخاب و ارزیابی بر اساس عنوان، چکیده و محتوا، برای ورود به مرحله تحلیل و استخراج مطالب، مورد واکاوی‌های بیشتر و دقیق‌تر قرار گرفتند.



نمودار ۲. فرایند گزینش، پالایش و سازماندهی مقالات مورد بررسی

گام چهارم: پس از انتخاب نهایی پژوهش‌ها، در این مرحله نوبت به آن رسید تا محتوای درونی مقاله برگزیده به دقت مورد مطالعه قرار گیرند. انجام یک مطالعه با استفاده از روش فراترکیب مستلزم تحلیل کیفی مطالعات و یافته‌های قبلی در یک زمینه خاص است. یکی از مؤثرترین روش‌های انجام چنین فرآیندی، تحلیل محتوا با استفاده از کدگذاری است که منجر به کشف چارچوبی از الگوها می‌شود (هسیه و شانون^۱، ۲۰۰۵). زمانی می‌توان از کدگذاری استفاده کرد که محقق بخواهد داده‌های بدست آمده از رویدادها را تجزیه و تحلیل کند. کوربین و استراوس^۲ (۲۰۰۸) سه تکنیک کدگذاری را پیشنهاد کردند: کدگذاری باز، محوری و انتخابی. کدگذاری باز فرآیندی تحلیلی است که از طریق آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها

1. Hsieh and Shannon

2. Corbin and Strauss

و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شود. کدگذاری محوری فرآیند پیوند دسته‌ها به زیرمجموعه‌ها و اتصال دسته‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. کدگذاری انتخابی نیز فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود دسته‌ها است (لی^۱، ۲۰۰۱). به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه مرحله‌ای کوربین و استراوس (۲۰۰۸)، ابتدا محتوای مرتبط با سؤال پژوهش در مطالعات منتخب شناسایی شد و پس از بررسی‌های مکرر، کدهای باز اولیه استخراج شد. در اینجا تعداد ۱۶۳ کد شناسایی شد.

گام پنجم: پس از اجرای گام پیشین، طی این مرحله، برای ایجاد پیوند بین کدهای باز، کدهای مشابهی که مفهوم یکسانی داشتند به‌عنوان کدهای محوری طبقه‌بندی شدند. در مرحله آخر، داده‌ها به صورت انتخابی کدگذاری شدند و کدهای محوری با همان مفهوم در یک دسته یا بُعد قرار گرفتند. این امر منجر شد کدهای اتخاذشده از مطالعات قبلی بر اساس زمینه‌های مفهومی مشترک طبقه‌بندی شوند. لذا در انتهای این گام مطابق جدول ۴، تعداد ۸۱ مفهوم از طریق دسته‌بندی کدها، ۱۸ مقوله فرعی با گروه‌بندی مفاهیم و ۶ بُعد اصلی از سامان‌دهی مقوله‌های فرعی، برای پاسخ به سؤال پژوهش استخراج شدند.

جدول ۴. ابعاد اصلی، تعداد مقوله‌های فرعی، مفاهیم و کدهای استخراج‌شده

ابعاد اصلی	تعداد مقوله‌های فرعی	تعداد مفاهیم	تعداد کد نهایی
راهبری شرکتی	۲	۷	۲۲
شفافیت	۳	۱۱	۱۳
تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان بازار	۴	۱۸	۲۶
کیفیت گزارشگری مالی	۳	۱۶	۲۹
یکپارچه‌سازی بین‌المللی بازارها	۳	۱۸	۴۱
بازار سهام	۳	۱۱	۳۲
مجموع	۱۸	۸۱	۱۶۳

برخی از پژوهش‌های مرتبط با ابعاد اصلی مطالعه حاضر در جدول ۵ نمایش داده می‌شوند.

جدول ۵. پژوهش‌های مرتبط با ابعاد اصلی

سال	محققان	عنوان پژوهش	بُعد اصلی
۲۰۱۳	کیم ^۱	Russian accounting system: Value relevance of reported information and the IFRS adoption perspective	راهبری شرکتی
۲۰۱۵	حصاری و صیحي ^۲	Monitoring earnings management in emerging markets: IFRS adoption and ownership structure	
۲۰۱۷	چن و تانگ ^۳	Post-IFRS revaluation adjustments and executive compensation	
۲۰۲۰	هلل و همکاران ^۴	IFRS adoption, corporate governance and management earnings forecasts	
۲۰۲۲	سراوانان و فیروز ^۵	The impact of IFRS convergence on market liquidity: evidence from India	
۲۰۱۵	بال و همکاران ^۶	Contractibility and Transparency of Financial Statement Information Prepared Under IFRS: Evidence from Debt Contracts Around IFRS Adoption	شفافیت
۲۰۱۶	بها ^۷ و همکاران	Testing the transparency implications of mandatory IFRS adoption: The spread/maturity relation of credit default swaps	
۱۴۰۰	کاشانی پور و همکاران	بررسی ضرورت پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط در ایران	
۱۴۰۰	ماه‌آوردپور و همکاران	شناسایی چالش‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری ابزارهای مشتقه: با تأکید بر الزامات افشا	
۲۰۲۲	عبید ^۸	Does the implementation of IFRS improve transparency regarding the company's financial conditions?: evidence from an emerging market	
۱۴۰۱	بیات و همکاران	بررسی تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر شاخص‌های حکمرانی (کنترل فساد و پاسخگویی)-مطالعه بین‌کشوری	
۲۰۱۳	احمد (کا) و همکاران ^۹	A meta-analysis of IFRS adoption effects.	

1. Kim
2. Hessayri and Saihi
3. Chen and Tang
4. Hlel et al.
5. Saravanan and Firoz
6. Ball et al.
7. Bhat et al.
8. Ebaid
9. Ahmed, K. et al.

سال	محققان	عنوان پژوهش	بُعد اصلی
۲۰۱۵	هالتوف و همکاران ^۱	Are We Lost in Translation? The Impact of Using Translated IFRS on Decision-Making	تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان بازار
۲۰۲۱	محسین و همکاران ^۲	The evaluation of efficiency and value addition of IFRS endorsement towards earnings timeliness disclosure	
۲۰۲۱	هلمن و پاتل ^۳	Translation of International Financial Reporting Standards and implications for judgments and decision-making	
۱۴۰۱	موسوی مطهر و همکاران	تأثیر به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر معیارهای عملکرد مالی شرکت‌ها در ایران	
۲۰۱۴	بابو‌کاردوس و ریمل ^۴	Goodwill under IFRS: Relevance and disclosures in an unfavorable environment	کیفیت گزارشگری مالی
۲۰۱۵	محمدرضائی و همکاران ^۵	The effects of mandatory IFRS adoption: A review of evidence based on accounting standard setting criteria	
۲۰۱۶	یوهانسون و همکاران ^۶	Accounting for goodwill under IFRS: A critical analysis	
۲۰۱۶	شان و تروشانی ^۷	The effect of mandatory XBRL and IFRS adoption on audit fees: Evidence from the Shanghai Stock Exchange.	
۲۰۱۶	بال ^۸	IFRS-10 years later	
۱۳۹۶	اعتمادی و همکاران	فرا تحلیل اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کیفیت گزارشگری مالی	
۲۰۱۸	آموروس مارتینز و کاورو رویو ^۹	The Economic Effects of IFRS Goodwill Reporting	
۲۰۲۳	کاتب و بالقاسم ^{۱۰}	Navigating governance and accounting reforms in Saudi Arabia's emerging market: impact of audit quality, board characteristics, and IFRS adoption on financial performance	
۲۰۱۶	هوک و همکاران ^{۱۱}	The economic consequences of IFRS adoption: Evidence from New Zealand.	یکپارچه‌سازی بین‌المللی بازارها

- Holthoff et al.
- Mohsin et al.
- Hellmann and Patel
- Baboukardos and Rimmel
- Mohammadrezaei et al.
- Johansson et al.
- Shan and Troshani
- Ball
- Amorós Martínez and Caveró Rubio
- Kateb and Belgacem
- Houque et al.

سال	محققان	عنوان پژوهش	بُعد اصلی
۱۳۹۶	سلیمانی امیری و رسولی	دیدگاه افراد فعال در حرفه حسابداری در خصوص پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران	
۲۰۱۸	یوسفی نژاد و همکاران ^۱	Causal Relationship between International Financial Reporting Standard (IFRS) and Foreign Direct Investment (FDI): A Panel Data Analysis of ASEAN Countries.	
۲۰۲۰	دی‌مورا و همکاران ^۲	Did mandatory IFRS adoption affect the cost of capital in Latin American countries?	
۲۰۲۱	یمنی و همکاران ^۳	The impact of financial instruments disclosures on the cost of equity capital	
۲۰۲۱	اپاره و همکاران ^۴	Meta-analysis of the Impact of Adoption of IFRS on Financial Reporting Comparability, Market Liquidity, and Cost of Capital	
۲۰۲۲	المقامز و همکاران ^۵	The diffusion of innovation theory and the effects of IFRS adoption by multinational corporations on capital market performance: a cross-country analysis	
۲۰۱۳	لمبرتیدس و مازوز ^۶	Stock price volatility and informational efficiency following the mandatory adoption of IFRS in Europe	بازار سهام
۲۰۱۷	الهادی و همکاران ^۷	Market Risk Disclosures and Investment Efficiency: International Evidence from the Gulf Cooperation Council Financial Firms	
۲۰۲۰	هو و همکاران ^۸	Corporate board reforms around the world and stock price crash risk	
۲۰۲۰	پولیزی و اسکنتلا ^۹	An empirical investigation into market risk disclosure: is there room to improve for Italian banks?	
۲۰۲۳	روزمیانینگروم و همکاران ^{۱۰}	IFRS adoption, stock price synchronicity and firm-specific information in Indonesia stock market	

گام ششم: در این مرحله برای کنترل کدهای استخراج شده نظرات پژوهشگران با نظرات خبره مقایسه شده است. بررسی اعتبار و اطمینان از کیفیت یافته‌ها در پژوهش‌های کیفی، همواره یکی از چالش‌ها و

1. Yousefinejad et al.
2. De Moura et al.
3. Yamani et al.
4. Opare et al.
5. Elmghaamez et al.
6. Lambertides and Mazouz
7. Al-Hadi et al.
8. Hu et al.
9. Polizzi and Scannella
10. Rosmianingrum et al.

دغدغه‌های پیش روی محققان بوده است. پژوهشگران کیفی از شیوه‌های کثرت‌گرایی برای بهبود روایی و پایایی پژوهش بهره می‌گیرند (پیتون، ۲۰۰۲). یکی از شیوه‌های کثرت‌گرایی، کثرت‌گرایی در پژوهشگر (آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران مختلف) است. بدین صورت که بر اساس نظر پژوهشگران، روش کدگذاری مجدد به منظور سنجش پایایی تحقیقات کیفی پیشنهاد می‌شود (پیتون، ۲۰۰۲؛ گل افشان، ۲۰۰۳). به منظور اطمینان از روایی و پایایی نتایج به دست آمده از شاخص کاپای کوهن استفاده شده است. شاخص کاپا که توسط کوهن (۱۹۶۰) ابداع شده است، پایایی مطالعات را تعیین می‌کند و ثبات و همبستگی نمرات بین ارزیابان مختلف یک موضوع را می‌سنجد. در شاخص کاپای کوهن میزان توافق درونی بین ارزیاب و پژوهشگر در نحوه طبقه‌بندی متغیرهای استخراج شده ارائه می‌گردد (نتوندورف، ۲۰۰۲). این شاخص بین صفر و یک است و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده توافق بیشتر بین کدگذاران است و پایایی تأیید می‌شود. به عنوان مثال در یک کدگذاری دو طبقه‌ای، میزان توافق بر اساس جدول ۶ مشخص شده و شاخص کاپا با استفاده از معادله (۱) محاسبه می‌گردد:

جدول ۶. نحوه محاسبه میزان توافق ارزیاب اول و دوم

		نظر ارزیاب اول (محقق)		مجموع ارزیاب دوم
		بله	خیر	
نظر ارزیاب دوم (خبره)	بله	yy	yn	y ₂
	خیر	ny	nn	n ₂
مجموع ارزیاب اول		y ₁	n ₁	N

$$k = \frac{\Pr(\alpha) - \Pr(e)}{1 - \Pr(e)} \quad \text{معادله (۱)}$$

$$\Pr(\alpha) = \frac{yy+nn}{N} \quad \text{و} \quad \Pr(e) = \frac{y1}{N} \times \frac{y2}{N} + \frac{n1}{N} \times \frac{n2}{N}$$

پارامترهای yy و nn نشان‌دهنده توافق دو کدگذاری و پارامترهای yn و ny نشان‌دهنده عدم توافق دو کدگذاری‌اند. در اینجا $\Pr(\alpha)$ قرارداد نسبی مشاهده شده بین ارزیاب‌ها (توافق بین دو کدگذار) و $\Pr(e)$ درصد توافق مورد انتظار (احتمال فرضی قرارداد شانس) است. در این پژوهش، در راستای محاسبه شاخص کاپا از یک فرد خبره (عضو هیأت علمی دانشگاه) در مورد موضوع خواسته شد تا بدون اطلاع از کدگذاری پژوهشگران، نسبت به کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم اقدام نماید. سپس میزان توافق یا تناقض موجود در نظر و کدگذاری ارزیاب اول (محقق) و ارزیاب دوم (خبره) مشخص گردید و بر اساس آن، شاخص کاپا محاسبه شد. نتایج در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. جدول تشابه کدگذاری توسط پژوهشگر و ارزیاب

		نظر ارزیاب اول (پژوهشگر)		مجموع ارزیاب دوم
		بله	خیر	
نظر ارزیاب دوم (خبره)	بله	yy=۱۵۶	yn=۱	y ₂ =۱۵۷
	خیر	ny=۲	nn=۴	n ₂ =۶
مجموع ارزیاب اول		y ₁ =۱۵۸	n ₁ =۵	N=۱۶۳

میزان توافق موجود در نظر ارزیاب اول (محقق) و ارزیاب دوم (خبره) در ارتباط با کدگذاری مقوله‌ها بر اساس جدول ۷ مشخص شده و شاخص کاپا با استفاده از معادله (۱) محاسبه می‌گردد. شایان ذکر است که طریقه محاسبه شاخص کاپای کوهن در مطالعه حاضر بر اساس کل کدها و نه کدهای گزینشی انجام گرفته است.

$$\Pr(\alpha) = \frac{156+4}{163} = 0/981 \quad \text{و} \quad \Pr(e) = \frac{158}{163} \times \frac{157}{163} + \frac{5}{163} \times \frac{6}{163} = 0/934$$

$$k = \frac{0/981 - 0/934}{1 - 0/934} = 0/71$$

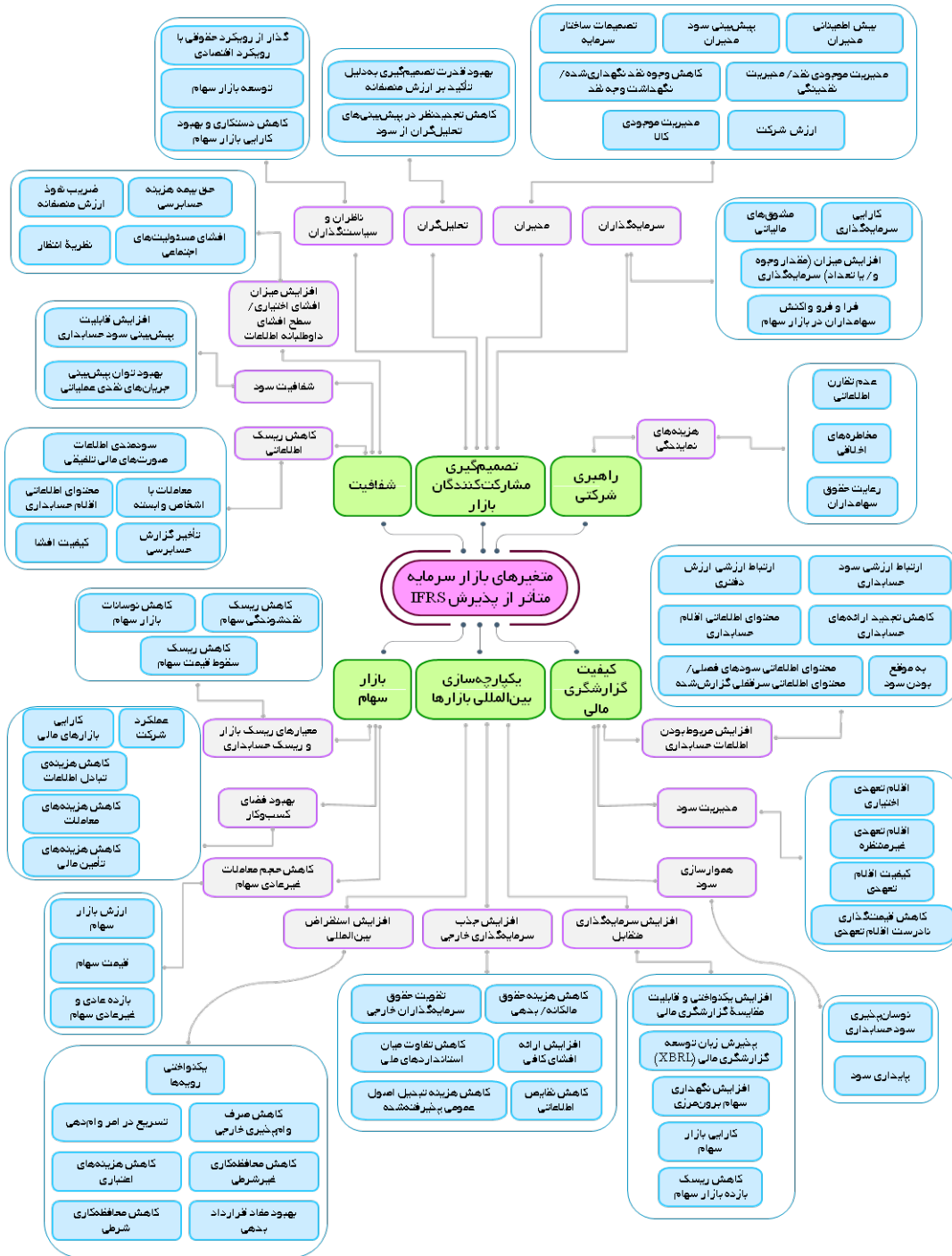
بر اساس نظر لاندیس و کوخ (۱۹۷۷)، چنانچه این ضریب بالاتر از ۰/۶ باشد نشان از شدت توافق مناسب است. در ادامه، به منظور تحلیل آماری دقیق تر نتایج، از نرم افزار SPSS ۲۶ بهره برده شد. مطابق جدول ۸، عدد معناداری حاصل شده برای شاخص کاپا کمتر از ۰/۰۵ بود. لذا احتمال استقلال کدهای استخراج شده مردود شد و ارتباط معناداری بین نتایج کدگذاری پژوهشگر و خبره با فاصله اطمینان ۹۵٪ بدست آمد.

جدول ۸. نتایج تحلیل آماری

مقدار	انحراف معیار برآوردی a	برآورد Tb	معناداری برآورد (Sig)
۰/۷۱۸	۰/۱۵۶	۹/۲۰۵	۰/۰۰۰
میزان توافق Kappa			
تعداد موارد معتبر ۱۶۳			

یافته‌های پژوهش

کدهای منبع باز در کنار هم قرار گرفتند که منجر به تعدادی مفاهیم شد. برای تعیین هر کد محوری، کدهای باز استخراج شده مورد بررسی قرار گرفت و آنهایی که شبیه یکدیگر بودند، در زیر کد محوری که معرف معنی آنهاست، یعنی مقوله فرعی گروه بندی شدند. پس از آن، مقوله‌های فرعی همگن برای تشکیل ابعاد اصلی دسته بندی شدند. نمودار ۳ هم این یافته‌ها را خلاصه می‌کند.



نمودار ۳. نمودار درختی تأثیرات پذیرش IFRS بر متغیرهای بازار سرمایه تا سه سطح

اکثر مطالعات، شواهد تجربی از تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را نشان می‌دهند. با این حال، یافته‌های متفاوتی را ابراز می‌کنند. برخی از پژوهش‌ها گزارش می‌دهند که اثر مثبت وجود دارد، همچنین شواهدی را در مورد تعدادی از عوامل متأثر ارائه می‌دهند. نتایج حاکی است، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیرات متعددی بر کیفیت اطلاعات حسابداری و توسعه عمومی، رشد و عملکرد بازارهای سرمایه در سراسر جهان داشته است. بیشتر تحقیقات در اقتصادهای توسعه یافته انجام شده است؛ در حالی که از متون بررسی‌شده، مطالعات کمتری از کشورهای در حال توسعه بوده است. کشورهای توسعه یافته با مکانیزم‌های اجرایی قوی مشخص می‌شوند که مزایای پذیرش کامل استانداردهای حسابداری را تضمین می‌کند. در این میان، کشورهای در حال توسعه دارای مکانیزم‌های اجرایی ضعیف و احتمالاً فاسدی هستند که ممکن است مزایای اجرای کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را محدود کند و لذا بررسی‌های مجزا برای این کشورها می‌تواند به نتایج متفاوتی منجر شود.

به‌طور خلاصه، بیشتر مطالعات تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بر کیفیت اطلاعات و بازارهای سرمایه، با غلبه نمونه‌هایی که تعداد زیادی از کشورها را شامل می‌شود، بررسی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که به‌عنوان یک قاعده کلی، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبتی دارد، اما به‌ویژه به ویژگی‌های کشورها (به‌ویژه سطح اجرا) و ویژگی‌های شرکت‌ها بستگی دارد. عوامل حسابداری و غیرحسابداری متفاوت، نقش کلیدی در تعیین کیفیت گزارشگری مالی دارند که در سراسر جهان یکسان نیست و این موضوع موجب شده که پیامدهای کاربرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کیفیت اطلاعات حسابداری و بازار سرمایه به صورت مطلق قابل بحث نباشد. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که تفاوت‌های بین‌کشوری در حسابداری نیز احتمالاً پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باقی می‌ماند. بنابراین، به اشتراک‌گذاری قوانین، به‌خودی‌خود، برای ایجاد یک زبان تجاری مشترک کافی نیست. علاوه بر این، طبق مشاهدات پژوهش، نکات زیر در رابطه با اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در بازار سرمایه درک می‌شوند:

۱. بازار سهام به اخباری که احتمال پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد، واکنش مثبت نشان می‌دهد.

۲. پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به افشای اطلاعات جدید در مورد یک شرکت می‌شود، بنابراین عنصر غافلگیرکننده اطلاعات افشاشده در آینده را کاهش می‌دهد.
۳. محتوای اطلاعاتی اطلاعاتی سود پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، از طریق کاهش وقفه‌های زمانی گزارشگری، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش دقت پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران و در نتیجه بهبود کیفیت حسابداری، بهبود می‌یابد.
۴. نقدشوندگی بازارهای سرمایه با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی افزایش پیدا کرده و همچنین هزینه سرمایه با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کاهش می‌یابد.
۵. پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به بهبود دانش سرمایه‌گذاران و توانایی شرکت‌ها برای استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌شود که اثرات مثبت بالقوه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد.
۶. رابطه بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ادغام مالی در جایی که تفاوت قابل توجهی در کیفیت بین استانداردهای حسابداری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری محلی و ضمانت اجرای قانونی قوی‌تر وجود دارد، آشکار است.
۷. پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منافع و مزایای کلان اقتصادی را برای بازار سرمایه به همراه دارد.
۸. پذیرش داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط شرکت‌ها منجر به بهبود شفافیت از طریق افزایش ارتباطات با سرمایه‌گذاران می‌شود. این امر به نوبه خود از طریق کاهش هزینه سرمایه و افزایش دنبال کردن توسط تحلیل‌گران خارجی قابل تقدیر است.
۹. اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تنوع رویه‌های حسابداری را کاهش می‌دهد که به تسهیل حرکت کارآمد سرمایه کمک می‌کند.
۱۰. شرکت‌های فعال در «کشورهای با نظام حقوقی سیویل لا»، مزایای قابل توجهی را از اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نسبت به شرکت‌های «کشورهای با نظام حقوقی کامن لا» تجربه کرده‌اند.

۱۱. اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری را در کشورهایی که استانداردهای محلی به طرز چشم‌گیری از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی انحراف دارند، افزایش می‌دهد.
۱۲. استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در شرایط عدم انطباق اساسی و تداوم استانداردهای حسابداری انتخابی ملی، تأثیر محدودی بر شفافیت نتایج و اندازه‌گیری‌های قابل مقایسه در گزارشگری مالی دارد.
۱۳. پیامدهای اقتصادی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به میزانی بستگی دارد که شرکت‌ها تا چه اندازه در سیاست‌های گزارشگری خود تغییرات اساسی ایجاد می‌کنند یا انگیزه‌های گزارشگری قوی دارند.
۱۴. منافع بازار سرمایه از اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی فقط در کشورهایی با نظام‌های اجرایی سخت‌گیرانه و محیط‌های سازمانی که مشوق‌های گزارشگری قوی ارائه می‌کنند، وجود دارد.
۱۵. تأثیر قوی بافت سازمانی در کیفیت اطلاعات حسابداری وجود دارد و به همین دلیل است که تعمیم نتایج مربوط به پذیرش داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای پذیرش اجباری آن غیرممکن است.
۱۶. یک محدودیت، مربوط به اهمیت آموزش کارکنانی است که مستقیماً در تولید اطلاعات مالی مشارکت دارند.
- برخی از مطالعات همچنین شواهدی مبنی بر اثر منفی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کیفیت اطلاعات و بازار سرمایه ارائه می‌کنند که ممکن است با شباهت بیشتر بین استانداردهای محلی و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مقایسه با استانداردهای محلی مورد استفاده در بسیاری از کشورها توضیح داده شود.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی) نه به‌عنوان پذیرش داوطلبانه و شجاعانه رویکردی جدید در گزارشگری مالی، بلکه یک الزام برای فعالیت مالی در دهکده جهانی توصیف می‌شود. دلیل اصلی برای بکارگیری این استانداردها، اشتیاق گسترده برای جهانی شدن توصیف شده است. در این میان،

پذیرش این رویکرد جدید، مشارکت کنندگان (شرکت‌ها، استفاده کنندگان و حسابداران) را به ناشناخته‌ها سوق می‌دهد. جهانی شدن همچنان یک نیروی اقتصادی و سیاسی قوی است و تقاضا برای جهانی شدن در حسابداری به پیش می‌رود. با این حال، بیشتر آثار سیاسی و تجاری این روند در بازار سرمایه کم‌اهمیت باقی مانده است.

در اکثر کشورها، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با یک تغییر پارادایم مهم همراه است. بکارگیری مجموعه‌ای از قوانین، فضایی را برای اعمال مجموعه‌ای از اصول با هدف ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری اقتصادی فراهم می‌کند. پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با افزایش پیچیدگی در سیستم حسابداری همراه است که در حال حاضر مستلزم درجه بالاتر ارزیابی و تعهد بیشتر مدیران در سطوح مختلف در شرکت بوده و همچنین با فاصله گرفتن از حسابداری به سمت مالیات و افزایش قابل توجه در میزان افشاگری قرین می‌باشد. با این حال، انتظار می‌رود که منافع حاصل از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بیشتر از هزینه‌های مرتبط با این تغییر پارادایم باشد.

این پژوهش کیفی، ضمن بررسی ادبیات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و متغیرهای بازار سرمایه متأثر از آن، یک چارچوب جامع از ابعاد و عناصر آن ارائه می‌کند که چنین چارچوبی در مطالعات پیشین وجود نداشت و از این نظر، یک نوآوری محسوب می‌شود. با استفاده از روش فراترکیب، مفاهیم موجود در پیشینه پژوهش و ۱۰۹ مطالعه تا رسیدن به کفایت نظری بررسی شد. شواهد کیفی برگرفته از بازبینی و کاوش پژوهش‌های انجام گرفته طی سنوات ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۳ (سپتامبر) در زمینه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مورد ابعاد و مؤلفه‌های بازار سرمایه تأثیرپذیر تحت ۶ بُعد اصلی اعم از راهبری شرکتی، شفافیت، تصمیم‌گیری مشارکت کنندگان بازار، کیفیت گزارشگری مالی، یکپارچه‌سازی بین‌المللی بازارها، و بازار سهام، و ۱۸ مقوله فرعی، ۸۱ مفهوم و ۱۶۳ کد طبقه‌بندی شدند. ارتباط بین چارچوب اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر متغیرهای بازار سرمایه در نمودار درختی تا سه سطح ابعاد اصلی، مقوله‌های فرعی و مفاهیم نشان داده شده است. به طور کلی، نتایج حاکی از آن است که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیرات متعددی بر کیفیت اطلاعات حسابداری و توسعه عمومی، رشد و عملکرد بازارهای سرمایه در سراسر جهان داشته است. همچنین، علیرغم اینکه جریان اصلی تحقیقات، حاکی از توصیف شواهد مثبت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است، اما این موضوع تا حد

زیادی به ویژگی‌های کشورهای (به‌ویژه سطح اجرا) و ویژگی‌های شرکت‌ها بستگی دارد. بررسی حاضر آگاهی‌هایی همه‌جانبه را در خصوص اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌منظور حمایت از تمام بازیگران بازار سرمایه از بهر توجه به مهم‌ترین پیامدهای آن در این عرصه بیان می‌کند. پژوهشگران، قانون‌گذاران و تصمیم‌گیران می‌توانند با مراجعه به چارچوب بدست‌آمده جهت کسب شناخت کافی از اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در بازار سرمایه بهره ببرند.

بر اساس این دیدگاه، این پژوهش با ارائه برخی راهنمایی‌ها برای تحقیقات آتی و بحث سیاست‌گذاری به پایان می‌رسد. اول، در حالی که شواهد تجربی در مورد نقش تنظیمات نهادی و انگیزه‌های شرکت‌ها در شکل‌دهی به کیفیت حسابداری کاملاً قانع‌کننده است، باید در نتیجه‌گیری قطعی در مورد تأثیرات پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کیفیت گزارشگری مالی، احتیاط کرد. دوم، نیاز به مطالعه دقیق وجود دارد که آیا اثراتی که به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نسبت داده می‌شود، نتیجه سایر عوامل اقتصادی در معرض تغییر در یک اقتصاد جهانی پویا نخواهد بود یا خیر. سؤال مهم دیگر مربوط به این امر است که آیا پیامدهای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بسته به نوع پذیرش استانداردها متفاوت است (به‌عنوان مثال، همانطور که توسط هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی مطرح می‌شود، پیامدهای همگرایی استانداردهای ملی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در اتحادیه اروپا متفاوت از آنچه که در استرالیا اتفاق می‌افتد، است). همچنین، مطالعات مربوط به پیامدها در سطح شرکت‌های کوچک برای اطلاع‌رسانی مناسب تصمیم‌گیرندگان از نظر استانداردهای حسابداری بسیار مهم است، زیرا بیشتر مطالعات شامل نمونه‌هایی از شرکت‌های بزرگ می‌باشد. سؤال دیگری که جای توجه و بحث بیشتری دارد، استفاده از حسابداری ارزش منصفانه است که قرار است شفافیت بالاتری را در صورت‌های مالی تضمین کند، اما در مورد سودمندی آن برای سرمایه‌گذاران تردیدهایی وجود دارد.

موضوع دیگری که درخور بررسی بیشتر است، اطلاع‌رسانی نسبی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مقابل اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری ایالات متحده می‌باشد. این به معنای همگرایی فزاینده استانداردهای حسابداری است که در حال حاضر در سطح بین‌المللی با هدف نهایی دستیابی به مجموعه واحدی از استانداردهای حسابداری جهانی استفاده می‌شود. همچنین فقدان یک ناظر قدرتمند جهانی برای اطمینان از اتخاذ و اجرای یکسان، مزایای

استانداردهای حسابداری رایج را کاهش می‌دهد. بنابراین، نیاز به توسعه مکانیزم‌هایی وجود دارد که به یکپارچه‌تر کردن واقعی بازار سرمایه و به حداکثر رساندن کارایی استانداردهای بین‌المللی حسابداری کمک کند. در پایان، اما با اهمیت، محققان در کشورهای در حال توسعه باید کاربرد یافته‌های تجربی در سایر کشورها را در اقتصاد خود در نظر بگیرند، زیرا کاربرد متغیرهای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از کشوری به کشور دیگر تغییر می‌کند. مانند هر تحقیق علمی دیگری، مطالعه پیش رو نیز محدودیت‌هایی دارد که باید هنگام تفسیر نتایج در نظر گرفته شوند، اما به نوبه خود فرصت‌هایی را برای پژوهش‌های آتی فراهم می‌کند. اول، مطالعات مرتبط ممکن است به دلیل نامشخص بودن عناوین یا چکیده‌ها، نمایه‌سازی ضعیف و حذف مطالعات غیر فارسی و انگلیسی زبان، کنار گذاشته شده باشند. دوم، مانند هر مطالعه کیفی دیگری، نتایج استخراج‌یافته طبق درک پژوهشگران از فرایند بررسی می‌باشد. لذا پژوهش‌های آتی می‌توانند با تکرار بررسی و یا بکارگیری روش‌های کمی و یا ابزارهایی مانند پرسشنامه، و نظر خبرگان تأکید بیشتری بر تعمیم‌پذیری نتایج بورزند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- اعتمادی، حسین، سپاسی، سحر، احمدیان، وحید. (۱۳۹۶). فراتحلیل اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کیفیت گزارشگری مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲۴(۶)، ۴۷-۸۷.
- بیات، مرتضی، آقایی، محمدعلی، رضازاده، جواد. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر شاخص‌های حکمرانی (کنترل فساد و پاسخگویی)-مطالعه بین‌کشوری. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۲(۳)، ۱-۲۲.
- سلیمانی‌امیری، غلامرضا، رسولی، ندا. (۱۳۹۶). دیدگاه افراد فعال در حرفه حسابداری در خصوص پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲۴(۶)، ۱-۲۴.
- شمس‌الدینی، کاظم، فروغی، عارف، قناد، مصطفی. (۱۳۹۷). شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر بکارگیری فعالین حرفه حسابداری از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۱(۴۲)، ۱۶۷-۱۳۶.
- کاشانی‌پور، محمد، مهربان‌پور، محمدرضا، سرلک، نرگس، پورموسی، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). بررسی ضرورت پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط در ایران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱(۳)، ۱۱۳-۱۳۸.
- ماه‌آرپور، راضیه، مشایخ، شهناز، رحمانی، علی. (۱۴۰۰). شناسایی چالش‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری ابزارهای مشتقه: با تأکید بر الزامات افشا. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۴(۵۵)، ۱۶۰-۱۸۶.
- موسوی مطهر، سیدسجاد، رحمانی، علی، امیری، هوشنگ. (۱۴۰۱). تأثیر به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر معیارهای عملکرد مالی شرکت‌ها در ایران. چشم‌انداز مدیریت مالی، ۱۲(۴۰)، ۶۹-۹۶.

References

- Abad, D; Cutillas-Gomariz, M. F; Sánchez-Ballesta, J. P; & Yagüe, J. (2018). Does IFRS mandatory adoption affect information asymmetry in the stock market? *Australian Accounting Review*, 28(1), 61-78.
- Ahmed, A. S; Neel, M; & Wang, D. (2013). Does mandatory adoption of IFRS improve accounting quality? Preliminary evidence. *Contemporary accounting research*, 30(4), 1344-1372.
- Ahmed, K; Chalmers, K; & Khelif, H. (2013). A meta-analysis of IFRS adoption effects. *The International Journal of Accounting*, 48(2), 173-217.

- Albu, C. N; Albu, N; & Fekete, S. (2010). The context of the possible IFRS for SMEs implementation in Romania: An exploratory study. *Accounting and Management Information Systems*, 9(1), 45-71.
- Al-Hadi, A; Hasan, M. M; Taylor, G; Hossain, M; & Richardson, G. (2017). Market risk disclosures and investment efficiency: International evidence from the Gulf Cooperation Council financial firms. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 28(3), 349-393.
- Almasarwah, A. K; Omoush, A. M; & Alsharari, N. (2018). IFRS compliance and stock prices influence: evidence from Jordanian banks. *Banks & bank systems*, (13, Iss. 3), 24-35.
- Alnodel, A. (2016). The effect of the adoption of international financial reporting standards on capital market integration in the Gulf cooperation council countries. *Risk Governance & Control: Financial Markets & Institutions*, 6(4), 464-474.
- Amiram, D. (2012). Financial information globalization and foreign investment decisions. *Journal of International Accounting Research*, 11(2), 57-81.
- Amorós Martínez, A; & Cavero Rubio, J. A. (2018). The economic effects of IFRS goodwill reporting. *Australian Accounting Review*, 28(3), 309-322.
- Armstrong, C. S; Barth, M. E; Jagolinzer, A. D; & Riedl, E. J. (2010). Market reaction to the adoption of IFRS in Europe. *The accounting review*, 85(1), 31-61.
- Auer, K. V. (1998). The influence of the change from the accounting standard to the risk parameters of swiss shares. *Journal of Business Research*, 50(2), 129-155.
- Baboukardos, D; & Rimmel, G. (2014, March). Goodwill under IFRS: Relevance and disclosures in an unfavorable environment. In *Accounting Forum*, 38(1), 1-17.
- Ball, R. (2001). Infrastructure requirements for an economically efficient system of public financial reporting and disclosure. *Brookings-Wharton papers on financial services*, 2001(1), 127-169.
- Ball, R. (2016). IFRS–10 years later. *Accounting and business research*, 46(5), 545-571.
- Ball, R; Li, X; & Shivakumar, L. (2015). Contractibility and transparency of financial statement information prepared under IFRS: Evidence from debt contracts around IFRS adoption. *Journal of Accounting Research*, 53(5), 915-963.
- Ball, R; Robin, A; & Wu, J. S. (2003). Incentives versus standards: properties of accounting income in four East Asian countries. *Journal of accounting and economics*, 36(1-3), 235-270.
- Bandara, S; & Falta, M. (2021). The usefulness of IFRS-compliant reports: perceptions of Sri Lankan investors and lenders. *Asian Review of Accounting*, 29(4), 525-557.
- Bansal, M. (2023), "Economic consequences of IFRS convergence: evidence from phased manner implementation in India", *Journal of Asia Business Studies*, 17 (1), 129-148.

- Barry, C. B; & Brown, S. J. (1985). Differential information and security market equilibrium. *Journal of financial and quantitative analysis*, 20(4), 407-422.
- Barth, M. E; Landsman, W. R; & Lang, M. H. (2008). International accounting standards and accounting quality. *Journal of accounting research*, 46(3), 467-498.
- Barth, M. E; Landsman, W. R; Lang, M. H; & Williams, C. D. (2018). Effects on comparability and capital market benefits of voluntary IFRS adoption. *Journal of Financial Reporting*, 3(1), 1-22.
- Barth, M. E; Landsman, W. R; Lang, M; & Williams, C. (2012). Are IFRS-based and US GAAP-based accounting amounts comparable? *Journal of accounting and economics*, 54(1), 68-93.
- Bartov, E; Goldberg, S. R; & Kim, M. (2005). Comparative value relevance among German, US, and international accounting standards: A German stock market perspective. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 20(2), 95-119.
- Bayat, M; Aghaei, M. A; & Rezazadeh, J. (2022). Investigating the impact of adopting international financial reporting standards on governance indicators (corruption control and accountability) - a cross-country study. *Accounting and Social Interests*, 12(3), 1-22. (In Persian).
- Beaver, W. H. (1998). Financial reporting: an accounting revolution. (3rd ed.). *New Jersey: Prentice-Hall*.
- Ben Cheikh, H; & Ben Rejeb, A. (2021). Does the IFRS adoption promote emerging stock markets development and performance? *Macroeconomics and Finance in Emerging Market Economies*, 14(1), 1-23.
- Ben Othman, H; & Kossentini, A. (2015). IFRS adoption strategies and theories of economic development: Effects on the development of emerging stock markets. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 5(1), 70-121.
- Beneish, M. D; Miller, B. P; & Yohn, T. L. (2015). Macroeconomic evidence on the impact of mandatory IFRS adoption on equity and debt markets. *Journal of Accounting and Public Policy*, 34(1), 1-27.
- Bhat, G; Callen, J. L; & Segal, D. (2016). Testing the transparency implications of mandatory IFRS adoption: The spread/maturity relation of credit default swaps. *Management Science*, 62(12), 3472-3493.
- Botosan, C. A. (1997). Disclosure level and the cost of equity capital. *Accounting review*, 72(3), 323-349.
- Bova, F; & Pereira, R. (2012). The determinants and consequences of heterogeneous IFRS compliance levels following mandatory IFRS adoption: Evidence from a developing country. *Journal of international accounting research*, 11(1), 83-111.
- Brochet, F; Jagolinzer, A. D; & Riedl, E. J. (2013). Mandatory IFRS adoption and financial statement comparability. *Contemporary Accounting Research*, 30(4), 1373-1400.
- Brüggemann, U; Hitz, J. M; & Sellhorn, T. (2013). Intended and unintended consequences of mandatory IFRS adoption: A review of extant evidence and suggestions for future research. *European accounting review*, 22(1), 1-37.

- Burnett, B. M; Gordon, E. A; Jorgensen, B. N; & Linthicum, C. L. (2015). Earnings quality: Evidence from Canadian firms' choice between IFRS and US GAAP. *Accounting Perspectives*, 14(3), 212-249.
- Bushman, R. M; & Piotroski, J. D. (2006). Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions. *Journal of accounting and economics*, 42(1-2), 107-148.
- Bushman, R. M; & Smith, A. J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of accounting and Economics*, 32(1-3), 237-333.
- Byard, D; Li, Y; & Yu, Y. (2011). The effect of mandatory IFRS adoption on financial analysts' information environment. *Journal of accounting research*, 49(1), 69-96.
- Cai, F; & Wong, H. (2010). The effect of IFRS adoption on global market integration. *International Business & Economics Research Journal (IBER)*, 9(10), 25-34.
- Campbell, D. T. (1974). *Evolutionary epistemology*, 1, 413-463
- Chalmers, K; Clinch, G; Godfrey, J. M; & Wei, Z. (2012). Intangible assets, IFRS and analysts' earnings forecasts. *Accounting & Finance*, 52(3), 691-721.
- Chau, F; Dasmukhambetova, G. B; & Kallinterakis, V. (2013). International financial reporting standards and noise trading: evidence from Central and Eastern European countries. *Journal of Applied Accounting Research*, 14(1), 37-53.
- Chebaane, S; & Othman, H. B. (2014). The impact of IFRS adoption on value relevance of earnings and book value of equity: the case of emerging markets in African and Asian regions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 145, 70-80.
- Chen, C. J; Ding, Y; & Xu, B. (2014). Convergence of accounting standards and foreign direct investment. *The International Journal of Accounting*, 49(1), 53-86.
- Chen, K. C; & Tang, F. (2017). Post-IFRS revaluation adjustments and executive compensation. *Contemporary Accounting Research*, 34(2), 1210-1231.
- Christensen, H. B; Hail, L; & Leuz, C. (2013). Mandatory IFRS reporting and changes in enforcement. *Journal of accounting and economics*, 56(2-3), 147-177.
- Clarkson, P; Hanna, J. D; Richardson, G. D; & Thompson, R. (2011). The impact of IFRS adoption on the value relevance of book value and earnings. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 7(1), 1-17.
- Clements, C. E; Neill, J. D; & Stovall, O. S. (2010). Cultural diversity, country size, and the IFRS adoption decision. *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 26(2), 115-126.
- Corbin, J; & Strauss, A. (2008). Qualitative research. *Techniques and procedures for developing grounded theory*, (3rd ed.)
- Cuijpers, R; & Buijink, W. (2005). Voluntary adoption of non-local GAAP in the European Union: A study of determinants and consequences. *European accounting review*, 14(3), 487-524.

- Dalci, İ; & Özyapıcı, H. (2017). Analysis of the impact of first-time mandatory IFRS adoption on financial statements: The case study of the listed hotels in Turkey. *Accounting and Management Information Systems*, 16(1), 5-29.
- Daske, H. (2006). Economic benefits of adopting IFRS or US-GAAP—have the expected cost of equity capital really decreased? *Journal of Business Finance & Accounting*, 33(3-4), 329-373.
- Daske, H; Hail, L; Leuz, C; & Verdi, R. (2008). Mandatory IFRS reporting around the world: Early evidence on the economic consequences. *Journal of accounting research*, 46(5), 1085-1142.
- Daske, H; Hail, L; Leuz, C; & Verdi, R. (2013). Adopting a label: Heterogeneity in the economic consequences around IAS/IFRS adoptions. *Journal of accounting research*, 51(3), 495-547.
- De George, E. T. (2013). *Consequences of Accounting Harmonization: IFRS Adoption and Cross-Border Contagion* (Doctoral dissertation).
- De Moura, A. A. F; Altuwajri, A; & Gupta, J. (2020). Did mandatory IFRS adoption affect the cost of capital in Latin American countries? *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 38, 100-138.
- DeFond, M. L; Hung, M; Li, S; & Li, Y. (2015). Does mandatory IFRS adoption affect crash risk? *The Accounting Review*, 90(1), 265-299.
- Dhaliwal, D; He, W; Li, Y; & Pereira, R. (2019). Accounting standards harmonization and financial integration. *Contemporary Accounting Research*, 36(4), 2437-2466.
- Diamond, D. W; & Verrecchia, R. E. (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of capital. *The journal of Finance*, 46(4), 1325-1359.
- Ding, Y; Hope, O. K; Jeanjean, T; & Stolowy, H. (2007). Differences between domestic accounting standards and IAS: Measurement, determinants and implications. *Journal of accounting and public policy*, 26(1), 1-38.
- Drake, M. S; Myers, L. A; & Yao, L. (2010, September). Are liquidity improvements around the mandatory adoption of IFRS attributable to comparability effects or to quality effects? *AAA 2010 Financial Accounting and Reporting Section (FARS) Paper*. 1-39
- E. Hunter, J; L. Schmidt, F; & B. Jackson, G. (1986). *Meta-Analysis: Cumulating Research Findings Across Studies* Sage Publications: Beverly Hills, 1982, 176. *Educational Researcher*, 15(8), 20-21.
- Elmghaamez, I. K. (2021). Reasons behind the worldwide diversity in identity and issuance of good governance codes. *International Journal of Disclosure and Governance*, 18(2), 136-152.
- Elmghaamez, I. K; Attah-Boakye, R; Adams, K; & Agyemang, J. (2022). The diffusion of innovation theory and the effects of IFRS adoption by multinational corporations on capital market performance: a cross-country analysis. *Thunderbird International Business Review*, 64(1), 81-108.
- Eloff, A. M; & de Villiers, C. (2015). The value-relevance of goodwill reported under IFRS 3 versus IAS 22. *South African Journal of Accounting Research*, 29(2), 162-176.

- Escaffre, L; & Sefsaf, R. (2011). Comparing the value relevance of earnings and book value in IFRS and GAAP standards. *Bankers Markets & Investors: an academic & professional review*, 1, 4-18.
- Etemadi, H; Sepasi, S; & Ahmadian, V. (2017). Meta-analysis of the effects of the adoption of international financial reporting standards on the quality of financial reporting. *Experimental Accounting Research*, 24(6), 47-87. (In Persian).
- Feldman, S. J; Soyka, P. A; & Ameer, P. G. (1997). Does improving a firm's environmental management system and environmental performance result in a higher stock price? *The Journal of Investing*, 6(4), 87-97.
- Felski, E. (2015). Do common features exist among countries that locally adopt IFRS? *International Journal of Accounting and Financial Reporting*, 5(2), 144-177.
- Figlioli, B; Lemes, S; & Lima, F. G. (2017). IFRS, synchronicity, and financial crisis: The dynamics of accounting information for the Brazilian capital market. *Revista Contabilidade & Finanças*, 28, 326-343.
- Filip, A. (2010). IFRS and the value relevance of earnings: evidence from the emerging market of Romania. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 6(2-3), 191-223.
- Floros, C. (2007). The effects of international accounting standards on stock market volatility: the case of Greece. *Investment Management and Financial Innovations*, 4(1), 61-72.
- Florou, A; & Kosi, U. (2015). Does mandatory IFRS adoption facilitate debt financing? *Review of Accounting Studies*, 20, 1407-1456.
- Francis, J. R; Khurana, I. K; & Pereira, R. (2003). The role of accounting and auditing in corporate governance and the development of financial markets around the world. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 10(1), 1-30.
- Francis, J; LaFond, R; Olsson, P. M; & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *The accounting review*, 79(4), 967-1010.
- Fraser, P. N. (2010). A single set of worldwide auditing standards: The road is long.... *International Journal of Disclosure and Governance*, 7(4), 298-309.
- Gassen, J; & Sellhorn, T. (2006). Applying IFRS in Germany: Determinants and consequences. *Germany: Determinants and Consequences, Betriebswirtschaftliche Forschung und Praxis*, 58 (4), 365-386.
- Glass, G. V. (1977). 9: integrating findings: the meta-analysis of research. *Review of research in education*, 5(1), 351-379.
- Golafshani, N. (2003). Understanding Reliability and Validity in Qualitative Research. *The Qualitative Report*, 8(4), 597-607.
- Goodwin, J; Ahmed, K; & Heaney, R. (2008). The effects of International Financial Reporting Standards on the accounts and accounting quality of Australian firms: A retrospective study. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 4(2), 89-119.

- Gordon, L. A; Loeb, M. P; & Zhu, W. (2012). The impact of IFRS adoption on foreign direct investment. *Journal of accounting and public policy*, 31(4), 374-398.
- Hamberg, M; Paananen, M; & Novak, J. (2011). The adoption of IFRS 3: The effects of managerial discretion and stock market reactions. *European accounting review*, 20(2), 263-288.
- Hellmann, A; & Patel, C. (2021). Translation of International Financial Reporting Standards and implications for judgments and decision-making. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 30 (4), 1-4.
- Hessayri, M; & Saihi, M. (2015). Monitoring earnings management in emerging markets: IFRS adoption and ownership structure. *Journal of Economic and Administrative Sciences*, 31(2), 86-108.
- Hlel, K; Kahloul, I; & Bouzgarrou, H. (2020). IFRS adoption, corporate governance and management earnings forecasts. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 18(2), 325-342.
- Holthoff, G; Hoos, F; & Weissenberger, B. E. (2015). Are we lost in translation? The impact of using translated IFRS on decision-making. *Accounting in Europe*, 12(1), 107-125.
- Hope, O. K; Jin, J; & Kang, T. (2006). Empirical evidence on jurisdictions that adopt IFRS. *Journal of international accounting research*, 5(2), 1-20.
- Horton, J; Serafeim, G; & Serafeim, I. (2013). Does mandatory IFRS adoption improve the information environment? *Contemporary accounting research*, 30(1), 388-423.
- Houqe, M. N; Monem, R. M; & van Zijl, T. (2016). The economic consequences of IFRS adoption: Evidence from New Zealand. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 27, 40-48.
- Hsieh, H. F; & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Hu, J; Li, S; Taboada, A. G; & Zhang, F. (2020). Corporate board reforms around the world and stock price crash risk. *Journal of Corporate Finance*, 62, 1-27.
- Hung, M; & Subramanyam, K. R. (2007). Financial statement effects of adopting international accounting standards: the case of Germany. *Review of accounting studies*, 12, 623-657.
- Hunt, M. (1997). *How science takes stock: The story of meta-analysis*. Russell Sage Foundation.
- Hussein, A; & Nounou, G. (2022). The impact of internet financial reporting on Egyptian company's performance. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 20(5), 841-865.
- IFRS Performance Reporting. Available on: www.ifrs.org/about-us/who-we-are/ (accessed 30 June 2015).
- Jansson, A; Jönsson, M; & von Koch, C. (2012). Has the introduction of IFRS improved accounting quality? A comparative study of five countries. In *35th Annual Congress of the European Accounting Association, Ljubljana, May 9-11, 2012*.

- Johansson, S. E; Hjelström, T; & Hellman, N. (2016). Accounting for goodwill under IFRS: A critical analysis. *Journal of international accounting, auditing and taxation*, 27, 13-25.
- Judge, W; Li, S; & Pinsker, R. (2010). National adoption of international accounting standards: An institutional perspective. *Corporate Governance: An International Review*, 18(3), 161-174.
- Kashanipour, M; Mehrabanpour, M. R; Sarlak, N; & Pourmoussi, A. A. (2021). Investigating the necessity of accepting and applying international financial reporting standards for small and medium economic units in Iran. *Experimental Accounting Research*, 11(3), 113-138. (In Persian).
- Kateb, I; & Belgacem, I. (2023). Navigating governance and accounting reforms in Saudi Arabia's emerging market: impact of audit quality, board characteristics, and IFRS adoption on financial performance. *International Journal of Disclosure and Governance*, 21,1-23.
- Khurana, I. K; & Michas, P. N. (2011). Mandatory IFRS adoption and the US home bias. *Accounting Horizons*, 25(4), 729-753.
- Kim, J. B; & Shi, H. (2012). Voluntary IFRS adoption, analyst coverage, and information quality: International evidence. *Journal of International Accounting Research*, 11(1), 45-76.
- Kim, O. (2013). Russian accounting system: Value relevance of reported information and the IFRS adoption perspective. *The International Journal of Accounting*, 48(4), 525-547.
- Kimeli, E. K. (2017). IFRS adoption and capital markets. *Journal of Finance and Accounting*, 5(1), 19-30
- Klibi, M. F; & Kossentini, A. (2014). Does the adoption of IFRS promote emerging stock markets development? Evidence from MENA countries. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 10(3), 279-298.
- Kuhn, T. S. (1962). The structure of scientific revolutions. *The UN of Chicago Press*, 2, 90.
- Lambertides, N; & Mazouz, K. (2013). Stock price volatility and informational efficiency following the mandatory adoption of IFRS in Europe. *Journal of Applied Accounting Research*, 14(1), 4-17.
- Landsman, W. R; Maydew, E. L; & Thornock, J. R. (2012). The information content of annual earnings announcements and mandatory adoption of IFRS. *Journal of accounting and economics*, 53(1-2), 34-54.
- Lasmin, R. (2011). An institutional perspective on international financial reporting standards adoption in developing countries. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 15(2), 61-71.
- Ledoux, M. J; & Cormier, D. (2013). Market assessment of intangibles and voluntary disclosure about innovation: the incidence of IFRS. *Review of Accounting and Finance*, 12(3), 286-304.
- Lee, J. (2001). *A grounded theory: integration and internalization in ERP adoption and use*. The University of Nebraska-Lincoln.

- Leuz, C. (2003). IAS versus US GAAP: information asymmetry-based evidence from Germany's new market. *Journal of accounting research*, 41(3), 445-472.
- Leuz, C; & Verrecchia, R. E. (2000). The economic consequences of increased disclosure. *Journal of accounting research*, 38, 91-124.
- Liu, G; & Sun, J. (2015). Did the mandatory adoption of IFRS affect the earnings quality of Canadian firms? *Accounting Perspectives*, 14(3), 250-275.
- Louis, H; & Urcan, O. (2014). The effect of IFRS on cross-border acquisitions. Available at SSRN 2164995.
- Loureiro, G; & Taboada, A. G. (2012). The impact of IFRS adoption on stock price informativeness. *SSRN Electronic Journal*.
- Malaquias, R. F; Cardoso, A. M; & Martins, G. A. (2016). IFRS and stock returns: An empirical analysis in Brazil. *Binus Business Review*, 7(2), 179-184.
- Manyara, S. M; & Benuto, L. (2014). Adoption of international financial reporting standards improves access to equity capital in Australia. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 18(2), 51.
- Márquez-Ramos, L. (2011). European accounting harmonization: Consequences of IFRS adoption on trade in goods and foreign direct investments. *Emerging markets finance and trade*, 47(sup4), 42-57.
- Mohammadrezaei, F; Mohd-Saleh, N; & Banimahd, B. (2015). The effects of mandatory IFRS adoption: A review of evidence based on accounting standard setting criteria. *International Journal of Disclosure and Governance*, 12(1), 29-77.
- Mohsin, M; Nurunnabi, M; Zhang, J; Sun, H; Iqbal, N; Iram, R; & Abbas, Q. (2021). The evaluation of efficiency and value addition of IFRS endorsement towards earnings timeliness disclosure. *International Journal of Finance & Economics*, 26(2), 1793-1807.
- Morris, R. D; Gray, S. J; Pickering, J; & Aisbitt, S. (2014). Preparers' perceptions of the costs and benefits of IFRS: Evidence from Australia's implementation experience. *Accounting Horizons*, 28(1), 143-173.
- Moscariello, N; Skerratt, L; & Pizzo, M. (2014). Mandatory IFRS adoption and the cost of debt in Italy and UK. *Accounting and Business Research*, 44(1), 63-82.
- Mousavi Motahar, S. S; Rahmani, A; & Amiri, H. (2022). The effect of applying international financial reporting standards on the financial performance criteria of companies in Iran. *Financial management perspective*, 12(40), 69-96. (In Persian).
- Naranjo, P; Saavedra, D; & Verdi, R. S. (2014). Financial reporting regulation and financing decisions. Social Sciences Research Network. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 37 (4), 727-750.
- Neel, M. (2017). Accounting comparability and economic outcomes of mandatory IFRS adoption. *Contemporary Accounting Research*, 34(1), 658-690.
- Negi, P; Raja Srivastava, R; & Bhasin, S. (2014). The Impact of IFRS Adoption on Stock Market Volatility. *IUP Journal of Applied Finance*, 20(4), 58-68.
- Neuendorf, K. A. (2002). *The content analysis guidebook*. Sage.

- Nulla, Y. M. (2014). Does IFRS adoption influence quality of reporting?: An empirical evidence from large Canadian banks. *International Journal of Accounting and Taxation*, 2(2), 85-109.
- Nurunnabi, M. (2021). Implementation of international financial reporting standards (IFRS) in developing countries. In *International Financial Reporting Standards Implementation: A Global Experience*, 11-76. Emerald Publishing Limited.
- Okafor, O. N; Anderson, M; & Warsame, H. (2016). IFRS and value relevance: evidence based on Canadian adoption. *International Journal of Managerial Finance*, 12(2), 136-160.
- Okoye, P. V; Okoye, J. F; & Ezejiolor, R. A. (2014). Impact of the IFRS adoption on stock market movement in Nigerian corporate organization. *International journal of academic Research in business and social sciences*, 4(9), 202.
- Opore, S; Houque, M. N; & Van Zijl, T. (2021). Meta-analysis of the impact of adoption of IFRS on financial reporting comparability, market liquidity, and cost of capital. *Abacus*, 57(3), 502-556.
- Ortega, X. (2017). A review of IFRS and US GAAP convergence history and relevant studies. *International business research*, 10(9), 31-38.
- Owusu, G; Yaw, M; Saat, N. A. M; Suppiah, S. D; & Hook, L. S. (2017). Do accounting Standards matter for foreign direct investment in developing countries? *International Journal of Economics & Management*, 11 (S3), 891 – 915.
- Paglietti, P. (2009). Investigating the effects of the EU mandatory adoption of IFRS on accounting quality: Evidence from Italy. *International Journal of Business and Management*, 4(12), 3-18.
- Patton, M. (2002). *Qualitative evaluation and research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Patro, A; & Gupta, V. K. (2016). Impact of international financial reporting standards on stock price synchronicity for Asian markets. *Contemporary Management Research*, 12(1), 61-88.
- Peña, H. F. P; & Franco, J. B. (2017). Impact of IFRS on the quality of financial information in the United Kingdom and France: Evidence from a new perspective. *Intangible Capital*, 13(4), 850-878.
- Penman, S. H. (2007). Financial reporting quality: is fair value a plus or a minus? *Accounting and business research*, 37(1), 33-44.
- Polizzi, S; & Scannella, E. (2020). An empirical investigation into market risk disclosure: is there room to improve for Italian banks? *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 28(3), 465-483.
- Rehman, I. U; & Shahzad, F. (2014). The economic consequences of mandatory IFRS reporting: Emerging market perspective. *Engineering economics*, 25(4), 401-409.
- Renders, A; & Gaeremynck, A. (2007). The impact of legal and voluntary investor protection on the early adoption of International Financial Reporting Standards (IFRS). *De Economist*, 155(1), 49-72.

- Riahi, O; & Khoufi, W. (2015). The role of the economic and behavioral circumstances in the IAS/IFRS's adoption (the case of developing countries). *International Journal of Accounting and Economics Studies*, 3(1), 69-77.
- Rosmianingrum, D. A; Mohammed, N. F; Bujang, I; & Leo, L. (2023). IFRS adoption, stock price synchronicity and firm-specific information in Indonesia stock market. *Cogent Business & Management*, 10(1), 2170520.
- Rousseau, D. M; Manning, J; & Denyer, D. (2008). 11 Evidence in management and organizational science: assembling the field's full weight of scientific knowledge through syntheses. *The academy of management annals*, 2(1), 475-515.
- Sandelowski, M; & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer publishing company.
- Sanyaolu, O. A; Iyoha, F. O; & Ojeka, S. A. (2017). International financial reporting standards adoption and earnings of quoted banks in Nigeria. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 7(1), 279-284.
- Saravanan R; & Firoz, M. (2022). The impact of IFRS convergence on market liquidity: evidence from India. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 1(1), 1-24.
- Sengupta, P. (1998). Corporate disclosure quality and the cost of debt. *Accounting review*, 73(4), 459-474.
- Shan, Y. G; & Troshani, I. (2016). The effect of mandatory XBRL and IFRS adoption on audit fees: Evidence from the Shanghai Stock Exchange. *International Journal of Managerial Finance*, 12(2), 109-135.
- Shima, K. M; & Yang, D. C. (2012). Factors affecting the adoption of IFRS. *International journal of business*, 17(3), 276.
- Simpson, J. (2008). Financial integration in the GCC stock markets: Evidence from the early 2000s development phase. *Journal of Economic Cooperation*, 29(1), 1-28.
- Sloan, R. G. (2001). Financial accounting and corporate governance: a discussion. *Journal of accounting and economics*, 32(1-3), 335-347.
- Soleimani-Amiri, G. R; & Rasouli, N. (2017). The views of people active in the accounting profession regarding the adoption and application of international financial reporting standards in Iran. *Experimental Accounting Research*, 24(6), 1-24. (In Persian).
- Stainbank, L. J. (2014). Factors influencing the adoption of international financial reporting standards by African countries. *South African Journal of Accounting Research*, 28(1), 79-95.
- Tranfield, D; Denyer, D; & Smart, P. (2003). Towards a methodology for developing evidence-informed management knowledge by means of systematic review. *British journal of management*, 14(3), 207-222.
- Trombetta, M. (2001). The regulation of public disclosure: An introductory analysis with application to International Accounting Standards. In *Contemporary issues in accounting regulation* (119-134). Boston, MA: Springer US.

- Tyrrall, D; & Aggestam, C. (2011). International Financial Reporting Standards: Expanding standards, expanding geographically, expanding literature. *Accounting Education*, 20(4), 441-456.
- Weick, K. E. (1989). Theory construction as disciplined imagination. *Academy of management review*, 14(4), 516-531.
- Yamani, A; Hussainey, K; & Albitar, K. (2021). The impact of financial instruments disclosures on the cost of equity capital. *International Journal of Accounting & Information Management*, 29(4), 528-551.
- Yip, R. W; & Young, D. (2012). Does mandatory IFRS adoption improve information comparability? *The Accounting Review*, 87(5), 1767-1789.
- Yousefinejad, M; Ahmad, A; Salleh, F; & Rahim, R. A. (2018). Causal Relationship between International Financial Reporting Standard (IFRS) and Foreign Direct Investment (FDI): A Panel Data Analysis of ASEAN Countries. *Asian Journal of Accounting & Governance*, 10, 61-72.
- Zhu, W. (2014). The evolving economic role of accounting standards: Evidence from bilateral cross-border M&A flows. *Frontiers of Business Research in China*, 8(4), 435-479.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

واکنش بازار به رفتار نامتقارن هزینه: مطالعه اثر انتظارات رشد بلندمدت^۱

فرشاد سبزی پور^۲، غریبه اسماعیلی کیا^۳، مهرا ن احمدی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

مقاله پژوهشی

چکیده

انتظارات رشد بلندمدت به فعالیت مورد انتظار و سودآوری یک شرکت اشاره دارد. این انتظارات بر تصمیم‌گیری مدیران درباره تغییر منابع و در نتیجه رفتار هزینه‌ها تأثیر دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی واکنش بازار سرمایه به رفتار نامتقارن هزینه با توجه به انتظارات رشد بلندمدت است. نمونه پژوهش شامل ۱۵۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ است. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیون چندگانه استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد در شرکت‌های با انتظارات رشد بلندمدت بالا نسبت به شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین، درجه رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی هزینه بیشتر است. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که بازار سرمایه به چسبندگی هزینه غیرمنتظره، واکنش منفی نشان می‌دهد و واکنش منفی سرمایه‌گذاران به چسبندگی هزینه غیرمنتظره در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا کمتر از شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین است. انگیزه‌های اقتصادی مدیران یکی از محرک‌های اصلی رفتار نامتقارن هزینه است. شرکت‌هایی که انتظارات بالاتری درباره رشد آتی دارند، با افزایش سرمایه‌گذاری، ریسک ظرفیت بلا استفاده را کاهش می‌دهند. افزایش چسبندگی هزینه غیرمنتظره با تغییر در باورهای سرمایه‌گذاران، واکنش بازار سرمایه را به دنبال دارد. پژوهش حاضر با فراهم کردن شواهدی درباره واکنش بازار سرمایه به رفتار نامتقارن هزینه، و همچنین، ایجاد ارتباط بین رفتار هزینه‌ها به عنوان یکی از حوزه‌های مهم حسابداری مدیریت با رفتار سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ادبیات این دو حوزه را غنی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: رفتار نامتقارن هزینه، انتظارات رشد بلندمدت، واکنش بازار سرمایه، چسبندگی هزینه غیرمنتظره.

طبقه‌بندی موضوعی: M31, M41.

10.22051/JERA.2024.45829.3190.doi .۱

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام است.

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (نویسنده مسئول). (f.sabzalipour@ilam.ac.ir).

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (Gh.esmailikia@ilam.ac.ir).

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری مدیریت، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (ahmadimehran322@gmail.com).

مقدمه

مطابق مدل سنتی هزینه در حسابداری مدیریت، هزینه‌های متغیر با هزینه‌های ثابت تفاوت دارند، بدین معنی که با تغییر در سطح فعالیت، هزینه‌های متغیر به طور متناسب تغییر می‌کنند و هزینه‌های ثابت بدون تغییر باقی می‌مانند (اندرسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۳). بنابراین، طبق مدل سنتی هزینه، اگر هزینه‌های متغیر به ازای ۱ درصد افزایش در سطح فعالیت، معادل ۰٫۵ درصد افزایش پیدا کنند، به ازای ۱ درصد کاهش در سطح فعالیت، باید معادل ۰٫۵ درصد کاهش یابند. با این وجود، مطالعات تجربی نظیر اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) و بالاکریشان^۲ و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد که میزان افزایش در هزینه‌ها به دلیل افزایش در سطح فعالیت، بیشتر از کاهش هزینه‌ها به دلیل کاهش در سطح فعالیت است. به این رفتار نامتقارن هزینه، "چسبندگی هزینه" گفته می‌شود (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳). ادبیات موجود حاکی از آن است که رفتار نامتقارن هزینه از محرک‌های ارزش محور و محرک‌های غیر ارزش محور، مانند انگیزه‌های نمایندگی و رفتاری نشأت می‌گیرد (بنکر^۳ و همکاران، ۲۰۱۴؛ چن^۴ و همکاران، ۲۰۱۲). با این وجود، مطالعات موجود این موضوع را بررسی نکرده‌اند که اگر سرمایه‌گذاران بر این باور باشند که رفتار نامتقارن هزینه ناشی از یک محرک خاص است تا دیگر محرک‌ها، آیا بازار سرمایه واکنش متفاوتی نشان می‌دهد؟. این مطالعه قصد دارد به پر کردن این شکاف کمک کند.

رفتار نامتقارن هزینه به عنوان یک امر مدیریتی درون سازمانی و مبتنی بر استراتژی‌های مدیریت است و واکنش بازار سرمایه موضوعی خارج از اراده مدیریت تلقی می‌شود، با این وجود، شواهد تجربی حاکی از آن است که فعالان بازار سرمایه به ویژه تحلیلگران و سرمایه‌گذاران در تصمیمات خود رفتار هزینه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند. در این راستا، مطالعات مختلف به بررسی ارتباط بین رفتار نامتقارن هزینه با رفتار تحلیلگران و سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، ویس^۵ (۲۰۱۰) با این استدلال که چسبندگی هزینه در شکل‌گیری باورهای سرمایه‌گذاران در مورد ارزش شرکت تاثیر دارد، نشان دادند ساختارهای هزینه چسبنده‌تر، دقت پیش‌بینی سود تحلیلگران را کاهش می‌دهد. سیلجی و ورممن^۶

1. Anderson
2. Balakrishnan
3. Banker
4. Chen
5. Weiss
6. Silge & Wöhrmann

(۲۰۱۹) با ارائه شواهدی مبنی بر این که رفتار سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه نسبت به چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌هایی با انتظارات رشد بلندمدت بالا و پایین متفاوت است، مدعی هستند که سرمایه‌گذاران، چسبندگی هزینه را درک کرده و در تصمیمات خود مورد توجه قرار می‌دهند. اندرسون و همکاران (۲۰۰۷) نیز دریافتند که چسبندگی هزینه از طریق تأثیر بر سود، پیش‌بینی سود تحلیلگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این موضوع می‌تواند به بازده غیرعادی مثبت منجر شود. سیفتچی و همکاران^۱ (۲۰۱۶) دریافتند که افزایش آگاهی تحلیلگران از چسبندگی هزینه، کیفیت پیش‌بینی‌های تحلیلگران مالی را بهبود می‌بخشد. بنکر و همکاران (۲۰۱۴) با این استدلال که رفتار نامتقارن هزینه‌ها نه تنها بر پیش‌بینی سود، بلکه بر بازار سهام و اقتصاد کلان نیز تأثیر دارد نشان دادند که رفتار نامتقارن هزینه به بر افزایش بازده بلندمدت تأثیر دارد. یافته‌های السدی و همکاران (۱۴۰۱) و رضازاده و همکاران (۱۴۰۰) نیز حاکی از تأثیر منفی چسبندگی هزینه بر ارزش شرکت است. خوشکار و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که چسبندگی هزینه بر کیفیت افشاء اطلاعات مالی تأثیر منفی دارد. لی و سان^۲ (۲۰۲۳) با این ادعا که چسبندگی هزینه بیشتر منجر به افزایش نوسانات سود و کاهش دقت پیش‌بینی تحلیلگران می‌شود و در نتیجه بر قضاوتها و تصمیمات سرمایه‌گذاران و فرآیند ارزش‌گذاری اطلاعات بازار سرمایه تأثیر دارد، دریافتند که چسبندگی هزینه کمتر، توانایی بازده فعلی جهت انعکاس سودهای آتی را بهبود می‌بخشد. آگراوال^۳ (۲۰۲۰) نشان داد که چسبندگی هزینه با کاهش کیفیت اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران منجر به تأخیر در تعدیل قیمت سهام می‌شود. وی استدلال می‌کند که چسبندگی هزینه به طور مستقیم و از طریق کاهش توانایی سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی سودهای آتی و نیز به طور غیرمستقیم از طریق کاهش پیروی از تحلیلگران شرکت منجر به تأخیر در تعدیل قیمت سهام می‌شود. شواهد فوق نشان می‌دهد که این دیدگاه که چسبندگی هزینه بر رفتار تحلیلگران و بازار سرمایه تأثیر دارد، در بسیاری از پژوهش‌های تجربی مورد مطالعه قرار گرفته است (بالاکریشنان و همکاران، ۲۰۰۴؛ بانکر و چن^۴، ۲۰۰۶؛ ویس، ۲۰۱۰). تحلیلگران تأثیر زیادی بر تصمیم‌گیری سایر فعالان بازار سرمایه دارند (دریسکل^۵

1. Ciftci

2. Li & Sun

3. Agarwal

4. Banker & Chen

5. Driskill

و همکاران، ۲۰۲۰). آنان نقش کلیدی در پردازش اطلاعات رفتار هزینه‌ها و انتقال آن به سرمایه گذاران دارند و با انتشار پیش بینی‌های خود به شکل‌گیری ایده‌های دقیق‌تر سرمایه‌گذاران در مورد تأثیر سودهای جاری بر عملکرد آتی شرکت کمک می‌کنند و از این طریق به افزایش محتوای اطلاعاتی قیمت سهام (هوانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۶)، بهبود کارایی اطلاعاتی بازار سرمایه (لوه و استولز^۲، ۲۰۱۸) و کارایی تخصیص بازار سرمایه (کال^۳ و همکاران، ۲۰۱۹) کمک می‌کنند. در مجموع اگر چه شواهد موجود حاکی از تأثیر و نقش رفتار هزینه‌ها در پیش‌بینی سود و در نتیجه واکنش سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه است، در مورد این که آیا سرمایه‌گذاران اطلاعات مربوط به رفتار هزینه را درک می‌کنند و از کدام مدل هزینه برای پیش‌بینی سود استفاده می‌کنند، همچنان دانش محدودی وجود دارد و در این زمینه نیاز به انجام مطالعات بیشتر است.

فرصت‌های رشد و نوسانات در تقاضا بر شکل‌گیری ترکیب منابع تولید و در نتیجه رفتار هزینه‌ها تأثیر دارد. استدلال‌های ارائه شده در ادبیات پژوهش حاکی از آن است که در شرکت‌های با انتظارات رشد بلندمدت بالا در مقایسه با شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین، واکنش بازار سرمایه به رفتار نامتقارن هزینه، متفاوت است. انتظارات رشد بلندمدت به فعالیت مورد انتظار و سودآوری یک کسب و کار اشاره دارد، به این معنی است که در صورت وجود انتظارات رشد بلندمدت بالا، فروش، سود، سرمایه‌گذاری و استقراض شرکت افزایش می‌یابد (دیکینسون^۴، ۲۰۱۱). در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا، احتمال افزایش مجدد فروش بعد از دوره‌ی کاهش فروش، بیشتر است. از این رو، انتظار می‌رود این شرکت‌ها دارای درجه بالاتری از رفتار نامتقارن هزینه باشند. همچنین، فارغ از انتظارات رشد بلندمدت، می‌توان ادعا کرد که بازار سرمایه به رفتار نامتقارن هزینه غیرمنتظره واکنش منفی نشان می‌دهد. استدلال‌های ارائه شده در این خصوص بیان می‌کند که سرمایه‌گذاران رفتار نامتقارن هزینه را به‌عنوان سیگنالی از وجود انگیزه‌های نمایندگی یا هزینه‌های تعدیل غیرمنتظره بالا تلقی می‌کنند که این موضوع منجر به ارزش واقعی پایین‌تر شرکت می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین، اگر یک شرکت دارای فرصت‌های رشد بلندمدت پائین‌تری باشد، واکنش

1. Huang
2. Loh & Stulz
3. Call
4. Dickinson

منفی بازار سرمایه به رفتار نامتقارن هزینه غیرمنتظره بیشتر خواهد بود. این پیش‌بینی ناشی از این موضوع است که احتمال این که رفتار نامتقارن هزینه در این شرکت‌ها به‌جای دلایل اقتصادی ناشی از دلایل نمایندگی باشد، بیشتر است. از سوی دیگر، انتظارات رشد بلندمدت به‌عنوان یک محرک اصلی برای رفتار نامتقارن هزینه غیرمنتظره حائز اهمیت است. برای مثال، مدیریت در دوره‌های که با کاهش تقاضا روبرو است با حساسیت بیشتری نسبت به حفظ منابع واکنش نشان می‌دهد، این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که انتظارات رشد بلندمدت پایین باشد، در نتیجه منابع کم‌تری را حفظ می‌کند. در حالی که رفتار نامتقارن غیرمنتظره هزینه‌ها در شرکت‌هایی با انتظارات رشد بلندمدت بالا بیشتر با برنامه‌ریزی منابع منطقی توضیح داده می‌شود، رفتار نامتقارن هزینه در شرکت‌هایی که انتظارات رشد بلندمدت پایینی دارند بیشتر به دلیل مشکلات نمایندگی ایجاد شده توسط مدیران برای شرکت قابل توجیه هستند (سیلجی و ورمن، ۲۰۲۱).

با استناد به استدلال‌ها و شواهد تجربی ارائه شده در فوق، پژوهش حاضر به این موضوع می‌پردازد که آیا رفتار نامتقارن هزینه به انتظارات رشد بلندمدت بستگی دارد؟ و این که آیا ارزیابی سرمایه‌گذاران از رفتار نامتقارن هزینه و در نتیجه واکنش بازار در شرکت‌های با انتظارات رشد بلندمدت بالا نسبت به شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین متفاوت است؟ پژوهش حاضر از چند جنبه دارای نوآوری است و به توسعه ادبیات موجود در مورد رفتار نامتقارن هزینه کمک می‌کند. نخست، اگر چه در پژوهش‌های داخلی و خارجی مطالعات زیادی در حوزه رفتار نامتقارن هزینه انجام شده است، لیکن، این مطالعات عمدتاً بر عوامل تعیین‌کننده و تاثیرگذار بر رفتار نامتقارن هزینه تمرکز کرده‌اند و پیامدهای رفتار نامتقارن هزینه به ویژه واکنش بازار سرمایه به این موضوع به طور گسترده مورد توجه قرار نگرفته است. در این راستا و در حوزه پژوهش‌های خارجی، یافته‌های پژوهش ابراهیم^۱ و همکاران (۲۰۲۲) حاکی از تأیید این ادعاست. آنان در یک پژوهش مروری با رویکرد فراتحلیل نشان دادند تنها ۱۱ مطالعه (۱۴٪) از نمونه پژوهش‌های بررسی شده به پیامدها و اثرات رفتار نامتقارن هزینه در سطح شرکت و سطح بازار پرداخته‌اند. همچنین، در مطالعات انجام شده در داخل کشور که به موضوع پیامدها و اثرات رفتار نامتقارن هزینه پرداخته‌اند، واکنش مستقیم بازار سرمایه به رفتار نامتقارن هزینه مورد مطالعه قرار نگرفته است، بلکه تاثیر رفتار نامتقارن هزینه بر مواردی نظیر ارزش شرکت

(رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰؛ الاسدی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ هموارسازی سود (فرجی و مصطفی پور، ۱۳۹۹)؛ ریسک شرکت (نقش‌بندی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ ریسک سقوط قیمت سهام (مومنی و محمدی، ۱۴۰۰)؛ تأخیر گزارش حسابرس (علی‌اکبری، ۱۴۰۱)؛ کیفیت افشاء (خوشکار و همکاران، ۱۴۰۰)؛ حق‌الزحمه حسابرسی (بداعی و عرفانیان، ۱۴۰۰)؛ چسبندگی سود تقسیمی (سجادی و بنایی‌قدیم، ۱۴۰۲)، مورد مطالعه قرار گرفته است. بنابراین، در این حوزه شکاف تجربی وجود دارد. دوم، اگر چه در مدل‌های بکار رفته در مطالعات قبلی، با این فرض که رفتار نامتقارن هزینه یک پدیده کوتاه‌مدت است و ناشی از تصمیمات کوتاه‌مدت مدیران درباره تعدیل منابع است، اثر انتظارات کوتاه‌مدت مدیران در مورد فروش آتی بر رفتار نامتقارن هزینه مورد توجه قرار گرفته است، لیکن، اثر انتظارات و چشم‌انداز رشد بلندمدت شرکت‌ها به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی رفتار نامتقارن هزینه غیرمنتظره مورد مطالعه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر با مطالعه اثر انتظارات رشد بلندمدت و لحاظ کردن آن در مدل‌های رفتار نامتقارن هزینه، ادبیات نظری و تجربی این حوزه را توسعه می‌دهد. از دیدگاه کاربردی نیز از آنجایی که درک رفتار هزینه‌ها برای پیش‌بینی سود حائز اهمیت است و سرمایه‌گذاران و تحلیلگران به موضوع پیش‌بینی سود علاقه‌مند هستند، از این رو، ارائه شواهد تجربی در خصوص واکنش بازار سرمایه به رفتار هزینه‌ها برای فعالان بازار به ویژه سرمایه‌گذاران و تحلیلگران حائز اهمیت است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مرور ادبیات پژوهش حاکی از آن است که استدلال‌های ارائه شده در بیشتر مطالعات رفتار نامتقارن هزینه بر نظریه‌های تعدیل منابع، انتظارات مدیریت و نظریه نمایندگی استوار است (هارتلیب^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). مطابق تئوری تعدیل منابع، بسیاری از هزینه‌ها از تصمیمات آگاهانه مدیران درباره منابع تعهد شده ناشی می‌شود. پس از ایجاد تعهد، کاهش منابع منجر به تحمل هزینه‌های تعدیل خواهد شد. هزینه‌های تعدیل به عنوان فدا کردن منافع اقتصادی، اجتماعی، قراردادی یا هزینه‌های روانی تعریف می‌شود که در طول فرآیند تعدیل منابع پدیدار می‌شوند (ونیریس^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). زمانی که تقاضا کاهش می‌یابد، مدیران منابع مازاد را

1. Hartlieb

2. Venieris

حفظ می‌کنند، چرا که فداکردن آن منابع هزینه‌های قراردادی الزامی، مانند پرداخت‌های انفصال از خدمت را به همراه خواهد داشت. بنابراین، به دلیل هزینه‌های تعدیل بالا، مدیران در زمان کاهش سطح فعالیت نسبت به افزایش فعالیت، هزینه‌ها را به میزان کمتری کاهش (افزایش) می‌دهند که این موضوع منجر به رفتار نامتقارن هزینه می‌شود.

تئوری انتظارات مدیریت بیان می‌کند که هنگامی که مدیران نسبت به تقاضای آتی خوشبین (بدبین) هستند، در صورت کاهش تقاضا، منابع اضافی و بلا استفاده را حفظ می‌کنند (کاهش می‌دهند) (بانکر و همکاران، ۲۰۱۶). اگر هزینه تعدیل منابع بالا باشد و مدیر انتظار افزایش فروش در آینده را داشته باشد، واگذاری منابع بلا استفاده غیر عقلایی و پرهزینه خواهد بود. مطابق نظریه سوم، یعنی تئوری نمایندگی، مدیران به منظور رشد شرکت فراتر از اندازه بهینه آن، با حفظ منابع بلا استفاده به ساخت امپراتوری مورد نظر خود کمک می‌کنند (چن و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین، مدیران در راستای حداکثر رساندن مطلوبیت شخصی از کاهش منابع اجتناب می‌کنند. از این رو، مدیران برای افزایش سریع تر منابع در هنگام افزایش تقاضا دارای انگیزه هستند، اما آنها تمایلی به کاهش منابع در صورت کاهش تقاضا ندارند. بنابراین، تصمیمات مدیران برای حفظ منابع استفاده نشده به دلیل انگیزه‌های شخصی است تا دلایل اقتصادی و این اقدامات مدیران باعث رفتار نامتقارن هزینه‌ها می‌شود (هارتلیب و همکاران، ۲۰۲۰).

مطالعات تجربی در مورد وجود رفتار نامتقارن هزینه با کار اصلی اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) آغاز شد. پس از کار برجسته اندرسون و همکاران (۲۰۰۳)، مطالعات تجربی رو به رشدی در کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳؛ کاما و ویس^۱، ۲۰۱۳؛ شاست و ویس^۲، ۲۰۱۴)، کانادا (بالاکریشنن و گروکا^۳، ۲۰۰۸، چین (چئونگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۸)، و بلژیک، فرانسه، آلمان، بریتانیا و سایر کشورهای اروپایی (کالجا^۵ و همکاران، ۲۰۰۶؛ دیرینک^۶ و همکاران، ۲۰۱۲) انجام شد. مطالعاتی که در این حوزه انجام شده است به سه تا سوال پژوهشی شامل وجود رفتار نامتقارن هزینه، عوامل تعیین کننده و پیامدهای رفتار نامتقارن هزینه پرداخته‌اند که در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

1. Kama & Weiss
2. Shust & Weiss
3. Balakrishnan & Gruca
4. Cheung
5. Calleja
6. Dierynck

جدول ۱. پیشنهاد مطالعات خارجی

موضوع مورد بررسی	نمونه مطالعات تجربی
وجود رفتار نامتقارن هزینه	اندرسون و همکاران (۲۰۰۳)؛ اندرسون و همکاران (۲۰۰۷)؛ بالا کریشنان و گروکا (۲۰۰۸)؛ شاست و ویس (۲۰۱۴)؛ ویا و پرگو ^۱ (۲۰۱۴)؛ چئونگ و همکاران (۲۰۱۸).
عوامل تعیین کننده رفتار نامتقارن هزینه	حاکمیت شرکتی و مکانیزم های کنترل مدیریت (کالجا و همکاران، ۲۰۰۶؛ چن و همکاران، ۲۰۱۲؛ هوگلووند و سوندویک ^۲ ، ۲۰۱۹)؛ ساختار مالکیت (چانگ ^۳ و همکاران، ۲۰۱۹)؛ عوامل اجتماعی، سازمانی، سرمایه فکری، مسئولیت اجتماعی و فعالیت های پایداری (ونیریس و همکاران، ۲۰۱۵؛ یانگ ^۴ ، ۲۰۱۹)؛ فرهنگ (کیچینگ ^۵ و همکاران، ۲۰۱۶) رقابت و جهت گیری سهامداران (کاستا و حبیب ^۶ ، ۲۰۲۱)؛ عدم قطعیت و ریسک (لی و ژنگ ^۷ ، ۲۰۱۸)؛ اهداف سود، انگیزه های مدیریتی و انتظارات رشد (دیرینک و همکاران، ۲۰۱۲؛ کاما و ویس، ۲۰۱۳؛ سیلجی و ورمن، ۲۰۱۹)؛ اعتماد بیش از حد مدیریت (هارتلیب و همکاران، ۲۰۲۰)؛
پیامدهای رفتار نامتقارن هزینه	پیش بینی سود و بازده (بانکر و چن، ۲۰۰۶)؛ محافظه کاری (بانکر و همکاران، ۲۰۱۶)؛ واکنش بازار (ویس، ۲۰۱۰؛ سیلجی و ورمن، ۲۰۱۹)؛ سیاست تقسیم سود (هی، تیان، یانگ و زو ^۸ ، ۲۰۲۰)؛ ارزش سهامداران (لوپاتا ^۹ و همکاران، ۲۰۲۰)؛ ریسک سقوط قیمت سهام (تانگ ^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۰)؛ مدیریت سود (هان ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۹)، کارایی عملیاتی (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۷).

در حوزه پژوهش های داخلی نیز در مطالعات مختلفی به موضوع رفتار نامتقارن هزینه پرداخته شده است. این مطالعات عمدتاً در دو دسته شامل عوامل تعیین کننده (تاثیرگذار) بر رفتار نامتقارن هزینه و پیامدهای آن قرار می گیرند. نمونه ای از این مطالعات در جدول ۲ ارائه شده اند.

1. Via & Perego
2. Höglund & Sundvik
3. Chung
4. Yang
5. Kitching
6. Costa & Habib
7. Li & Zheng
8. He
9. Lopatta
10. Tang
11. Han

جدول ۲. پیشینه مطالعات داخلی

موضوع مورد بررسی	نمونه مطالعات تجربی
عوامل تعیین کننده رفتار نامتقارن هزینه	رقابت و توانایی مدیریت (حسینی و لعل‌بار، ۱۴۰۰)، بدهی‌های تجاری (پارسایی و سهرابی، ۱۴۰۱؛ خواجه‌جوی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ سرمایه اجتماعی (فلاح‌شمس و همکاران، ۱۳۹۹؛ مسلمی و جوادی‌نیا، ۱۴۰۰)؛ فرهنگ سازمانی (همه‌خانی و رویایی، ۱۴۰۱؛ کریم‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱)؛ ویژگی‌ها و رفتار مدیریت (نیک‌کار و همکاران، ۱۴۰۱؛ خواجه‌جوی و غیوری‌مقدم، ۱۴۰۰)؛ هزینه‌های تعدیل نیروی کار (ودیعی نوقانی و صالحی وزیری، ۱۴۰۱)؛ رقابت (کریم‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱)؛ مدیریت سود و سرمایه‌فکری (خوشکار و همکاران، ۱۴۰۰؛ بدیعی و همکاران، ۱۴۰۲)؛ سرمایه فکری (عسکری و مران‌جوری، ۱۳۹۷)؛ نیک‌بخت و پورباقریان، ۱۳۹۹)؛ هموارسازی سود و ساختار مالکیت (قدرتی‌زورام و همکاران، ۱۴۰۱)؛ فاکتورهای اقتصادی (اره‌کش سلماسی و قنبری، ۱۴۰۰)؛ ارتباطات سیاسی هیات مدیره (سامانیان و همکاران، ۱۴۰۰)؛ عدم اطمینان متغیرهای کلان اقتصادی (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰)
پیامدهای رفتار نامتقارن هزینه	ارزش شرکت (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰؛ الاسدی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ هموارسازی سود (فرجی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۹)؛ ریسک شرکت (نقش‌بندی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ ریسک سقوط قیمت سهام (مومنی و محمدی، ۱۴۰۰)؛ تأخیر گزارش حسابرس (علی‌اکبری، ۱۴۰۱)؛ کیفیت افشاء (خوشکار و همکاران، ۱۴۰۰)؛ حق‌الزحمه حسابرسی (بداعی و عرفانیان، ۱۴۰۰)؛ چسبندگی سود تقسیمی (سجادی و بنایی‌قدیم، ۱۴۰۲)

مرور ادبیات پژوهش به شرح جدول‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد که مطالعه تجربی رفتار نامتقارن هزینه در کشورهای مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. مرور مطالعات داخلی نشان می‌دهد که تمرکز بیشتر مطالعات بر بررسی عوامل تاثیرگذار بر رفتار نامتقارن هزینه بوده است. این جهتگیری پژوهشی می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. پژوهش درباره هر یک از پیامدهای اقتصادی رفتار نامتقارن هزینه نیازمند رویکردهای پژوهشی متفاوتی است. ناوم^۱ و همکاران (۲۰۲۳) نیز در یک پژوهش مروری به این موضوع اذعان کردند که در چنین مطالعاتی، تشخیص یک رویکرد اقتصادسنجی استاندارد دشوار است. این گونه مطالعات به یک ابزار پژوهشی جهت اندازه‌گیری شدت رفتار نامتقارن هزینه خاص شرکت نیاز دارد که خود نیازمند وجود داده‌های با حجم بالا و جزئیات بیشتری از هزینه‌های شرکت است که دسترسی به آنها از طریق پایگاه‌های داده موجود مشکل است. از سوی دیگر، به منظور درک عمیق این پدیده و چرایی وجود آن ضروری است مطالعات بیشتری با در نظر گرفتن مکانیزم‌های مختلف حاکمیت

شرکتی، قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت شرکت‌ها، عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، عوامل اقتصادی، رقابت بازار و غیره انجام شود.

تفاوت در انتظارات رشد بلندمدت بر هزینه‌های ظرفیت بلااستفاده و در نتیجه رفتار نامتقارن هزینه تأثیر دارد. اگر احتمال افزایش فروش، بالا (پائین) باشد، ریسک ظرفیت بیکار پائین (بالا) است. بسته به این که شرکت‌ها دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا یا پایین هستند، پیش‌بینی‌های متفاوتی برای سطح رفتار نامتقارن هزینه وجود دارد. شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد بلندمدت بالا، انتظار افزایش قابل توجه در فروش دارند (چرچیل و لوئیس^۱، ۱۹۸۳؛ میلر و فریسن^۲، ۱۹۸۴) و در نتیجه به انجام سرمایه‌گذاری‌های عمده ادامه می‌دهند (اسپنس^۳، ۱۹۷۹). این انتظارات باعث می‌شود تمایل مدیران نسبت به کاهش منابع در زمان کاهش فروش موقت کاهش یابد، چرا که آنها قصد دارند زمانی که فعالیت عموماً افزایش می‌یابد، از هزینه‌های تعدیل اجتناب کنند. در مقابل، شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد بلندمدت پایین، از بازارهای اشباع‌شده و کاهش نرخ رشد رنج می‌برند، که این موضوع به کاهش ارزش و قیمت‌ها منجر خواهد شد (میلر و فریسن، ۱۹۸۴؛ ورنرفلت^۴، ۱۹۸۵). از این رو، مدیران انتظارات بلندمدت و کوتاه‌مدت مثبت پائین‌تری دارند و با احتمال بیشتری اقدام به کاهش منابع خواهند کرد تا افزایش آن (دیکینسون، ۲۰۱۱). بنابراین، در صورت وجود سیگنال‌های کوتاه‌مدت کاهش فروش، مدیران شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین، تمایل بیشتری به کاهش منابع دارند. در مجموع، در شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد بلندمدت بالا نسبت به شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد پائین دلایل اقتصادی باعث رفتار نامتقارن هزینه از نوع چسبندگی بیشتر می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که اگرچه رفتار نامتقارن هزینه یک پدیده کوتاه‌مدت است، اما از آنجایی که انتظارات بلندمدت بر احتمال افزایش/کاهش فروش در دوره بعدی تأثیر دارد، حائز اهمیت است. سیگنال‌های رشد کوتاه‌مدت مانند تغییر فروش دوره قبل یا معیارهای کلان‌تر مانند افزایش تولید ناخالص داخلی ممکن است به خوش‌بینی مدیران منجر شود و مدیران را به حفظ منابع بلااستفاده و مازاد ترغیب کند (بانکر و همکاران، ۲۰۱۴). با این حال، انتظار می‌رود چشم‌اندازهای بلندمدت یک شرکت، در مقایسه با سیگنال‌های کوتاه‌مدت تأثیر بیشتری بر

1. Churchill & Lewis
2. Miller & Friesen
3. Spence
4. Wernerfelt

تصمیم‌گیری مدیران داشته باشد. به عنوان مثال، اگر یک شرکت بجای انتظارات رشد بلندمدت بالا، دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین باشد، کاهش ناگهانی فروش دوره قبل، اثر شدیدتری بر کاهش منابع خواهد داشت (سیلجی و ورمن، ۲۰۲۱).

در مورد توضیحات نمایندگی، مانند ساخت امپراتوری، مطالعات قبلی استدلال می‌کنند که مدیران در راستای حداکثرسازی مطلوبیت شخصی، از کاهش منابعی که رفتار نامتقارن هزینه‌ها را به دنبال دارد اجتناب می‌کنند (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳؛ چن و همکاران، ۲۰۱۲). از این رو، مدیران در خصوص افزایش سریع‌تر منابع در هنگام افزایش تقاضا دارای انگیزه هستند و در صورت کاهش تقاضا تمایلی به کاهش منابع ندارند. چن و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که چسبندگی هزینه با انگیزه‌های بیشتر برای ساخت امپراتوری افزایش می‌یابد. همچنین آنان نشان دادند که میزان توضیح رفتار نامتقارن هزینه‌ها توسط عوامل نمایندگی و اقتصادی در شرکت‌های دارای ثبات و تنوع کمتر در فروش و شرکت‌های دارای تغییر بالاتر در فروش، متفاوت است. اگر چه رفتار چسبنده هزینه برای شرکت‌های دسته اول کمتر است و عمدتاً ناشی از انگیزه‌های نمایندگی است، این نوع رفتار هزینه در شرکت‌های دارای تنوع بیشتر در فروش بیشتر است و عمدتاً ناشی از دلایل اقتصادی است. پارسایی و سهرابی (۱۴۰۱) مشکل نمایندگی ارتباط معکوس بین بدهی تجاری و چسبندگی هزینه شرکت‌ها را تقویت می‌کنند. السدی و همکاران (۱۴۰۱) نیز نشان دادند زمانی که هزینه تعدیل منابع زیاد باشد، تأثیر چسبندگی هزینه‌ها بر ارزش شرکت افزایش می‌یابد و مشکلات نمایندگی بر رابطه چسبندگی هزینه‌ها و ارزش شرکت تأثیرگذار نیست.

در مورد تاثیر عوامل رفتاری بر رفتار نامتقارن هزینه، چن و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که اعتماد بیش از حد مدیران بر تصمیمات شرکت تأثیر دارد. لذا، مدیران هم احتمال برگشت تقاضا در آینده و هم دقت ارزیابی خود را بیش از حد برآورد می‌کنند و برآورد بیش از حد مدیریت منجر به رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی بیشتر می‌شود. چهارم‌محالی و زاهدی (۱۳۹۶) دریافتند که معیارهای مختلف بیش اعتمادی مدیران بر چسبندگی هزینه‌ها تأثیر دارد. به دلیل عدم وجود شواهد کافی مبنی بر متفاوت بودن اعتماد بیش از حد مدیریتی در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین و شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا، فرضیه پژوهش براساس دلایل اقتصادی و نمایندگی تدوین می‌گردد، بدین معنی که انتظار می‌رود درجه رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی هزینه در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا، بیشتر باشد و فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا نسبت به شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین، درجه رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی هزینه بیشتری است.

یافته‌های پژوهش‌های قبلی حاکی از آن است که رفتار نامتقارن هزینه به دلایل مختلفی رخ می‌دهد. عنوان مثال، ساختن امپراتوری دلیلی است که اغلب برای امتناع مدیران از کاهش منابع نام برده می‌شود. مدیران سعی می‌کنند از تصمیم‌گیری‌های دشوار، تلاش‌های پرهزینه و اثرات منفی بالقوه بر وضعیت خود در ارتباط با کوچک‌سازی اجتناب کنند (اندرسون و همکاران ۲۰۰۳؛ برتراند و مولایناتان^۱، ۲۰۰۳). اهداف مدیران برای اجتناب از کوچک‌سازی منجر به ظرفیت مازاد و در نتیجه رفتار چسبنده هزینه می‌شود. نتایج سایر مطالعات حاکی از آن است که منافع شخصی مدیران، تصمیمات آنان در خصوص مدیریت هزینه‌ها (چن و همکاران، ۲۰۱۲) و دستیابی به اهداف سود را تحت تاثیر قرار می‌دهد (کاما و ویس، ۲۰۱۳). هر چقدر رفتار چسبندگی هزینه غیرمنتظره ناشی از عوامل نمایندگی باشد، واکنش بازار منفی‌تر خواهد بود، چرا که انگیزه‌های مدیران در راستای منافع سهامداران نیست. با این حال، بخشی از رفتار چسبندگی هزینه غیرمنتظره نیز ممکن است ریشه در دلایل اقتصادی داشته باشد. از منظر اقتصادی، مدیران هزینه‌های تعدیل منابع و هزینه‌های ظرفیت بلااستفاده را با در نظر گرفتن انتظارات سود موازنه می‌کند. رفتار نامتقارن غیرمنتظره هزینه از نوع چسبندگی حاکی از آن است که بخشی از هزینه‌های ظرفیت بیکار در دوره جاری بیشتر از حد انتظار است. اندرسون و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که به دلیل وجود سیگنال سودهای آتی بالاتر، چسبندگی غیرمنتظره هزینه منجر به واکنش مثبت سرمایه‌گذار می‌شود. هزینه‌های تعدیل غیرمنتظره بالا، دلیل دیگری رفتار چسبندگی غیرمنتظره است. اگر هزینه‌های تعدیل بیش از حد انتظار بازار باشد، واکنش منفی بازار رخ خواهد داد. اگر مدیران چسبندگی هزینه را جهت جلوگیری از هزینه‌های تعدیل بالاتر افزایش دهند و هزینه‌های کمتری را برای ظرفیت بیکار متحمل شوند، ارزش شرکت را کاهش می‌دهد (سیلجی و ورمن، ۲۰۲۱).

ویس (۲۰۱۰) نشان داد که درجه چسبندگی هزینه بر قابلیت پیش‌بینی سود و رفتار سرمایه‌گذار تأثیر دارد که این موضوع منجر به واکنش ضعیف‌تر بازار به شگفتی‌های سود برای شرکت‌هایی با هزینه‌های چسبنده‌تر می‌شود، لذا، رفتار هزینه‌ها به باورها و انتظارات

سرمایه‌گذاران در مورد ارزش شرکت بستگی دارد. سیفتچی و همکاران (۲۰۱۶) شواهدی از رابطه نامتقارن بین خطاهای پیش‌بینی فروش تحلیلگران و خطاهای پیش‌بینی سود ارائه کردند. آنان استدلال کردند که این اثر ناشی از ناتوانی تحلیلگران در گنجاندن کامل اطلاعات مربوط به رفتار چسبنده هزینه در پیش‌بینی سود آنها است. اسماعیل زاده و مهرنوش (۱۳۹۳) نشان دادند با افزایش چسبندگی هزینه‌ها، دقت پیش‌بینی سود کاهش می‌یابد. بنابراین، فعالان بازار در ابتدا رفتار چسبنده هزینه را به عنوان شواهدی از کنترل ضعیف هزینه تفسیر می‌کنند و واکنش منفی نشان می‌دهند. در مجموع، دلایل بیشتری در خصوص موضوع انتظار واکنش منفی در مقایسه با واکنش مثبت بازار سرمایه به این نوع رفتار غیرمنتظره هزینه وجود دارد. نخست، عوامل نمایندگی و درک ناقص رفتار چسبنده هزینه توسط بازار سرمایه منجر به واکنش منفی بازار سرمایه می‌شود. دوم، از دیدگاه اقتصادی نیز هزینه‌های تعدیل غیرمنتظره بالا منجر به واکنش منفی بازار می‌شود و فروش آتی غیرمنتظره می‌تواند منجر به ایجاد رابطه مثبت بین رفتار چسبنده غیرمنتظره هزینه و واکنش بازار سرمایه گردد. با عنایت به استدلال‌ها و شواهد تجربی فوق، انتظار می‌رود ارزیابی بازار از رفتار چسبنده غیرمنتظره هزینه منفی باشد. از این رو، فرضیه دوم به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه دوم: واکنش بازار سرمایه به چسبندگی هزینه غیرمنتظره منفی است.

ارزیابی سرمایه‌گذاران از رفتار نامتقارن هزینه غیرمنتظره به احتمالاتی که به محرک‌های اقتصادی در مقابل نمایندگی نسبت می‌دهند بستگی دارد. سایگلی و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا، سرمایه‌گذاران احتمال بیشتری را به دلایل اقتصادی نسبت دهند. بنابراین، ارزیابی بازار از شرکت‌هایی با انتظارات رشد بلندمدت پایین منفی‌تر است. چن و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که مسائل نمایندگی، نظیر ساخت امپراتوری، در شرکت‌های دارای رشد نسبت به شرکت‌های بدون رشد، کمتر است. مدیران در دوره کاهش فروش، ممکن است از سرمایه‌گذاری و کاهش منابع اجتناب کنند. بنابراین، در شرکت‌های با انتظارات رشد بلندمدت پایین، سرمایه‌گذاران با احتمال بیشتری چسبندگی هزینه را ناشی از دلایل نمایندگی تلقی می‌کنند. در مجموع، می‌توان استدلال کرد که سرمایه‌گذاران تا حدی اطلاعات موجود در مورد رفتار هزینه را درک کرده و در ارزیابی خود از ارزش شرکت لحاظ می‌کنند. اگر شرکت‌ها در دوره‌های با انتظارات رشد بلندمدت بالا و نیز در دوره‌های با انتظارات رشد بلندمدت پایین، همان سطح از چسبندگی هزینه غیرمنتظره را داشته باشد، انتظار می‌رود در

دوره‌های با انتظارات رشد بلندمدت بالا، واکنش منفی بازار به چسبندگی غیرمنتظره هزینه کمتر باشد. بنابراین، فرضیه سوم به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه سوم: در شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد بلندمدت بالا، در مقایسه با شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد بلندمدت پائین، واکنش منفی بازار سرمایه به چسبندگی هزینه غیرمنتظره کمتر است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا توصیفی-همبستگی است که برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیون مبتنی بر داده‌های تاریخی استفاده شده است. در طبقه پژوهش‌های پس‌رویدادی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ است. برای گزینش نمونه‌ای که معرف جامعه آماری باشد شرکت‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر بودند انتخاب شدند: (۱) سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد و در طی دوره زمانی پژوهش دوره زمانی خود را تغییر نداده باشند، (۲) داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش در آنها در دسترس باشد و سهام آنها در سال‌های مورد بررسی معامله شده باشد و (۳) جزو بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها، لیزینگ‌ها نباشند، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. با لحاظ کردن این شرایط تعداد ۱۵۵ شرکت (۱۰۸۵ مشاهده سال - شرکت) به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. داده با استفاده از نرم‌افزار ره‌آوردنویس و سایت کدال جمع‌آوری و از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۳ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیونی چندگانه استفاده شده است.

مدل‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش

تحقیقات تجربی رفتار نامتقارن هزینه عموماً از یک رویکرد استاندارد برای مطالعه وجود رفتار نامتقارن هزینه و بررسی اثر عوامل مختلف و پیامدهای رفتار نامتقارن هزینه استفاده کرده‌اند. مدل لگاریتم خطی، مدل اقتصادسنجی پایه برای آزمون فرضیه‌های تدوین شده در این مطالعات است. در بیشتر مطالعات قبلی، با بسط مدل لگاریتم خطی ساده، و اضافه کردن اثرات تعاملی دو طرفه و سه طرفه اثر عوامل مختلف و پیامدهای رفتار نامتقارن هزینه آزمون شده است. در این مدل‌ها به منظور کنترل انتظارات مدیریت درباره فروش‌های آتی، از دو شاخص تغییرات فروش

و رشد تولید ناخالص داخلی و به منظور کنترل ویژگی‌های خاص شرکت درباره سطح هزینه‌های تعدیل از دو معیار حجم دارایی‌های ثابت و حجم کارکنان استفاده شده است. اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که تعداد کارکنان در یک شرکت با چسبندگی هزینه رابطه مثبت دارد، زیرا اخراج، آموزش و محدود کردن کارکنان، زمان‌بر و پرهزینه است. همچنین، شرکت‌هایی با دارایی‌های ثابت بیشتر دارای هزینه‌های چسبنده تری هستند، چرا که تغییر، واگذاری و یا تعمیر دارایی‌های ثابت بسیار مشکل و هزینه‌بر هستند. از سوی دیگر، مدیران به هنگام کاهش فروش به طور مداوم با کاهش منابع مواجه می‌شوند و این موضوع منجر به کاهش چسبندگی هزینه‌ها خواهد شد.

با عنایت به توضیحات فوق، برای آزمون فرضیه اول مبنی بر این که رفتار نامتقارن هزینه از نوع چسبندگی برای شرکت‌هایی با انتظارات رشد بلندمدت بالا بیشتر است، از مدل (۱) استفاده می‌شود:

مدل (۱)

$$STICKY_{it} = \beta_0 + \beta_1 LTGROWTH_{it} + \beta_2 \ln AINT_{it} + \beta_3 \ln EINT_{it} + \beta_4 SUCCDEC_{it} + \beta_5 SUCCINC_{it} + \beta_6 \Delta GDP_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل فوق برای سنجش رفتار چسبندگی هزینه ($STICKY_{i,t}$)، از معیار مستقیم پیشنهادی توسط ویس (۲۰۱۰) در سطح شرکت استفاده می‌گردد. این معیار بیانگر تفاوت بین تغییر در هزینه‌های عمومی و اداری ($SG\&A$) و تغییر در فروش ($\Delta SALES$) برای دو دوره اخیر است که در آن فروش دارای کاهش و افزایش بوده است:

$$STICKY_{i,t} = \ln \left(\frac{\Delta SG\&A}{\Delta SALES} \right)_{i,\tau} - \ln \left(\frac{\Delta SG\&A}{\Delta SALES} \right)_{i,\bar{\tau}}$$

$\bar{\tau}$ بیانگر دوره‌ای است که شرکت i دارای کاهش در هزینه‌های عمومی و اداری و فروش بوده است. τ بیانگر دوره‌ای است که شرکت i دارای افزایش در هزینه‌های عمومی و اداری و فروش بوده است. تغییرات فروش و تغییرات هزینه‌های عمومی، اداری و فروش حاصل تفاوت بین مقدار دوره جاری و دوره قبل است. اگر هزینه‌ها دارای رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی باشد، افزایش در آنها در زمان افزایش فروش بیشتر از کاهش آنها در زمان کاهش فروش است. بنابراین، در این حالت، مقدار متغیر $STICKY$ منفی خواهد بود و مقدار کمتر $STICKY$ بیانگر درجه بالاتر چسبندگی هزینه است (سیلجی و همکاران، ۲۰۱۹).

مطابق فرضیه اول در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالاتر، رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی هزینه بیشتر است. فرضیه اول در صورتی تأیید می‌گردد که $\beta_1 < 0$ باشد. فرضیه‌های دوم و سوم بر ارزیابی بازار از چسبندگی هزینه غیرمنتظره تمرکز دارند. ارزیابی بازار با استفاده از بازده غیرعادی انباشته (CAR) اندازه‌گیری می‌شود. روش بکار رفته در پژوهش ویس (۲۰۱۰) جهت اندازه‌گیری چسبندگی هزینه، امکان آزمون تاثیر رفتار نامتقارن هزینه بر سایر متغیرها نظیر ارزش شرکت، بازده سهام، پیش‌بینی سود را بررسی کند. بنکر و بی‌الوف (۲۰۱۴) مدعی هستند که مدل اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) برای بررسی عوامل تعیین کننده چسبندگی هزینه و روش ویس (۲۰۱۰) برای بررسی پیامدهای چسبندگی هزینه مناسب‌تر است. برای آزمون فرضیه دوم از مدل (۲) استفاده می‌شود:

مدل (۲)

$$CAR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta STICKY_{it} + \beta_2 LAGSTICKY_{it} + \beta_3 \Delta IB_{it} + \beta_4 \Delta CAPEX_{it} + \beta_5 \Delta SG_{it} + \beta_6 \Delta ASSETS_{it} + \beta_7 \Delta LEV_{it} + \beta_8 \Delta RISK_{it} + \varepsilon_{it}$$

اگر $\beta_1 > 0$ باشد، درجه بالاتر چسبندگی هزینه غیرمنتظره با واکنش منفی‌تر بازار سرمایه رابطه دارد. به عبارتی دیگر، چسبندگی هزینه غیرمنتظره بر واکنش بازار تاثیر منفی دارد و در نتیجه فرضیه دوم تأیید می‌گردد. برای آزمون فرضیه سوم، از مدل (۳) استفاده می‌شود.

مدل (۳)

$$CAR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta STICKY_{it} + \beta_2 LTGROWTH_{it} + \beta_3 LAGSTICKY_{it} + \beta_4 \Delta IB_{it} + \beta_5 \Delta CAPEX_{it} + \beta_6 \Delta SG_{it} + \beta_7 \Delta ASSETS_{it} + \beta_8 \Delta LEV_{it} + \beta_9 \Delta RISK_{it} + \beta_{10} LTGROWTH_{it} \times \Delta STICKY_{it} + \beta_{11} LTGROWTH_{it} \times LAGSTICKY_{it} + \beta_{12} SUCCDEC_{i,t} \times \Delta STICKY_{it} + \beta_{13} SUCCDEC_{i,t} \times LAGSTICKY_{it} + \beta_{14} SUCCINC_{i,t} \times \Delta STICKY_{it} + \beta_{15} SUCCINC_{i,t} \times LAGSTICKY_{it} + \beta_{16} \Delta GDP_{i,t} \times \Delta STICKY_{it} + \beta_{17} \Delta GDP_{i,t} \times LAGSTICKY_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)، شامل متغیر ساختگی برای شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا (LTGROWTH) و یک متغیر تعاملی بیانگر حاصل ضرب این متغیر در متغیر سطح چسبندگی هزینه

غیرمنتظره (Δ STICKY) و متغیر چسبندگی هزینه مورد انتظار (LAGSTICKY) است. بعلاوه، در این مدل، اثر تعاملی (LTGROWTH) و سایر متغیرهای کنترلی به مدل اضافه می‌گردد. متغیر Δ STICKY بیانگر تفاوت بین چسبندگی هزینه واقعی در دوره جاری و انتظارات بازار سرمایه از چسبندگی هزینه (LAGSTICKY) است. در این خصوص، با فرض برقراری مدل گام تصادفی، از چسبندگی هزینه دوره قبل ($STICKY_{i,t-1}$) به عنوان جایگزین انتظارات بازار از چسبندگی هزینه استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، فرض می‌گردد که سرمایه‌گذاران اقدام به ارائه یک پیش‌بینی ساده خواهند کرد و انتظار دارند رفتار هزینه، مشابه دوره قبل باشد. ادبیات قبلی استدلال می‌کند که سرمایه‌گذاران بلافاصله و به طور کامل داده‌های موجود در مورد رفتار هزینه‌ها را در ارزیابی خود از شرکت لحاظ نمی‌کنند (بانکر و همکاران ۲۰۱۳؛ سیفتچی و همکاران، ۲۰۱۶). برای سنجش متغیر انتظارات رشد بلندمدت (LTGROWTH) و تعیین شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا و پائین از رویکرد بکار رفته توسط دیکنسون (۲۰۱۱) استفاده می‌شود. از دیدگاه وی جریان‌های نقدی عملیاتی، سرمایه‌گذاری، و تامین مالی، توانایی عملیاتی و مالی یک شرکت را نشان می‌دهد و امکان انتساب شرکت‌ها به یکی از مراحل چرخه عمر شامل مرحله معرفی، رشد، بلوغ، رکود و افول را فراهم می‌کند. در این راستا، وی بجای استفاده از مقدار جریان نقد به علامت مثبت (+) یا منفی (-) آن تمرکز می‌کند. به عنوان مثال، یک جریان نقدی حاصل از سرمایه‌گذاری مثبت (منفی) نشان می‌دهد که یک شرکت اقدام به فروش دارایی‌ها (انجام سرمایه‌گذاری) می‌کند. بنابراین، انتظار می‌رود این علامت برای جریان نقدی حاصل از سرمایه‌گذاری در مرحله رکود (فروش دارایی‌ها) مثبت و در مرحله رشد (انجام سرمایه‌گذاری) منفی باشد. در مرحله رشد، انتظار می‌رود جریان نقد ناشی از فعالیت‌های تامین مالی منفی و جریان نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی مثبت باشد. بنابراین، دیکنسون (۲۰۱۱) از تمام ترکیبات ممکن از علائم مختلف (مثبت یا منفی) جریان‌های نقدی عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تامین مالی برای انتساب شرکت‌ها به مراحل چرخه عمر استفاده می‌کند. مطابق یافته‌های تجربی دیکنسون (۲۰۱۱) شرکت‌هایی که در مرحله رشد قرار دارند، دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا و شرکت‌هایی که در مرحله رکود یا نزول قرار دارند، دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین هستند. بنابراین، اگر شرکت i در دوره t در مرحله رشد قرار داشته باشد (رشد بلندمدت بالا) متغیر ساختگی $LTGROWTH_{i,t}$ برابر با عدد ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود. مشاهداتی که در مراحل معرفی یا بلوغ هستند حذف می‌شوند. در مدل‌های (۲) و (۳) اثر برخی از فاکتورهای تاثیرگذار بر بازده غیرعادی انباشته کنترل

می گردد. شواهد فراهم شده در مطالعات قبلی نظیر بال و براون^۱ (۱۹۶۸) حاکی از ارتباط بین اعلامیه های سود و قیمت سهام است. در این راستا، متغیر ΔIB ، به منظور کنترل اثر سودهای غیرمنتظره بر ارزیابی بازار استفاده می شود. متغیر $\Delta CAPEX$ ، اثر مخارج سرمایه غیرمنتظره را کنترل می کند. آنتونی و رامش^۲ (۱۹۹۲) مدعی هستند که مخارج سرمایه ای و رشد فروش نشان دهنده تمرکز استراتژیک شرکت بر رشد شرکت در مقابل تمرکز بر کاهش هزینه است. همچنین، در این پژوهش، تغییرات غیرمنتظره در ریسک سیستماتیک ($\Delta RISK$)، اندازه شرکت ($\Delta ASSETS$) و اهرم مالی (ΔLEV) کنترل می گردد. اگر $\beta_{10} < 0$ باشد، فرضیه سوم تأیید می گردد. در این حالت، واکنش منفی بازار به چسبندگی هزینه غیرمنتظره در شرکت های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا نسبت به شرکت های دارای انتظارات رشد بالا کمتر است. نحوه اندازه گیری سایر متغیرهای پژوهش در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. اندازه گیری متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعریف عملیاتی - منبع
بازده غیرعادی انباشته	CAR	تفاوت بین بازده سالانه بازار و بازده سالانه سهام. بازده سهام از طریق نرم افزار ره آورد نوین استخراج گردید. بازده بازار نیز بر اساس تغییرات شاخص قیمت و بازده نقدی محاسبه شد.
شدت دارایی ها	InAINT	لگاریتم نسبت کل دارایی به فروش (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳)
شدت کارکنان	InEINT	لگاریتم نسبت تعداد کارکنان به فروش (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳)
متغیر ساختگی کاهش فروش	SUCCEDED	اگر فروش در دو دوره متوالی کاهش داشته باشد، برابر با ۱ و در غیر این صورت، صفر خواهد بود (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳)
متغیر ساختگی افزایش فروش	SUCCINC	اگر فروش در دو دوره متوالی افزایش یابد، برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود (بنکر و همکاران، ۲۰۱۴).
رشد تولید ناخالص داخلی	$\Delta GDPI$	نسبت تفاوت تولید ناخالص داخلی دوره جاری و دوره قبل بر تولید ناخالص داخلی دوره قبل (سایگلی و همکاران، ۲۰۲۱).
تغییرات سود غیرمنتظره	ΔIB	نسبت تفاوت سود دوره جاری و دوره قبل بر کل دارایی ها (آنتونی و رامش، ۱۹۹۲)
تغییر مخارج سرمایه ای	$\Delta CAPEX$	نسبت تفاوت کل دارایی های دوره جاری و دوره قبل بر کل دارایی های دوره قبل (آنتونی و رامش، ۱۹۹۲)
رشد فروش	ΔSG	نسبت تفاوت فروش دوره جاری با دوره قبل بر فروش دوره قبل. (آنتونی و رامش، ۱۹۹۲)
تغییرات ریسک سیستماتیک	$\Delta RISK$	تفاوت ریسک سیستماتیک دوره جاری و دوره قبل است. ریسک سیستماتیک نیز از طریق نسبت کواریانس بین بازده ماهانه بازار و بازده ماهانه سهم به واریانس بازده ماهانه بازار محاسبه شده است.

1. Ball & Brown
2. Anthony & Ramesh

تعریف عملیاتی - منبع	نماد	نام متغیر
نسبت تفاوت لگاریتم کل دارایی‌های دوره جاری و دوره قبل بر لگاریتم کل دارایی‌های دوره قبل (آنتونی و رامش، ۱۹۹۲)	ΔASSETS	تغییرات دارایی‌ها
تفاوت بین نسبت اهرم دوره جاری و دوره قبل است. نسبت اهرم مالی برابر با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌هاست (آنتونی و رامش، ۱۹۹۲)	ΔLEV	تغییرات اهرم مالی

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۴) ارائه شده است. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که میانگین متغیر رفتار نامتقارن هزینه برابر با $۲/۹۵۵$ ، انتظارات رشد بلندمدت $۰/۴۱۵۶$ و بازده غیرعادی انباشته $۰/۳۲۹۷$ است. بیشترین انحراف معیار مربوط به تغییرات رفتار نامتقارن هزینه به میزان $۱/۷۷۲۵$ است که بیشترین نوسان‌پذیر مربوط به همین متغیر می‌باشد و کمترین انحراف معیار نیز مربوط به تغییرات میزان دارایی به میزان $۰/۰۲۱۶$ می‌باشد.

جدول ۴. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
رفتار نامتقارن هزینه	-۲/۹۵۵۶	۱/۴۹۴۰	-۸/۸۲۹۷	۲/۶۸۸۲
رفتار نامتقارن هزینه غیرمنتظره	-۰/۰۵۵۸	۱/۷۷۲۵	-۷/۸۹۶۲	۶/۵۳۰۴
انتظارات بازار از رفتار نامتقارن هزینه	-۲/۹۰۰۴	۱/۵۲۱۵	-۸/۸۲۹۷	۲/۶۸۸۲
انتظارات رشد بلندمدت	۰/۴۱۵۶	۰/۴۹۲۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
لگاریتم کل دارایی‌ها به فروش	۰/۱۸۷۷	۰/۶۳۴۲	-۱/۹۸۰۳	۳/۲۳۶۳
لگاریتم تعداد کارکنان به فروش	-۸/۷۱۰۳	۱/۱۷۱۳	-۱۳/۵۷۵	-۵/۵۵۲۲
تغییر فروش در دو دوره (کاهش)	۰/۱۹۶۳	۰/۳۹۷۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
تغییر فروش در دو دوره (افزایش)	۰/۸۰۲۸	۰/۳۹۷۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
رشد تولید ناخالص داخلی	۰/۰۲۱۸	۰/۰۵۹۸	-۰/۰۴۷۳	۰/۱۴۱۶
بازده غیر عادی انباشته	۰/۳۲۹۷	۱/۸۱۳۷	-۶/۶۹۴۸	۲۲/۳۱۸
تغییرات سودهای غیرمنتظره	۰/۰۵۷۳	۰/۱۳۶۰	-۰/۶۰۵۴	۰/۶۶۵۳
تغییرات مخارج سرمایه‌ای	۰/۰۴۵۸	۰/۱۲۸۱	-۱/۴۸۵۹	۰/۹۴۴۸
رشد فروش	۰/۴۱۴۶	۰/۷۷۷۸	-۰/۹۰۹۲	۱۸/۱۶۹
تغییرات ریسک سیستماتیک	۰/۳۶۱۵	۱/۷۱۱۳	-۲/۳۸۸	۸/۶۲۴۲
تغییرات دارایی‌ها	-۰/۰۱۸۲	۰/۰۲۱۶	۰/۰۵۱۲	-۰/۲۱۳۷
تغییرات اهرم مالی	-۰/۰۱۵۶	۰/۱۲۶۴	-۰/۷۲۹۶	۰/۴۶۲۴

یافته‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش

قبل از برازش مدل‌ها، فروض کلاسیک رگرسیون خطی و نیز نوع داده‌های مناسب (تابلویی و تلفیقی) بررسی می‌شود. در خصوص نرمال بودن جملات خطا، به دلیل بالا بودن حجم مشاهدات (بیشتر از ۳۰ مشاهده) نیازی به انجام این آزمون نیست (افلاطونی، ۱۳۹۷). برای بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون بارتلت استفاده شده است و به دلیل وجود واریانس ناهمسان برای برازش مدل‌ها از آزمون حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. نتایج آزمون همخطی و خودهمبستگی بین جملات خطا و آزمون F لیمر و هاسمن برای انتخاب مدل مناسب (تلفیقی یا تابلویی) همراه با نتایج آزمون فرضیه‌ها ارائه شده است.

آزمون فرضیه اول

مطابق فرضیه اول پژوهش، در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا نسبت به شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین، درجه رفتار نامتقارن هزینه بیشتر است. نتایج برازش مدل فرضیه اول در جدول (۵) ارائه شده است. مطابق نتایج ارائه شده، احتمال آماره F لیمر و هاسمن کمتر از سطح ۵٪ است، بنابراین مدل اول بر اساس داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده می‌شود. همچنین، سطح معنی داری آماره F فیشر کمتر از سطح خطای ۵٪ است. بنابراین، مدل رگرسیونی در سطح خطای ۵٪ معنی دار است. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۵۳۲۱ است که نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی حدود ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. مقدار آماره آزمون دوربین - واتسون برابر است با ۲/۲۷۶ است، لذا، جملات خطا مستقل از هم هستند.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	آماره t	معنی داری	هم خطی
C	۰/۵۸۶۲	۰/۹۶۴۳	۰/۳۳۵۱	-
LTGROWTH	-۰/۱۹۴۴	-۲/۵۹۲۰	۰/۰۰۰۳	۱/۰۰۴۲
LnAINT	-۰/۶۰۹۶	-۶/۱۰۸۶	۰/۰۰۰۰	۱/۱۷۰۶
LnEINT	۰/۱۱۴۴	۲/۵۰۳۸	۰/۰۱۲۵	۱/۰۱۱۱
SUCCEDED	-۲/۳۵۵۱	-۴/۷۷۹۰	۰/۰۰۰۰	۱۷/۱۳۴
SUCCINC	-۲/۱۸۴۸	-۴/۴۶۹۷	۰/۰۰۰۰	۱۵/۲۱۷
ΔGDP	۰/۴۴۰۷	۲/۵۷۹۸	۰/۰۱۰۰	۱/۰۰۶۸
آماره F	۸/۷۰۵۲	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۳۲۱	
معنی داری آماره F	۰/۰۰۰۰	دوربین واتسون	۲/۲۷۶	
آماره f لیمر (معنی معناداری)	(۰/۰۰۰) ۲/۵۵۹	آماره هاسمن (معنی معناداری)	۳۳۱/۳۱۵	(۰/۰۰۰)

سطح معناداری آماره t متغیر انتظارات رشد بلندمدت کمتر از ۵٪ است، بنابراین، بین انتظارات رشد بلندمدت با رفتار نامتقارن هزینه، رابطه معناداری وجود دارد. مطابق فرضیه اول، انتظار می‌رود در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا، رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی هزینه بیشتر باشد. مطابق نتایج ارائه شده، ضریب متغیر انتظارات رشد بلندمدت (LTGROWTH)، برابر با $(-۰/۱۹۴۴)$ و از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد، بدین معنی که در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا نسبت به شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین، درجه رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی هزینه بیشتر است. همچنین بین متغیرهای کنترلی شدت دارایی، شدت کارکنان، تغییرات فروش و تولید ناخالص داخلی با رفتار نامتقارن هزینه، رابطه معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه دوم

مطابق فرضیه دوم، واکنش بازار سرمایه به چسبندگی هزینه غیرمنتظره، منفی است. به عبارت دیگر، چسبندگی هزینه غیرمنتظره توسط بازار سرمایه به طور منفی ارزیابی می‌شود. نتایج برازش مدل فرضیه دوم در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	آماره t	معنی‌داری	هم خطی
C	۰/۲۳۳۴	۳/۲۳۵۸	۰/۰۰۱۳	-
Δ STICKY	۰/۰۴۱۳	۲/۴۳۸۵	۰/۰۱۴۹	۱/۶۳۸۴
LAGSTICKY	-۰/۰۴۸۰	-۱/۹۸۶۵	۰/۰۴۷۳	۱/۷۵۱۰
Δ IB	۱/۳۵۸۸	۵/۸۷۸۶	۰/۰۰۰۰	۱/۲۱۸۳
Δ SG	۰/۱۳۸۸	۲/۹۹۱۸	۰/۰۰۲۸	۱/۰۲۲۹
Δ CAPEX	-۰/۷۲۱۴	-۲/۵۲۴۱	۰/۰۱۱۸	۱/۱۰۲۵
Δ ASSETS	-۱۰/۳۹۰	-۵/۹۳۰۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۹۲
Δ LEV	-۰/۶۹۳۱	-۲/۴۲۹۲	۰/۰۱۵۳	۱/۰۴۱۷
Δ RISK	-۰/۹۴۷۹	-۷۳/۴۸۶	۰/۰۰۰۰	۱/۰۳۱۴
آماره F	۴۰/۷۰۱	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۵۵۷	
معنی‌داری آماره F	۰/۰۰۰۰	دوربین واتسون	۱/۸۱۲	
آماره f لیمر (معنی معناداری)	(۰/۷۰۵۰)۰/۹۵۱۹	-	-	-

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش به سطح معناداری آماره t و علامت ضریب متغیر Δ STICKY مراجعه می‌شود. سطح معناداری آماره t متغیر Δ STICKY کمتر از ۵٪ است، از سوی دیگر مقدار این ضریب برابر با ۰/۰۴۱۳ و مثبت است. از آنجایی که علامت منفی Δ STICKY بیانگر چسبندگی هزینه غیرمنتظره بیشتر است، بنابراین، با افزایش چسبندگی هزینه غیرمنتظره، واکنش بازار منفی‌تر می‌شود و می‌توان ادعا کرد که سرمایه‌گذاران به چسبندگی هزینه غیرمنتظره، به طور منفی واکنش نشان می‌دهند. لذا، فرضیه دوم تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه سوم

مطابق فرضیه سوم، در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پائین، در مقایسه با شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا، واکنش بازار سرمایه به چسبندگی هزینه غیرمنتظره منفی‌تر است. نتایج برازش مدل در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	آماره t	معنی‌داری	هم خطی
C	۰/۴۴۳۰	۶/۹۵۴۹	۰/۰۰۰۰	-
Δ STICKY	۱/۷۵۲۸	۵/۹۳۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۵۰۴
LTGROWTH	-۰/۰۵۲۴	-۲/۶۳۴۴	۰/۰۰۹۱	۱/۱۳۴۲
LAGSTICKY	۰/۱۱۲۰	۵/۲۰۵۷	۰/۰۰۰	۱/۰۲۷۸
Δ B	۱/۳۸۰۱	۷/۸۳۸۱	۰/۰۰۰۰	۱/۲۲۸۶
Δ SG	۰/۲۷۰۷	۶/۱۳۵۵	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۹۱
Δ CAPEX	۱/۰۵۴۱	۲/۶۹۰۶	۰/۰۰۷۳	۱/۰۱۲۲
Δ ASSETS	-۵/۱۳۱۳	-۴/۱۲۹۳	۰/۰۰۰۰	۱/۰۵۴۸
Δ LEV	-۰/۷۰۹۷	-۵/۷۸۰۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۳۶۹
Δ RISK	-۰/۹۵۸۰	-۹۳/۵۸۲	۰/۰۰۰۰	۱/۲۳۰۵
LTGROWTH \times Δ STICKY	-۰/۰۹۵۵	-۳/۳۵۳۰	۰/۰۰۰۸	۱/۰۷۴۵
LTGROWTH \times LAGSTICKY	-۶/۴۹۰۱	-۲/۵۱۸۷	۰/۰۱۱۹	۲/۲۵۷۷
SUCCEDED \times Δ STICKY	-۰/۱۵۶۱	-۴/۷۹۶۸	۰/۰۰۰۰	۱/۲۹۳۹
SUCCEDED \times LAGSTICKY	۰/۱۱۹۴	۵/۲۶۷۰	۰/۰۰۰۰	۶/۶۰۰۳
SUCCINC \times Δ STICKY	۵/۴۲۰۱	۲/۵۳۰۱	۰/۰۱۱۶	۱/۴۹۰۵
SUCCINC \times LAGSTICKY	-۰/۱۶۴۰	-۲/۳۰۵۵	۰/۰۲۱۴	۷/۲۸۵۶
Δ GDP \times Δ STICKY	۱/۷۸۰۱	۸/۶۹۶۷	۰/۰۰۰۰	۱/۰۹۸۸
Δ GDP \times LAGSTICKY	۳/۱۷۰۱	۲۵/۸۶۷	۰/۰۰۰۰	۲/۶۶۵۰
آماره F	۶۳/۵۲۱	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۹۰۷۴
معنی‌داری آماره F	۰/۰۰۰۰	دوربین واتسون		۲/۳۰۸
آماره f لیمر (معنی معناداری)	۰/۹۰۹۳ (۰/۷۶۸۳)	-		-

مشابه مدل دوم، ضریب متغیر $\Delta STICKY$ معنی‌دار و مثبت است. بنابراین، واکنش بازار سرمایه به چسبندگی هزینه غیرمنتظره منفی است. به منظور بررسی این موضوع که این رابطه منفی در شرکت‌هایی دارای انتظارات رشد بلندمدت پائین نسبت به شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا، قوی‌تر است یا خیر، به سطح معناداری آماره t ضریب متغیر تعاملی $(\Delta STICKY \times LTGROWTH)$ مراجعه می‌شود. سطح معناداری آماره t این متغیر کمتر از ۵٪ و ضریب آن منفی است. از این رو، واکنش منفی سرمایه‌گذاران به چسبندگی هزینه غیرمنتظره در شرکت‌هایی دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا، کمتر از شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین است و در نتیجه فرضیه سوم تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مطالعه واکنش بازار سرمایه به رفتار نامتقارن هزینه با توجه به انتظارات رشد بلندمدت است. با استناد به ادبیات نظری موجود، فرصت‌های رشد و نوسانات در تقاضا بر شکل‌گیری ترکیب منابع تولید و در نتیجه رفتار هزینه‌ها تأثیر دارد. همچنین، در شرکت‌های با انتظارات رشد بلندمدت بالا در مقایسه با شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین، محرک‌های رفتار نامتقارن هزینه و در نتیجه، واکنش بازار سرمایه به رفتار نامتقارن هزینه، متفاوت است. مدیران شرکت‌هایی که انتظارات رشد بلندمدت بالایی دارند، تمایل دارند سرمایه‌گذاری‌های بیشتری انجام دهند و میزان کمتری از ظرفیت بلااستفاده داشته باشند. بنابراین، انتظار می‌رود چنین شرکت‌هایی درجه بالاتری از رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی هزینه را تجربه کنند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا نسبت به شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین، درجه رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی هزینه بیشتر است. این یافته را می‌توان چنین تفسیر کرد که در شرکت‌های دارای انتظارات رشد بالا در مقایسه با شرکت‌های با انتظارات رشد بلندمدت پایین، در صورت کاهش فروش در یک دوره، احتمال افزایش مجدد فروش بیشتر است که این موضوع بر رفتار هزینه‌ها تأثیر دارد. این یافته‌ها همراستا با نتایج بنکر و همکاران (۲۰۱۴)، آگراوال (۲۰۲۰) و لی و سان (۲۰۲۳) است و با نتایج پژوهش سیجلی و ورمن (۲۰۲۱) مطابقت دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بازار سرمایه به چسبندگی هزینه غیرمنتظره، واکنش منفی نشان می‌دهد. در این

خصوصاً، اندرسون و همکاران (۲۰۰۷) چنین استدلال کردند که انتظارات فعالان بازار با ارزیابی آنان که مبتنی بر مدل مرسوم رفتار هزینه است تا رفتار نامتقارن هزینه، سازگار است. از این رو، انتظار می‌رود فعالان بازار رفتار نامتقارن از نوع چسبندگی هزینه را به عنوان شواهدی از کنترل ضعیف هزینه تفسیر کنند و واکنش منفی نشان دهند. همچنین، سیجلی و ورمن (۲۰۲۱) نیز نشان دادند سرمایه‌گذاران رفتار نامتقارن هزینه را به عنوان سیگنالی برای انگیزه‌های نمایندگی یا هزینه‌های تعدیل غیرمنتظره بالا تفسیر می‌کنند که این موضوع منجر به کاهش ارزش شرکت و واکنش منفی بازار خواهد شود.

در نهایت، یافته‌های پژوهش نشاد داد که واکنش منفی بازار سرمایه متأثر از انتظارات رشد بلندمدت شرکت‌ها است. بدین معنی که واکنش منفی سرمایه‌گذاران به چسبندگی هزینه غیرمنتظره در شرکت‌هایی دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا، کمتر از شرکت‌های دارای انتظارات رشد بلندمدت پایین است. این یافته‌ها را می‌توان چنین تفسیر کرد که در شرکت‌هایی که دارای انتظارات رشد بلندمدت بالا هستند، احتمال کمتری وجود دارد که چسبندگی هزینه غیرمنتظره ناشی از انگیزه‌های نمایندگی باشد، بلکه در مقابل، این رفتار بیانگر برنامه‌ریزی منطقی منابع توسط مدیران شرکت‌هاست که این موضوع به افزایش ارزش شرکت و واکنش منفی کمتر بازار منجر خواهد شد.

از آنجایی که مدیران در عمل معمولاً یک رابطه خطی بین هزینه‌ها و محرک‌های هزینه فرض می‌کنند، در حالی که شواهد حاصل از پژوهش‌های تجربی موجود حاکی از نامتقارن بودن رفتار هزینه‌ها است، از این رو، به مدیران پیشنهاد می‌شود در مواردی نظیر قیمت‌گذاری، بهایابی، تجزیه و تحلیل هزینه-حجم فعالیت-سود و بودجه‌بندی، به رفتار نامتقارن هزینه‌ها توجه داشته باشند. نادیده گرفتن فرض خطی بودن و لحاظ کردن موضوع رفتار هزینه نامتقارن در تحلیل‌ها و مدل‌های برآورد هزینه، دقت و قدرت پیش‌بینی آن‌ها را بهبود می‌بخشد.

با عنایت به یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر واکنش بازار سرمایه به رفتار نامتقارن هزینه، به منظور افزایش آگاهی فعالان بازار سرمایه نظیر تحلیلگران و سرمایه‌گذاران از رفتار انواع هزینه‌ها و در نتیجه بهبود کارایی اطلاعاتی بازار سرمایه به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود اطلاعات مربوط به رفتار انواع هزینه‌ها را به صورت صورت‌داوطلبانه افشا کنند. همچنین، با عنایت به این که پیش‌بینی سود متأثر از رفتار هزینه‌هاست، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش دقت پیش‌بینی سود بجای تاکید صرف بر

مدل‌های مرسوم هزینه، در مدل‌های پیش‌بینی سود، غیرخطی و نامتقارن بودن رفتار هزینه‌ها را مورد توجه قرار دهند.

در جریان هر پژوهش محدودیت‌هایی وجود دارد که به منظور استفاده بهتر از نتایج پژوهش و توسعه مطالعات آتی باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر که خاص پژوهش‌های نیمه تجربی است، عدم امکان کنترل برخی از عوامل تاثیرگذار نظیر شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره است که لحاظ کردن آن‌ها در مدل‌های پژوهش ممکن است بر یافته‌های این مطالعه تاثیرگذار باشد. به عنوان مثال، در برخی از صنایع وابستگی به منابع خارجی، قوانین و مقررات خاص صنعت، سرعت تغییر تکنولوژی بر تصمیمات مدیران در خصوص تعدیل منابع و در نتیجه رفتار نامتقارن هزینه تاثیر دارد که در این پژوهش مورد توجه قرار نگرفته است. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، درجه رفتار نامتقارن هزینه در صنایع مختلف با در نظر گرفتن این عوامل مورد مطالعه قرار گیرد. نبود پایگاه داده جامع یکی از محدودیت‌های مرسوم انجام پژوهش در محیط ایران است که پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نیست. در صورت دسترسی به داده‌های مربوط به جزئیات انواع هزینه‌ها، آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نمونه‌ای با حجم بیشتر و دوره زمانی گسترده‌تر فراهم می‌شد و این امر به تعمیم بهتر یافته‌های پژوهش کمک می‌کرد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است

منابع

- اثنی عشری، حمیده؛ جوانمرد، شبنم. (۱۳۹۶). رابطه انگیزه‌های مدیریت سود و نظام راهبری شرکتی با رفتار نامتقارن هزینه. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۷(۳): ۸۰-۶۱.
- اره کش سلماسی، محمد؛ قنبری، علی. (۱۴۰۰). تأثیر بحران‌های اقتصادی و رشد اقتصادی بر چسبندگی هزینه. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۴(۴۵): ۱۷-۱.
- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۷). *اقتصادسنجی در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم‌افزار Eviews*، تهران: انتشارات ترمه.
- اسماعیل زاده، علی؛ مهرنوش، علی. (۱۳۹۳). رابطه چسبندگی هزینه‌ها با کیفیت سود و خطای پیش‌بینی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۶(۲۱): ۶۱-۳۷.
- السدی، زینة؛ فروغی، داریوش؛ هاشمی، سید عباس. (۱۴۰۱). تأثیر چسبندگی هزینه بر ارزش شرکت با در نظر گرفتن هزینه تعدیل منابع و مشکلات نمایندگی. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۴(۲): ۶۴-۳۹.
- بداعی، حمید؛ عرفانیان، جواد. (۱۴۰۰). تأثیر چسبندگی هزینه‌ها بر زیان‌ده بودن شرکت در سال آتی و حق‌الزحمه حسابرسی. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۵(۱۹): ۷۰۰-۶۸۱.
- بدیعی، حسین؛ راستگو، نعمت؛ بیطاری، جلیل. (۱۴۰۲). چسبندگی هزینه؛ تأکید بر اثر محدودیت‌های مدیریت سود و کارایی سرمایه‌فکری. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(۴۶): ۴۲۸-۴۱۱.
- پارسایی، منا؛ سهرابی، سارا. (۱۴۰۱). بدهی‌های تجاری و چسبندگی هزینه‌ها با تأکید بر مشکل نمایندگی و تمرکز مشتری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲(۱۲): ۹۰-۶۵.
- چهارمحالی، علی اکبر؛ زاهدی، جواد. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر چسبندگی هزینه‌ها. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۶(۲۳): ۴۶-۳۱.
- حسینی، محسن و لعل‌بار، علی. (۱۴۰۰). تأثیر راهبردهای رقابتی (رهبری هزینه و تمایز) و توانایی مدیریت بر کیفیت سود و چسبندگی هزینه در شرکت‌های بورسی. *مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی*، ۵(۱۸): ۲۶۲-۲۲۹.
- خواجوی، شکراله و غیوری‌مقدم، علی. (۱۴۰۰). بررسی نقش توانایی مدیران و تضاد منافع در مفید بودن چسبندگی هزینه‌ها: شواهدی از تصمیمات آگاهانه مدیران در پدیده چسبندگی هزینه. *راهبرد مدیریت مالی*، ۹(۲): ۲۰-۱.
- خواجوی، شکرالله؛ غیوری مقدم، علی؛ حاجب، حمیدرضا. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر اعتبار تجاری بر چسبندگی هزینه‌ها. *دانش حسابداری مالی*، ۸(۳): ۱۴۱-۱۲۵.

- خوشکار، فرزین؛ آقایی، حدیث و ساعدی، فاطمه. (۱۴۰۰). تاثیر چسبندگی هزینه بر کیفیت افشای مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۵۴)، ۸۶-۹۷
- رضازاده، بهزاد؛ خواجهی، شکراله و صالحی، اله کرم. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر چسبندگی هزینه‌ها بر ارزش آفرینی شرکت با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی قدرت مدیرعامل در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۲۱(۸۵)، ۳۴۸-۳۱۹.
- رضازاده، بهزاد؛ خواجهی، شکراله و صالحی، اله کرم. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر عدم اطمینان متغیرهای کلان اقتصادی بر رفتار چسبندگی هزینه. پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری، ۱(۱)، ۸۶-۶۸.
- سامانیان، سعید؛ بندریان، امیرعلی؛ سامانیان، علیرضا؛ مسیحی پور، کورش. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی هیات مدیره و تحریم‌های اقتصادی بر چسبندگی هزینه‌ها با تاکید بر نقش مالکیت نهادی: آزمون تئوری نمایندگی و اقتصاد سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۵۵)، ۱۲۱-۱۰۴.
- سجادی، سید حسین و بنایی قدیم، رحیم. (۱۴۰۲). تاثیر چسبندگی هزینه بر چسبندگی سود تقسیمی با تاکید بر نگهداشت نقدینگی. حسابداری مدیریت، ۱۶(۵۷)، ۱۸۷-۱۶۸.
- عسگری، محمد و مران جوری، مهدی. (۱۳۹۷). تاثیر سرمایه فکری بر رابطه چسبندگی هزینه و ساختار سرمایه. پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، دوره جدید (۲۱)، ۱۸۶-۱۶۹.
- علی اکبری، منا (۱۴۰۱). تاثیر رفتار نامتقارن هزینه بر تأخیر گزارش حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۶(۲۳)، ۱۴۲-۱۲۵.
- فرجی، امید و مصطفی پور، محمد کاظم. (۱۳۹۹). تصمیمات مدیران در موازنه بین چسبندگی هزینه‌ها و هموارسازی سود. حسابداری مدیریت، ۱۳(۴۴)، ۲۰۴-۱۹۳.
- فلاح شمس، میرفیض؛ اسکندری، بهمن؛ عزیزی، فرهاد و نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). سرمایه اجتماعی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها. مجله علمی مدیریت سرمایه اجتماعی، ۷(۳)، ۳۱۷-۲۹۷.
- قدرتی زوارم، عباس؛ نوروزی، محمد؛ روزخوش، مرضیه و نجاری، عظیمه. (۱۴۰۱). بررسی اثر هموارسازی سود و ساختار مالکیت بر چسبندگی هزینه. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۵۸)، ۹۴-۱۰۶.
- کریم زاده، اکبر؛ رضایی، نادر؛ حاجیها، زهره و عبدی، رسول. (۱۴۰۱). تاثیر عوامل رقابتی بر رفتار نامتقارن هزینه‌ها. مطالعات اخلاقی و رفتار در حسابداری و حسابرسی، ۲(۱)، ۵۲-۲۹.

کریم زاده، اکبر؛ رضایی، نادر؛ حاجیها، زهره و عبدی، رسول. (۱۴۰۱). تاثیر کاهش مدیریت سود و کارایی سرمایه فکری بر رفتار نامتقارن هزینه. فصلنامه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۱۹(۱)، ۹-۱۹.

کریم زاده، اکبر؛ رضایی، نادر؛ حاجیها، زهره و عبدی، رسول. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین عناصر فرهنگ سازمانی مدیران و رفتار نامتقارن هزینه‌ها. فصلنامه تحلیل بازار سرمایه، ۲(۳)، ۷۷-۵۲.

مسلمی، مصطفی و جوادی نیا، امیر. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر چسبندگی هزینه: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵(۷۴)، ۱۹۱-۱۶۷.

مومنی، سیدعلی اکبر؛ محمدی، محمد. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین چسبندگی هزینه و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران، رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۵(۱۷)، ۷۳-۹۰.

نقش بندی، نادر؛ اکبرخانی، محمدعلی و کشتگر، الهام. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر چسبندگی هزینه و تمرکز مالکیت بر ریسک شرکت. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۲(۱۸)، ۴۷-۲۸.

نیک بخت، محمدرضا و پورباقریان، علیرضا. (۱۳۹۹). ارائه مدل چسبندگی هزینه ها بر اساس سرمایه فکری. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۹(۳۳)، ۱۵۶-۱۴۱.

نیک کار، جوادی حمیدی، الهام و عابدینی، سپیده. (۱۴۰۱). تأثیر رفتار خوش بینانه و کوتاه بینانه مدیران بر عدم تقارن رفتار هزینه و استراتژی های متفاوت شرکت. مدیریت دارایی و تامین مالی، ۱۰(۱)، ۱۱۶-۹۳.

ودیدی نوقانی، محمدحسین؛ صالحی وزیری، سید محسن. (۱۴۰۱). بررسی رابطه هزینه های تعدیل نیروی کار و چسبندگی هزینه ها. مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی، ۲(۱)، ۲۸-۷.

همه خانی، صادق؛ رویایی، رمضانعلی. (۱۴۰۱). تاثیر عوامل فرهنگی بر چسبندگی هزینه ها. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴(۵۴)، ۱۷۸-۱۵۹.

References

- Agarwal, N. (2022). Cost Stickiness and Stock Price Delay. *European Accounting Review*, 1-25.
- Aflatooni, A. (2018). *Econometrics in Accounting and Finance Using Eviews*, Tehran, Termeh Publication. (In Persian).
- Alasadi, Z; Foroghi, D; & Hashemi, S. A. (2023). The Effect of Cost Stickiness on Firm Value by Considering the Resource Adjustment Cost and Agency Problem. *Journal of Accounting Advances*, 14(2): 39-64. (In Persian).

- Ali Akbari, M. (2023). The effect of asymmetric cost behavior on the delay of the auditor's report in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Scientific Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 6 (23), 125-142. (In Persian).
- Anderson, M; Banker, R; Huang, R; & Janakiraman, S. (2007). Cost behavior and fundamental analysis of SG&A costs. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 22(1), 1-28.
- Anderson, M. C; Banker, R. D; & Janakiraman, S. N. (2003). Are selling, general, and administrative costs “sticky”? *Journal of accounting research*, 42(2), 47-63.
- Anderson, M; Banker, R; Huang, R; & Janakiraman, S. (2007). Cost behavior and fundamental analysis of SG&A costs. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 22(2), 2-28.
- Anthony, J.H; & Ramesh, K. (1992) Association between accounting performance measures and stock prices. *J Account Econ* 15, 203-227.
- Areh kesh salmasi, M; & Ghanbari, A. (2021). The Impact of Economic Crises and Economic Growth on Cost Stickiness. *Journal of Accounting and Management Vision*, 4(45), 1-17. (In Persian)
- Askari, M & Maranjuri. M. (2018). The effect of intellectual capital on the relationship between cost stickiness and capital structure. *New researches in management and accounting*, 49 (4), 169-186. (In Persian).
- Badaghi, H; & Erfanian, J. (2022). The effect of cost stickiness on the company's loss in the next year and audit fees. *Scientific Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 5 (19), 681-700. (In Persian).
- Badie, H; Rastgo, N, & bitari, J. (2023). Cost stickiness; Emphasis on the effect of profit management limitations and the efficiency of intellectual capital. *Knowledge of Accounting and Management Audit*, 12 (46), 411-428. (In Persian).
- Balakrishnan, R; & Gruca, T. S. (2008). Cost stickiness and core competency: A note. *Contemporary Accounting Research*, 25(4), 993-1006.
- Balakrishnan, R; Peterson, M. & Soderstrom, N. (2004), “Does capacity utilization affect the ‘stickiness’ of cost?”, *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 19(3), 283-299.
- Ball, R; & Brown, P.R. (1968). An empirical evaluation of accounting income numbers. *J Accout Res* 6, 159-178
- Banker, R.D. & Chen, L. (2006), “Predicting earnings using a model of cost variability and cost stickiness”, *The Accounting Review*, 81(1), 285-307.
- Banker, R; Byzalov, D; & Plehn-Dujowich, J. (2014). Demand uncertainty and cost behavior. *The Accounting Review*, 89(3), 839-865.
- Banker, R; Basu, S; Byzalov, D; & Chen, J. (2016). The confounding effect of cost stickiness on conservatism estimates. *Journal of Accounting and Economics*, 61(1), 203-220.

- Banker, R. D; Chen, J; & Park, H. U. (2014). Cost behavior models analysts and investors use. *Available at SSRN* 2482723.
- Bertrand, M; & Mullainathan, S. (2003). Enjoying the quiet life? Corporate governance and managerial preferences. *Journal of political Economy*, 111(5), 1043-1075.
- Banker, R.D; Chen J.Y.S; Kama I; & Weiss, D. (2013) Cost behavior, earnings expectations and stock prices. *AAA*.
- Banker, R; Byzalov, D; & Plehn-Dujowich, J. (2014). Impact of uncertainty on cost structure. In: *Working paper*, Temple University.
- Banker, R; Ciftci, M; & Mashruwala, R. (2014). Managerial optimism and cost behavior. *Temple University, SUNY at Binghamton, and University of Illinois at Chicago*.
- Call, A. C; Sharp, N. Y; & Wong, P. A. (2019). Changes in analysts' stock recommendations following regulatory action against their brokerage. *Review of Accounting Studies*, 24, 1184-1213.
- Calleja, K; Stelarios, M; & Thomas, D. C. (2006). A note on cost stickiness: Some international comparisons. *Management Accounting Research*, 17(2), 127–140.
- Chen, C; Lu, H; & Sougiannis, T. (2012). The agency problem, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs. *Contemporary Accounting Research*, 29(1), 252–282.
- Cheung, J; Kim, H; Kim, S; & Huang, R. (2018). Is the asymmetric cost behavior affected by competition factors? *Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics*, 25(1–2), 218–234.
- Chung, C. Y; Hur, S.-K; & Liu, C. (2019). Institutional investors and cost stickiness: Theory and evidence. *The North American Journal of Economics and Finance*, 47, 336–350.
- Churchill, Neil C; and Virginia L. Lewis. "The five stages of small business growth." *Harvard Business Review*, 61(3), 30-50.
- Ciftci, M; Mashruwala, R; & Weiss, D. (2016). Implications of cost behavior for analysts' earnings forecasts. *Journal of Management Accounting Research*, 28(1), 57-80.
- Chahar Mahali, A. A; & Zahedi, J. (2017). An Investigation the Impact of Managers' Overconfidence on Costs Stickiness. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6(23), 31-46. (In Persian)
- Chen, C. X; Lu, H; & Sougiannis, T. (2012). The agency problem, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs. *Contemporary Accounting Research*, 29(2), 252-282.
- Chen, C. X; Gores T; Nasev, J. (2013). Managerial overconfidence and cost stickiness. *SSRN*. <http://ssrn.com/abstract=2208622>.

- Costa, M. D; & Habib, A. (2021). Trade credit and cost stickiness. *Accounting & Finance*, 61(1), 1139-1179.
- Dickinson, V. (2011). Cash flow patterns as a proxy for firm life cycle. *The Accounting Review*, 86(6), 1969-1994.
- Dierynck, B; Landsman, W. R; & Renders, A. (2012). Do managerial incentives drive cost behavior? Evidence about the role of the zero earnings benchmark for labor cost behavior in private Belgian firms. *The Accounting Review*, 87(4), 1219-1246.
- Driskill, M; Kirk, M. P; & Tucker, J. W. (2020). Concurrent earnings announcements and analysts' information production. *The Accounting Review*, 95(1), 165-189.
- Esmailzadeh, A; & Mehrmoosh, A. (2014). Bonding costs related to the quality of earnings and forecast error. *Financial Accounting and Auditing Research*, 6(21), 37-61. (In Persian)
- Esnashari, H; & Javanmard, S. (2017). The Relation of Upward Earnings Management Incentives and Corporate Governance Mechanism to Asymmetric Expense Behavior. *Empirical Research in Accounting*, 7(3), 61-80. (In Persian).
- Fallahshams, M. F; Eskandari, B; Azizi, F; & Norouzi, M. (2020). Social Capital and Asymmetric Cost Behavior. *Social Capital Management*, 7(3), 297-317. (In Persian).
- Faraji, O, & Mustafapour, M.K. (2020). Managers' decisions in the balance between cost stickiness and profit smoothing. *Management Accounting*, 13 (44), 193-204. (In Persian).
- Ghodrati zoeram, A; Norouzi, M; roozkhosh, M; & najari, A. (2022). Investigating the effect of profit smoothing and ownership structure on cost stickiness. *Journal of Accounting and Management Vision*, 5(58), 94-106. (In Persian).
- Hamehkhani, S; & Royaei, R. (2022). The Effect of Cultural Factors on Cost Stickiness. *Financial Accounting and Auditing Research*, 14(54), 159-178. (In Persian).
- Han, S; Rezaee, Z; & Tuo, L. (2019). Is cost stickiness associated with management earnings forecasts? *Asian Review of Accounting*, 28(2), 173-211.
- Hartlieb, S; Loy, T; & Eierle, B. (2020). The effect of generalized trust on cost stickiness: Cross-country evidence. *The International Journal of Accounting*, 55 (04), 2050018.
- He, J; Tian, X; Yang, H; & Zuo, L. (2020). Asymmetric cost behavior and dividend policy. *Journal of Accounting Research*, 58(4), 989-1021.
- Hassani, M; & Lal bar, A. (2021). The effect of competitive strategies (cost leadership and differentiation) and the ability to manage profit quality and cost stickiness in listed companies. *Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, 5(18), 229-262. (In Persian)

- Höglund, H; & Sundvik, D. (2019). Do auditors constrain intertemporal income shifting in private companies? *Accounting and Business Research*, 49(3), 245–270.
- Huang, A. H; Lehavy, R; Zang, A. Y; & Zheng, R. (2018). Analyst information discovery and interpretation roles: A topic modeling approach. *Management science*, 64(6), 2833-2855.
- Ibrahim, A. E. A; Ali, H; & Aboelkheir, H. (2022). Cost stickiness: A systematic literature review of 27 years of research and a future research agenda. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 46, 100439.
- Kama, I; & Weiss, D. (2013). Do earnings targets and managerial incentives affect sticky costs? *Journal of accounting research*, 51(1), 201-224.
- Karimzadeh, A; Rezaei, N; Hajiha, Z, & Abdi, R. (2022). Examining the relationship between the elements of organizational culture of managers and the asymmetric behavior of costs. *Capital Market Analysis*, 6 (2), 52-77. (In Persian).
- Karimzadeh, A; Rezaei, N; Hajiha, Z, & Abdi, R. (2022). The effect of competitive factors on the asymmetric behavior of costs. *Ethics and behavior studies in accounting and auditing*, 2 (1), 29-52. (In Persian).
- Khajavi, S; Ghayouri Moghadam, A; & Hajeb, H. R. (2021). Investigating the Effect of Trade Credit on Cost Stickiness. *Financial Accounting Knowledge*, 8(3), 125-141. (In Persian).
- Khajavi, S; & Ghaury Moghadam, A. (2021). Investigating the Role of Managers 'Capacity and the Conflict of Interests in the Usefulness of Cost Stickiness: Evidence of Consciously Decisions in the Cost Stickiness Phenomenon. *Financial Management Strategy*, 9(2), 1-20. (In Persian).
- Khoshkar, A; Rezaei, N; Hajeha, Z, & Abdi, R. (2022). The effect of reducing profit management and intellectual capital efficiency on asymmetric cost behavior, *Journal of Research in Accounting and Economic Sciences*, 5(19), 9-19. (In Persian)
- khoshkar, F; Aghaei, H; & Saedi, F. (2022). The effect of cost stickiness on the quality of financial disclosure in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Management Vision*, 4(54), 86-97. (In Persian)
- Kitching, K; Mashruwala, R; & Pevzner, M. (2016). Culture and cost stickiness: A cross-country Study. *The International Journal of Accounting*, 51(3), 402–417.
- Li, J; & Sun, Z. (2023). Cost stickiness, earnings forecast accuracy, and the informativeness of stock prices about future earnings: evidence from China. *Humanities and Social Sciences Communications*, 10(1), 1-16.
- Li, W; & Zheng, K. (2018). Rollover risk and managerial cost adjustment decisions. *Accounting and Finance*, 60(3), 2843–2878.
- Loh, R. K; & Stulz, R. M. (2018). Is sell-side research more valuable in bad times? *The journal of finance*, 73(3), 959-1013.

- Lopatta, K; Kaspereit, T; & Gastone, L.-M. (2020). Managerial style in cost asymmetry and shareholder value. *Managerial and Decision Economics*, 41(5), 800-826.
- Miller, D; & Friesen, P. H. (1984). A longitudinal study of the corporate life cycle. *Management science*, 30(10), 1161-1183.
- Momeni, A; & Mohammadi, M. (2022). Investigating the relationship between cost stickiness and the risk of falling stock prices in companies admitted to the Tehran Stock Exchange Organization. *Scientific Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 5 (17), 73-90. (In Persian).
- Muslimi, M; & Javadinia. A. (2022). Investigating the effect of social capital on cost stickiness: Evidence from TSE. *Scientific Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 5 (18), 167-191. (In Persian).
- Naqshbandi, N; Akbarkhani, M, & Keshtgar, E. (2020). Investigating the impact of cost stickiness and ownership concentration on company risk. *Accounting and Management Perspective*, 2 (18), 28-47. (In Persian).
- Naoum, V. C; Ntounis, D; Papanastasopoulos, G; & Vlismas, O. (2023). Asymmetric cost behavior: Theory, meta-analysis, and implications. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 100578.
- NikBakht, M, & Pourbagarian, A. (2020). Presenting the stickiness model of costs based on intellectual capital. *Knowledge of Accounting and Management Audit*, 9 (33), 141-156. (In Persian).
- Nik Kar, J; Hamidi, E; & Abedini, S. (2022). Effects of Managers' Optimistic and Myopic Behavior on the Asymmetry of Cost Behavior and Various Companies' Strategies. *Journal of Asset Management and Financing*, 10(1), 93-116. (In Persian)
- Parsaei, M; & sohrabi, S. (2022). Trade Credit and Cost Stickiness Focusing on the Agency Problem and Customer Concentration. *Empirical Research in Accounting*, 12(2), 65-90. (In Persian).
- Rezazadeh, B; Khajovi, S, & Salehi, E. (2021). Investigating the effect of uncertainty of macroeconomic variables on cost stickiness. *Financial and Behavioral Researches in Accounting*, 1(1), 68-86. (In Persian).
- Rezazadeh, B; Khajovi, S, & Salehi, & E. (2021). Investigating the effect of cost stickiness on the company's value creation, emphasizing the moderating role of the CEO's power in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Auditing Knowledge*, 21 (85), 319-348. (In Persian).
- Sajadi, H; & Banabi Gadim, R. (2023). The effect of cost stickiness on dividend stickiness with an emphasis on maintaining liquidity. *Management Accounting*, 16(57), 168-187. (In Persian)
- Samaniyan, S; Bandariyan, A; Samaniyan, A; & Mashipor, K. (2022). Investigating the effect of Political Connections and Economic Sanctions on Cost Stickiness with Emphasis on the Role Institutional ownersheep: Test of Political Economy

- and Agency Theory in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Management Vision*, 4(55), 104-121. (In Persian)
- Shust, E; & Weiss, D. (2014). Discussion of asymmetric cost behavior—Sticky costs: Expenses versus cash flows. *Journal of Management Accounting Research*, 26(2), 81–90.
- Silge, L; & Wöhrmann, A. (2021). Market reaction to asymmetric cost behavior: the impact of long-term growth expectations. *Review of Managerial Science*, 15(2), 309-347.
- Spence, M. (1979). Investment strategy and growth in a new market. *Bell Journal of Economics* 10 (1), 1–19.
- Vadiei Noghani, M.H; & Salehi Vaziri, M. (2022). Investigating the relationship between labor adjustment costs and cost stickiness. *Ethics and behavior studies in accounting and auditing*, 2(1), 7-28. (In Persian).
- Venieris, G; Naoum, V. C; & Vlismas, O. (2015). Organisation capital and sticky behaviour of selling, general and administrative expenses. *Management Accounting Research*, 26, 54–82.
- Via, N; & Perego, P. (2014). Sticky cost behaviour: Evidence from small and medium sized companies. *Accounting and Finance*, 54(3), 753–778.
- Weiss, D. (2010). Cost behavior and analysts' earnings forecasts. *The Accounting Review*, 85(4), 2442-2472.
- Wernerfelt, B. (1985). The dynamics of prices and market shares over the product life cycle. *Management Science*, 31(8), 928-939.
- Yang, D. (2015). Mergers, CEO hubris, and cost stickiness. *Emerging Markets Finance and Trade*, 51(5), 46–63.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

تأثیر خوانایی صورتهای مالی بر سرعت تعدیل اعتبار تجاری شرکت‌ها^۱

محمد حسین فتحه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

مقاله پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر در پی ردیابی نقش خوانایی صورتهای مالی بر سرعت تعدیل اعتبار تجاری شرکت‌ها است. در راستای حصول به اهداف پژوهش اطلاعات نمونه‌ای مرکب از ۱۳۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که طبق الگوی حذف سیستماتیک انتخاب شده بودند برای یک دوره زمانی ۱۳ ساله سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۴۰۱ گردآوری شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از یک مدل رگرسیون چندمتغیره با رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته^۳ بهره گرفته شد. جهت سنجش سرعت تعدیل اعتبار تجاری از مدل قبلاً توسعه داده شده توسط لو (۲۰۲۲) و افلاطونی و همکاران (۱۴۰۱) و جهت سنجش خوانایی صورتهای مالی از شاخص فوگ استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که سرعت تعدیل اعتبار تجاری در نمونه پژوهش حدود ۷۰ درصد است، یعنی شرکت‌ها قادرند در هر سال ۷۰ درصد از فاصله ایجاد شده تا اعتبار تجاری بهینه را جبران نمایند. همچنین خوانایی صورتهای مالی بر سرعت تعدیل اعتبار تجاری تأثیرگذار است و با ارتقای این عامل سرعت دستیابی شرکت‌ها به اعتبار تجاری بهینه افزایش خواهد یافت. پژوهش جاری مدارکی فراهم آورد که نشان می‌دهد پیچیدگی کمتر اطلاعات صورتهای مالی برای استفاده کنندگان و تأمین کنندگان اعتبار می‌تواند سرعت تعدیل اعتبار تجاری را در رسیدن به اعتبار تجاری هدف افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی: اعتبار تجاری هدف، سرعت تعدیل اعتبار تجاری، خوانایی صورتهای مالی، کیفیت ارائه اطلاعات مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: G32، G33، H81.

doi: 10.22051/JERA.2024.45479.3180

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (Mh_fatkeh@pnu.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

3. Generalized Moments Approach (GMM)

مقدمه

اعتبار تجاری یک منبع مهم تأمین مالی برای شرکت‌ها است (لو^۱، ۲۰۲۲). مدیران مالی مسئول تصمیم‌گیری در مورد میزان استفاده از اعتبار تجاری در شرایط مختلف اقتصادی هستند. اعتبار تجاری به‌عنوان یک منبع تأمین مالی (در مقابل تأمین مالی بانکی)، اگرچه بیشترین میزان استفاده را در بازار دارد، اما تا به امروز به میزان زیادی مورد غفلت واقع شده است، زیرا این عامل، نه تنها یکی از منابع مهم تأمین مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط، بلکه برای شرکت‌های بزرگ تجاری کاربرد دارد (آسیف و نیسار^۲، ۲۰۲۲ و دائو و همکاران^۳، ۲۰۲۲). ادبیات پیشین شواهدی را ارائه می‌دهد که اعتبار تجاری تقریباً یک‌چهارم کل دارایی‌های یک شرکت و حدود نیمی از بدهی‌های کوتاه‌مدت آن را در دو نمونه مختلف از شرکت‌های متوسط بریتانیایی و شرکت‌های کوچک آمریکایی را به خود اختصاص داده است که این اطلاعات می‌تواند هم برای ارسال اطلاعات به بانک‌ها به‌منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هم در زمان اعتبار بندی شرکت‌ها مورد استفاده قرار گیرد (سیلاقی و موراکس^۴، ۲۰۱۹، گانکالوز و همکاران^۵، ۲۰۱۸). سرعت تعدیل اعتبار تجاری نشان‌دهنده سرعت دستیابی شرکت‌ها به سطح بهینه یا همان هدف اعتبار تجاری است که شرکت می‌تواند بیشترین استفاده را از این منبع تأمین مالی نماید (لو، ۲۰۲۲ و خو و آدریان^۶، ۲۰۲۲)؛ زیرا اعتبار تجاری مهم‌ترین منبع تأمین مالی کوتاه‌مدت است که نقش اساسی در فعالیت‌های تجاری هر شرکت داشته باشد و سطح بالای استفاده از این منبع و سرعت بالای تعدیل آن نشان‌دهنده میزان اعتماد تأمین‌کنندگان و اعتباردهندگان به شرکت‌ها می‌باشد (افلاطونی و همکاران و وانگ و همکاران^۷، ۲۰۲۳). شرکت‌های دارای اعتبار تجاری بالا، بدون پرداخت وجه نقد، کالا و خدمات مورد نیاز خود را از تأمین‌کنندگان دریافت کرده و بانک‌ها و سایر اعتباردهندگان نیز با بررسی اعتبار تجاری شرکت اقدام به اعطای تسهیلات به آن‌ها می‌نمایند (ایزدی نیا و طاهری، ۱۳۹۵ و خوشدل، ۱۴۰۱). شرکت‌ها اغلب از سطح هدف و بهینه اعتبار تجاری منحرف شده و در این شرایط شرکت نمی‌تواند از تمام قابلیت‌های خود در این زمینه استفاده نماید که مدیران در تلاش هستند که با سرعت بالاتری به

1. Lou.
2. Asif, Nisar.
3. Dao et al
4. Silaghi, Moraux.
5. Gonçalves et al
6. Khoo, Adrian.
7. Wang et al.

اعتبار تجاری هدف دست یابند، زیرا این گونه از تأمین اعتبار جایگزین مناسبی برای تأمین مالی خارجی می‌باشد و عوامل گوناگونی می‌تواند بر دستیابی شرکت به سطح بهینه اعتبار تجاری تأثیرگذار باشد (لو، ۲۰۲۲).

ساختار صورت‌های مالی در گزارش‌های ارائه‌شده به بازار می‌تواند در به دست آوردن، ارزیابی و سنجش محتوای اطلاعاتی آن مؤثر باشد. خوانایی کم صورت‌های مالی و پیچیدگی زیاد آن می‌تواند استخراج محتوای اطلاعاتی موردنیاز را برای سرمایه‌گذاران دشوارتر کند (داداشی و نوروزی، ۱۳۹۹). همین امر باعث می‌شود سرمایه‌گذاران اطلاعات را غیرقابل اعتماد بدانند و در نتیجه کمتر به آن واکنش نشان دهند. سرمایه‌گذار آگاه در شرکتی سرمایه‌گذاری می‌کند که صورت‌های مالی آن شفاف، خوانا و دقیق‌تر است (سیف زاده و همکاران^۱، ۲۰۲۱). مهدوی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی بیان نمودند که مدیران توانمند سعی می‌کنند با ارائه اطلاعات با کیفیت بالا به اعتباردهندگان نظر آن‌ها را به شرکت جلب نمایند. خوانایی صورت‌های مالی اطلاعات ارزشمندی در مورد عملکرد مالی شرکت ارائه می‌دهد. بنابراین قضاوت اعتباردهندگان در مورد اطلاعات غیرحسابداری در این شرایط حساس‌تر می‌شود؛ یعنی تأثیر سایر اطلاعات محیطی بر قضاوت آن‌ها معنادار بوده و کمتر از اطلاعات حسابداری شرکت خواهد بود، زیرا اعتباردهندگان باید از بازگشت اعتبارات داده‌شده اطمینان خاطر پیدا کرده که اقدام به عرضه اعتباری خدمات و تولیدات خود نمایند و زمانی که صورت‌های مالی با کیفیت بالا عرضه شود مطالب گویای عملکرد مالی شرکت خواهد بود (یو^۲، ۲۰۲۲ و حسن و همکاران^۳، ۲۰۲۲)؛ بنابراین این سؤال در ذهن نقش می‌بندد که آیا خوانایی صورت‌های مالی تأثیری بر سرعت دستیابی شرکت به اعتبار تجاری بهینه دارد؟

با بررسی مطالعات پیشین در داخل و خارج از کشور تاکنون پاسخی به پرسش فوق داده نشده است و با توجه به بالا بودن هزینه سرمایه و هزینه تأمین مالی از طریق استقراض در داخل کشور برای شرکت‌ها و خطری که تأمین مالی زیاد از طریق بدهی می‌تواند در صورت عدم پرداخت به موقع اصل و سود این گونه بدهی‌ها در آینده برای شرکت به وجود آورد، بررسی این مورد که شرکت‌ها توسط چه عواملی می‌توانند سرعت تعدیل اعتبار تجاری خود را افزایش داده

1. Seifzadeh et al.

2. Yu.

3. Hasan et al.

که بتوانند با حداکثر ظرفیت و گنجایش از این عامل استفاده نمایند و به اعتبار تجاری بهینه (هدف) دست یابند از ضرورت بالایی برخوردار است، ضمن اینکه از طرف مقابل نیز رکن اصلی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان همان اطلاعات گزارش‌های مالی است که اگر به صورت خوانا و با پیچیدگی کمتری به آن‌ها عرضه گردد، می‌تواند تصمیمات مطمئن‌تری در جهت اعطای اعتبار کسب نمایند و از بازگشت اصل سرمایه خود اطمینان خاطر کسب نمایند. درنهایت با توجه به مطالب بیان‌شده هدف اصلی پژوهش حاضر نیز پاسخ کاربردی به همین سؤال است که آیا می‌توان با ارائه اطلاعات با کیفیت و خوانایی بالاتر، سریع‌تر به سطح اعتبار تجاری بهینه دست یافت. در ادامه ساختار پژوهش ابتدا بسط مبانی نظری، فرضیه‌ها و مبانی تجربی پژوهش ارائه شده و در ادامه به روش‌شناسی، تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش و نهایتاً یافته‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش پرداخته شده است.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

همان‌گونه که بیان گردید اعتبار تجاری یک منبع مهم تأمین مالی برای شرکت‌های کوچک و بزرگ سراسر جهان است (لو، ۲۰۲۲). شرکت‌ها برای استفاده مناسب از موقعیت‌های سرمایه‌گذاری به منابع مالی نیاز مبرم دارند، لذا منابع مالی و استفاده از آن‌ها باید به نحوی تعیین شود تا شرکت بتواند در مسیر توسعه و سودآوری حرکت نماید (کامیابی و گرجیان، ۱۳۹۵ و خواجه‌وی و همکاران، ۱۴۰۰). اعطای اعتبارات تجاری توافقی است مابین خریداران و فروشندگان که بر اساس آن فروشندگان به خریداران مجوز این را می‌دهند که بتوانند پول کالاها و خدمات خریداری شده را با تأخیر زمانی معین پرداخت نمایند (افلاطونی و نوروزی، ۱۳۹۹ و ما و همکاران^۱، ۲۰۲۲). مزیت اعتبار تجاری این است که نیازی نیست مشتری مبلغ نقدی برای دریافت کالا را در زمان خرید پردازد و تنها از طریق ثبت حساب بدهی یا پرداختی در ترازنامه مشتری ایجاد و وی را قادر می‌سازد این پول را در آینده، پرداخت کند. در این خصوص می‌توان حساب‌های دریافتی را به‌عنوان جایگزین پول نقد در نظر گرفت، بنابراین اعتبار تجاری را می‌توان به‌عنوان یکی از ابزار سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت در نظر گرفت (سیلاقی و موراکیس، ۲۰۱۹ و لو، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲). شرکت‌هایی با سطح اعتبار تجاری بالا می‌توانند بدون پرداخت وجه نقد، کالا و خدمات موردنیاز خود را دریافت نمایند. همچنین اعتباردهندگان نیز می‌توانند

با سنجش میزان اعتبار تجاری شرکت، اعطای تسهیلات نمایندند. اگر توان بازپرداخت بدهی در شرکتی پایین ارزیابی شود، اعتباردهندگان به شرکت اعتماد لازم را نداشته و برای اعطای تسهیلات، نرخ بهره بالاتری را خواستار خواهند شد. در نتیجه، شرکت‌ها به‌طور مستمر به دنبال افزایش رتبه اعتبار تجاری خود می‌باشند (ما و همکاران^۱، ۲۰۲۲ و خوشدل، ۱۴۰۱). از سوی دیگر اعتباردهندگان نیز نگران این موضوع هستند که مبادا اعتبار گیرندگان با بحران مالی مواجه و قادر به بازپرداخت اصل و فرع بدهی‌هایشان نشوند، زیرا تصمیم‌های اعتباری بر انعطاف‌پذیری مالی آتی شرکت‌ها تأثیرگذار است و می‌تواند آن را به مخاطره روبرو سازد (مرادی و کرمی، ۱۳۹۸ و آسیف و نیسار^۲، ۲۰۲۲)؛ بنابراین شرکت‌ها در تلاش‌اند با سرعت بالاتری به سطح بهینه اعتبار تجاری دست یابند. سرعت تعدیل اعتبار تجاری، مدت‌زمانی است که شرکت، سطح اعتبار تجاری خود را تعدیل و به‌سوی آن سطح از اعتبار تجاری بهینه که قبلاً هدف‌گذاری کرده است حرکت و به آن دست می‌یابد (لو، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ و افلاطونی و همکاران، ۱۴۰۱).

بحث مربوط به وضعیت اعتباری شرکت‌ها، نه تنها برای شرکت‌ها بلکه برای سایر ذینفعان شرکت از جمله بستانکاران و سرمایه‌گذاران فعلی با اهمیت است (ابوها موس^۳، ۲۰۲۱). وضعیت مالی بلندمدت مشتریان نیز، هنگامی که عرضه‌کنندگان قصد دارند ارتباط بلندمدتی با آن‌ها داشته باشند، اهمیت بسیار زیادی دارد (افلاطونی و نعمتی، ۱۳۹۷). مدیران به علت نامناسب بودن وجهه تأمین مالی برون‌سازمانی و در کانون توجه رقبا قرار گرفتن، طبق نظریه نمایندگی مدیران متقاضی استفاده از اعتبار تجاری بوده و تمام تلاش خود را در این زمینه به کار می‌بندند زیرا طبق نظریه سلسله مراتبی، هزینه عدم تقارن اطلاعاتی به‌واسطه عدم شفافیت اطلاعات در تأمین مالی برون‌سازمانی بسیار بالا می‌باشد (اورلوا و رآو^۴، ۲۰۱۸ و صالحی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین طبق نظریه زمان‌بندی بازار به‌واسطه ارتقای بالاتر سطح کیفی گزارش مالی بنابراین سرعت تعدیل اعتبار تجاری ارتقا خواهد یافت (مایرز و ماجلوف^۵، ۱۹۸۴ و افلاطونی و همکاران، ۱۴۰۱). لو (۲۰۲۲) با بررسی تأثیر کووید ۱۹^۶ بر سرعت تعدیل اعتبار

1. Ma et al.
2. Asif, Nisar.
3. Abuhomms.
4. Orlova, Rao.
5. Myers, Majluf.
6. Covid-19.

تجاری نشان داد که کووید-۱۹ به طور قابل توجهی سرعت همگرایی شرکت‌های آمریکایی را به سمت اعتبار تجاری هدف افزایش داده و علاوه بر این، شرکت‌هایی که در معرض ریسک عملیاتی بالاتری قرار داشتند، بیشتر متمایل هستند که اعتبار تجاری خود را در مقایسه با شرکت‌هایی که کمتر در معرض ریسک هستند تعدیل نمایند. حسن و الم^۱ (۲۰۲۲) رابطه بین قابلیت استقرار مجدد دارایی و استفاده شرکت‌ها از اعتبار تجاری را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد قابلیت استقرار مجدد دارایی تأثیر مهمی بر تأمین مالی کوتاه‌مدت شرکت‌ها دارد. آسیف و نیسار^۲ (۲۰۲۲) نیز با بررسی تأثیر اعتبار تجاری بر عملکرد مالی شرکت، عنوان کردند که نتایج آماری مدل مورد استفاده از تأثیرگذاری قوی اعتبار تجاری در تحریک عملکرد مالی شرکت، پشتیبانی می‌کند. اگر مشتریان بتوانند تعهدات خود را به موقع پرداخت نمایند، عرضه‌کنندگان مشکلی در اعطای اعتبار نخواهند داشت؛ اما در عمل عدم پرداخت به موقع تعهدات از سوی مشتریان، نگرانی‌هایی را برای عرضه‌کنندگان به دنبال دارد، زیرا اغلب مشتریان تعهدات خود را با تأخیر پرداخت می‌کنند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۶). لو (۲۰۲۲) در پژوهش خود این گونه بیان داشته که شرکت‌ها یک اعتبار تجاری هدف را دارا می‌باشند و از یک مدل پویا استفاده می‌کند تا نشان دهد که شرکت‌ها فعالانه به سمت اعتبار تجاری هدف حرکت می‌کنند و شرکت‌ها در ایالات متحده با سرعت تعدیل حدود ۷۰ درصد شکاف بین اعتبار تجاری واقعی و هدف در هر سال را پوشش می‌دهند. افلاطونی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی با بررسی ریسک عملیاتی و توان رقابت در بازار و تأثیر آن در دستیابی به اعتبار تجاری بهینه این گونه بیان نمودند که در نمونه پژوهش مورد استفاده در پژوهش سرعت تعدیل اعتبار تجاری حدود ۶۵ درصد است و با افزایش ریسک عملیاتی و توان رقابت شرکت در بازار، سرعت دستیابی به اعتبار تجاری بهینه افزایش خواهد یافت.

گزارش‌های مالی شرکت‌ها از اساسی‌ترین ارکان اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان در بازار سرمایه است که از جمله آن‌ها می‌توان به سهامداران، تحلیلگران و اعتباردهندگان مالی اشاره کرد. از این رو این اطلاعات می‌بایست به آسانی قابل درک باشد (بین همکاران^۳، ۲۰۲۲ و مهدوی و همکاران، ۱۴۰۱). مطالعات پیشین نشان داده است که در واقع

1. Hasan, Alam.

2. Asif, Nisar.

3. Yin et al.

عدم تقارن اطلاعاتی در تصمیم‌گیری راجع به اعتبار تجاری یک عامل مؤثر است (پیکه و همکاران^۱، ۲۰۰۵ و احمدی و قائمی، ۱۳۹۷). همچنین میزان کیفیت گزارش مالی و کیفیت افشا تعیین‌کننده میزان اعتبار تجاری است (چن و همکاران^۲، ۲۰۱۷ و افلاطونی و نعمتی، ۱۳۹۷). رحمان و همکاران^۳ (۲۰۲۳) در پژوهشی با بررسی رقابت در بازار محصول و خوانایی صورت‌های مالی این‌گونه بیان نمودند که با افزایش رقابت در یک صنعت، شرکت‌ها خوانایی گزارش‌های سالانه خود را کاهش می‌دهند. الدوساری و ملجی^۴ (۲۰۲۳) در پژوهشی عنوان نمودند که بهبود خوانایی گزارش‌های سالانه، علاوه بر تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر آن و الزامات افشای داوطلبانه، به‌منظور کمک به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی برای درک موضوع اطلاعات و تسهیل در تصمیم‌گیری ضروری است؛ بنابراین خوانایی گزارش‌های مالی از طریق افزایش کیفیت کلی در افشای اطلاعات و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی با دستیابی به اعتبار تجاری رابطه مستقیم دارد (سو و همکاران، ۲۰۲۰). خوانایی گزارشگری مالی به احتمال موفقیت خواننده در خواندن یک متن یا نوشته و همچنین به‌عنوان وضوح متن و موفقیت در قابل‌فهم بودن اطلاعات مالی تعریف می‌شود که به درک اعداد و ارقام مندرج در صورت‌های مالی کمک می‌کند و از اهمیت بالایی برخوردار است (سیف‌زاده و همکاران^۵، ۲۰۲۱ و یو^۶، ۲۰۲۲). سو و همکاران^۷ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان خوانایی گزارشگری مالی و اعتبار تجاری بیان داشتند که نتایج حاصل از مطالعه ۴۷۵۴ شرکت در دوره ۲۰۰۴-۲۰۱۶ نشان داد که تأمین‌کنندگان، اعتبار تجاری بیشتری را به شرکت‌هایی با گزارش‌های مالی خواناتر اعطا می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، خوانایی صورت‌های مالی اطلاعات ارزشمندی در مورد عملکرد مالی شرکت ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، تئوری ابهام‌مدیریتی بیان می‌کند که مدیران انگیزه دارند اطلاعات صورت‌های مالی را به‌صورت پیچیده در شرایط بد و بحرانی شرکت ارائه دهند یا از نظر استراتژیک شفافیت کمتری را در افشا نشان دهند (رضایی پسته نوعی و صفری گرایلی، ۱۳۹۷). سیف‌زاده و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با بررسی ویژگی‌های مدیران و خوانایی

1. Pike et al.

2. Chen et al.

3. Rahman et al.

4. Aldosari, Melegi.

5. Seifzadeh et al.

6. Yu.

7. Xu et al.

صورت‌های مالی نشان دادند که بین استقرار مدیریتی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی رابطه منفی و بین مدیریت سود واقعی، نزدیک‌بینی مدیران، خودشیفتگی و اعتماد بیش از حد مدیران و خوانایی صورت‌های مالی رابطه مثبت وجود دارد. یو (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان خوانایی صورت‌های مالی و محافظه‌کاری حسابداری این‌گونه بیان کردند که محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند بر اطلاعات کمی صورت‌های مالی تأثیر بگذارد. خوانایی صورت‌های مالی می‌تواند با افزایش شفافیت و قابل فهم بودن گزارش‌های مالی، از رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه بکاهد (داداشی و نوروزی، ۱۳۹۹). شواهد هر چه پیچیدگی متن گزارش‌های مالی کمتر باشد سطح درک افزایش می‌یابد. به‌طور خلاصه، سرمایه‌گذاران بیشتر بر صورت‌های مالی خواناتر تکیه و تصمیمات خود را مطمئن‌تر اتخاذ می‌نمایند. باقری ازغندی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان خوانایی صورت‌های مالی و حساسیت سرمایه‌گذاران به استفاده از اطلاعات حسابداری این‌گونه بیان کردند که رابطه معنادار و معکوس بین خوانایی صورت‌های مالی و حساسیت سرمایه‌گذاران به استفاده از اطلاعات حسابداری می‌باشد. از سوی دیگر، صورت‌های مالی ناخوانا (ممکن است نشانه‌ای از عملکرد ضعیف مدیریت باشد) و باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان ادعاهای مدیریت را قابل‌اتکا نبینند و در نتیجه به جستجوی سایر منابع اطلاعاتی (غیر حسابداری) برای تأیید صحت مدیریت بپردازند (باقری ازغندی و همکاران، ۱۳۹۷). یین و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی بیان کردند که گزارش‌های مالی مبهم منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود. حسن و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی بیان نمودند که خواندن گزارش‌های سالانه آسان (سخت) به‌طور قابل توجهی با لحن مثبت (منفی) مرتبط است و بانک‌هایی با ریسک‌های مالی بالاتر گزارش‌های سالانه پیچیده‌تر را منتشر می‌کنند. نوروزی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی بیان نمودند که خوانایی گزارشگری مالی موجب کاهش هزینه نمایندگی در شرکت می‌گردد. بیایس و گالیر^۳ (۱۹۹۷) با طراحی مدل اعتبار تجاری خود، به صورت نظری نشان دادند که دلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی، فروشنده آگاهی کاملی از وضعیت خریدار ندارد؛ اما با استفاده از مجموعه علائمی که خریدار به بازار مخابره می‌کند، فروشنده می‌تواند تا حدی از وضعیت خریدار آگاه شود و

1. Yin et al.

2. Hasan et al.

3. Biais & Gollier

تصمیم درستی در خصوص اعطای اعتبار به خریدار اتخاذ کند. افزون بر آن، در شرایط وجود اعتبار تجاری، خریدار می‌تواند کیفیت محصول را قبل از پرداخت وجه آن بررسی کند. از جمله عواملی که موجب افزایش آگاهی فروشنده از خریدار و ارائه ساده‌تر اعتبار تجاری می‌شود، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین آن دو است. خریدار می‌تواند با افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین خود و اعتباردهنده شود و به این طریق، اعتبار تجاری بیشتری از فروشنده دریافت کند (یان^۱، ۲۰۱۳). بنابراین، با توجه به مطالب بیان‌شده، حدس بخردانه پژوهش بر آن است، که در واقع، خوانایی بالای گزارشگری مالی و پیچیدگی کمتر صورت‌های مالی باعث افزایش سرعت دستیابی شرکت‌ها به اعتبار تجاری بهینه خواهد شد، بدین معنا که شکاف بین اعتبار تجاری هدف (اسمی) و واقعی با سرعت بیشتری کاهش یافته و در نهایت، شرکت‌ها می‌توانند از حداکثر ظرفیت اعتبار تجاری استفاده نمایند و از همین رو فرضیه پژوهش به صورت زیر ارائه شده است:

فرضیه پژوهش: خوانایی صورت‌های مالی بر سرعت تعدیل اعتبار تجاری تأثیر گذار است.

روش‌شناسی پژوهش

به دلیل وجود مبانی نظری پایه‌ای مرتبط با متغیرهای موردبررسی، پژوهش حاضر از لحاظ هدف اجرا در جزو پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ شیوه اجرا به دلیل عدم بررسی تأثیر تغییر یک متغیر (مستقل) جهت سنجش تأثیر آن روی متغیر دیگر (وابسته) بلکه بررسی متغیرها همان‌گونه که هستند و بدون دست‌کاری در آن‌ها، در زمره پژوهش‌های توصیفی- علی دسته‌بندی می‌شود. همچنین به دلیل تاریخی و پس‌رویدادی بودن داده‌های موردنیاز پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و آرشیوی جهت گردآوری داده‌های موردنیاز آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید. به دلیل سهولت دسترسی و قابل‌اتکاء بودن، جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را شامل می‌شود که بعد کنارگذاری شرکت‌های با انتهای دوره مالی غیر از پایان اسفند و شرکت‌های که دوره مالی خود را در دوره پژوهش تغییر داده‌اند همچنین شرکت‌های با اطلاعات ناکافی جهت حصول به قابلیت مقایسه و همچنین شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها و بیمه‌ها به جهت اطمینان از همگنی داده‌های موردنیاز به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت و گزارش شرکت‌های اخیر، اطلاعات ۱۳۵ شرکت

طبق الگوی غربال‌گری سیستماتیک انتخاب و داده‌های آن‌ها جهت حصول به نمونه کافی همانند پژوهش‌های مشابه برای یک دوره زمانی ۱۳ ساله ۱۳۸۹ لغایت ۱۴۰۱ گردآوری شد (به علت اینکه رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته با دوره‌های بالاتر نتایج مطمئن‌تری به پژوهشگر می‌دهد و همچنین با توجه به ترکیبی بودن نمونه، سعی شده بازه زمانی در نظر گرفته شود که ضمن قابلیت اتکای روابط آماری، حجم نمونه نیز کاهش پیدا نکند). داده‌های ترکیبی با اعمال بعد زمان و مکان در دوره‌های گوناگون اطلاعات کامل و قابل‌اتکاتری را در اختیار پژوهشگر قرار داده و جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش گشتاورهای تعمیم یافته، استفاده شده است. لازم به ذکر است هنگامی که در مدل متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر می‌شود دیگر برآوردگرهای سازگار نیست و باید از تخمین زن گشتاور تعمیم یافته که مبتنی بر الگوهای پویای پانلی است استفاده شود. برای تخمین مدل به وسیله این روش لازم است ابتدا متغیرهای ابزاری به کاررفته در مدل مشخص شوند. سازگاری تخمین زنده به معنی بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به وسیله دو آزمون آرلانو و باند (۱۹۹۱) و سارگان^۱ که معتبر بودن ابزارها را بررسی می‌کند انجام شود. آزمون همبستگی سریالی جملات خطا، وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون (همبستگی سریالی جملات خطا و سارگان) شواهدی را دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند. تخمین زنده سازگار است اگر همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد. آزمون فرضیه‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار ایویوز ۱۲ و روش‌های مناسب آماری برای آزمون نهایی فرضیه‌ها انجام پذیرفته است.

شیوه عملیاتی شدن متغیرهای پژوهش

الگوی رگرسیونی پژوهش

برای بررسی تأثیر خوانایی گزارشگری مالی بر سرعت تعدیل اعتبار تجاری به تبعیت از پژوهش لو (۲۰۲۱ و ۲۰۲۲) و افلاطونی (۱۴۰۱) از الگوی ریاضی زیر استفاده شده است.

1. Sargan test

رابطه (۱)

$$TR_{it} = \alpha + (1 - \lambda)TR_{it-1} + \phi_1 Read_{it} + \phi_2 Read_{it} \times TR_{it-1} + (\lambda\psi)Zit + v_{it}$$

متغیر مستقل پژوهش: خوانایی گزارشگری مالی

متغیر مستقل پژوهش، خوانایی صورت‌های مالی^۱ می‌باشد که به تبعیت از پژوهش صفری گرایلی و همکاران (۱۳۹۶) به منظور اندازه‌گیری آن از شاخص فوگک وسط استفاده شده است. سطح خوانایی گزارشگری مالی از طریق شاخص فوگک، تابعی از دو متغیر طول جمله برحسب تعداد کلمات آن و پیچیدگی کلمات (به صورت تعداد کلمات سه‌هجایی یا بیشتر تعریف می‌شود) است که از طریق رابطه (۱) اندازه‌گیری شده است:

رابطه (۲)

(۳/ مجموع شاخص فوگک در نمونه صد کلمه‌ای ابتدا، وسط و انتهای گزارش) = خوانایی گزارشگری مالی
برای نمونه‌گیری صد کلمه‌ای و محاسبه شاخص فوگک در هر یک از این نمونه‌ها به ترتیب زیر عمل می‌شود:

- ۱) انتخاب یک نمونه صد کلمه‌ای از ابتدا، وسط و انتهای گزارش به صورت تصادفی.
- ۲) شمارش تعداد جملات در هر یک از نمونه‌ها.
- ۳) مشخص کردن متوسط طول جملات برحسب تعداد کلمات آن از طریق تقسیم تعداد کلمات به تعداد جملات کامل هر نمونه یک صد کلمه‌ای.
- ۴) شمارش تعداد کلمات سه‌هجایی یا بیشتر به عنوان شاخص کلمات پیچیده در هر کدام از متون یک صد کلمه‌ای.
- ۵) پس از آن که میانگین تعداد کلمات در هر جمله و درصد کلمات پیچیده حاصل شد، شاخص فوگک برای هر یک از نمونه‌های یک صد کلمه‌ای ابتدا، وسط و انتهای گزارش از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود (صفری گرایلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ۲۲۲).

رابطه (۳)

(میانگین طول جمله برحسب تعداد کلمات آن + درصد کلمات پیچیده) $0/4 =$ شاخص فوگ
مقادیر بالا و پایین شاخص فوگ، به ترتیب میزان خوانایی کمتر و بیشتر گزارشگری مالی را
نشان می‌دهد. به منظور حصول معیار مستقیمی از شاخص فوگ با خوانایی گزارشگری مالی،
مقادیر این شاخص در عدد منفی یک (۱-) ضرب شده‌اند.

متغیر وابسته پژوهش: سرعت تعدیل اعتبار تجاری

به تبعیت از پژوهش لو (۲۰۲۱ و ۲۰۲۲) و افلاطونی (۱۴۰۱) با برآورد مدل زیر پدیده
بازگشت به میانگین در خصوص نسبت اعتبار تجاری شرکت‌ها بررسی شده است
(افلاطونی، ۱۴۰۱):

رابطه (۴)

$$\Delta TR_{i,t} = \alpha + \beta \Delta TR_{i,t-1} + u_{it}$$

که در آن، نسبت اعتبار تجاری^۱ معادل حساب‌ها و اسناد پرداختی بر کل دارایی‌ها برای
تقاضای اعتبار تجاری^۲ و همچنین حساب‌ها و اسناد دریافتی بر کل دارایی‌ها برای عرضه
تجاری^۳ است. همچنین نماد Δ عملگر تغییرات بین دوره جاری و دوره قبل است. منفی و معنادار
بودن ضریب متغیر ΔTR مؤید وجود رفتار بازگشت به میانگین در نسبت اعتبار تجاری و
بیان‌کننده این نکته است که شرکت‌ها برای خود نسبت اعتبار تجاری بهینه در نظر
می‌گیرند (افلاطونی و همکاران، ۱۴۰۱ و لو ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲).

با پیروی از افلاطونی (۱۴۰۱) مقادیر برازش شده رابطه زیر معادل سطح بهینه اعتبار
تجاری $TR^*_{i,t}$ تعریف می‌شود:

$$TR_{i,t} = \omega + \psi Z_{it} + \zeta_{it} \Leftrightarrow TR^*_{i,t} = \hat{\omega} + \hat{\psi} Z_{it} \quad \text{رابطه (۵)}$$

1. TR
2. APAY
3. AREC

که در رابطه فوق TR نسبت اعتبار تجاری است که از قبل تعریف شد، نماد Z بردار متغیرهای تعیین کننده نسبت اعتبار تجاری است که با پیروی از لو (۲۰۲۱ و ۲۰۲۲) و افلاطونی (۱۴۰۱) به شرح جدول زیر است:

جدول ۱. متغیرهای کاربردی از ویژگی‌های شرکت در مدل سرعت تعدیل

ردیف	نام متغیر	نماد متغیر	نحوه عملیاتی شدن
عوامل تشکیل دهنده اعتبار تجاری دریافتی			
۱	هزینه‌ها	Cost	بهای تمام شده کالای فروش رفته تقسیم بر کل دارایی‌ها
۲	تغییرات هزینه مثبت	$\Delta Cost^+$	اگر تغییرات هزینه مثبت باشد عدد یک و گرنه صفر.
۳	تغییرات هزینه منفی	$-\Delta Cost$	اگر تغییرات هزینه منفی باشد عدد یک و گرنه صفر.
بردار متغیرهای تعیین کننده نسبت اعتبار تجاری			
۴	اندازه شرکت	SIZE	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها
۵	موجودی انبار	Inventory	نسبت کل موجودی مواد و کالا به دارایی‌ها
۶	سود انباشته	RE	نسبت سود و زیان انباشته تقسیم بر کل دارایی‌ها
۷	عمر شرکت	AGE	لگاریتم طبیعی تفاضل تاریخ تأسیس از سال موردنظر.
۸	بدهی کوتاه مدت	Short debt	نسبت بدهی‌های جاری به کل دارایی‌ها
اعتبار تجاری پرداختی			
۹	اعتبار تجاری پرداختی	APAY	حساب‌های پرداختی تقسیم بر کل دارایی‌ها

منبع: لو، ۲۰۲۲ و افلاطونی، ۱۴۰۱

در ادامه برای سنجش سرعت دستیابی به نسبت اعتبار تجاری بهینه به پیروی از لو (۲۰۲۱) و ۲۰۲۲ (۲۰۲۲) و افلاطونی (۱۴۰۱) از مدل زیر استفاده شده است:

رابطه (۶)

$$TR_{i,t} - TR_{i,t-1} = \lambda(TR_{i,t}^* - TR_{i,t-1}) + v_{it}$$

که در آن $TR_{i,t}^* - TR_{i,t-1}$ میزان انحراف از سطح بهینه اعتبار تجاری است که شرکت باید آن را تصحیح کند و $TR_{i,t} - TR_{i,t-1}$ بخشی از انحراف سطح بهینه اعتبار تجاری است که در یک دوره، تصحیح می‌شود، بنابراین λ کسری از شکاف بین نسبت اعتبار تجاری واقعی و بهینه است که در یک دوره، تصحیح شده است؛ به همین دلیل، معادل سرعت تعدیل اعتبار تجاری واقعی و بهینه است که در یک دوره، تصحیح شده است، به همین دلیل، معادل سرعت تعدیل اعتبار تجاری فعلی یا سرعت دستیابی به اعتبار تجاری بهینه، تعریف می‌شود. با جایگذاری

نسبت اعتبار تجاری هدف $TR_{i,t}^*$ در رابطه (۴) و اندکی محاسبه، رابطه (۷) به دست می‌آید. این رابطه در عمل برای سنجش سرعت تعدیل اعتبار تجاری به کار می‌رود:

رابطه (۷)

$$TR_{it} = \alpha + (1 - \lambda)TR_{it-1} + (\lambda\psi)Zit + v_{it}$$

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش شامل آمار توصیفی و آمار استنباطی است که ابتدا در جدول زیر آمار توصیفی ارائه شده است.

جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. آمار توصیفی میزان پراکندگی داده‌ها را نشان می‌دهد و میانگین و انحراف معیار دو عامل مهم در آمار توصیفی هستند. در جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین سود انباشته شرکت‌ها با مقدار (۱/۳۴) نشان می‌دهد که اکثر داده‌ها حول همین نقطه است و به‌طور میانگین شرکت‌ها از سود انباشته مناسبی برخوردار هستند، ضمن اینکه کمینه این متغیر نشان‌دهنده شرکت‌هایی با زیان انباشته نیز است. بدهی کوتاه‌مدت شرکت یا همان بدهی جاری با مقدار (۰/۴۹) نشان‌دهنده این موضوع است که به‌طور متوسط شرکت‌ها نصف بدهی خود را به‌صورت بدهی جاری تأمین می‌کنند که تسویه سریع این بدهی‌ها می‌تواند ریسک درماندگی مالی شرکت را کاهش دهد. تغییرات هزینه مثبت و منفی اختلاف فاحشی با یکدیگر داشته که از طرفی ممکن است نشان‌دهنده هزینه در جهت افزایش تولیدات و مواردی از این دست باشد و از طرف دیگر بعد تورمی کشور ممکن است هزینه‌ها را برای شرکت‌ها افزایشی کرده و می‌بایست مدیران از حیث چسبندگی هزینه و بازگشت از طریق فروش متناسب راه‌کارهایی را بیندیشند. بالاترین انحراف معیار متعلق به سود انباشته شرکت‌ها با مقدار (۲/۹۸) و کمترین آن متعلق به تغییرات منفی هزینه با مقدار (۰/۱۰) است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	بالاترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
هزینه‌ها	Cost	۱/۶۵	۵/۷۸	۰/۰۰۳	۲/۱۱	۱/۱۵	۲/۷۰
تغییرات هزینه مثبت	$\Delta Cost^+$	۰/۳۵	۳/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۴۴	۲/۹۵	۱۶/۷۵
تغییرات هزینه منفی	$\Delta Cost^-$	-۰/۰۴۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۶۲	۰/۱۰	-۳/۳۶	۱۵/۱۵
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۶۲	۲۱/۵۷	۱۰/۰۳	۱/۷۵	۰/۷۲	۳/۸۳

متغیر	نماد	میانگین	بالاترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
موجودی انبار	Inventory	۰/۲۳	۰/۷۰	۰/۰۰۱	۰/۱۴	۰/۸۶	۳/۶۰
سود انباشته	RE	۱/۳۴	۱۱/۴۲	-۰/۳۰	۲/۹۸	۲/۶۲	۸/۶۶
عمر شرکت	AGE	۳/۶۰	۴/۲۶	۲/۰۷	۰/۳۸	-۰/۷۲	۲/۹۱
بدهی کوتاه‌مدت	Short debt	۰/۴۹	۰/۹۱	۰/۰۷۳	۰/۱۹	۰/۰۱۹	۲/۳۷
اعتبار تجاری پرداختی	APAY	۰/۱۶	۰/۶۹	۰/۰۰۰۲	۰/۱۴	۱/۳۰	۴/۳۶
خوانایی صورت‌های مالی	READ	-۱۷,۹۵	-۱۳,۰۶	-۲۳,۳	۱,۴۶	۰,۱۱	۳,۳۱

نتیجه نهایی آزمون فرضیه پژوهش

نتایج برآورد مدل در جدول (۳) نشان می‌دهد که سرعت تعدیل اعتبار تجاری پرداختی در شرکت‌ها حدود ۷۰ درصد است که نشان‌دهنده این مورد است که شرکت‌ها به‌طور متوسط سالانه سعی می‌کنند حدود ۷۰ درصد از انحراف از اعتبار تجاری بهینه را پوشش دهند که همین امر نشان‌دهنده این مورد است که شرکت‌ها تمایل به کار به‌صورت اعتباری دارند تا استفاده از بدهی (استناد به پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه سرعت تعدیل اهرم مالی و ساختار سرمایه) ضریب تعاملی (۰/۰۵۸-) که مورد استناد برای فرضیه پژوهش است نشان می‌دهد که با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۴) خوانایی گزارشگری مالی قادر است سرعت تعدیل اعتبار تجاری را بهبود بخشد؛ بنابراین فرضیه پژوهش در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود. با توجه به نتایج می‌توان گفت شرکت‌هایی که گزارش‌های مالی آن‌ها برای استفاده‌کنندگان و اعتباردهندگان از سطح خوانایی بیشتر و پیچیدگی کمتری برخوردار است، سریع‌تر از سایر شرکت‌ها می‌توانند به اعتبار تجاری بهینه دست یابند. تغییرات هزینه منفی (۰/۰۸۶)، اندازه شرکت (۰/۰۰۳) و عمر شرکت (۰/۰۵۶) در سطح معناداری ۵ و ۱۰ درصد بر متغیر وابسته پژوهش تأثیرگذار هستند.

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه پژوهش (اعتبار تجاری پرداختی)

$TR_{it} = \alpha + (1 - \lambda)TR_{it-1} + \phi_1 Read_{it} + \phi_2 Read_{it} \times TR_{it-1} + (\lambda\psi)Z_{it} + v_{it}$					
متغیر وابسته پژوهش: سرعت تعدیل اعتبار تجاری					
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
اعتبار تجاری پرداختی	APAY	۰/۳۰	۰/۰۵۵	۵/۵۷	۰/۰۰۰
خوانایی گزارشگری مالی	Read	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	-۱/۱۱	۰/۲۶
ضریب تعاملی	APAY × Read	-۰/۰۵۸	۰/۰۲۰	-۲/۸۸	۰/۰۰۴

$$TR_{it} = \alpha + (1 - \lambda)TR_{it-1} + \phi_1 Read_{it} + \phi_2 Read_{it} \times TR_{it-1} + (\lambda\psi)Zit + v_{it}$$

متغیر وابسته پژوهش: سرعت تعدیل اعتبار تجاری					
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
هزینه‌ها	Cost	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	-۱/۱۳	۰/۲۵
تغییرات هزینه مثبت	$\Delta Cost^+$	۰/۰۵۷	۰/۰۳۸	۱/۵۱	۰/۱۳
تغییرات هزینه منفی	$\Delta Cost^-$	۰/۰۱۷	۰/۰۱۰	۱/۷۱	۰/۰۸۶
موجودی انبار	Inventory	۰/۰۲۵	۰/۰۳۱	۰/۸۲	۰/۴۱
بدهی کوتاه‌مدت	Short debt	-۱/۰۲	۳/۱۵	-۰/۳۲	۰/۷۴
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۲/۹۲	۰/۰۰۳
سود انباشته	RE	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۶۱	۰/۵۳
عمر شرکت	AGE	۰/۰۱۹	۰/۰۱۰	۱/۹۰	۰/۰۵۶

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش گشتاورهای تعمیم یافته، استفاده شده است. لازم به ذکر است هنگامی که در مدل متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر می‌شود دیگر بر آوردگرهای سازگار نیست و باید از تخمین زن گشتاور تعمیم یافته که مبتنی بر الگوهای پویای پانلی است استفاده شود. برای تخمین مدل به وسیله این روش لازم است ابتدا متغیرهای ابزاری به کاررفته در مدل مشخص شوند. سازگاری تخمین زننده به معتر بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به وسیله دو آزمون آرلانو و باند (۱۹۹۱) و سارگان که معتبر بودن ابزارها را بررسی می‌کند انجام شود. آزمون همبستگی سریالی جملات خطا، وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون (همبستگی سریالی جملات خطا و سارگان) شواهدی را دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند. تخمین زننده سازگار است اگر همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد. نتایج این دو آزمون در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون‌های آرلانو-یوند و سارگان-هنسن

آزمون	نوع آزمون	آماره آزمون	معناداری
اعتبار ابزارها	آماره سارگان-هنسن	۳۵/۰۲۱	۰/۱۳
سطح خودهمبستگی (وقفه اول)	آماره آرلانو-یوند	-۱۶/۴۳	۰/۰۰۰۰
سطح خودهمبستگی (وقفه دوم)	آماره آرلانو-یوند	۰/۴۰۶	۰/۶۸

بحث و نتیجه‌گیری پژوهش

تصمیم‌گیری در مورد استفاده از اعتبار تجاری یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران سازمان‌ها و شرکت‌هاست. اعتبار تجاری به‌عنوان یک توافق دوجانبه بین تأمین‌کننده مایحتاج و درخواست‌کننده در ادبیات پیشین تعریف شده است. در واقع زمانی که خریدار یا فروشنده صورت می‌پذیرد و خریدار یا طرف فروشنده در پرداخت یا دریافت خود تأخیری دارند به زبان ساده از اعتبار تجاری استفاده شده است. در دوران حاضر که تأمین مالی شرکت‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌باشد و با توجه به بالا بودن هزینه سرمایه و تأمین مالی خارجی شرکت‌ها و احتمال مواجهه با ریسک ناتوانی در پرداخت به‌موقع تعهدات، این روش تأمین نهاده‌ها معقولانه‌تر از تأمین مالی از طریق بدهی به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی مطمئناً تأمین مالی و اعتباری از خارج از شرکت‌ها دشوارتر است و شرکت‌ها می‌بایست از سیاست‌های مالی دیگری که جایگزین مناسب این امر به‌خصوص در کوتاه‌مدت است استفاده نمایند که در کل دنیا مبحث اعتبارات تجاری اخیراً بسیار مورد استقبال قرار گرفته است. با در نظر گرفتن یک سطح از اعتبار تجاری بهینه می‌بایست یک سری اقدامات صورت پذیرد یا به بیان بهتر اقداماتی را در کنار وظیفه اصلی شرکت انجام داد که بتوان هر چه سریع‌تر به سطح بهینه اعتبار تجاری دست یافت. در بسیاری از پژوهش‌ها و متون مالی به این امر اشاره شده است که مبنای تصمیم‌گیری فعالان بازار سرمایه اعم از اعتباردهندگان همان صورت‌های مالی ارسالی شرکت‌ها به بازار سرمایه است و زمانی که این صورت‌ها و گزارش‌های پیوست آن از پیچیدگی کمتری برخوردار باشد و زبان مدیریت، قابل درک برای استفاده‌کنندگان باشد و مطالب شفاف و دقیق ارائه شده باشد، مطمئناً اعتباردهندگان تمایل بیشتری به اعطای اعتباری نهاده‌ها به شرکت خواهند داشت و همین امر می‌تواند دست‌یابی شرکت را به این گونه تأمین مالی را تسهیل بخشد؛ بنابراین زمانی که گزارش‌های مالی پیچیدگی کمتری داشته باشد کمک شایان به خوش‌نامی شرکت در تأمین نهاده‌ها و اعتبارات تجاری خواهد نمود و با سرعت بالاتر شرکت قادر خواهد بود شکاف بین اعتبار تجاری واقعی و اعتبار تجاری بهینه را پر کرده و به هدف خود دست یابد که گواه این مطلب نتایج حاصله از آزمون فرضیه پژوهش است که همان‌گونه که در آزمون فرضیه‌ها مشاهده شد در واقع اعتبار تجاری شرکت تحت تأثیر خوانایی صورت‌های مالی شرکت قرار دارد. نتایج حاصل شده به‌نوعی تایید و مکمل نتایج پژوهش‌هایی مانند مهدوی و همکاران (۱۴۰۱) و لو (۲۰۲۲) است. از آن‌جا که یکی از وظایف اصلی مدیران، تصمیم‌گیری درخصوص ترکیب و

میزان استفاده از منابع متفاوت تأمین مالی است (ون هورن، ۲۰۰۷) و یکی از مهمترین منابع تأمین مالی در کوتاه‌مدت، استفاده از اعتبار تجاری است (سیفرت، سیفرت و پروتوپاسیک، ۲۰۱۳)، بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌گردد مدیران شرکت‌ها به جهت بهره‌مندی از حداکثر اعتبار تجاری و افزایش سرعت دستیابی به آن، گزارش‌های مالی را به زبان ساده و بدون پیچیدگی در بازار سرمایه ارائه نموده تا استفاده‌کنندگان بتوانند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی حداکثر استفاده از اطلاعات را داشته باشند. به جهت روشن شدن کلیه جوانب امر پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران آتی نیز با تفکیک صنایع، موضوع حاضر را مورد بررسی بیشتر قرار دهند داده و نتایج را با نتایج پژوهش حاضر مقایسه نمایند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- احمدی، آمنه؛ قائمی، محمدحسین. (۱۳۹۷). مدیریت سود واقعی و خوانایی گزارشگری مالی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۷(۱۳): ۴۵-۷۲. https://www.arfr.ir/article_85300.html
- افلاطونی، عباس؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای اعتبار تجاری: رویکردهای ایستا و پویا. دانش حسابداری، ۱۱(۴۰): ۳۵-۵۹. doi: 10.22103/jak.2020.13295.2879
- افلاطونی، عباس؛ نعمتی، مرضیه. (۱۳۹۷). نقش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا در افزایش اعتبار تجاری: رویکرد متغیرهای ابزاری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۱): ۱-۲۰. doi: 10.22059/acctgrev.2018.249054.1007787
- افلاطونی، عباس؛ خزایی، مهدی؛ نیکبخت، زهرا. (۱۴۰۱). ریسک عملیاتی، توان رقابت در بازار و سرعت دستیابی به اعتبار تجاری بهینه. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۳(۴): ۲۳-۴۰. doi: 10.22108/far.2022.131665.1829
- ایزدی نیا، ناصر؛ طاهری، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵(۱۹): ۸۱-۱۰۱. doi: 10.22051/jera.2016.2159
- باقری ازغندی، ابوطالب؛ حصارزاده، رضا؛ عباس‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۷). خوانایی صورت‌های مالی و حساسیت سرمایه‌گذاران به استفاده از اطلاعات حسابداری. چشم‌انداز مدیریت مالی، ۸(۳): ۸۷-۱۰۳. magiran.com/p1926797
- خواجوی، شکرالله؛ غیوری مقدم، علی؛ حاجب، حمیدرضا. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر اعتبار تجاری بر چسبندگی هزینه‌ها. دانش حسابداری مالی، ۸(۳۰): ۱۲۵-۱۴۱. doi: 10.30479/jfak.2021.15556.2869
- خوشدل، علی. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر اعتبار تجاری بر هم‌زمانی قیمت سهام. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۶(۲۰): ۶۱۰-۶۲۸. <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/1290>
- داداشی، ایمان؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). بررسی اثر میانجی خوانایی گزارشگری مالی بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه سرمایه. دانش حسابداری، ۱۱(۴۰): ۱۳۵-۱۵۷. doi: 10.22103/jak.2020.11718.2629
- رضایی پسته نوعی، یاسر؛ صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۷). خوانایی گزارشگری مالی و احتمال گزارشگری متقلبانه. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۳۸): ۴۳-۵۸. doi: 10.22108/far.2019.113858.1337
- صالحی، مهدی؛ قناد، مصطفی؛ به سودی، افشین. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ساختار نظام راهبری شرکی بر اعتبار تجاری. پژوهشنامه اقتصاد و کسب‌وکار، ۸(۱۷): ۲۷-۳۹. https://journals.iau.ir/article_545787.html

- کامیابی، یحیی؛ گرجیان مهلبانی، رضا. (۱۳۹۵). بررسی اثر سیاست پولی بر رابطه بین محافظه کاری حسابداری و اعتبار تجاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش های حسابداری مالی*، ۸(۲۹): ۱-۱۸. doi: 10.22108/far.2016.21318
- مرادی، محمد؛ کرمی، سحر. (۱۳۹۸). تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین تأمین مالی از طریق اعتبار تجاری و ریسک سقوط قیمت سهام. *دانش حسابداری مالی*، ۶ (۲۳): ۷۷-۹۸. doi: 10.30479/jfak.2020.11923.2571
- مهدوی، رحمان؛ آذین فر، کاوه؛ داداشی، ایمان؛ برزگر، قدرت اله. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر خوانایی گزارش مالی بر اعتبار تجاری با تأکید بر نقش توانایی مدیریت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۱(۳۹): ۱۹۵-۲۲۰. <https://mieaoi.ir/article-1-1199-fa.html>
- نوروزی، محمد؛ عباسی، ابراهیم؛ داداشی، ایمان؛ آذین فر، کاوه. (۱۴۰۰). مدل بندی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی. *راهبرد مدیریت مالی*، ۹(۳۳): ۲۰۱-۲۲۳. doi: 10.22051/jfm.2019.24896.1999

References

- Abuhomous, A.A. (2021). "Trade credit and the speed of leverage adjustment", *Management Decision*, Vol. 59 No. 8, pp. 1915-1928. <https://doi.org/10.1108/MD-04-2019-0530>.
- Aflatouni, A & Nemati, M. (2017). The role of financial reporting quality and disclosure quality in increasing business credit: instrumental variables approach, *Accounting and Auditing Reviews*, 25 (1): 1-20. doi:10.22059/acctgrev.2018.249054.1007787. (In Persian)
- Aflatouni, A & Norouzi, M.(2019). Factors affecting the supply and demand of commercial credit: static and dynamic approaches, *Accounting Knowledge*, 11 (40): 35-59. doi: 10.22103/jak.2020.13295.2879. (In Persian)
- Ahmadi, A, & Qaemi, M. H. (2017). Real profit management and readability of financial reporting. *Applied research in financial reporting*. Volume. 7(13): 45-72. doi: 10.22108/far.2022.131665.1829. (In Persian)
- Aldoseri, M. M & Melegy, M. M. A. (2023). Readability of Annual Financial Reports, Information Efficiency, and Stock Liquidity: Practical Guides from the Saudi Business Environment. *Information Sciences Letters An International Journal*. Inf. Sci. Lett. 12, No. 2, 813-821.

- Asif, R. & Nisar, S. (2022). "Does trade credit spur performance of the firm: a case study of non-financial firms in Pakistan", *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JIABR-10-2021-0289>.
- Bagheri Azghandi, A. T, Hesarzadeh, R & Abbaszadeh, M.R. (2017). Readability of financial statements and investors' sensitivity to the use of accounting information. *Perspective of financial management*, volume, 8(3): 87-103. magiran.com/p1926797. (In Persian)
- Biais, B; & Gollier, C. (1997). Trade credit and credit rationing. *The Review of Financial Studies*, 10(4): 903-937.
- Chen, C.W.; Collins, D.W.; Kravet, T.D & Mergenthaler, R.D. (2020). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Contemp. Account. Res.* 2018, 35: 164–202.
- Dadashi, I & Nowrozi, M. (2019). Investigating the mediating effect of financial reporting readability on the relationship between profit management and cost of capital. *Knowledge of accounting*, 11(40): 135-157. doi: 10.22103/jak.2020.11718.2629. (In Persian)
- Dao, Mai, Trung Pham & Hongkang Xu. (2022). Internal control effectiveness and trade credit. *Review of Quantitative Finance and Accounting volume*, (59): 1423–1452. Cite this article
- Gonçalves, A. B; Schiozer, R. F. & H. H. Sheng. (2018). Trade credit and product market power during a financial crisis. *Journal of Corporate Finance*, (49): 308-323.
- Hasan, M. M; & N. Alam. (2022). Asset redeployability and trade credit. *International Review of Financial Analysis*, 102024.
- Hassan, M.K., Abu-Abbas, B. & Kamel, H. (2022). "Tone, readability and financial risk: the case of GCC banks", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, (12). 4: 716-740. <https://doi.org/10.1108/JAEE-06-2021-0192>.
- Izadinia, N. & Taheri, M. (2015). Investigating the relationship between the quality of accounting information and business credibility, *Experimental Accounting Research*, 5(19): 81-101. doi: 10.22051/jera.2016.2159. (In Persian)
- Khajawi, Sh; Ghiori Moghadam, A. & Hajeb. H. (2021). Investigating the effect of commercial credit on cost stickiness, *Financial Accounting Knowledge*, 8(30): 125-141. doi: 10.30479/jfak.2021.15556.2869. (In Persian)
- Khoo, Joye, Adrian (Wai Kong) Cheung. (2022). Managerial ability and trade credit. *The Finance Review*. *First published: 28 October 2021 Volume 57, Issue 2*. <https://doi.org/10.1111/fire.12289>. Pages 429-451.

- Khoshdel, A. (2022). Investigating the effect of commercial credit on stock price simultaneity. *New research approaches in management and accounting*. No. (84): 677-695. <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/1290>. (In Persian)
- Luo, H. (2021). Do firms chase trade credit target? *Financ. Res. Lett*; 102026.
- Luo, H. (2022). COVID-19 and trade credit speed of adjustment. *Finance Research Letters*. Volume 47, Part A, June 2022, 102541.
- Ma, B., He, J., Yuan, H., Zhang, J. & Zhang, C. (2022), "Corporate social responsibility and trade credit: the role of textual features", *Journal of Electronic Business & Digital Economics*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JEBDE-07-2022-0018>.
- Mahdavi, R; Azinfar, K., Brother, f., & Barzegar, Q.A. (2022). Investigating the effect of readability of financial report on business credibility with emphasis on the role of management ability in companies admitted to Tehran Stock Exchange. *Journal of Islamic Economics and Banking*, 11(39): 195-220. <https://mieaoi.ir/article-1-1199-fa.html>. (In Persian)
- Moradi M. & Karmi. S. (2018). The effect of information asymmetry on the relationship between financing through commercial credit and the risk of falling stock prices, *Financial Accounting Knowledge*, 6 (23): 77-98. doi: 10.30479/jfak.2020.11923.2571. (In Persian)
- Myers, S.C. & Majluf, N.S. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of Financial Economics*, 13(2), 187-221.
- Norouzi, M; Abbasi, I; Brother, f. & Azinfar, K. (2021). Modeling the moderating role of corporate governance on the relationship between the readability of financial reporting and agency fees. *Financial Management Strategy*, No. 9(33): 201-223. doi: 10.22051/jfm.2019.24896.1999. (In Persian)
- Orlova, S.V. & Rao, R.P. (2018). Cash holdings speed of adjustment. *International Review of Economics & Finance*, 54(1): 1-14.
- Pike, R; Cheng, N.S; Cravens, K. & Lamminmaki, D. (2005). "Tradecredit terms: asymmetric information and price discrimination evidence from three continents", *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol. 32 (5): 306-686
- Platoni, A., Khazaei, M. & Nikbakht, Z. (2022). Operational risk, ability to control the market and the speed of obtaining optimal commercial credit. *Financial Accounting Research*, 13(4): 23-40. (In Persian)
- Rahman, D; Muhammad K., Muhammad Jahangir A. & Barry. O. (2023). Does product market competition influence annual report readability? *Accounting*

- and Business Research*. 27(2): 220-231. <https://doi.org/10.1080/00014788.2023.2165031> .
- Rezai Peiteh, Y. & Safari Graili, M. (2017). Readability of financial reporting and possibility of fraudulent reporting. *Financial accounting research, number, 10* (38): 43-58. doi:10.22108/far.2019.113858.1337. (In Persian)
- Salehi, M., Confectioner, M. & Beh Sodi, A. (2016). Investigating the effect of corporate governance structure on business credit, *Economics and Business Research Journal*, No. 8(17): 27-39. https://journals.iaui.ir/article_545787.html. (In Persian)
- Seifert, D; Seifert, R.W. & Protopappa-Sieke, M. (2013). Trade credit: literature review and research directions. *European Journal of Operational Research*, 231(2): 245-256.
- Seifzadeh, M., Salehi, M., Abedini, B. & Ranjbar, M.H. (2021). "The relationship between management characteristics and financial statement readability", *EuroMed Journal of Business*, 16 (1): 108-126. <https://doi.org/10.1108/EMJB-12-2019-0146>.
- Silaghi, F. & Moraux, F. (2021). Tradecreditcontracts: Designandregulation. *European Journal of Operational Research*. Volume 296, Issue 3, 1 February 2022, Pages 980-992. <https://doi.org/10.1016/j.ejor.2021.04.036>.
- Wang, Y, B Liu, HK Chan. & T Zhang. (2023). who pays buyers for not disclosing supplier lists? Unlocking the relationship between supply chain transparency and trade credit. *Journal of Business Research*. Volume 155, Part B, January 2023, 113404 <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2022.113404>.
- Xu, H., Pham, T.H. and Dao, M. (2020), "Annual report readability and trade credit", *Review of Accounting and Finance*, 19 (3): 363-385. <https://doi.org/10.1108/RAF-10-2019-0221>.
- Van Horen, N. (2007). Customer market power and the provision of trade credit; evidence from Eastern Europe and central Asia. *Policy Research working paper*, no. WPS 4284. Washington, DC: World Bank.
- Kamyabi Y. & Gurjian Mahlbani. R. (2015). Investigating the effect of monetary policy on the relationship between accounting conservatism and business credit in companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Financial Accounting Research*, (29): 1-18. doi: 10.22108/far.2016.21318 (In Persian).
- Yin, S; Chevapatrakul, T. & Yao, K. (2022). the causal effect of improved readability of financial reporting on stock price crash risk: *Evidence from the Plain Writing Act of 2010*. *Economics Letters*. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2022.110614>. Volume 216, July 2022, 110614.

- Yun, K. (2013). Does accounting quality matter for short-term financing? Evidence from firms' amount of trade credit. *Dissertation, University of British Columbia*.
- Yu, Z. (2022). Financial Report Readability and Accounting Conservatism. Marilyn Davies College of Business, *University Houston Downtown*, Houston, TX 77002, *USARisk Financial Manag.* 15(10): 454; <https://doi.org/10.3390/jrfm15100454>.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

تحلیل محتوای کمی و کیفی مقالات علمی پژوهشی حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی^۱

مریم شیخی^۲، رضوان حجازی^۳، مجید زنجیردار^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل محتوای کمی و کیفی مقالات منتشر شده حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی، نشریات علمی پژوهشی ایران است. به منظور دستیابی به این هدف، مجریان پژوهش حاضر، ضمن بررسی همه جانبه، مقالات این حوزه از پایگاه داده فصلنامه‌های معتبر داخلی تعداد ۱۸۱ مقاله از سال شروع بکار آن‌ها تا ۳۰ آبان ۱۴۰۲ استخراج و با استفاده از تحلیل محتوای کمی و کیفی بررسی شدند. بخش کیفی، کدگذاری با روش داده بنیان انجام شد و داده‌ها با کمک نرم افزار مکس کیودی‌ای و اکسل مورد سنجش و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش کلیه متغیرهای موجود در متن مقالات اعم از، سهم موضوعی، روند رشد بر اساس سال انتشار، سطح و رتبه علمی نویسندگان، سهم مرکز منتشر کننده مقالات، روش پژوهش و همچنین سهم نشریات در انتشار مقالات این حوزه بررسی شدند. در بخش کیفی با تحلیل داده‌های نظری ۳۹۶ کد در قالب ۱۴ مقوله اصلی شناسایی شد. نتایج نشان داد که روند انتشار مقالات فناوری در سه سال اخیر، رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد؛ ولی سهم موضوعی مقالات این حوزه نسبت به سایر موضوعات حسابداری و حسابرسی اندک است. که بیشترین آمار مقالات چاپ شده، مربوط به فصلنامه مهندسی مالی و حسابرسی و حسابداری مدیریت هر کدام با سهم ۹/۹۴ درصد و پژوهش‌های تجربی الزهرا با سهم ۸/۸۴ درصد بوده است. بیش از ۵۱/۹۳ درصد از این مقالات تحت حمایت دانشگاه آزاد و ۴۰/۸۸ درصد تحت حمایت دانشگاه دولتی می‌باشد. همچنین فراوانی مفاهیم، چالش‌ها و موانع پذیرش فناوری‌ها در نتایج مقالات منتشر شده، نشان دهنده وجود کاستی‌ها و ضعف در پذیرش فناوری‌ها در سیستم اطلاعات حسابداری و حسابرسی^۱ با توجه به شرایط خاص کشور ایران^۲ است.

واژه‌های کلیدی: فناوری، تحلیل محتوای کمی و کیفی، مقالات علمی - پژوهشی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, L24, L86, O14.

10.22051/JERA.2024.45827.3189 .doi

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (sheikhi.ma.1400@gmail.com).
 ۲. استناد، گروه حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. استاد مدعو، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (نویسنده مسئول). (hejazi 33@ gmai.com).
 ۳. دانشیار، گروه مهندسی مالی، دانشکده مدیریت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (zanjirdar08@gmail.com).
- https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

حسابداری به عنوان یک علم اجتماعی کاربردی، مستلزم تحلیل دائمی تهدیدها و فرصت‌هایی است که در زمینه‌ی پیشرفت‌های فناورانه، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و حقوقی پدید می‌آیند؛ که به نوبه خود به هم مرتبط هستند. آلبوکرکی و دوس سانتوس^۱، (۲۰۲۳: ۲۷۵). میزان کاربرد فناوری‌های نوظهور تا حد زیادی توسط محیط خارجی، فعالیت‌ها شرکت‌ها و رویه‌ها در زمینه‌ای که یک شرکت در آن فعالیت می‌کند، تعیین می‌گردد. (آگریفولیو، دی جنارو^۲، ۲۰۲۲: ۳۸۷). محققان حسابداری اخیراً علاقه فزاینده‌ای را به حرفه حسابداری در استفاده از فناوری‌های فردی و سازمانی متعدد نشان داده‌اند (تیرون تودور، دلیو^۳، ۲۰۲۱). برای مثال در برخی از تحقیقات خارجی و داخلی که به عوامل مؤثر در استفاده از فناوری در حسابداری پرداخته‌اند از جمله، (آنگسوات، بامبانگ، ایزابل^۴، ۲۰۲۳: ۹۵)، بررسی عوامل فردی و محیطی بر پذیرش نرم‌افزار حسابداری مبتنی بر ابر؛ (الکاران و همکاران^۵، ۲۰۲۲)، نقش عوامل حاکمیتی و محیطی، دانش فنی و آمادگی حسابداران در پذیرش فناوری‌ها؛ (طیب و همکاران، ۲۰۲۲)؛ عوامل شخصیتی و رفتاری، (رایلی، چرچ، اشمیت^۶، ۲۰۲۲)؛ مکانیزم‌های فناوری بر چابکی سازمان؛ (آریان فر، فرجاد، ۱۴۰۱)؛ نقش فرهنگ سازمانی بر اثر بخشی پروژه‌های فناوری‌ها؛ (منطقی و همکاران، ۱۳۹۴)، ضرورت یکپارچه‌سازی و دیجیتال شدن؛ (بیش و همکاران^۷، ۲۰۲۲)، تأثیرات فناوری بر نقش و مهارت حسابداران؛ (کرون و همکاران^۸، ۲۰۲۱)، عوامل مؤثر پذیرش هوش مصنوعی در حسابداری (راوشده، و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر این، مؤسسات حرفه‌ای حسابداری مثل (انجمن حسابداران خیره^۹، انجمن حسابداران خیره مدیریت^{۱۰}، فدراسیون بین‌المللی حسابداران^{۱۱}، مؤسسه حسابداران مدیریت^{۱۲}) به سرعت در حال تغییر و

1. Albuquerque, Dos Santos
2. Agrifoglio-de Gennaro
3. Tiron-Tudor, Deliu
4. Angswat, Bambang, Isabel
5. Alkaraan et al
6. Riley, Church & Schmidt
7. Bisht et al
8. Kroon et al
9. Association of Chartered Certified Accountants (ACCA)
10. Chartered Institute of Management Accountants (CIMA)
11. International Federation of Accountants (IFAC)
12. Institute of Management Accountants (IMA)

تحول هستند. پاسخگویی به انتظارات جامعه تجاری با ارائه توصیه‌ها و انجام تحقیقات در زمینه دیجیتال شدن حرفه حسابداری همراه است تیرون تودور و همکاران (۲۰۲۱). بنابراین توجه به پژوهش‌های انجام شده، عدم کفایت تحقیقات و نظارت بر پیشرفت‌های مرتبط با فناوری‌های نوظهور، مورد تأکید قرار گرفته است. آلبوکرکی و سانتوس^۱، (۲۰۲۳: ۲۷۵).

مطالعه روند تحقیقات در هر رشته علمی، به اندیشمندان و سیاست‌گذاران دانشجویان در نشان دادن کاستی‌ها، نقاط ضعف، و به تصویر کشیدن مسیر تحقیقات، پیشرفت و رشد آن رشته کمک می‌کند. به ویژه در فضای پژوهشی کشور ایران که میزان درک و شناخت دانشجویان دکتری حسابداری به عنوان بازیگران خط مقدم پژوهش، از روش‌شناسی پژوهش در سطح ضعیف و غیر مطلوبی است. علی اصفهانی و همکاران، (۱۸۵: ۱۴۰۱). به طور کلی توسعه یک رشته علمی که مقدمات پیشرفت‌های روز افزون جامعه را مهیا می‌سازد با انجام تحقیقات کاربردی و مسئله محور میسر می‌باشد. یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل علم در یک حوزه یا رشته و یا بررسی مجلات «علم سنجی» است. که با بررسی علم سنجی و تحلیل محتوای مقالات منتشر شده می‌پردازد و می‌تواند تصویری واضح و عینی از وضعیت و شرایط موجود و اثرگذاری پژوهش‌های آن حوزه را نشان دهد خاصه و همکاران، (۱۴۰۳: ۱۳). این پژوهش‌ها به تجزیه و تحلیل انتشارات و نتایج پژوهشی با هدف ارائه خدمت به تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاران علم و برنامه‌ریزی، دست اندرکاران دانش یا رشته علمی می‌پردازد. به همین جهت با توجه به نوظهور بودن و تأثیرات واقعی و ناشناخته فناوری‌ها در حسابداری و حسابرسی و تغییراتی که این فناوری‌های می‌تواند بر روی عملکرد سیستم اطلاعات حسابداری و حسابرسی داشته باشد؛ تحلیل محتوای مقالات کمی و کیفی و مروری بر ادبیات تحقیقات، می‌تواند نقشی مهم و سازنده‌ای به عنوان یک ابزار مفید در رشد و توسعه علمی این حرفه در انطباق و همسویی با فناوری‌های نوین ایفا کند. بنابراین لازم است تا بررسی شود که پژوهش‌های دانشگاهی چگونه در این زمینه در حال تکامل هستند.

هدف از این مطالعه، برجسته کردن نقاط قوت، ضعف و ایجاد بستری برای توسعه و تقویت آن همچنین تلاش در جهت بهبود کاستی‌ها در پژوهش‌های آتی است. این پژوهش، حوزه‌های مرتبط با حسابداری را که انتظار می‌رود؛ فناوری‌هایی مثل، رایانش ابری^۲، بلاک چین^۳،

1. Albuquerque, Dos Santos
2. cloud computing
3. Blockchain

برنامه‌ریزی منابع سازمانی^۱، زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر^۲، هوش مصنوعی^۳ بر آن‌ها تاثیر بگذارد در بین مجموعه‌ای از پژوهش‌های حسابداری را مورد بررسی قرار می‌دهد تا با تحلیل محتوایی این مقالات، درک جامع و بینش‌های جدیدی از پژوهش‌های آتی در حوزه فناوری‌ها در حرفه حسابداری، به پژوهشگران حسابداری و حسابرسی کشور، متخصصان حرفه و جامعه علمی ارائه نماید؛ و امکان شناسایی وضعیت پژوهش‌های حسابداری در این حوزه را فراهم نماید. نوآوری پژوهش حاضر در این است که با وجود نقش و اهمیت فناوری‌های نوین در حسابداری و حسابرسی، تا کنون هیچ پژوهشی به بررسی تحلیل کمی و کیفی مقالات حوزه فناوری در مجلات علمی و پژوهشی در این حرفه نپرداخته است. بنابراین این پژوهش درصدد یافتن پاسخ به این سوالات است. تنوع و فراوانی مقالات چاپ شده در رابطه با سهم موضوعی مقالات، سال‌های انتشار، روش پژوهش، رتبه علمی، سطح تحصیلات پدیدآورندگان، مرکز انتشار، منبع انتشار، در حرفه حسابداری و حسابرسی چگونه است؟ تنوع و فراوانی مقوله‌های افشا شده در رابطه با محورهای پذیرش و استفاده از فناوری در حرفه حسابداری و حسابرسی چگونه است؟ محتوای نتایج مقالات بررسی شده، حول کدام مقوله و موضوع‌ها است؟ وضعیت ادبیات دانشگاهی با توجه به فناوری‌های نوظهور و دیجیتالی کردن حرفه حسابداری و حسابرسی چگونه است؟ در ادامه مبنای نظری و تجربی موضوع پژوهش مورد بحث قرار گرفته، سپس روش شناسی و انتخاب جامعه و نمونه آماری توضیح داده شده و در پایان، یافته‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

نظریه‌های متعددی بر اساس عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری‌ها ظهور کرده‌اند. همین نظریه‌های بیان شده مبنای انجام پژوهش‌های مختلفی پیرامون موضوعاتی مثل، عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری‌ها، کاربردهای فناوری‌ها، چالش‌ها و مزایای فناوری‌ها در حوزه حسابداری و حسابرسی برای محققین را باعث شده است. پیاده‌سازی فناوری‌های دیجیتال در مشاغل، کسب و کارها را با مزایایی مانند افزایش کارایی محاسبات مالی و یافتن اطلاعات، افزایش دقت محاسبات و افزایش اثربخشی تصمیم‌های مالی را موجب شده است. (کوهماکی و همکاران^۴، ۲۰۲۰).

1. Enterprise Resource Planning(ERP)
2. Extensible business reporting language(XBRL)
3. Artificial intelligence
4. Kohtamäki ,et al

لوه‌مکاران^۱، (۲۰۱۸)، تأثیرات حسابرسی فناوری را در پنج حوزه برشمردند: اول مؤسسات به طور فزاینده‌ای از سیستم‌های پشتیبانی حسابرسی به منظور یکپارچگی کاربرگ‌های الکترونیکی، مخازن دانش، ابزارهای تصمیم‌یار استفاده می‌کنند. دوم فن‌ها و ابزارهای مبتنی بر حسابرسی فناوری اطلاعات، این مزیت را برای حسابرسان دارد که جزییات صورت‌های مالی را بررسی کنند. سوم شرایط حسابرسی مستمر برای چرخه معاملات خاص را فراهم می‌کند. چهارم بر رفتار و نگرش افراد شاغل در شرکت‌ها و فرایندها تأثیر دارد. پنجم فناوری اطلاعات بر فرایندهای ارتباط گروهی افراد درون شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد به نقل از زارعی و مشایخی، (۱۴۰۱). یافته‌های تارک و همکاران^۲ (۲۰۱۷) در کشور در حال توسعه مصر نشان می‌دهد که ادراک حسابرسان پیرامون پیچیدگی فناوری اطلاعات به طور قابل توجهی تحت تأثیر استفاده از متخصصان فناوری و حسابرسان است که در حوزه فناوری اطلاعات تخصص دارند. به گفته تسو و چن^۳، (۲۰۲۲) پذیرش فناوری‌ها در حسابداری نیز به هزینه آن نیز بستگی دارد. قیمت بالای فناوری‌ها ممکن است مانع پذیرش و پیاده‌سازی آن شود. همچنین قابلیت اطمینان، ظرفیت، در دسترس بودن، مقرون به صرفه بودن، امنیت و نگرش به یک فناوری مبتنی بر سود نسبی، سازگاری، پیچیدگی، مشاهده‌پذیری، دانش و خدمات خارجی، کیفیت نرم‌افزار، پشتیبانی فروشنده، جایگزین‌های فناوری اطلاعات در سیستم اطلاعاتی، اهداف و مفروضات و هزینه ارزیابی مزایا، سازگاری و مزیت‌ها نیز از عوامل پذیرش فناوری‌ها بیان شده است. افسای و همکاران (۲۰۲۳) مهم‌ترین عوامل در پذیرش فناوری را دیدگاه فردی، شرایط تسهیل‌کننده، سودمندی درک شده و درک سهولت استفاده دانستند و از دیدگاه سازمانی عوامل فنی، هزینه-فایده، فشار رقابتی، آمادگی سازمانی، انطباق‌پذیری فناوری بیان شد. عبدالوند و طارانی، (۱۳۹۲) براین عقیده‌اند؛ عوامل سازمانی بیشترین تأثیر را بر پذیرش برنامه‌ریزی منابع سازمانی ابری در بین شرکت‌های کوچک و متوسط دارند. علاوه بر این شرکت‌های کوچک و متوسط با چالش‌های بیشتری در پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع سازمانی، زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر مواجه بوده‌اند. بسیاری از شرکت‌ها به دلیل هزینه‌های گزاف به سیستم‌های اطلاعاتی

1. Lowe, et al

2. Tarek, et al

3. Tsou, Chen,

کوچک و جزیره‌ای روی آورده‌اند. از سوی دیگر، این شرکت‌ها توان مالی و تحمل‌پذیری کمتری درمقابل با چالش‌های پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع سازمانی دارند.

ساسی و همکاران^۱، (۲۰۲۳) چارچوبی از عوامل پذیرش زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر ارائه دادند که چگونه فرآیند پذیرش و پیاده‌سازی آن تحت تأثیر زمینه فناوری (جذب فناوری در سطح شرکت و ظرفیت فن آوری کشور)، زمینه سازمانی (آموزش) و زمینه محیطی، (سطح توسعه اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد خارجی، حمایت از سرمایه‌گذار، سیستم حسابداری و بار مقررات دولتی) قرار می‌گیرد. به گفته هافمن^۲، (۲۰۱۷) سه نوآوری فناورانه وجود دارد که در درجه اول تغییرات شیوه‌ها، روش‌ها و رویه‌های فعلی حسابداری و حسابرسی را به طور قابل توجهی مدرن و بهبود می‌بخشند. این‌ها گزارشگری مالی دیجیتالی ساختاریافته مبتنی بر زبان گزارش‌دهی تجاری توسعه یافته، سیستم‌های مبتنی بر دانش و سایر کاربردهای هوش مصنوعی و دفتر کل توزیع شده مبتنی بر بلاکچین هستند. استیواتی و همکاران^۳، (۲۰۲۲) اینطور استدلال کردند؛ عواملی که باید در پیاده‌سازی بلاکچین در سیستم مالیات بر ارزش افزوده در نظر گرفته شوند، عوامل سازمانی از جمله، آمادگی سازمانی، حمایت نهادهای بالا دستی، حاکمیت شرکتی و مقررات داخلی است. عوامل محیطی متشکل از حمایت دولت و حمایت شریک و عوامل تکنولوژیکی که شامل مزایا، امنیت داده‌ها، کدگذاری قراردادهای هوشمند، معماری، مجوزها و زیرساخت مشترک است. یوشیکنی و همکاران^۴، (۲۰۲۳) اظهار داشتند؛ متخصصان و محققان سیستم‌های اطلاعات حسابداری (AIS) باید فراتر از سرمایه‌گذاری‌ها به فناوری‌های نوظهور نگاه کنند و توجه خود را به چگونگی یکپارچه‌سازی، ارتقای زیرساخت‌های سیستم‌های اطلاعاتی و شیوه‌های مدیریت استراتژیک سازمانی معطوف نمایند که می‌تواند عملکرد تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری و نوآوری استراتژیک را افزایش دهد. در کنار این مزایا الرو همکاران^۵ (۲۰۲۰) استدلال کردند که پیاده‌سازی فناوری‌های دیجیتالی‌سازی در حسابداری مالی و کسب و کارهای متوسط و کوچک نیز چالش‌های متعددی را برای مشتریان و مدیران مالی ایجاد می‌کند. چالش‌هایی که سازمان‌ها با آن سروکار دارند شامل موارد مرتبط با

1. Sassi, et al
2. Hoffman
3. Setyowati et al
4. Yoshikuni et al
5. Eller et al

محیط سازمانی نامطلوب، هزینه‌های بالا، محدودیت‌های تکنولوژیکی، توزیع نابرابر نیرو در میان شرکای زنجیره تأمین است استیواتی و همکاران^۱، (۲۰۲۲). بنابراین فناوری‌های مورد استفاده، ماهیت پیچیده‌ای دارند، برای پیاده‌سازی فعلی فناوری‌ها در سیستم اطلاعات حسابداری و حسابرسی آگاهی کامل همه ذینفعان از فناوری‌ها بسیار ضروری است. گپ و همکاران^۲، (۲۰۱۸). از سوی دیگر، اولاس^۳، (۲۰۱۹) استدلال کرد که تمرکز بر ساده و قابل فهم کردن فناوری‌ها برای کاربران به افزایش پیاده‌سازی این فناوری‌ها در مشاغل و مزایای دیجیتالی شدن کمک می‌کند. به گفته مول‌یگیتباسیوگلو^۴ (۲۰۱۹) اجرای برنامه‌های آموزشی در داخل و خارج از سازمان‌ها می‌تواند به طور بالقوه به بهبود شیوه‌های دیجیتالی شدن و پیاده‌سازی در سیستم اطلاعات حسابداری کمک کنند. کریستین^۵، (۲۰۱۸) اظهار داشت که تحقیق در حسابداری نیاز به تکامل و پیروی از روندهای معاصر دارد که نه تنها در محیط فن‌آوری بلکه در سایر زمینه‌های مرتبط علمی وجود دارد. این جنبه نیز توسط کرون و همکاران تأکید شده است. که ارزیابی تأثیر آن‌ها بر حرفه حسابداری و حسابرسی کمیاب است و پیشنهاد بهبود در روند پژوهش‌های آینده را می‌دهد. با توجه به تأثیری که فناوری می‌تواند بر حسابداری و حسابرسی داشته باشد، فرصت‌های تحقیقاتی مناسبی در آینده برای دانشگاهیان در این زمینه فراهم می‌شود که این امر مستلزم بررسی و شناخت روندهای کنونی تحقیقات حسابداری در این زمینه است (اشمیتزولتونی^۶، ۲۰۱۹، ۳۳۳).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین که در زمینه تحلیل محتوای مقالات انجام شده به چند دسته طبقه بندی می‌شوند. برخی پژوهشگران تحلیل محتوای یک مجله خاص را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ مانند نوبخت، (۱۳۹۹) مجله پیشرفت‌های حسابداری و حسابرسی؛ سلیمانی امیری، (۱۳۹۹) مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری؛ نون‌هال نهروکاظمی، (۱۳۹۸) مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی؛ رضانی و همکاران (۱۴۰۲) مجله دانش حسابداری، برخی دیگر از پژوهشگران مثل

1. Setyowati et al
2. Gepp, et al
3. Ulas
4. Moll, & Yigitbasioglu
5. Christensen
6. Schmitz, Leoni

رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۱؛ دیانتی دیلمی و بردبار، ۱۳۹۲؛ گرامی راد و همکاران، ۱۳۹۳؛ خاصه و همکاران، ۱۴۰۳؛ چو و هریسون، ۲۰۰۲؛ هاپوود، ۲۰۰۷؛ چیو و همکاران، ۲۰۱۹؛ یوجل، ۲۰۲۱. نیز سعی کردند تا نمونه کاملی از مقالات منتشر شده در طیف گسترده تری از مجلات را انتخاب و تحلیل کنند. و برخی از پژوهشگران هم به تحلیل یک موضوع خاص پرداختند؛ از جمله حسابرسی (ساعی و همکاران، ۱۳۹۴؛ مهربانی و غلامی، ۱۳۹۶؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۸ و لسج و وچلر، ۲۰۱۲)، حوزه موضوعی سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری (فرگوسن و سیو، ۲۰۱۱). فناوری‌های نوظهور در حسابداری شرکتی، ابد و همکاران (۲۰۲۰). به نقل از قناد و همکاران، (۱۴۰۲).

نصیری، صالحی، شکبیا مهر (۱۴۰۱) به بررسی تحلیل محتوای تحقیقات حسابداری در حوزه فناوری‌های بالکچین در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۱ با بررسی ۱۲۵ مقاله به تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف تحقیقات منتشره پرداختند؛ نتایج بررسی آنان نشان داد که از ۱۰۰ مقاله به تفکیک نقش موثر بالکچین به ترتیب در حوزه‌های حسابداری ۲۵ درصد، حسابرسی ۲۳ درصد و ۵۲ درصد در سایر حوزه‌ها مثل، رمزارزها، مطالعات موردی، گزارشگری مالی مالیات، بازار سهام، قراردادهای هوشمند، حاکمیت شرکتی، آینده پژوهش‌های حسابداری و آموزش به دانشجویان حسابداری تأثیری دارد. ۲۵ مقاله نیز ترکیبی از گرایش‌ها و موضوعات فوق را مورد بحث قرار داده‌اند. همچنین بعد از کلیدواژه بالکچین، به ترتیب کلیدواژه‌های حسابرسی، حسابداری، رمزارزها و قراردادهای هوشمند پرتکرارترین کلیدواژه‌ها بودند. زارعی و مشایخی (۱۴۰۱) با مروری بر پژوهش‌های داخلی و خارجی زبان گزارشگری تجاری توسعه پذیر به این نتیجه رسیدند که این پژوهش‌ها در سه دامنه موضوعی که عبارتند از: تحقیقات مرتبط «با چالش‌های پیاده سازی»، «مزایای حاصل از پیاده سازی» و «پیاده سازی زبان گزارشگری تجاری توسعه پذیر، در کشورهای در حال توسعه» قرار گرفته‌اند. نتایج دیگر این پژوهش نشان داد موضوع‌های دیگری مانند «تکنولوژی»، «استانداردسازی»، «شفافیت»، «اطلاعات»، «افشا»، «اطمینان بخشی»، «سود»، «عملکرد»، «اثربخشی»، «هزینه‌ها»، «مالکیت»، «حاکمیت شرکتی»، «کیفیت»، «رفتار»، «پیامد»، «مدیریت سود»، «بازار» و غیره مورد توجه پژوهشگران خارجی بوده است که پژوهشگران داخلی به این موضوعات نپرداخته‌اند.

لبوکرک، دوس سانتوس (۲۰۲۳) در پژوهشی تحلیل محتوای موضوعات نوظهور در تحقیقات حسابداری و سیستم اطلاعاتی را با استفاده از ابزارهای تحلیل محتوا انجام دادند. داده‌های

جمع‌آوری شده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ انتخاب شدند. یافته‌ها حاکی از آن بود که بحث‌ها و موضوعات پرتعداد در حسابداری، از جمله مواردی مانند مقررات بین‌المللی، چشم‌انداز پایدار در حسابداری و همچنین روش‌ها، ارتباطات و فرآیندهای جدید برای بهبود حسابداری و گزارش‌دهی واحدهای تجاری، ارتباط آنها و همه این موارد و چشم‌اندازهای آینده در ترکیب و با استفاده از فناوری‌های نوظهور است. مانچینی، وهمکاران^۱ (۲۰۲۱)، با مرور مقالات بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰، چهار مسیر تحقیقاتی برای درک نقش فناوری‌های هوشمند در حسابداری به شرح زیر یافتند: (۱) فناوری‌های هوشمند به عنوان نوآوری‌هایی که باید مدیریت شوند. (۲) فناوری‌های هوشمند به عنوان ابزارهای تأثیرگذار بر محیط حسابداری در شرایط خاص (۳) فناوری‌های هوشمند به عنوان منبعی که پیامدی مرتبط را ایجاد می‌کند. و (۴) فناوری‌های هوشمند به عنوان عواملی که نیازمند دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های جدید و به روز کاربران هستند. در پژوهشی به بررسی ادبیات حسابداری در حوزه فناوری و سیستم در هفت مجله معتبر حسابداری با رتبه برتر پرداختند. نتایج تحلیلی پژوهش نشان داد؛ در حالی که افزایش چشم‌گیری در نسبت مقالات سیستمی منتشر شده در مجلات حرفه‌ای وجود داشته است، مقالات بسیار کمی در زمینه فناوری و سیستم‌ها در مجلات منتشر شده است. که ممکن است نشان دهنده عدم توجه مناسب اساتید و مجلات حسابداری دانشگاهی به این حوزه مهم باشد. تاکنون هیچ پژوهش تحلیلی کمی و کیفی در حوزه فناوری در حرفه حسابداری و حسابداری در مجلات علمی و پژوهشی صورت نگرفته است و پیشینه پژوهشی در این حوزه محدود بوده است.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی مبتنی بر تحقیقات آرشیوی استفاده شده است. تحلیل محتوا از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که به کمک آن می‌توان اسناد و متون، در مدارک واقعی مربوط به گذشته و خواه مربوط، به زمان حال را مورد سنجش و تحلیلی دقیق‌تر و منظم‌تر، و از همه مهم‌تر با درجات بالاتری از پایایی قرار داد. (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵). عرصه‌های پژوهشی که تحلیل محتوای کیفی و کمی از آن منشاء گرفته‌اند متفاوت است. تحلیل محتوای کمی بیشتر بر کمی کردن عناصر اسناد مورد بررسی بر اساس، آمار،

فراوانی ارقام و درصدها، انجام می شود. این ویژگی بارز تحلیل کمی، به جهت نادیده گرفتن معانی پنهان در متن، مورد نقد قرار گرفته است. در مقابل، تحلیل محتوای کیفی اصولاً و بیشتر به پیام‌های مستتر در متن متمرکز است. "پاتون" در استدلال رویکردهای تحلیلی کیفی، تبدیل "داده" به "یافته‌ها" را خارج از هر نوع فرمول و چارچوبی می‌داند. و معتقد است؛ این فرایند اصولاً، مرهون خلاقیت محقق است؛ و دستاوردی منحصر به فرد برای محقق بشمار می‌آید (پاتون ۲۰۰۲: ۴۳۲). بنابراین در تحلیل محتوا، می‌بایست سطوح تحلیل و جنبه عناصر یا متغیرهای آشکار و محتوای پنهان در نظر گرفت. به سخن دیگر، روش تحلیل محتوا تلفیقی به توصیف عینی و منتظم و ذهنی محتوای پیام از بعد ظاهری و باطنی می‌پردازد (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵). پژوهش حاضر در بخش کیفی، اکتشافی، مبتنی کدگذاری بر مبنای داده بنیان است. تحلیل محتوا کیفی به عنوان یک تکنیک. محتوای چکیده مقالات منتشر شده را بررسی می‌کند. این مقالات تا ۳۰ آبان سال ۱۴۰۲ از پایگاه داده فصلنامه‌های داخلی جمع‌آوری شدند. بدین منظور ۳۹ نشریه مصوب وزارت علوم، تحقیقات، درگروه حسابداری، مهندسی مالی، حسابرسی از سال شروع بکار آن‌ها تا ۳۰ آبان سال ۱۴۰۲ بررسی شدند. بدین طریق که ابتداء مقالاتی که در عنوان آن‌ها کلید واژه‌های برنامه‌ریزی منابع سازمانی، زبان گزارشگری تجاری، اینترنت اشیاء و معادل فارسی آنها (مثل زبان گزارشگری توسعه پذیر، برنامه ریزی منابع سازمانی، اینترنت اشیاء)، هوش مصنوعی، رایانش ابری، بلاک چین، فناوری، تکنولوژی، زنجیره بلوک، شبکه عصبی، الگوریتم های هوش مصنوعی، فین تک، نوآوری، سیستم‌های خیره، رمز ارزها، سیستم‌های هوشمندیکپارچه) آمده است جمع‌آوری گردید. در نهایت بیش از ۲۱۵ مقاله استخراج و بررسی شد. که از این تعداد ۳۴ مقاله به دلیل غیر مرتبط بودن با موضوع یا حرفه حسابداری و حسابرسی حذف شدند و تعداد ۱۸۱ مقاله جهت تحلیل محتوا جمع‌آوری شد. تعداد ۵ مجله هم فاقد کلید واژه‌های جستجوی مقالات حوزه فناوری بودند، و این کار برای اطمینان بیش تر (از اعتبار و روایی) چندین بار توسط دو محقق تکرار شد تا تعداد مورد نظر جمع‌آوری شود. بعد از آن جدولی تهیه و مشخصات مورد نظر شامل (نام مجله، سال انتشار، نام نویسندگان، نویسنده مسئول، سطح علمی نویسندگان، نام صادر کننده مقاله، موضوع، روش، نوع مقاله، نتیجه، مقوله فرعی، کلید واژه‌ها) در آن ثبت شد. سپس با نرم افزار اکسل فراوانی

نسبی و تجمعی هر کدام از این پارامترهای ثبت و نمودار آنها ترسیم شد. در بخش کیفی تحلیل محتوی با هدف شناسایی محورهای پذیرش و توسعه فناوری‌ها (عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردها و پیامدها)، و بررسی فراوانی هر مفهوم صورت گرفت. ابتدا نتایج هر مقاله به صورت کامل بررسی گردید. سپس مفاهیم شناسایی و کدگذاری گردید. مقالاتی که به روش ترکیبی، کیفی و یا داده بنیان بود، چون در نتایج، تمام مفاهیم و مقولات بدست آمده بیان نشده بود در متن مقاله مفهوم و مقولات مرتبط با نتایج شناسایی و کدگذاری گردید. در این بخش تعداد ۳۹۷ کد شناسایی و مقوله بندی شد. جهت سنجش روایی و پایایی کدهای استخراجی از روش بررسی همتایان استفاده شد و مجدداً کدهای استخراجی به یک نفر از اساتید متخصص در حوزه کیفی ارجاع شد و با نظر اساتید اعتبار و روایی مورد تایید قرار گرفت. در جدول (۱) نمونه تحلیل مقالات حوزه فناوری در نشریات مربوط به صورت زیر ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

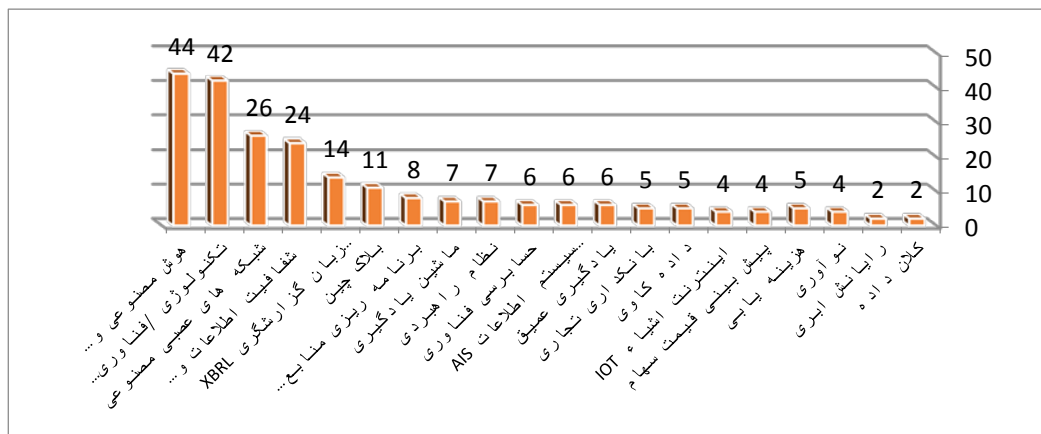
جدول ۱. بررسی سهم موضوعی مقالات حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی در مجلات

مورد بررسی

ردیف	فصلنامه	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی
۱	هوش مصنوعی / الگوریتم‌های هوش مصنوعی	۴۴	۱۷.۸۹	۴۴	۱۷.۸۹
۲	تکنولوژی / فناوری اطلاعات و مالی	۴۲	۱۷.۰۷	۸۶	۱۷.۰۷
۳	شبکه‌های عصبی مصنوعی	۲۶	۱۰.۵۷	۱۱۲	۱۰.۵۷
۴	کیفیت و شفافیت اطلاعات و گزارشگری مالی	۲۴	۹.۷۶	۱۳۶	۹.۷۶
۵	زبان گزارشگری توسعه پذیر XBRL	۱۴	۵.۶۹	۱۵۰	۵.۶۹
۶	بلاک چین	۱۱	۴.۴۷	۱۶۱	۴.۴۷
۷	برنامه ریزی منابع سازمانی ERP	۸	۳.۲۵	۱۶۹	۳.۲۵
۸	ماشین یادگیری	۷	۲.۸۵	۱۷۶	۲.۸۵
۹	نظام راهبردی	۷	۲.۸۵	۱۸۳	۲.۸۵
۱۰	حسابرسی فناوری	۶	۲.۴۴	۱۸۹	۲.۴۴
۱۱	سیستم اطلاعات حسابداری AIS	۶	۲.۴۴	۱۹۵	۲.۴۴
۱۲	یادگیری عمیق	۶	۲.۴۴	۲۰۱	۲.۴۴
۱۳	بانکداری تجاری	۵	۲.۰۳	۲۰۶	۲.۰۳

فصلنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
داده کاوی	۵	۲.۰۳	۲۱۱	۲.۰۳
اینترنت اشیا IOT	۴	۱.۶۳	۲۱۵	۱.۶۳
پیش بینی قیمت سهام	۴	۱.۶۳	۲۱۹	۱.۶۳
هزینه یابی	۵	۲.۰۳	۲۲۴	۲.۰۳
نوآوری	۴	۱.۶۳	۲۲۸	۱.۶۳
رایانش ابری	۲	۰.۸۱	۲۳۰	۰.۸۱
کلان داده	۲	۰.۸۱	۲۳۲	۰.۸۱
رمز ارزها	۴	۱.۶۳	۲۳۶	۱.۶۳
فین تک	۴	۱.۶۳	۲۴۰	۱.۶۳
سودمندی استفاده	۴	۱.۶۳	۲۴۴	۱.۶۳
مدل پذیرش فناوری	۲	۰.۸۱	۲۴۶	۰.۸۱
	۲۴۶	۱۰۰.۰۰		۱۰۰.۰۰

منبع یافته های محقق



نمودار ۱. فراوانی موضوعات مقالات حوزه فناوری در حسابداری و حسابداری در مجلات مورد بررسی

سهام موضوعی مقالات: بعد از بررسی مقالات مورد نظر تعداد ۳۹۸ کلید واژه شناسایی شد برخی از کلید واژه ها در یک طبقه قرار گرفتند نظیر «فناوری»، «فناوری اطلاعات» و «فناوری مالی» یا «هوش مصنوعی» و «الگوریتم های هوش مصنوعی» با توجه به نتایج جدول (۱)، کلید

واژه‌هایی نظیر هوش مصنوعی و الگوریتم‌های آن، فناوری‌های اطلاعات، شبکه‌های عصبی مصنوعی، کیفیت و شفافیت اطلاعات و گزارشگری مالی، پرتکرارترین کلید واژه‌ها در این حوزه بوده است.

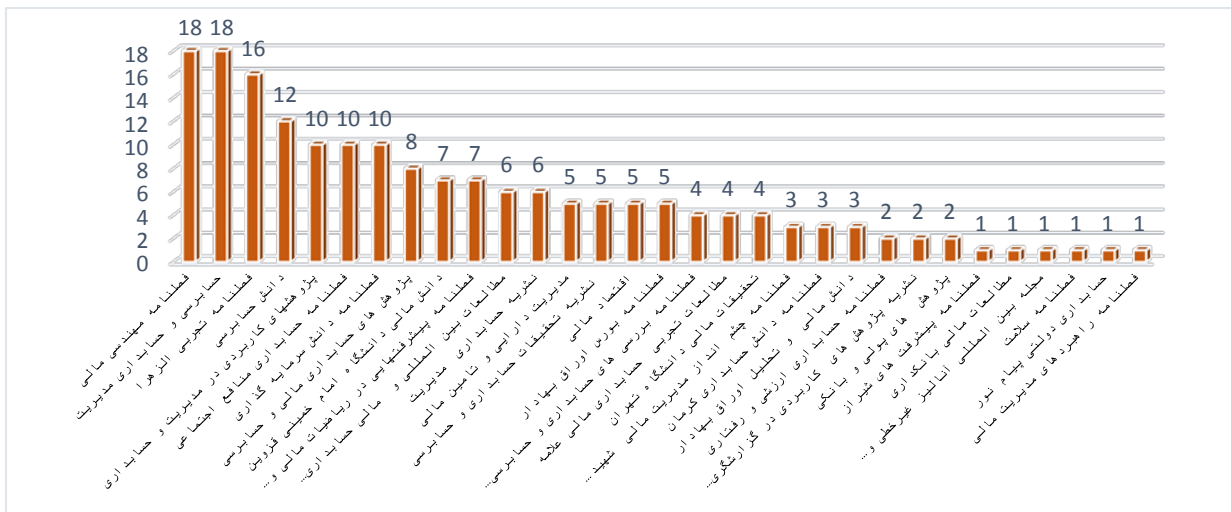
جدول ۲. فراوانی مقالات منتشر شده حوزه فناوری در حسابداری و حسابداری در مجلات مورد

بررسی

فصلنامه	صاحب امتیاز	سال شروع بکار	رتبه فصلنامه علمی پژوهشی	فراوانی	سهم مجله در چاپ مقاله در حوزه فناوری	درصد فراوانی	درصد تجمع
مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار	دانشگاه آزاد	۱۳۸۹	علمی پژوهشی	۱۸	۵,۶۷	۹,۹۴	۱۸
دانش حسابداری و حسابداری مدیریت	انجمن حسابداری مدیریت	۱۳۸۷	علمی پژوهشی	۱۸	۲,۳۸	۹,۹۴	۳۶
پژوهش‌های تجربی الزهرا	دانشگاه الزهرا	۱۳۹۰	علمی پژوهشی	۱۶	۴,۱۴	۸,۸۴	۵۲
دانش حسابداری	دیوان محاسبات	۱۳۸۰	علمی پژوهشی	۱۲	۱,۴۸	۶,۶۳	۶۴
پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری	سازمان حسابداری	۱۳۹۵	علمی پژوهشی	۱۰	۱,۲۶	۵,۵۲	۷۴
حسابداری منافع اجتماعی	دانشگاه الزهرا	۱۳۹۰	علمی پژوهشی	۱۰	۳,۸۴	۵,۵۲	۸۴
دانش سرمایه گذاری	انجمن حسابداری مالی	۱۳۹۱	علمی پژوهشی	۱۰	۱,۰۸	۵,۵۲	۹۴
پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری	دانشگاه آزاد تهران	۱۳۸۸	علمی پژوهشی	۸	۱,۵۴	۴,۴۲	۱۰۲
دانش حسابداری مالی	دانشگاه امام خمینی	۱۳۸۹	علمی پژوهشی	۷	۱,۷۷	۳,۸۷	۱۰۹
Advances in Mathematical Finance and Application	دانشگاه آزاد اراک	۱۳۹۴	علمی پژوهشی	۷	۳,۱۶	۳,۸۷	۱۱۶
مطالعات بین‌المللی و مالی حسابداری مدیریتی	انجمن مهندسی مالی ایران	۱۳۹۵	علمی پژوهشی	۶	۱,۷۰	۳,۳۱	۱۲۲
حسابداری مدیریت	دانشگاه آزاد	۱۳۸۷	علمی پژوهشی	۶	2.00	۳,۳۱	۱۲۸

فصلنامه	صاحب امتیاز	سال شروع بکار	رتبه فصلنامه	فراوانی	سهم مجله در چاپ مقاله در حوزه فناوری	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد تجمعی
مدیریت دارایی و تامین مالی	دانشگاه اصفهان	۱۳۹۲	علمی پژوهشی	۵	۱,۵۹	۲,۷۶	۱۳۳	۷۳,۵
مطالعات حسابداری و حسابرسی	انجمن حسابداری	۱۳۹۱	علمی ترویجی	۵	۳,۱۲	۲,۷۶	۱۳۸	۷۶,۲
فصلنامه بورس اوراق بهادار	سازمان بورس اوراق بهادار	۱۳۸۹	علمی پژوهشی	۵	0.789	۲,۷۶	۱۴۳	۷۹,۰
بررسی های حسابداری و حسابرسی	دانشگاه تهران	۱۳۷۱	علمی پژوهشی	۵	۰,۵۵	۲,۷۶	۱۴۸	۸۱,۸
مطالعات تجربی حسابداری مالی	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۳۸۲	علمی پژوهشی	۴	۲,۳۵	۲,۲۱	۱۵۲	۸۴,۰
تحقیقات مالی	دانشگاه تهران	۱۳۷۲	علمی پژوهشی	۴	۱,۳۴	۲,۲۱	۱۵۶	۸۶,۲
اقتصاد مالی	دانشگاه آزاد	۱۳۸۷	علمی پژوهشی	۴	1.34	۲,۲۱	۱۶۰	۸۸,۴
چشم انداز مدیریت مالی	دانشگاه شهید بهشتی	۱۳۹۰	علمی	۳	۱,۱۰	۱,۶۶	۱۶۳	۹۰,۱
دانش حسابداری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	۱۳۸۹	علمی پژوهشی	۳	۰,۵۹	۱,۶۶	۱۶۶	۹۱,۷
دانش مالی و تحلیل اوراق بهادار	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	۱۳۸۷	علمی پژوهشی	۳	۰,۷۸	۱,۶۶	۱۶۹	۹۳,۴
حسابداری ارزشی و رفتاری	دانشگاه خوارزمی	۱۳۹۷	علمی پژوهشی	۲	۱,۷۵	۱,۱۰	۱۷۱	۹۴,۵
پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی	سازمان حسابرسی	۱۳۹۱	علمی پژوهشی	۲	1.41	۱,۱۰	۱۷۳	۹۵,۶
پژوهش های پولی و بانکی	پژوهشکده پولی و بانکی	۱۳۸۸	علمی پژوهشی	۲	۰,۶۰	۱,۱۰	۱۷۵	۹۶,۷
پیشرفت های حسابداری	دانشگاه شیراز	۱۳۸۸	علمی پژوهشی	۱	0.36	۰,۵۵	۱۷۶	۹۷,۲
مطالعات مدیریت بانکداری و بانکداری	موسسه آموزش بانکداری	۱۳۹۴	علمی پژوهشی	۱	۰,۹۳	۰,۵۵	۱۷۷	۹۷,۸
International Journal of Management, Accounting and Economics	دکتر حسن نژاد کاشانی	۱۳۹۵	علمی پژوهشی	۱	۰,۱۸	۰,۵۵	۱۷۸	۹۸,۳

فصلنامه	صاحب امتیاز	سال شروع بکار	رتبه فصلنامه	فراوانی	سهم مجله در چاپ مقاله در حوزه فناوری	درصد فراوانی	درصد تجمعی
حسابداری سلامت	علوم پزشکی شیراز	۱۳۹۱	علمی پژوهشی	۱	۰,۶۷	۰,۵۵	۱۷۹
حسابداری دولتی	دانشگاه پیام نور	۱۳۹۴	علمی پژوهشی	۱	۰,۵۵	۰,۵۵	۱۸۰
راهبردهای مدیریت مالی	دانشگاه الزهرا	۱۳۹۲	علمی پژوهشی	۱	۰,۳۱	۰,۵۵	۱۸۱
کل				۱۸۱		۱۰۰,۰۰	



نمودار ۲. فراوانی مقالات منتشر شده حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی در مجلات مورد بررسی

مجلات منتشرکننده: بررسی مجلات علمی، علمی-پژوهشی، از سال شروع بکار تا ۳۰ آبان ۱۴۰۲ انجام شده است، با توجه به نتایج جدول (۲) بیشترین آمار مقالات منتشر شده در این حوزه، مربوط به فصلنامه مهندسی مالی و حسابرسی و حسابداری مدیریت هر کدام با ۱۸ مقاله (سهم ۹/۹۴ درصد) و پژوهش‌های تجربی الزهرا ۱۶ مقاله (سهم ۸/۸۴ درصد) بوده است. همچنین کمترین مقالات مربوط به فصلنامه‌های پیشرفت‌های شیراز، فصلنامه سلامت و راهبردهای

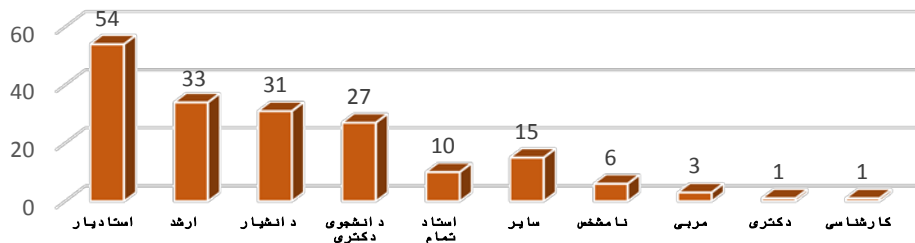
مدیریت مالی و مطالعات مالی بانكداري، حسابداری دولتی پیام نور با (سهم ۵۵/۰ درصد) می باشد. برخی از نشریات مثل نشریه پژوهش‌های مالی اصفهان، مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی، پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری به دلیل فاقد مقاله در این حوزه در این فهرست منظور نشده‌اند.

جدول ۳. بررسی سطح علمی نویسنده مسئول مقالات منتشر شده حوزه فناوری در حسابداری

و حسابرسی

□	سطح علمی نویسنده مسئول	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی
۱	استادیار	۵۴	۲۹.۸۳	۵۴	۲۹.۸۳
۲	ارشد	۳۳	۱۸.۲۳	۸۷	۴۸.۰۷
۳	دانشیار	۳۱	۱۷.۱۳	۱۱۸	۶۵.۱۹
۴	دانشجوی دکتری	۲۷	۱۴.۹۲	۱۴۵	۸۰.۱۱
۵	سایر	۱۵	۸.۲۹	۱۶۰	۸۸.۴۰
۶	استاد تمام	۱۰	۵.۵۲	۱۷۰	۹۳.۹۲
۷	نامشخص	۶	۳.۳۱	۱۷۶	۹۷.۲۴
□۸	مربی	۳	۱.۶۶	۱۷۹	۹۸.۹۰
۹	دکتری	۱	۰.۵۵	۱۸۰	۹۹.۴۵
۱۰	کارشناسی	۱	۰.۵۵	۱۸۱	۱۰۰.۰۰

رتبه علمی نویسندگان مسئول



نمودار ۳. سطح علمی نویسنده مسئول مقالات منتشر شده حوزه فناوری در حسابداری و

حسابرسی

رتبه علمی نویسنده مسئول مقاله: با توجه به نتایج جدول (۳) و جدول (۳) سطح علمی نویسنده مسئول مقالات، مشخص شد که بیشترین فراوانی مربوط به مؤلفین رتبه استادیار ۵۴ نفر با سهم

(۲۹/۸۳ درصد) و کم‌ترین آن مربوط به مؤلفین دارای مدارک کارشناسی و دانش آموخته دکتری با سهم (۵۵٪ درصد) بوده است. در بررسی ۱۸۱ مقاله ۶ مقاله وجود داشت که نویسنده اول آن از بین نویسندگان معلوم نبود که در گروه سطح علمی «نامشخص» قرار گرفتند.

جدول ۴. سطح علمی مشارکت‌کنندگان در نگارش مقالات منتشر شده حوزه فناوری در

حسابداری و حسابداری

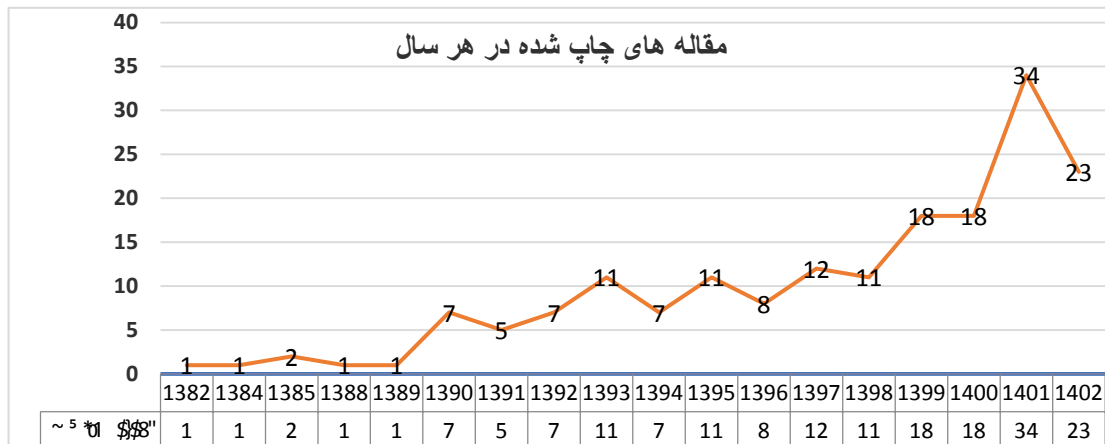
درصد فراوانی تجمعی	فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی	سطح علمی مشارکت‌کنندگان مقاله	
۲۰.۱۱	۱۱۲	۲۰.۱۱	۱۱۲	دانشجوی دکتری	۱
۳۰.۵۲	۱۷۰	۳۰.۵۲	۱۷۰	استادیار	۲
۲۹.۰۸	۱۶۲	۲۹.۰۸	۱۶۲	دانشیار	۳
۴.۳۱	۲۴	۴.۳۱	۲۴	استاد تمام	۴
۱۰.۰۵	۵۶	۱۰.۰۵	۵۶	ارشد	۵
۲.۱۵	۱۲	۲.۱۵	۱۲	دکتری	۶
۰.۷۲	۴	۰.۷۲	۴	مربی	۷
۰.۳۶	۲	۰.۳۶	۲	کارشناسی	۸
۲.۶۹	۱۵	۲.۶۹	۱۵	سایر	۹
		۱۰۰.۰۰	۵۵۷	کل	۱۰

منبع یافته‌های محقق

رتبه علمی مشارکت‌کنندگان در نگارش مقاله: با توجه به نتایج جدول (۴) مشخص شد که بیشترین فراوانی مربوط به نویسندگان دارای رتبه استادیار با سهم (۳۰,۵۴ درصد) و کم‌ترین آن مربوط به نویسندگان دارای مدارک کارشناسی با سهم (۰,۳۶) درصد عنوان نویسنده با رتبه مربی (۰,۷۲ درصد) بوده است.

جدول ۵. بررسی روند انتشار مقالات منتشر شده حوزه فناوری در حسابداری و حسابداری

درصد فراوانی تجمعی	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	سال انتشار مقاله
۳.۳	۶	۳.۳۱	۶	۱۳۸۰-۱۳۸۹
۵۶.۹	۱۰۳	۵۳.۵۹	۹۷	۱۳۹۰-۱۳۹۹
۱۰۰	۱۸۱	۴۳.۰۹	۷۸	۱۴۰۰-۱۴۰۲/۸/۳۰
		۱۰۰	۱۸۱	کل

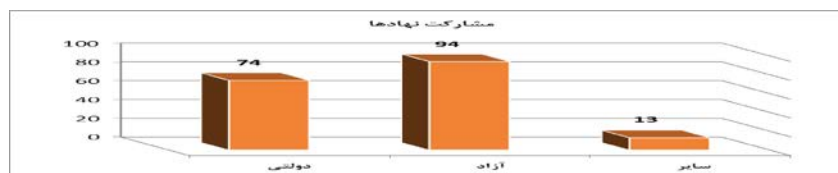


نمودار ۴. روند انتشار مقالات حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی

سال انتشار مقاله: در جدول (۵) روند انتشار مقالات حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی مشاهده می شود، بیشترین فراوانی مربوط به سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹ و کمترین آن مربوط به سال های قبل از ۱۳۸۹ بوده است که نشان از روند صعودی و قابل ملاحظه انتشار مقالات علمی و پژوهشی در این حوزه بوده است. و می توان این طور بیان کرد که بیش از ۹۶ درصد از مقالات منتشر شده در این حوزه در سال های اخیر و در بازه های زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۲ (۳۰ آبان ۱۴۰۲ که شامل ۱۶۸ مورد مقاله می باشد، منتشر شده اند که نشان از افزایش توجه به فناوری در حوزه حسابداری و حسابرسی می باشد.

جدول ۶. بررسی مراکز منتشر کننده مقالات حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی

مرکز انتشار مقاله	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد تجمعی
دولتی	۷۴	۴۰.۸۸	۷۶	۴۰.۸۸
آزاد	۹۴	۵۱.۹۳	۱۶۸	۹۲.۸۲
سایر	۱۳	۷.۱۸	۱۸۱	۱۰۰
کل	۱۸۱	۱۰۰		



نمودار ۵. منبع استخراج مقالات در حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی

جدول ۷. بررسی نحوه مشارکت نویسندگان در انتشار مقالات در حوزه فناوری در حسابداری

و حسابرسی

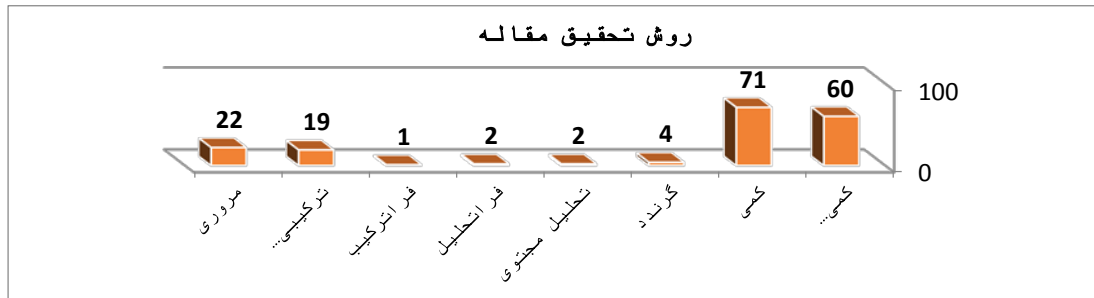
نحوه مشارکت در انتشار مقاله	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد تجمعی
فردی	۸	۴.۴۲	۸	۴.۴۲
پایان نامه های تحصیلی	۱۷۳	۹۵.۵۸	۱۸۱	۱۰۰.۰۰
کل	۱۸۱			

نحوه مشارکت در انتشار مقاله: با توجه به نتایج جدول (۷) می‌توان این‌طور بیان کرد که بیش از ۹۵ درصد از مقالات با مشارکت گروهی نویسندگان نگارش و منتشر شده است و تنها ۴/۴۲ درصد مقالات بصورت فردی ارائه گردیده است.

جدول ۸. بررسی روش تحقیق بکار رفته در مقالات منتشر شده حوزه فناوری در حسابداری و

حسابرسی

روش تحقیق بکار رفته در مقاله	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد تجمعی
مروزی	۲۲	۱۲.۱۵	۲۲	۱۲.۱۵
ترکیبی (آمیخته)	۱۹	۱۰.۵۰	۴۱	۲۲.۶۵
فرا ترکیب	۱	۰.۵۵	۴۲	۲۳.۲۰
فرا تحلیل	۲	۱.۱۰	۴۴	۲۴.۳۱
تحلیل محتوی	۲	۱.۱۰	۴۶	۲۵.۴۱
گردد	۴	۲.۲۱	۵۰	۲۷.۶۲
کمی	۷۱	۳۹.۲۳	۱۲۱	۶۶.۸۵
کمی الگوریتمی	۶۰	۳۳.۱۵	۱۸۱	۱۰۰.۰۰
کل	۱۸۱			



نمودار ۶. روش تحقیق بکار رفته در مقالات منتشر شده حوزه فناوری در حسابداری و حسابرسی

روش تحقیق بکار رفته در مقاله: با توجه به نتایج جدول (۸) و جدول (۷) روش تحقیق مورد استفاده در مقالات (مروری، آمیخته، فراترکیب، فراتحلیلی، تحلیل محتوای، گرند تئوری، کمی، کمی الگوریتمی)، مشخص شد که بیشترین روش تحقیق مورد استفاده در مقالات، روش کمی و بعد از آن کمی الگوریتمی با سهم ۳۹/۲۳ درصد و ۳۳/۱۵ درصد بوده است. و سپس مقالات مروری با بیش از ۱۲ درصد از تعداد کل ۱۸۱ مقاله را به خود اختصاص دادند. که می توان این طور نتیجه گرفت. با توجه به فراوانی سهم موضوعی هوش مصنوعی و شبکه های عصبی بیشترین روش تحقیق هم روش کمی با کمک الگوریتم های هوش مصنوعی جهت پیش بینی ها متغیرهای مالی است.

جدول ۹. بررسی منابع استخراجی مقالات منتشر شده در حوزه فناوری در حسابداری و

حسابرسی

□	منبع استخراج مقاله	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی
۱	رساله های دانشگاهی	۵۵	۳۰.۳۹	۵۵	۳۰.۳۹
۲	پایان نامه های تحصیلی	۲۸	۱۵.۴۷	۸۳	۴۵.۸۶
۳	مقاله پژوهشی	۹۸	۵۴.۱۴	۱۸۱	۱۰۰.۰۰
□		۱۸۱	۱۰۰.۰۰	□	□



نمودار ۷. منبع استخراج مقالات در حوزه فناوری در حسابداری و حسابداری

منابع استخراج مقاله: با توجه به نتایج جدول (۹) و جدول (۷) منبع استخراج مقاله، این طور باید گفت که بیشترین فراوانی منبع استخراج مقاله از مقالات پژوهشی با ۹۸ مورد مقاله و سهم بیش از ۵۴ درصد و پس از آن رساله‌های دانشگاهی و پایان نامه تحصیلی می باشد.

جدول ۱۰. خلاصه مقوله‌ها و خرده مقوله‌های استخراج شده از تحلیل محتوای مقالات

پژوهشی

ابعاد	مقوله	خرده مقوله	تکرار کدها	منبع
عوامل پذیرش فناوریها	سازه سازمانی	ساختار سازمانی [4] عوامل سازمانی، آمادگی سازمانی، حاکمیت سازمانی [۲] ساختار مالکیت شرکتی [2] ویژگی‌های سازمانی (بلوغ فرایند پذیری، بلوغ سازمانی، عمر شرکت، اندازه شرکت)، ویژگی سیستم اطلاعات حسابداری [2] تأثیر قوانین شرکت‌ها با اندازه خاص	۱۸	داده‌های نظری
	سازه محیطی	فشارهای رقابتی [2] الزام قوانین و مقررات [2] فشارهای بودجه‌ای، فشارهای خارجی، تأثیر فشار بر پذیرش فناوری، حضور در بازارهای جهانی، انطباق با استانداردهای جهانی، ویژگی محیطی کسب و کار، انطباق پذیری، عوامل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی	۱۴	داده‌های نظری
	سازه فردی	عوامل ادراکی [3] نگرش همراه با هنجارهای ذهنی [2] عوامل فردی [2] ادراکی، درک پیچیدگی، سودمندی درک شده [6]، تمایلات رفتاری حسابرسانو حسابرسان [2] ادراکات و نگرش‌ها و نیت‌های مدیران، اعتماد و تمایل کاربران، ویژگیهای فردی (سن، تحصیلات سابقه...) [7] توانایی مدیران ارشد، ویژگی‌های شخصیتی مدیران (میزان جاه طلبی، ریسک پذیری...)، شایستگی مدیریتی، دانش فنی کارکنان [5] مهارت و دانش فنی حسابداران و حسابرسان	۳۶	داده‌های نظری
	عوامل فنی و تکنولوژیکی	سطح تکنولوژی [2] سطح پیچیدگی فناوری، چابکی فناوری، ویژگی فناوری و تکنولوژیکی (سازگاری، مزیت نسبی، سازگاری، آزمایش پذیری...) [7] استاندارد سازی، سهولت استفاده [7] قصد استفاده از فناوری، هزینه و منفعت، ظرفیت رقابتی فناوریها	۲۲	داده‌های نظری
	جمع		۹۰	

ایجاد	مقوله	خرده مقوله	تکرار کدها	منبع
فناوری‌های نوین	ارتقای زیر بناها، پلتفرم‌ها و عوامل زیر ساختی	زیر ساخت‌های فناوری [3]، زیر ساخت‌های انسانی (توسعه دانش و ارتقای مهارت فردی) [8]، زیر ساخت‌های محیطی، بستر سازی، قوانین و مقررات و چارچوب نظارتی، تدوین قوانین و مقررات، تدوین استانداردها، زیر ساخت‌های سازمانی (اصلاح ساختار سازمانی، تمهیدات ساختاری [2])، فراهم کردن بودجه مالی، ضرورت تغییر در فرایند حسابرسی، ضرورت فرهنگ سازمانی [3] و اجتماعی، سرمایه گذاری در زیر ساخت‌های جهانی، ملی و اقتصادی	۲۵	داده‌های نظری
	جمع		۲۵	
بهره‌مندی	درون سازمانی	آموزش نیروی انسانی (کارگاههای آموزشی) [6]، کاهش ساختار سستی نیروی کار، یکپارچگی سیاست‌های نهادی، نظارت بر فرایند‌های مبتنی بر فناوری، نظارت مدیریت، آموزش و آگاهی بخشی، آموزش فناوریهای دیجیتال، راهبردها آموزشی، سازمانی و برنامه‌ای، آموزش و بازآموزی حسابداران در فناوری، توسعه مهارت‌های فردی حسابداران، رهبری هوشمند	۱۷	داده‌های نظری
	برون سازمانی	همسویی با استانداردهای جهانی، تغییر در استانداردها، استفاده از تجربیات بین‌المللی در سطح سازمان‌های ناظر، وجود کارگروه تخصصی، افزایش مناطق آزاد و ویژه تجاری، مکانیزم‌ها و سیاست‌های تشویقی دولت، پذیرش قوانین جهانی، فرهنگ‌سازی، همکاری بین صنعت و دانشگاه، افزایش متخصصان دانشگاهی، هم‌افزایی و وجود مراکز علمی و دانشگاهی و مراکز پژوهش فناوری، مذاکره با وزارت علوم و تحقیقات.	۱۱	داده‌های نظری
	توسعه‌ای و پذیرش فناوریها	بهره‌گیری از توانایی مدیریت فناوری اطلاعات، کنترل موثر راهبری فناوری اطلاعات، بهبود موثر عملکرد سیستم اطلاعات حسابداری، بهبود دانش و اطلاعات کاربران در حوزه مالی، کسب مدیریت دانش، تغییر در حوزه آموزش، استمرار فعالیت‌های مطلوب، تغییر در قوانین و استانداردها [2]، تغییر در تکنیک‌های حسابداری و حسابرسی [3]، توسعه مدیریت سرمایه‌گذاری، رصد مستمر و مشارکت در پروژه‌ها، راهبرد کاهش چالش‌ها [4] و تمرکز بر مزیت‌ها، راهبرد پرهیز از اتلاف منابع، استاندارد گذاری توسعه نرم افزارها، تغییر و به‌روز رسانی پلتفرم‌ها، همگرایی فناوری با AIS	۲۳	داده‌های نظری
		جمع	۵۱	
فناوری‌های نوین	موانع، محدودیت‌ها و چالش‌های پذیرش و پیاده سازی	موانع آموزشی، موانع قانونی، موانع تکنولوژی، موانع آگاهی و شناخت، موانع بکارگیری فناوری، موانع مرتبط با کاربران نهایی و انسانی، موانع سازمانی، موانع سیاسی عدم قوانین و مقررات و استانداردها [2]، موانع مرتبط با سیاست‌ها و مقررات، موانع نرم‌افزاری و فنی، موانع استراتژیک، موانع دانش و مهارت فنی، موانع اجتماعی و فرهنگی، موانع زیرساختی، موانع مالی، عدم تجربه و دانش کم پرسنل، فقدان آموزش‌های دانشگاهی، ریسک مالی، ریسک منابع انسانی، ریسک‌های سرمایه‌انسانی، محدودیت زمان، رفتار ناکارآمد حسابرسان، ریسک پروژه و سازمان، ریسک کاربران و مدیریت، ریسک‌های فنی و نرم‌افزاری، وجود ریسک پذیرش فناوری [2]، شکاف بین علم و عمل (محتوای آموزشی)، مقاومت در برابر تغییر، پیچیدگی فناوری‌ها، عدم زیرساخت مناسب، هزینه بر بودن پیاده‌سازی [4]، عدم	۵۳	داده‌های نظری

ابعاد	مقوله	خرده مقوله	تکرار کدها	منبع
		بودجه در پیاده سازی فناوری‌ها، چالش مسائل فرهنگی، عدم قوانین و مقررات، مالکیت فکری و صنعتی، زمان طولانی پیاده سازی، چالش‌های فناوری در حسابرسی، چالش مدیریتی، عدم مهارت و دانش کاربران [5]، چالش امنیتی، وجود چالش ریسک اشتباه در واژه نامه xbrl		
	عوامل پیش برنده	کیفیت و کمیت ورودی‌ها، تجربه به عنوان یک متغیر تعدیل گر امنیت نرم افزار، داده‌ها و اطلاعات، حمایت و پذیرش فناوری‌ها، محتوای آموزشی استاندارد، وجود تیم‌های در دسترس طراحی، مهارت‌های فناوری، توجه به علائق و دیدگاه ذینفعان در شکل‌گیری قوانین، سهولت مبادلات بین المللی و همکاری بین موسسات فین تک و موسسات مالی، انطباق بین فناوری و کسب و کار، ارتباطات و مشاوره و ناظر، ترجیحات ریسک، حمایت‌ها و مشوق‌های مالی و مالیاتی، همجواری با رقبا، همبستگی بین فناوری با ورودی اطلاعات و فناوری با عملکرد شرکت، کیفیت نرم افزار، همگرایی فناوری با عوامل رفتاری و سازمانی، همسویی فناوری با گزارشگری مالی، دیدگاه‌های راهبردی شرکت، رقابت پذیری در سطح شرکت‌ها [۳]، آمادگی دولت و دولت الکترونیک، اثر بخشی تمامی فرایندهای مالی، یکپارچه سازی و انطباق پذیری فناوری، یکپارچگی سیستم‌های جدید، وجود الگوهای پیاده سازی، سیستم‌های اطلاعات حسابداری به عنوان یک ابزار توسعه تکنولوژی دیدگاه مدیران ارشد، مهارت‌های فردی [2]، افزایش فرهنگ نوآوری، تقویت فرایند حسابرسی با استفاده از تکنیک‌های فنی و نرم افزارهای پیشرفته، ریسک پذیرش مدیران، تخصیص بودجه، سیاست‌های انگیزشی، حمایت مدیران	۵۳	داده‌های نظری
	جمع		۳۱۰	
	پیامدهای اجتماعی	رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد، منجر به مزیت رقابتی، افزایش قدرت پاسخگویی و کسب تجربه و دانش، دسترسی به منابع اطلاعاتی [2]، رضایتمندی کاربران [4]، شفافیت گزارشگری مالی و سودآوری [5]	۱۴	داده‌های نظری
	پیامد حسابرسی	دسترسی از راه دور، زبان گزارشگری تجاری توسعه پذیر باعث افزایش قابلیت مقایسه، صحت اطلاعات برای حسابرسی، بهبود کیفیت حسابرسی، تشخیص تقلب، کاهش هزینه حسابرسی [2]، تصمیم‌گیری منطقی در فرایند حسابرسی، افزایش توانایی حسابرسی، بهبود عملکرد حسابرسان	۱۰	داده‌های نظری
	پیامد در سطح کلان	پیامدهای راهبردی، سازمانی، اقتصادی، افزایش دسترسی سازمان امور مالیاتی به اطلاعات مالیاتی، افزایش تمکین مالیاتی شرکت‌ها و کاهش هزینه‌های تمکین مالیاتی، افزایش میزان جمع‌آوری مالیات بر درآمد شرکت‌ها، شفافیت جمع‌آوری مالیات بر درآمد شرکت‌ها، تاثیر بر انگیزش سرمایه‌انسانی، ایجاد فرصت جدید، تحلیل عوامل موثر بر تعدیل مالیاتی، تاثیر بر مالیات و بازار سهام، افزایش اعتماد پذیری	۱۱	داده‌های نظری
	پیامد حسابداری	مدیریت منابع انسانی، افزایش درآمد / سودآوری، زنجیره تامین (سازگاری، تراز و چابکی) را بهبود می‌بخشد، افزایش اثربخشی و کارایی، مدیریت دارای‌ها،	۱۰۷	داده‌های نظری

منبع	تکرار کدها	خرده مقوله	مقوله	ابعاد
		افزایش جریان نقد، افزایش قدرت برنامه ریزی مدیران، و تصمیم‌گیری مدیران، مدیریت داده و اطلاعات، ارزیابی عملکرد سازمان، افزایش امنیت اطلاعات، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش هزینه فرایند کنترل و اجرای معاملات، کاهش هزینه‌های جستجو و چانه زنی، کاهش خطای پیش‌بینی‌ها، افزایش پیش‌بینی در امور عملیاتی و مالی [4]، سلامت مالی مطلوبیت در کنترل داخلی، تحلیل توانایی مدیریت، کاهش ریسک تصمیم‌گیری، سرعت انجام فرایند حسابداری، کاهش هزینه حسابداری، در شناسایی ریسک‌ها، در قابلیت مقایسه ادوار مالی پیش‌بینی شده، جهت پیش‌بینی کارایی سرمایه‌گذاری، در تبیین معیارهای عملکردی و حاکمیتی، در تعیین ارزش شرکت، دسترسی سریع به اطلاعات، افزایش شفافیت مالی [5]، کاهش هزینه و تغییر نقش حسابداران [6]، تاثیر بر آینده حرفه حسابداری و حسابرسی، تاثیر بر اخلاق حرفه ۱۴۰	جمع	

منبع یافته های محقق

با توجه به نتایج جدول (۱۰) از تحلیل کیفی داده‌های نظری منتج شده از رویکرد قیاسی و استقرایی می‌توان اینطور بیان کرد که در محور سازه علی نقش عوامل فردی در پذیرش فناوری‌ها بیشتر تاکید بر دانش و مهارت فردی و ویژگی‌های فردی مثل (تحصیلات، تجربه، سن ..) و نقش عوامل ادراکی مثل درک سودمندی، تمایلات رفتاری و بعد از آن سازه فنی و تکنولوژیکی با مقوله‌های فرعی، همچون ویژگی‌های فناوری و سهولت استفاده از آن بیشتر مورد تاکید محققین بوده است. و در محور عوامل زمینه توجه به زیر ساخت‌های فناوری و ارتقای دانش و مهارت‌های عوامل انسانی نسبت به سایر مقوله‌ها مهم‌تر بیان شده است. همچنین در محور راهبردها، مقوله آموزش عوامل انسانی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی، تغییر در تکنیک‌ها و روش‌ها و تدوین قوانین و مقررات و استانداردها و راهبردهای رفع چالش‌ها و موانع و محدودیت‌ها از سایر متغیرها بیشتر مورد تاکید و توجه بوده است. در محور کنش و واکنش‌ها، مقوله‌های چالش‌ها و موانع و محدودیت‌های پذیرش فناوری‌ها بیشترین فراوانی مفاهیم را نشان می‌دهد. در جدول (۱۱) فراوانی کدهای مفهومی جهت تحلیل و ارزیابی داده‌های نظری ارائه شده است.

جدول ۱۱. بررسی فراوانی کدهای مفهومی مقالات منتشر شده در حوزه فناوری در

حسابداری و حسابداری

مقولات	فراوانی کدها	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی	محورها
سازمانی	۱۸	۴.۵	۱۸	۴.۵	علی
محیطی	۱۴	۳.۵	۳۲	۸.۱	
فردی	۳۶	۹.۱	۶۸	۱۷.۲	
فنی	۲۲	۵.۶	۹۰	۲۲.۷	
بستر	۲۵	۶.۳	۱۱۵	۲۹.۰	زمینه‌ای
درون سازمانی	۱۷	۴.۳	۱۳۲	۳۳.۳	راهبردها
برون سازمانی	۱۱	۲.۸	۱۴۳	۳۶.۱	
توسعه‌ای و برنامه‌ای	۲۳	۵.۸	۱۶۶	۴۱.۹	
موانع و محدودیت	۵۳	۱۳.۴	۲۱۹	۵۵.۳	مداخله‌ای
پیش برنده	۳۵	۸.۸	۲۵۴	۶۴.۱	
پیامد اجتماعی	۱۴	۳.۵	۲۶۸	۶۷.۷	
پیامد حسابداری	۱۰	۲.۵	۲۷۸	۷۰.۲	
پیامد در سطح کلان	۱۱	۲.۸	۲۸۹	۷۳.۰	
پیامد حسابداری	۱۰۷	۲۷.۰	۳۹۶	۱۰۰.۰	
	۳۹۶	۱۰۰.۰			

منبع یافته محقق

با توجه به نتایج جدول (۱۱) که از کدگذاری، داده‌های نظری استخراج شده است. مشخص شد در محور سازه علی، عوامل فردی با سهم ۰/۰۹۱ و از عوامل راهبردی مقوله راهبردهای توسعه‌ای با سهم (۵/۸) و از عوامل مداخله‌ای، سهم عوامل بازدارنده ۱۳/۴ و در بخش پیامدها، مزایای حسابداری با سهم ۰/۲۷۰ بیشترین درصد را به خود اختصاص دادند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نوظهور بودن و تأثیرات واقعی و ناشناخته فناوری‌ها در حسابداری و حسابداری و تغییراتی که این فناوری‌های می‌تواند بر روی عملکرد سیستم اطلاعات حسابداری و حسابداری داشته باشد؛ تحلیل محتوای مقالات کمی و کیفی و مروری بر ادبیات تحقیقات، می‌تواند نقشی مهم و سازنده‌ای به عنوان یک ابزار مفید در رشد و توسعه علمی این حرفه در انطباق و همسویی با فناوری‌های نوین ایفا کند. به همین جهت، هدف این پژوهش این است که با تکنیک تحلیل

محتوای کمی و کیفی تصویری واضح و عینی از وضعیت و شرایط پژوهش‌های حوزه فناوری در حرفه را برای جامعه علمی و پژوهشگران و متخصصان حرفه فراهم آورد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تعداد مقاله‌های منتشر شده در حوزه فناوری در نشریات حسابداری و حسابرسی و مهندسی مالی تا پایان، آبان ۱۴۰۲ با حذف مقالات غیر مرتبط ۱۸۱ مقاله بوده است. که با توجه به اهمیت و نقش فناوری‌ها این تعداد نسبت به حجم مقالات چاپ شده اندک است. منطبق با پژوهش (قناد و همکاران، ۱۴۰۲). بیشترین فراوانی انتشار، مربوط به سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹ و کمترین آن مربوط به سال‌های قبل از ۱۳۸۹ بوده است. بیش از ۹۶ درصد از مقالات منتشر شده در سال‌های اخیر و در بازه‌های زمانی ۱۳۹۹ الی ۱۴۰۲ که شامل ۱۰۳ مقاله منتشر شده است. که نشان از روند صعودی انتشار و افزایش قابل توجه به فناوری در حوزه حسابداری و حسابرسی می‌باشد. همچنین بیشترین آمار مقالات چاپ شده، مربوط به فصلنامه مهندسی مالی و حسابرسی و حسابداری مدیریت هر کدام با سهم ۹/۹۴ درصد و پژوهش‌های تجربی الزهرا با سهم ۸/۸۴ درصد بوده است. بیش از ۵۱/۹۳ درصد از این مقالات تحت حمایت دانشگاه آزاد و ۴۰/۸۸ تحت حمایت دانشگاه دولتی می‌باشد. یکی دیگر از نتایج بدست آمده در مورد سطح علمی نویسندگان مقالات است که بیشترین فراوانی مربوط به نویسندگان دارای رتبه استادیار با سهم ۳۰،۵۲ درصد است. نتایج دیگر نشان داد که موضوعاتی نظیر هوش مصنوعی و الگوریتم‌های آن، فناوری‌های اطلاعات، شبکه‌های عصبی مصنوعی، شفافیت اطلاعات و گزارشگری مالی از پرتکرارترین موضوعات مورد نظر محققان در این حوزه بوده است. روش تحقیق مورد استفاده در مقالات (مروری، آمیخته، فراترکیب، فراتحلیلی، تحلیل محتوی، گزندتئوری، کمی، کمی الگوریتمی)، طبقه بندی شد و مشخص شد که بیشترین روش تحقیق مورد استفاده، روش کمی و بعد از آن کمی الگوریتمی به ترتیب با سهم ۳۹/۲۳ درصد و ۳۳/۱۵ درصد و سپس مقالات مروری از تعداد کل ۱۸۱ مقاله را به خود اختصاص دادند. که می‌توان اینطور نتیجه گرفت. با توجه به فراوانی سهم موضوعی هوش مصنوعی و شبکه‌های عصبی بیشترین روش تحقیق هم روش کمی با کمک الگوریتم‌های هوش مصنوعی جهت پیش بینی‌ها متغیرهای مالی است. بیش از ۹۵ درصد از مقالات با مشارکت گروهی نویسندگان نگارش و منتشر شده است و تنها ۴۲/۴ درصد مقالات بصورت فردی ارائه گردیده است. منبع استخراج مقاله از مقالات پژوهشی با سهم بیش از ۵۴ درصد و پس از آن رساله‌ها و پایان نامه تحصیلی می‌باشد. به طور کلی نتیجه‌ای که از بخش کمی گرفته شد این است که با توجه به اهمیت

فناوری‌های نوین نظیر برنامه ریزی منابع سازمانی، زبان گزارشگری تجاری، اینترنت اشیاء، رایانش ابری و کلان داده‌ها، با توجه به اینکه کمترین فراوانی را در بین موضوعات ارائه شده توسط پژوهشگران دارند به دلیل نوین بودن می‌تواند قابل توجه پژوهشگران قرار گیرد. نتیجه حاصل از تحلیل محتوای کیفی از ۱۸۱ مقاله، استخراج ۳۹۶ کد مفهومی از بررسی نتایج مقالات بر اساس ۵ محور پذیرش و استفاده از فناوری (علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردها، پیامدها) در قالب ۱۴ مقوله اصلی بود. مقایسه تطبیقی مقوله‌ها نشان داد که از بین عوامل علی پذیرش فناوری‌های نوین عوامل فردی با سهم ۹/۱ درصد، عوامل راهبردها، مقوله توسعه‌ای و برنامه‌ای با سهم ۵/۸ درصد و در محور عوامل مداخله‌ای، مقوله موانع و محدودیت‌ها و چالش‌ها با سهم ۳/۴ درصد بیشترین سهم فراوانی مفاهیم از نتیجه مقالات منتشر شده را به خود اختصاص داده است. نکته قابل توجه از تحلیل خروجی این داده‌ها مشخص شد علاوه بر مزایای پذیرش و استفاده از فناوری‌ها در سیستم‌های اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی، مقوله چالش‌ها و موانع در پذیرش فناوری‌ها قابل توجه محققین بوده است. که نشان دهنده وجود کاستی‌ها و ضعف در پذیرش فناوری در حرفه حسابداری و حسابرسی با توجه به شرایط خاص کشور ایران است. که لازمه آن توجه به چگونگی همگرایی و یکپارچه‌سازی، ارتقای زیرساخت‌ها و شیوه‌های مدیریت استراتژیک سازمانی و حمایت دولت، در جهت کاهش موانع و محدودیت‌های پذیرش این فناوری‌های نوین در سیستم اطلاعات حسابداری و حسابرسی است. با توجه به نتایج بخش کمی و کیفی می‌توان اینطور نتیجه گرفت که وضعیت ادبیات دانشگاهی در حوزه فناوری رشته حسابداری و حسابرسی نسبت به سایر حوزه‌ها پژوهشی کاستی‌ها و ضعفهایی دارد که انتظار می‌رود، اساتید دانشگاهی، متخصصان حوزه و پژوهشگران سیستم‌های اطلاعات حسابداری توجه ویژه‌ای در این حوزه داشته باشند. چرا که با انجام پژوهش‌های کاربردی و مسئله محور، مقدمات پیشرفت یک رشته علمی مهیا می‌شود. این پژوهش ضمن اینکه افق و دید تازه‌ای را به پژوهشگران این حوزه عرضه می‌کند؛ می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مجلات علمی قرار گیرد. از محدودیت‌های پژوهش در برخی از نشریات روند آماری مقالات منتشره، از جهت تعداد مقالات چاپ شده و یا پذیرفته شده مشخص نشده بود. که جهت دقت بیشتر تمام دوره‌های انتشار مقالات مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش مقالات از فصلنامه‌های علمی و پژوهشی استخراج شده است. پژوهشگران آتی می‌توانند از پایگاه‌های علمی دیگر (مانند پایگاه مرکز علمی جهاد دانشگاهی و

یا حتی سیویلیکا به منظور گنجاندن مقالات کنفرانسی) استفاده کنند. همچنین پیشنهاد می شود پژوهشگران در سال های آتی با توجه بیشتر به جزئیات و دسته بندی دقیق تر این پژوهش را مجددا با دیدگاه جامع تر تکرار کنند و با نتایج این پژوهش مقایسه نمایند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- اردلان، محمد رضا؛ نصیری ولیک بنی، فخرالسادات و سرجهانی، زهرا. (۱۳۹۴). تحلیل رابطه فرهنگ سازمانی بر اساس مدل دنیسون و پذیرش فناوری. مطالعات رفتار سازمانی، ۴(۴)، ۱۵-۱۴۴-۱۲۱.
- آرین فر، معجبتی؛ رجیبی فرجاد، حاجیه. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر مکانیسم‌های فناوری اطلاعات بر چابکی سازمان با نقش دوستوانی فناوری اطلاعات (مطالعه موردی: کارکنان شرکت هلدینگ تدبیر). علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۸(۲)، ۱۶۹-۲۰۲.
- تجری، سکینه؛ خوزین، علی؛ اشرفی، مجید؛ گرگانلی دوجی، جمادوردی. (۱۴۰۱). مدل‌سازی مزایای رایانش ابری در حرفه حسابداری با رویکرد ساختاری-تفسیری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۲(۲)، ۲۱۵-۲۴۰.
- تحریری آرش، افسای اکرم. (۱۴۰۰). فراتحلیل عوامل موثر بر رفتار حساب‌برسان جهت پذیرش فناوری اطلاعات. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۶(۱۱)، ۱-۴۰.
- خاصه، علی اکبر؛ مختاری، حیدر؛ احمدی فیشمی، معصومه. (۱۴۰۳). تحلیل یک دهه پژوهش‌های حسابداری ایران از منظر شاخص‌های علم‌سنجی (۱۳۸۹-۱۳۹۸) دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۳(۴۹)، ۱۳-۳۵.
- دولت زارعی و مشایخی (۱۴۰۱). مروری بر مطالعات زبان گزارشگری تجاری گسترش پذیر XBRL، فصلنامه علمی دانش حسابداری مالی، دوره ۹(۳)، ۳۳-۶۷.
- زارع بهنمیری، محمد جواد؛ ملکی، محمد حسن؛ حسنخانی، فاطمه؛ رامشه، منیژه. (۱۴۰۲). ارائه چارچوبی برای شناسایی و تحلیل پیشران‌های کلیدی اثرگذار روی آینده حسابرسی در ایران با تمرکز بر فناوری بلاک‌چین. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۳(۳)، ۵۶-۲۷.
- زهرا دهقان پور، زهرا؛ صمدی، لاله؛ نوروزی چاکلی، عبدالرضا، (۱۴۰۲). تحلیل رویکردهای کارکردی و ساختاری ارتباطات علمی در تولید دانش توسط پژوهشگران حوزه علم‌سنجی در ایران، پژوهشنامه علم‌سنجی، ۹(۱۷)، ۲۵۹-۲۸۶.
- عبدالوند، ندا؛ طارانی، دریا. (۱۳۹۳). عوامل پذیرش سیستم‌های برنامه ریزی منابع سازمانی ابری در شرکت‌های کوچک و متوسط ایران. فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران، ۹(۳۴)، ۱۰۴-۸۱.

علی اصفهانی، یاسمن؛ دیانتی دیلمی، زهرا و صراف، فاطمه (۱۴۰۱)، "بررسی میزان آشنایی دانشجویان دکتری حسابداری با روش شناسی تحقیق در ایران"، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴(۵۳)، ۱۹۰-۱۶۳.

قائدی، محمدرضا؛ گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی گرایی تا کیفی گرایی. فصلنامه علمی روشها و مدل های روانشناختی. ۷(۲۳)، ۵۷-۸۲.

قناد، مصطفی؛ عرب مازار یزدی، محمد؛ صفرزاده بندری، محمدحسین و حصارزاده، رضا. (۱۴۰۲). کاربرد فنون متن کاوی در تحلیل جریان موضوعی مقالات منتشره در مجلات حسابداری ایران. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۵(۵۸)، ۱-۳۸.

منطقی، منوچهر؛ نقی زاده، محمد؛ صفردوست، عاطیه و محمد روضه سرا، مریم. (۱۳۹۴). نقش فرهنگ سازمانی بر اثربخشی پروژه های انتقال فناوری در ایران. فصلنامه مدیریت توسعه فناوری. ۳(۲)، ۳۰-۹.

نصیری، سعید؛ صالحی، اله کرم؛ شکیبامهر، احمد. (۱۴۰۱). تحلیل محتوای تحقیقات حسابداری در پرتو فناوری نوظهور بلاک چین. دانش حسابداری مالی. ۹(۴)، ۱۸۷-۲۱۸.

References

- Alkaraan, F; Albitar, K; Hussainey, K; & Venkatesh, V. G. (2022). Corporate transformation toward Industry and financial performance: The influence of environmental, social, and governance (ESG). *Technological Forecasting and Social Change*, 175, 121423.
- Tiron-Tudor, A.; Deliu, D. Big Data's. (2021). *Disruptive Effect on Job Profiles: Management Accountants' Case Study*. *J. Risk Financ.Manag*; 14, 376.
- Abdolvand, N; & Tatani, D. (2014). Comprehensive investigation on Cloud-ERP Adoption Factors of SMEs in Iran. *Iranian journal of management sciences*, 9(34), 81-104. (In Persian).
- Afsay, A; Tahriri, A; & Rezaee, Z. (2023). A meta-analysis of factors affecting acceptance of information technology in auditing. *International Journal of Accounting Information Systems*, 49, 100608.
- Agrifoglio, R.; de Gennaro, D. (2022). New Ways of Working through Emerging Technologies: A Meta-Synthesis of the Adoption of Blockchain in the Accountancy Domain. *J. Theor. Appl. Electron. Commer. Res*; 17, 836-850.

- Albuquerque, F; & Dos Santos, P. G. (2023). Recent Trends in Accounting and Information System Research: A Literature Review Using Textual Analysis Tools. *FinTech*, 2(2), 248-274.
- Ali Esfahani, Yasman, Zahra Dayanti Deilmi and Fateme Saraf, (2022), "Investigating the level of familiarity of accounting doctoral students with research methodology in Iran", *Financial Accounting and Audit Research*, 14. (53), 163-190. (In Persian).
- Angswat I. Bambang I, Isabel j (2023).Effect of Technology organization environment And Individual Factors towards Adoption Intention of cloud-Based Accountind Accounting Software in Msmes. *Journal of Theoretical and Applied Information Technology*, 101(1).67-92.
- Ardalan, MR, N, Walik Bani, FS, and Sarchehani, Z. (2014). Analyzing the relationship between organizational culture and technology acceptance based on Dennison's model. *Organizational Behavior Studies*, 4(4) 15, 121-144. (In Persian).
- Arin Far, Mojtabi, Rajab Farjad, Hajieh.(2022). Investigating the impact of information technology mechanisms on organizational agility with the dual role of information technology (case study: employees of Tadbir Holding Company). *Information Management Sciences and Techniques*. 8(2).169-202 (In Persian).
- Bisht, D; Singh, R; Gehlot, A; Akram, S. V; Singh, A; Montero, E. C; & Twala, B. (2022).Imperative role of integrating digitalization in the firms finance: A technological perspective. *Electronics*, 11(19), 32-52
- Christensen, J. (2018). Accounting in 2036: A Learned Profession. *Account. Rev.* 93, 387–390.
- Dolat Zarei and Mashaikh (2022), a review of XBRL extensible business reporting language studies, *Scientific Quarterly Journal of Financial Accounting Knowledge*, 9. (3), 33-67. (In Persian).
- Efendi, J; Mulig, E. V; & Smith, L. M. (2006). Information technology and systems research published in major accounting academic and professional journals. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, 3(1), 117-128.
- Gepp, A.; Linnenluecke, M.K.; O'Neill, T.J.; Smith, T. (2018).Big Data Techniques in Auditing Research and Practice: Current Trends and Future Opportunities. *J. Account. Lit.* 40, 102–115.
- Hoffman, C. (2017). Accounting and auditing in the digital age. ICAEW (2018). Artificial intelligence and the future of accountancy. *Ashx Retrieved:* 27.2.2019.

- Khase, Ali Akbar, Mokhtari, Haider, Ahmadi Fishmi, Masoumeh. (2024). Analysis of a decade of accounting research in Iran from the perspective of scientific indicators (2010-2019) accounting knowledge and management audit. 13(49).13-35. (In Persian).
- Kohtamäki, M; Parida, V; Patel, P. C; & Gebauer, H. (2020). The relationship between digitalization and servitization: The role of servitization in capturing the financial potential of digitalization.
- Kroon, N; do Céu Alves, M; & Martins, I. (2021). The impacts of emerging technologies on accountants' role and skills: Connecting to open innovation—a systematic literature review. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 7(3), 163.
- Lowe, D. J; Bierstaker, J. L; Janvrin, D. J; & Jenkins, J. G. (2018). *Information technology in an audit context: Have the Big 4 lost their advantage?* *Journal of Information Systems*, 32(1), 87–107.
- Mancini, D; Lombardi, R; & Tavana, M. (2021). Four research pathways for understanding the role of smart technologies in accounting. *Meditari Accountancy Research*, 29(5), 1041-1062.
- Moll, J. & Yigitbasioglu, O; (2019). The role of internet-related technologies in shaping the work
- Nasiri, Saeed, Salehi, Elah Karam, Shakibamehr, Ahmed. (2022). Content analysis of accounting research in the light of emerging blockchain technology. *Knowledge of financial accounting*. 9(4).187-218. (In Persian).
- Patton, M.Q. (2002). *Qualitative Research & Evaluation Methods*. thousand Oak, Calif: sage Publication
- Qaidi, Mohammadreza, Golshani, Alireza. (2015). Content analysis method, from quantitative to qualitative. *Scientific Quarterly Journal of Psychological Methods and Models*. 7(23).
- Qanad, Mustafa, Arab Mazar, Yazdi, Mohammad, Safarzadeh Bandari, Mohammad Hossein, Hesarzadeh, Reza. (2023). *The application of text mining techniques in the analysis of thematic flow of articles published in Iranian accounting journals*, *Financial accounting and audit research*, 15.(58).1-38. (In Persian).
- Rawashdeh, A; Bakhit, M; & Abaalkhail, L.(2023).Determinants of artificial intelligence adoption in SMEs: The mediating role of accounting automation. *International Journal of Data and Network Science*, 7(1), 25-34.
- Riley, J; Church, K. S; & Schmidt, P. J. (2022).Proposing Personality and Social Factors as Antecedents to Technology Resistance in Future Accountants. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*.

- Rogi, Manouchehr, Naghizadeh, Mohammad, Safardoost, *Atieh, Mohammad Rouzesara, Maryam.* (2014). the role of organizational culture on the effectiveness of technology transfer projects in Iran. *Technology Development Management Quarterly*. 3(2), 30-9. (In Persian).
- Sassi, W; Ben Othman, H; Hussainey, K. (2023). The determinants of eXtensible Business Reporting Language (XBRL) adoption: a cross-country study. *International Journal of Disclosure and Governance*, 1-18.
- Schmitz, J; & Leoni, G. (2019). Accounting and auditing at the time of blockchain technology: a research agenda. *Australian Accounting Review*, 29(2), 331-342.
- Setyowati, M. S; Utami, N. D; Saragih, A. H; & Hendrawan, A. (2023). Strategic factors in implementing blockchain technology in Indonesia's value-added tax system. *Technology in Society*, 72, 102169.
- tahriri A, afsay A. (2021). A Meta-Analysis of the Factors Affecting the Behavior of Auditors to Acceptance of Information Technology. *aapc*; 6 (11) :1-40. (In Persian).
- Taib, A; Awang, Y; Shuhidan, S. M; Rashid, N; & Hasan, M. S. (2022). Digitalization in Accounting: Technology Knowledge and Readiness of Future Accountants. *Universal Journal of Accounting and Finance*, 10(1), 348-357.
- Tajari, Sakineh, Khozin, Ali, Ashrafi, Majid, Gorganli Doji, Jamadvardi. (2022). Modeling the benefits of cloud computing in the accounting profession with a structural-interpretive approach. *Experimental Accounting Research*, 12(2), 215-240. (In Persian).
- Tarek, M; Mohamed, E.K; Hussain, M.M. and Basuony, M. A; (2017). The implication of information technology on the audit profession in developing country: Extent of use and perceived importance. *International Journal of Accounting & Information Management*.
- Tsou, H.T.; Chen, J.S. (2022). How does digital technology usage benefit firm performance? Digital transformation strategy and organisational innovation as mediators. *Technol. Anal. Strateg. Manag.* 1-14.
- Ulas, D. (2019). Digital transformation process and SMEs. *Procedia computer science*, 158, 662-671.
- Written by Arash, Afsai Akram. (2021). Meta-analysis of factors affecting the behavior of auditors to accept information technology. *Two quarterly journals of value and behavioral accounting*. 6. (11): 1-40.
- Yoshikuni, A. C; Dwivedi, R; Dutra-de-Lima, R. G; Parisi, C; & Oyadomari, J. C. T. (2023). Role of Emerging Technologies in Accounting Information Systems for Achieving Strategic Flexibility through Decision-Making

Performance: An Exploratory Study Based on North American and South American Firms. *Global Journal of Flexible Systems Management*, 1-20.

Zahra Dehghanpour, Zahra; Samadi, Lale; Nowrozi Chakli, Abdul Reza, (2023). Analysis of the functional and structural approaches of scientific communication in the production of knowledge by researchers in the field of scientology in Iran, *Research Journal of Science*, 9(17), 259-286. (In Persian).

Zare Behmiri, Mohammad Javad, Maleki, Mohammad Hassan, Hassankhani, Fatemeh, Ramsheh, Manijeh. (2022). providing a framework to identify and analyze the key drivers affecting the future of auditing in Iran with a focus on blockchain technology. *Experimental Accounting Research*, 13(3).56-27. (In Persian).

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

تأثیر شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱

نجمه حاجیان^۲، مرجان هاشم زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹

مقاله پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. با استفاده از روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۸۰ شرکت از بین آنها انتخاب گردید و داده‌های مورد نیاز پژوهش از صورت‌های مالی فصلی شرکت‌های منتخب، استخراج شد. دوره زمانی پژوهش شامل ۱۱ فصل شیوع کووید-۱۹ (زمستان ۱۳۹۸ تا تابستان ۱۴۰۱) و ۱۱ فصل عادی قبل از شیوع کووید-۱۹ (بهار ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۳۹۸) می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی، از نظر روش از نوع توصیفی و از نظر روش تحلیل داده‌ها از نوع تحلیل رگرسیونی می‌باشد. برای بررسی معنادار بودن معادله خط رگرسیون از آزمون فیشر و برای معناداری ضرایب از آزمون حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شد. داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش بعد از گردآوری از طریق سامانه گدال و آرشیو شرکت بورس و اوراق بهادار، با استفاده از نرم‌افزار آماری ایویوزو استتا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد بین شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که در دوران شیوع کووید-۱۹، سرمایه‌گذاری شرکت‌ها نسبت به دوران عادی قبل از آن کاهش معناداری داشته است. همچنین نتایج نشان داد ساختار مالکیت و اندازه شرکت تأثیر معناداری بر رابطه بین کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها نداشته است، در حالی که چرخه عمر و انعطاف پذیری نقدی تأثیر معناداری بر رابطه کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها داشته است.

واژه‌های کلیدی: کووید-۱۹، سرمایه‌گذاری، انعطاف پذیری نقدی، چرخه عمر.

طبقه‌بندی موضوعی: G01-M41.

10.22051/JERA.2024.46189.3201 .doi

۲. اسنادیار، دانشکده مدیریت و علوم مالی، گروه حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

(n.hajian@khatam.ac.ir)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و علوم مالی، گروه حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

(m_hashemzadeh_12216@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه^۱

یکی از عوامل مهم جهت حل مسائل اقتصادی کشورها، بسط و توسعه سرمایه‌گذاری است (ساعدی و دستگیر، ۱۳۹۶). سرمایه‌گذاری همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی هر شخص حقیقی و حقوقی است (نصیری و سلیمانی امیری، ۱۳۹۹). رشد و دگرگونی سریع روابط اقتصادی، منجر به رقابت شدیدی در عرصه تجارت، صنعت و سرمایه‌گذاری شده است. لذا شرکت‌ها برای بقا و گسترش فعالیت‌های خود، نیاز به انجام سرمایه‌گذاری‌های مناسب و به موقع دارند (خدایی و یحیایی، ۱۳۸۹). با توجه به تحولاتی که در جهان امروز رخ داده است، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه که با تهدیدات عدیده‌ای روبه‌رو می‌باشند، حل مشکلات اقتصادی نیازمند راهکارهای مناسب جهت استفاده بهتر از امکانات و ثروت‌های خدادادی می‌باشد. در این راستا یکی از راهکارهای مهم، توسعه سرمایه‌گذاری است (تهرانی و نوربخش، ۱۳۸۵). از طرفی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر مسائل تامین مالی و سرمایه‌گذاری به‌عنوان چالش پیش روی شرکت‌ها، حفظ انعطاف‌پذیری نقدی است. انعطاف‌پذیری نقدی، عبارت است از توان شرکت‌ها برای تامین منابع مالی جهت عکس‌العمل مناسب در برابر رویدادها و موارد پیش‌بینی نشده، برای حداکثر کردن ارزش شرکت (بیون^۲، ۲۰۱۱). انعطاف‌پذیری نقدی به دوصورت کلی مطرح می‌شود؛ برخی شرکت‌ها سعی می‌کنند با سیاست‌های مربوط به نگهداری وجه نقد، انعطاف‌پذیری نقدی خود را حفظ کنند و برخی دیگر با یک خط مشی محافظه‌کارانه بدهی، مبتنی بر داشتن ظرفیت مازاد بدهی، این سیاست را در پیش می‌گیرند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۹). مدل‌های کسب و کارهای امروزی نیازمند انعطاف‌پذیری کافی در زمینه انطباق با شرایط بروز بحران است. شرکت‌هایی قادر به استمرار فعالیت‌های اقتصادی خود هستند که با ساختار بندی مجدد، کسب و کار خود را با شرایط محیطی انطباق دهند (شوایزر و نینهاش^۳، ۲۰۱۷).

بر اساس نظریه چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف حیات خود از نظر مالی و اقتصادی دارای رفتارهای خاصی هستند. مراحل چرخه عمر شرکت، مراحل مشخص و قابل‌شناسایی هستند که از تغییرات معیارهای درونی، مانند انتخاب راهبرد، منابع مالی و توانایی مدیریت یا

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه می‌باشد.

2. Byoun

3. Schweizer and Nienhaus

معیارهای بیرونی شرکت، مانند محیط رقابتی و عوامل کلان اقتصادی، ناشی می‌شود، به گونه‌ای که موجب اتخاذ فعالیت‌های راهبردی به وسیله شرکت می‌گردد (دیکنسون^۱، ۲۰۰۷). چرخه عمر شرکت متشکل از چهار مرحله تولد، رشد، بلوغ و افول است. هر مرحله از چرخه عمر، تفاوت معنی‌داری از نظر وضعیت، استراتژی سازمانی، ساختار و سبک تصمیم‌گیری نشان می‌دهد. تئوری چرخه عمر نشان می‌دهد استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و رشد مناسب، در مراحل مختلف چرخه عمر متفاوت است (آنتونی و رامش^۲، ۱۹۹۲).

با این حال، بحران‌ها همواره چارچوب‌ها و رویه‌های رایج اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. وقوع حوادث می‌تواند باعث ایجاد بحران‌های اساسی در کشورها شود. جنگ، سیل، زلزله، حملات تروریستی و حتی شیوع بیماری‌های واگیردار نمونه‌هایی از این بحران‌ها هستند. یکی از بحران‌های اخیر مهم و تأثیرگذار بر اقتصاد جهان و ایران شیوع ویروس کرونا (کووید-۱۹)^۳ بوده است. اولین و مهم‌ترین اثر این پاندمی، بدون تردید بر اقتصاد جهان احساس می‌شود (منتی، ۱۳۹۹). شروع کووید-۱۹ در چین و شیوع گسترده آن در سایر کشورها مصداق یک بحران به معنای واقعی است که تاریخ کمتر چنین پدیده‌ای در این ابعاد ثبت کرده است (اشرفی و کاظم پور، ۱۳۹۸). ویروس کووید-۱۹ اولین بار در دسامبر سال ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین به عنوان یک تهدید شناسایی شد. به دنبال سرایت ویروس به سایر کشورها سازمان بهداشت جهانی در ۳۰ ژانویه سال ۲۰۲۰ اعلام کرد که شیوع ویروس کووید-۱۹ نشان دهنده یک وضعیت اضطراری در بهداشت عمومی با نگرانی بین‌المللی است، اما گسترش سریع و همه‌گیری ویروس موجب شد تا این سازمان کووید-۱۹ را در ۱۱ مارس سال ۲۰۲۰ به عنوان یک بیماری همه‌گیر جهانی (پاندمی) اعلام کند (پاپادوپولو^۴، ۲۰۲۰). بعد از آن خبرهای مربوط به کووید-۱۹ سبب ترس و وحشت بر همه مردم گردید که به تدریج این ترس‌ها به اقتصاد و بازارهای مالی راه پیدا کرد و بحران‌های مالی و اقتصادی به وجود آمد (گرچی پور و همکاران، ۱۴۰۰). در هر صورت، در زمان نگارش این مقاله از شدت همه‌گیری کاسته شده، اما هنوز هم شکل و میزان تأثیر آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین چگونگی واکنش واحدها و بنگاه‌های اقتصادی به این بحران به وضوح مشخص نشده است. از این رو، به منظور رسیدگی به چالش‌ها و

1. Dickinson
 2. Anthony & Ramesh
 3. Coronavirus disease (COVID-19)
 4. Papadopolou

پیامدهای همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ بر بخش‌های مختلف اقتصادی بخصوص واحدها و بنگاه‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری در این زمینه به مطالعات علمی متنوع و زیادی در این حوزه نیاز است. در هر حال، بعد از گذشت چند سال از شیوع این پاندمی، مقالات اندکی در حوزه پیامدهای مالی این اتفاق بزرگ در ایران منتشر شده است. از این‌رو، بررسی فرصت‌های مطالعاتی ایجاد شده در حوزه حسابداری درباره پیامدهای همه‌گیری ویروس کرونا هم از نظر تلاش در جهت ارائه اطلاعات به مدیران و برنامه‌ریزان واحدها و بنگاه‌های اقتصادی و هم از نظر شناسایی و معرفی موضوعات جدید پژوهشی به پژوهشگران ایرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، با تکیه بر مطالب فوق در این پژوهش تأثیر شیوع ویروس کرونا بر شرایط مالی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری آنها بررسی می‌شود. همچنین عواملی که می‌توانند این رابطه را تعدیل کنند بررسی شده است. به همین منظور در ادامه پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مدل تحقیق معرفی خواهد شد. در قسمت بعد، مدل معرفی شده آزمون شده و در نهایت پس از تحلیل خروجی مدل، بخش بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌های پژوهش:

یکی از موضوعات بسیار مهم و قابل تأمل در اقتصاد ایران، بحث سرمایه‌گذاری و تأثیر آن در دستیابی به اهداف توسعه پایدار است. سرمایه‌گذاری، فرایندی استراتژیک و بلندمدت است و اساسی‌ترین عامل برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف توسعه محسوب می‌گردد. ویژگی‌های خاص شرکت‌ها، رفتار سرمایه‌گذاری آنها را در رویارویی با شرایط مختلف پیچیده‌تر می‌سازد. با این وجود می‌توان رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را با توجه به ویژگی‌های ساختاری و محدودیت‌ها تا حدودی پیش‌بینی کرد. این پیش‌بینی به سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران کلان کمک می‌کند تا در تصمیمات خود، شرکت‌های هدف را شناسایی کرده و در شرایط مختلف تصمیماتی بهینه بگیرند (تهرانی و رهنما، ۱۳۹۳). سرمایه‌گذاری مبانی با اهمیتی برای رشد جریان‌های نقدی آتی، سودآوری، کاهش ریسک عملیاتی و توسعه آتی است (گودل^۱، ۲۰۲۰) تئوری محدودیت‌های مالی^۲، بیان می‌کند که همواره شکافی بین هزینه‌های تامین مالی داخلی و خارجی با پیش فرض وجود عدم تقارن اطلاعاتی و بازارکارای ناقص وجود دارد. بر اساس

1. Goodell, J

2. Financial constraints theory

این تئوری، تنگنای مالی از طریق تحت تأثیر قرار دادن شرایط تامین مالی، می‌تواند بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیرگذار باشد (بو و همکاران^۱، ۲۰۱۴). در واقع تئوری محدودیت‌های مالی، تأثیر شکست‌های تامین مالی بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را بررسی و مطالعه می‌کند (منصور و چیچتی^۲، ۲۰۱۱). با این حال بو و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند رفتار شرکت‌ها در طول یک بحران همیشه مطابق با پیش‌بینی‌های تئوری محدودیت‌های مالی نخواهد بود و در عوض شرکت‌ها مستقیماً به وضعیت خاص موجود واکنش نشان می‌دهند. از نظر آنها منطق پشتوانه این موضوع افزایش شدید عدم تقارن اطلاعاتی در شرایط وقوع بحران است. تحقیقات زیادی این نظریه را تایید کرده است. به عنوان مثال زویبر و همکاران^۳ (۲۰۲۰) به این نتیجه رسیدند که تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌های کوچک و متوسط قبل از بحران جهانی ۲۰۰۸ بیشتر مبتنی بر تامین مالی داخلی بوده است، اما پس از بحران، تصمیمات سرمایه‌گذاری به یک اندازه به شیوه تامین مالی شرکت (داخلی و خارجی) وابسته بوده است. همچنین دریور و بوگارین^۴ (۲۰۱۹) دریافته‌اند سرمایه‌گذاری شرکت‌های بریتانیایی در دوران بحران مالی سال ۲۰۰۷ در این کشور به شدت کاهش داشته است و تقریباً تا پایان سال ۲۰۰۷، حدود یک چهارم افت کرده است.

همانند بحران‌های مالی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۷، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های اخیر اقتصاد دانان و سرمایه‌گذاران تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر بازارهای مالی و سهام بوده است. پاندمی کووید-۱۹، به عنوان «یک رویداد قوی سیاه»^۵ توصیف شده است و باعث ایجاد شوک، ترس و وحشت در بین سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی گردید و منجر به واکنش ناشی از وحشت شدید در بین سرمایه‌گذاران شد (هی و همکاران^۶، ۲۰۲۰). شرکت‌ها نیز مانند سرمایه‌گذاران، برای تصمیمات سرمایه‌گذاری شرایط مختلف محیطی را در نظر می‌گیرند و به نظر می‌رسد در زمان وقوع بحران‌هایی مانند بحران شیوع کووید-۱۹ با احتیاط بیشتری دست به سرمایه‌گذاری بزنند.

1. Bo, H; et al

2. Mansour, W; & Chichiti, J. E

3. Zubair, S; et al

4. Driver, C; & Muñoz-Bugarin, J

۵. نظریه قوی سیاه، استعاره‌ای است که به اثرات شدید ناشی از برخی از رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی و نادر و همچنین تمایل انسان به یافتن توضیحاتی ساده و دم‌دستی برای این رویدادها می‌پردازد. این نظریه در سال ۲۰۰۷ توسط نسیم نقوال طالب در کتابی تحت عنوان کتاب قوی سیاه مطرح شد.

6. He, Liu, et al

ژی و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند عدم اطمینان حاصل از بحران شیوع کووید-۱۹ تأثیر شدیدی بر جریان‌های نقدی شرکت‌ها گذاشته و فعالیت‌های تجاری را برای بسیاری از کشورها با مشکلات فراوان مواجه کرده و ظرفیت تامین مالی کوتاه مدتشان را محدود نموده است. آنها معتقدند از آنجا که در طول این بحران، کانال‌های تامین مالی شرکت‌ها بسته شده است و درآمد عملیاتی آنها نیز به سختی حاصل می‌شود، بسیاری از شرکت‌ها با مشکلات شدید نقدینگی مواجه شده‌اند. آنها با بررسی میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های امریکایی در صورت‌های مالی فصلی آنها در طی بحران کووید-۱۹ به این نتیجه رسیدند که این مولفه نسبت به شرایط عادی به میزان قابل توجهی کاهش داشته است. ویتو و گومز^۱ (۲۰۲۰) نیز به این نتیجه رسیدند که کووید-۱۹ نقدینگی شرکت‌های بزرگ ۲۶ کشور مورد بررسی را با مشکل شدید مواجه کرده و معتقدند این موضوع می‌تواند یک دهم شرکت‌ها را طی ۶ ماه به ورشکستگی بکشاند. گودل (۲۰۲۰) معتقد است تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بحران کووید-۱۹ بر بازارهای مالی آسیب‌های بی‌سابقه‌ای بر اقتصاد جهانی گذاشته و انتظار می‌رود اثر آن ادامه یافته و تامین مالی داخلی و خارجی شرکت‌ها را با محدودیت جدی مواجه کند و از این طریق بر تصمیمات و رفتارهای سرمایه‌گذاری و پرداخت سود سهام شرکت‌ها نیز تأثیر بگذارد. لذا بررسی تأثیر این بحران بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های ایرانی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، با توجه به مبانی نظری عنوان شده فرضیه اول پژوهش بدین شرح تدوین می‌شود.

فرضیه اول: شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر معنی‌دار دارد.

مسلماً مانند هر رابطه دیگری بین مولفه‌های مالی و اقتصادی، میزان تأثیر بحران کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها نیز تحت تأثیر عوامل مختلفی خواهد بود که این رابطه را تقویت یا تضعیف می‌کند. ژی و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند شرکت‌ها با ویژگی‌های مختلف، عکس العمل‌های متفاوتی به بحران‌ها از جمله پاندمی کووید-۱۹ نشان می‌دهند. آنها یکی از عوامل تأثیرگذار را ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌دانند. آنها معتقدند شرکت‌ها با مالکیت نهادی و دولتی، با توجه به مسئولیت اجتماعی بالاتر در دوران بحران‌ها از جمله کووید-۱۹ مسئولیت بیشتری برای اهداف اقتصادی و غیراقتصادی خواهند داشت و لذا تأثیر منفی بزرگ‌تری در سرمایه‌گذاری شرکتی را تجربه خواهند کرد. نتایج بررسی این موضوع مطابق با انتظار بود. آنها

به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با مالکیت نهادی و تمرکز بالای مالکیت و نیز شرکت‌های با مالکیت دولتی، کاهش سرمایه‌گذاری بیشتری را در اثر کووید-۱۹ تجربه کرده‌اند. ژی و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند این موضوع در چین بسیار حایز اهمیت است. زیرا این گونه شرکت‌ها برای ایفای مسئولیت اجتماعی خود اقدام به فعالیت‌های غیر عملیاتی گسترده در طی بحران کووید-۱۹ از جمله ساخت بیمارستان و سایر پروژه‌های اورژانسی، تامین مایحتاج زیربنایی مردم مانند گاز، برق و سوخت و حمایت از مردم در تامین نیازهای حیاتی خود داشته‌اند و لذا سرمایه‌گذاری شرکتی و عملیاتی کمتری در طی این مدت انجام داده‌اند.

لذا برای بررسی چنین موضوعی در خصوص شرکت‌های ایرانی، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد.

فرضیه دوم: ساختار مالکیت شرکت بر رابطه شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر معنی‌دار دارد. همچنین نقش اندازه شرکت بر تأثیرگذاری بحران‌ها بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها جالب توجه است؛ زیرا تئوری و نتایج تجربی در برخی موارد در تضاد بوده‌اند. به عنوان مثال دیور و بوگارین (۲۰۱۹) در مورد شرکت‌های بریتانیایی در بحران مالی سال ۲۰۰۷ بریتانیا، با نتایجی مغایر با نظریات خود مواجه شدند. آنها معتقد بودند در دوران بحران، محدودیت‌های مالی شدیدتری به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، اتفاق خواهد افتاد و این عدم تقارن اطلاعاتی در مورد شرکت‌های کوچک پررنگ‌تر است. لذا انتظار داشتند شرکت‌های کوچک تأثیر بیشتری از بحران بگیرند. اما نتایج بررسی‌های آنها نشان داد بحران مالی برای شرکت‌های بزرگ نقش بیشتری در کاهش سرمایه‌گذاری داشته است، در حالیکه در مورد شرکت‌های کوچکتر، محدودیت‌های مالی در دوران بحران و دوران غیربحران، تأثیر یکسانی بر سرمایه‌گذاری دارد. ژی و همکاران (۲۰۲۱) نیز در این زمینه به نتایجی مغایر با استدلال‌هایشان دست یافتند. آنها استدلال می‌کردند که شرکت‌های کوچک و متوسط با توانایی تحمل ریسک پایین‌تر، نسبت به شرکت‌های بزرگتر، تأثیر بیشتری از کووید-۱۹ بگیرند. با این حال پس از آزمون تأثیر متغیر تعدیلگر اندازه شرکت بر رابطه بین شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های بزرگتر کاهش سرمایه‌گذاری بیشتری را در اثر کووید-۱۹ تجربه کرده‌اند. بر این اساس بررسی نقش تعدیلگر اندازه شرکت بر میزان تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، از شیوع کووید-۱۹ در مورد شرکت‌های ایرانی حایز اهمیت است. لذا فرضیه سوم بدین شرح تدوین می‌شود.

فرضیه سوم: اندازه شرکت بر رابطه شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر معنی دار دارد. یکی دیگر از مسائل اساسی در بحث سرمایه‌گذاری و عوامل مؤثر بر آن، چرخه عمر شرکت است. شرکت‌ها با توجه به اینکه در کدام مرحله از چرخه عمر خود هستند سیاست‌های تأمین مالی، سرمایه‌گذاری و نقدینگی خاصی را مطابق با مرحله‌ای که در آن هستند، دنبال می‌کنند (سواری و همکاران، ۱۳۹۵). در حوزه حسابداری برخی از محققان سه مرحله رشد، بلوغ و افول را برای توصیف عمر شرکت‌ها تبیین نموده‌اند که در هر یک از این مراحل به نسبت خصوصیات هر دوره، ساختار سرمایه متفاوتی در شرکت وجود خواهد داشت (بلک^۱، ۲۰۰۰). فاف و همکاران^۲ (۲۰۱۶) معتقدند سرمایه‌گذاری و انتشار سهام در مراحل چرخه عمر شرکت روند نزولی دارد. بدین معنی که شرکت‌ها در هر مرحله از چرخه عمر نسبت به مرحله قبل سرمایه‌گذاری کمتری انجام می‌دهد و این کاهش تا مرحله افول شرکت ادامه می‌یابد.

از آنجا که سرمایه‌گذاری شرکت‌ها از مراحل چرخه عمر آنها تأثیر مستقیم می‌پذیرد، در دوران بحران نیز این عامل می‌تواند مبنای مهمی برای میزان تأثیر بحران بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها باشد. جاو و آلاس^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی که در خصوص روابط بحران‌ها و چرخه عمر شرکت‌ها انجام دادند بیان می‌کنند که مدیران شرکت‌ها باید برای مدیریت بحران، توجه شان را به در نظر گرفتن مرحله‌ای از چرخه عمر که شرکت در آن قرار دارد، معطوف نمایند تا بتوانند بحران را تشخیص داده و آن را به صورت مؤثر مدیریت نمایند. آنها به این نتیجه رسیدند که بحران می‌تواند حتی چرخه عمر شرکت را تغییر دهد و شرکت را یک مرحله یا بیشتر، در طول چرخه عمرش به جلو براند. در واقع بحران می‌تواند حرکت شرکت در طی چرخه عمرش را تسریع نماید. بر این اساس و با توجه به اینکه شرکت‌ها در مراحل ابتدایی چرخه عمر نسبت به مراحل پایانی آن سرمایه‌گذاری بیشتری انجام می‌دهند، بررسی نقش تعدیل‌کننده چرخه عمر بر رابطه بحران کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها مفید خواهد بود. لذا فرضیه چهارم پژوهش بدین شرح تدوین می‌شود.

فرضیه چهارم: چرخه عمر شرکت بر رابطه شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر معنی دار دارد.

1. Black, E. L.

2. Faff, R; et al

3. Gao, J; & Alas, R

از جمله ویژگی‌های دیگر شرکت‌ها که ممکن است در شرایط خاص از جمله شرایط بحرانی تأثیرگذار باشد، انعطاف‌پذیری نقدی شرکت است. شرکت‌هایی که انعطاف‌پذیری نقدی مناسب دارند، می‌توانند در برابر فشارهای مالی مقاومت نمایند و زمانی که فرصت‌های سودآور به وجود می‌آید، وجوه لازم را جهت سرمایه‌گذاری با حداقل هزینه فراهم نمایند (گامبا و تری آنتیس^۱، ۲۰۰۸). ارسلان و همکاران^۲ (۲۰۰۹) نشان داده‌اند شرکت‌هایی که در طول دوره بحران مالی دارای انعطاف‌پذیری نقدی مناسبی بوده‌اند، توانایی بیشتری در جذب فرصت‌های سرمایه‌گذاری و وابستگی اندکی به منابع داخلی جهت سرمایه‌گذاری داشته‌اند. چنگ و همکاران^۳ (۲۰۱۱)، شوک‌های برون‌زای ناشی از بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ را بر شرکت‌ها بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی با انعطاف‌پذیری نقدی بالاتر که قبل از بحران وجوه نقد بیشتری نگهداری می‌کردند، توانایی بالاتری برای مقابله با بحران داشتند. ژو و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان دادند انعطاف‌پذیری نقدی بالاتر شرکت‌ها در دوران شیوع کووید-۱۹، به‌عنوان یک سپر قوی در مقابل بحران عمل کرده و برای عملیات روزانه و سرمایه‌گذاری‌های موردنیاز شرکت کمک شایانی بوده است؛ لذا انتظار می‌رود در شرکت‌های ایرانی نیز انعطاف‌پذیری نقدی شرکت، در دوران وقوع کووید-۱۹، به‌عنوان یک سپر دفاعی در اثرات نامطلوب از جمله کاهش سرمایه‌گذاری اثر نماید. لذا فرضیه پنجم پژوهش بدین شرح تدوین می‌شود.

فرضیه پنجم: انعطاف‌پذیری نقدی، بر رابطه شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.

مروری بر پیشینه پژوهش

المصطفی و همکاران^۴ (۲۰۲۳) تأثیر بحران شیوع کووید-۱۹ بر عملکرد و ریسک شرکت‌های حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا را بررسی کردند. آنها با بررسی داده‌های ۷۳۹ شرکت در ۱۲ کشور موجود در این حوزه جغرافیایی به این نتیجه رسیدند که بحران کووید-۱۹ بر عملکرد شرکت‌ها در اکثر صنایع تأثیر منفی داشته و در مقابل ریسک شرکت‌ها را افزایش

1. Gamba & Triantis

2. Arslan; et al

3. Cheng, et al

4. Almustafa, H; et al

داده است. آنها همچنین دریافتند کیفیت حاکمیت کشورها، نقش مهمی در تعدیل تأثیر این بحران بر عملکرد شرکت‌ها داشته است.

ژی و همکاران (۲۰۲۱) تأثیر شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی را با استفاده از داده‌های فصلی این شرکت‌ها بررسی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در دوران کرونا با کاهش روبرو بوده است و این کاهش در مورد شرکت‌های بزرگ‌تر و شرکت‌های با مالکیت نهادی و دولتی، بیشتر بوده است. آنها همچنین تأثیر انعطاف‌پذیری نقدی بر رابطه شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری را بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های با انعطاف‌پذیری نقدی بالاتر، از آن به‌عنوان یک سپر قوی در مقابل شوک‌های بیرونی از جمله کووید-۱۹ استفاده کرده و حتی در این دوران با افزایش سرمایه‌گذاری مواجه بوده‌اند.

کریزیو و همکاران^۱ (۲۰۲۲) عکس‌العمل شرکت‌ها در مقابل کووید-۱۹ را به تفکیک شرکت‌ها بر اساس اندازه و نوع مالکیت بررسی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند این بحران بر درآمد شرکت‌های کوچک و متوسط، تأثیر منفی بیشتری گذاشته است. همچنین در شرکت‌های خانوادگی این تأثیر بیش از سایر شرکت‌ها بوده است. آنها شواهدی مبنی بر تأثیر نوع صنعت بر رابطه کووید-۱۹ و عملکرد شرکت‌ها نیافتند. نتایج تحلیل عاملی انجام شده توسط آنها همچنین نشان داد ترجیحات فناوری، شیوه‌های مدیریتی و رفتار استراتژیک شرکت‌ها، تأثیر کووید-۱۹ بر عملکرد شرکت‌ها را تعدیل می‌کند.

ژنگ و ژانگ^۲ (۲۰۲۱)، به بررسی تأثیر کاهش فعالیت‌های اقتصادی ناشی از کووید-۱۹ بر کارایی مالی در مؤسسات مالی پرداختند. برای بررسی بهتر کارایی مؤسسات مالی تحت تأثیر شیوع کووید-۱۹، میزان عرضه و تقاضا برای خدمات این مؤسسات بررسی شد. نتایج آنها نشان می‌دهد نرخ خدمات‌دهی در این شرایط کاهش یافته و در نتیجه کارایی نیز کاهش یافته است. نتایج همچنین نشان می‌دهد تأثیر همه‌گیری، باعث کاهش کارایی مالی صندوق‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی شده است. همچنین آنها تأثیر اندازه را بر این رابطه بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که کارایی مؤسسات مالی خرد تحت تأثیر کووید-۱۹ بیشتر از مؤسسات مالی بزرگ، کاهش یافته است.

1. Kryeziu, L; et al

2. Zheng & Zhang

سرفراز و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی گزارشگری اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت‌های دارویی را در مواجهه با همه‌گیری ویروس کرونا مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش ایشان اگرچه حاکی از نبود تفاوت معنادار در افشای ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت‌های دارویی در مواجهه با همه‌گیری ویروس کرونا می‌باشد، اما تفاوت معناداری در افشای اطلاعات مذکور در بین افق‌های زمانی مختلف، معیارهای اندازه‌گیری متفاوت، نحوه افشای مختلف و همچنین محل افشای مختلف مشاهده گردید.

بشیری منش و امیری (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای تأثیر بکارگیری استراتژی تجاری تهاجمی در دوره همه‌گیری کووید-۱۹ را بر رابطه بین عملکرد اجتماعی شرکت‌ها و واکنش بازار سرمایه مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش ایشان نشان داد که بحران ویروس کرونا بر میزان بازده سهام و بازده غیرعادی سالانه شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین میزان افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در دوره همه‌گیری کووید-۱۹ بر واکنش سرمایه‌گذاران و میزان بازده غیرعادی سهام، در کوتاه‌مدت تأثیر معناداری نداشته، ولی در بلندمدت واکنش مثبت سرمایه‌گذاران را در پی دارد. علاوه بر این، بکارگیری استراتژی تجاری تهاجمی در دوره همه‌گیری کووید-۱۹ بر ارتباط بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و واکنش بازار سرمایه‌گذاران و سطح بازده غیرعادی در بلندمدت تأثیر مستقیم دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به پیروی از پژوهش‌های زی و همکاران (۲۰۲۱)، به شرح زیر تدوین شده است:

- فرضیه اول - شیوع کووید - ۱۹ بر میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر منفی دارد.
- فرضیه دوم - ساختار مالکیت شرکت بر رابطه شیوع کووید - ۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر دارد.
- فرضیه سوم - اندازه شرکت بر رابطه شیوع کووید - ۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر دارد.
- فرضیه چهارم - چرخه عمر شرکت بر رابطه شیوع کووید - ۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر دارد.
- فرضیه پنجم - انعطاف‌پذیری نقدی شرکت بر رابطه شیوع کووید - ۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی و در حوزه پژوهش‌های تئوری اثباتی قرار می‌گیرد. در این مطالعه، جهت تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون

مبتنی بر داده‌های تابلویی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها از صورت‌های مالی فصلی شرکت‌ها و سایر گزارش‌های مالی آنها مستقیماً از سایت کدال استخراج شده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری، در صفحه گسترده اکسل طبقه‌بندی شده و در نهایت با استفاده از نرم‌افزار ایویوز و استاتا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که کلیه شرایط زیر را دارا باشند:

۱. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفندماه باشد. ۲. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گر مالی و هلدینگ نباشد. ۳. در طول دوره مورد بررسی، تغییر سال مالی نداشته باشد. ۵. صورت‌های مالی فصلی و یادداشت‌های توضیحی مربوط به آن برای سال ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۱ به طور کامل در دسترس باشد. ۶. معاملات سهام آنها طی دوره پژوهش بیش از ۳ ماه وقفه معاملاتی نداشته باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در نهایت تعداد ۱۸۰ شرکت انتخاب شد و داده‌های فصلی آن برای ۱۱ فصل عادی (بهار ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۳۹۸) و ۱۱ فصل شیوع کرونا (زمستان ۱۳۹۸ تا تابستان ۱۴۰۱) جمع‌آوری شد. لذا تعداد مشاهدات به ۳۹۶۰ فصل-شرکت رسید.

مدل و متغیرهای پژوهش

به پیروی از ژی و همکاران (۲۰۲۱) الگوی پژوهش برای آزمون فرضیه اول به شرح ذیل است:

$$\text{Invest}_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 \text{post}_{i,t} + \sum \gamma_j \text{control}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

Invest: سرمایه‌گذاری شرکت

Post: کووید - ۱۹ (که برای دوران کووید-۱۹ و دوران عادی تفکیک شده است)

متغیرهای کنترلی شامل: نسبت بدهی (Debt)، بازده دارایی (Roa)، عملکرد شرکت (QTobin)، استقلال هیئت‌مدیره (Inde)، جریان نقدینگی عملیاتی شرکت (Cflow) و دوگانگی نقش مدیرعامل (Dual) به پیروی از ژی و همکاران (۲۰۲۱)، اندازه شرکت (Size) به پیروی از دستگیر و همکاران (۱۳۹۰)، انعطاف‌پذیری نقدی (Treated) به پیروی از رحمانی و همکاران (۱۳۹۱)، چرخه عمر (CLC) به پیروی از سواری و همکاران (۱۳۹۶) و تمرکز مالکیت (Soe).

همچنین به پیروی از ژری و همکاران (۲۰۲۱) الگوی پژوهش برای آزمون فرضیه دوم تا پنجم به شرح ذیل است:

$$\text{Invest}_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 \text{post}_{i,t} + \gamma_2 \text{post}_{i,t} \times \text{Soe}_{i,t} + \gamma_3 \text{post}_{i,t} \times \text{size}_{i,t} + \gamma_4 \text{post}_{i,t} \times \text{Treated}_{i,t} + \gamma_5 \text{post}_{i,t} \times \text{clc}_{i,t} + \gamma_6 \text{TobinQ}_{i,t} + \gamma_7 \text{Cflow}_{i,t} + \gamma_8 \text{Roa}_{i,t} + \gamma_9 \text{Debt}_{i,t} + \gamma_{10} \text{Inde}_{i,t} + \gamma_{11} \text{Dual}_{i,t} + \gamma_{12} \text{Soe}_{i,t} + \gamma_{13} \text{size}_{i,t} + \gamma_{14} \text{clc}_{i,t} + \gamma_{15} \text{Treated}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن متغیرهای تعدیلگر به این شرح است:

Soe: ساختار مالکیت

Size: اندازه شرکت

Treated: میزان انعطاف‌پذیری نقدی

CLC: چرخه عمر

سایر متغیرها بیشتر معرفی شده‌اند.

تعریف عملیاتی متغیرها

شایان‌ذکر است که همه داده‌های پژوهش، بر اساس صورت‌های مالی فصلی تهیه شده است. این نکته هنگام تفسیر داده‌ها به‌خصوص در جدول آمار توصیفی حائز اهمیت است؛ لذا اعداد می‌بایست با توجه به اینکه مربوط به یک سال مالی نیستند؛ بلکه مربوط به فصول سال هستند، تفسیر گردند.

متغیر وابسته

برای اندازه‌گیری متغیر وابسته پژوهش یعنی سرمایه‌گذاری مطابق پژوهش ژری و همکاران (۲۰۲۱) از رابطه زیر استفاده گردید:

جمع دارایی‌ها در ابتدای دوره/ جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری
این تعریف یک معیار معکوس برای متغیر سرمایه‌گذاری است. بدین معنی که منفی بودن آن به معنی سرمایه‌گذاری بیشتر (جریان‌های نقدی خروجی بیشتر بابت سرمایه‌گذاری، نسبت به جریان‌های نقدی ورودی حاصل از فروش یا بازده سرمایه‌گذاری) است و مثبت بودن آن به معنی کاهش سرمایه‌گذاری (جریان‌های نقدی خروجی کمتر بابت سرمایه‌گذاری، نسبت به جریان‌های نقدی ورودی حاصل از فروش یا بازده سرمایه‌گذاری) می‌باشد. لذا در تفسیر نتایج باید این موضوع را مدنظر قرار داد.

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش یعنی کووید - ۱۹ مطابق پژوهش ژی و همکاران (۲۰۲۱) یک متغیر مجازی (۱ و ۰) است. اگر داده‌ها متعلق به دوره کرونا (زمستان ۹۸ الی تابستان ۱۴۰۱) باشد برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با ۰ است.

متغیرهای تعدیلگر

به پیروی از پژوهش ژی و همکاران (۲۰۲۱) متغیرهای تعدیلگر به شرح ذیل است:

Soe: از مجموع درصد مالکیت سه سهامدار اول شرکت بدست می‌آید.

Size: برابر است با لگاریتم جمع دارایی‌ها.

Treated: برای اندازه‌گیری این متغیر از رابطه زیر استفاده گردید:

جمع کل دارایی‌ها در انتهای دوره / (وجه نقد + سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت در انتهای دوره): انعطاف‌پذیری نقدی CLC: این متغیر به پیروی از پژوهش فصیح رامنندی و رضازاده (۱۳۹۵) به الگوی پژوهش اضافه گردید. برای تعیین این متغیر از مدل جریان نقد دیکینسون (۲۰۱۱) استفاده می‌گردد. طبق این مدل از جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی (CFO)، سرمایه‌گذاری (CFI) و تأمین مالی (CFF) برای تعیین مراحل چرخه عمر شرکت شامل معرفی، رشد، بلوغ و افول استفاده می‌شود.

۱. اگر $CFO < 0$ ، $CFI < 0$ و $CFF > 0$ باشد نشانگر مرحله معرفی است که با عدد ۱

نمایش داده شده است.

۲. اگر $CFO > 0$ ، $CFI < 0$ و $CFF > 0$ باشد نشانگر مرحله رشد است که با عدد ۲ نمایش

داده شده است.

۳. اگر $CFO > 0$ ، $CFI < 0$ و $CFF < 0$ باشد نشانگر مرحله بلوغ است که با عدد ۳ نمایش داده شده است.

۴. اگر $CFO < 0$ ، $CFI > 0$ و $CFF \leq 0$ یا $CFF \geq 0$ باشد نشانگر مرحله افول است که

با عدد ۴ نمایش داده شده است.

۵. شرکت‌های که در هیچ یک از طبقات بالا قرار نگیرند جز مرحله رکود طبقه بندی می‌-

گردند که با عدد ۵ نمایش داده شده است.

متغیرهای کنترلی

Qtobin: برابر است با ارزش روز حقوق مالکانه تقسیم بر ارزش دفتری آن که از رابطه

زیر به دست می‌آید:

خالص دارایی‌ها / (قیمت روز سهام \times تعداد سهام): عملکرد شرکت
Cflow: از تقسیم جریان نقدی عملیاتی شرکت بر میانگین جریان نقدی عملیاتی کل نمونه بدست می‌آید.
Roa: از نسبت سود خالص به میانگین کل دارایی‌ها بدست می‌آید.
Debt: از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها بدست می‌آید.
Inde: از نسبت تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره بدست می‌آید.
Dual: یک متغیر دامی (۰ و ۱) است که اگر مدیرعامل، عضو هیئت مدیره باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر ۰ است.
سایر متغیرهای کنترلی که شامل ساختار مالکیت (Soe)، اندازه شرکت (Size)، انعطاف پذیری نقدی (Treated) و چرخه عمر (CLC) می‌باشند، پیشتر معرفی شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در ادامه به تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه، مد) و شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار، چولگی و کشیدگی) پرداخته می‌شود. جدول (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌گردد مقدار میانگین متغیر چرخه عمر برابر با ۳/۲۶ است. این رقم نشان می‌دهد که اکثر مشاهدات حول دوره بلوغ شرکت‌ها تمرکز دارند. میانه این متغیر نیز برابر با ۳ است؛ یعنی نیمی از مشاهدات در دوره معرفی و رشد و نیمی دیگر در دوره بلوغ و افول هستند. میانگین سرمایه‌گذاری شرکت‌ها عدد منفی ۳ درصد است که نشان می‌دهد به طور میانگین خروجی جریان‌های نقدی بابت فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، بیش از ورودی آن بوده است. همچنین شاخص بیشترین و کمترین، گستره هر متغیر را نشان می‌دهد. بیشترین نسبت بدهی ۳/۹۰ است که نشان می‌دهد حقوق مالکانه منفی یک شرکت (زیان انباشته سنگین)، باعث شده بدهی‌های شرکتی بسیار بیشتر از دارایی‌های آن باشد و پایین‌ترین عملکرد شرکت با عدد ۰/۱۵ نشان می‌دهد ارزش بازار حقوق مالکانه یکی از شرکت‌های نمونه، تنها پانزده درصد ارزش دفتری آن است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
سرمایه‌گذاری	-۰/۰۳۳	-۰/۰۱۱	۰/۶۸	-۰/۹۹	۰/۰۹	-۲/۳۹	۲۴/۴۷
کووید - ۱۹	۰/۵۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۰	-۰/۰۰۱	۱/۰۰
ساختار مالکیت	۰/۷۰	۰/۷۳	۱/۰۰	۰/۰۲	۰/۲۵	-۰/۵۰	۲/۲۵
اندازه شرکت	۶/۷۳	۶/۶۳	۹/۳۳	۴/۱۶	۰/۷۶	۰/۳۲	۳/۱۷
انعطاف‌پذیری نقدی	۰/۱۱	۰/۰۶	۰/۸۹	۰/۰۰	۰/۱۴	۲/۰۲	۷/۱۷
چرخه عمر	۳/۲۶	۳/۰۰	۵/۰۰	۱/۰۰	۱/۲۷	-۰/۰۲	۲/۰۶
عملکرد شرکت	۳/۳۳	۲/۲۶	۲۵/۱۱	۰/۱۵	۳/۰۳	۲/۸۸	۱۴/۱۶
جریان نقدینگی عملیاتی	۰/۶۶	۰/۰۵	۲۴/۵۷	-۷/۸۴	۲/۴۴	۵/۷۰	۴۲/۱۸
بازده دارایی	۰/۱	۰/۰۶	۰/۹۹	-۰/۵۳	۰/۱۳	۱/۵۶	۸/۳۴
نسبت بدهی	۰/۶۰	۰/۶۱	۳/۹۰	۰/۰۱	۰/۲۸	۳/۱۷	۳۱/۹۰
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۶۷	۰/۶۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۰	-۰/۳۷	۳/۱۹
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۷۹	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۱	-۱/۴۰	۲/۹۶

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های آمار استنباطی

برای انتخاب بین مدل تلفیقی و مدل تابلویی از آزمون چاو استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول (۲) خلاصه شده است. به دلیل اینکه P-Value از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین فرض صفر (مدل تلفیقی) رد می‌شود و فرض یک (مدل تابلویی) انتخاب می‌شود. همچنین نتایج آزمون هاسمن در جدول (۳) نشان می‌دهد که به دلیل اینکه P-Value دارای سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر (مدل اثرات تصادفی) رد می‌شود و فرض یک (مدل اثرات ثابت) انتخاب می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون چاو

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل اول	۸/۷۰	۰/۰۰	داده‌های تابلویی
مدل دوم	۴/۸۳	۰/۰۰	داده‌های تابلویی

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل اول	۴۲/۲۳	۰/۰۰	اثرات ثابت
مدل دوم	۳۹/۵۸	۰/۰۰	اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌های بیان شده، فروض کلاسیک آزمون شد. نتایج آزمون هم خطی جهت مدل‌های پژوهش در جدول‌های (۴) و (۵) آمده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار VIF (عامل تورم واریانس) کمتر از ۵ بوده و بنابراین همخطی بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد.

جدول ۴. نتایج آزمون هم خطی مدل اول

VIF	نام متغیر
۱/۲۳	عملکرد شرکت
۱/۴۴	استقلال هیئت مدیره
۱/۳۵	دوگانگی نقش مدیرعامل
۱/۲۲	کووید-۱۹
۱/۳۶	نسبت بدهی
۱/۱۰	جریان نقدینگی عملیاتی

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵. نتایج آزمون هم خطی مدل دوم

VIF	نام متغیر
۱/۴۷	عملکرد شرکت
۱/۴۸	استقلال هیئت مدیره
۱/۴۰	دوگانگی نقش مدیرعامل
۱/۵۳	بازده دارایی شرکت
۱/۴۷	کووید-۱۹
۱/۳۷	نسبت بدهی
۱/۳۲	جریان نقدینگی عملیاتی
۱/۶۷	اندازه شرکت
۱/۱۵	تمرکز مالکیت
۱/۰۵	چرخه عمر
۱/۲۳	انعطاف پذیری نقدی

منبع: یافته‌های پژوهش

طبق جدول (۶) مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون وولدریج در مدل پژوهش بیشتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر عدم جود خودهمبستگی می‌باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون وولدریج

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	مدل‌های پژوهش
عدم وجود خودهمبستگی	۰/۰۷	۳/۳۰	مدل اول
عدم وجود خودهمبستگی	۰/۰۶	۳/۴۹	مدل دوم

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج همچنین نشان از ناهمسانی واریانس بوده و لازم به توضیح است که برای رفع مشکل ناهمسانی، از رگرسیون مربعات تعمیم یافته استفاده شد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول (۷) مشاهده می‌شود سطح معنی داری مدل رگرسیون برابر ۰/۰۰ بوده است و لذا مدل در حالت کلی معنادار است. براساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دورین واتسون نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خود همبستگی وجود ندارد، زیرا این آماره در فاصله بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد.

جدول ۷. نتایج مربوط به تخمین مدل اول پژوهش

متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	سطح معناداری
کووید - ۱۹	۰/۰۰۱	۱/۹۹	۰/۰۴
تمرکز مالکیت	-۰/۰۰۱	-۰/۲۷	۰/۷۸
اندازه شرکت	-۰/۰۰۱	-۰/۴۱	۰/۶۸
انعطاف پذیری نقدی	-۰/۰۲	-۲/۴۳	۰/۰۲
چرخه عمر	۰/۰۰۱	۲/۲۷	۰/۰۲
عملکرد شرکت	-۰/۰۰۱	-۳/۴۳	۰/۰۰۱
بازده دارایی	-۰/۰۲	-۲/۷۵	۰/۰۱
جریان نقدینگی عملیاتی	-۰/۰۰۵	-۱۰/۷۶	۰/۰۰
نسبت بدهی	۰/۰۱	۱/۸۹	۰/۰۶
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۰۰۷	۳/۲۵	۰/۰۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۰۰۲	۰/۶۳	۰/۵۳
عرض از مبدأ	-۰/۰۳۲	-۱/۵۰	۰/۱۴
آماره F	۱۱/۲۲	معناداری آماره F	۰/۰۰
آزمون دورین واتسون	۱/۵۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۶

منبع: یافته‌های پژوهش

هدف فرضیه اول پژوهش بررسی تأثیر شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها است. همانطور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، ضریب تعیین برای مدل اول برابر ۰/۴۶ است که نشان می‌دهد ۴۶ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود. نتایج بررسی فرضیه اول پژوهش در جدول (۷)، نشان می‌دهد شیوع کووید-۱۹ دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است. از این رو می‌توان گفت که فرضیه اول مورد پذیرش قرار می‌گیرد. با این حال ضریب مثبت نشان دهنده رابطه معکوس بین شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌هاست. زیرا برای متغیر سرمایه‌گذاری، معیاری معکوس در نظر گرفته شده است. لذا مثبت بودن ضریب این متغیر در نتایج آزمون نشان می‌دهد در دوران شیوع کووید-۱۹ نسبت به دوران عادی، سرمایه‌گذاری شرکت‌ها کاهش یافته است. در ادامه نتایج فرضیه‌های دوم تا پنجم بررسی می‌شود.

جدول ۸. نتایج مربوط به تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	سطح معناداری
کووید-۱۹	۰/۰۱	۳/۱۶	۰/۰۰۲
کووید-۱۹* ساختار مالکیت	۰/۰۲	۰/۲۶	۰/۷۹
کووید-۱۹* اندازه شرکت	-۰/۰۱	-۱/۳۲	۰/۱۹
کووید-۱۹* چرخه عمر	۰/۰۱۴	۱۲/۲۱	۰/۰۰
کووید-۱۹* انعطاف پذیری نقدی	-۰/۰۶	-۳/۶۹	۰/۰۰
ساختار مالکیت	-۰/۰۴	-۰/۶۴	۰/۵۲
اندازه شرکت	۰/۰۲	۱/۶۳	۰/۱۱
چرخه عمر	۰/۰۰۳	۴/۰۲	۰/۰۰۱
انعطاف پذیری نقدی	۰/۰۶	۲/۷۰	۰/۰۱
عملکرد شرکت	-۰/۰۰۱	-۳/۲۱	۰/۰۰۲
بازده دارایی	۰/۰۱۷	۱/۸۷	۰/۰۶
جریان نقدینگی عملیاتی	-۰/۰۱	-۶/۵۴	۰/۰۰
نسبت بدهی	۰/۰۳	۳/۱۶	۰/۰۰۲
دوگانگی نقش مدیر عامل	-۰/۰۱	-۱/۰۹	۰/۲۷
استقلال هیات مدیره	-۰/۰۳	-۲/۳۰	۰/۰۲
عرض از مبدا	-۰/۱۳	-۱/۷۷	۰/۰۸
آماره F	۸/۸۹	معناداری آماره F	۰/۰۰
آزمون دوربین واتسون	۱/۷۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، آماره F برابر $۸/۸۹$ و مقدار احتمال (سطح معناداری) آن برابر $۰/۰۰$ است. از آنجا که این مقدار کمتر از $۰/۰۵$ است، مدل در حالت کلی معنادار است و همچنین ضریب تعیین برای مدل دوم برابر $۰/۵۰$ است که نشان می‌دهد ۵۰ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود. نتایج بررسی فرضیه‌های دوم تا پنجم، نشان می‌دهد متغیر ساختار مالکیت دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد است و نشان دهنده آن است که ساختار مالکیت شرکت بر رابطه شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر ندارد و بدین ترتیب فرضیه دوم مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. متغیر اندازه شرکت نیز دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می‌باشد که نشان دهنده آن است اندازه شرکت بر رابطه شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیری ندارد و بدین ترتیب فرضیه سوم مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. متغیر چرخه عمر دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است و نشان دهنده آن است که چرخه عمر شرکت بر رابطه شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر مستقیم (بدلیل مثبت بودن ضریب آوردی) معناداری دارد و بدین ترتیب فرضیه چهارم مورد پذیرش قرار می‌گیرد. متغیر انعطاف پذیری نقدی دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است و نشان دهنده آن است انعطاف پذیری نقدی بر رابطه شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر معنادار دارد و بدین ترتیب فرضیه پنجم مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود تحقیقات گسترده‌ای که تا کنون در زمینه شیوع کووید-۱۹ صورت گرفته است، در مورد تأثیر شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها مطالعات کمی انجام شده است. لذا در این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته شد که آیا شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر دارد یا خیر و چه متغیرهایی این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در راستای بررسی فرضیه اول مشاهده شد که ضریب متغیر کووید-۱۹ مثبت و معنی‌دار است که نشان دهنده تأثیر معکوس شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌هاست (به دلیل اینکه متغیر تعریف شده برای سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، نماینده معکوس سرمایه‌گذاری است). لذا می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه شیوع کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر منفی دارد را پذیرفت. به عبارتی در دوره کووید-۱۹ نسبت به دوران عادی، سرمایه‌گذاری شرکت‌ها (جریانهای نقدی خروجی سرمایه‌گذاری) کاهش یافته است. این نتیجه

مطابق با انتظارات بود زیرا انتظار می‌رود در دوران بحران، از جمله بحران کووید-۱۹، شرکت‌ها بیش از آنکه نقدینگی خود را صرف سرمایه‌گذاری برای آینده نمایند، آن را برای شرایط بحرانی کنونی و فعالیتهای عملیاتی و ضروری صرف کنند. نتیجه فرضیه مذکور با فرضیه اول تحقیق ژئی و همکاران (۲۰۲۱) با عنوان تاثیر کووید - ۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های بورسی کشور چین سازگاری دارد. نتایج تحقیق ژئی و همکاران نشان دهنده تأثیر منفی شیوع کووید - ۱۹ بر تأمین مالی داخلی و خارجی، رفتار سرمایه‌گذاری و توزیع سود سهام بنگاه‌ها بود. آنها به این نتیجه رسیدند که نرخ رشد سرمایه‌گذاری تولیدی و نرخ رشد سرمایه‌گذاری خصوصی در طول کووید-۱۹ در چین به شدت کاهش یافته است. نتایج فرضیه اول همچنین با نتایج پژوهش گودل (۲۰۲۰) نیز سازگار است. آنها دریافتند بحران کووید-۱۹ از طریق تأثیر بر تأمین مالی شرکت‌ها، بر سرمایه‌گذاری و پرداخت سود سهام آنها نیز تأثیر منفی گذاشته است. دریورو بوگارین (۲۰۱۹) نیز گرچه تأثیر بحران دیگری (بحران مالی سال ۲۰۰۷ بریتانیا) را بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها بررسی کرده‌اند، ولی نتایج آنها نیز حاکی از تأثیر منفی بحران بر میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های بریتانیایی بود. همچنین نتایج با نتیجه پژوهش بو و همکاران (۲۰۱۴) نیز سازگار بود. آنها تأثیر بحران مالی ۲۰۰۸ را بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها بررسی کرده و کاهش معنی‌دار سرمایه‌گذاری را در صورت‌های مالی فصلی شرکت‌ها در دوران بحران مشاهده کردند. در فرضیه دوم تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین شیوع کووید - ۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها بررسی شد که این فرضیه مورد پذیرش قرار نگرفت. به عبارتی شرکت‌ها با ساختار سرمایه متمرکز یا غیر متمرکز به یک اندازه از این بحران آسیب دیده‌اند. این نتیجه با نتایج ژئی و همکاران (۲۰۲۱) مغایر بود. آنها تأثیر ساختار مالکیت را بر رابطه شیوع کووید - ۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها بررسی کردند و نتایج نشان‌دهنده آن بود که در طی دوره شیوع کووید - ۱۹ ساختار مالکیت تأثیر معنادار و منفی بر نوع رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در مقایسه با دوره ماقبل کرونا داشته است. در تحقیق مذکور مشخص شد شرکت‌های دارای مالکیت نهادی و دولتی، با توجه به مسئولیت اجتماعی بالاتر، در دوران بحران کووید - ۱۹، به جای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عملیاتی خود اقدام به تأمین مایحتاج شهری و حفاظت از معیشت مردم از جمله پروژه‌های تأمین سوخت، برق، گاز، ارتباطات و حمل و نقل نموده‌اند و لذا این شرکت‌ها با کاهش سرمایه‌گذاری بیشتری مواجه بوده‌اند. اما با توجه به نتایج پژوهش حاضر، مشاهده می‌شود چنین موضوعی در مورد شرکت‌های ایرانی موضوعیت نداشته است

نتایج فرضیه سوم حاکی از عدم تأثیر اندازه شرکت بر رابطه کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری بوده است. به عبارتی در مورد شرکت‌های ایرانی، بحران کووید-۱۹، شرکت‌های بزرگ و کوچک را به یک اندازه دچار کاهش سرمایه‌گذاری نموده است. این نتیجه با نتایج پژوهش ژی و همکاران (۲۰۲۱) و دیور و بوگارین (۲۰۱۹) مغایر بوده است. نتایج پژوهش ژی و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهد شیوع کووید-۱۹ بر روی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر منفی گذاشته است، و این تأثیر بر روی شرکت‌های بزرگ‌تر بسیار قوی‌تر بوده است. آنها دلیل این نتیجه را مسئولیت اجتماعی بالاتر شرکت‌های بزرگ‌تر در چین برای مقابله با بحران بیان کردند. همچنین نتایج پژوهش دیور و بوگارین (۲۰۱۹) در مورد شرکت‌های بریتانیایی در بحران مالی سال ۲۰۰۷ نشان داد بحران مالی برای شرکت‌های بزرگ، نقش بیشتری در کاهش سرمایه‌گذاری داشته است.

در فرضیه چهارم تأثیر چرخه عمر بر رابطه بین شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها بررسی شد و این فرضیه مورد پذیرش قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که در مرحله بالاتری از چرخه عمر خود قرار دارند، بیش از شرکت‌های جوان‌تر از نظر چرخه عمر، در دوران کووید-۱۹ دچار کاهش سرمایه‌گذاری شده‌اند. این نتیجه مطابق با انتظار است؛ زیرا اصولاً شرکت‌ها در دوره معرفی و رشد سرمایه‌گذاری بالاتر و در دوره بلوغ و افول سرمایه‌گذاری کمتر دارند. لذا وقوع یک بحران این تفاوت رویکرد را معنی‌دارتر می‌نماید. بدین ترتیب شرکت‌هایی که در دوره بلوغ و افول بوده‌اند، با وقوع بحران کووید-۱۹ کاهش سرمایه‌گذاری بیشتری را نسبت به شرکت‌هایی که در دوره معرفی و رشد بوده‌اند تجربه کرده‌اند. جاو و آلاس (۲۰۱۰) نیز در پژوهشی که در خصوص روابط بحران‌ها و چرخه عمر شرکت‌ها انجام دادند به این نتیجه رسیدند که چرخه عمر در تأثیرات بحران و نحوه مدیریت بحران تأثیر بسزایی دارد. آنها به این نتیجه رسیدند که یک بحران حتی می‌تواند چرخه عمر شرکت را تغییر دهد و شرکت را یک مرحله یا بیشتر، در طول چرخه عمرش به جلو براند.

در فرضیه پنجم تأثیر انعطاف‌پذیری نقدی بر رابطه بین شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها بررسی شد. به دلیل معناداری متغیر انعطاف‌پذیری نقدی می‌توان به این نتیجه رسید که انعطاف‌پذیری نقدی بر رابطه بین شیوع کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر معنادار دارد. نتیجه آزمون این فرضیه نشان داد انعطاف‌پذیری نقدی، تأثیر منفی بحران کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را تضعیف کرده است به عبارتی کاهش سرمایه‌گذاری در دوران

بحران کووید-۱۹ در شرکت‌هایی که انعطاف‌پذیری نقدی بالاتری دارند، کم‌رننگ‌تر بوده است. نتایج مذکور مطابق با پیش‌بینی‌ها و انتظارات است. شرکت‌هایی که انعطاف‌پذیری نقدی بالاتر یا ذخایر نقدی بیشتری دارند، در دوران بحران بحران کمتر آسیب می‌بینند و بیشتر می‌توانند به روند عادی فعالیت خود ادامه دهند. این گونه شرکت‌ها با توجه به انعطاف‌پذیری نقدی بالاترشان می‌توانند نقدینگی خود را در دوران بحران نیز مدیریت کرده و به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود ادامه دهند. نتیجه فرضیه مذکور با نتایج پژوهش‌های ژئی و همکاران (۲۰۲۱)، ارسلان و همکاران (۲۰۰۹) و چنگ و همکاران (۲۰۱۱) سازگار بوده است. نتایج پژوهش ژئی و همکاران (۲۰۲۱) نشان‌دهنده آن بوده است که انعطاف‌پذیری نقدی یک سپر دفاعی در برابر شوک‌های خارجی است و امکان حفظ فعالیت‌های عادی تجاری را در هنگام مواجهه با محدودیت‌های مالی فراهم می‌کند. در طول بحران، سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌هایی که انعطاف‌پذیری نقدی بالاتری دارند کمتر تحت تأثیر عدم اطمینان قرار می‌گیرند، زیرا استفاده مؤثر از ذخایر نقدی می‌تواند حمایت لازم برای رفتار سرمایه‌گذاری شرکت و حفظ سطح سرمایه‌گذاری را فراهم کند. همچنین نتایج پژوهش ارسلان و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد شرکت‌هایی که در طول دوره بحران مالی ۲۰۰۸ دارای انعطاف‌پذیری نقدی بیشتری بوده‌اند، توانایی بالاتری در جذب فرصت‌های سرمایه‌گذاری و وابستگی اندکی به منابع داخلی جهت سرمایه‌گذاری داشته‌اند. چنگ و همکاران (۲۰۱۱) نیز به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با انعطاف‌پذیری نقدی بالاتر قبل از بحران، در طی بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، توانایی بیشتری برای مقابله با بحران داشتند.

در این تحقیق برای بررسی تأثیر بحران کووید-۱۹ بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، این متغیر در دوران شیوع پاندمی کووید-۱۹ (زمستان ۱۳۹۸ تا تابستان ۱۴۰۱) با دوران عادی (بهار ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۳۹۸) مقایسه شد. بدیهی است این دو دوره زمانی ممکن است علاوه بر عامل کووید-۱۹، از نظر سایر عوامل محیطی نیز تفاوت‌هایی داشته باشند که می‌تواند بر نتایج تحقیق تأثیرگذار بوده باشد. همچنین در این پژوهش، داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی فصلی شرکت‌ها استخراج شده است. صورت‌های مالی فصلی شرکت‌ها برای دوره‌های ۶ و ۱۲ ماهه حسابرسی می‌شوند، اما برای دوره‌های ۳ و ۹ ماهه حسابرسی نمی‌شوند. در پژوهش‌های مبتنی بر داده‌های فصلی، پژوهشگران مجبور به اتکاء به داده‌های حسابرسی نشده این دو دوره هستند.

بدیهی است که مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران، توانایی پیش‌بینی و پیش‌گیری از وقوع بحران‌های جهانی را ندارند. لذا نتایج فرضیه اول تنها می‌تواند حاوی هشدار در خصوص تأثیر

وقوع بحران بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها باشد، نه ارائه راه حل برای پیشگیری یا جبران. اما نتایج فرضیه‌های دوم تا پنجم می‌تواند برای مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران پیامی کاربردی داشته باشد. از آنجا که اندازه و ساختار مالکیت، بر خلاف نتایج پژوهش‌های خارجی، تأثیری در رابطه بحران کووید-۱۹ و سرمایه‌گذاری در مورد شرکت‌های ایرانی نداشته است، مدیران و سرمایه‌گذاران ایرانی باید توجه کنند شرکت‌های بزرگ، یا شرکت‌های با ساختار مالکیت بالاتر نیز به اندازه سایر شرکت‌ها از بحران آسیب می‌بینند و اندازه و ساختار مالکیت نمی‌تواند شرکت‌ها را از تأثیر منفی بحران بر پروژه‌های سرمایه‌گذاری مصون نماید.

با این حال با توجه به تأثیر چرخه عمر و انعطاف پذیری نقدی بر رابطه بحران و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در زمان وقوع، یا پیش بینی وقوع بحران، تمرکز بیشتری بر شرکت‌هایی که در مراحل اولیه چرخه عمر هستند و نیز شرکت‌هایی که از انعطاف-پذیری نقدی بالاتری برخوردار هستند، داشته باشند. زیرا این دسته از شرکت‌ها دچار آسیب کمتری در دوران بحران می‌شوند و می‌توانند پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود را با توان بالاتری دنبال کنند. همچنین به مدیران پیشنهاد می‌شود به منظور مدیریت بحران بهتر، بر موضوع انعطاف‌پذیری نقدی و نگهداری ذخایر نقدی کافی برای مقابله با بحران‌های احتمالی اهمیت کافی قائل شوند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- اشرفی، حسن؛ کاظم‌پور، زهرا. (۱۳۹۸). گونه شناسی اطلاعات در بحران ویروس کرونا؛ بیان یک دیدگاه.
- مجله طب اورژانس ایران، ۶(۱)، ۲۴، ۳-۱
- بشیری منش، نازنین؛ امیری، صغری. (۱۴۰۱). تأثیر بکارگیری استراتژی تجاری تهاجمی در دوره کرونا بر رابطه عملکرد اجتماعی شرکت‌ها و واکنش بازار سرمایه. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۲(۲)، ۱۰۱-۱۲۰.
- تهرانی، رضا؛ رهنما فاروجانی، روح‌اله. (۱۳۹۳). پیش بینی رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه‌های عصبی. *مجله مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۲(۳)، ۶۳-۸۰.
- چارلز پی، جونز. (۱۳۸۵). *مدیریت سرمایه‌گذاری*، تهرانی، رضا؛ نوریخس، عسگر، انتشارات: نگاه دانش.
- خدایی وله زاقرد، محمد؛ یحیایی، منیره. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله حسابداری مدیریت*، ۳(۵)، ۱۵-۱.
- دستگیر، محسن؛ ساعدی، رحمان. (۱۳۹۶). تأثیر تاخیر در گزارش حسابرسی و ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۰(۱)، ۲۳-۵۱.
- رحمانی اصل، فاطمه؛ قدیم‌خانی، ابراهیم؛ خدادادی، ولی. (۱۳۹۹). انعطاف‌پذیری مالی، ساختار سرمایه و نقش ریسک بازار. *فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۴(۳۳)، ۸۱-۱۰۳.
- سرفراز، منصور؛ اسدی، غلامحسین، باغومیان؛ رافیک، اثنی‌عشری، حمیده. (۱۴۰۱). مسئولیت اجتماعی و گزارشگری آن در شرکت‌های دارویی: با تأکید بر اقدام‌های مسئولیت‌پذیرانه مرتبط با ویروس کرونا. *دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۷(۱۳)، ۳۹۸-۳۶۱.
- سواری، ضحی؛ رستمی، محمدرضا؛ عباسی، ابراهیم. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر چرخه عمر بر سیاست‌های مالی، سرمایه‌گذاری، بدهی و نقدینگی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸(۲)، ۱۷۳-۱۵۵.
- فصیح‌رامندی، ابراهیم؛ رضازاده، جواد. (۱۳۹۵). چرخه عمر شرکت و هزینه سرمایه سهام. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۲۱(۹)، ۶۲-۳۹.
- گرچی پور، محمدجواد؛ عثمانی، فریبا؛ ابراهیمی سالاری، تقی. (۱۴۰۰). بررسی اثر عوامل کلان اقتصادی بر بازدهی سهام در طی شیوع همه‌گیری کووید-۱۹ (مورد مطالعه صنایع منتخب بورس اوراق بهادار تهران). *فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد صنعتی*، ۵(۱۷)، ۵۹-۷۰.

متنی، حسین (۱۳۹۹). بررسی اثرات ویروس کرونا کووید ۱۹ بر اقتصاد جهانی. *ارزیابی تأثیرات اجتماعی*، ۱(۲)، ۱۸۱-۱۶۳

نصیری، سپیده سادات؛ سلیمانی امیری، غلامرضا. (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری در ایران، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۵)، ۱۶۰-۱۳۵.

References

- Almustafa, H; Nguyen, Q. K; Liu, J; & Dang, V. C. (2023). The impact of COVID-19 on firm risk and performance in MENA countries: Does national governance quality matter? *PloS one*, 18(2), e0281148.
- Anthony, H; & Ramesh, K. (1992). Association between accounting performance measures and stock prices: test of the lifecycle hypothesis, *Journal of Accounting and Economics*, 15, 203-227
- Arslan-Ayaydin, Ö; Florackis, C; & Ozkan, A. (2014). Financial flexibility, corporate investment and performance: evidence from financial crises. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 42(2), 211-25
- Bashirimanesh, N, Amiri, S. (2022). The Effect of Using Aggressive Business Strategy in the Corona Period on the Relationship between Corporate Social Performance and Capital Market Reaction. *Scientific Journal of Accounting and social benefits*, 12(2), 101-, 120. (In Persian).
- Black, E. L. (2000). Life-cycle stage effects on the incremental information content of earnings And cash flows. *Available at SSRN 2719*.
- Bo, H; Driver, C; & Lin, H. C. M. (2014). Corporate investment during the financial crisis: *Evidence from China. International Review of Financial Analysis*, 35, 1-12.
- Byoun, S. (2011). Financial flexibility and capital structure decision. *Available at SSRN 1108850*.
- Dastgir, M, Saeedi, R. (2017). The Effect of Delay in Audit Report and Weakness of Internal Controls on Investment Efficiency of Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Accounting empirical research*, 1(10), 23-51. (In Persian).
- Dickinson, V. (2007). Cash Flow Patterns as a Proxy for Firm Life Cycle. Fisher School of Accounting, *Warrington College of Business, University of Florida*, 35.
- Driver, C; & Muñoz-Bugarin, J. (2019). Financial constraints on investment: Effects of firm size and the financial crisis. *Research in International Business and Finance*, 47, 441-457.
- Faff, R; Kwok, W. C; Podolski, E. J; & Wong, G. (2016). Do corporate policies follow a life- cycle? *Journal of Banking & Finance*, 69, 95-107
- Fasih ramandi, E, Rezazadeh, J. (2016). Corporate life cycle and stock cost. *Applied Research in Financial Reporting*, 21(9), 39-62. (In Persian).

- Gamba, A; & Triantis, A. (2008). The value of financial flexibility. *The journal of finance*, 63(5), 2263- 2290
- Gao, J; & Alas, R. (2010). The impact of crisis on enterprise life-cycle. *Problems and Perspectives in Management*, (8, Iss. 2), 9-20.
- Goodell, J. (2020). COVID-19 and finance: *Agendas for future research. Finance Research Letters*, 35, 101512
- Gorjipour, Mj, Osmani, F, Ebrahimi salari, T. (2021). Effect of Macroeconomic Factors on Stock Returns during COVID-19 pandemic (Case Study of Selected Industries of Tehran Stock Exchange). *Journal of Industrial Economics Research*, 5(17), 59-70. (In Persian)
- He Q, Liu J, Wang S; Yu J. The impact of COVID-19 on stock markets. *Economic and Political Studies* 2020:1-14.
- Jiang Cheng, Elyas Elyasiani and Jingyi (Jane) Jia. (2011). "Institutional Ownership Stability and Risk Taking from the Life-Health Insurance Industry". <http://ssrn.com>
- Jiang, J; Hou, J; Wang, C; & Liu, H. (2021). COVID-19 impact on firm investment—Evidence from Chinese publicly listed firms. *Journal of Asian Economics*, 75, 101320.
- Khodee, M, Yahyae, M. (2010). A Study of the Relationship between Financial and Labor Rapporteur Quality of Investment in Tehran Stock Exchange. *Journal of management accountant*, 3(5),1-15 (In persian).
- Kryeziu, L; Bağış, M; Kurutkan, M. N; Krasniqi, B. A; & Haziri, A. (2022). COVID-19 impact and firm reactions towards crisis: *Evidence from a transition economy*
- Mansour, w; & CHichti, j. e. (2011, august). Financing constraints theory: anarrative approach walid mansour1 and jamel e. chichti2. In 6th International Finance Conference on Financial Crisis and Governance (p. 465). Cambridge Scholars Publishing.
- Menati, H. (2020). Corona Virus (COVID-19) Effects on the Global Economy. *Social impact assessment*, 1(2), 163-181. (In persian).
- Nasiri, S, Solaymani Amiri, Gh. (2020). Evaluating the financial performance of investment companies in Iran, *financial accounting and auditing research*, 12(45), 135-160. (In Persian).
- Papadopoulou, S; & Papadopoulou, M. (2020). The accounting profession amidst the COVID-19 pandemic. *International Journal of Accounting and Financial Reporting*, 10(2), 39-59.
- Rahmaniasl, F, Ghadimkhani, E, Khoadadadi, V. (2020). Financial flexibility, capital structure and market risk role. *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 4(33), 88-103. (In Persian).
- Sarfaraz, M, Asadi, Gh, Baghumiyani, R, Asnaashari, H. (2022). Social Responsibility and Reporting in Pharmaceutical Companies: Emphasizing Responsible Action Related to Corona Virus. *Journal of value and behavioral Accountig*, 7(13), 361-398. (In Persian).
- Savari, Z, Rostami, MR, Abasi, E. (2016). A Study of the Impact of Life Cycle on Financial, Investment, Debt and Categorical Policies. *Accounting empirical research*, 8(2), 155-173. (In Persian).

- Schweizer, Lars and Nienhaus, Andreas. (2017). Corporate distress and turnaround: Integrating the literature and directing future research, *Business Research*, 10 (1), 3-47.
- Tehrani, R, Noorbakhsh, A. (2006). *Investment Management, Publication of Paytagh Danesh*. (In Persian).
- Tehrani, R, Rahmana, R. (2014). Prediction of Investment Behavior of Tehran Stock Exchange Companies Using Neural Networks. *Journal of Asset Management and Financing*. 2(3), 63-80. (In Persian).
- Vito, A; & Gomez, J. (2020). Estimating the COVID-19 cash crunch: Global evidence and policy. *SSRN Electronic Journal*. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3560612>.
- Zheng, C; & Zhang, J. (2021). The impact of COVID-19 on the efficiency of microfinance institutions. *International Review of Economics & Finance*, 71, 407-423.
- Zubair, S; Kabir, R; & Huang, X. (2020). Does the financial crisis change the effect of financing on investment? *Evidence from private SMEs*. *Journal of Business Research*, 110, 456-463.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

نقش تعدیل‌کننده عملکرد غیرمالی بازار محصول در رابطه بین فعالیت‌های محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی با عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱

زهرا ذوالفقاری^۲، ناصر ایزدی نیا^۳ و سعید علی احمدی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹

مقاله پژوهشی

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات به منظور ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌هاست. در دهه اخیر به دلیل پیدایش بحران‌های پیچیده جهانی ناشی از تغییرات آب و هوایی و کمبود منابع انرژی، تقاضا برای اطلاعات از اطلاعات صرفاً مالی به اطلاعات غیرمالی و آینده‌نگر در سه بعد فعالیت زیست محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی به منظور ارزیابی عملکرد شرکت‌ها افزایش یافته است. در یک بازار رقابتی، شرکت‌ها به منظور ایجاد یک تصویر مثبت از خود و حفظ مزیت رقابتی سعی در افزایش عملکرد مالی خود در پرتو اتخاذ یک استراتژی مناسب فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی دارند. در این راستا، هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان تاثیر فعالیت‌های محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی بر عملکرد مالی با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی عملکرد غیرمالی بازار محصول در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ است. که با استفاده از روش حذف سیستماتیک، ۱۴۷ شرکت برای پژوهش حاضر انتخاب شد. به منظور آزمون فرضیه‌ها، از نرم‌افزار ایوبوز و روش رگرسیون داده‌های ترکیبی چند متغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش، نشان داد بین فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی با عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت وجود دارد. همچنین عملکرد غیرمالی بازار محصول دارای نقش تعدیل‌کننده بر رابطه بین فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی و عملکرد مالی است. نتایج و یافته‌های پژوهش می‌تواند مورد استفاده فعالان بازار سرمایه جهت رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی و همچنین ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها باشد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد غیرمالی بازار محصول، فعالیت‌های محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی، عملکرد مالی طبقه‌بندی موضوعی: G30, G32, O13, A13, M14, Z13.

10.22051/jera.2024.46225.3202 .doi

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (mizolfaghari@gmail.com).

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول). (n.izadnia@ase.ui.ac.ir).

۴. دانشیار، گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (saeidialahmadi@yahoo.com).
https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

اهمیتی که عملکرد شرکت در پژوهش‌های دانشگاهی و حوزه‌های کاربردی نظیر پاداش‌های مدیریتی و بقای شرکت‌ها دارد، باعث شده تا کسب شناخت کافی و درک عواملی که می‌تواند آن را تحت تأثیر قرار دهد، از اهمیت خاصی برخوردار شود (حیدریور و شهبازی، ۱۳۹۴). عملکرد شرکت عبارت است از معیارهای برون‌سازمانی اثربخشی شرکت که سه حوزه کلی را در بر می‌گیرد: ۱. عملکرد مالی، ۲. عملکرد بازار و ۳. بازده صاحبان سهام (دوینی، ریچارد، ایپ و جانسون^۱، ۲۰۰۵). اندازه‌گیری عملکرد مالی، پایه بسیاری از تصمیمات از قبیل پاداش مدیران، قیمت سهام، ریسک سهام، تصمیم‌گیری مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها و بسیاری از موارد دیگر است (زندى و فغانى ماکرانی، ۱۳۹۷). اطلاعات مربوط به عملکرد مالی برای ارزیابی عدم قطعیت‌های آینده ناشی از تغییرات در محیط کسب و کار و امکان دستیابی به پایداری شرکت کافی نیست، بنابراین ارزیابی عملکرد غیرمالی ضروری است. با توجه به رابطه بین عملکرد مالی و غیرمالی، هوک^۲ (۲۰۰۵) بیان می‌کند شرکت‌هایی که عوامل موفقیت خود را از طریق سنجش عملکرد غیرمالی به وجود می‌آورند، عملکرد مالی بالاتری را نشان می‌دهند. بسیاری از مطالعات استدلال می‌کنند که برخی از فعالیت‌های تجاری شرکت‌ها بر عملکرد مالی از طریق عملکرد غیرمالی تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش عملکرد غیرمالی بر اساس ویژگی‌های محصول (رقابت بازار) اندازه‌گیری می‌شود که به عنوان عاملی که نقش تعدیل‌کننده‌ای در رابطه بین فعالیت‌های اجتماعی، زیست محیطی و حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت دارند بررسی می‌شود. رشد اقتصاد جهانی و افزایش توجه به منافع ذینفعان موجب گردیده است که مشارکت در مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. اخیراً اهداف شرکت‌ها از توجه صرف برای حداکثر نشان دادن ثروت سهامداران به توجه به منافع تمامی ذینفعان شرکت‌ها تغییر پیدا کرده است (شهزاد، بیگ و رحمان^۳، ۲۰۲۱). رعایت ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت، هم برای خود واحد تجاری و هم برای اجتماع سودمند می‌باشد. زمانی که سازمان‌ها در مسئولیت‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند، می‌توانند مزیت‌های زیادی از جمله افزایش فروش و وفاداری مشتریان، افزایش توانایی در استخدام کارکنان جدید، کاهش نرخ

1. Devinney, Richard, Yip, & Johnson

2. Hoque

3. Shazad, Baig, & Rehman

گردش کارکنان، افزایش رضایت شغلی کارکنان، افزایش رضایت مشتری و تقویت وفاداری مشتری را به دست آورند که در نهایت این عوامل می‌تواند به افزایش عملکرد شرکت کمک کند (تسنگ و سباهاتین^۱، ۲۰۲۱). سازمان‌ها برای آنکه بتوانند جایگاه خود را در جامعه حفظ کنند، به نحوی که باعث تداوم فعالیت آن‌ها و موفقیت‌شان در کسب و کار شود، لازم است که به فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی خود توجه لازم را داشته باشند (کیم، چوی و فتوارون^۲، ۲۰۱۹). راهبری شرکتی سازوکاری برای هدایت و نظارت بر فعالیت‌های شرکت در جهت اهداف مشخص شده از جمله خلق ارزش برای سهامداران است. وجود نظام راهبری شرکتی کارا، کلید جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی به وسیله‌ی شرکت‌ها است. کیفیت نظام حاکمیت شرکت به کیفیت شفاف‌سازی اطلاعاتی و عملیاتی و میزان اعتماد روابط بین سهامداران، هیئت‌مدیره، مدیران ارشد و کارمندان معطوف می‌گردد و جاری شدن نظام راهبری شرکتی مؤثر، رسیدن به هدف‌ها و سیاست‌ها را امکان‌پذیر خواهد نمود (کاشف بهرامی، ۱۳۹۲). یک نظام راهبری مؤثر تاثیر مثبتی بر عملکرد مالی شرکت دارد چرا که راهبری اثربخش موجب می‌شود پیامدهای نامناسب ناشی از تضاد منافع بین مدیران و مالکان نظیر سواستفاده از قدرت کاهش یابد (رجبی و گنجی، ۱۳۸۹). هنگامی که تاثیرات منفی فعالیت‌های شرکت بر منابع طبیعی و محیط زیست از نظر مقیاس و دامنه فعالیت‌های انسانی تسریع می‌یابد، ایجاد مزیت رقابتی و کسب قابلیت‌هایی که فعالیت اقتصادی پایدار محیط زیست را تسهیل می‌کنند برای شرکت از اهمیت بسیاری برخوردار است. فرضیه پورتر و نظریه ذینفعان استدلال می‌کنند که مزایای اضافی مانند کاهش هزینه و نوآوری‌های مدیریت زیست محیطی می‌تواند هزینه‌های مطابقت با مقررات زیست محیطی را با بهبود کارایی و افزایش مزیت رقابتی جبران کنند، در نتیجه رابطه‌ای مثبت بین مدیریت زیست محیطی و عملکرد مالی به دلیل افزایش مشروعیت و پایداری وجود دارد (لی، منون و لیو^۳، ۲۰۱۹). اکثر پژوهش‌هایی که موضوع فعالیت‌شان مبتنی بر بازار است بیان می‌کنند که هر چه فعالیت‌های گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بهتر انجام شود عملکرد مالی شرکت را بهتر خواهد کرد (هوپنر، اکونومو، اسچولتنز و اسچرودر^۴، ۲۰۱۶). در واقع شرکتی که طرفدار اصول اخلاقی است و به حاکمیت مسئولیت اجتماعی و

1. Tseng & Sebahattin
2. Kim, Choi, & Phtvaroon
3. Li, Menon, & Liu
4. Hoepner, Oikonomou, Scholtens, & Schroder

الزامات زیست محیطی متعهد است، می‌تواند در ایجاد عملکرد مالی بلندمدت، پایدار باشد (امین، فغانی ماکرانی و ذبیحی، ۱۴۰۰). یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند در نحوه گزارشگری فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر داشته باشد بحث استراتژی رقابتی شرکت است. به عبارتی دیگر شرکت‌ها براساس تعادل بین هزینه‌ها و منافع خود اقدام به گزارشگری فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی می‌کنند. مطالعات اخیر نشان می‌دهد مشارکت در شیوه‌های فعالیت‌های راهبری شرکتی و اجتماعی و زیست محیطی، شرکت‌ها را به فعالیت‌های محتاطانه‌تری تشویق می‌کند، روابط پایدارتری را با جامعه مالی ایجاد می‌کند و ثبات و انعطاف‌پذیری شرکت‌ها را در زمان‌های بحران مالی تقویت می‌کند. برعکس، اطلاعات منفی فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی در مورد شرکت‌ها ممکن است شهرت آنها را از بین برده، عملیات آنها را بی‌ثبات کرده و سهم بازار آنها را از بین ببرد (چیارامونت، دریاسی، گیراردون و پیسرا^۱، ۲۰۲۱). فشار شدید رقابتی می‌تواند شرکت را تشویق کند تا از فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی که می‌تواند اعتبار و در نتیجه مزیت رقابتی آنها را تضعیف کند، اجتناب کند. در واقع، اطلاعات منفی فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی در مورد شرکت می‌تواند اعتبار آن را با تاثیر منفی بر ذهن سهامداران و مصرف‌کنندگان از بین ببرد (پریس و سان^۲، ۲۰۱۷). بررسی چگونگی تأثیر رقابت در بازار محصول بر رویه‌های فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی یکی از رشته‌های مهم ادبیات فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی است. اگر مدیران شیوه‌های فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی را به عنوان ابزاری جهت حداکثرسازی سود در نظر بگیرند انتظار می‌رود با افزایش فشارهای رقابتی، شرکت بیشتر در حوزه‌های فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی سرمایه‌گذاری نمایند. بنابراین می‌توان گفت رقابت به طور مثبت با عملکردهای زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی مرتبط است (ماتوس^۳، ۲۰۲۰). یافته‌های متناقضی در مورد رابطه بین فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها در مطالعات قبلی وجود دارد. از طرفی پژوهش در زمینه گزارشگری اطلاعات غیرمالی و آینده‌نگر (فعالیت

1. Chiaramonte, Dreassi, Girardone, & Pisera

2. Price & Sun

3. Matos

محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی) در کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه اهمیت بیشتری دارد. پژوهش حاضر با ارائه نتایج در خصوص افشای اطلاعات غیرمالی تاریخی و آینده‌نگر و اثر آن بر عملکرد مالی شرکت می‌تواند فعالان بازار سرمایه را در ارزیابی سطح افشای غیرمالی و رتبه‌بندی صحیح شرکت‌ها یاری رساند. همچنین با توجه به محیط اقتصادی سیاسی حاکم بر جامعه می‌تواند رفتار شرکت‌ها در این خصوص را ارزیابی نموده و به تحلیل گران مالی و عموم استفاده‌کنندگان از اطلاعات غیرمالی و مالی اطلاعات سودمندی به منظور ارزیابی عملکرد شرکت‌ها در پرتوی رعایت حقوق کلیه ذینفعان ارائه نماید و در نهایت به شرکت‌ها در خصوص تعیین استراتژی مناسب رقابتی و افزایش عملکرد مالی از طریق گزارشگری فعالیت محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی کمک می‌کند و به دنبال این پرسش است که آیا عملکرد غیرمالی بازار محصول در رابطه بین فعالیت‌های محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی با عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر دارد؟

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

در گذشته، بیشتر شرکت‌ها چنین فرض می‌کردند که مسئولیت آن‌ها تنها محدود به افشای اطلاعات عملکرد مالی در راستای تمرکز اصلی بر حداکثرسازی سود است. بنابراین، شرکت‌ها به مسائل مربوط به افشای اطلاعات زیست محیطی، اجتماعی و نظام راهبری توجه کافی نداشتند، زیرا این دسته از اطلاعات، موضوعات غیرمالی بودند. برخی از پژوهشگران امور مالی بیان می‌کنند استفاده توأم از شاخص‌های ترکیبی مالی و غیرمالی برای ارزیابی عملکرد، تاثیر مثبتی بر عملکرد مالی شرکت دارد که در نهایت باعث ثبات و دوام کلی شرکت در بلندمدت می‌شود (کاپلان و نورتون^۱، ۱۹۹۳). تئوری‌های مختلفی وجود دارد که انگیزه شرکت برای افشای اطلاعات زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی را توضیح می‌دهد. پرسش‌های این موضوع بر اساس تئوری‌های نمایندگی^۲ (بارنیا و رابین^۳، ۲۰۱۰)، تئوری ذینفعان^۴ (گیلبرت و راج^۵،

1. Kaplan & Norton
2. Agency Theory
3. Barnea & Rubin
4. Stakeholders Theory
5. Gilbert & Rasche

۲۰۰۸)، تئوری مشروعیت^۱ (ادونوان^۲، ۲۰۰۲)، تئوری علامت‌دهی^۳ (کونلی، کرتو، ایرلند و ریوتزل^۴، ۲۰۱۱) و تئوری اقتصاد سیاسی^۵ (مهرانی، کرمی و طاهری، ۱۳۹۲) مطرح شده‌اند. طبق تئوری نمایندگی به دلیل تضاد منافع بین مدیران و مالکان، مالکان در پی انعقاد قراردادهایی جهت کم نمودن این تضاد منافع هستند (خدادادی و بنایی، ۱۳۹۵). افشای بیشتر اطلاعات می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های نظارت بر نمایندگی شده و جریان‌های نقدی مربوط به سهامداران و ارزش شرکت را افزایش دهد (حیدرزاده و رضایی، ۱۳۹۳). بنابراین کاهش ریسک خطر اخلاقی در راستای کاهش هزینه نمایندگی و هزینه قراردادها و جلب اعتماد سهامداران، عاملی برای افشای اختیاری زیست محیطی و اجتماعی و راهبری شرکتی است. نظریه ذینفعان بیان می‌کند که ذینفعان نسبت به فعالیت یک سازمان اقتصادی ذیحق و ذینفع هستند. بر این اساس، مدیریت باید سازمان را در جهت حداکثر کردن منافع همه ذینفعان اداره کند. ذینفعان توجه زیادی به موضوعات مسئولیت اجتماعی در یک شرکت دارند (دریائی و همکاران، ۱۳۹۱). انگیزه مدیر از افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی و راهبری شرکتی آن است که به گروه‌های ذینفع نشان دهد که سازمان مطابق با انتظارات آن‌ها عمل می‌کند (مران جوری و علیخانی، ۱۳۹۳). بر اساس نظریه مشروعیت واحدهای تجاری می‌خواهند بدانند که آیا فعالیت آن‌ها از نگاه اشخاص خارج از سازمان مشروعیت لازم را دارد یا خیر. نظریه مشروعیت بر این مبنا استوار است که بین واحد تجاری و جامعه‌ای که واحد تجاری در آن فعالیت می‌کند، قرارداد اجتماعی وجود دارد (نیکو مرام و بنی مهد، ۱۳۸۸). طبق نظریه قرارداد اجتماعی، شرکت‌ها با جامعه قرارداد اجتماعی دارند تا وظایف مشخصی را بر اساس عدالت و طبق انتظارات شمار زیادی از افراد جامعه درباره رفتار و عملکرد واحد تجاری انجام دهند (حنیفا و کوک^۶، ۲۰۰۵). وقتی سازمان‌ها احتمال می‌دهند که شهرت و اعتبارشان به وسیله سوانح زیست محیطی تهدید شده و از مشروعیت آن‌ها کاسته شده، در جستجوی مدیریت بر فرایند مشروعیت از طریق تبلیغ راهبردهای مفید هستند، که افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی در گزارش‌های سالانه نمونه‌ای از آن است (دیگان^۷، ۲۰۰۲). شرکت‌هایی که سودآوری و نقدینگی بالاتری دارند

1. Legitimacy Theory
2. O'donovan
3. Signaling Theory
4. Connelly, Certo, Ireland, & Reutzel
5. Political-Economy Theory
6. Haniffa & Cooke
7. Deegan

تمایل بیشتری برای افشای اطلاعات و علامت‌دهی نسبت به عملکرد خوب جهت جذب سرمایه‌گذار و اعتماد سهامدار دارند. اگر شرکتی به لحاظ گزارشگری خوشنام باشد و در مورد فعالیت‌های خود از جمله فعالیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری شرکتی، اطلاعات بیشتری اعلام و افشا نماید توانایی بیشتری در جذب سرمایه خواهد داشت چرا که اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب خواهد کرد. بقای یک سازمان، نیازمند حمایت از سوی جامعه‌ای است که سازمان در آن فعالیت می‌کند. اگر مشاهده شود سازمانی درگیر فعالیت‌های اجتماعی نامطلوب شده است، جامعه از تأیید آن سازمان صرف‌نظر می‌کند و این امر منجر به نابودی آن می‌شود. به منظور حفظ موقعیت در جامعه، مدیریت ممکن است اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری سازمان را منتشر کند. اشخاص یا سازمان‌ها حق دارند هدف‌های شخصی و علایق خود را دنبال کنند اما این حقوق به وسیله محیط زیست، اجتماع و حاکمیتی که در آن وجود دارند تعدیل می‌شود (دیگان و شلی، ۲۰۱۴). شرکت‌ها که به عنوان بخشی از جامعه هستند، انتظار می‌رود که رفاه اجتماعی و عدالت زیست‌محیطی را با ادغام موضوعات پایداری در استراتژی‌های خود ارتقا دهند. گزارشگری غیرمالی^۲ به عنوان یکی از گام‌های اصلی به سوی این یکپارچگی در نظر گرفته می‌شود. گزارشگری غیرمالی گامی اساسی در جهت شفافیت و پاسخگویی سازمانی است و نه تنها یکی از کانال‌های ارتباطی با ذینفعان است بلکه باعث پیشرفت شرکت در برابر تعهدات محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و عملیاتی کردن این ابعاد از عملکرد شرکت است و باعث پایداری در شرکت‌ها می‌شود. همچنین گزارش غیرمالی یک کانال اصلی برای ارتباط با سهامداران شرکت می‌باشد که عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه را کاهش و تصویر کامل‌تری از عملکرد سازمانی ارائه می‌دهد و باعث بهینه شدن هزینه‌های تامین مالی و افزایش ارزش شرکت می‌شود (فریاس‌اسیتونو، رودیگیوز آریزا و گارسیا اس آنچز، ۲۰۱۴). عملکرد غیرمالی بازار محصول از طریق فعالیت‌های مدیریت پایدار بر رابطه بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد مالی تاثیر دارد و هرچه شرکت در زمینه فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی عملکرد بهتری داشته باشد، شهرت شرکت افزایش پیدا کرده و از طریق جذب مشتریان وفادار به

1. Deegan & Shelly

2. Non-Financial Reporting (NFR)

3. Frias-Aceituno, Rodiguez-Ariza, & Garcia_S- anchez

محصولات شرکت منجر به حفظ مزیت رقابتی، بهبود ارزش شرکت و تضمین بقای شرکت در بلندمدت می‌گردد (سعیدی، سوفیان و سعیدی^۱، ۲۰۱۵). شرکت‌هایی که رتبه فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری ارزشمندی دارند به ایجاد مزیت رقابتی و عملکرد مالی بهتر شرکت کمک می‌کنند (پاردو و گارسیا^۲، ۲۰۱۰).

در مطالعات گذشته پژوهشگران چندین عامل را شناسایی کرده‌اند که باعث تعدیل رابطه بین عملکرد فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری و عملکرد شرکت می‌شوند به طور خلاصه، قدرت مدیر اجرایی (مدیر عامل)، دید شرکت و مالکیت نهادی باعث تعدیل مثبت رابطه فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری و عملکرد شرکت می‌شوند (یولا، جیانگ، الامر و اواسا^۳، ۲۰۲۲). در مقابل، حضور کارکنان در هیئت مدیره، کیفیت کنترل داخلی و افشای فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری به طور منفی رابطه بین عملکرد فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری و عملکرد شرکت را تعدیل می‌کنند (بولهاگا، بوری، الامر و ابراهیم^۴، ۲۰۲۳). علیرغم بسیاری از مطالعات انجام شده در مورد تعدیل‌کننده‌های رابطه بین عملکرد فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری و عملکرد شرکت، تحقیقات کافی در مورد اثر تعدیل‌کننده رقابت صنعت یا بازار در رابطه بین عملکرد فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری و عملکرد شرکت وجود ندارد. با توجه به پژوهش‌های گذشته، رقابت در بازار می‌تواند رابطه بین عملکرد فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری و عملکرد شرکت را در دو جهت متفاوت تحت تاثیر قرار دهد. شیخ^۵ (۲۰۱۸) نشان داد که رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و ارزش بازار یک شرکت تحت تاثیر رقابت بازار محصول است. همچنین در این پژوهش به طور مشخص، مشاهده شد که مسئولیت اجتماعی شرکت فقط زمانی که رقابت در بازار محصول بالا باشد اثر مثبت معناداری بر عملکرد شرکت داشته و شرکت‌ها تمایل دارند در بازار رقابتی شدید در مقایسه با یک بازار کم رقابت بر فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی تمرکز کنند، زیرا مزایای فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی یک استراتژی تمایز، در به دست آوردن مزیت رقابتی، در یک بازار رقابتی بسیار بزرگ است. در نتیجه، مشارکت بیشتر فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی در یک

1. Saeidi, Sofian, & Saeidi
2. Pardo & Garcia
3. Ullah, Jiang, Elamer, & Owusu
4. Boulhaga, Bouri, Elamer, & Ibrahim
5. Sheikh

محیط بازار رقابتی وجود دارد. به طور مشابه، جیائو و شی^۱ (۲۰۱۴) دریافتند که تعامل بین تلاش شرکت برای برآوردن ترجیحات اجتماعی مشتریان و رقابت بالا در بازار رابطه مثبتی با ارزش و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت دارد. برعکس، ریو، هو هوانگا و ریو^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی مشاهده کردند که، زمانی فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی افزایش می‌یابد که رقابت در بازار محصول کم باشد این پژوهش نشان داد که فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبتی بر بازدهی سهام و ثروت سهامداران (یعنی عملکرد بازار) در یک بازار کمتر رقابتی دارد. آن‌ها این واقعیت را بیان کردند که وقتی رقابت پایین است، احتمال سود شرکت‌ها بیشتر است و توانایی سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مسئولیت‌های اجتماعی را دارند (جاوید، لطیف و لفن^۳، ۲۰۲۰). بنابراین، شرکت‌ها تمایل دارند ارزش خود را از طریق سرمایه‌گذاری بلندمدت در فعالیت‌های مسئولیت‌های اجتماعی با استفاده از وجوه انعطاف‌پذیر در یک محیط کمتر رقابتی افزایش دهند و بر این اساس، افزایش فعالیت‌های مسئولیت‌های اجتماعی تأثیر مثبتی بر بازده بازار سهام دارد.

نتایج تجربی متفاوت در خصوص نقش تعدیل‌کنندگی عملکرد غیرمالی رقابت بازار محصول بر عملکرد مالی را می‌توان اینگونه استدلال کرد که، در رقابت کمتر، تأثیر عملکرد فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد شرکت بیشتر است. زیرا در یک محیط بسیار رقابتی، شرکت‌ها مجبور خواهند شد سرمایه‌گذاری خود را محدود کرده و منابع‌شان را بیشتر در فعالیت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که مستقیماً بر سود تأثیر می‌گذارد و شرکت‌ها را قادر می‌سازد، با بهبود کیفیت محصول، توسعه محصولات جدید و کاهش هزینه‌های تولید، به جای فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی در بازار جایگاه خود را حفظ نمایند. انتظار می‌رود زمانی که فشار رقابت محصولات در شرکت زیاد است ایجاد یک ایده جدید جهت خروج از فشار رقابتی و بقای شرکت اهمیت بیشتری نسبت به اجرای فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی داشته باشند. در خصوص مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش با بررسی‌های انجام شده مشخص گردید تا کنون در داخل کشور پژوهشی به بررسی همزمان عملکرد غیرمالی بازار محصول و فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی

1. Jiao & shi

2. Ryu, Ho Hwanga, & Ryu

3. Javeed, Latief, & Lefen

با عملکرد مالی شرکت صورت نگرفته است. به عنوان نمونه محمودزاده (۱۴۰۲) و جلیلی و مهاجری (۱۴۰۱) تنها به بررسی دو بعد از ابعاد فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی شامل بعد مسئولیت اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد شرکت پرداخته‌اند و در خصوص عملکرد غیرمالی بازار محصول و نقش تعدیل‌کنندگی آن پژوهشی تا کنون صورت نگرفته است. محمودزاده (۱۴۰۲)، به بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی بر مدیریت کیفیت محیطی و عملکرد مالی پرداخت و نشان داد که مدیریت کیفیت محیطی و هم‌چنین مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت دارای تاثیر مثبت می‌باشند. همایون، رنجبر، احمدی و طالب نیا (۱۴۰۲)، اثر افزایش داوطلبانه اطلاعات غیر مالی تاریخی و آینده‌نگر بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج یافته‌های آنان نشان داد که افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی بر بهبود عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها تاثیر مثبت و معناداری دارد در صورتی که اطلاعات داوطلبانه غیرمالی آینده‌نگر تاثیری ندارد. جلیلی و مهاجری (۱۴۰۱)، در پژوهش خود تاثیر حاکمیت شرکتی خوب و مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که حاکمیت شرکتی خوب و مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی با توجه به نقش مدیریت سود تاثیر مثبت دارد. لذا برای بهبود مکانیزم حاکمیت شرکتی خوب، هیات مدیره باید بتوانند به صورت مستقل تصمیم بگیرند و اعضای هیات مدیره باید دارای تخصص منحصر به فرد باشند. پورخانی ذاکله‌بری و جهانشاد (۱۴۰۰)، در پژوهشی ارائه الگو برای افشای پایداری شرکتی و ارزیابی عوامل مرتبط با تئوری مشروعیت بر گزارشگری شرکت را مورد مطالعه قرار دادند که یافته‌ها نشان دادند از مجموع ۱۶۹ مؤلفه مورد بررسی، ۸۰ مؤلفه برای الگوی پایداری شرکتی ضروری است. همچنین حساسیت شرکت در صنعت بر شاخص کل پایداری شرکتی، افشای از جنبه اقتصادی، محیطی و اجتماعی تأثیر مستقیم دارد اما بر افشای پایداری از جنبه عمومی تأثیر ندارد. امین، فغانی و ذبیحی زرین (۱۴۰۰)، به بررسی نقش تعدیل‌گری حاکمیت شرکتی در رابطه با عملکرد مالی و پایداری شرکت پرداختند. آنان به این نتیجه رسیدند که افزایش نسبت کیوتوبین و بازده دارایی‌ها در شرایط افزایش سطح راهبری شرکتی است. به بیان دیگر افزایش عملکرد پایداری شرکتی در گرو افزایش سطح حاکمیت شرکتی می‌باشد. رسفیحانی و دهقان (۱۴۰۰)، اثر راهبری شرکتی بر عملکرد مالی با توجه به نقش واسطه‌ای پایداری شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مشخص کرد، که راهبری شرکتی با نقش واسطه‌ای

پایداری شرکت بر عملکرد مالی رابطه مستقیمی دارد. هارک روو، فانی و الویز رونالد^۱ (۲۰۲۳)، به بررسی توانایی عملکرد مالی و غیرمالی در پیش بینی بازه زمانی انتشار گزارش‌های مالی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد، پرداخت بدهی، حاکمیت شرکتی خوب و شهرت حساب‌رسان پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی برای انتشار گزارش‌های مالی بوده‌اند. با این حال، ظرفیت پیش‌بینی سودآوری و نقدینگی در دوره انتشار قابل توجه نبود. کالیا و آگراوال^۲ (۲۰۲۳)، به بررسی تاثیر نظام راهبری شرکتی، مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی بر عملکرد مالی شرکت‌های بخش سلامت پرداختند و تاثیر بعد کلی و همچنین تاثیر اجزای سه‌گانه نظام راهبری شرکتی، مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی بر عملکرد مالی شرکت‌ها را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که در کشورهای توسعه یافته، نظام راهبری شرکتی، مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی بر عملکرد مالی تاثیر مثبت داشته لیکن در کشورهای در حال توسعه تاثیر منفی دارد. یه لیم و یوآننگ سان^۳ (۲۰۲۳) به اثر تعدیل‌کننده رقابت بازار بر فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد شرکت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ای مثبت بین عملکرد فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و ارزش بازار وجود دارد، همچنین رابطه بین عملکرد فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و حاشیه سود خطی است. بوفینگر، کیم و بیجورن^۴ (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان مسئولیت اجتماعی شرکت و کارایی بازار شواهدی از سه حیطه زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و شاخص‌های ارزش‌گذاری غلط به بررسی تاثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر ارزش‌گذاری بیش از حد شرکت پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر ارزش‌گذاری شرکت تاثیر دارد و افزایش در سه حیطه زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی در شرکت‌ها منجر به افزایش نسبت ارزش واقعی به ذاتی شرکت می‌گردد. لیو، کیم، لی و یو^۵ (۲۰۲۲)، رابطه بین فعالیت‌های مدیریت پایدار و عملکرد مالی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای عملکرد غیرمالی و نقش تعدیل‌کنندگی محیط سازمانی را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکت بر عملکرد مالی تاثیر مثبت داشته و این

1. Harke Revo, Fanny, & Elvis Ronald

2. Kalia & Aggrawal

3. Ye Lim Jung & Hyoung Sun Yoo

4. Bofinger, Kim, & Bjorn

5. Liu, Kim, Lee, & Yoo

رابطه بیشتر تحت تاثیر نقش واسطه ای عملکرد غیرمالی است. چن، یوآن، سیوآل، شاینگجین و فولی^۱ (۲۰۲۱)، به بررسی تاثیر اجرای عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها در چین پرداختند. نتایج پژوهش مشخص کرد اجرای عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی در کوتاه مدت باعث کاهش عملکرد شرکت می‌گردد. نیرینو، سانترو، میگلیتا و کوگلیا^۲ (۲۰۲۱)، در خصوص اختلافات شرکتی و عملکرد مالی شرکت با بررسی نقش تعدیل‌کننده روش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی انجام دادند. نتایج نشان داد که رابطه‌ای منفی و معنادار بین اختلاف‌های شرکت و عملکرد مالی وجود دارد. اما اثر تعدیل‌کننده اقدامات مثبت در سه حیطه زیست‌محیطی، اجتماعی، و راهبری شرکتی بر رابطه بین اختلاف‌های شرکتی و عملکرد مالی وجود نداشت.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱- فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد مالی تاثیر مثبت دارد.

فرضیه ۲- عملکرد غیرمالی بازار محصول دارای نقش تعدیل‌کننده بر رابطه بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد مالی است.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجاییکه نتایج به دست آمده از این پژوهش قابلیت استفاده توسط افراد مختلف را دارد، لذا این پژوهش از منظر هدف، کاربردی است. پژوهش حاضر از جهت روش، در دسته توصیفی-همبستگی قرار گرفته و هم‌چنین به لحاظ استدلال، در گروه پژوهش‌های استقرایی-قیاسی طبقه‌بندی می‌گردد. بعد زمانی پژوهش، گذشته‌نگر بوده و هم‌چنین از جهت طول زمان، ترکیبی (مقطعی-سری زمانی) می‌باشد. روش مورد استفاده در خصوص بررسی پیشینه پژوهش، کتابخانه‌ای می‌باشد. داده‌های مورد نیاز این پژوهش عمدتاً از موارد مندرج در صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی پیوست و موارد مندرج در گزارش فعالیت هیئت مدیره استخراج شده است.

1. Chen, Yuon, Cebual, Shuagjin, & Foley

2. Nirino, Santoro, Miglietta, & Quaglia

متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش بر اساس پژوهش لئو و همکاران (۲۰۲۲) به شرح زیر است.

متغیر وابسته

عملکرد مالی (Financial Performance): جهت اندازه‌گیری عملکرد مالی مطابق پژوهش چن و همکاران (۲۰۲۱) از نرخ بازده دارایی‌ها استفاده خواهد شد. نرخ بازده دارایی‌ها برابر است با نسبت سود عملیاتی تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

متغیر مستقل

گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی (ESG): افشای عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر اساس مطالعات فخاری و رضائی پیتته‌نوئی (۱۳۹۶) و تحریری و افسای (۱۴۰۰) اندازه‌گیری می‌شود. در همین راستا با بررسی موارد مندرج در گزارش فعالیت هیئت مدیره این امر صورت گرفته است و هم چنین نمره مشخص شده توسط هر شاخص از طریق اخذ میانگین نمره معیارهای مرتبط با شاخص مذکور معین می‌گردد. به صورت کلی می‌توان اظهار نمود که موارد آشکار شده متشکل از ۸۵ معیار در ۳۰ شاخص که در جدول ۱، آورده شده است، می‌باشد. نمره معیارهای مذکور بر مبنای موارد زیر مد نظر قرار خواهند گرفت.

- چنانچه موارد مندرج مذکور در قالب کمی ارائه شوند و یا جزئیات این موارد به شکل تصاویر و یا تشریح و ارائه کامل، جدول‌ها و نمودار باشند به نمره افشاء ۱ تعلق خواهد گرفت.

- چنانچه موارد مندرج مذکور در قالب غیر کمی و یا جزئیات این موارد به شکل توضیحات در حدود یک الی دو جمله ارائه گردد به نمره افشاء ۰/۵ تعلق خواهد گرفت.

- در نهایت اگر مشخص نشود نمره افشاء صفر خواهد بود.

قابل ذکر است که برای مشخص شدن نمره نهایی گزارش عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی از رابطه (۱)، استفاده می‌شود. این رابطه بر اساس انجام محاسبات فخاری و رضائی پیتته‌نوئی (۱۳۹۶) و تحریری و افسای (۱۴۰۰)، طبق روش AHP محاسبه شده است.

رابطه (۱)

$$ESG = 0.377 E + 0.388 S + 0.275 G$$

جدول ۱. معیارهای ESG

معیارها ارزیابی ریسک	شاخص‌ها	طبقه گزارشگری
۱. افزایش خطرات بالقوه فعالیتهای شرکت برای سلامتی انسان و پیرامون محیطی	ارزیابی ریسک محیطی	زیست محیطی
۲. افزایش آموزش به کارکنان برای تولید با توجه به ملاحظات زیست محیطی و کاهش اثرات زیانبار آن (بر حسب ساعت یا هزینه)	آموزش محیطی	زیست محیطی
۳. افزایش آموزش به مشتریان برای مصرف با توجه به ملاحظات زیست محیطی و کاهش اثرات زیانبار آن (بر حسب ساعت یا هزینه) شفافیت محیطی	شفافیت محیطی	زیست محیطی
۴. افشای گزارشگری محیطی در بخش جداگانه ۵. افشای سیاستهای آتی محیطی شرکت	شفافیت محیطی	زیست محیطی
۶. اقدامات جهت کاهش تاثیر فعاليتها بر اقلیم	تغییرات آب و هوا	زیست محیطی
۷. افشای استراتژیها برای مدیریت تاثیرات بر تنوع زیستی و منابع طبیعی	تنوع زیستی	زیست محیطی
۸. افشای اقدامات در جهت کاهش آثار مخرب، پیشگیری یا رفع آسیبها از طریق احیای زمین و خاک و جنگل، توسعه فضای سبز و..	تغییرات آب و هوا	زیست محیطی
۹. افشای کل ضایعات و طبقه بندی به عنوان خطرناک و غیر خطرناک و نحوه دفع مناسب ۱۰. افشای میزان آلودگی ۱۱. افشای اقدامات انجام شده برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای، سمی و غیره	آلاینده‌گی، آلودگی و ضایعات	زیست محیطی
۱۲. افشای دریافت گواهینامه‌های تطابق سیستم مدیریت محیطی (ISO 14000, ISO26000) ۱۳. افشای دریافت جوایز مربوط به رعایت مسائل زیست محیطی و...	سیستم مدیریت زیست محیطی	زیست محیطی
۱۴. انرژی و آب مصرفی به تفکیک منبع و میزان آنها ۱۵. میزان انرژی و آب صرفه جویی شده به دلیل بهبود فرآیندهای شرکت ۱۶. فعالیت‌های شرکت جهت کاهش مصرف آب و انرژی ۱۷. میزان آب و انرژی تجدیدپذیر قابل مصرف مسائل محیطی	انرژی و بهره وری آب	زیست محیطی
۱۸. افشای فعالیت‌های شرکت برای رعایت مسائل زیست محیطی از بعد مشتریان و مصرف کنندگان و زنجیره تامین و	مسائل محیط محصولات و خدمات زنجیره تامین	زیست محیطی

طبقه‌بندی	شاخص‌ها	معیارها ارزیابی ریسک
		اشخاص ثالث از جمله برگزاری یا شرکت در همایش‌های زیست محیطی و غیره
اجتماعی	سرمایه‌گذاری مسئولیت اجتماعی	۱۹. افشای استراتژی‌های مبتنی بر بازار سرمایه و استراتژی‌های مبتنی بر جوامع. مثلا سرمایه‌گذاری در شرکت‌های رعایت‌کننده مسائل محیطی یا موسسات اجتماعی یا خارج کردن سهام شرکت‌هایی که مسائل اجتماعی را رعایت نمی‌کنند از پورتفو ۲۰. مدیریت ریسک اجتماعی مثلا معاینات ادواری، واکسیناسیون، بیمه عمر، حوادث، بیکاری و ..
اجتماعی	یادگیری و آموزش اجتماعی	۲۱. افشای کل ساعات آموزش، تشریح فعالیت‌ها یا هزینه آموزش کل نیروی کار و...
اجتماعی	شفافیت‌سازی اجتماعی	۲۲. افشای گزارش عملکرد اجتماعی در بخش جداگانه اجتماعی ۲۳. ارائه سیاست‌های آبی اجتماعی سلامت
اجتماعی	سلامت تولید	۲۴. افشای قوانین، آیین‌نامه‌ها و اصول داوطلبانه سلامت تولید ۲۵. تعداد ساعات کاری از دست رفته به علت حوادث یا تعداد کل حوادث ۲۶. اقدامات در جهت کاهش عوامل زیان‌آور محیط کار
اجتماعی	مسائل اجتماعی مشتریان و زنجیره تامین	۲۷. افشای حفظ حریم خصوصی مشتریان ۲۸. گارانتی و خدمات پس از فروش ۲۹. تعداد شکایات دریافتی از مشتریان یا میزان پرداخت خسارت ۳۰. افشای رویه‌های مربوط به انتخاب تامین‌کنندگان ۳۱. ارائه مشخصات، کیفیت، دوام و ایمنی محصولات
اجتماعی	حفظ نام تجاری و رفتار ضد رقابتی	۳۲. افشای توافق‌های تجاری با شرکت‌های رقیب ۳۳. افشای اطلاعاتی در خصوص توسعه محصولات شرکت یا پروژه‌های تحقیقاتی برای بهبود تولید یا افشای مخارج
اجتماعی	حقوق نیروی کار	۳۴. افشای مبالغ حقوق و دستمزد و سایر مزایا ۳۵. میزان استخدام و خروج نیروی کار یا نمودار ترکیب نیروی کار ۳۶. افشای شکایات نیروی کار و پرداخت جرایم به آن‌ها ۳۷. تدابیر کاری انعطاف‌پذیر و فعالیت‌های رفاهی برای کارکنان و خانواده‌هایشان مثل سفر و اردو و هدایا و....
اجتماعی	سلامت و امنیت و بهره‌وری	۳۸. افشای استانداردهای ایمنی و سلامت کار

معیارها ارزیابی ریسک	شاخص‌ها	طبقه گزارشگری
۳۹. کل خدمات و مرگ و میر کارمند و پیمانکار، نوع و میزان آسیب ۴۰. بهره‌وری نیروی کار		
۴۱. نیروی کار کودک، حمایت از کودکان کار و خیابانی ۴۲. رعایت اصول داوطلبانه حقوق بشر	رعایت اصول حقوق بشر	اجتماعی
۴۳. افشای کمک‌های مالی برای حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، جذب کارآموز و ارتباط با دانشگاه‌ها، کمک به مؤسسات خیریه و مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها و... ۴۴. کمک‌های مالی به قربانیان بلایای طبیعی و کشورهای خارجی و...	توسعه اجتماعی و بشر دوستی	اجتماعی
۴۵. تشکیل اتحادیه‌های کارگری و تعاونی ۴۶. سیستم انتقادات و پیشنهادات ۴۷. سنجش میزان رضایت مشتریان و کارکنان و...	ادراک اجتماعی ذینفعان	اجتماعی
۴۸. افشای سیاست‌ها و رویه‌های جذب و استخدام و پاداش و... ۴۹. افشای تفکیک کارمندان هر طبقه بر اساس سن و جنس و عضویت در گروه‌های اقلیت ۵۰. افشای میزان پاداش کارکنان، نحوه جبران عملکرد کارکنان	عدم تبعیض و شمول اجتماعی	اجتماعی
۵۱. افشای اقدامات شرکت برای مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری‌ها و تنوع بخشی و..	مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری	راهبری شرکتی
۵۲. افشای گزارش کنترل داخلی ۵۳. افشای گزارش حسابداری ۵۴. افشای چارچوب یکپارچه مدیریت ریسک واحد اقتصادی (ERM)	اقدامات نظارتی و مدیریت ریسک	راهبری شرکتی
۵۵. افشای راهبری شرکتی در بخش جداگانه ۵۶. افشای سیاست‌های راهبری آتی ۵۷. افشای معاملات با اشخاص وابسته ۵۸. افشای میزان حضور در بازار و فرهنگ سازمانی و..	شفاف‌سازی راهبری	راهبری شرکتی
۵۹. افشای دوگانگی ۶۰. تجربه صنعتی و مالی ۶۱. تعداد جلسات هیات مدیره ۶۲. میزان حضور اعضای هیات مدیره در جلسات ۶۳. وجود زنان در هیئت مدیره ۶۴. تعداد سالهای حضور هیئت مدیره	ترکیب هیات مدیره	راهبری شرکتی

طبقه گزارشگری	شاخص‌ها	معیارها ارزیابی ریسک
		۶۵. موظف بودن یا نبودن ۶۶. تعداد جلسات مدیران غیرموظف کمیته‌ها
راهبری شرکتی	کمیته‌ها	۶۷. افشای تعداد کمیته‌ها ۶۸. تعداد جلسات کمیته‌ها ۶۹. افشای کمیته ریسک ۷۰. کمیته حسابرسی ۷۱. کمیته انتصابات و جبران عملکرد ۷۲. کمیته CG , CSR , ESG ۷۳. افشای مدیران مستقل هر کمیته ۷۴. نحوه انتخاب حسابرس و جایگزین و حق الزحمه جبران عملکرد
راهبری شرکتی	جبران عملکرد	۷۵. افشای میزان حقوق و پاداش مدیران ۷۶. افشای طرح جبران خدمات و سایر مزایای مدیران ۷۷. فاکتورهای کیفی و کمی ارزیابی عملکرد مدیران
راهبری شرکتی	انطباق با قوانین	۷۸. افشای اطاعت از قوانین مرتبط تجاری و حقوقی ۷۹. دعاوی حقوقی یا انتظار دادخواهی قضایی شرکت اخلاق و فساد و ...
راهبری شرکتی	اخلاق و فساد و اصول رفتاری	۸۰. افشای کدها و نظام نامه‌ها و منشورهای اخلاقی ۸۱. افشای اقدامات شرکت برای جلوگیری و مبارزه با فساد ۸۲. آموزش اخلاق حرفه‌ای
راهبری شرکتی	رعایت حقوق سهامداران	۸۳. افشای پیشنهاد تقسیم سود متعلق به سهامداران ۸۴. افشای اساسنامه ۸۵. افشای اطلاعات تماس و آدرس الکترونیکی و مسئول پاسخگویی سهام

متغیر تعدیل کننده

عملکرد غیرمالی بازار محصول (Product Market Non-Financial Performance): جهت اندازه‌گیری این متغیر براساس پژوهش امروند و پور زمانی (۱۳۹۷) از نسبت سهم بازار محصول شرکت استفاده خواهد شد. نسبت سهم بازار محصول برابر است با نسبت فروش خالص شرکت به کل فروش صنعت مربوطه.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی موثر بر عملکرد مالی (چن و همکاران، ۲۰۲۱):

اندازه شرکت (SIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها
 عمر شرکت (AGE): برابر است با فاصله ورود شرکت به بورس تا سال جاری
 رشد فروش (SGR): برابر است با فروش سال جاری تقسیم بر فروش سال قبل منهای یک
 اهرم مالی (LEV): برابر است با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

روش‌ها و ابزار گردآوری داده‌ها

جامعه مورد مطالعه کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای انتخاب نمونه آماری از روش حذف سیستماتیک استفاده شد، لذا کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای مشخصات زیر باشند به عنوان نمونه این پژوهش انتخاب و بقیه حذف شدند:

۱- از سال ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۱ جز شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. ۲- پایان سال مالی آن‌ها پایان اسفند هر سال می‌باشد. ۳- در مدت محدودده زمانی پژوهش، سال مالی آن‌ها تغییر نکرده است. ۴- اطلاعات مورد نظر آن‌ها به آسانی قابل دسترسی می‌باشد. ۵- عملکرد آن‌ها جزء صنایع واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشند.

با توجه به محدودیت‌های در نظر گرفته، تعداد ۱۴۷ شرکت (۸۹۴ سال- شرکت)، شرایط حضور در جامعه آماری را دارا بوده‌اند. لذا، همه شرکت‌هایی که شرایط مورد بررسی در جامعه آماری را داشته‌اند، به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۲. انتخاب نمونه آماری

شرکت	۵۲۲	کل داده‌ها
شرکت	-۱۵۵	شرکت‌های غیر فعال
شرکت	-۷۴	پذیرش و درج در بورس از سال ۸۸ به بعد
شرکت	-۴۵	واسطه‌های مالی و هلدینگ
شرکت	-۸۳	غیر پایان اسفند و تغییر سال مالی
شرکت	-۱۷	عدم معامله حداقل هر سه ماه یکبار
شرکت	-۱	عدم دسترسی به داده (پارس الکترونیک)
شرکت	۱۴۷	نمونه آماری تحقیق

به منظور بررسی و آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر تاثیر نظام راهبری شرکتی، مسئولیت- اجتماعی و زیست‌محیطی بر عملکرد مالی از مدل رگرسیون (۱) زیر برگرفته از پژوهش چن و همکاران (۲۰۲۱)، استفاده شد.

$$ROA_{it} = \alpha_0 + b_1 ESG_{it} + b_2 SIZE + b_3 AGE + b_4 LEV + b_5 SGR + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

در صورتی که با بکارگیری آزمون t ضریب متغیر b_1 مثبت و معنادار باشد، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. همچنین به منظور بررسی و آزمون فرضیه دوم مبنی بر نقش تعدیل‌کننده عملکرد غیرمالی بازار محصول بر تاثیر نظام راهبری شرکتی، مسئولیت اجتماعی و زیست- محیطی بر عملکرد مالی متغیر تعاملی $ESG * NonFin$ به عنوان متغیر تعدیل‌گر وارد مدل (۱) شده و مجدداً برازش می‌گردد.

$$ROA_{it} = \alpha_0 + b_1 ESG_{it} + b_2 Non - fin + b_3 ESG * Non - fin + b_4 SIZE + b_5 AGE + b_6 LEV + b_7 SGR + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

در صورتی که با بکارگیری آزمون t ضریب متغیر b_3 معنادار باشد، فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود.

یافته‌های پژوهش

در جدول (۳) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش، شامل شاخص مرکزی و پراکندگی، نشان داده شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
ROA	۰/۱۱۵	۰/۰۹۵	۰/۶۰۳	-۰/۴۰۴	۰/۱۳۶	۰/۴۰۹	۴/۲۳۰
ESG	۰/۱۸۸	۰/۰۶۰	۱۴/۰۴۰	-۰/۱۰۰	۱/۰۵۷	۱۰/۰۲۴	۱۰۸/۷۳۹
AGE	۲/۸۶۳	۲/۸۹۰	۳/۸۷۱	۱/۹۴۶	۲/۴۲۶	۲/۲۱۵	۲/۵۵۵
BETA	-۰/۳۴۵	۰/۳۱۶	۶/۹۲۰	۵۴۲/-۱۲	۴۸۵/۱	-۲/۳۳۱	۲۴/۹۷۰
LEV	-۰/۶۳۴	۰/۶۲۳	۲/۶۵۸	۰/۱۱۹	۰/۲۳۸	۱/۸۸۱	۱۴/۳۳۷
NONFINA	-۰/۱۷۱	۰/۰۵۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۸	۲/۱۱۰	۶/۴۵۸
SGR	-۰/۶۰۹	۰/۴۲۳	۶/۹۸۷	-۲/۵۱۲	۰/۶۴۰	۱/۶۸۵	۱۵/۷۶۹
SIZE	۱۴/۸۲۹	۱۴/۵۷۸	۲۰/۳۰۷	۱۰/۵۳۳	۱/۶۴۶	-۰/۵۵۸	۳/۲۴۱

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول (۳) مشخص است، برای نمونه مقدار میانگین برای متغیر ریسک سیستماتیک برابر با ۰/۳۴۵ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه متمرکز شده‌اند. طبق جدول، میانه این متغیر ۰/۳۱۶ است که مشخص می‌کند نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش بازده دارایی‌ها و اندازه شرکت به ترتیب کمترین و بیشترین درجه پراکندگی را به خود اختصاص داده‌اند. متغیر فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی عدم تقارن زیاد و متغیر فعالیت‌های زیست‌محیطی عدم تقارن کمی نسبت به توزیع نرمال دارند. متغیر فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی برجستگی زیاد و متغیر فعالیت‌های راهبری شرکتی برجستگی کمی نسبت به منحنی نرمال دارا می‌باشد.

آمار استنباطی

به منظور بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های آماری شامل آزمون همخطی، آزمون تعیین نوع داده‌ها و آزمون فروض کلاسیک شامل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی جملات خطاء بررسی و در نهایت فرضیه‌های پژوهش بر اساس مدل رگرسیون داده‌های ترکیبی آزمون گردید که در ادامه نتایج هر کدام از این آزمون‌ها بیان می‌شود. آزمون F لیمر: نتایج آزمون اف لیمر نشان داد، روش داده‌های تابلویی رد نخواهد شد. آزمون هاسمن: نتایج آزمون نشان داد که روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. آزمون همسانی واریانس باقیمانده‌ها: نتایج آزمون همسانی واریانس باقیمانده نشان داد که فرض صفر (وجود همسانی واریانس) پذیرفته نخواهد شد. لذا برای رفع شدن مشکل ناهمسانی از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می‌شود. آزمون خودهمبستگی باقیمانده‌ها: به منظور شناسایی وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی، در پژوهش حاضر، آزمون دوربین-واتسون مد نظر قرار گرفته است. نتایج نشان داد، مدل‌ها دارای خود همبستگی نمی‌باشند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در فرضیه اول پژوهش، تاثیر مثبت فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد مالی مورد آزمون واقع شده است. در جدول (۴) نتایج حاصل از آزمون این فرضیه طبق مدل (۱)، نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

$ROA_{it} = \alpha_0 + b_1ESG_{it} + b_2SIZE + b_3AGE + b_4LEV + b_5SGR + \varepsilon_{it}$					
نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال
ضریب ثابت	C	۰/۱۴۱	۰/۰۲۱	۶/۷۷۸	۰/۰۰۰
فعالیت‌های گزارشگری زیست-محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی	ESG	۰/۰۱۱	۰/۰۰۳	۳/۷۷۵	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۱/۷۰۰	۰/۰۹۰
سن شرکت	AGE	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	-۰/۴۰۹	۰/۶۸۳
اهرم مالی	LEV	۰/۰۳۰	۰/۰۰۵	۵/۸۶۲	۰/۰۰۰
رشد فروش	SGR	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	-۲/۴۳۳	۰/۰۱۵
Fآماره		۲/۲۶	ضریب تعیین تعدیل یافته		
Fاحتمال آماره		۰۰/۰	۸۱/۰		

منبع یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول (۴) فرض عدم تأثیر فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد مالی پذیرفته نخواهد شد. لذا فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد. به همین ترتیب با توجه به ضریب متغیر فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی که مثبت می‌باشد، نتیجه می‌شود فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد مالی تأثیر مثبتی دارد. در نتیجه فرضیه اول پذیرفته می‌شود. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، اهرم مالی و رشد فروش معنی‌دار می‌باشند که نشان می‌دهد این دو متغیر بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی دارند. مقدار ضریب تعیین مدل برابر ۰/۸۱ می‌باشد، که مشخص می‌کند ۸۱ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل و کنترلی است.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

در فرضیه دوم پژوهش، به نقش تعدیل‌کننده عملکرد غیرمالی بازار محصول بر رابطه بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد مالی پرداخته شده است. در جدول (۵) نتایج حاصل از آزمون این فرضیه طبق مدل (۲)، نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

$ROA_{it} = \alpha_0 + b_1 ESG_{it} + b_2 Non - fin + b_3 ESG * Non - fin + b_4 SIZE + b_5 AGE + b_6 LEV + b_7 SGR + \varepsilon_{it}$					
احتمال	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	نماد متغیر	نام متغیر
۰/۰۰۱	۳/۵۰۰	۰/۰۳۰	۰/۱۰۵	C	ضریب ثابت
۰/۰۰۱	-۳/۲۲۷	۰/۰۰۴	-۰/۰۱۲	ESG	فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی
۰/۱۵۴	۱/۴۲۹	۰/۰۰۹	۰/۰۱۲	NONFINA	عملکرد غیرمالی
۰/۰۴۴	۲/۰۲۱	۰/۰۹۷	۰/۱۹۵	ESG*NONFINA	فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی* عملکرد غیرمالی
۰/۰۰۸	۲/۶۵۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۴/۲۸۹	۰/۰۰۶	۰/۰۲۶	AGE	سن شرکت
۰/۰۰۱	۳/۵۱۲	۰/۰۱۱	۰/۰۳۸	LEV	اهرم مالی
۰/۰۶۹	۱/۸۲۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	SGR	رشد فروش
۰/۸۴	ضریب تعیین تعدیل یافته	۳۱/۰		F	آماره F
		۰/۰۰		F	احتمال آماره F

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول (۵) فرض عدم تأثیر عملکرد غیرمالی بازار محصول بر رابطه بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد مالی رد نخواهد شد. لذا عملکرد غیرمالی بازار محصول دارای نقش تعدیل‌کننده بر رابطه بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد مالی است. بنابراین فرضیه دوم پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به ضریب متغیر اثر متقابل که مثبت می‌باشد، نتیجه می‌شود عملکرد غیرمالی بازار محصول بر رابطه

بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد مالی تأثیر مثبت دارد. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت، سن شرکت و اهرم مالی معنی‌دار می‌باشند که نشان می‌دهد این سه متغیر بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و معناداری دارند. مقدار ضریب تعیین مدل برابر ۰/۸۴ است که مشخص می‌کند ۸۴ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل و کنترلی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش از این بیان شد، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل‌کننده عملکرد غیرمالی بازار محصول در رابطه بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی با عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای دستیابی به هدف فوق، دو فرضیه مطرح شد. نتایج آزمون فرضیه اول حاکی از آن است که فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد مالی تأثیر مثبت دارد. در واقع فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی می‌تواند بر عملکرد مالی، ارزش سهام و نوسانات آن اثرگذار باشد و چنین شرکت‌هایی در بلندمدت عملکردهای کم‌نوسان‌تری از خود نشان داده و در مقایسه با سایر شرکت‌ها، ریسک‌های عملیاتی کمتری را تجربه خواهند نمود. جعفری‌جم و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با عنوان عملکرد مالی و ارزش شرکت‌ها با وجود نقش افشا اطلاعات پایداری بیان کردند که رابطه‌ای مثبت بین افشای اطلاعات پایداری با عملکرد مالی و ارزش شرکت‌ها وجود دارد. بطوری که در نظریه ذینفعان، رعایت الزامات ذینفعان (زیست‌محیطی و اجتماعی) موجب بهبود عملکرد مالی و ارزش شرکت می‌شود. در نتیجه نتایج این فرضیه با پژوهش جعفری و همکاران (۱۳۹۸) همسو می‌باشد. همچنین در پژوهش محمودزاده (۱۴۰۲)، با عنوان بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی بر مدیریت کیفیت محیطی و عملکرد مالی نشان داد که مدیریت کیفیت محیطی و هم چنین مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت دارای تأثیر مثبت می‌باشند. بنابراین نتایج این فرضیه با پژوهش محمودزاده (۱۴۰۲) نیز همسو می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از آن است، عملکرد غیرمالی بازار محصول دارای نقش تعدیل‌کننده بر رابطه بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد مالی است. به نظر می‌رسد تحلیل گران‌مالی و سرمایه‌گذاران در ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها به طور همزمان دو عامل عملکرد غیرمالی

بازار محصول و گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی را مد نظر قرار نداده و در زمان در دسترس بودن اطلاعات عملکرد غیرمالی بازار محصول و گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بیشتر به عملکرد غیرمالی تمرکز دارند. نتایج و یافته‌های پژوهش‌های حاضر بر خلاف یافته‌های پژوهش ليو و همکاران (۲۰۲۲) می‌باشد. بر اساس مفروضات تئوری نمایندگی بین افراد داخل سازمان و برون سازمان تضاد نمایندگی وجود دارد. مشکلات نمایندگی زمانی بر گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی تاثیر دارد که مدیران اقدام به فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به قصد کسب اعتبار در بازار برای خود و نه افزایش ثروت سهامداران دارند. زمانی که عملکرد غیرمالی (سهم بازار) افزایش می‌یابد از نظر سهامداران شرکت نمی‌تواند در سطح واقعیت به فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی هم پردازد. لذا ترکیب همزمان این دو عامل منجر به کاهش عملکرد غیرمالی می‌گردد.

پیشنهاد‌های پژوهش

باتوجه به نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش که نشان داد فعالیت‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی بر عملکرد مالی تاثیر مثبت دارد به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد به منظور بالا بردن عملکرد مالی شرکت سعی در ارتقای فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی داشته و با بهبود رتبه خود در زمینه این فعالیت‌ها به افزایش سودآوری شرکت (عملکرد مالی) کمک نمایند. همچنین به مراجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری پیشنهاد می‌گردد به منظور سهولت ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها از طریق گزارشات غیرمالی و آینده‌نگر، نسبت به ارائه دستورالعمل و رویه‌های مناسب جهت افشای اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی شرکت‌ها اقدام لازم صورت پذیرد. به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد نسبت به ارائه یک دستورالعمل مدون به منظور رتبه‌بندی شرکت‌ها براساس شاخص‌های زیست‌محیطی، راهبری شرکتی و اجتماعی اقدام لازم را انجام دهد.

باتوجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش که نشان داد عملکرد غیرمالی بازار محصول دارای نقش تعدیل‌کننده بر رابطه بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی و عملکرد مالی است به تحلیل‌گران مالی و سهام‌داران پیشنهاد می‌گردد از آنجا که در زمان

افزایش فشارهای رقابتی شرکت، ممکن است شرکت به منظور متمایز نمودن خود از سایر رقبا اقدام به سبزشویی (ارائه اطلاعات و اخبار مساعد در خصوص فعالیت‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی) نماید در صورتی که در واقعیت اینگونه نباشد، لذا در ارزیابی عملکرد شرکت از طریق گزارشات غیرمالی (فعالیت‌های زیست محیطی، راهبری و اجتماعی) احتیاط لازم را معمول دارند.

محدودیت‌های پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر جهت اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از صورت‌های مالی تاریخی استفاده شده است و بر حسب تورم تعدیل نشده‌اند لذا نتایج و یافته‌های پژوهش تحت تاثیر اطلاعات تاریخی می‌باشند. نبود اطلاعات کامل در مورد برخی از شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران و مشکلات مربوط به گردآوری اطلاعات از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- امین، وحید؛ فغانی ماکرانی، خسرو؛ ذبیحی زرین کلایی، علی. (۱۴۰۰). بررسی نقش تعدیل‌گری حاکمیت شرکتی در رابطه بین عملکرد پایداری و عملکرد مالی شرکت. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۳)، ۱-۲۶.
- اموروند، حمیدرضا؛ پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۷). شناسایی تاثیر جریان‌های نقدی آزاد بر رابطه عملکرد غیرمالی در بازار محصول و مخارج سرمایه‌ای آتی شرکت‌ها، *فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری*، ۷(۲۵)، ۹۹-۱۲۶.
- پورخانی ذاکله‌بری، مظفر؛ جهانشاد، آریتا. (۱۴۰۰). ارائه الگو برای افشاء پایداری شرکتی و ارزیابی عوامل مرتبط با تئوری مشروعیت بر گزارشگری آن. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۳(۴۹)، ۱۷۷-۲۰۴.
- تحریری، آرش؛ افسای، اکرم. (۱۴۰۰). تاثیر افشای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر تلاش حسابرس و کیفیت حسابرسی *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۳)، ۶۹-۸۸.
- جعفری جم، حسین؛ علی‌عسگری، فائزه؛ زارعی، حمید. (۱۳۹۸). عملکرد مالی و ارزش شرکت‌ها: نقش افشا اطلاعات پایداری. *دانش حسابداری مالی*، ۶(۳)، ۲۱۵-۲۴۲.
- جلیلی، سودابه؛ مهاجری، علیرضا. (۱۴۰۱). تاثیر حاکمیت شرکتی خوب و مسئولیت اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی و همچنین از طریق مدیریت سود به عنوان یک متغیر واسطه (مورد مطالعه کارکنان بانک پارسیان منطقه شرق تهران)، *فصلنامه پژوهش‌های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری*، ۴(۱۵)، ۵۱-۶۶.
- حیدریور، فرزانه؛ شهبازی، ناصر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین افشای زیست‌محیطی و سازوکارهای حاکمیت شرکتی با مربوط بودن ارزش و عملکرد، *حسابداری سلامت*، ۴(۲)، ۳۹-۵۹.
- حیدرزاده، شهین؛ رضایی، فرزین. (۱۳۹۳). تاثیر اعتبار هیأت مدیره بر رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و بازده غیرعادی انباشته در شرکت‌های بیش (کم) سرمایه‌گذار. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۲(۲)، ۹۹-۱۲۲.
- حکمت، هانیه؛ حیدرزاده خلیفه‌کندی، وحید؛ علیزاده، شکوفه. (۱۴۰۲). تاثیر عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارتباط بین برنامه ریزی مالیاتی و ارزش شرکت. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۳(۵۰)، ۸۳-۱۱۰.
- حشمت، نسا؛ برادران حسن‌زاده، رسول؛ متقی، علی‌اصغر. (۱۴۰۰). تدوین الگوی جامع ارزیابی مالی، راهبری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس رویکردهای شش‌گانه دیدگاه نوین ارزیابی عملکرد. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۴)، ۱-۲۶.

- خدادادی، ولی؛ رحیم بنابی، قدیم. (۱۳۹۵). عوامل موثر بر افشای اختیاری اطلاعات (تئوری ها و کاربردها). فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۴ (۱۶)، ۳۲.
- دریائی، عباس علی؛ هاشم نژاد، یعقوب؛ طالبیان، مهدی. (۱۳۹۱). توسعه پایدار پیامد حسابداری و بازاریابی سبز و مسئولیت پذیری اجتماعی با تأکید بر راهبری شرکتی، اولین همایش ملی حسابداری و مدیریت، اردیبهشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.
- دیگان، کریگ. (۱۳۹۰). تئوری حسابداری مالی ترجمه علی پارسائیان، نشر ترمه.
- رسفیحانی، سعید؛ دهقان، عبدالمجید. (۱۴۰۰). تاثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی با توجه به نقش میانجی پایداری شرکت (مورد مطالعه: بانک‌های خصوصی کشور). مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۲ (۴۷)، ۱۸۸-۲۰۹.
- رجبی، روح الله؛ گنجی، عزیزالله. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین نظام راهبری و عملکرد مالی شرکت‌ها، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲ (۲)، ۲۳-۳۴.
- زندى، آناهیتا؛ فغانی ماکرانی، خسرو. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر عملکرد اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷ (۲۶)، ۱۴۵-۱۵۸.
- فخاری، حسین؛ رضائی پسته نوئی، یاسر. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای سنجش محیط اطلاعاتی شرکت مجله حسابداری مالی، ۹ (۳۳)، ۱۳۱-۱۴۷.
- کاشف بهرامی، فرهنگ. (۱۳۹۲). حاکمیت شرکتی و نقش رئیس هیات مدیره و ارتباط آن با عدم تقارن اطلاعاتی و حسابرسی داخلی. مجله حسابرسی، ۶۹ (۱۵)، ۱۰۲-۱۱۰.
- محمودزاده، میثم. (۱۴۰۲). بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی بر مدیریت کیفیت محیطی و عملکرد مالی شرکت. فصلنامه پژوهش‌های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری، ۵ (۱۶)، ۹۴-۱۰۶.
- مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ طاهری، زهرا. (۱۳۹۲). ارمغان تئوری های دستوری حسابداری، مطالعات حسابداری و حسابرسی، نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی، تابستان ۱۳۹۲ شماره (۶).
- مران جوری، مهدی؛ علی خانی، راضیه. (۱۳۹۳). افشای مسئولیت‌های اجتماعی و راهبری شرکتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱ (۳)، ۳۲۹-۳۴۸.
- نیکومرام، هاشم؛ بنی مهد، بهمن؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ کیایی، علی. (۱۳۸۸). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود، حسابداری مدیریت، ۶ (۱۸)، ۳۱-۴۳.
- همایون، علی؛ رنجبر، محمدحسین؛ احمدی، فائق؛ طالب‌نیا، قدرت‌الله. (۱۴۰۲). اثر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی و آینده‌نگر بر عملکرد پایداری شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۳ (۴۷)، ۱۲۹-۱۵۲.

References

- Amin, V; Faghani Makrani, K; Zabihi Zarin Kalaei, A. (2021). Examining the Moderating Role of Corporate Governance in the Relationship between Sustainability Performance and Financial Performance of the Company. *Experimental Accounting Research*, 11(3), 1-26, (In Perisna).
- Amorvand, H. R; Pourzmani, Z; (2017). Identifying the Impact of Free Cash Flows on the Relationship between Non-financial Performance in the Product Market and Future Capital Expenditures of Companies. *Scientific Research Quarterly of Investment Science*, 7 (25), 99-126, (In Perisna).
- Barnea, A; & Rubin, A. (2010). Corporate social responsibility is a conflict between shareholders. *Journal of Business Ethics*, 97, 71-86.
- Bofinger, Y; Heyden, K. J; & Rock, B. (2022). Corporate Social Responsibility and Market Efficiency: Evidence from ESG and Mis Valuation Measures. *Journal of Banking & Finance*, 134, 106322.
- Boulhaga, M; Bouri, A; Elamer, A. A; & Ibrahim, B. A. (2023). Environmental, Social and Governance Ratings and Firm Performance: The Moderating Role of Internal Control Quality. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 30(1), 134-145.
- Chollet, P; & Sandwidi, B. W. (2018). CSR Engagement and Financial Risk: A Virtuous Circle? International Evidence. *Global Finance Journal*, 38, 65-81.
- Chen, L; Yuan, T; Cebula, R. J; Shuangjin, W; & Foley, M. (2021). Fulfillment of ESG Responsibilities and Firm Performance: A Zero-sum Game or Mutually Beneficial. *Sustainability*, 13(19), 10954.
- Connelly, B. L; Certo, S. T; Ireland, R. D; & Reutzel, C. R. (2011). Signaling Theory: A review and Assessment. *Journal of Management*, 37(1), 39-67.
- Cormier, D; & Gordon, I. M. (2001). An Examination of Social and Environmental Reporting Strategies. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 14(5), 587-617.
- Chiaromonte, L; Dreassi, A; Girardone, C; Piser`a, S; (2021). Do ESG Strategies Enhance Bank Stability During Financial Turmoil? Evidence from Europe. *The Eur. J. Financ.* 1–39.
- Daryaei, A. A; Hashemnejad, Y; Talibian, M; (2011). Sustainable Development of Green Accounting and Marketing Outcomes and Social Responsibility with an Emphasis on Corporate Governance. The First National Accounting and Management Conference, Ardibehesht, Islamic Azad University, Noor branch, (In Perisna).
- Devinney, T. M; Richard, P. J; Yip, G. S; & Johnson, G. (2005). Measuring Organizational Performance in Management Research: A Synthesis of Measurement Challenges and Approaches. In SSRN: <http://ssrn.com/abstract> (Vol. 814285).
- Deegan, C; & Shelly, M. (2014). Corporate Social Responsibilities: Alternative Perspectives about the Need to Legislate. *Journal of Business Ethics*, 121(4), 499-526.
- Deegan, C. (2002). Introduction: The Legitimizing Effect of Social and Environmental Disclosures—a Theoretical Foundation. *Accounting, auditing & accountability journal*, 15(3), 282-311.

- Delmas, M. A; & Burbano, V. C. (2011). The Drivers of Greenwashing. *California Management Review*, 54(1), 64-87.
- Frias-Aceituno, J.V; Rodríguez-Ariza, L. and García-Sánchez, I. M. (2014). Explanatory Factors of Integrated Sustainability and Financial Reporting, Business Strategy and the Environment, 23 (1), 56-72.
- Fakhari, H; & Rezaei Pitehnoi, Y. (2016) Presentation of a Model for Measuring the Company's Information Environment, *Journal of Financial Accounting*, 9 (33), 131-147, (In Perisna).
- Gilbert, D. U; & Rasche, A. (2008). Opportunities and Problems of Standardized Ethics Initiatives—A Stakeholder Theory Perspective. *Journal of Business Ethics*, 82, 755-773.
- Haniffa, R. M; & Cooke, T. E. (2005). The Impact of Culture and Governance on Corporate Social Reporting. *Journal of Accounting and Public Policy*, 24(5), 391-430.
- Hekmat, H; Heydarzadeh Khalifa Kandi, V; Alizadeh, S. (1402). The Effect of Social Responsibility Performance on the Relationship between Tax Planning and Company Value. *Experimental Accounting Research*, 13 (50), 83-110, (In Perisna).
- Heydarzadeh, S; Rezaei, F. (2013). The Effect of the Credibility of the Board of Directors on the Relationship between Agency Costs and Accredited Returns in Companies with More (less) Investors. *Asset Management and Financing*, 2(2), 122-99, (In Perisna).
- Haiderpour, F; Shahbazi, N. (2014). Investigating the Relationship Between Environmental Disclosure and Corporate Governance Mechanisms with the Relevance of Value and Performance, *Health Accounting*, 4(2), 39-59, (In Perisna).
- Hoepner, A; Oikonomou, I; Scholtens, B; & Schröder, M. (2016). The Effects of Corporate and Country Sustainability Characteristics on the Cost of Debt: An International Investigation. *Journal of Business Finance & Accounting*, 43 (1-2), 158-190.
- Homayoun, A; Ranjbar, M. H; Ahmadi, F; Talebnia, Q. (2023). The Effect of Voluntary Disclosure of Historical and Prospective Non-Financial Information on the Sustainability Performance of Companies. *Experimental Accounting Research*, 13 (47), 129-152, (In Perisna).
- Hark, R. L. P; Fanny, S; Elvis, R. S. (2023). Predictive Ability of Financial and Non-Financial Performance for Financial Statement Publication Time Frame: Moderating Role of Covid-19 Pandemic, *Journal of RGSA – Revista de Gestão Social e Ambiental*, ISSN: 1981-982X
- Haiderpour, F; Shahbazi, N. (2014). Examining the Relationship between Environmental Disclosure and Corporate Governance Mechanisms with Respect to Value and Performance. *Health Accounting*, 4(2), 39-59, (In Perisna).
- Heshmat, N; Hassanzadeh b. R; Motaghi, A. A. (2021). A Comprehensive Compilation of Financial Assessment, Leadership, and Social Responsibility Based on the Principles of Six Approaches of the New Perspective of Performance Evaluation. *Accounting Empirical research*, 11(4), 1-26, (In Perisna).

- Hoque, Z. (2005). Linking Environmental Uncertainty to Non-Financial Performance Measures and Performance: a Research Note. *The British Accounting Review*, 37(4), 471-481.
- Jafar Jam, H; Ali Asgari, F; Zarei, H. (2018). Financial Performance and Firm Value: The Role of Sustainability Disclosures. *Financial Accounting Knowledge*, 6(3), 215-242, (In Perisna).
- Jalili, S; & Mohajeri, A. (2022). The Effect of Good Corporate Governance and Corporate Social Responsibility on Financial Performance and also Through Profit Management as a Mediating Variable (The Case Study of Employees of Parsian Bank in East Tehran Region). *Contemporary Research Quarterly in Management and Accounting Sciences*, 4(15), 51-66, (In Perisna).
- Jiao, Y; & Shi, G. (2014). Social Preference, Product Market Competition, and Firm Value. Product Market Competition, and Firm Value (August 24, 2014).
- Javeed, S. A; Latief, R; & Lefen, L. (2020). An Analysis of Relationship between Environmental Regulations and Firm Performance with Moderating Effects of Product Market Competition: Empirical Evidence from Pakistan. *Journal of Cleaner Production*, 254, 120197.
- Kalia, D; & Aggarwal, D. (2023). Examining Impact of ESG Score on Financial Performance of Healthcare Companies. *Journal of Global Responsibility*, 14 (1), 155-176.
- Kaplan, R. S; & Norton, D. P. (1993). Putting the Balanced Scorecard to Work, *Harvard Business Review*, 71 (5), 134-42.
- Kim, Y. J; Kim, W. G; Choi, H. M; & Phetvaroon, K. (2019). The Effect of Green Human Resource Management on Hotel Employees' Eco-friendly Behavior and Environmental Performance. *International Journal of Hospitality Management*, 76, 83-93
- Kashif, B. F. (2012). Corporate Site and the Role of the Chairman of the Board of Directors and its Relationship with Information Asymmetry and Internal Auditing, *Auditor's Journal*, 69(15), 102-110, (In Perisna).
- Khodadadi, V; Rahim Bonabi, Gh. (2016). Factors Affecting the Voluntary Disclosure of Information (theories and applications), *Quarterly Journal of Accounting and Auditing Studies*, 4 (16), 32, (In Perisna).
- Liu, Y; Kim, C. Y; Lee, E. H; & Yoo, J. W. (2022). Relationship between Sustainable Management Activities and Financial Performance: Mediating Effects of Non-Financial Performance and Moderating Effects of Institutional Environment. *Sustainability*, 14(3), 1168.
- Li, P; Menon, M; & Liu, Z. (2019). Green innovation under uncertainty-a dynamic perspective. *International Journal of Services, Economics and Management*, 10(1), 68-88.
- Mahmoodzadeh, M. (2023). Investigating the Relationship between Social Responsibility on Environmental Quality Management and Financial Performance of the Company, *Contemporary Research Quarterly in Management and Accounting Sciences*, 5 (16), 94-106, (In Perisna).
- Maran Jouri, M; Ali Khani, R. (2013). Disclosure of Social Responsibilities and Corporate Governance, *Accounting and Auditing Reviews*, 21 (3), 329-348, (In Perisna).

- Mehrani, S; Karmi, Gh; & Taheri, Z. (2012). Armaghane Accounting Theories, Accounting and Auditing Studies, *Journal of Accounting and Auditing Studies*, (6), (In Perisna).
- Matos, P. (2020). ESG and Responsible Institutional Investing Around the World: A Critical Review.
- Nirino, N; Santoro, G; Miglietta, N; & Quaglia, R. (2021). Corporate Controversies and Company's Financial Performance: Exploring the Moderating Role of ESG Practices. *Technological Forecasting and Social Change*, 162, 120341.
- Nikumram, H; Bani Mahd, B; Rahnama, R; & Fereydoun, Kiaei, A. (2008). A Political Economy Perspective and Earnings Management, *Management Accounting*, 6(18), 31-43, (In Perisna).
- O'donovan, G. (2002). Environmental disclosures in the Annual Report: Extending the Applicability and Predictive Power of Legitimacy Theory. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 15(3), 344-371.
- Prado-Lorenzo, J. M; & Garcia-Sanchez, I. M. (2010). The Role of the Board of Directors in Disseminating Relevant Information on Greenhouse Gases. *Journal of Business Ethics*, 97, 391-424.
- Pourkhani, Z. B; & Mozafar, J. A. (2021). Presenting a Model for Corporate Sustainability Disclosure and Evaluating Factors Related to Legitimacy Theory On its Reporting. *Financial Accounting and Audit Research*, 13(49), 177-204,(In Perisna).
- Price, J. M; & Sun, W. (2017). Doing good and doing bad: The impact of corporate social responsibility and irresponsibility on firm performance. *Journal of Business Research*, 80, 82-97.
- Rasfijani, S; & Dehghan, A. M. (2021). The Impact of Corporate Governance on Financial Performance Considering the Mediating Role of Company Sustainability (Case Study: Private Banks of the Country). *Financial Engineering and Securities Management*, 12(47), 188-209. (In Persian).
- Rajabi, R; & Ganji, A. (2010). Investigating the Relationship between the Management System and Financial Performance of Companies, *Journal of Financial Accounting Research*, 2 (2), 23-34, (In Perisna).
- Ryu, D; Ho Hwanga, J; & Ryu, D. (2016). Corporate Social Responsibility, Market Competition, and Shareholder Wealth. *Investment Analysts Journal*, 45(1), 16-30.
- Saeidi, S. P; Sofian, S; Saeidi, P; Saeidi, S. P; & Saeidi, S. A. (2015). How Does Corporate Social Responsibility contribute to a Firm's Financial Performance? The Mediating Role of Competitive Advantage, Reputation, and Customer Satisfaction. *Journal of Business Research*, 68(2), 341-350.
- Shahzad, F. M. H; Baig, I. U; & Rehman, A. (2021). Does Intellectual Capital Efficiency Explain the Corporate Social Responsibility Engagement-firm Performance Relationship? Evidence from Environmental, Social and Governance Performance of US-listed Firms, *Borsa Istanbul Review*, <https://doi.org/10.1016/j.bir.2021.05.003>
- Sheikh, S. (2018). Corporate Social Responsibility, Product Market Competition, and Firm Value. *Journal of Economics and Business*, 98, 40-55.

- Tahriri, A; & Afsai, A. (2021). The Impact of Environmental, Social and Governance Disclosure on the Auditor's Effort and Audit Quality, *Journal of Accounting Knowledge*, 12(3), 69-88, (In Perisna).
- Tseng C. Y; & Sebahattin, D. (2021), Joint Effect of CEO Overconfidence and Corporate Social Responsibility Discretion on Cost of Equity Capital, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 17 (1), 100241.
- Ullah, F; Jiang, P; Elamer, A. A; & Owusu, A. (2022). Environmental Performance and Corporate Innovation in China: The Moderating Impact of Firm Ownership. *Technological Forecasting and Social Change*, 184, 121990.
- Ye, L. J; & Hyoun S; Y. (2023), Environmental, Social, and Governance Activities and Firm Performance: Global Evidence and the Moderating Effect of Market Competition. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, WILEY.
- Zandi, A; & Faghani Makrani, K. (2017). Investigating the impact of Social, Environmental, and Ethical Performance on the Financial Performance of Companies Admitted to the Stock Exchange. *Management Accounting and Auditing knowledge*, 7(26), 145-158, (In Perisna).

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

ارزیابی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در آینده‌ی مشروعیت‌گزارشگری مالی شرکت‌ها^۱

امیرحسین اسدی^۲، حسین بدیعی^۳، رویا دارابی^۴، نوروز نوراله زاده^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف این مطالعه، ارزیابی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در آینده‌ی مشروعیت‌گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌باشد. روش پژوهش مطالعه کیفی و کمی بود و باهدف انجام سناریوپردازی، ابتدا نسبت به شناسایی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در بخش کیفی اقدام شد، سپس از طریق فرآیندهای ماتریسی و ترکیب آن با معیارهای مشروعیت‌گزارشگری مالی، تلاش شد تا مؤثرترین سناریوی مؤثر حسابداری خلاقانه به عنوان عامل کاهنده‌ی مشروعیت‌گزارشگری مالی شرکت‌ها در آینده مشخص گردد. مشارکت‌کنندگان حاضر در بخش کیفی ۱۲ نفر از خبرگان دانشگاهی و ۲۵ نفر از مدیران مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بودند. در این مطالعه از مجموعه متوالی از فرآیندهای ماتریسی در بخش کمی استفاده می‌شود تا براساس آن بتوان نسبت به تعیین سناریوهای محتمل در خصوص حسابداری خلاقانه اقدام نمود و سپس مؤثرترین ربع ماتریسی بر مشروعیت‌گزارشگری مالی شرکت‌ها در آینده مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش در بخش کیفی براساس ۱۲ مصاحبه با خبرگان، چارچوبی متناسب با ۳ مضمون فراگیر؛ ۶ مضمون سازمان‌دهنده و ۲۶ مضمون پایه را نشان می‌دهد. از طرف دیگر در بخش کمی ۴ ربع ماتریسی براساس دو محور پیشران‌های حاکمیتی و پیشران‌های کنترل داخلی شناسایی شد. همچنین مشخص گردید، مهمترین سناریوی بروز حسابداری خلاقانه که می‌تواند مشروعیت اخلاقی گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد، سناریوی ربع دوم ماتریس، یعنی ضعف تمرکزگرایی ساختاری در اثربخشی کنترل داخلی می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، سطح کنترل داخلی اولین جبهه‌ای از مواجهه با عملکردهای مالی شرکت‌ها است که می‌تواند با فیلتر نمودن هر گونه انحراف از واقعیت‌های عملکردی و رویه‌های گزارشگری مالی، امکان توسعه‌ی هنجاری پایبندی به رعایت حقوق ذینفعان را تقویت نماید. اما با اعمال نفوذ مدیران بر حساب‌رسان داخلی از طریق نفوذ و روابط دستوری، استقلال این واحد کاهش می‌یابد و این واحد مهم از فرآیندهای کنترل داخلی، اثربخشی خود را از دست می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: حسابداری خلاقانه، مشروعیت‌گزارشگری مالی، سناریوپردازی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41.

doi: 10.22051/jera.2024.45015.3168

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (amirhossein@sadi@yahoo.com)

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (badiei@iau.ac.ir)

۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (Royadarabi110@yahoo.com)

۴. دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (N_noorolahzadeh@azad.ac.ir)

۵. دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (N_noorolahzadeh@azad.ac.ir)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه^۱

با رشد جوامع و توسعه دانش، زمینه‌های تعاملی حسابداری نیز همانند بسیاری از رشته‌های دیگر علوم انسانی تغییرات قابل توجهی یافته است. امروزه حسابداری فراتر از رویکردهای صرف عینیت‌گرایانه به سمت رویکردهای رفتارگرایانه در حرکت می‌باشد و به نوعی کاستی‌های اثبات‌گرایی در پارادایم‌های کلاسیک این دانش را پوشش می‌دهد (بیرد^۲، ۲۰۲۰). اما همانطور که از این رویکردها می‌توان استدلال نمود، توسعه رفتار در حسابداری می‌تواند در کنار جنبه‌های مثبت دارای جنبه‌هایی منفی نیز باشد. حسابداری خلاقانه به عنوان یکی از دانش‌های رفتاری در عرصه‌ی حسابداری تلقی می‌شود که فراتر از اثبات‌گرایی صرف در این حرفه، از طریق تغییر انگیزه‌های رفتاری در متصدیان افشاء اطلاعات، اقدام به دستکاری یا تحریف صورت‌های مالی می‌نماید (قشقایی و همکاران، ۱۳۹۸). اگرچه معنای مثبت خلاقیت در ابتدا این موضوع را در ذهن متبادر می‌نماید که احتمالاً شفافیت در افشاء اطلاعات ماحصل این تغییر فرآیندی در علم حسابداری از رویکردهای کلاسیک به مدرن می‌باشد، اما پژوهشگرانی همچون برتون و تافلر^۳ (۱۹۹۵)؛ آما^۴ و همکاران^۴ (۱۹۹۹) و بهسین^۵ (۲۰۱۶) حسابداری خلاقانه را در زمره‌ی تغییرات رفتار فرصت‌طلبانه‌ی شرکت‌ها تقسیم‌بندی می‌نمایند که می‌تواند به کاهش ارزش اطلاعاتی و احتمالاً مشروعیت‌گزارشگری مالی در بلندمدت منجر شود.

این مفهوم که با فراگیری تحریف‌ها پس از بحران‌های مالی سال ۲۰۰۸ به طور ویژه‌تری مورد توجه قرار گرفت، توسط گروهی از شاغلان این حرفه معنابخشی شد و نقش پُررنگ انگیزه‌های گمراه‌کننده‌ی حسابداری خلاقانه در تصمیم‌های سرمایه‌گذاران مورد نظر قرار گرفت. ریچمان^۶ (۲۰۱۶) در بسط این مفهوم از حسابداری عنوان نمود، هنگامی که اطلاعات حسابداری موضوعی را با برخی از شیوه‌های خلاقانه در حسابداری افشاء می‌نماید، باعث گمراهی تصمیم‌گیرندگان مالی به ویژه تصمیم‌گیرندگان خارج از شرکت می‌گردد که این موضوع بخش پنهان واقعیت‌های تحریف شده‌ای است که یک فرد حرفه‌ای در این عرصه می‌تواند از طریق دانش خود تصویر منفی عملکردهای یک شرکت را مخفی نماید.

۱. مستخرج شده از پایان نامه

2. Bird
3. Berton & Taffler
4. Amat et al
5. Bhasin
6. Reischmann

این سطح از حسابداری به طور ویژه، از چشم حسابرسان و نهادهای نظارتی معمولاً به دلیل خلاء استانداردهای این حوزه همواره پنهان می‌ماند و زمینه را برای بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ای همچون پولشویی و تقلب در صورت‌های مالی مهیا می‌سازد. سطح اهمیت این رویکرد منفی تحت شرایط وجود مسائل نمایندگی بسیار بیشتر است. موقعیت‌هایی که انگیزه‌های فرصت‌طلبانه‌ی مدیران را تقویت می‌نماید تا با آگاهی از دانش حسابداران حرفه‌ای نسبت به تحریف صورت‌های مالی، منافع خود را اولویت بخشند (دی‌بارما و روی، ۲۰۲۳). به عبارت دیگر، براساس تئوری نمایندگی، مدیران به عنوان نمایندگان صاحبان اصلی شرکت، در قبال پذیرش مسئولیت مباشرت، از حوزه‌ی اختیارات مستقیم و غیرمستقیمی برخوردار می‌شوند که اغلب باعث می‌گردد تا سطح انگیزه‌های فرصت‌طلبانه در آنان تقویت گردد و به شکاف بیشتر تضاد منافع بین سهامداران با شرکت‌ها منجر شود (خلیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

لذا براساس کارکردهای حسابداری خلاقانه ممکن است باهدف کسب منافع بیشتر از خلاءهای ایجاد شده در رویه‌ها و استانداردهای حسابداری استفاده نمایند و حسابداری خلاقانه را اهرمی برای پاسخ به این نیازهای درونی در ذهنیت مدیران تقویت نماید (آکپانوکو و یومورین، ۲۰۱۸). اما سوالی که مطرح می‌شود این است، برونداد این نوع از کارکردهای حسابداری در گزارشگری مالی چیست؟

اگرچه پاسخ به این سوال الزاماً نمی‌تواند یک پاسخ مشخص و قاطع داشته باشد، اما مهمترین اثرگذاری حسابداری خلاقانه را می‌توان در مشروعیت گزارشگری مالی جستجو نمود، چراکه مرور پژوهش‌هایی همچون جیمسون^۳ (۱۹۸۸) و بلسینگ^۴ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد، سیستمی بودن فرآیندهای پیاده‌سازی تحریف در افشاء اطلاعات از طریق حسابداری خلاقانه احتمالاً کاهش مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را به همراه خواهد داشت. نکته حائز اهمیت این است که در بازارهای مالی توجه به افشاء اطلاعات به عنوان یک مکانیزم راهبردی در گزارشگری مالی سبب می‌شود تا سطح مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها در فضای رقابتی تقویت گردد (دی‌ویلرز و همکاران، ۲۰۲۲). اگرچه وجود الزامات در افشاء اطلاعات معمولاً به یکنواختی در ارائه اطلاعات به ذینفعان نقش مهمی را ایفا می‌کند،

1. Debbarma & Roy
2. Akpanuko and Umoren
3. Jameson
4. Blessing
5. De Villiers et al

اما در یک بازار رقابتی، شرکت‌هایی که از ظرفیت‌های پایین‌تری در حوزه‌ی افشای اطلاعات اختیاری به ذینفعان برخوردار باشند، قادر نخواهند بود تا از طریق ایجاد مشروعیت اطلاعاتی به مزیت رقابتی دست یابند و سهم بیشتری از بازار را به خود اختصاص دهند (میکائویی و همکاران، ۲۰۲۲). این تفاوت‌ها معمولاً به واسطه‌ی نوع شناخت و اهمیت ساختار شرکت از نیازهای اطلاعاتی برآمده از بسترهای محیط بازار و محیط اجتماعی است که می‌تواند به مشروعیت بخشی گزارشگری مالی شرکت‌ها هویت تازه‌ایی ببخشد (مصطفایی و حسینی، ۱۴۰۰). مشروعیت گزارشگری مالی به عنوان بخش مهمی از انگیزه‌های مسئولانه‌ی شرکت‌ها در برابر ذینفعان بیرونی تلقی می‌گردد و بیان‌کننده‌ی مطلوبیت انعکاس اخبار و اطلاعات از منظر به موقع بودن و قابل اتکاء بودن می‌باشد تا براساس آن سطح اعتماد عمومی به عنوان مهمترین پیامد، در بازار سرمایه جاری گردد. به عبارت دیگر، مشروعیت شرکتی شکاف موجود بین انتظارات با عملکردهای شرکت‌ها را پوشش می‌دهد و ضمن تقارن‌بخشیدن به اطلاعات، فاصله‌ی بازده مورد انتظار سهامداران با بازده واقعی شرکت را کاهش می‌دهد تا از این طریق با افزایش آگاهی آنان از واقعیت‌های عملکردی شرکت، نسبت به ایجاد اطمینان و اعتماد در آنان اقدام نمایند (بلوچی و همکاران، ۲۰۲۱).

در بیان مسئله مطالعه‌ی حاضر علاوه بر شناخت ماهیت نظری مفاهیم مورد بحث، می‌بایست به این مسئله پرداخته شود که واقعیت‌های پیش آمده در بستر بازار سرمایه و تجربه سرمایه‌گذاری‌های فراگیر در بورس اوراق بهادار تهران در فواصل زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۹، می‌تواند گویای بروز کارکردهای حسابداری خلاقانه باشد. در واقع در این روش که مبتنی بر تحریف و استفاده از شکاف استانداردها می‌باشد، شیوه‌های افشای بدون پشتوانه‌ی واقع‌گرایانه و صرفاً با اولویت بخشیدن به اخبار مثبت و جذاب با یکسو و پنهان نمودن اخبار منفی از سویی دیگر، به اطلاع ذینفعان می‌رسد تا از طریق این فرآیند تحریفی، شرکت‌ها بتوانند عملکردهای منفی یا فرصت‌طلبانه‌ی خود را پوشش دهند. لذا بروز چنین ناهنجاری‌هایی در افشای اطلاعاتی می‌تواند نمونه‌ای از ساختار یافتگی حسابداری خلاقانه در سطح شرکت‌های بازار سرمایه تلقی گردد که به دلیل فقدان ساختارهای نظارتی شفاف بر تبلیغات و افشای اطلاعات در جهت حفاظت از منافع سهامداران، باعث می‌شود تا اعتماد به کارکردهای حسابداری و عملکردهای شرکت‌های بازار سرمایه کاهش یابد. بر این اساس در سایه پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه، احتمالاً مشروعیت گزارشگری به واسطه عدم پایداری کیفیت اطلاعات انعکاس یافته به ذینفعان، شدت کاهش خواهد یافت.

لذا با درک مسئله‌ی این مطالعه در ادامه باهدف ارائه اهمیت و دانش افزایی این مطالعه می‌بایست از دو منظر به آن پرداخته شود. از منظر کاربردی اهمیت انجام این مطالعه، می‌توان به این مسئله اذعان نمود که نتایج حاصل در این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری کمک نماید تا با شناخت ابعاد حسابداری خلاقانه، نسبت به کاهش نقاط ضعف کارکردهای حسابداری در این حوزه اقدام نماید و براساس آن سیاست‌های نظارتی لازم برای جلوگیری از اشاعه‌ی چنین شیوه‌هایی برای افشاء اطلاعات را اتخاذ کنند تا بتوانند سطح مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را ارتقاء بخشند.

به لحاظ دانش‌افزایی می‌بایست بیان نمود، انجام مطالعه‌هایی همانند پژوهش‌های براندر و همکاران^۱ (۲۰۱۸)؛ گیوپتا و کومار^۲ (۲۰۲۰) و اوبد و همکاران^۳ (۲۰۲۲) نشان می‌دهد، اگرچه موضوع حسابداری خلاقانه براساس واژگان مشابهی همچون حسابداری ساختگی؛ حسابداری ابتکاری یا حسابداری تحریف‌مورد بررسی قرار گرفته است، اما بررسی محتوا و تحلیل‌های پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد، غالب این پژوهش‌ها از طریق پرسشنامه استاندارد و به صورت معادلات ساختاری و براساس ترکیب با متغیرهای مکمل مورد بررسی قرار گرفته است، در حالیکه این پژوهش تلاش دارد تا در بستر مطالعه‌ی شرکت‌های بازار سرمایه، اولاً پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در یک چارچوب علمی در دانش حسابداری را شناسایی نماید و ثانیاً براساس فرآیند پیاده‌سازی ارزیابی ماتریسی، ضمن شناسایی سناریوهای محتمل حسابداری خلاقانه، به این مسئله می‌پردازد که سناریوهای شناسایی شده، چه تأثیری می‌تواند بر چشم‌اندازهای مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها داشته باشد.

مبانی نظری

مشروعیت گزارشگری مالی

مشروعیت به فرآیندی از عملکردهای مالی یک شرکت در محیطی تجاری اشاره دارد که زمینه‌ساز ایجاد اعتماد در مخاطبان می‌گردد. دی‌ماگیو و پوال^۴ (۱۹۸۳) به منظور تشریح مشروعیت نقش‌های فعالانه و منفعلانه‌ی عملکردهای مالی شرکت‌ها را از یکدیگر تفکیک

1. Brander et al
2. Gupta and Kumar
3. Abed et al
4. DiMaggio and Powell

می‌کنند و بیان می‌نمایند، شرکت‌هایی که تحت تأثیر فشارهای بیرونی، به دنبال شکل دادن به هنجارهای منسجم و یکپارچه برای پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی آنان می‌باشند، در دسته نقش‌های فعال اجتماعی قرار می‌گیرند و نسبت به نقش‌های منفعلانه که بیان‌کننده بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های اجتماعی است، بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرند (آویس و همکاران^۱، ۲۰۱۸). لذا مشروعیت گزارشگری مالی، مجموعه ارزش‌هایی است که در محیط اجتماعی می‌تواند برای یک شرکت کسب اعتبار نماید (مارتینز و بای^۲، ۲۰۲۳). ژئیو و همکاران^۳ (۲۰۲۰) هستی‌شناسی این نوع از مشروعیت شرکتی را از دو منظر ذهنی و عینی مورد توجه قرار می‌دهند. لذا هر شرکتی که بتواند در این فرآیند هنجاری، رفتارهایی فراتر از مسئولیت‌های قانونی به نمایش بگذارند، ضمن افزایش مشروعیت برای خود، مسیر جدیدی از هنجارگرایی اجتماعی را برای سایر شرکت‌ها ایجاد می‌نمایند (گوکی و همکاران^۴، ۲۰۲۱). الیور^۵ (۱۹۹۷) یک گونه‌شناسی از شیوه‌های واکنش استراتژیک شرکت‌ها جهت رسیدن به مشروعیت را ارائه داد که در قالب شکل (۱) ارائه شده است.



شکل ۱. شیوه‌های واکنش استراتژیک شرکت‌ها برای کسب مشروعیت

طبق این الگو، اولین واکنش، سطحی از انطباق‌پذیری^۶ شرکت در برابر هنجارهای اجتماعی تکلیفی است که شرکت به منظور همگرایی بیشتر، خود را با فشارهای وارده همسو می‌نماید تا از ایجاد تعارض جلوگیری نمایند. در حوزه‌ی واکنش سازگاری^۷، مسئله باور به هنجارهای اجتماعی است که از طریق فشارهای بیرونی به شرکت وارد می‌شود و این مسئله استراتژی‌های پذیرش و تقویت را از جانب شرکت به همراه دارد تا مشروعیت مالی فراگیرتری ایجاد نماید

1. Awis et al
2. Martens and Bui
3. Xiu et al
4. Göcke et al
5. Oliver
6. Acquiesce
7. Compromise

(ولیرو و همکاران^۱، ۲۰۱۸). بهبود فرایند تدوین و پیاده‌سازی استانداردها، ارائه رهنمودهایی درباره افشا و بهبود کیفیت حسابرسی می‌تواند سبب بهبود افشا و در نتیجه ارتقا اثربخشی گزارشگری مالی گردد (برزیده و همکاران، ۱۴۰۲). در واکنش اجتناب^۲، شرکت با عدم پذیرش هنجارهای اجتماعی که بیشتر شکل تکلیفی دارد، تلاش می‌کند تا بدون هزینه از پایداری به آن اجتناب نماید تا ضمن حفظ وضع موجود، به نوعی نافرمانی اجتماعی خود را نشان دهد. در واکنش سرپیچی^۳، تضادهای شرکت با هنجارهای تکلیفی به یک میدان تقابل بین دیدگاه‌ها منجر می‌شود و شرکت بخشی از استراتژی‌های خود را در حمایت از هنجارهای نادیده گرفته شده‌ی نهادی، توسعه می‌بخشد.

حسابداری خلاقانه

یکی از مورد توجه‌ترین کارکردهای حسابداری به ویژه پس از بحران‌های مالی جهان در سال ۲۰۰۸، خلاقیت در رویه‌های حسابداری است که در مقایسه با مدیریت و هموارسازی سود که به طور عمده، توجه فزآینده‌ای در گذشته در مجامع علمی به خود جلب کرده است، از پیچیدگی مفهومی و کارکردی بیشتری برخوردار می‌باشد و می‌توان به عنوان یک پدیده‌ی نوظهور آن را تلقی نمود، چراکه کارکردها یا ابعاد آن در بستر مطالعاتی مورد توجه قرار نگرفته است (بورا و ساها^۴، ۲۰۱۶). محققانی همچون رمیناریک و همکاران^۵ (۲۰۱۸) و حسن علی حمدا و همکاران^۶ (۲۰۲۱) بر اساس نقاط مشترکی از توسعه‌ی این مفهوم، تلاش نمودند تا با تمرکز بر شیوه‌های دستکاری رویه‌های افشاء نسبت به تعریف حسابداری خلاق اقدام نمایند. زیرا معتقد بودند که تغییر اقلام بخش کمی صورت‌های مالی، همان موضوع دستکاری و هموارسازی سود می‌باشد و از این طریق بین این دو مفهوم تمایز قائل شدند (عاجیزی و همکاران^۷، ۲۰۲۲). غربالگری محتوایی ادبیات حاضر نشان می‌دهد، طیفی از پژوهش‌های حسابداری، با استفاده از مفاهیم مشابهی همچون ساختگی یا بدیع پردازی در حسابداری تلاش نمودند تا نسبت به شکل دادن به این مفهوم اقدام نمایند. لذا همانطور که بیان گردید، این مفهوم،

1. Vollero et al
2. Avoidance
3. Defiance
4. Bora & Saha
5. Remenarić
6. Hasan Ali Hamada et al
7. Ajuzie et al

به دلیل فقدان چارچوب نظری، در بستر دانش حسابداری، نوظهور تلقی می‌شود و زمینه‌های اثرگذاری آن در تحریف‌های مالی شرکت‌ها چندان ملموس نمی‌باشد. هدف اصلی برای ایجاد حسابداری خلاقانه «تحریف واقعیت‌ها از طریق دستکاری سود و یا هزینه‌های شرکت» می‌باشد که باهدف برآورده ساختن منافع تملک‌طلبانه‌ی گروهی از افراد دارای قدرت صورت می‌گیرد. سوسماس و درمیرهان^۱ (۲۰۲۰) اهداف حسابداری خلاق را به ترتیب زیر ارائه دادند.



شکل ۲. پیامدهای حسابداری خلاق

هرکدام از این ابعاد در راستای فرصت‌طلبی گروهی از افراد دارای قدرت می‌تواند زمینه‌ی تقویت انگیزه‌های حسابداری خلاقانه را توسعه بخشد. در واقع بخشی از کارکرد حسابداری خلاق در حوزه‌ی فردی است که هم تحت تأثیر مشوق‌های شخصی افراد دارای قدرت و هم باهدف تحکیم تصدی‌گری مدیریتی باعث بکار گرفتن حسابداری خلاقیت می‌گردد. از طرف دیگر در سطح ساختاری؛ کارکرد حسابداری خلاقیت می‌تواند ناشی از مدیریت مالیات و اجتناب از پرداخت آن باشد و یا به واسطه افزایش پاداش ویژه برای مدیران به کار گرفته شود. در نهایت در دو بخش بیرونی می‌توان پولشویی و قراردادهای پیمان را در سطح مراوده‌ی تجاری

1. Susmus & Demirhan

شرکت‌ها در بازار مبنایی برای استفاده از حسابداری خلاق قلمداد نمود. آندرونیسیونانو و استراکوا^۱ (۲۰۲۱) در تعریف حسابداری خلاق با اتکاء به ضعف حوزه‌های ساختار اطلاعاتی در واحد حسابداری، تقدم و تأخر در ارائه‌ی اسناد و مدارک مالی جهت ثبت در دفاتر را به عنوان ویژگی از این شیوه از حسابداری تعریف می‌نمایند. از طرف دیگر آگراوال^۲ (۲۰۲۲) این شیوه از حسابداری را با نوع نگاه مدیریت تفسیر می‌نماید و فرآیندی مبتنی بر تحریف عملکردهای مالی را با دستکاری یا ایجاد ساختگی معاملات آن را تلقی می‌کند. کوآتاون و آلکتیش^۳ (۲۰۱۷) نیز این شیوه از حسابداری را به دلیل خلاء ناشی از استانداردها با رویه‌های حسابداری تلقی می‌کند، جایکه انعطاف‌پذیری روش‌های حسابداری فراتر از چارچوب‌های قانونی، احتمالاً در کنشی فرصت طلبانه باعث ایجاد تحریف در افشاء اطلاعات گردد. روزنر^۴ (۲۰۰۳) بیان می‌دارد که دستکاری حسابداری و تقلب دو اصطلاح مشابه هستند که نشان‌دهنده قصد مدیریت برای مداخله در اندازه‌گیری و افشای معاملات حسابداری و اقلام صورت‌های مالی می‌باشد، حتی اگر استانداردهای حسابداری اجازه به کاربرست این شیوه‌ها را نداده باشد. او نشان می‌دهد دستکاری سود روش‌های انتخابی مورد مطالعه‌ای از عوامل عملیات، تامین مالی و سرمایه‌گذاری می‌باشد. علاوه بر این، چنین انتخابی از روش‌های حسابداری و سیاست‌ها توسط استانداردهای حسابداری مجاز می‌داند، بنابراین این انتخاب‌ها باید برای استفاده‌کنندگان افشا شود.

براساس این تعاریف، موضوع قابل توجه این است که حسابداری خلاقانه فرآیندی از تابع انتظارات مدیریت است که با تبدیل اطلاعات مالی واقعی به اطلاعات نادرست، نسبت به برآوردن اهداف و رضایت صاحبان منافع اقدامات فرصت‌طلبانه را انجام می‌دهد. در حالیکه در مدیریت سود، شرکت‌ها از طریق اقلام تعهدی و براساس کمیتهای اطلاعاتی تلاش دارند تا اطلاعات را جهت‌دار و متقلبانه به اطلاع ذینفعان برسانند. لذا مدیران در کارکردهای حسابداری خلاقانه با فشار بر واحد حسابداری، تلاش می‌کنند تا صورت‌های مالی را آنگونه انعکاس دهند که نقض استانداردها و قوانین صورت‌نگیرد و از این طریق منافع آنان تأمین شود. لذا هوشمندی در استفاده از انعطاف‌پذیری قوانین یا استانداردها همانند، کاهش هزینه‌ها به واسطه‌ی انتخاب از

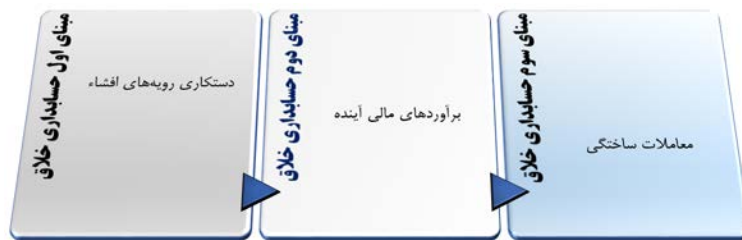
1. Androniceanu & Strakova
2. Aggarwal
3. Qatawneh & Alqtish
4. Rosner

میان روش‌های موجود استهلاک در تعیین هزینه استهلاک سالانه؛ اجتناب مالیاتی به واسطه شناسایی هزینه‌های تحقیق و توسعه و یا انتخاب روش‌های ارزیابی موجودی کالا که به بیش ارزش‌گذاری منجر می‌شود می‌تواند مبنای کاربردی حسابداری خلاق تلقی گردد.



شکل ۳. برخی از رویکردهای اجرای حسابداری خلاق

از طرف دیگر صالح و همکاران^۱ (۲۰۲۱) دلایل ترویج و ترغیب مدیریت به استفاده از حسابداری خلاقانه را شامل نشان دادن یک روند ثابت رشد در سود یا همان هموارسازی سود جهت کمک به دستیابی تحلیلگران مالی به پیش‌بینی رضایت بخش؛ پنهان کردن اخبار بد و حفظ پایداری قیمت سهام می‌داند. از طرف دیگر طبق رویکرد امامت و همکاران^۲ (۱۹۹۹)، مبنای اجرای حسابداری خلاق را می‌توان در چارچوب زیر و براساس سه حوزه مورد توجه قرار داد.



شکل ۴. مبنای اجرای حسابداری خلاقانه (منبع: امامت و همکاران، ۱۹۹۹)

1. Saleh et al

2. Amat et al

در این رابطه امانت و همکاران (۱۹۹۹) بیان می‌نمایند که اولین رویکرد براساس این ماتریس فوق، انتخاب از میان روش‌های مختلف حسابداری در دسترس می‌باشد تا بتوان بدون کمترین تبعات، شیوه‌ای از پیاده‌سازی ثبت و انعکاس رویدادهای مالی در نظر گرفته شود که بتواند به برآورده ساختن منافع انحصاری گروهی از افراد کمک نماید. از طرف حسابداری خلاقانه می‌بایست با استفاده تزریق خوش بینی در افشاء اطلاعات، نسبت به جلب سرمایه‌گذاران اقدامات لازم را انجام دهد. در بعد دیگر این ماتریس حسابداری خلاقانه با انجام معاملات غیرواقعی تلاش می‌کند تا نسبت به دستکاری مبالغ مندرج در صورت‌های مالی یا انتقال سود بین دوره‌های حسابداری اقدامات تحریف‌گونه را انجام دهد. بنابراین با توجه به ارائه رویکردهای مطرح شده در مبانی نظری، در انتهای این بخش نسبت به ارائه سوال‌های پژوهش اقدام می‌شود.

سوال اول پژوهش) پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه کدامند؟

سوال دوم پژوهش) سناریوهای مرتبط با کارکردهای حسابداری خلاقانه‌ی شرکت‌ها کدامند؟

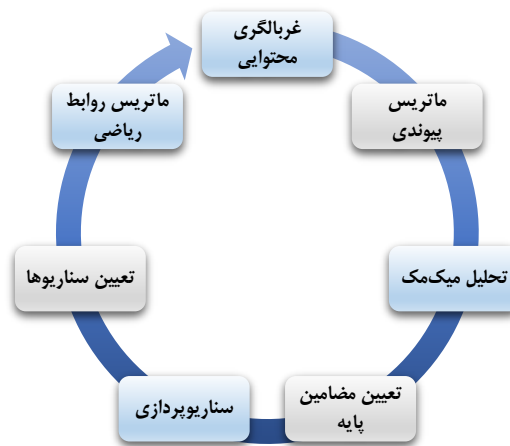
سوال سوم پژوهش) محتمل‌ترین سناریوی مؤثر بر مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها کدام است؟

همانطور که از ماهیت سوال‌های پژوهش مشخص است، سوال اول از طریق شیوه‌ی تحلیل بخش کیفی و فرآیند تحلیل تم پاسخ داده می‌شود و سوال دوم و سوم این مطالعه از طریق فرآیند تحلیل سناریوپردازی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش شناسی

براساس مطالعه‌ی حاضر که در پی ارزیابی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در آینده‌ی مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌باشد، این مطالعه را به لحاظ نتیجه می‌بایست جزء پژوهش‌های کاربردی قلمداد نمود و به دلیل این که به منظور شناسایی پیشران‌ها از طریق تحلیل تماتیک، از ابزار مصاحبه برای ظهور مضامین جدید در بستر مطالعه استفاده می‌کند، می‌بایست به عنوان مطالعه‌های اکتشافی قلمداد نمود. به لحاظ نوع داده نیز، می‌بایست این مطالعه را ترکیبی قلمداد نمود، چرا که برای رسیدن به اهداف پژوهش، از فرآیندهای جمع‌آوری داده در بخش کیفی و کمی استفاده می‌نماید. ذکر این نکته مهم است که مطالعه حاضر به فراخور هر بخش، روش مجزایی را در مسیر پاسخ به سؤال‌های تدوین شده بکار می‌برد. زیرا در

بخش کیفی با اتکاء به نوع شناسی تحلیل مضمون از سبک آترید-استرلینگ^۱ (۲۰۰۱) استفاده می‌کند تا بتواند پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در قالب مضامین تحلیلی شناسایی نماید سپس در بخش کمی از طریق فرآیندهای ماتریسی، نسبت به سناریوپردازی ارزیابی پیشران‌های کلیدی مؤثر در بروز حسابداری خلاقانه بر آینده‌ی مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها اقدام می‌نماید. لذا با ارائه‌ی توضیح‌های فوق می‌توان فرآیند وابسته هر یک از مراحل پیاده سازی را در قالب شکل ۵ مشاهده نمود.



شکل ۵. فرآیند اجرایی روش‌های تحلیل

جامعه آماری و نحوه انتخاب نمونه

همسو با ماهیت تشریح شده در انجام این مطالعه از نظر روش شناسی، برای شناسایی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در بخش کیفی از مصاحبه استفاده شد تا نسبت به شناسایی مضامین پدیده مورد بررسی، اقدام لازم صورت گیرد. لذا ابتدا تلاش گردید تا رسیدن به جامعه هدف دارای اصالت، معیارهای در خصوص انجام مصاحبه شوندگان تدوین گردد. این معیارهای عبارتند از:

۱. دارا بودن شناخت مفهومی از نظریه‌های حسابداری
۲. آشنایی با شیوه‌های پژوهش‌های کیفی و احاطه‌ی بر روند مصاحبه‌گری و تحقیق‌های مرتبط با حوزه حسابداری خلاق
۳. آشنایی با استانداردها و رویه‌های افشاء اطلاعات

1. Attride-stirling

بر اساس سه معیار فوق جستجو برای رسیدن به افراد مطلع و متمایل به انجام مصاحبه آغاز گردید. برای این منظور ابتدا محققان این پژوهش، لیستی از خبرگان پژوهشی در حوزه نظریه‌های حسابداری که در دسترس بودند، مشخص نمودند که برای این منظور از جستجو در سایت‌های معتبر علمی و پژوهشی در داخل و خارج از کشور استفاده شد. سپس از طرق مختلف تلاش گردید تا با گزینه‌های اولیه برای انجام فرآیند مصاحبه هماهنگی لازم در خصوص تمایل به انجام مصاحبه و تشریح موضوع پژوهش، صورت گیرد. با توجه به نقطه اشباع تئوریک به عنوان فرآیند اتمام مصاحبه‌ها، در بازه زمانی شش ماه با ۱۲ نفر از افراد انتخاب شده به عنوان خبرگان دانش حسابداری، مصاحبه صورت پذیرفت. نکته قابل توجه این است که به منظور انتخاب خبرگان تلاش گردید تا از افرادی استفاده شود که در کنار دانش علمی از شناخت لازم بر واقعیت‌های بازار سرمایه برخوردار باشند. لذا بیشتر افراد مشارکت‌کننده یا حسابدار رسمی بودند یا به عنوان عضو تدوین‌کننده‌ی کمیته‌های تخصصی سازمان بورس اوراق بهادار استفاده شد. در فرآیند رسیدن به نقطه اشباع تئوریک، مصاحبه اول تا مصاحبه هشتم از طریق مصاحبه‌های مستقیم کدهای باز متنوع ایجاد می‌شد و از مصاحبه هشتم تا مصاحبه دهم عموماً کدهای ایجاد شده مشابه کدهای قبلی بودند و از مصاحبه دهم تا دوازدهم، فرآیند مصاحبه باهدف رسیدن به نقطه اشباع تئوریک صورت پذیرفت که در پایان مصاحبه دوازدهم مشخص گردید، کد جدیدی از مصاحبه‌ها ایجاد نمی‌شود. نکته حائز اهمیت این است با توجه به محدودیت‌های انجام مصاحبه حضوری، تا حد امکان از راه کارهای جایگزین همچون تماس تلفنی و نرم‌افزارهای ارتباطی اجتماعی استفاده شود. ذکر این نکته حائز اهمیت است که رعایت اصول اخلاقی در حفظ مباحث و دیدگاه‌های آن‌ها در همان ابتدا تأکید می‌شد، تا اطمینان و اعتماد آن‌ها برای انجام مصاحبه‌ها جلب گردد. روش نمونه‌گیری در این بخش، نمونه‌گیری نظری بود و در این فرآیند تلاش شد تا انتخاب نمونه‌ها در جهت به وجود آوردن یک نظریه به گونه‌ای انجام گیرد که شناخت نظری در خصوص موضوع مورد مطالعه وجود داشته باشد. در واقع در این روش نمونه‌گیری، از موارد مشابهی که در یک جامعه هدف وجود دارند، اطلاعات جمع‌آوری شد تا مشخص شود که تئوری‌های رفتاری در زمینه‌ی مورد بررسی تقویت شود (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱). تکنیک رسیدن به خبرگان پژوهش، تکنیک دروازیان اطلاعات^۱

بود. در واقع با توجه به شناسایی خبرگان پژوهش براساس معیارهای تعیین شده، تکنیک حاضر به محقق کمک می‌نمود تا در هماهنگی‌های لازم برای مصاحبه از نفوذ افراد نزدیک به خبرگان بهره برده شود (جلالی، ۱۳۹۱).

جامعه هدف در بخش کمی نیز شامل ۲۵ نفر از مدیران مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بودند که براساس نمونه‌گیری در دسترس و همگن انتخاب شدند. شیوه انتخاب مشارکت‌کنندگان در این بخش استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و همگن بود. نکته قابل توجه این است که بر اساس ماهیت چنین تحلیل‌هایی که به لحاظ پیچیدگی و ارزیابی لایه‌های سطری «L» و ستونی «J» نیازمند تمرکز، دقت کافی و مشارکت توأماً با محقق می‌باشد، معمولاً حد تعیین جامعه بین ۱۵ تا ۲۵ نفر تعیین می‌شود (پالرمو، ۲۰۱۸ و مرزبان و همکاران، ۲۰۲۲). با ارائه‌ی این توضیح‌ها در ادامه طی جدول (۱) آمار جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود:

جدول ۱. آمار جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

بخش کمی			بخش کیفی			متغیر
درصد	تعداد	معیارها	درصد	تعداد	معیارها	
۸۰٪	۲۰	مرد	۶۶/۶۶٪	۸	مرد	جنسیت
۲۰٪	۵	زن	۴۴/۴۴٪	۴	زن	
۱۰۰٪	۲۵	جمع	۱۰۰٪	۱۲	جمع	
۱۶٪	۴	کمتر از ۴۰ سال	۴۱/۶۶٪	۵	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	سن
۶۰٪	۱۵	بین ۴۰ تا ۵۰ سال			بیشتر از ۵۰ سال	
۲۴٪	۶	بیشتر از ۵۰ سال			جمع	
۱۰۰٪	۲۵	جمع	۱۰۰٪	۱۲	جمع	
۷۲٪	۱۸	کمتر از ۱۵ سال	۴۱/۶۶٪	۵	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	سابقه کاری
۲۸٪	۷	بیشتر از ۱۵ سال			۱۵ سال به بالا	
۱۰۰٪	۲۵	جمع			۱۰۰٪	

یافته‌های پژوهش

باتوجه به ماهیت استقرائی/قیاسی مطالعه حاضر، ابتدا در بخش کیفی از طریق تحلیل تماتیک، نسبت به تعیین پیشران‌های مضمونی بروز حسابداری خلاقانه اقدام می‌شود و در ادامه از طریق تحلیل دلفی فازی ابتدا پایایی ابعاد شناسایی شده مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس براساس فرآیند تکنیک دیمتل، با تشکیل ماتریسی محورهای اصلی بروز حسابداری خلاقانه، نسبت به مؤثرترین عامل اقدام می‌شود تا در گام آخر از طریق فرآیند سناریووویزارد، نسبت به تعیین سناریوهای محتمل در بستر مطالعه اقدام شود. لذا در گام اول جهت تعیین پیشران‌های مضمونی بروز حسابداری خلاقانه، از تحلیل تماتیک استفاده شد. تحلیل تماتیک به عنوان فرآیند اجرایی تحلیل محتوا محسوب می‌شود که اقدام به تجزیه و تحلیل مبانی و مفاهیم موضوع حاضر از طریق واکاوی محتوایی همزمان در مطالعات مشابه و انجام مصاحبه برای تعیین ابعاد آن می‌نماید. در این مطالعه از نوع شناسی تحلیل مضمون براساس سبک آترید-استرلینگ^۱ (۲۰۰۱) بهره برده می‌شود که شامل سه مبنای مضمون پایه؛ سازمان دهنده و فراگیر می‌باشد. با پیروی از این روش، مضمون پایه مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود. مضمون سازمان‌دهنده واسط مضامین فراگیر و پایه شبکه است و مضمون فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد. نکته حائز اهمیت این است برای رسیدن به ابعاد حسابداری خلاق، می‌بایست از رویکرد استقرایی در تحلیل محتوا استفاده شود. با شناخت فرآیندهای قابل اجرا در این تحلیل، در ادامه بخش به بخش تلاش می‌شود تا ابعاد حسابداری خلاقانه مورد بررسی قرار گیرد.

مرور پژوهش‌ها

در این بخش ابتدا می‌بایست از طریق واکاوی در پژوهش‌های مشابه، ابتدا مضامین فراگیر مرتبط با حسابداری خلاق می‌بایست از طریق غربالگری محتوایی مشخص گردد. برای این منظور ابتدا طی سه مرحله اولیه ارزیابی محتوایی؛ عنوان و تحلیل نسبت به تعیین میزان پژوهش‌های مشابه در بازه زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ اقدام شد. لذا باهدف شناسایی مضامین فراگیری، لیستی از مفاهیمی که در شناسایی پژوهش‌های مشابه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد ابتدا طبق جدول (۲) ارائه شد تا براساس آن نسبت به شناسایی پژوهش‌ها برای تعیین مضامین فراگیر اقدام شود.

1. Attride- stirling

جدول ۲. جستجوی کلمات کلیدی در انتخاب پژوهش‌های مشابه

کلمات کلیدی جستجو در پژوهش‌های خارجی	کلمات کلیدی جستجو در پژوهش‌های داخلی
Fake Accounting	حسابداری ساختگی
Accounting of Sham Transactions	حسابداری معاملات صوری
Fraudulent Reporting	گزارشگری متقلبانه
Financial Distortion	تحریف مالی
Family Ownership	مالکیت خانوادگی
Transfer Pricing	قیمت‌گذاری انتقالی

کلید واژگان حسابداری خلاق

لذا با عنایت به تعیین کلید واژگان حسابداری خلاقانه در ادامه، به منظور یافتن مطالعه‌های مشابه جهت تعیین مضامین فراگیر از پایگاه‌ها و مراجع پژوهشی بین‌المللی و داخلی، استفاده شد. کلیه منابع اولیه شناسایی شده ۲۰ مورد می‌باشند که پس از چند مرحله فرآیند غربالگری از نظر محتوا، عنوان و تحلیل در نهایت، ۱۰ پژوهش متناسب با محتوا، عنوان و فرآیندهای تحلیلی موردنظر این پژوهش انتخاب شدند. در این مرحله می‌بایست مفاهیم را براساس مضامین فراگیر تفکیک نمود، تا براساس آن از طریق مصاحبه، مضامین پایه و سازمان دهنده ایجاد شوند. در این تحلیل و به واسطه روش ارزیابی انتقادی با مشارکت خبرگان پژوهش براساس ۱۰ معیار اهداف تحقیق، منطق روش تحقیق، طرح تحقیق، نمونه‌برداری، جمع‌آوری داده‌ها، انعکاس‌پذیری، دقت تجزیه و تحلیل، بیان تئوریک و شفاف یافته‌ها و ارزش تحقیق و براساس کلید واژه‌های پژوهش که در زیر ارائه شده است، اقدام به تعیین ابعاد و مضامین گزاره‌ای می‌شود.

جدول ۳. فرآیند ارزیابی پژوهش‌های تأیید شده جهت تعیین مولفه‌های پژوهش

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	پژوهش‌های تأیید شده
فتیحی و بیگر (۱۳۹۸)	چهارده‌تیرگی و همکاران (۱۴۰۱)	برادر و همکاران (۲۰۱۸)	سوسمان و درمیرهان (۲۰۲۰)	گه‌پتا و گوینار (۲۰۲۰)	حسن‌علی حمدا و همکاران (۲۰۲۱)	صالح و همکاران (۲۰۲۱)	عاجیری و همکاران (۲۰۲۲)	هیروتا و یونینون (۲۰۲۲)	رحمان و همکاران (۲۰۲۳)	
۲	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۲	۴	۴	هدف
۴	۴	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۴	روش
۱	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۲	۴	۵	طرح
۲	۴	۴	۵	۱	۴	۳	۱	۵	۴	نمونه‌گیری
۳	۳	۴	۴	۲	۳	۵	۲	۴	۳	جمع‌آوری
۳	۴	۴	۴	۴	۲	۵	۳	۳	۴	تعمیم
۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۲	۳	۴	اخلاقی
۳	۳	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۳	تحلیل
۲	۴	۲	۴	۲	۴	۳	۲	۳	۳	تئوریک
۲	۳	۳	۲	۲	۳	۴	۲	۴	۴	ارزش
۲۳	۳۷	۳۱	۳۴	۲۵	۳۰	۳۷	۲۲	۳۶	۳۷	جمع

بر اساس نتایج این تحلیل مشخص شد، سه پژوهش که امتیاز لازم (بیشتر از ۳۰ امتیاز) را کسب نکرده است، از دور بررسی خارج شد. در ادامه به منظور تعیین مضامین فراگیر حسابداری خلاق از روش امتیازی زیر استفاده می‌شود. بر مبنای این روش کلیه‌ی معیارهای فرعی استخراج شده از متن مقالات تأیید شده، در ستون جدول نوشته می‌شود و سپس در ردیف هر جدول نام

محققان پژوهش‌های تأیید شده آورده می‌شود. بر مبنای استفاده از هر پژوهش‌گر از معیارهای فرعی نوشته شده در ستون جدول، علامت «» درج می‌شود، سپس امتیازهایی هر در ستون معیارهای فرعی، باهم جمع می‌شود و امتیازهای بالاتر از میانگین پژوهش‌های انجام شده، به عنوان مولفه‌های پژوهش انتخاب می‌شوند.

جدول ۴. واکاوی مولفه‌های پژوهش

شماره	محققان مضامین فراگیر	محققان						
		۱ رحمان و همکاران (۲۰۲۳)	۲ هیروتا و یوزینون (۲۰۲۲)	۳ صالح و همکاران (۲۰۲۱)	۴ حسن‌علی حمدا و همکاران (۲۰۲۱)	۵ سوسمان و دربیروهان (۲۰۲۰)	۶ براندرو همکاران (۲۰۱۸)	۷ چهارده‌چیرکی و همکاران (۲۰۱۱)
۱	خلافت مبتنی بر عملکردی فردی	-	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	۴
۲	خلافت مبتنی بر ماهیت دانش حسابداری	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>
۳	خلافت مبتنی بر هوش و ذکاوت تیمی	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	۲
۴	خلافت مبتنی بر هنجارهای فرهنگی	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	۲
۵	خلافت مبتنی بر نظارت‌های حاکمیتی	-	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	-	<input checked="" type="checkbox"/>
۶	خلافت مبتنی بر اثربخشی مدیریتی	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	۲
۷	خلافت مبتنی بر توسعه دانش حسابداری	<input checked="" type="checkbox"/>	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	<input checked="" type="checkbox"/>
۸	خلافت مبتنی بر اولویت سیاسی بر اقتصادی	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	۳
۹	خلافت مبتنی بر عدم بلوغ ذینفعان	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>

باتوجه به تأیید هفت مطالعه از مرحله ارزیابی انتقادی، جهت تعیین مضامین فراگیر جهت تمرکز بر سوال‌های مصاحبه برای رسیدن به مضامین پایه و سازمان دهنده، ابعاد اصلی که بیش از نصف پژوهش‌های تأیید شده را کسب نمودند، به عنوان مضامین فراگیر الگوهای تفکر تحلیلی شناسایی شدند که در ادامه ابتدا این ابعاد طبق جدول (۵) تعریف تئوریک می‌شوند.

جدول ۵. تعاریف مضامین فراگیر

مضامین فراگیر	تعاریف
خلاقیت مبتنی بر ماهیت حرفه حسابداری	این سطح از خلاقیت در حسابداری، ضمن اینکه به تأثیر نظریه‌ها و تئوری‌های حسابداری در شکل گرفتن تمرکز بر جنبه‌های منفی در رویه‌های حسابداری اشاره دارد، در عین حال تمرکز و الزام صرف بر روی شیوه‌های محاسباتی و اندازه‌گیری عینیت‌گرایانه را عاملی برای به وجود آمدن امکان حساب‌سازی‌ها تلقی می‌نماید.
خلاقیت مبتنی بر نظارت‌های حاکمیتی	این سطح از خلاقیت در حسابداری، به وجود ضعف‌های کارکرد راهبری شرکتی در برآورده ساختن حد تعادل در انتظارات و نیازهای اطلاعاتی ذینفعان اشاره دارد که به دلیل درهم تنیدگی ساختارهای نظارتی و احتمال سطح تملک طلبی مالکیت خانوادگی، زمینه برای بروز دستکاری در حساب‌ها و افشاء اطلاعات بسیار زیاد است.
خلاقیت مبتنی بر توسعه دانش حسابداری	بعد سوم حسابداری خلاقانه، اشاره به ضعف در توسعه و پایداری دانش حسابداری دارد. طبق این مضمون، دانش حسابداری به دلیل بی‌توجهی به تغییر پارادایم‌های سنتی و عدم تحول در سرفصل‌های آموزشی و یا عدم توسعه سطح تفکر انتقادی در این دانش، می‌تواند با رخوت در عملکردها مواجه شود و هیچ چشم اندازی برای آینده حسابداری جهت جلوگیری از فرصت طلبی‌ها نتواند ایجاد نماید. لذا در این شرایط زمینه برای بروز حسابداری خلاقانه تقویت می‌شود و آینده این حرفه با چالش جدی مواجه می‌گردد.

لذا در ادامه براساس مضامین شناسایی شده، همسو با نقشه راه این تحلیل که با اتکاء به پژوهش براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) ایجاد گردید، نسبت به شناسایی مضامین پایه و سازمان دهنده اقدام می‌شود که براساس آن چارچوب نظری شکل (۶) نسبت به ارائه‌ی پیشران‌های مضمونی بروز حسابداری خلاقانه ارائه می‌گردد.

1. Braun & Clarke



شکل ۶. چارچوب حسابداری خلاق

باتوجه به چارچوب نظری پژوهش همانطور که مشخص است، این چارچوب شامل ۳ مضمون فراگیر و ۶ مضمون سازمان دهنده و ۲۶ مضمون پایه مفهومی می‌باشد که طبق جدول (۶) می‌توان نحوه تفکیک و درصد فراوانی سه مرحله کدگذاری نیز مشخص شود.

جدول ۶. تفکیک کدهای ایجاد شده از مصاحبه‌های انجام شده

درصد فراوانی	مجموع سطری	مضمین پایه	مضمین سازمان دهنده	مضمین فراگیر
۳۴٫۶۱٪	۹	۴	پیشران‌های سستی رویه‌های حسابداری	خلاقیت مبتنی بر ضعف اجرای حسابداری
		۵	پیشران‌های دستکاری سود حسابداری	
۳۴٫۶۱٪	۹	۵	پیشران‌های حاکمیتی	خلاقیت مبتنی بر ضعف نظارت‌های حاکمیتی
		۴	پیشران‌های کنترل داخلی	
۳۰٫۷۸٪	۸	۴	پیشران‌های فلسفه‌ی حسابداری	خلاقیت مبتنی بر ضعف توسعه دانش حسابداری
		۴	پیشران‌های مهارت حسابداری	
	۱۰۰٪	۲۶	شش مضمون سازمان دهنده شناسایی شده	مجموع ستونی

تحلیل دلفی به عنوان حلقه پیوند بین تحلیل کیفی و کمی محسوب می‌شود، چراکه از طریق ارزیابی پایایی مضامین چارچوب طراحی شده، پژوهش به دنبال تبیین آن در بستر مطالعه بخش کمی می‌باشد. در این مطالعه جهت برازش پایایی مولفه‌های اصلی مدل ارائه شده از تحلیل دلفی فازی استفاده شده است. این تحلیل براساس حد فاصل دو میانگین فازی، نسبت به ارزیابی ابعاد مدل اقدام می‌نماید. این تحلیل پنج مقیاس زبان فازی را پوشش می‌دهد و از خبرگان خواسته شده تا به هریک از مولفه‌ها براساس مقوله‌ی آن امتیاز داده شود.

جدول ۱. تحلیل دلفی مولفه‌های اصلی پژوهش

ردیف	اختلاف میانگین	میانگین غیرفازی	ارزش عددی			زیرمعیارها - ارزش فازی
			۱	...	۹	
			$\left(\frac{1}{9}, \frac{2}{9}, \dots, \frac{8}{9}, 1\right)$:	$\left(\frac{1}{9}, \frac{2}{9}, \dots, \frac{8}{9}, 1\right)$	
تأیید	۰/۱۴	۷/۳۰	۰	...	۹	پیشران‌های سنتی رویه‌های حسابداری
تأیید	۰/۰۹	۷/۱۰	۰	...	۷	پیشران‌های دستکاری سود حسابداری
تأیید	۰/۱۲	۷/۲۵	۰	...	۸	پیشران‌های حاکمیتی
تأیید	۰/۱۵	۸/۰۸	۰	...	۱۰	پیشران‌های کنترل داخلی
تأیید	۰/۱۱	۷/۲۵	۰	...	۸	پیشران‌های فلسفه‌ی حسابداری
تأیید	۰/۱۷	۸/۱۰	۰	...	۱۰	پیشران‌های مهارت حسابداری

با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در مرحله اول و مقایسه آن با نتایج این مرحله، در صورتی که اختلاف بین دو مرحله کمتر از حد آستانه ۰/۲ باشد در این صورت فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود. همانگونه که جدول (۷) مشاهده می‌شود، مشخص گردید، تمامی مولفه‌های شناسایی شده در مرحله کیفی مورد تأیید می‌باشد و اجماع نظری حاصل شده است. در ادامه جهت آماده‌سازی پیشران‌های کلیدی مورد تأیید از مرحله تحلیل دلفی فازی، برای انجام سناریوپردازی، ابتدا می‌بایست از طریق تحلیل دیمیتل اثرگذارترین محورهای اصلی بروز حسابداری خلاقانه مشخص گردد. روش دیمیتل فازی به هنگام تجزیه و تحلیل روابط علی در بین عوامل مختلف، عدم قطعیت را حل می‌کند (لوترا و همکاران، ۲۰۱۶) و براین پیش فرض ایجاد می‌شود که در مرحله اول، مجموعه‌های از ویژگی‌های $s = \{s_i | i = 1, 2, \dots, n\}$ و

روابط جفتی را براساس روابط درونی ارزیابی می‌کند. لذا ابتدا می‌بایست از طریق مقیاس زبانشناختی در ارزیابی، نسبت به ایجاد اثر درونی مثلی متناظر بین ابعاد اقدام نمود.

جدول ۸. مقیاس‌های زبانشناختی برای TFNs متناظر

مقیاس‌ها	اولویت‌های زبان شناختی	ارقام فازی، مثلی متناظر
۱	بدون تاثیر / مهم	(۰,۰,۱,۰,۳)
۲	تاثیر بسیار اندک / مهم	(۰,۱,۰,۳,۰,۵)
۳	تاثیر اندک / مهم	(۰,۳,۰,۵,۰,۷)
۴	تاثیر زیاد / مهم	(۰,۵,۰,۷,۰,۹)
۵	بسیار تاثیر گذار / مهم	(۰,۷,۰,۹,۱,۰)

برای بسط این تکنیک، فرض می‌شود k پاسخ دهنده وجود دارد و مقیاس زبانشناختی باید به ارقام فازی مثلی تغییر یابد، تا نشان دهند که تا چه اندازه کدام از این ویژگی X بر ویژگی Y در پاسخ k ام تاثیر می‌گذارد. فرایند غیر فازی سازی^۱ مستلزم این است که ارقام فازی مثلی به متغیرهای قطعی (crisp) تبدیل شوند (لین و همکاران^۲، ۲۰۱۱). این مطالعه از حداقل-حداکثر برای نرمال‌سازی ارقام فازی مثلی قبل از دست یافتن به مقادیر کامل شده‌ی استفاده کرد. لذا برای رسیدن به روابط عکس و معلولی معیارهای تعیین شده، می‌بایست ۵ محور مرتبط با پیشروان‌های حسابداری دارای‌های دیجیتال، را در سطر و ستون، جمع و تفریق نمود تا علی بودن یا معلول بودن معیارها مشخص شوند. در این رابطه ابتدا می‌بایست شدت تاثیر محورها بر یکدیگر مشخص شوند. ورودی هر تقاطع در ماتریس روابط مستقیم، نشان‌دهنده شدت نفوذ عنصر موجود از آن ردیف بر عنصر موجود از آن ستون است. بدین ترتیب، صفر در هر تقاطع نشان‌دهنده عدم وجود معادله بین عناصر نظیر از آن تقاطع خواهد بود (ماتریس حاصله از اجماع نظرات خبرگان حاصل شده است).

1. defuzzification

2. Lin et al

جدول ۹. ماتریس شدت روابط مستقیم (M)

پیشران‌های اصلی بروز حسابداری خلاقانه	R	R1	R2	R3	R4	R5	R6	جمع
پیشران‌های سنتی رویه‌های حسابداری	R1	۰/۰۰	۳/۸۹	۳/۰۵	۳/۲۶	۲/۰۳	۱/۴۲	۱۳/۸۵
پیشران‌های دستکاری سود حسابداری	R2	۱/۷۵	۰/۰۰	۳/۷۶	۴/۵۵	۲/۸۴	۲/۳۷	۱۵/۲۷
پیشران‌های حاکمیتی	R3	۱/۹۳	۳/۴۹	۰/۰۰	۲/۶۴	۱/۷۶	۱/۹۵	۱۱/۷۷
پیشران‌های کنترل داخلی	R4	۳/۸۵	۴/۸۹	۱/۷۴	۰/۰۰	۲/۰۸	۳/۱۲	۱۵/۶۸
پیشران‌های فلسفه‌ی حسابداری	R5	۱/۸۱	۲/۱۳	۲/۳۴	۱/۹۴	۰/۰۰	۱/۱۱	۹/۳۳
پیشران‌های مهارت حسابداری	R6	۱/۵۳	۳/۰۷	۲/۱۹	۲/۰۷	۱/۲۶	۰/۰۰	۱۰/۱۲

برای این منظور از می‌بایست طبق رابطه (۱) نسبت به برآورد مجموع شدت تأثیر گذاری روابط اقدام نمود.

$$T = X(I - X)^{-1} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن:

$$i, j = 1, 2, \dots, n. T = [t_{ij}]_{n \times n} \quad \text{رابطه (۲)}$$

براین اساس، شدت تأثیر گذاری ماتریس مجموع محورهای شناسایی شده، عبارتند از:

$$\text{Max} = 20.81 \quad \text{رابطه (۳)}$$

$$a = \frac{1}{20.81} = 0.048 \quad \text{رابطه (۴)}$$

در ادامه، مجموع دنباله‌ی نامحدودی از آثار مستقیم و غیرمستقیم محورهای بر یکدیگر (توام با کلیه‌ی بازخوردهای ممکن) به صورت یک تصاعد هندسی و بر اساس قوانین موجود از گراف‌ها محاسبه می‌شود. محاسبه‌ی این مجموع نیاز به استفاده از ماتریس $(I - M)^{-1}$ دارد. مجموع این تصاعد، ماتریس روابط کلی T است که در آن I ، ماتریس واحد $(n \times n)$ است.

$$T_{t \rightarrow \infty} = M + M^2 + M^3 + \dots + M^t = \frac{M(I - M^t)}{(I - M)}; \lim_{t \rightarrow \infty} M_{t \rightarrow \infty} = 0$$

$$= \frac{M}{(I - M)} = M(I - M)^{-1} \quad \text{رابطه (۵)}$$

$$T = M(I - M)^{-1}$$

ماتریس واحد را از ماتریس M کسر نموده و سپس ماتریس حاصله را معکوس می‌بایست نمود. با استفاده از روابط فوق می‌توان شدت کلیه روابط مستقیم و غیرمستقیم را محاسبه کرد. بدین ترتیب از طریق ماتریس روابط کلی T و جمع سطری و ستونی محورهای شناسایی شده، می‌بایست اقدام به تعیین روابط علی و معلولی هر یک از پیشران‌های اصلی بروز حسابداری خلاقانه نمود که در جدول (۱۰) ارائه شده است.

جدول ۱۰. ماتریس شدت نسبی موجود از روابط مستقیم و غیرمستقیم (ماتریس روابط کلی T)

R	R1	R2	R3	R4	R5	R6	R	R+D	R-D	Result	Rank
R1	۳/۰۵۵	۲/۳۳۶	۲/۲۱۹	۴/۸۱۸	-۲/۱۱۷	۱/۵۱	۱۱/۸۲۱	۲۱/۴۶۴	۲/۱۷۸	علت	۴
R2	-۲/۱۰۳	-۱/۶۶۴	۱/۲۸۸	-۲/۷۶۲	۲/۳۳۵	۳/۰۳	۰/۱۲۴	۴/۴۸۸	۴/۲۴۰	معلول	۳
R3	۲/۱۸۲	۲/۸۸۷	۳/۹۹۲	۲/۱۸۳	-۱/۳۲۱	۳/۳۳	۱۳/۲۵۳	۱۸/۷۷۷	۷/۷۲۹	علت	۲
R4	-۱/۶۱۸	۳/۷۸۷	۲/۰۹۲	۲/۶۵۷	۴/۴۵۳	۲/۲۹	۱۳/۶۶۱	۲۱/۸۷۲	۹/۲۹۷	علت	۱
R5	۴/۸۳۶	-۳/۰۰۹	-۱/۵۵۴	۱/۱۸۷	۱/۸۷۲	-۱/۶۳	۱/۷۰۲	۴/۹۳۰	-۱/۵۲۶	معلول	۵
R6	۳/۲۹۱	۱/۱۸۷	-۳/۶۷۳	۲/۱۲۸	-۱/۹۹۴	۲/۳۲	۳/۲۵۹	۱۴/۱۰۹	-۷/۵۹۱	معلول	۶
D	۹/۶۴۳	۵/۵۲۴	۴/۳۶۴	۸/۲۱۱	۳/۲۲۸	۱/۸۵					

باتوجه به بخش بعدی تحلیل این مطالعه مبنی بر ماتریسی‌سازی سناریوها، لازم است، دو محوری که براساس جدول (۱۰) علت تلقی می‌شوند و نسبت به ماتریسی بودن دو بعدی امتیاز بالاتری قرار گرفته‌اند (رتبه اول و دوم)، به عنوان مبنای تحلیل در مرحله‌ی بعدی انتخاب شوند. لذا همانطور که مشخص شده است، دو محور پیشران‌های حاکمیتی ($R3$) و پیشران‌های کنترل داخلی ($R4$) به منظور سناریوپردازی مورد توجه قرار می‌گیرند. در ادامه و باتوجه به مشخص بودن، مضامین هر یک از دو مولفه‌ی تعیین شده از مرحله کیفی، می‌بایست نسبت به تعیین وضعیت‌های مربوط به شبیه‌سازی اقدام نمود. لذا ابتدا می‌بایست نسبت به تعیین پایایی پیشران‌های فرعی اقدام نمود.

جدول ۱۱. پیشران‌های اصلی و فرعی بروز حسابداری خلاقانه جهت سناریوپردازی

نتیجه	ضریب توافق	میانگین ضریب توافق	میانگین ضریب توافق	میانگین	مضامین پایه (پیشران‌ها)	مضامین سازمان‌دهنده
تأیید	۰/۸۵	۶/۱۰	۰/۷۵	۵/۵۰	معاملات با اشخاص وابسته	
تأیید	۰/۷۵	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	مالکیت مدیریتی	پیشران‌های حاکمیتی (R3)
تأیید	۰/۸۲	۶/۱۰	۰/۸۰	۶	تصدی مدیرعامل	
تأیید	۰/۶۵	۵/۳۰	۰/۵۵	۵/۱۰	اندازه هیئت‌مدیره	
تأیید	۰/۷۰	۵/۴۰	۰/۶۰	۵/۲۰	عدم استقلال حساب‌رسان داخلی	
تأیید	۰/۶۵	۵/۳۰	۰/۵۵	۵/۱۰	عدم تخصصی بودن کمیته حسابرسی	پیشران‌های کنترل داخلی (R4)
تأیید	۰/۸۵	۶/۱۰	۰/۷۵	۵/۵۰	فقدان شاخص‌های ارزیابی کنترل داخلی	
تأیید	۰/۷۰	۵/۴۰	۰/۶۰	۵/۲۰	فقدان سیستم اطلاعات یکپارچه	

در ادامه و پس از شناسایی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه می‌بایست وضعیت‌های هر یک از عوامل ارزیابی توسط خبرگان بازتعریف شوند تا وضعیت‌های احتمالی براساس هر ماتریس در چشم اندازه‌های آینده بازار سرمایه ترسیم شوند.

جدول ۱۲. وضعیت‌های محتمل عدل کلیدی بروز حسابداری خلاقانه

نام وضعیت	وضعیت	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
تمرکز بر سطح بالای معاملات با اشخاص وابسته	R_{11}^3	معاملات با اشخاص وابسته « R_1^3 »	(R3) پیشران‌های حاکمیتی
اقتضائی عمل نمودن معاملات با اشخاص وابسته	R_{12}^3		
عدم تمرکز صرف مبنی بر معاملات با اشخاص وابسته	R_{13}^3		
ارتقاء سطح اختصاص سهام به مدیریت به عنوان مبنای مالکیت مدیریتی	R_{21}^3	مالکیت مدیریتی « R_2^3 »	
حفظ نسبت مشخص و ثابت در تخصیص سهام به مدیریتی	R_{22}^3		
کاهش سهام مدیران مبنی بر جلوگیری از بروز حسابداری خلاقانه	R_{23}^3		
افزایش دوره تصدی مدیرعامل	R_{31}^3	تصدی مدیرعامل « R_3^3 »	
اقتضائی عمل نمودن افزایش دوره تصدی مدیرعامل براساس راهبردهای تجاری	R_{32}^3		

نام وضعیت	وضعیت	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
مشخص نمودن بازه زمانی کوتاه مدت در تصدی مدیرعامل	R_{33}^3		
کاهش اندازه هیئت مدیره مبنی بر حفظ منافع شرکت نسبت به ذینفعان	R_{41}^3		
تغییر تناوبی اندازه هیئت مدیره جهت نظارت بر عملکرد مدیران	R_{42}^3	اندازه هیئت‌مدیره « R_4^3 »	
افزایش اندازه هیئت مدیره به منظور پویایی سطح نظارت بر عملکرد مدیران	R_{43}^3		
افزایش کنترل استقلال حسابرسان داخلی	R_{11}^4		
حفظ توازن و ثبات در استقلال هیئت مدیره	R_{12}^4	عدم استقلال حسابرسان داخلی « R_1^4 »	
افزایش سطح استقلال حسابرسان داخلی مبنی بر نظارت بر عملکردهای مالی	R_{13}^4		
کاهش سطح تخصص اعضای کمیته حسابرسی	R_{21}^4		
حفظ توازن و ثبات در انتصاب متخصصان در کمیته حسابرسی	R_{22}^4	عدم تخصصی بودن کمیته حسابرسی « R_2^4 »	
افزایش شمار انتصاب متخصصان در کمیته حسابرسی	R_{23}^4		
عدم تعیین شاخص‌هایی برای ارزیابی سطح اثربخشی کنترل داخلی	R_{31}^4	فقدان شاخص‌های ارزیابی کنترل داخلی « R_3^4 »	
تعیین اقتضائی شاخص‌های ارزیابی کنترل داخلی	R_{32}^4		
ارتقاء معیارها و شاخص‌های ارزیابی کنترل داخلی	R_{33}^4		
تمرکز بر اعمال محدودیت بر سیستم‌های اطلاعات مالی یکپارچه	R_{41}^4		
حفظ وضعیت موجود در سیستم اطلاعات مالی یکپارچه	R_{42}^4	فقدان سیستم اطلاعات یکپارچه « R_4^4 »	
افزایش سطح اثربخشی کارکردهای سیستم اطلاعات مالی یکپارچه	R_{43}^4		

پیشران‌های کنترل داخلی (R4)

همانطور که مشخص شده است، براساس ۸ پیشران (فرعی) کلیدی بروز حسابداری خلاقانه، ۲۴ وضعیت در ترسیم سناریوهای مرتبط با این پدیده در بستر شرکت‌های بازار سرمایه می‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین از متخصصان خواسته شد جهت مشخص نمودن هر یک از وضعیت‌ها

براساس سه ویژگی «تقویت‌کننده»؛ «بی‌تأثیر» و «محدودیت‌ساز» با یکی از اعداد ۳ تا ۳- پرسشنامه ماتریسی ۲۴*۲۴ را تکمیل نمایند تا براساس نرم‌افزار سناریو ویزارد^۱ (CIB)، نسبت به تعیین سناریوهای محتمل اقدام لازم صورت گیرد. در واقع این نرم‌افزار براساس ارائه‌ی سطح بهینه سناریوهای محتمل، نسبت به تدوین چشم‌اندازهای آتی در خصوص پدیده مورد بررسی اقدام می‌کند (می‌هتا و همکاران^۲، ۲۰۲۲). لذا با کمک این تکنیک تحلیلی در سناریو نگاری که مبتنی بر محاسبات پیچیده‌ای روابط ماتریسی بین پیشران‌ها شناسایی شده می‌باشد، امکان استخراج طیفی از سناریوهایی با احتمال قوی؛ سناریوهایی با احتمال ممکن و سناریوهایی با احتمال سازگاری بالا را ممکن می‌سازد. لذا براساس شاخص «مد» بالاترین امتیاز هر یک از مشارکت‌کنندگان در بخش کمی به عنوان مبنا در ارزیابی پیشران‌های کلیدی مؤثر در بروز حسابداری خلاقانه تلقی گردید تا براساس آن مجموعه‌ی داده‌های جمع‌آوری شده، به نرم‌افزار وارد شوند. باتوجه به توضیح‌های داده شده و براساس ایجاد ماتریس ۲۴*۲۴ در بستر نرم‌افزار ویزارد $([24 \times 4]^2)$ ، مجموعاً ۹۲۱۶ سناریوی ترکیبی ایجاد گردید. لذا باتوجه به مجموع امتیازهای مربوط به ماتریس متقابل، ۴ سناریوی مورد بررسی در ارزیابی پیشران‌های کلیدی مؤثر در بروز حسابداری خلاقانه، تعیین گردیدند که براساس سه وضعیت مطلوب (محرک)، ایستا (ثابت) و بحرانی (عدم محرک) مورد بررسی قرار می‌گیرند که می‌توان نتایج خروجی زیر را براساس تحلیل در جدول (۱۳) ارائه داد.

جدول ۱۳. وضعیت پیشران‌های کلیدی مؤثر در بروز حسابداری خلاقانه

وضعیت	سناریوی اول	سناریوی دوم	سناریوی سوم	سناریوی چهارم
معاملات با اشخاص وابسته « R_1^3 »	R_{11}^3	وضعیت محرک		وضعیت محرک
	R_{12}^3		وضعیت محرک	
	R_{13}^3	وضعیت عدم محرک		
مالکیت مدیریتی « R_2^3 »	R_{21}^3		وضعیت محرک	وضعیت محرک
	R_{22}^3			وضعیت ایستا
	R_{23}^3	وضعیت عدم محرک		
تصدی مدیرعامل « R_3^3 »	R_{31}^3		وضعیت محرک	وضعیت محرک
	R_{32}^3			وضعیت محرک
	R_{33}^3	وضعیت عدم محرک		

1. Cross-Impact Balance Analysis
2. Mehta et al

وضعیت	سناریوی اول	سناریوی دوم	سناریوی سوم	سناریوی چهارم
اندازه هیئت‌مدیره «R ₄ ³ »	R ₄₁ ³	وضعیت محرک		وضعیت محرک
	R ₄₂ ³		وضعیت محرک	
	R ₄₃ ³	وضعیت عدم محرک		
عدم استقلال حساب‌رسان داخلی «R ₁ ⁴ »	R ₁₁ ⁴	وضعیت محرک		وضعیت محرک
	R ₁₂ ⁴		وضعیت ایستا	
	R ₁₃ ⁴	وضعیت عدم محرک		
عدم تخصصی بودن کمیته حسابرسی «R ₂ ⁴ »	R ₂₁ ⁴	وضعیت محرک		وضعیت محرک
	R ₂₂ ⁴		وضعیت ایستا	
	R ₂₃ ⁴	وضعیت عدم محرک		
فقدان شاخص‌های ارزیابی کنترل داخلی «R ₃ ⁴ »	R ₃₁ ⁴	وضعیت محرک		وضعیت محرک
	R ₃₂ ⁴		وضعیت محرک	
	R ₃₃ ⁴	وضعیت عدم محرک		
فقدان سیستم اطلاعات یکپارچه «R ₄ ⁴ »	R ₄₁ ⁴	وضعیت محرک		وضعیت محرک
	R ₄₂ ⁴		وضعیت ایستا	
	R ₄₃ ⁴	وضعیت عدم محرک		

همانطور که در جدول (۱۳) مشخص شده است، سناریوی دوم؛ سوم و چهارم سناریوهای قوی (محرک و ایستا) شناسایی شده محسوب می‌شوند و سناریوی اول سناریو باسازگاری بالا (عدم محرک) مبنی بر تقویت پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه قلمداد می‌شوند. به عبارت دیگر، سناریوی دوم و چهارم و برخی از اجزاء سناریو ایستا جزء سناریو با وضعیت محرک دارای تقویت متداوم در بروز پدیده مورد بررسی قلمداد می‌شوند و سناریوی اول در دسته سناریوهای با وضعیت عدم محرک بودن بروز پدیده مورد بررسی به حساب می‌آیند. همانطور که از وضعیت ارزیابی مربوط به سناریوها مشخص شده است، از مجموع ۳۲ وضعیت حاکم بر صفحه سناریوهای ایجاد شده در تکنیک تحلیلی سناریو ویزارد (CIB)، مشخص گردید، ۲۰ سناریو در وضعیت تحریک پیشران‌ها؛ ۴ سناریو در وضعیت ایستا پیشران‌ها و ۸ سناریو در وضعیت عدم تحریک پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه قرار دارند. لذا جهت تدوین سناریوهای آتی علل کلیدی بروز حسابداری خلاقانه می‌بایست بر وضعیت‌های محرک پیشران‌ها تمرکز نمود و نسبت به تشکیل یک ماتریس براساس دو محور پیشران‌های حاکمیتی (R3) و پیشران‌های کنترل داخلی (R4) به عنوان مبانی ارزیابی سناریوی در چشم

اندازه‌های آتی بازار سرمایه، اقدام نمود. لذا وضعیت تحریک پیشران‌ها که مجموعاً ۶۲/۵٪ درصد توزیع فراوانی سناریوها را شامل می‌شوند، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. لازم به ذکر است باتوجه به اینکه پیشران‌های سناریوی دوم و چهارم تکرار هم می‌باشند، مجموعاً ۱۲ پیشران برای سناریوسازی نهایی در بستر ماتریسی، مورد توجه قرار می‌گیرند. براین اساس باتوجه به دو محور پیشران‌های حاکمیتی (R3) و پیشران‌های کنترل داخلی (R4) به عنوان مبانی ارزیابی تدوین سناریوهای پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه، ۴ ربع ماتریسی می‌بایست مشخص نمود که می‌تواند چه تأثیری بر آینده‌ی مشروعیت گزارشگری مالی داشته باشند. برای این منظور می‌بایست از ابعاد مشروعیت شرکتی پیتروف^۱ (۲۰۲۱) که تعاریف آن در جدول (۱۴) ارائه شده است، استفاده گردد.

جدول ۱۴. ابعاد مشروعیت گزارشگری مالی

ابعاد مشروعیت	تشریح هر بعد
مشروعیت نهادی گزارشگری مالی	این مشروعیت، اشاره به ماهیت رعایت رویه‌ها و الزامات استاندارد گزارشگری مالی اشاره دارد که توسط نهادهای نظارتی می‌تواند هویت یابد.
مشروعیت اخلاقی گزارشگری مالی	این مشروعیت، اشاره به رعایت و پایبندی به هنجاری مثبت ذینفعان دارد که می‌تواند به فراگیر تعهد شرکت به ذینفعان از طریق پاسخگویی تعریف شود و به اخلاق تجاری و مسئولانه‌ی شرکت‌ها هویت منسجم دهد.
مشروعیت اجتماعی گزارشگری مالی	این مشروعیت، اشاره به رعایت جنبه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از نظر برآورده ساختن سطح انتظارات بیرونی از نظر تمرکز بر جنبه‌های اختیاری افشاء اطلاعات مثل محیط زیست، منابع انسانی و بازده اقتصادی دارد که به ارتقاء هویت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری بیشتر شرکت‌ها منجر می‌گردد.
مشروعیت پایداری گزارشگری مالی	این مشروعیت اشاره به سطح پایبندی شرکت‌ها در ایجاد ارزش‌های پایداری در برابر ذینفعان دارد که از طریق افزایش دامنه افشاء فراگیر اطلاعات مربوط به پایداری شرکتی در گزارش‌های مالی می‌تواند هویت معناداری کسب نماید.

در ادامه و باهدف ترکیب اثرگذاری پیشران‌های کلیدی مؤثر بروز حسابداری خلاقانه بر آینده‌ی مشروعیت گزارشگری مالی، براساس تدوین یک مقیاس ۱۰ امتیازی (۰ تا ۱۰) از مشارکت کنندگان خواسته شد تا باتوجه به پیشران‌های قرار گرفته در وضعیت محرک، امتیاز لازم داده شود، تا به کمک تحلیل سیمپلکس تجدیدنظر شده، ماتریس دو محور و ۴ ربع ایجاد

1. Pittroff

نمود و نسبت به ارزیابی تأثیر پیشنهادی کلیدی مؤثر بر بروز حسابداری اخلاقانه بر آیندهی مشروعیت گزارشگری مالی اقدام لازم انجام شود. براین طبق جدول (۱۵) می‌بایست از طریق ۴ سناریو ماتریس توابع ریاضی تعریف شده در این مطالعه، هدف بیان شده را مورد ارزیابی قرار داد.

جدول ۱۵. ماتریس تعیین اثرگذارترین تابع ماتریسی در مشروعیت گزارشگری مالی

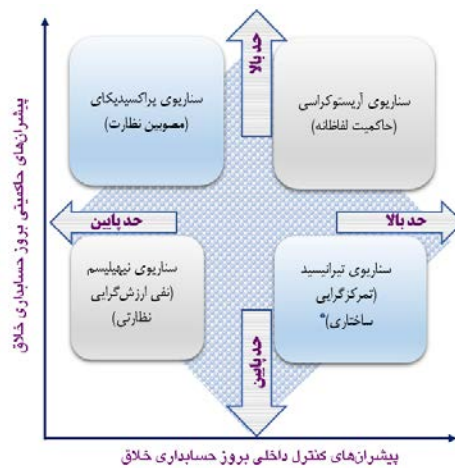
اولویت‌بندی	امید ریاضی مشروعیت‌ها	سناریو ربع اول	سناریو ربع دوم	سناریو ربع سوم	سناریو ربع چهارم
3th	۳/۰۲۵	۲/۳۶	۳/۹۴	۳/۱۲	۲/۶۸
1st	۳/۱۸۲	۲/۶۷	۴/۰۲	۳/۲۹	۲/۷۵
4rd	۲/۸۴۲	۳/۰۵	۳/۴۴	۲/۳۵	۱/۹۳
2nd	۳/۱۲۰	۲/۱۸	۳/۸۸	۲/۴۵	۳/۱۷
جمع میانگین (۴۸/۶۸)	۲/۷۴۰	۳/۸۲۰	۲/۸۲۷	۲/۷۸۲	امید ریاضی سناریوها (پیشنران‌ها)
اولویت‌بندی سناریو	4rd	1st	2nd	3th	

امید ریاضی براساس نظریه احتمالات، حالات متغیر تصادفی را براساس مقدار میانگین تعداد دفعات مشاهده شده یک وضعیت مورد محاسبه قرار می‌دهد. لذا از مجموع امتیازهای داده شده مشارکت کنندگان به ماتریس مشروعیت‌ها و سناریوها (پیشنران‌ها)، نسبت به محاسبه‌ی امید ریاضی اقدام شده است. برای انجام آن از رابطه زیر بهره برده شد.

$$\mathbb{E}[X] = \left[\left(\frac{1}{4} \times 1 \right) + \left(\frac{1}{4} \times 2 \right) + \left(\frac{1}{4} \times 3 \right) + \left(\frac{1}{4} \times 4 \right) \right] = 2/5$$

همانطور که مشاهده می‌شود، تکرار هر سناریو در چهار حالت ممکن از پیامدهای ایجاد شده، از طریق تکرار میانگین‌ها مورد بررسی قرار گرفت که میانگین امید ریاضی تعیین شده ۲/۵ می‌باشد. لذا براساس امتیازهای تعیین شده، مشخص گردید، مهمترین سناریوی مرتبط با پیشنهادی کلیدی بروز حسابداری اخلاقانه که می‌تواند مشروعیت اخلاقی گزارشگری مالی را

تحت تأثیر قرار دهد، سناریوی ربع دوم یعنی ضعف تمرکزگرایی ساختاری در اثربخشی کنترل داخلی می‌باشد. لذا در ادامه باهدف قراردادادن هریک از پیشران کلیدی مؤثر بر بروز حسابداری خلاقانه در ماتریس‌های سناریوپردازی شده شکل (۷) ارائه می‌شود. در واقع این ماتریس با چهار ربع براساس معیارهای وضعیت محرک، در دو محور پیشران‌های حاکمیتی (محور عمودی) و پیشران‌های کنترل داخلی (محور افقی) به دنبال ارائه سناریوهای وضعیت بروز حسابداری خلاقانه می‌باشد.



شکل ۷. سناریوی ماتریسی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه

در ادامه و پس از محاسبه توابع ماتریسی، نسبت به قرار دادن هریک از پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه که وضعیت محرک قرار داشتند از طریق تکنیک تحلیلی سناریو ویزارد (CIB) طبق جدول (۱۶) اقدام می‌شود.

جدول ۱۶. تفکیک سناریوهای مرتبط با پیشران‌های محرک بروز حسابداری خلاقانه

عنوان سناریو	عبارت توضیحی	عوامل ارزیابی
سناریوی اول	آریستوکراسی	تمرکز بر سطح بالای معاملات با اشخاص وابسته عدم تعیین شاخص‌هایی برای ارزیابی سطح اثربخشی کنترل داخلی تمرکز بر اعمال محدودیت بر سیستم‌های اطلاعات مالی یکپارچه
سناریوی دوم	پراکسیدیکای	ارتقاء سطح اختصاص سهام به مدیریت به عنوان منبای مالکیت مدیریتی افزایش دوره تصدی مدیرعامل کاهش اندازه هیئت مدیره منبای بر حفظ منافع شرکت نسبت به ذینفعان

عنوان سناریو	عبارت توضیحی	عوامل ارزیابی
سناریوی سوم	تیرانسید	افزایش کنترل استقلال حسابرسان داخلی کاهش سطح تخصص اعضای کمیته حسابرسی تعیین اقتضائی شاخص‌های ارزیابی کنترل داخلی
سناریوی چهارم	نیهیلیسم	اقتضائی عمل نمودن افزایش دوره تصدی مدیر عامل براساس راهبردهای تجاری اقتضائی عمل نمودن معاملات با اشخاص وابسته تغییر تناوبی اندازه هیئت مدیره جهت نظارت بر عملکرد مدیران

نکته‌ای که در تکنیک سناریوپردازی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، این است که برای تشریح هر وضعیت سناریویی در آینده، لازم است تا از عبارات یا اصطلاحاتی استفاده کنیم که بتواند به از طریق تکنیک استعاره‌ای مفهومی، به ایجاد شناخت وضعیت حاکم بر هر سناریو کمک نماید. لذا براساس ماتریس‌های ایجاد شده در ادامه نسبت به تشریح هریک از این ماتریس‌ها اقدام می‌شود.

- سناریوی آریستوکراسی (حاکمیت لفاظانه)

براساس دو محور پیشران‌های حاکمیتی (محور عمودی) و پیشران‌های کنترل داخلی (محور افقی) محتمل‌ترین سناریویی مبتنی بر علل کلیدی بروز حسابداری خلاقانه، سناریوی آریستوکراسی (حاکمیت لفاظانه) در ربع چهارم ماتریس ایجاد شده در شکل (۱) قرار می‌گیرد که نشان دهنده‌ی ضعف حاکمیتی و کنترل‌گرایی داخلی می‌باشد که می‌تواند به مبنایی تحریک‌کننده برای به وجود آمدن حسابداری خلاقانه قلمداد گردد. در این سناریو، شرکت‌ها به دلیل تمرکز بر معاملات با اشخاص وابسته و فقدان سطح اثربخشی لازم در کنترل داخلی، معمولاً محدودیت‌هایی را بر سیستم‌های اطلاعات مالی ایجاد می‌کنند تا از طریق تحریف اطلاعات مالی بتوانند به مقاصد خود دست‌یابند.

- سناریوی پراکسیدیکای (مصوبین نظارت)

براساس بالابودن اهمیت پیشران‌های حاکمیتی (محور عمودی) نسبت به اهمیت پیشران‌های کنترل داخلی (محور افقی) محتمل‌ترین سناریویی مبتنی بر علل کلیدی بروز حسابداری خلاقانه،

سناریوی پراکسیدیکای (مصوبین نظارت) در ربع سوم ماتریس ایجاد شده در شکل (۱)، می‌باشد که به ضعف حاکمیت شرکتی از منظر تحریک‌آمیز بودن پیشران‌های مصوبین نظارت برای به وجود آمدن حسابداری خلاقانه اشاره دارد. در این سناریو، شرکت‌ها با اختصاص سهام بیشتر به مدیران، سطح مالکیت مدیریتی را افزایش می‌دهند تا با وجود دوره‌ی تصدی بالاتر فرد بر مصند مدیرعاملی شرکت به واسطه‌ی عدم نظارت‌های حاکمیتی به دلیل اندازه پایین هیئت‌مدیره، احتمال تحریف‌های مالی افزایش یابد. به عبارت دیگر، نهادینه شدن قدرت و ارتقاء رویکردهای تملک‌گرایانه‌ی مدیریتی، احتمالاً به ایجاد حساب‌های ساختگی بیشتر منجر خواهد شد و کارکردهای حسابداری صرفاً به دنبال اولویت‌های منفعت‌طلبانه حاکمیتی می‌باشد.

- سناریوی تیرانسیسید (تمرکزگرایی ساختاری)

در ربع دوم ماتریس که از تقاطع پایین محور عمودی (پیشران‌های حاکمیتی) و بالا محور افقی (پیشران‌های کنترل داخلی) ایجاد می‌شود، می‌توان پیشران‌های کلیدی مؤثر بر بروز حسابداری خلاقانه را، با عنوان سناریوی تیرانسیسید (تمرکزگرایی ساختاری) معرفی نمود. در واقع این سناریو، اشاره به نوعی تمرکز در چیدمان کنترل داخلی شرکت برای محافظت از اولویت‌های منفعت‌طلبانه‌ی صاحبان قدرت در شرکت‌ها دارد که به واسطه‌ی کاهش سطح استقلال حساب‌برسان داخلی (کنترل استقلال حساب‌برسان داخلی) و کاهش سطح تخصص‌گرایی اعضای کمیته حساب‌رسی از طریق انتصاب فرمایشی در این واحد، به دنبال کاهش اثربخشی کنترل داخلی می‌باشند. در این نوع از تمرکزگرایی ساختاری، شاخص‌هایی اقناع‌کننده برای ارزیابی کنترل داخلی تعریف می‌شود که می‌تواند پوششی برای تحریف‌های مالی یا ایجاد حساب‌های ساختگی قلمداد گردد.

- سناریوی نیهیلیسم (نفی ارزش‌گرایی نظارتی)

در این ماتریس که از تقاطع پایین هر دو محور عمودی (پیشران‌های حاکمیتی) و محور افقی (پیشران‌های کنترل داخلی) سناریویی با عنوان نیهیلیسم به معنای استعاره‌ای نفی ارزش‌گرایی نظارتی ایجاد می‌شود، که مضامین آن رویکردهای اقتضائی حاکمیتی در دوره تصدی براساس راهبردهای تجاری؛ معاملات گزینشی با اشخاص وابسته و تغییر تناوبی اندازه هیئت‌مدیره جهت

نظارت بر عملکرد مدیران می‌باشد. در این سناریو، ارزش‌های حاکمیتی نفی می‌شوند، چراکه صرفاً عملکردهای مالی با تصمیم‌های مدیریتی است که به اطلاع ذینفعان می‌رسد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه ارزیابی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در آینده‌ی مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بود. این مطالعه که با پشتوانه زمینه‌یابی مفهومی از طریق تحلیل تماتیک، نسبت به شناسایی پیشران‌های مضمونی کلیدی بروز حسابداری خلاقانه اقدام نمود، با انجام ۱۲ مصاحبه با خبرگان، چارچوبی براساس ۳ مضمون فراگیر؛ ۶ مضمون سازمان دهنده و ۲۶ مضمون پایه مفهومی ایجاد نمود که مبنای تعمیم به فرآیندهای تحلیل کمی مطالعه جهت پیاده‌سازی سوال‌های پژوهش قلمداد می‌شد. بدین منظور با انجام فرآیند تحلیل دلفی فازی محورهای اصلی پیشران در بروز حسابداری خلاقانه به لحاظ پایایی مورد تأیید قرار گرفتند. در بخش کمی که مطالعه به دنبال پاسخ به دو سوال بعدی مبنی بر تعیین سناریوهای مرتبط با کارکردهای حسابداری خلاقانه‌ی شرکت‌ها و تعیین محتمل‌ترین سناریوی مؤثر بر مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بود، تلاش شد تا با طی فرآیندهای تحلیلی ماتریس‌های ارزیابی و سناریویزارد، به آن‌ها پاسخ داده شود. نتایج مطالعه مبنی بر پاسخ به سوال دوم پژوهش نشان داد، این مطالعه براساس دو محور پیشران‌های حاکمیتی و پیشران‌های کنترل داخلی که از طریق فرآیند دیمتل فازی، تعیین شدند، به عنوان مبنای انجام سناریو انتخاب شدند. سپس براساس ایجاد یک ماتریس متقابل ۲۴*۲۴، مضامین پایه به عنوان پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه، مورد کنکاش قرار گرفتند تا براساس آن مشخص شود، هریک از پیشران‌ها در کدام وضعیت از نظر تقویت تحریک بروز حسابداری خلاقانه؛ ایستا بودن اثرگذاری بر پیشران بروز حسابداری خلاقانه و بی‌محرك بودن بروز حسابداری خلاقانه قرار می‌گیرند. نتایج از وجود ۱۲ پیشران کلیدی به عنوان محرک مؤثر بر بروز حسابداری خلاقانه حکایت داشت که مبنای تعیین سناریوهای ماتریسی قلمداد می‌شد. لذا باتوجه به ترکیب محورهای عمودی و افقی، ماتریس نهایی ارزیابی کارکردهای حسابداری خلاقانه در قالب شکل (۸) ارائه شد.



شکل ۸. ماتریس ارزیابی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه

هر ۴ ماتریس پیشران‌های کلیدی مؤثر در بروز حسابداری خلاقانه از طریق به کارگیری یک عبارت استعاره‌ای، توصیف شدند که در واقع نشان دهنده‌ی ماهیت مجموع مضامین قرار گرفته در آن سناریو بود. از طرف دیگر در راستای سوال سوم پژوهش، براساس ماتریس توابع ریاضی مشخص گردید، مهمترین سناریوی مرتبط با پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه که می‌تواند مشروعیت اخلاقی گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد، سناریوی ربع دوم ماتریس تیرانیسید، یعنی ضعف تمرکزگرایی ساختاری در اثربخشی کنترل داخلی می‌باشد. در راستای این نتیجه می‌بایست بیان نمود، سطح کنترل داخلی اولین جبهه‌ای از مواجهه با عملکردهای مالی شرکت‌ها است که می‌تواند با فیلتر نمودن هرگونه انحراف از واقعیت‌های عملکردی و رویه‌های گزارشگری مالی، امکان توسعه هنجاری پایبندی به رعایت حقوق ذینفعان را تقویت نماید. اما با اعمال نفوذ مدیران بر حسابرسان داخلی از طریق نفوذ و روابط دستوری، استقلال این واحد کاهش می‌یابد و این واحد مهم از فرآیندهای کنترل داخلی، اثربخشی خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر عدم انتصاب افراد متخصص در کمیته‌های حسابرسی و یا اخراج متخصصان کمیته‌های حسابرسی در کنار تعیین معیارهای خود خواسته ارزیابی کنترل داخلی، از جمله مضامین دیگری است که می‌تواند جنبه‌های مختلف مشروعیت گزارشگری مالی به ویژه از منظر اخلاق‌گرایی حرفه‌ای و پایبندی به ارزش‌های حقوقی ذینفعان را در آینده تحت تأثیر قرار دهد.

ماحصل بروز چنین فرآیندهایی در کاهش مشروعیت گزارشگری مالی از منظر اخلاق‌گرایی، عدم ارتقاء اعتماد ذینفعان و سرمایه‌گذاران به کارکردهای گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌باشد. مسئله‌ای که بازار سرمایه ایران طی سه سال گذشته به دلیل دستکاری و ساختگی‌سازی حساب‌ها در بازار سرمایه، با ریزش شدید قیمت سهام و واکنش‌های منفی سرمایه‌گذاران مواجه بوده است. لذا آینده مشروعیت گزارشگری مالی در محتمل‌ترین حالت، تابعی از کارکردهای اثربخش کنترل داخلی است که می‌تواند به افشاء اطلاعات هویت منسجم تری عطاء نماید. مسئله‌ای که بازار سرمایه ایران را به دلیل اعمال نفوذ نهادی و مدیریتی، دچار ساختگی‌سازی حساب‌ها یا حسابداری اخلاقانه نموده است که حتی پس از گذشت ناهنجاری‌های ناشی از تنش بی‌اعتمادی به بازار از جانب سهامداران و سرمایه‌گذاران، کماکان این پدیده به انحاء مختلف وجود دارد که نوعی انحراف از مشروعیت‌گرایی اخلاقی در گزارشگری مالی تلقی می‌شود. در رابطه با تطبیق این نتیجه می‌بایست بیان نمود، به لحاظ شیوه‌های تحلیلی، پژوهش‌مناهی با فرآیندهای تحلیلی این مطالعه در گذشته انجام نشده است و از این نظر امکان تطبیق وجود ندارد. اما به لحاظ محتوایی می‌توان نتایج این مطالعه را با پژوهش‌های مارتینز و بای (۲۰۲۳)؛ پرکیس و همکاران (۲۰۲۱) و آلوجودی و ارین (۲۰۲۱) مورد مقایسه قرار داد.

باتوجه به نتیجه کسب‌شده مبنی بر اهمیت تقویت مکانیزم‌های راهبری شرکتی، ضرورت بازننگری در دستورالعمل حاکمیتی شرکت‌ها که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار در گذشته تدوین شده است، مهم بنظر می‌رسد که می‌بایست توسط کمیته‌های تخصصی بازار سرمایه مورد بررسی قرار گیرد و از طریق تشکیل کارگروه‌های تخصصی با مشارکت فعالان بازار سرمایه در یک بازه زمانی مشخص، بررسی جامع و بازننگری دستورالعمل راهبری شرکتی با هدف افزایش مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها صورت پذیرد. از طرف دیگر، باتوجه به اینکه رکن اساسی شفافیت‌های مالی شرکت‌ها کنترل داخلی است، مکانیزم‌های مدیریتی شرکت‌ها می‌بایست به واسطه نظارت‌های حاکمیت شرکتی، به سمت حفظ اثربخشی کنترل داخلی حرکت نمایند و مانع از سیطره‌ی گسترده‌ی مدیران بر این واحد مؤثر بر شفافیت گزارشگری مالی شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود، از طریق تشکیل کارگروه فنی در کمیته‌های تخصصی سازمان بورس و اوراق بهادار، دستورالعمل‌هایی مبنی بر ایجاد رویه یکسان در زمینه‌های افشاء مالی شرکت‌ها تدوین نمایند تا به عنوان منشور ارزیابی عملکرد بتواند مانع از ساختگی‌سازی حساب‌های توسط شرکت‌ها گردند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- چهارده چریکی، معصومه، بولو، قاسم، رئیسی و انانی، ایمان، باباجانی، جعفر، تقوی فرد، محمد تقی. (۱۴۰۱). شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های حسابداری خلافتانه با استفاده از تکنیک فرآیند تحلیل شبکه‌ای، حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۲(۱): ۲۱-۴۰
- مصطفایی، پرستو، حسینی، سیدعلی. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای کیفی گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با تأکید بر ذینفعان اجتماعی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱(۳): ۷۹-۱۱۲
- برزیده، فرخ، بولو، قاسم، نخبه فلاح، زهرا. (۱۴۰۲). الگوی بهبود افشاء در گزارشگری مالی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۳(۱): ۱-۲۶

References

- Ajuzie, E, N; Eyisi, S, A; Iormbagah, J, A. (2022). Impact of Creative Accounting Techniques on Firms Financial Performance Reporting in Nigeria, *International Journal of Management Studies and Social Science Research*, 2(3): 109-132.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research, *Qualitative Research*, 1(3): 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Awis, M.L; Abdullah, H.S.V; Lokman, N. and Said, R. (2018). Striving for Corporate Legitimacy through Corporate Social Responsibility (CSR): Insights from NGO's Perspectives, Stakeholders, Governance and Responsibility (Developments in Corporate Governance and Responsibility, Vol. 14), Emerald Publishing Limited, Bingley, 115-139. <https://doi.org/10.1108/S2043-052320180000014006>
- Bird, F. (2020). A defense of objectivity in the social sciences, rightly understood, *Sustainability: Science, Practice and Policy*, 16(1): 83-98. <https://doi.org/10.1080/15487733.2020.1785679>
- Blessing, I.N. (2015). Empirical analysis on the use of forensic accounting techniques in curbing creative accounting, *International Journal of Economics, Commerce & Management*, 3(1): 1-30.
- Bora, J; Saha, A. (2016). Creative accounting in financial reporting and its ethical perspective. *International Journal Applied Research*, 2(3):735-737.
- Braun, V, Clarke, V (2006). Using thematic analysis in psychology, *Journals, Qualitative Research in Psychology*, 3(2): 77-101
- Barzideh, F; Bolou, Gh; Nokhbeh Fallah, Z;(2023) The Pattern of Improving Disclosure in Financial Reporting. *Accounting empirical research*, 13(1):1-26. (In Persian)
- Chardah cheriki, M; Bolou,Gh;(2022). Identifying and ranking creative accounting indicators using the technique of network analysis process, accounting and social benefits, 12(1):21-40(In Persian).
- De Villiers, C; Hsiao, P.-C.K; Zambon, S. and Magnaghi, E. (2022). Sustainability, Non-Financial, Integrated, and Value Reporting (Extended External Reporting): A conceptual framework and an agenda for future

- research, *Meditari Accountancy Research*, <https://doi.org/10.1108/MEDAR-04-2022-1640>
- Debbarma, J; & Roy, Ch. (2023). Effects of Corporate Governance on Creative Accounting Practices: Evidence from NSE-listed Companies in India, *Indian Journal of Corporate Governance*, 16 (1): 52-78. <https://doi.org/10.1177/09746862231170422>
- DiMaggio, P.J. and Powell, W.W. (1983). The iron cage revisited: Institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields”, *American Sociological Review*, 48(2): 147 -160.
- Göcke, L; Hülsebusch, K; Menter, M. (2021). The legitimacy of corporate entrepreneurship: a structured literature review, *Management Review Quarterly*, 72(3): 385-416. <https://doi.org/10.1007/s11301-021-00246-5>
- Hasan Ali Hamada, Marwa; Esam Al-Sammarræe, Ammar; and Alshareeda, Nadya (2021). The Impact of Creative Accounting Methods and the Reliability of Financial Statements: An Analytical Study of a Sample of Employees Working in Auditing Firms and Joint Stock Companies on the Bahrain Stock Exchange, *Information Sciences Letters*, 10(4): 32-55. <https://digitalcommons.aaru.edu.jo/isl/vol10/iss4/10>
- Hung, K; Tse, D.K. and Chan, T.H. (2023). Gaining legitimacy and host market acceptance: a CRM analysis for foreign subsidiaries in China, *International Marketing Review*, 40(1): 80-101. <https://doi.org/10.1108/IMR-07-2021-0212>
- Jameson, M. (1988). A practical guide to creative accounting, London, Kogan Page.
- Lin, K, P; Wen, W; Chou, Ch; Jen, Ch, H; Hung, K, Ch. (2011). Applying fuzzy GERT with approximate fuzzy arithmetic based on the weakest t-norm operations to evaluate repairable reliability, *Applied Mathematical Modelling*, 35(11): 5314-5325 <https://doi.org/10.1016/j.apm.2011.04.022>
- Lock, I. and Schulz-Knappe, C. (2019). Credible corporate social responsibility (CSR) communication predicts legitimacy: Evidence from an experimental study, *Corporate Communications: An International Journal*, 24(1): 2-20. <https://doi.org/10.1108/CCIJ-07-2018-0071>
- Luthra, S; Garg, D; Haleem, A. (2014). Green supply chain management. Implementation and performance - A literature review and some issues, *Journal of Advances in Management Research*, 11(01):20-46. <https://doi.org/10.1108/JAMR-07-2012-0027>
- Martens, W. and Bui, C.N.M. (2023). An Exploration of Legitimacy Theory in Accounting Literature. *Open Access Library Journal*, 10(2): 1-20. <https://doi.org/10.4236/oalib.1109713>
- Marzban, E; Firoozpour, A. & Marzban, M. (2022). Electricity as a common good/resource: a scenario based approach, *International Journal of Energy Sector Management*, <https://doi.org/10.1108/IJESM-08-2021-0020>
- Mehta, N.K; Bhattacharyya, S.S. and Pandey, N. (2022). Empirical investigation regarding ethical decision making: a stakeholder cross-impact analysis (SCIA), *International Journal of Ethics and Systems*, 38(3): 444-464. <https://doi.org/10.1108/IJOES-07-2021-0149>
- Mekaoui, S; Brahem, E. and Moalla, H. (2022). The impact of the Tunisian Revolution and internal governance mechanisms on the extent of voluntary

- information disclosure, *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 20(1): 97-126. <https://doi.org/10.1108/JFRA-03-2020-0085>
- Mostafaei, P; Hosseini, A;(2021). Qualitative content analysis of corporate social responsibility reports with an emphasis on social stakeholders, *accounting empirical research*, 11(3):79-112. (In Persian)
- Oliver, C. (1997). Sustainable competitive advantage: combining institutional and resource-based views, *Strategic Management Journal*, 18(9): 697-713.
- Palermo, T. (2018). Accounts of the future: A multiple-case study of scenarios in planning and management control processes, *Qualitative Research in Accounting & Management*, 15(1): 2-23. <https://doi.org/10.1108/QRAM-06-2016-0049>
- Pittroff, E. (2021). The legitimacy of global accounting rules: a note on the challenges from path-dependence theory, *Journal of Management and Governance*, 25(2): 379-396. <https://doi.org/10.1007/s10997-020-09546-6>
- Remenarić, B; Kenfelja, I; & Mijoč, I. (2018). Creative Accounting: Motives, Techniques and Possibilities of Prevention. *Ekonomski vjesnik/Econviews - Review of Contemporary Business, Entrepreneurship and Economic Issues*, 31(1): 193–199. Retrieved from <https://hrcak.srce.hr/ojs/index.php/ekonomski-vjesnik/article/view/6046>
- Saleh, M, M, A; Jawabreh, O; Abu-Eker, E, F, M. (2021). Factors of applying creative accounting and its impact on the quality of financial statements in Jordanian hotels, sustainable practices, *Journal of Sustainable Finance & Investment*, <https://doi.org/10.1080/20430795.2021.1962662>
- Suchmann, M. C. (1995). Managing legitimacy: strategic and institutional approaches, *Academy of Management Review*, 20(3): 571-610.
- Susmus, T; Demirhan, D. (2020). Creative Accounting: A Brief History and Conceptual Framework, *AKADEMİK BAKIŞ DERGİSİ*, 2(3): 1-20.
- Vollero, A; Palazzo, M; Siano, A. and Sardanelli, D. (2018). Managing CSR communication: A study of legitimacy-seeking strategies adopted by service and product companies, *The TQM Journal*, 30(5): 621-637. <https://doi.org/10.1108/TQM-11-2017-0131>.
- Xiu, L; Lu, F. and Liang, X. (2020). Legitimized identity vs identifiable legitimacy: Toward a theoretical framework of the relationship between organizational identity and organizational legitimacy, *Nankai Business Review International*, 11(1): 102-120. <https://doi.org/10.1108/NBRI-03-2019-0009>.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

طراحی چارچوب استیلای‌گرایی قدرت شرکای حسابرسی:

شناسایی علل کلیدی مؤثر بر آمرانه‌گرایی شریک حسابرسی^۱فرزانه پورمهدی بروجنی^۱، بهاره بنی طالبی دهکردی^۲، حمیدرضا جعفری دهکردی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

یکی از مهمترین دلایل شکاف انتظارات در حرفه حسابرسی، ماهیت استفاده از قدرت شریک در برابر حسابرسان می‌باشد که معمولاً به دلیل ایجاد سطح عمیقی از تسلط‌گرایی رفتاری و ساختاری توسط شرکاء می‌تواند سرخوردگی‌های حرفه‌ای حسابرسان را به تدریج به همراه داشته باشد. هدف این مطالعه، طراحی چارچوب استیلای‌گرایی قدرت شرکای حسابرسی می‌باشد که از طریق رویکرد گرنند تئوری، پژوهش به دنبال شناسایی علل کلیدی مؤثر بر آمرانه‌گرایی شریک حسابرسی بود. روش شناسی این مطالعه کیفی و مبتنی بر فلسفه استقرائی بنا شده است. به لحاظ هدف اکتشافی و به لحاظ نتیجه توسعه‌ای محسوب می‌شود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه بود و مشارکت کنندگان این مطالعه، خبرگان دانش حسابداری در سطح دانشگاه بودند. در این مطالعه فرآیند گرنند تئوری و رویکرد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) مدنظر قرار گرفت تا طی سه مرحله کدگذاری نسبت به ارائه‌ی مدل پارادایمی اقدام نماید. نتایج طی ۱۲ مصاحبه در بازه تقریبی ۷۱۵ دقیقه، از شناسایی ۳۱۷ کدباز، ۴۶ مضمون؛ ۱۴ مولفه و ۸ مقوله اصلی حکایت دارد. این نتیجه‌گویی این مسئله است که بروز استیلای‌گرایی قدرت شرکای حسابرسی گویایی این مسئله است که شیوه‌ی تعامل با حسابرسان به شدت می‌تواند تعارض آمیز و همراه با کاهش انگیزه‌های شغلی باشد. زیرا شرکای حسابرسی براساس رویکرد استیلای‌گرایی قدرت تلاش می‌کنند تا با تسلط بر جزئی‌ترین امور حرفه‌ای در ساختارهای مؤسسه، حسابرسان را کنترل نمایند که این مسئله می‌تواند پیامدهای منفی همچون برهم خوردن تعادل حرفه‌ای حسابرسی و برهم خوردن تعادل اثربخشی حرفه‌ای حسابرسی را به همراه داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: استیلای‌گرایی قدرت، آمرانه‌گرایی ساختاری، شریک حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: M39، M40.

doi: 10.22051/JERA.2024.46174.3200

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (Farzanehpourmahdi@yahoo.com)

۲. دانشیار، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول). (banitalebi57@yahoo.com)

۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (hamid99991@yahoo.com)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

حرفه حسابرسی فراتر از ویژگی‌های تخصصی تعریف شده به عنوان استاندارد از یک سو و آیین رفتار حرفه‌ای به عنوان رعایت موازین هنجاری از سوی دیگر، تحت تأثیر زمینه‌های رهبری و مدیریتی در ساختارهای سازمانی موسسات نیز قرار می‌گیرد (فرنندی و تاکیدا، ۲۰۲۳). لذا می‌توان این موضوع را درک نمود که محتوای این حرفه با چه چالش‌هایی روبرو می‌باشد. یکی از ملموس‌ترین چالش‌ها در این حرفه، نحوه‌ی تعامل حساب‌رسان با شرکای حسابرسی است که به عنوان یک تضاد شغلی می‌تواند در صورت عدم دستیابی به نوع ارتباط مسالمت‌آمیز، پیامدهای منفی را به همراه داشته باشد (سرحدی و همکاران، ۱۳۹۹). لذا این مسئله باعث گردیده تا امروزه بیش از گذشته، نحوه‌ی اداره‌ی ارتباطات بین فردی در حسابرسی، به شیوه‌های مدیریت رفتار حرفه‌ای در سایر دانش‌های علوم انسانی مثل مدیریت رفتار سازمانی و روانشناسی مثبت وابسته باشد. در واقع بکارگیری ابزار قدرت و اختیار در شیوه‌ی مدیریت شریک حسابرسی می‌تواند همچون شمشیره دو لبه‌ای عمل نماید که یا تعالی حرفه‌ای حساب‌رسان را در یک فرآیند مشارکتی به همراه داشته باشد و یا احتمالاً به تعارض شغلی در کارراه حرفه‌ای حساب‌رسان منجر شود (لی و همکاران، ۲۰۱۹).

هر آنچه که هست، می‌توان قدرت‌گرایی را ابزاری در شیوه‌ی مدیریت شریک حسابرسی تلقی نمود که در ارتباط با حساب‌رسان، خواسته یا ناخواسته، ممکن است از آن در مسیری تحریک‌آمیز و تعارض‌گونه استفاده نماید و سبب کاهش انگیزه‌های شغلی و بروز سرخوردگی حرفه‌ای حساب‌رسان گردد (منیف و چریف، ۲۰۲۲). یکی از نوظهورترین نظریه‌های مرتبط با شیوه‌ی قدرت در سبک مدیریت در ساختارهایی با متخصصان سطح بالا، استیلا‌گرایی یا هژمونی قدرت می‌باشد که می‌تواند به نام‌آنوس شدن جو حرفه‌ای با انتظارات شغلی افراد منجر گردد (کاوالانتي، ۲۰۱۹). استیلا‌ی قدرت یا اصطلاحاً هژمونی قدرت، نظریه‌ای از سبک رهبری در ساختارهای سازمانی قلمداد می‌شود که براساس ویژگی‌های رفتار آمرانه‌ی مدیر، در برگیرنده سطح بالایی از رسمیت و استانداردهای رفتار سازمانی می‌باشد و به دلیل کاهش استقلال فردی می‌تواند تبعاتی همچون نارضایتی از حرفه و سرخوردگی‌های شغلی را برای حساب‌رسان شاغل در آن مجموعه، در بر داشته باشد (ژانگ، ۲۰۱۵). نظریه استیلا ریشه در لغت فرانسوی هژمونی دارد که به معنای توصیف و توضیح نفوذ و تسلط‌گرایی افراد دارای قدرت می‌باشد. با استناد به این نظریه، بسط مفهوم استیلا قدرت شریک حسابرسی می‌تواند مبنایی

برای کاهش انگیزه‌های شغلی و در نتیجه پیامدهایی همچون تعارض در نقش و تعارض کار- خانواده در حرفه حسابرسی گردد. لذا از آنجاییکه موسسه حسابرسی همچون هر ساختار سازمانی به عنوان یک نهاد اجتماعی، که تابع تاثیر و نفوذ قدرت می‌باشد، تحت ساختارهای استیلاء گرایانه‌ی می‌تواند قرار گیرد که قدرت انحصاری رابه شکل‌های مختلفی در موسسه حسابرسی پیاده می‌کند و باعث می‌گردد تا عملکردهای آنان در حیطه‌های مختلف، اثربخشی خود را از دست بدهد و باعث گردد تا تعارض شغلی به عنوان پیامدهای منفی در حرفه حسابرسی ایجاد شود (پیرسی و سوئینی، ۲۰۰۴).

لذا با درک نظریه استیلاء قدرت که در قالب واکاوی ارزش‌های رفتار آمرانه‌ی شرکای حسابرسی، با اعمال فشار در کارکردهای تعریف‌شده، به دنبال ایجاد ثبات رویه‌ای و تقویت سطحی از بوروکراسی هستند، تعریف می‌شود، پیامدی که جزء حفظ منافع افراد دارای قدرت و ایجاد فشار بر حساب‌رسان و منجر شدن به پیامدهای منفی یاد شده در حسابرسی، نفعی برای حساب‌رسان ندارد (بلیک و میکوسی، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر، وجود چنین لایه‌های دارای قدرتی، عملکردهای استراتژیک موسسه‌ی حسابرسی در ابعاد رفتار سازمانی را با اختلال مواجه می‌نماید و باعث می‌گردد تا توانمندی‌های منابع انسانی همچون حساب‌رسان فعال در چنین ساختارهای الزام‌آوری در سایه‌ی وجود قدرت‌های تحمیلی، نادیده انگاشته شود و باعث ایجاد سرخوردگی و تعارض‌های حرفه‌ای در حساب‌رسان گردد (آذربراهمان و همکاران، ۱۴۰۰). از این رو، کیفیت بالای خدمات حسابرسی که مستلزم عملکرد شغلی با کیفیت و متعهدانه‌ی حساب‌رسان است، به مرور دچار فرسایش می‌شود و بی‌انگیزگی و سریز شدن شغلی را برای آنان به همراه دارد (مرویان‌حسینی و لاری دشت‌بیاض، ۱۳۹۴). گریزی به استانداردهای مربوط به بندهای کاربردی در خصوص عملکرد موسسات حسابرسی، بر اهمیت بررسی و بیان چرایی انجام این پژوهش کمک می‌کند، چراکه این بندها بر نقش ساختارهای قدرت و کیفیت مدیریت جهت افزایش انگیزه‌های حساب‌رسان تأکید دارند. لذا مطابق بندهای ۹-۱۳ (تحت عنوان «مسئولیت‌های مدیریت درباره کیفیت در درون موسسه») و ۳۵-۴۴ (تحت عنوان «منابع انسانی») استاندارد کنترل کیفیت در مؤسسات ارائه‌کننده خدمات حسابرسی، بر لزوم سبک رهبری باهدف توسعه الزامات اخلاقی و عملکردی حساب‌رسان بارها تأکید شده است و سبک مدیران و ساختار قدرت در موسسه را عاملی برای توسعه استراتژی‌های منابع انسانی توصیف می‌نماید.

همچنین از بند ۴۱-۴۴ در باب اهمیت تیم کاری در موسسات حسابرسی در استاندارد کنترل کیفیت، صحبت به میان آمده است که اثربخشی فرآیندهای حسابرسی را منوط به توسعه کارکردهای رفتاری و هویت تیمی تحت تشریک مساعی شرکای حسابرسی توصیف می‌نماید. بنابراین تمرکز بر لزوم نظارتی بر شیوه‌های مدیریت موسسات حسابرسی، نشان از اهمیت کاربردی مفهوم تعادل قدرت بر حساب‌برسان به عنوان منابع انسانی شاغل در آن حکایت دارد که این پژوهش بر نیمه‌ی پنهانی از کارکردهای عملکردی شرکای حسابرسی متمرکز است که وجود قدرت‌گرایی آمرانه و تک‌بعدی آنان در قالب استیلا تک‌جانبه‌گرایانه می‌تواند پیامدهای منفی را به همراه داشته باشد. از منظر نظری نیز با عنایت به توضیح‌های ارائه شده، این پژوهش را از دو حوزه به تفکیک زیر می‌توان در توسعه‌ی ادبیات حسابرسی مهم ارزیابی نمود.

اولاً اینکه این نخستین پژوهشی است که به واکاوی زمینه‌های استیلا‌ی قدرت شرکای حسابرسی می‌پردازد و از طریق تحلیل‌های ترکیبی به دنبال ارائه‌ی یک چارچوب نظری منسجم در سطح بازار حسابرسی ایران می‌باشد. اگرچه محرک‌های بیرونی بر کارکردهای حرفه‌ای حساب‌برسان در پژوهش‌های گذشته مورد بررسی قرار گرفته است، اما تمرکز بر ارائه‌ی چارچوب استیلا‌ی قدرت شرکاء مورد توجه قرار نگرفته است و انجام این پژوهش و بسط آن در سطح ساختار شرکت‌های حسابرسی می‌تواند به افزایش ظرفیت‌های شناختی و عملکردی حساب‌برسان کمک نماید و باعث پویایی عملکردهای آنان گردد. ثانیاً گریزی به پژوهش‌های گذشته همچون سیانکی و همکاران (۲۰۱۷) که به بررسی «هویت شریک حسابرسی و قضاوت حساب‌برسان»؛ چنگ و همکاران (۲۰۲۱) «تأثیر تحمیل شرایط کاری شریک بر کیفیت حسابرسی» و لی و همکاران (۲۰۱۱) «کارکردهای تکلیفی بیش از حد شرکاء بر کیفیت حسابرسی» پرداخته‌اند، حکایت از تصدیق این ادعا دارد که اگرچه موضوع بررسی ابعاد آمرانه‌گرایی قدرت شریک مهم بوده است، اما این مسئله در مطالعه‌های گذشته مورد توجه قرار نگرفته است و این پژوهش می‌تواند مبنایی برای توسعه‌ی این مفهوم در سطح کارراه حرفه‌ای حساب‌برسان باشد. براین اساس ابتدا در بخش کیفی از طریق مصاحبه با متخصصان اقدام به تعیین ابعاد قدرت‌گرایی شرکای حسابرسی می‌شود و سپس براساس تحلیل دلفی نسبت به تأیید پایایی آن در بازار حسابرسی اقدام می‌گردد و در نهایت در بخش کمی از طریق تحلیل‌های ماتریسی به صورت مقایسه زوجی نسبت به تعیین تأثیرگذارترین پیامد استیلا‌ی قدرت شرکای حسابرسی اقدام خواهد شد.

مبانی نظری

رویکرد شرکای حسابداری در ایجاد توازن و تعادل حرفه‌ای برای حساب‌برسان در ساختار یک موسسه حسابداری، مسئله‌ای استراتژیک تلقی می‌شود که می‌تواند، افزایش انگیزه‌های شغلی یا برعکس سرخوردگی و نارضایتی حساب‌برسان را به همراه داشته باشد. این مسئله تا حدودی به نوع نگرش و ادراک شریک از شیوه‌ی مدیریت و ارتباط اثربخش با حساب‌برسان مرتبط است (مائوریتز و همکاران، ۲۰۲۳). در واقع انتخاب مسیر درستی از درک شرایط حرفه حسابداری توسط شریک، از نگرش‌های مدیریتی بر می‌آید که در صورت وجود توازن شغلی می‌تواند به کاهش سرریزهای حرفه‌ای در حساب‌برسان کمک نماید (بامری و همکاران، ۱۳۹۸). اما آمیزه‌ی قدرت با شیوه‌ی مدیریت، نیازمند مرز خاکستری از شناخت فردی شریک در مسیر حرفه حسابداری می‌باشد، زیرا برهم خوردن تعادل در آن، زمینه برای نارضایتی‌های شغلی و کاهش عدم تعهد حرفه‌ای را در قالب‌هایی همچون تعارض شغلی بروز می‌دهد.

استیلا‌گرایی قدرت یا هژمونی سبک مدیریتی شریک حسابداری، مسئله‌ای است که اهرم عدم اثربخشی ارتباطات شغلی می‌تواند تلقی گردد. این مفهوم به قدرت شکل گرفته در ساختارهای سازمانی اشاره دارد که مسیر حرکت بالا به پایینی را از نظر ابراز دستورات به زیردستان طی می‌کند (نادری و همکاران، ۱۳۹۵). لذا از آنجاییکه موسسات حسابداری نیز ساختاری از روابط تعریف شده‌ی سازمانی را در بر می‌گیرد، می‌تواند از عارضه‌ی استیلا‌گرایی قدرت رنج ببرد. این کارکرد در رویکردهای مدیرانی معمولاً نهادینه می‌شود که باهدف تحت سلطه در آوردن، کوچکترین فرآیندهای دستیابی به اهداف تعیین شده، تلاش می‌کنند تا جنبه‌های ساختاری سازمان مطابق با رویکرد خود هدایت نمایند. بسط این پدیده به حرفه حسابداری از چند جهت دارای اهمیت بالاتری نسبت به سایر ساختارهای سازمانی دیگر می‌باشد. اولاً حسابداری با توجه به اینکه مجموعه‌ای از الزامات حرفه‌ای را می‌بایست رعایت نماید، به خودی خود، در دسته مشاغل دارای فشار روانی و استرس جایگذاری می‌شود که بروز شیوه‌های مدیریت تملک‌گرایانه‌ی شرکای حسابداری می‌تواند تا حد زیادی انگیزه‌های فردی حساب‌برسان را تحت تأثیر قرار دهد (فرزین و همکاران، ۱۳۹۷). ثانیاً حرفه حسابداری به میزان زیادی به استقلال در قضاوت حرفه‌ای وابسته است که در صورت تداخل فشارهای قدرت شریک می‌تواند پیش‌فرض نقض اظهارنظر مستقل حساب‌برسان را تقویت نماید. چراکه شرکای دارای

رویکرد استیلا‌گرایانه، با نفوذ بر تصمیم‌های آنان، به دنبال حفظ منافع خود می‌باشند (طالب‌نیا و همکاران، ۲۰۱۲). بروز چنین اختلال‌هایی زمینه‌ی بسط نظریه‌های مختلف از قدرت را به حرفه حسابرسی مهیا نموده است. در یکی از نظریه‌های مرتبط با ساختار قدرت که هیل (۲۰۱۹) آن را مطرح نمود، هدف ارتقاء سطح شناخت از ماهیت اثرگذار محورهای ساختار قدرت در تصمیم‌های مدیریتی بوده است. هیل (۲۰۱۹) برای توسعه این مفهوم، سه کارکرد نظری از دیدگاه‌های قدرت‌گرایی را در قالب شکل (۱) مطرح نمود.



شکل ۱. کارکردهای نظری قدرت‌گرایی

از نظر دیدگاه رفتاری، قدرت مجموعه تسلسلی از ارزش‌های اثرگذار بر ذهنیت افراد تحت تصدی را شامل می‌شود که معمولاً با تعریف ارزش‌های غیرفردی می‌تواند آنان را مجاب به پذیرش جایگاه فرد دارای قدرت نمایند. از نظر شبکه‌ای، قدرت معمولاً متمرکز و وابسته به افراد معدودی است که با ترویج ارزش‌های میان بازیگران، جایگاه فرد دارای قدرت را تحکیم می‌نمایند. اما در دیدگاه ساختاری، قدرت صرفاً به ارتباط و نوع ارزش‌های بازیگران بستگی ندارد، بلکه با تعبیه‌نمودن ضربه‌گیرهایی به جایگاه فرد دارای قدرت، سطح انحصاری‌گرایی را بالا می‌برد و صرفاً افرادی در دایره مدیریت قرار می‌گیرند که به ارزش‌های ساختاری وفادار باشند. اگرچه این نظریه به جنبه‌های قدرت‌گرایی از منظر هژمونی اشاره نموده است، اما غیرقابل کتمان است که قدرت‌گرایی صرفاً تک‌بعدی بتواند به ارزش‌های جمعی و اجتماعی، چندان توجه نماید. زیرا بلوک‌شدن قدرت به دلیل تبعیض و انحصار، احتمالاً زمینه‌ساز بروز پیامدهای منفی در ساختارهای اداره خواهد شد. لذا مسئله‌ی مطالعه‌ی حاضر، شناخت ناشی از کارکردهای قدرت در زنجیره ارتباط بین شریک با حساب‌برسان می‌باشد. توجه به این موضوع مهم است که الزاماً شرکای حسابرسی ممکن است واقف به حوزه‌ی نظری استیلا‌گرایی قدرت نباشند و صرفاً

محافظه‌کاری بیش از اندازه را در شیوه‌ی تعامل خود با حساب‌برسان آن هم با استدلال ماهیت تردید در حسابرسی، توجیه کنند، اما هر آنچه از شیوه‌ی مدیریت که وابسته به زمینه‌های مدیریت آمرانه گرایانه باشد، می‌تواند در زمره‌ی قدرت استیلاگرایی شریک حسابرسی تشبیه به مضمون گردد.

پژوهش‌چندانی به لحاظ توجه به مسئله‌ی استیلاگرایی قدرت شریک وجود ندارد که بتوان به استناد آن نسبت به تقویت پشتوانه‌ی تجربی اقدام نمود، اما استدلال نظری در این رابطه می‌تواند گویایی این واقعیت باشد که ترویج ارزش‌های این پدیده توسط شریک حسابرسی در تعامل با حساب‌برسان می‌تواند زمینه‌های بروز تعارض حرفه‌ای را توسعه بخشد. تعارض شغلی، تأثیر متقابل حوزه‌های کاری و غیرکاری بر یکدیگر را تشریح می‌نماید که می‌تواند مجموعه‌ای از پیامدهای درون‌شغلی و فراشغلی را در بر گیرد (روتبارد و همکاران، ۲۰۰۶). پیامدهای درون‌شغلی به بروز سرخوردگی‌های ناشی از پایین‌بودن کیفیت زندگی کاری، منجر می‌شود که می‌تواند تبعات زیادی را چه به لحاظ جسمی و چه به لحاظ روانی برای متصدیان حرفه‌ای به همراه داشته باشد. از طرف دیگر پیامدهای فراشغلی ناشی از بروز تعارض استیلاگرایی قدرت، غیرقابل کتمان می‌باشد، چراکه می‌تواند به بروز رفتارهای نابهنجار در محیط اجتماعی و ترویج شغلی‌های کاذب منجر شود. در حرفه حسابرسی بروز چنین تعارضاتی، تحت وجود استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی بسیار محتمل بنظر می‌رسد، چراکه وجود فشارها و استرس شغلی می‌تواند روند اختلال در کارکردهای حرفه‌ای حساب‌برسان را سرعت بخشد. زیرا یکی از دلایل اجتناب‌ناپذیری تعارض در حرفه حسابرسی، تضاد و تعارض ناشی از وجود شکاف انتظارات و مراودات تحکم‌گرایانه‌ی شریک حسابرسی با حساب‌برسان می‌باشد که به مرور با افزایش فشار کاری و فشار کار حساب‌برسان، فرسایش در این حرفه گسترش می‌یابد. در نتیجه، یکی از وظایف غیرنهادی و هنجاری سازمان‌های بالادستی بر این حرفه، ارتقاء سطح شناخت شرکاء از ماهیت تعامل با حساب‌برسان می‌باشد تا مانع از ایجاد تعارض‌های شغلی بیشتر در این حوزه گردد.

پیشینه پژوهش

هگزای و همکاران (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر جو سازمانی، وضوح نقش، قصد ترک شغل و فرسودگی محیط کار بر کیفیت و عملکرد حسابرسی» انجام دادند. نتایج پژوهش نشان

داد، فرسودگی شغلی پیامدهای منفی هم برای حسابرس و هم برای مؤسسه حسابرسی دارد. در حالی که جو سازمانی خوب با کیفیت حسابرسی، تصمیمات غیراخلاقی و عملکرد حسابرسی ارتباط منفی و معنادار دارد، وضوح نقش با کیفیت و عملکرد حسابرسی ارتباط مثبت و معنادار دارد و با تصمیمات غیراخلاقی ارتباط ناچیز دارد. کارپ و ایستریت (۲۰۲۲) مطالعه‌ای با عنوان «کیفیت حسابرسی تحت تأثیر ویژگی‌های مؤسسه حسابرسی: شواهدی از بازار تنظیم شده رومانی» انجام دادند. نتایج نشان داد که عضویت حسابرس در موسسه‌های «BIG 4» احتمالاً به افزایش اقلام تعهدی اختیاری کمک می‌کند و کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد. از طرف دیگر، مشخص شد، به لحاظ کیفی، موسسه‌های حسابرسی که تعداد بالاتری حسابرس تخصصی دارند که می‌تواند ناشی از نگاه کاهش فشار کاری همکاران خود در موسسات تلقی شود، احتمالاً با کاهش اقلام تعهدی، سطح بالاتری از کیفیت حسابرسی را در گزارش حسابرسی ایجاد نمایند. چنگ و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «تأثیر تحمیل شرایط کاری شریک بر کیفیت حسابرسی» انجام دادند. نتایج فرضیه‌ها نشان می‌دهد که حجم کاری شریک رابطه مثبتی با کیفیت حسابرسی دارد. ملکی و همکاران (۱۴۰۱) رابطه میان سلطه اجتماعی و بی‌تفاوتی اخلاقی در حرفه حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بی‌تفاوتی اخلاقی و سلطه اجتماعی میان زنان و مردان، حسابرسان سازمان حسابرسی و موسسات خصوصی حسابرسی و همچنین میان حسابرسان با سطوح مختلف تحصیلی تفاوت معنی داری با هم ندارند. مهدوی و زمانی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «تأثیر سبک‌های رهبری ملاحظات و ساختار بر رضایت شغلی حسابرسان: با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی رده‌سازمانی» انجام دادند. بر اساس نتایج پژوهش، بکارگیری سبک‌های رهبری ملاحظات و ساختار به وسیله مدیریت (به عنوان نمونه، حفظ و تقویت اعتماد به نفس زیردستان از طریق آموزش به آنان، قدردانی از انجام کار خوب، تصمیم‌گیری در مورد نحوه انجام کار و اصرار بر حفظ استاندارد) باعث افزایش رضایت شغلی حسابرسان، به ویژه در در رده‌های پایین (به عنوان نمونه، کمک حسابرس و حسابرس) مؤسسات حسابرسی می‌شود. نورمحمدی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر رهبری زهرآگین شریک و هویت تیمی منسجم بر تردید حرفه‌ای حسابرسان انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد سبک رهبری زهرآگین شریک حسابرس بر تردید حرفه‌ای حسابرسان تأثیر منفی و معناداری دارد، درحالی‌که هویت تیمی منسجم بر تردید حرفه‌ای تأثیر مثبت و معناداری دارد. موسوی‌کاشی و زاهدی‌قره‌بابا (۱۳۹۵) در پژوهش خود ارتباط بین

سبک‌های رهبری و رضایت شغلی در حساب‌رسان شاغل در موسسات حسابداری را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که از میان چهار سبک رهبری مورد مطالعه (دستوری، استدلالی، مشارکتی و تفویضی) سبک رهبری دستوری سبک مسلط است و همبستگی بیشتر و به صورت معکوس نسبت به سایر سبک‌ها با رضایت شغلی دارد.

مرور پیشینه‌های تجربی پژوهش‌گویی این است که مسئله‌ی مطالعه‌ی حاضر، در هیچ پژوهشی در گذشته مورد توجه نبوده است و این مطالعه تلاش دارد تا با استفاده از فرآیند تحلیل نظریه داده بنیاد، نسبت به ارائه‌ی چارچوب نظری اکتشاف شده و بسط آن در بستر مطالعه اقدام نماید. با توجه به توضیح موارد ارائه شده در ادبیات نظری و پیشینه پژوهش شد و براساس ماهیت روش شناسی مطالعه‌ی حاضر، سوال‌های پژوهش به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

۱. شرایط علی استیلا‌گرایی قدرت شرکای حسابداری کدامند؟
۲. شرایط مداخله‌گر استیلا‌گرایی قدرت شرکای حسابداری کدامند؟
۳. شرایط زمینه‌ای استیلا‌گرایی قدرت شرکای حسابداری کدامند؟
۴. استراتژی‌های استیلا‌گرایی قدرت شرکای حسابداری کدامند؟
۵. پیامدهای استیلا‌گرایی قدرت شرکای حسابداری کدامند؟

روش شناسی پژوهش

این مطالعه از نظر نتیجه، توسعه‌ای است، بر روی موضوعی متمرکز شده است که در گذشته چارچوب نظری منسجمی برای آن وجود ندارد و انجام این مطالعه می‌تواند به تقویت شناخت مفهومی این پدیده کمک نماید. به لحاظ هدف نیز این مطالعه، اکتشافی تلقی می‌شود و بر این مبنا استراتژی تحقیق کیفی ما از نوع میدانی است. با توجه به اینکه مفهوم استیلا‌گرایی قدرت شرکای حسابداری مفهوم نوظهوری تلقی می‌شود، این مطالعه از طریق انجام مصاحبه به دنبال اکتشاف جنبه‌های جدیدی از این مفهوم در بستر دانش حسابداری می‌باشد. فلسفه‌ی مطالعه‌ی حاضر براساس تقاطع اراده‌گرایی در فلسفه عالم با ساختارگرایی در فلسفه علم، مبنایی تلقی می‌شود که از طریق رویکرد استقرائی انجام می‌گیرد.



شکل ۲. ماتریس استراتژی های تحقیقی

در واقع به این دلیل مطالعه‌ی حاضر استقرائی محسوب می‌شود، چراکه به بررسی پدیده‌ای می‌پردازد که چارچوب جامع‌ایی در خصوص ماهیت استیلای گرای قدرت شرکای حسابرسی وجود ندارد و این مطالعه در تلاش برای تقویت و توسعه انسجام نظری در این حوزه می‌باشد. لازم به توضیح است که در طرح‌های اکتشافی، هدف شناسایی جنبه‌های گسترده و فراگیری از یک مفهوم مورد بررسی است که می‌تواند به توسعه سطح کارکردهای مفهوم کمک نماید. در واقع به دلیل اینکه پژوهش‌های منسجمی در حوزه‌ی شناخت شناسی رفتار هژمونیک (آمرانه‌ی) استیلای قدرت شرکای حسابرسی انجام نشده است و این مفهوم به میزان زیادی دارای ابهام در بستر حرفه حسابرسی می‌باشد، این پژوهش از طریق تحلیل داده بنیاد به دنبال بسط و توسعه‌ی تئوریک آن می‌باشد و براین مبنا ماهیت روش پژوهش اکتشافی تلقی می‌شود. لذا با اتکاء به رویکرد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) در روش گزند تئوری، تلاش می‌شود تا از طریق مصاحبه با متخصصان امر، مباحث مربوط مشخص و دسته‌بندی شود. طبق این رویکرد، مقوله‌بندی چارچوب نظری در قالب یک مدل پارادایمی براساس ۵ بُعد شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، استراتژی‌ها و پیامدها می‌بایست تدوین گردد. همسو با ماهیت تشریح شده در انجام این مطالعه از نظر روش شناسی، برای شناسایی محورهای مدل پارادایمی پدیده مورد بررسی در این مطالعه، از مصاحبه استفاده می‌شود تا نسبت به شناسایی مضامین پدیده مورد بررسی، اقدام لازم صورت گیرد. معمولاً تعیین مبنای خبرگی برای انتخاب مصاحبه شونده‌گان، به دلیل تمایل یا عدم تمایل آنان برای مشارکت در انجام پژوهش در بخش کیفی، تا حد زیادی کارایی لازم اولیه را ندارد، چراکه ایجاد پروتکل مشخص برای رفت و برگشت فرآیندهای جمع‌آوری

داده‌ها بین محققان با خبرگان در طی اجرای تحلیل‌ها، می‌تواند از اثربخشی بالاتری برخوردار باشد، به ویژه اینکه مبنای جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی این مطالعه تحلیل نظریه داده بنیاد بوده است. اما باهدف جلوگیری از انحراف ماهیت جمع‌آوری داده و نزدیک شدن نسبی به هسته‌ی اصلی مصاحبه شونده‌گان، دو مبنای تعریف خبرگی مشارکت‌کنندگان در این مطالعه به پیروی از پژوهش هنوود و پیدگن (۱۹۹۲) مدنظر قرار گرفت.

اولین معیار خبرگی، استفاده از اهمیت تناسب بود که برای این منظور قبل از شروع فرآیند مصاحبه، ۱۸ نفر انتخاب شدند. برای رسیدن به این مبنای، ۲۰ نفر از خبرگان علمی که در نشریه‌های معتبر داخلی و خارجی، پژوهشی مرتبط با موضوع این مطالعه داشتند انتخاب شدند که از طریق راه‌های برقراری ارتباط مثل ایمیل؛ تماس تلفنی یا استفاده از افراد مطلع و نزدیک به خبرگان، تلاش شد تا سطح تمایل و انگیزه‌ی آنان برای مشارکت بررسی شود که از مجموع تماس‌ها تنها ۱۵ نفر به ارتباط برقرار شده پاسخ دادند که مجموع ارزیابی‌ها به انتخاب ۱۵ نفر منجر گردید. مبنای دوم در این زمینه، حساسیت به واقعیت‌های مورد مطالعه بود. برای این منظور نیز، بروشوری از اهداف و ماهیت مطالعه برای ۱۸ نفر انتخاب اولیه، ارسال گردید که واکنش آنان از طریق معیارهای قدرت افتراق؛ آگاهی از زمینه پژوهشی و به طور خاص تفسیر تشریحی در رابطه با موضوع، بررسی گردید تا در نهایت براساس بنیاد محققان ۱۵ نفر انتخاب شدند که به لحاظ سطح انگیزه و آگاهی، آمادگی مشارکت در پژوهش را داشته باشند. در ادامه با توجه به مبنای نقطه اشباع تنوریک به عنوان نقطه‌ی اتمام مصاحبه‌ها، مشخص گردید، در مصاحبه‌ی دوازدهم، هیچ معیار جدیدی برای سنجش حسابداری خلاقانه ایجاد نگردید و براین اساس ۱۲ نفر به عنوان خیره در این مطالعه مشارکت داشتند. لذا با توجه به توضیح‌های ارائه شده، مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی شامل خبرگان دانشگاهی و اساتید حسابداری صاحب‌نظر و دارای تجربه حرفه‌ای در حوزه حسابداری می‌باشند که طبق فرآیند خبرگی توضیح داده شده تعیین گردیدند. نمونه‌گیری نیز به صورت ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی صورت گرفته است که معیار رسیدن به پایان جمع‌آوری داده‌ها، نقطه اشباع نظری است.

گردآوری و تجزیه و تحلیل

براساس ماهیت روش شناسی پژوهش که از نوع ترکیبی بود، جهت گردآوری داده‌ها در بخش تحلیل کیفی ابتدا از مصاحبه‌های عمیق و بدون ساختار (طرح مصاحبه به صورت باز) با

زمان متوسط یک ساعت استفاده گردید. ذکر این نکته حائز اهمیت است که دلیل استفاده از مصاحبه‌های عمیق و بدون ساختار این بود که مفهوم استیلای‌گرایی قدرت شرکای حسابرسی از انسجام مفهومی متناسبی به دلیل فقدان چارچوب نظری، برخوردار نبود و براساس طی فرآیندهای مصاحبه تلاش گردید تا نسبت به ایجاد انسجام در محتوا و ماهیت مفهوم مورد بررسی در حرفه حسابرسی اقدام شود. پس از ظاهر شدن مضامین اولیه، برای تفکیک مولفه‌ها در قالب ایجاد مقوله‌های کلی، مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختاریافته و ساختاریافته ادامه یافت تا در انتها به شکل‌گیری نقطه‌ی اشباع نظری کمک نماید. لذا باتوجه به توضیح‌های داده شده، برخی از سوالات پُر تکرار در فرآیند مصاحبه به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

۱. چه جنبه‌هایی از رفتار فردی شریک حسابرسی می‌تواند به تقویت شرایط علی (بروز) استیلاگرایی قدرت در حرفه حسابرسی منجر شود؟
۲. چه جنبه‌هایی از حوزه‌های فرهنگی یا اجتماعی در تحریک بروز استیلاگرایی قدرت در حرفه حسابرسی مؤثر است؟
۳. چه جنبه‌هایی حوزه نظارت نهادی یا آیین رفتار حرفه‌ای وجود دارد که می‌توان مانع از بروز استیلاگرایی قدرت در حرفه حسابرسی شود؟
۴. تاچه اندازه تقویت ارزیابی‌های نهادی از شیوه‌ی مدیریت شرکای حسابرسی می‌تواند به اثربخشی حرفه حسابرسی کمک نماید؟
۵. چه جنبه‌هایی از شرایط اجتماعی یا هنجاری در حرفه حسابرسی وجود دارد که می‌تواند به تسهیل استیلاگرایی قدرت در حرفه حسابرسی منجر شود؟
۶. تاچه اندازه ارزش‌های اجتماعی و حرفه‌ای در حسابرسی می‌تواند مانع از تسهیل استیلاگرایی قدرت شریک شود؟
۷. تاچه اندازه تأکید بر وفاداری به موسسه توسط شریک می‌تواند به تقویت استیلاگرایی قدرت در برابر حسابرسان منجر شود؟
۸. چه جنبه‌های راهبردهایی از رهبری می‌تواند در تحریک استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی مؤثر باشد؟
۹. چه پیامدهایی از بروز استیلاگرایی قدرت شریک در بستر حرفه‌ای حسابرسی قابل تصور است؟
۱۰. چه جنبه‌هایی از قابلیت‌های حسابرسان ممکن است تحت تأثیر استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی سرکوب شود؟

نکته قابل ذکر این است که الزاماً در تمامی مصاحبه‌ها سوالات، ثابت نبودند، بلکه بنا به ماهیت رفت و برگشتی سوالات در جریان مصاحبه، نوع رویکرد مصاحبه شونده و جریان مصاحبه، به طور مداوم نسبت به تعدیل‌های مقتضی سوالات اقدام لازم توسط مصاحبه کننده صورت می‌گرفت تا مسیر مصاحبه از جریان اصلی ماهیت پدیده مورد بررسی خارج نشود.

اعتبار پژوهش

در این بخش باهدف سنجش اعتبار کدگذاری‌های صورت گرفته، از طریق روش مثلث‌سازی در پژوهش‌های کیفی استفاده می‌شود. مثلث‌سازی در واقع با الهام از علم هندسه، سنجش اعتبار در پژوهش‌های کیفی را از طریق حداقل سه منبع مورد سنجش قرار می‌دهد تا مشخص شود، کدهای ایجاد شده از اعتبار و اعتماد کافی برخوردار است و مطالعه اصطلاحاً «سوگیری ذاتی» دچار نشده است (جانسون و جان، ۲۰۰۹). لذا در این مطالعه برای محقق شدن این امر، در ۴ بعد نسبت به مرور نظرات خبرگان پس از پایان کدگذاری اقدام به اعتبارسنجی در بخش کیفی شد.

جدول ۱. اعتبارسنجی مثلث‌سازی ابعاد شناسایی شده

ابعاد مثلث‌سازی	تشریح
مثلث‌سازی منابع داده‌ها	در این بعد هدف ارزیابی تناسب تئوریک یا همراستایی مفهومی مقوله‌ها با منابع علمی در پژوهش‌های گذشته می‌باشد. لذا با توجه به اینکه در این مطالعه براساس ماهیت تحلیل، مقوله‌ها همراستا با مفاهیم نظری از طریق کدگذاری انتخابی استخراج می‌شوند، اعتبار داده‌های کدهای شناسایی شده مورد تأیید می‌باشد. زیرا همراستایی مقوله‌های ایجاد شده با مفاهیم شناسایی شده در پژوهش‌های گذشته صورت گرفته است.
مثلث‌سازی همکاران محقق	در این بعد هدف ارزیابی فرآیند جمع‌آوری داده‌ها در مصاحبه و کدگذاری بود. در واقع تفاسیر ذهنی مصاحبه‌شونده در کدگذاری و طراحی سوالات در جریان مصاحبه مبنای اعتبارسنجی می‌باشد. در این مطالعه با توجه به مشارکت چندین محقق در کنارهم، ضمن نزدیک نمودن تفاسیر ناشی از کدها، هر گونه انحراف در مسیر مصاحبه‌ها و کدها مورد بحث قرار می‌گرفت.
مثلث‌سازی روش	در این بعد هدف روش جمع‌آوری داده‌ها در مطالعه کیفی می‌باشد. به عنوان مثال نحوه‌ی رسیدن به نقطه اشباع تئوریک از دل مصاحبه‌ها مورد توجه می‌باشد. لذا براساس اینکه در جریان مصاحبه از مصاحبه باز (عمیق) و نیمه باز برای رسیدن به نقطه اشباع تئوریک بهره برده شد، لذا می‌توان بیان نمود روش جمع‌آوری داده‌ها از تک‌بعدی بودن خارج و براساس مجموع شیوه‌های مصاحبه و کدگذاری اولیه در محل مصاحبه نسبت به اعتبار مطالعه کمک نموده است.
مثلث‌سازی نظریه	در این بعد که دارای مرز خاکستری به لحاظ اجرا با مثلث‌سازی منابع می‌باشد، هدف لینک‌نمودن مولفه‌ها با مقوله‌ها از مرحله کدگذاری محوری و انتخابی می‌باشد. لذا با توجه به اینکه فرآیند تعیین اسامی تئوریک برای مقوله‌ها براساس تئوری‌های وابسته در سایر دانش بین رشته‌ای همچون مدیریت صورت گرفت، لذا از منظر مثلث‌سازی نظریه نیز کدهای شناسایی شده مورد تأیید می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

همانطور که در روش شناسی مطالعه بیان گردید، طی فرآیند مصاحبه و کدگذاری سه مرحله‌ای روش‌گردد تنوری براساس رویکرد اشتراوس و کوربین، تلاش شد تا جنبه‌های مدل پارادایمی استیلای‌گرایی قدرت شریک حسابرس مشخص شود. لذا طی ۱۲ مصاحبه‌ی انجام شده، جدول (۲) فرآیند کدگذاری‌های پدیده مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. کدگذاری پارادایمی مفهوم استیلای‌گرایی قدرت شریک حسابرس

فرآیند کدگذاری			کدگذاری نظری
مضامین مفهومی	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	
رویکرد تک‌بعدی در مواجهه با حساب‌رسان	ماکیاولگرایی رفتاری شریک حسابرسی	ویژگی‌های فردی	تشریح علی
رویکرد جاه‌طلبانه در مواجهه با حساب‌رسان			
رویکرد عدم‌ثبات رفتاری در مواجهه با حساب‌رسان			
رویکرد تبعیض در مواجهه با حساب‌رسان			
افزایش سطح بالای انتظارات از حساب‌رسان	سبک رهبری آمرانه شریک حسابرسی	ویژگی‌های فرهنگی	
عدم فرصت کافی به حساب‌رسان برای جبران اشتباه			
عدم ارجاع استقلال رفتاری به حساب‌رسان در تصمیم‌گیری			
عدم اجازه‌ی تجربه‌اندوزی به حساب‌رسان	پذیرش فاصله قدرت در حرفه حسابرسی	ویژگی‌های فرهنگی	
پذیرش وجود تبعیض منافع بین شریک با حساب‌رسان			
پذیرش جایگاه بالاتر شریک حسابرسی توسط حساب‌رسان			
پذیرش منزلت اجتماعی بالاتر شریک حسابرسی توسط حساب‌رسان			
پذیرش سطح بالای اطاعت‌پذیری حساب‌رسان از شریک حسابرسی	پذیرش تفاوت فردگرایی نسبت به جمع‌گرایی در حرفه حسابرسی	ویژگی‌های فرهنگی	
اتکاء بیش از حد شریک حسابرسی بر توانمندی‌های فردی			
اتکاء بیش از حد شریک حسابرسی در خودمختاری			
اتکاء بیش از حد شریک در شناخت از حرفه حسابرسی			

فرآیند کدگذاری			کدگذاری نظری
مضامین مفهومی	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	
تأکید بیش از حد شریک در پایبندی به ارتباطات رسمی بین حساب‌رسان			
فقدان توسعه‌ی کدهای رفتاری رهبری در شرکای حسابداری	عدم وجود آموزش حرفه‌ای سبک رهبری شریک حسابداری	عدم نظارت‌های نهادی	شرایط مداخله‌گر
فقدان توسعه‌ی شناخت فراگیرتر شرکای حسابداری از تبعات شیوه‌ی مدیریت انحصارگرایانه			
فقدان توسعه محرک‌های رهبری راهبردی شرکای حسابداری			
بی‌توجهی به ارزیابی ۳۶۰ درجه شریک حسابداری در دادن رتبه به موسسه حسابداری	عدم وجود ارزیابی‌های دوره‌ای شریک حسابداری		
بی‌توجهی به تناسب گذرانیدن دوره‌های آموزشی با عملکردهای مدیریت شرکای حسابداری در ارزیابی			
بی‌توجهی به تعیین معیارهای تخصصی در ارزیابی شریک حسابداری			
بی‌اعتنایی ساختاریافته در پایبندی حساب‌رسان به حفاظت از حقوق ذینفعان	عدم وجود زمینه‌های هویت حرفه‌ای حسابداری	بی‌اعتمادی اجتماعی	شرایط زمینه‌ای
بی‌اعتنایی ساختاریافته در پایبندی حساب‌رسان به ارزش‌های اجتماعی			
بی‌اعتنایی ساختاریافته در پایبندی حساب‌رسان به اشتراک‌گذاری دانش حسابداری			
عدم تناسب شرایط اقتصادی با درآمد حساب‌رسان	عدم وجود انگیزه‌های حرفه‌ای حسابداری		
عدم تناسب تقویت مثبت با تعهدهای حرفه‌ای حساب‌رسان			
عدم تناسب رقابت حرفه‌ای با سهم حساب‌رسان در ساختار موسسه حسابداری			
تمرکز بر دستیابی حساب‌رسان به اهداف تعیین شده طبق بودجه‌بندی زمانی در حسابداری	تمرکز بر تقویت کارایی حساب‌رسان	توسعه راهبرد سرباز وفادار	المنهج الترقی‌ها

فرآیند کدگذاری			کدگذاری نظری
مضامین مفهومی	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	
تمرکز بر نسبت نتایج به دست آمده از عملیات (ستانده) به منابع مصرف شده (داده) توسط حسابرسان به عنوان مبنای ارتقاء جایگاه آنان	تمرکز بر رهبری در هزینه حسابرسان	کاهش تعداد حسابرسان به منظور مدیریت هزینه‌های موسسه حسابرسی (کارانه) به حسابرسان	توسعه راهبرد متعهدانه
تمرکز بر نسبت تعداد حسابرسان به قراردادهای حسابرسی به عنوان مبنای تخصیص پاداش			
کاهش تعداد حسابرسان به منظور مدیریت هزینه‌های موسسه حسابرسی			
افزایش بار فشار کاری بر حسابرسان از طریق اضافه کردن ساعات کاری	تمرکز بر پرورش استعداد حسابرسان	تأکید پیش از اندازه شریک در تحریک خلافت حسابرسان	
کاهش حق‌الزحمه حسابرسان باهدف رقابت موسسه در بازار حسابرسی			
تأکید پیش از اندازه شریک در تحریک خلافت حسابرسان			
تأکید پیش از اندازه شریک در تداوم تعهد حسابرسان به مؤسسه	تمرکز بر پرورش استعداد حسابرسان	تأکید پیش از اندازه شریک بر پایداری حسابرسان به فرهنگ مؤسسه حسابرسی	نقض کیفیت کار و زندگی حرفه‌ای
متمرکز شدن بر ارتقاء آموزش‌های کارگاهی به حسابرسان			
متمرکز شدن بر کسب تجربه حسابرسان			
متمرکز شدن بر ارزیابی حسابرسان جهت ارتقاء حقوق و دستمزد	برهم خوردن تعادل حرفه‌ای حسابرسی	ایجاد تعارض بین نقشی حسابرسان	
تقویت استرس شغلی حسابرسان			
تقویت منبع کنترل بیرونی حسابرسان			
تقویت بی‌ثبات هیجانی حسابرسان	برهم خوردن تعادل حرفه‌ای حسابرسی	ایجاد تعارض خانواده-کار حسابرسان	نقض قابلیت‌های حسابرسی

در ادامه و باهدف افزایش سطح آگاهی از ماهیت شناسایی کدهای برآمده از مصاحبه‌های پژوهش، اطلاعات تکمیلی تری براساس توزیع فراوانی داده می‌شود. در واقع طبق جدول (۲)

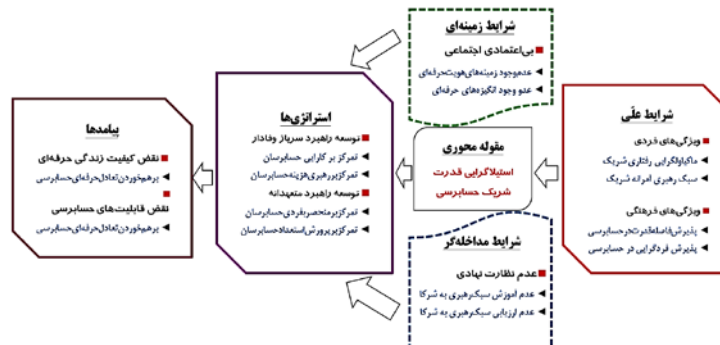
نحوه تفکیک مفاهیم شناسایی شده براساس فرآیند سه مرحله‌ی کدگذاری در مضامین، مولفه‌ها و مقوله‌های شناسایی شده‌ی پدیده استیلاگرایی قدرت شریک حسابرس مشخص می‌شود.

جدول ۲. تفکیک کدهای مصاحبه

مجموع سطری	توزیع فراوانی	کدهای مفهومی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	کدگذاری پارادایمی
۸۹	٪۷,۲۵	۲۳	۴	ماکیاولگرایی رفتاری شریک	ویژگی‌های فردی	شرایط عالی
	٪۷,۸۸	۲۵	۴	سبک رهبری آمرانه شریک	ویژگی‌های فرهنگی	
	٪۶,۹۴	۲۲	۴	پذیرش فاصله قدرت		
	٪۵,۹۹	۱۹	۴	پذیرش تفاوت فردگرایی به جمع‌گرایی		
۵۱	٪۷,۵۷	۲۴	۳	عدم وجود آموزش حرفه‌ای سبک رهبری شریک حسابرسی	عدم نظارت‌های نهادی	شرایط مداخله‌گر
	٪۸,۵۱	۲۷	۳	عدم وجود ارزیابی‌های دوره‌ای شریک حسابرسی		
۴۶	٪۶,۶۲	۲۱	۳	عدم وجود زمینه‌های هویت حرفه‌ای حسابرسی	بی‌اعتمادی اجتماعی	شرایط زمینه‌ای
	٪۷,۸۸	۲۵	۳	عدم وجود انگیزه‌های حرفه‌ای حسابرسی		
۸۰	٪۵,۹۹	۱۹	۳	تمرکز بر تقویت کارایی حسابرسان	توسعه راهبرد سرباز وفادار	استراتژی‌ها
	٪۶,۶۲	۲۱	۳	تمرکز بر رهبری در هزینه حسابرسان		
	٪۷,۲۵	۲۳	۳	تمرکز بر منحصرنبرد بودن حسابرسان	توسعه راهبرد متعهدانه	

مجموع سطری	توزیع فراوانی	کدهای مفهومی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	کدگذاری پارادایمی
	۵,۳۶٪	۱۷	۳	تمرکز بر پرورش استعداد حسابرسان		
۵۱	۷,۸۸٪	۲۵	۳	برهم خوردن تعادل حرفه‌ای حسابرسی	نقض کیفیت کار و زندگی حرفه‌ای	ک د ب ا ی م د ل
	۸,۲۵٪	۲۶	۳	برهم خوردن تعادل اثربخشی حرفه‌ای حسابرسی	نقض قابلیت‌های حسابرسی	
	۱۰۰٪	۳۱۷	۴۶	شش مولفه شناسایی شده	مجموع ستونی	

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، براساس توزیع فراوانی کدهای ناشی از مصاحبه‌ها مشخص گردید، از مجموع ۱۲ مصاحبه در بازه تقریبی ۷۱۵ دقیقه، مجموعاً ۳۱۷ کدباز، ۴۶ مضمون؛ ۱۴ مولفه و ۸ مقوله اصلی ایجاد شدند که براساس آن، مدل پارادایمی استیلای‌گرایی قدرت شریک حسابرسی در قالب شکل (۳) ارائه شده است:



شکل ۳. مدل پارادایمی استیلای‌گرایی قدرت شریک حسابرسی

در ادامه و باهدف، توصیف جامع‌تر از کدهای شناسایی شده تلاش می‌شود تا با ارجاع به مصاحبه‌های دارای فراوانی بالاتر از نظر تکرار مضامین شناسایی شده، از طریق تکنیک سیر داستان در فرآیند گزند تئوری، سطح شناخت محتوایی از ابعاد پارادایمی مدل توسعه یابد. لذا طی این گام از فرآیند گزند تئوری، به خلاصه‌ای از مصاحبه‌های انجام شده‌ی مربوط به هر

مضمون ارجاع می‌شود تا توصیف یکپارچه‌ای از ابعاد پارادایمی استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی ارائه شود.

◀ شرایط علی

شرایط علی در رویکرد پارادایمی گرندد توری، اشاره به دلایل و مضامین بروز پدیده مورد بررسی دارد. از آنجاییکه مفهوم استیلاگرایی قدرت شریک، یک کارکرد منفی در عرصه‌ی حرفه حسابرسی تلقی می‌شود، در جریان مصاحبه تلاش گردید تا علل بروز این پدیده در جریان کدگذاری‌ها ظهور یابد. لذا مشخص گردید دو عامل ویژگی‌های فردی و فرهنگی می‌تواند به عنوان علل شکل‌گیری استیلاگرایی قدرت شریک نقش مهمی داشته باشد. در رابطه با ویژگی‌های فردی می‌بایست به این موضوع اشاره گردد که خصیصه‌ی اعمال قدرت گرایی تک‌بعدی، متناسب به بخش مهمی از اختلال‌های فرد دارای چنین رویکردی می‌تواند بروز داده شود. به عنوان مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان در رابطه با ویژگی‌های فردی/رفتاری بیان نمود:

«یک شریک دارای رویکرد انحصارطلبانه تلاش می‌کند تا قدرت را به گونه‌ی در اختیار گیرد که زمینه برای توسعه‌ی جاه طلبی او وجود داشته باشد. لذا وجود چنین رویکردی در این نوع از شرکاء، ریشه در زمینه‌های شناخت فردی از موقعیت‌های قابل اقتدار دارد که می‌تواند تبعیض و نابرابری‌های بین زیردستان (حسابرسان) را افزایش دهد.»

همچنین، سبک رهبری آمرانه شریک حسابرسی، محور دیگری از علل بروز استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی تلقی می‌شود که به دلیل فشارهای ناشی از انتظارات شریک بر حسابرسان، آزادی عمل آنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این سبک از رهبری شریک فرصت کافی برای جبران اشتباهات به حسابرسان نمی‌دهد و این مسئله تجربه آنان در مسیر کارراهه حرفه‌ای را با چالش مواجه می‌کند. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌نماید:

«غیرقابل کتمان است که شیوه‌ی رهبری آمرانه‌ی شریک باعث می‌شود تا فشار زیادی به حسابرسان وارد شود، چراکه جایگزینی مداوم ارزش‌ها باعث می‌شود تا حسابرسان از استقلال رفتاری و تخصصی کمتری به دلیل ترس از اشتباه و عدم مجال کافی برای جبران آن، برخوردار باشند.»

از طرف دیگر مشخص گردید، ویژگی‌های فرهنگی، مقوله‌ی علی دیگری است که می‌تواند در بروز اختلال استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی مؤثر باشد. طبق این مقوله دو محور پذیرش فاصله قدرت شریک و فردگرایی در تصمیم‌گیری توسط حسابرسان ایجاد شدند که

بیان‌کننده‌ی این مسئله می‌باشند که شرکای حسابرسی در بسترهای حرفه‌ای از ظرفیت‌های موجود برای تملک‌گرایی قدرت خود بهره‌ی لازم را می‌برند و این مسئله می‌تواند منزلت اجتماعی حساب‌برسان را تحت تأثیر قرار دهد. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌کند:

«اگر به ویژگی‌های مورد تأکید هافستد ارجاع شود، می‌توان دریافت که عامل شکل‌گیری استیلا‌گرایی قدرت شریک، می‌تواند در ارزش‌های فرهنگی ریشه داشته باشد که با ایجاد فاصله‌ی قدرت با حساب‌برسان، به شرکاء این فرصت را می‌دهد تا از طریق تصمیم‌های فردی و خودمختارگرایانه، صرفاً اهدافی را دنبال نماید که به حفظ جایگاه او کمک نماید. لذا در بسترهای حرفه‌ای که رویکردهای فرهنگی پذیرش قدرت شریک را یک ارزش تلقی می‌کنند، می‌تواند زمینه برای بروز استیلا‌گرایی قدرت شریک حساب‌برس تقویت شود.»

اگرچه پژوهش مشابهی با فرآیند این مطالعه انجام نشده است، اما مقوله‌ها و مولفه‌های پدیدآمده از صورت‌بندی معنایی استخراج مضامین نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که، با وجود دو مبنای ویژگی‌های فردی و فرهنگی، امکان به وجود آمدن استیلا‌گرایی قدرت شریک حساب‌داری بیشتر مهیا باشد. لذا به لحاظ محتوایی می‌توان ظهور کدهای این بخش را با پژوهش هایچنگ و همکاران (۲۰۲۱) و مهدوی و زمانی (۱۴۰۰) بیشتر تطبیق داد.

◀ شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای در مدل پارادیمی گرند تئوری، اشاره به مجموعه عوامل تسهیل‌کننده‌ی بروز پدیده‌ی مورد بررسی دارد. این شرایط در واقع عاملی تسهیل بر بروز شرایط علی محسوب می‌شود. به عنوان مثال وجود دو مقوله‌ی فردی و فرهنگی، زمانی می‌تواند در بروز استیلا‌گرایی قدرت شریک حساب‌برسی نقش مؤثرتری را ایفا نماید که عامل شرایط زمینه‌ای (در این مطالعه بی‌اعتمادی اجتماعی) به اثربخشی منفی آن کمک نماید. در این مطالعه مقوله‌ی بی‌اعتمادی اجتماعی که عاملی برای پیشبرد ارزش‌های بیرون به درون حرفه حساب‌برسی می‌تواند تلقی شود، باعث عدم شکل‌گیری زمینه‌های هویت حرفه‌ای حساب‌برسی و انگیزه‌های تحریک شده در حساب‌برسان می‌گردد. به عنوان مثال ایری و همکاران (۱۳۹۸) با بسط تئوری کامیابی فراخود به حرفه حساب‌برسی به این موضوع اشاره می‌نمایند که فقدان ارزش‌های مشخص و قوام یافته اجتماعی و برآمده از انتظارات ذینفعان می‌تواند نشان‌دهنده‌ی سطح بی‌اعتمادی به حرفه

حسابرسی تلقی شود. تحت وجود چنین زمینه‌ای، عملاً هویت حرفه‌ای نمی‌تواند عامل بازدارنده‌ای در تملک‌گرایی قدرت شریک حسابرسی محسوب گردد. به عنوان مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان در این رابطه مطرح می‌کند:

«... [این مسئله الزاماً در زمینه‌هایی مثل خود حرفه حسابرسی نمی‌تواند باشد بلکه باید با نگاهی فراگیرتر به زمینه‌های اجتماعی رجوع نمود تا دریافت که اساساً چرا ارزش‌های اجتماعی نمی‌تواند به هویت ادراک شده‌ی حسابرسان یا کلیه متصدیان حرفه‌ای در این عرصه کمک نماید. من فکر می‌کنم بخش مهمی از آن به نوع باورهای اجتماعی ذینفعان نسبت به رعایت حقوق شان در شرکت‌ها بر می‌گردد که با اتفاقات چند سال گذشته در بازار بورس این مسئله بیشتر تقویت شد، زیرا حتی حسابرسان مستقل نقش چندانی را نتوانستند در شفاف‌سازی و بیان چرایی بروز چنین اتفاقاتی ایجاد کنند.»

بنظر می‌رسد تحت چنین فضایی، حرفه حسابرسی بیش از آنکه مسیر خود را در ارزش‌های تخصصی و اجتماعی جستجو کند و حسابرسان را در این مسیر ترغیب نماید، بیشتر با چالش‌های قدرت‌گرایی شرکاء حسابرسی مواجه هستند. زدوبندهای پشت پرده باعث شده تا بازار حسابرسی از رقابت خارج شود و این مسئله نتواند به لحاظ منافع مادی با توجه به شرایط اقتصادی، عاملی برای انگیزه‌های حرفه‌ای حسابرسان باشد. زیرا اولویت دادن به ارزش‌هایی به غیر از ارزش‌های مادی به ویژه در حرفه حسابرسی نیازمند وجود زمینه‌های توسعه یافته‌تری از ارزش‌های اجتماعی می‌باشد.

«وقتی شرایط اقتصادی در تلاطم باشد، اکثر حرفه‌ها با چالش اولویت‌انگیزه‌های مادی بر انگیزه‌های درونی و ارزشی مواجه هستند. این مسئله تعهد و تناسب رقابت حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود تا شرکاء حسابرسی از طرق مختلفی در تلاش برای حفظ سهم بازار خود و یا دستیابی به سهم بیشتر بازار حسابرسی باشد. تحت این شرایط مشخص است که نمی‌توان انتظار داشت الزاماً شرکاء آنطوری عمل نمایند که انگیزه‌های رفتاری و تخصصی حسابرسان حفظ شود.»

لذا با بروز دو محور عدم وجود زمینه‌های هویت حرفه‌ای حسابرسی و عدم وجود انگیزه‌های حرفه‌ای حسابرسی، شرایط زمینه‌ای استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی به گونه‌ای تقویت می‌شود تا شرکاء به دنبال ارزش‌هایی به غیر از آن دسته از ارزش‌های اجتماعی باشند که مورد تأکید آیین رفتار حرفه‌ای بوده است. می‌توان معیارهای شناسایی شده در شرایط زمینه‌ای را با پژوهش‌های بزرگمهریان و یزدانیان (۱۴۰۰) و ایری و همکاران (۱۳۹۸) همسو تلقی نمود،

چراکه مرور محتوایی متون پژوهش فوق، این مسئله را اذعان می‌نمایند که تحریک ارزش‌های اجتماعی عامل محرکی برای پویایی حرفه حسابرسی تلقی می‌شود.

◀ شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر در گزند تئوری، مجموعه عواملی را شامل می‌شود که سبب تحریک بکارگیری استراتژی‌های الگوی پارادایمی در رابطه با پدیده مورد بررسی می‌گردد. در مورد پدیده استیلای‌گرایی قدرت شریک حسابرسی، معمولاً معیارهایی می‌تواند وجود داشته باشد که باعث کنترل این شیوه از اداره‌ی شرکای حسابرسی گردد که در صورت فقدان آن می‌تواند به تقویت بیشتر آن منجر شود. عدم نظارت نهادی توسط سازمان‌های بالادستی و ناظر بر عملکردهای موسسه‌های حسابرسی همواره، جزء شرایطی تلقی می‌شوند که می‌تواند این پدیده را گسترده‌تر نماید. عدم وجود آموزش‌های حرفه‌ای سبک رهبری شرکاء حسابرسی اولین محور مؤثر در شرایط مداخله‌گر تلقی می‌شود که اشاره به عدم بسط کدهای رفتار رهبری در قالب آیین‌نامه‌ها یا دستورالعمل‌ها دارد و می‌تواند به انحصار‌گرایی بیشتر آنان منجر شود.

«به عقیده‌ی بنده این مسئله، نوع رویکرد انتقادی به شیوه‌ی نظارت بر عملکردهای شرکاء حسابرسی می‌تواند تلقی گردد که هیچ نهادی طرح و برنامه‌ای برای توسعه سبک رهبری متعامل در حسابرسی ارائه نمی‌کند و این مسئله فضای بازتری را در اختیار شرکا قرار می‌دهد تا آنطور که می‌خواهند، حسابرسان را مدیریت نمایند. بنظر لزوم توسعه‌ی کدهای اخلاقی از طریق آیین رفتار حرفه‌ای در این زمینه می‌تواند تا به تقویت رویکردهای استراتژیک شرکاء حسابرسی در قالب برنامه‌های رهبری راهبردی کمک نماید.»

از طرف دیگر، هیچ معیار منسجمی برای ارزیابی عملکرد شرکای حسابرسی در سیاست‌ها و برنامه‌های نهادی، از جانب سازمان‌های بالادستی ارائه نشده است و غالب جهت‌گیری‌ها در این زمینه، ارزیابی‌های تخصصی و رقابتی موسسه‌های حسابرسی است که این مسئله باعث گردیده تا علیرغم وجود آموزش‌هایی که غالباً باهدف توسعه‌ی کیفیت حسابرسی صورت می‌گیرد، خروجی اثربخشی در تعامل شریک با حسابرسان نداشته باشد.

«بنیاد نباید از این مسئله غافل شد که ریل‌گذاری‌های صورت گرفته در زمینه نظارت بر موسسه‌های حسابرسی، عموماً به صورت تک‌بعدی و باهدف رعایت استانداردها و آیین رفتار حرفه‌ای ایجاد شده است که این مسئله نقش ارزیابی‌های کیفی و درونی مؤسسات حسابرسی را نادیده می‌گیرد و حقوق حسابرسان به دلیل تحکیم‌های رفتاری و یک طرفه‌ی شرکاء حسابرسی نقض می‌کند.»

لذا تحت چنین شرایطی، رویکردهای راهبردی شریک در استفاده از قدرت و انحصاری کردن آن توسعه می‌یابد و زمینه برای راهبردهای تملک‌طلبانه‌ی استیلاگرایی قدرت بیشتر باز می‌شود. ظهور دو مولفه‌ی عدم وجود آموزش حرفه‌ای سبک رهبری شریک حسابرسی و عدم وجود ارزیابی‌های دوره‌ای شریک حسابرسی، در شناخت استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی به عنوان شرایط بیرون از ارتباط مؤثر شریک با حسابرس، می‌تواند قابل توجه باشد. موضوعی که با مرور پژوهش‌های دیگر می‌توان دریافت که چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

◀ استراتژی‌ها

فرآیند استراتژی در مدل پارادایمی اشاره به شیوه‌های پیاده‌سازی پدیده مورد بررسی در قالب گرندت تئوری دارد. این فرآیند در مدل اشتراوس و کورین، در راستای یک مسئله پژوهشی، در واقع نشان دهنده‌ی بکارگیری رویه‌هایی است که باعث ایجاد پیامدها می‌شود. در این مطالعه استراتژی‌های استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی تمرکز بر دو راهبرد توسعه سرباز وفادار و راهبرد متعهدانه می‌باشد که شرکای حسابرسی از طریق آن در پی دستیابی به اهداف تملک‌طلبانه‌ای هستند تا تأمین‌کننده‌ی رویکردهای آنان باشد. در راهبرد توسعه سرباز وفادار که تعمیمی از استراتژی‌های منابع انسانی می‌باشد، شریک حسابرسی تلاش می‌کند تا با توسعه کارآیی و رهبری در هزینه‌ها، با صرف کمترین منابع به حداکثر منافع دستیابد. معمولاً شریک حسابرسی با تعیین نسبت‌هایی مثل رسیدن به اهداف براساس بودجه بندی زمانی و تعداد حسابرسان از نظر هزینه با قراردادهای منعقد شده، ارزیابی می‌کند که تاچه اندازه به منافع مادی بالاتری می‌تواند دستیابد. لذا این راهبرد احتمالاً بار روانی بیشتری را به حسابرسان وارد می‌کند. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند:

«یکی از راه‌هایی که شرکای حسابرسی از طریق آن استیلاگرایی قدرت را توسعه می‌دهند، کاهش حق الزحمه حسابرسان است که معمولاً در پس زمینه راهبردهای رقابتی مؤسسه حسابرسی می‌تواند تأمین‌کننده‌ی منافع صرف شرکای حسابرسی باشد. یا اینکه تعداد حسابرسان را براساس نوع قراردادهای حسابرسی کاهش می‌دهد. لذا تمرکز بر چنین راه‌کارهایی می‌تواند نشان دهنده‌ی این مسئله باشد که شریک تلاش دارد تا بازده بالاتری را از عملکردهای حسابرسان بدست آورد که این مسئله با توجه به وجود استرس کاری حسابرسی، نوعی استثمار آنان می‌باشد.»

همچنین راهبرد متعهدانه در رابطه با بسط استیلا‌گرایی قدرت شرکاء نوعی رویکرد پوششی برای ترغیب حسابرسان به ماندن در مؤسسه حسابرسی می‌باشد. در این راهبرد معمولاً شریک با ترویج ارزش‌هایی مثل خلاقیت و تعهد و یا فرهنگ ساختاری خود تلاش می‌نماید تا اهداف مورد تأکید خود را دنبال نمایند. این راهبرد به شرکاء حسابرسی کمک می‌کند تا از طریق ارزیابی مداوم حسابرسان، باهدف ایجاد رقابت، شیوه‌ی پرداخت به آنان را صرفاً با کار بیشتر حسابرسان پاسخ دهند که این مسئله نیز می‌تواند مبنایی برای تملک‌طلبی آنان در این حرفه تلقی شود. لذا طبق دو مقوله اکتشاف شده در استراتژی استیلا‌گرایی قدرت شریک که شامل توسعه راهبرد سرباز وفادار و توسعه راهبرد متعهدانه، شرکاء تلاش می‌کنند تا حسابرسان را به عنوان یک ابزار تخصصی حفظ نمایند تا منافع آنان تأمین شود. مرور پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد دو پژوهش سیدجوادین و همکاران (۱۳۹۹) و ولیان و همکاران (۱۳۹۷) به نقش استراتژی‌های منابع انسانی در حسابرسی توجه نموده‌اند و مضامین محوری شناسایی شده در استراتژی را می‌توان با آن تطبیق داد.

◀ پیامدها

آخرین بخش از مدل پارادایمی در رویکرد اشتراوس و کورین در فرآیند کدگذاری گردند تئوری، تعیین پیامدهای مدل می‌باشد. در این مطالعه دو مقوله‌ی نقض کیفیت کار و زندگی حرفه‌ای و نقض قابلیت‌های حسابرسی به عنوان ماحصل رویکرد استیلا‌گرایی قدرت شریک حسابرسی قابل تصور می‌باشد که می‌تواند به افزایش سرخوردگی‌های حرفه‌ای حسابرسان از منظر بروز تعارض و برهم خوردن تعادل اثربخشی حرفه حسابرسی منجر شود. یکی از منبعت‌ترین تعارض‌های شغلی در حسابرسان، نقطه‌ای است که نقش حسابرسان به درستی در کارکردهای عملکردهای تخصصی در مؤسسه حسابرسی توسط شرکاء تعریف نمی‌شود و باعث می‌گردد تا حسابرسان دچار فرسایش شغلی گردند. از طرف دیگر تعارض کار-خانواده در حرفه حسابرسی موضوعی است که پژوهش‌هایی زیادی همچون آلیمپیا و ریچماواتی (۲۰۲۱)؛ امیرالدین (۲۰۱۸) و یوستینا و والرینا (۲۰۱۸) به آن اشاره نموده‌اند که می‌تواند به دلیل تنش‌های شغلی انبوه در حرفه حسابرسی ایجاد شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این رابطه مطرح می‌کند:

«وقتی حسابرسان در جو و ساختاری از تنش‌های بین‌نقشی و یا مسئولیت‌های پرفشار

کاری قرار می‌گیرند، به تدریج دچار فرسایش شغلی در مسائل دارای مسئولیتی به غیر از

حسابرسی می‌شوند. به عنوان مثال قادر نخواهند بود تا نقش‌های اجتماعی یا نقش‌های خانوادگی را همچون گذشته ایفا نمایند. مشخص است نقش یک شریک و شیوه‌ی تعامل آن با حساب‌برسان، حتی فراتر از آن با خانواده هایشان می‌تواند در این رابطه بسیار مثرتر باشد، زیرا به ایجاد تعادل حرفه‌ای برای حساب‌برسان منجر خواهد شد.

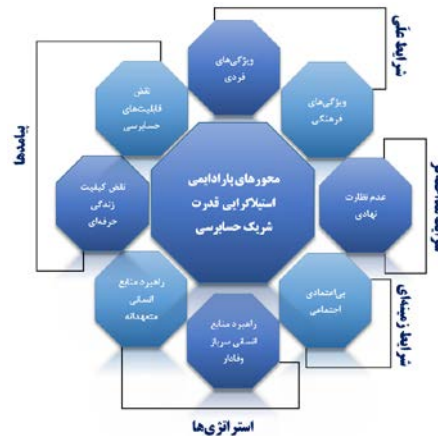
از طرف دیگر برهم خوردن تعادل اثربخش در حسابرسی، ماحصل پیامدی دیگر استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی تلقی می‌شود که استرس‌های شغلی، منبع کنترل بیرونی و بی‌ثباتی هیجانی را می‌توان برای این پیامد برشمرد. حساب‌برسان دارای استرس شغلی، قدرت استدلال و مواجهه با شرایط بحرانی و پر تنش حرفه حسابرسی را نخواهند داشت و این مسئله به مرور کارکردهای آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان در این رابطه جالب توجه است:

«یک حسابرس وقتی از قابلیت‌های لازم در کنترل روانشناختی برخوردار نباشد، عملاً اثربخشی لازم را نخواهد داشت و این موضوعی است که یک شریک آگاه می‌بایست از طریق کاهش تنش‌های درون مؤسسه‌ای آن را کنترل نماید و فضای لازم برای آزادی عمل حساب‌برسان را مهیا کند تا بتوانند به ایفای نقش مؤثرتری در این بستر بپردازند.»

همانطور که مشخص است، مسئله‌ی کیفیت زندگی حرفه‌ای و قابلیت‌های حسابرسی دو مبنای دارای ارتباط رفت و برگشتی بر کارکردهای حساب‌برسان می‌توانند تلقی شوند که شرکای حسابرسی اگر به دنبال تملک قدرت و استیلاگرایی آن برای منافع خود باشند، باعث کاهش اثربخشی و برهم خوردن تعادل حرفه‌ای حساب‌برسان خواهند شد. دو مقوله و مولفه‌ی شناسایی شده به عنوان پیامدهای استیلاگرایی قدرت شریک حسابرسی، در پژوهش‌هایی همچون غلامی‌فتیده و همکاران (۱۴۰۱) و ولیان و همکاران (۱۳۹۸) به انحاء مختلف مورد تأکید قرار گرفته‌اند تا نشان از تطبیق معیارهای ظهوریافته در رابطه با پدیده‌ی مورد بررسی این مطالعه باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه طراحی چارچوب استیلاگرایی قدرت شرکای حسابرسی می‌باشد که از طریق رویکرد گرنرد تنوری، پژوهش به دنبال شناسایی علل کلیدی مؤثر بر آمرانه‌گرایی شریک حسابرسی بود. در این مطالعه همانطور که فرآیندهای تحلیلی نشان داد، پژوهش از طریق ابعاد پارادایمی ۵ محور علی؛ زمینه‌ای؛ مداخله‌گر؛ استراتژی‌ها و پیامدها را در رابطه با استیلاگرایی قدرت شرکای حسابرسی مورد بررسی قرار داد.



شکل ۴. محورهای مدل پارادایمی استیلای‌گرایی قدرت شرکای حسابرسی

در واقع استیلای‌گرایی قدرت شرکای حسابرسی گویایی این مسئله است که شیوه‌ی تعامل با حساب‌سازان به شدت می‌تواند تعارض‌آمیز و همراه با کاهش انگیزه‌های شغلی باشد. زیرا شرکای حسابرسی بر اساس رویکرد استیلای‌گرایی قدرت تلاش می‌کنند تا با تسلط بر جزئی‌ترین امور حرفه‌ای در ساختارهای مؤسسه و به واسطه‌ی سبک رهبری دستوری (آمرانه) حساب‌سازان را کنترل نمایند و این مسئله می‌تواند ریشه در ویژگی‌های فردی یا حتی فرهنگی جوامع مثل وجود ریشه‌های ارباب‌رعیتی در گذشته، داشته باشد. به عنوان مثال ویژگی فردی شریک دارای استیلای‌گرایی قدرت، رویکردی از ماکیاوولگری رفتار را نشان می‌دهد که سبب می‌شود تا شرکاء حسابرسی به دنبال جاه‌طلبی خود، حقوق حساب‌سازان را تضییع نمایند که این مسئله نوعی تملک‌طلبی ساختاری در سبک رهبری دستوری به حساب می‌آید. از طرف دیگر پذیرش نقش ارزش‌های فرهنگی مربوط به جایگاه شرکاء حسابرسی توسط حساب‌سازان شاغل در مؤسسه حسابرسی، عامل دیگری در بروز استیلای‌گرایی قدرت است که یادآور شیوه‌های نمایش یک طرفه‌ی قدرت سالاری بالادست بر زیردستانی است که مجبور به پذیرش فاصله‌ی قدرت و تصمیم‌گیری فردگرایانه، می‌باشد که باعث می‌شود حساب‌سازان در مؤسسه‌های حسابرسی صرفاً نقش اطاعت‌کننده‌ی اوامر را داشته باشند. اما نمی‌توان الزاماً این مسئله را به فرد یا فرهنگ نسبت داد، بلکه ارزش‌هایی همچون اعتماد در بسترهای اجتماعی هستند که به ایجاد هویت حرفه‌ای در حسابرسی کمک می‌کنند و مانع از این می‌شوند تا حساب‌سازان به هر قیمتی با شرکاء تملک‌گرایی قدرت همکاری و تعامل داشته باشند. از طرف دیگر فقدان نظارت‌های نهادی مستمر بر رویکردهای شیوه‌ی رهبری شریک حسابرسی، چالشی است که

حسابرسان در ساختارهای مؤسسه‌ی حسابداری با آن مواجه می‌باشند. این عوامل به تحریک استفاده‌ی استیلاگرایی قدرت شرکای حسابداری کمک می‌نمایند و آنان نیز از طریق راهبردهایی همچون سرباز وفادار و تمرکز بر راهبرد متعهدانه، تلاش می‌نمایند تا سطح دستیابی به کارایی را افزایش دهند. اگرچه دستیابی به کارایی به عنوان یک مبنا نمی‌تواند به خودی خود در حرفه حسابداری منفی ارزیابی شود، اما زمانیکه با شیوه‌ی رهبری استیلاگرایانه یا دستوری هم‌آمیز شود، می‌تواند به ایجاد شکاف انتظارات بین حسابرسان با شرکاء منجر شود و بستر برای افزایش فشار کاری بر حسابرسان را مهیا نماید. لذا تسلسل این فرآیندها باعث خواهد شد تا حسابرسان با چالش‌های عمیقی از جمله کاهش کیفیت زندگی کاری و از دست دادن اثربخشی قابلیت‌های حسابداری مواجه باشند. مسئله‌ای که می‌تواند با برهم خوردن تعادل بین نقش‌های حرفه‌ای حسابرسان با سایر نقش‌های اجتماعی در قالب تعارض کار-خانواده خودنمایی کند و استرس و فرسایش شغلی بیشتری برای حسابرسان به همراه داشته باشد. به منظور تطبیق محورهای شناسایی با پژوهش‌های انجام شده نیز طبق جدول (۳) اقدام می‌شود.

جدول ۳. تطبیق محورهای شناسایی شده با پژوهش‌های مشابه

پژوهش‌ها	محورهای شناسایی شده	هاینگ و همکاران (۲۰۲۱)	آلبینا و ریچماوتی (۲۰۲۱)	امیرالدین (۲۰۱۸)	یوسینیا و والرینا (۲۰۱۸)	غلامی نژاده و همکاران (۱۴۰۱)	نزرگهریان و یزدانیان (۱۴۰۰)	مهدوی زمانی (۱۴۰۰)	سپاجوادین و همکاران (۱۳۹۹)	ولیان و همکاران (۱۳۹۸)	ایری و همکاران (۱۳۹۸)	ولیان و همکاران (۱۳۹۷)
شرایط علی	ویژگی‌های فردی	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	-
	ویژگی‌های فرهنگی	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-
شرایط مداخله‌گر	عدم نظارت‌های نهادی	-	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>
	بی‌اعتمادی اجتماعی	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-
استراتژی‌ها	توسعه راهبرد سرباز وفادار	-	-	-	-	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>
	توسعه راهبرد متعهدانه	-	-	-	-	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>
پیامدها	نقض کیفیت زندگی حرفه‌ای	-	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-
	نقض قابلیت‌های حسابداری	-	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-

همانطور که مشاهده می‌شود، محورهای شناسایی شده به انحاء مختلف در پژوهش‌های مشابه نشان دهنده‌ی اثرگذاری بر کارکردهای حرفه‌ای حسابرسی می‌باشد که این مطالعه از طریق ارائه‌ی یک مدل پارادایمی تلاش نمود تا به آن انسجام بیشتری را بدهد و از طریق تطبیق با نتایج مشابه نسبت به اعتباربخشیدن به محورهای شناسایی اقدام کند. لذا با توجه به نتایج ارائه شده پیشنهادهای زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به اهمیت مطالعه حاضر به سیاستگذاران عرصه حسابرسی توصیه می‌شود تا در کنار استانداردهای حسابرسی، نسبت به تقویت هنجارگرایی رفتار شرکاء حسابرسی کدهایی در آیین رفتار حرفه‌ای اضافه و یا اصلاح شود تا بتواند نسبت به تقویت مکانیزم‌های اثربخش حرفه حسابرسی توسط متصدیان آن اقدام نمود و از این طریق ارزش‌های اجتماعی قابل اعتمادتری به حرفه حسابرسی اضافه نمود. از طرف دیگر پیشنهاد می‌شود تا صنفی یا کانونی باهدف حمایت از حقوق حسابرسان ایجاد شود تا رویکردهای استیلای‌گرایانه‌ی قدرت شرکاء حسابرسی و حتی تبعیض‌های جنسیتی در مؤسسه‌های حسابرسی به میزان زیادی کاهش یابد. در نهایت نیز پیشنهاد می‌شود تا ارکان‌های سیاستگذار در حوزه حرفه حسابرسی، از طریق ایجاد رقابت برابر در سطح این بازار، مانع از بروز هژمونی انحصارگرایانه‌ی مؤسسه‌های حسابرسی گردد که به دلیل دارا بودن سهم بیشتر بازار حسابرسی، دست بالاتر را در تعامل با حسابرسان داشته باشند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- آذرباهمان، علیرضا؛ کامیابی، یحیی؛ ملکیان، اسفندیار. (۱۴۰۰). هژمونی فرهنگ اخلاق حرفه‌ای در حسابرسی و ارزیابی پیامدهای آن، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۶(۱۲): ۵۷-۹۵.
- آیری، اسحاق؛ ولیان، حسن؛ صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر کامیابی فراخود بر کیفیت اظهارنظر حسابرسان، حسابداری مالی، ۱۱(۴۴): ۶۳-۸۷.
- بامری، مرضیه؛ صفری گرایلی، مهدی؛ ولیان، حسن. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر حمایت ادراک شده شریک حسابررس بر نگرش‌های مبتنی بر بی‌طرفی و شک در تردیدحرفه‌ای و پیامدهای رفتاری حسابررس، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۴(۸): ۹۳-۱۲۹.
- بزرگمهریان، شاهرخ؛ یزدانیان، نرگس. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر کامیابی فراخود بر توسعه ارزش‌های اخلاقی حسابرسان، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۰(۳۸): ۱۱۵-۱۲۷.
- سرحدی، حسن؛ عبدلی، محمدرضا؛ ایزی، رویا. (۱۳۹۹). ارائه الگوی تفسیری/ساختاری از مضامین قراردادهای روانکاوانه‌ی تعاملات فردی حسابررس با شرکاء، مطالعات رفتاری در مدیریت، ۱۱(۲۴): ۱۷-۱.
- سیدجوادین، سیدرضا؛ صفری، حسین؛ مشایخی، بیتا؛ تقی‌پور، فاطمه. (۱۳۹۹). انواع، سطوح و مراحل حسابرسی منابع انسانی: کاربست روش فراترکیب، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۹(۳۵): ۱۳۵-۱۵۷.
- فرزین، فرشیده؛ بنی طالبی دهکردی، بهاره؛ بخشی نژاد، محمود. (۱۳۹۷). ارتباط سازه‌های فردی و اجتماعی برآموزش اخلاق حرفه‌ای حسابداری، اخلاق در علوم و فناوری، ۱۳(۱): ۱۵۳-۱۴۵.
- غلامی‌فتیده، اشکان؛ مهرانی، کاوه؛ تحریری، آرش. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر فشار زمانی، تعارض کار-خانواده و ابهام نقش بر رفتار کاهنده کیفیت حسابرسی با اثر میانجی استرس شغلی: تحلیلی از محیط حسابرسی ایران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۹(۷۶): ۶۵-۹۶.
- مرویان‌حسینی، زهرا؛ لاری‌دشت‌بیاض، محمود. (۱۳۹۴). بررسی نقش فرسودگی شغلی در رابطه بین استرس و عملکرد شغلی حسابرسان، حسابداری سلامت، ۴(۱): ۵۷-۸۰.
- ملکی، دنیا؛ بنی‌مهد، بهمن؛ وکیلی‌فرد، حمیدرضا. (۱۴۰۱). رابطه میان سلطه اجتماعی و بی‌تفاوتی اخلاقی: شواهدی از حرفه حسابرسی، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۷(۱۳): ۲۰۰-۲۲۳.
- مهدوی، غلامحسین؛ زمانی، رضا. (۱۴۰۰). تأثیر سبک‌های رهبری ملاحظاتی و ساختار بر رضایت شغلی حسابرسان: با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی رده سازمانی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۳(۵۰): ۲۲-۵.

موسوی کاشی، زهره. و زاهدی قره‌بابا، داوود. (۱۳۹۵). رابطه بین سبک‌های رهبری و رضایت شغلی در حساب‌رسان شاغل در موسسات حسابرسی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۵(۲۰): ۱۰۳-۱۱۶.

نادری، سپیده؛ بنی طالبی دهکردی، بهاره؛ غضنفری، احمد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تیپ‌های شخصیتی A، B، C و D حساب‌رسان بر محتوای گزارش حسابرسی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۵(۲۰): ۷۱-۸۶.

نورمحمدی، محمد؛ صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۹). ارائه مدلی برای تبیین رابطه رهبری زهرآگین و هویت تیمی منسجم با تردید حرفه‌ای حساب‌رسان، دانش حسابرسی، ۲۰(۸۱): ۲۹-۴۳.
ولیان، حسن؛ صفری گرایلی، مهدی؛ رضائی‌پینه‌نوئی، یاسر. (۱۳۹۸). واکاوی نقش تئوری‌های تعارض شغلی حساب‌رسان بر اساس تحلیل فراترکیب و فازی (مطالعه موردی: دیوان محاسبات کشور)، حسابداری دولتی، ۵(۲): ۴۷-۶۸.

ولیان، حسن؛ عبدلی، محمدرضا؛ اروئی، مهران. (۱۳۹۷). تعدیل شکاف انتظارات حسابرسی بر اساس استراتژی‌های منابع انسانی از طریق رویکرد تئوری راف و تئوری خاکستری، حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۹): ۱۱۵-۱۳۷.

References

- Amiruddin, A. (2019). Mediating effect of work stress on the influence of time pressure, work-family conflict and role ambiguity on audit quality reduction behavior, *International Journal of Law and Management*, 61(2): 434-454.
- Azarberahman A, Kamyabi Y, Malekiyan E. (2022). The Hegemony of the Culture of Professional Ethics in Auditing and Evaluating its Consequences. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 6(12): 57-95 (In Persian)
- Bameri M, Safari Gerayli M, Valiyan H. A Study of the Effect of the Audit Partner's Perceived Support on the Neutrality-Oriented and Skepticism-Based Approaches in Professional Skepticism and the Auditor's Behavioral Outcomes. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 4(8): 93-129 (In Persian)
- Belic, J; Miklosi, Z. (2020). Cosmopolitanism and unipolarity: the theory of hegemonic transition, *Critical Review of International Social and Political Philosophy*,
- Bozorgmehrian, Sh; Yazdaniyan, N. (1400). Investigating the effect of self-efficacy on the development of ethical values of auditors, *Accounting Knowledge and Management Audit*, 10(38): 115-127. (In Persian)
- Carp, M; Istrate, C. (2022). Audit Quality under Influences of Audit Firm and Auditee Characteristics: Evidence from the Romanian Regulated Market, *Sustainability*, 13(12): 69-94.
- Cavalcante, P. L. (2019). Trends in Public Administration after Hegemony of the New Public Management. *Revista Do Serviço Público*, 70(2): 195 - 218.
- Cheng, Y; Haynes, C.M. and Yu, M.D. (2021). The effect of engagement partner workload on audit quality, *Managerial Auditing Journal*, 2(2): 65-91.
- Cianci, A, M; Houston, R, W; Monague, N, R; Vogel, R. (2017). Audit Partner Identification: Unintended Consequences on Audit Judgment, *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 36(4): 135-149.

- Farzin F, Banitalebi Dehkordi B, Bakhshinejad M.(2018). The Relationship between Individual and Social Structures and Teaching Accounting Professional Ethics. *Ethics in Science and Technology*: 13(1): 145-53. (In Persian)
- Frendy, D; and Takeda, F. (2023). Employing string similarity metrics of partners to estimate audit team continuity: determinant and its effects on audit outcomes and pricing. *Journal of Accounting Literature*, 45(2): 314-339.
- Gholami Fatideh, A; mehrani, K; & Tahriri, A. (2023). The Effect of time pressure, work-family conflict and role ambiguity on audit quality reduction behavior with the Mediating effect of work stress: An Analysis of the Iranian Audit Environment. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 19(76): 65-96. (In Persian)
- Hegazy, M; El-Deeb, M.S; Hamdy, H.I. and Halim, Y.T. (2023). Effects of organizational climate, role clarity, turnover intention, and workplace burnout on audit quality and performance. *Journal of Accounting & Organizational Change*.
- Henwood, K. L. & Pigeon, N, R. (1992). Qualitative research and psychological theorizing. *British Journal of Psychology*, 83(1): 97-112.
- Hill, J, N, C. (2019). The evolution of authoritarian rule in Algeria: linkage versus organizational power, *Democratization*, 26(8): 1382-1398.
- Iri E, Valiyan H, Safari Gerayli M. (2020). Effectiveness of the Auditor's Opinion Quality of Pygmalion Effect, *Quarterly Financial Accounting*, 11(44): 63-87. (In Persian)
- Jonsen, K. and Jehn, K.A. (2009). Using triangulation to validate themes in qualitative studies, *Qualitative Research in Organizations and Management*, 4(2): 123-150.
- Lee, H, S; Nagy, A, L; Zimmerman, A, B. (2019). Audit Partner Assignments and Audit Quality in the United States. *The Accounting Review*, 94(2): 297-323.
- Lee, H, S; Nagy, A, L; Zimmerman, A, B. (2018). Audit Partner Assignments and Audit Quality in the United States, *the Accounting Review*, 94(2): 297-323.
- Mahdavi, G; & Zamani, R. (2021). The Impact of Leadership Style of Consideration and Structure on Auditors' Job Satisfaction in Regard with the Moderator Role of Organizational Position. *Accounting and Auditing Research*, 13(50): 5-22. (In Persian)
- Malaki D, Banimahd B, Vakilifard H. The Relationship between Social Dominance and Moral Dis-Engagement: Evidence from the Auditing Profession. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 7(13): 200-223 (In Persian)
- Marvian Hosseini, Z; & Lariye Dashte Bayaz, M. (2015). Investigating the Role of Occupational Burnout on the Relationship between Stress and Job Performance of Auditors. *Journal of Health Accounting*, 4(1): 57-80. (In Persian)
- Mauritz, C; Nienhaus, M. & Oehler, C. (2023). The role of individual audit partners for narrative disclosures. *Review of Accounting Studies*, 28(2): 1-44.
- Mnif, Y; Cherif, I. (2022). Audit partner workload, gender and audit quality, *Journal of Applied Accounting Research*, 23(5): 1047-1070.
- Mousavi Kashi, Z. & Zahedi Qarababa, D. (2015). The relationship between leadership styles and job satisfaction in auditors working in audit institutions, *Accounting Knowledge and Management Audit*, 5(20): 103-116. (In Persian)
- Naderi S, Banitalebi Dehkordi, B, & Ghazanfari, A.(2017). The effect of personality types A, B, C and D auditors on the content of the audit report. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*.;5(20):71-86. (In Persian)
- Noormohammadi, M, Safirgraili, M. (2019). Presenting a model to explain the relationship between toxic leadership and cohesive team identity with auditors' professional doubt, *Audit Knowledge*, 20(81): 43-29. (In Persian)
- Olimpia, D; Rachmawati, R. (2021). The Effect of Work Family Conflict, Perceived Organizational Support, and Ego-Resiliency on Auditor Performance: The Mediating Role of Subjective Well-Being, *Advances in Economics, Business and Management Research*, 3(4): 41-48.

- Pierce, B; Sweeney, B. (2004). Cost-quality conflict in audit firms: an empirical investigation, *European Accounting Review*, 13(3): 415-441.
- Sarhady, H, Abdoli, M, R; Izi, R. (2019). Presenting an interpretative/structural model of the themes of psychoanalytic contracts of auditor's individual interactions with partners, *Behavioral Studies in Management*, 11(24): 1-17. (In Persian)
- Seyedjavadin, S, R; Safari, H; Meshaikhi, B. and Taqipour, F. (2019). Types, levels and stages of human resources audit: application of metacombination method, *accounting knowledge and management audit*, 9(35): 135-157. (In Persian)
- Strauss, A.L; & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Grounded theory: Procedures and Technique*. (2nd Edition); Sage, Newbury Park, London.
- Talebnia, G.; Dehkordi, B.B. (2012). Study of relation between effectiveness audit and management audit. *GSTF Bus. Rev. (GBR)*, 2, 92.
- Valian, Hassan, Abdoli, Mohammadreza, Eroi, Mehran. (2017). Adjusting the audit expectation gap based on human resource strategies through Ruff's theory and gray theory approach, *Management Accounting*, 11(39): 115-137. (In Persian)
- Valiyan, H; Safari Gerayli, M; & Rezaei Pitenoei, Y. (2019). An investigation into the role of auditors' job conflict theories based on methasynthesis and fuzzy approaches (A case study of Supreme Audit Court). *Governmental Accounting*, 5(2): 47-68. (In Persian)
- Yustina, A; & Valerina, T. (2018). Does Work-Family Conflict Affect the Auditor's Performance?: Examining the Mediating Roles of Emotional Exhaustion and Job Satisfaction. *Gadjah Mada International Journal of Business*, 20(1): 89-111.
- Zhang, J. (2015). From Market Despotism to Managerial Hegemony: The Rise of Indigenous Chinese Management. *Management and Organization Review*, 11(2): 205-210

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

Designing the Framework of Power Usurpation of Audit Partners: Identifying the Key Factors Affecting the Authoritarianism of Audit Partners¹

Farzaneh Pourmahdi Borujeni², Bahareh Banitalebi Dehkordi³,
Hamid Reza Jafari Dehkordi⁴

Received: 2024/01/13

Accepted: 2024/03/10

Research Paper

Abstract

One of the most important reasons for the gap in expectations in the auditing profession is the nature of the partner's use of power against the auditors, which usually leads to the professional frustration of the auditors due to the creation of a deep level of behavioral and structural dominance by the partners. The purpose of this research is the design the framework of the authoritarianism of the audit partners' power through the ground theory approach, the research sought to identify the key causes affecting the authoritarianism of the audit partners. The methodology of this qualitative study is based on inductive philosophy. It is considered exploratory in terms of purpose and developmental in terms of result. The data collection tool was interview and the participants of this study were experts in accounting knowledge at the university level. Because the aim was to explore aspects of the nature of the phenomenon under investigation that had not been considered in any research in the past. In this study, the grounded theory process and the approach of Strauss and Corbin (1998) were taken into consideration to provide a paradigmatic model through three stages of coding. The results of 12 interviews in approximately 715 minutes, from the identification of 317 open codes, and 46 themes; It has 14 components and 8 main categories. This is the result of the statement of the issue that the emergence of the power orientation of audit partners is the statement of the issue that the way of interaction with the auditors can be highly conflicting and accompanied by a decrease in job motivation. Because the audit partners, based on the approach of usurpation of power, try to control the auditors by dominating the most detailed professional affairs in the organization's structures, which can have negative consequences such as the disruption of the professional balance of the audit and the disruption of the balance of the professional effectiveness of the audit.

Keyword: Power Usurpation, Authoritarianism, Audit Partners.

JEL Classification: M39, M40.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.46174.3200

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Farzanehpourmahdi@yahoo.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author). (banitalebi57@yahoo.com).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (hamid99991@yahoo.com).

Evaluation of the Emergence Key Drivers of Creative Accounting in the Future of Financial Reporting Legitimacy¹

Amirhossein Asadi², Hossein Badiei³, Roya Darabi⁴,
Norouz Noorolahzadeh⁵

Received: 2023/09/18
Accepted: 2024/01/20

Research Paper

Abstract

This research aims to evaluate the emergence of key drivers of creative accounting in the future of financial reporting legitimacy. The qualitative section had 12 academics and 25 financial managers from Tehran Stock Exchange companies. This study uses matrix processes in the quantitative part. It aims to find scenarios about creative accounting. Then, it investigates the best matrix quarter on the legitimacy of future financial reporting by companies. The qualitative research findings are based on 12 expert interviews. A framework suitable for 3 overarching themes was used. It shows 6 organizing themes and 26 basic themes. The quantitative part identified 4 matrix quadrants. They were based on the axes of governance and internal control drives. The most important scenario is in the second quadrant of the Tyrannicide Matrix. It concerns the weakness of structural centralization in internal control. This scenario links to the key drivers of the rise of creative accounting. It affects the ethical legitimacy of financial reporting. This study shows that internal control is key to financial performance. It can improve adherence to stakeholders' rights by filtering out deviations in operations and financial reports. But, when managers influence internal auditors, their independence decreases. This harms the effectiveness of this key internal control process.

Keyword: Creative Accounting, Financial Reporting Legitimacy, Scenario Planning.
JEL Classification: M41.

1. doi: 10.22051/jera.2024.45015.3168

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (amirhosseinasadi@yahoo.com)

3. Assistant Professor, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (badiei@iau.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (royadarabi110@yahoo.com).

5. Assistant Professor, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (N_noorolahzadeh@azad.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

The Moderating Role of Product Market Non-Financial Performance in the Relationship between ESG Activities and Financial Performance in Listed Companies in the Tehran Stock Exchange¹

Zahra Zolfaghari², Naser Izadinia³, Saeid Aliahmadi⁴

Received: 2024/02/01

Accepted: 2024/04/28

Research Paper

Abstract

During the past decade, the increase of stakeholders' awareness, in the context of the operational effects of companies on the environment and society, and the key role of management methods in the field of sustainable performance development by companies, led to the expansion of views on the category of sustainable performance of companies from three dimensions: environmental, social and corporate governance. In this regard, this research aims to investigate the relationship between the moderating role of non-financial performance of environmental, social and management activities and financial performance among the companies admitted to the Tehran Stock Exchange in 6 years between 2017 and 2022. The statistical population of this research was the companies admitted to the Tehran Stock Exchange, and 147 companies were selected using the systematic elimination method. To test the hypotheses, the multivariate regression method of combined data and Eviews statistical software were used. The findings of the research showed that there is a positive and significant relationship between environmental, social and corporate governance activities with financial performance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. The research findings regarding the moderating role of non-financial performance showed that non-financial performance has a moderating role on the relationship between environmental, social and corporate governance activities and financial performance.

Keyword: Non-Financial Performance, Environmental Activities, Social and Corporate Governance, Financial Performance.

JEL Classification: G30, G32, O13, A13, M14, Z13.

1. doi: 10.22051/jera.2024.46225.3202

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (mizolfaghari@gmail.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author). (n.izadinia@ase.ui.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Accounting, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (saeidaliahmadi@yahoo.com).

COVID-19 Impact on Firm Investment- Evidence from Firms Listed in the Tehran Stock Exchange¹

Najmeh Hajian², Marjan Hashemzadeh³

Received: 2024/01/14
Accepted: 2024/04/07

Research Paper

Abstract

This study aimed to investigate COVID-19's effect on the investments of companies listed on the Tehran Stock Exchange. Descriptive research has two aspects: its purpose and its data collection method. This study's population included all companies on the Tehran Stock Exchange from 2017 to 2022. This period includes 11 seasons of COVID-19 and 11 seasons of normal period. This study used interim financial reporting data. We analyzed it using regression with Stata and E-Views. The test results showed a strong link between COVID-19 and corporate investment. Researchers have studied variables like cash flexibility, life cycle, company size, and ownership structure. The results also showed that the company's ownership and size did not significantly affect its COVID-19 investment. However, the company's life cycle and cash flexibility did have a significant impact on that relationship.

Keyword: COVID-19, Investment, Cash Flexibility, Life Cycle.

JEL Classification: G01-M41.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.46189.3201

2. Assistant Professor, Faculty of Management and Financial Sciences, Department of Accounting, Khatam University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (n.hajian@khatam.ac.i).

3. M.Sc. Student. Faculty of Management and Financial Sciences, Department of Accounting, Khatam University, Tehran, Iran. (m_hashemzadeh_12216@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Quantitative and Qualitative Content Analysis of Scientific Research Articles in the Field of Technology in Accounting and Auditing¹

Maryam Sheikhi², Rizvan Hijazi³, Majid Zajindar⁴

Received: 2023/12/09

Accepted: 2024/02/08

Research Paper

Abstract

The aim of the current research is to analyze the quantitative and qualitative content of the articles published in the field of technology in accounting and auditing, scientific research journals of Iran. In order to achieve this goal, the presenters of this research, while conducting a comprehensive review, the articles of this field were extracted from the database of domestic authoritative quarterly journals, 181 articles from the year of their start to November 30, 1402 and analyzed using quantitative and qualitative content analysis. . In the qualitative part, coding was done using the data-based method, and the data was analyzed with the help of MaxQD and Excel software. In this research, all the variables in the text of the articles, including the subject share, the growth trend based on the year of publication, the level and scientific rank of the authors, the share of the publishing center of the articles, the research method, and also the share of publications in the publication of articles in this field were investigated. In the qualitative section, 396 codes were identified in the form of 14 main categories by analyzing the theoretical data. The results showed that the process of publishing technology articles in the last three years shows a significant growth; but the thematic share of articles in this field is small compared to other accounting and auditing topics. The highest number of published articles was related to financial engineering quarterly and management accounting and auditing with a share of 9.94% and Alzahra's experimental researches with a share of 8.84%. More than 51.93% of these articles are supported by Azad University and 40.88% are supported by public universities. Also, the abundance of concepts, challenges and obstacles to the adoption of technologies in the results of the published articles indicates the existence of shortcomings and weaknesses in the adoption of technologies in the accounting and auditing information system "according to the specific conditions of the country of Iran".

Keyword: Technology, Quantitative and Qualitative Content Analysis,
Scientific-Research Articles.

JEL Classification: M41, L24, L86, O14.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.45827.3189

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (sheikhi.ma.1400@gmail.com).

3. Professor, Department of Accounting, Khatam University, Tehran/Visiting Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (Corresponding Author). (hejazi33@gmail.com).

4. Associate Professor, Department of Financial Engineering, Faculty of Management, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. (zanjirdar08@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

The Impact of Readability of Financial Statements on the Speed of Adjustment of Commercial Credit of Companies¹

Mohammad Hosein Fatheh²

Received: 2023/11/04
Accepted: 2024/02/19

Research Paper

Abstract

This research seeks to trace the effect of financial statement readability on the speed of companies' credit adjustments. To achieve the research goals, we collected a sample of 135 companies. They were on the stock exchange and picked by a pattern of systematic exclusion. The sample covers a period of 13 years, from 2010 to 2022. To test the hypotheses, a GMM multivariate regression model was used. To measure the speed of trade credit adjustment, I used a model by Lu (2022) and Aflatooni et al. (2022). To measure the readability of financial statements, I used the Fog index. The test found that, in the sample, firms can close 70% of the gap to optimal credit each year. Also, the readability of financial statements affects the speed of adjusting commercial credit. Improving this will speed up companies' efforts to achieve optimal credit. The research shows that simpler financial statements can help credit users and suppliers. It can speed up commercial credit adjustments to reach the target.

Keyword: Target Commercial Credit, Commercial Credit Adjustment Speed, Readability of Financial Statements, Quality of Providing Financial Information.

JEL Classification: G32, G33, H81.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.45479.3180

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author). (Mh_fatheh@pnu.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Market Reaction to Asymmetric Cost Behavior: The Impact of Long-term Growth Expectations¹

Farshad Sabzalipour², Ghareibeh Esmailikia³,
Mehran Ahmadi⁴

Received: 2023/12/09
Accepted: 2024/02/18

Research Paper

Abstract

Long-term growth expectations refer to the expected activity and company profitability. These expectations affect managers' decisions about changing resources and cost behavior. This research aims to study the capital market's reaction to the cost asymmetric behavior of long-term growth expectations. The sample includes 155 firms admitted to the Tehran Stock Exchange from 1394 to 1400. Multiple regression models have been used to test the hypotheses. The findings show that, in firms with high versus low long-term growth expectations, cost stickiness is more asymmetric. Also, the findings showed that the capital market reacts negatively to unexpected cost stickiness. Also, investors react more negatively to unexpected cost stickiness for a firm with high long-term growth expectations than for one with low ones. Managers' economic motives are one of the main drivers of asymmetric cost behavior. Firms that expect higher future growth rates tend to reduce the risk of idle capacity by increasing investment. Investors also revise their evaluations in case of an increase in unexpected cost stickiness. This study adds to the literature on management accounting and capital markets. It documents the market's reaction to asymmetric cost behavior. It also links this cost behavior, a key area of management accounting, to investors' actions in the capital market.

Keyword: Asymmetric Cost Behavior, Long-term Growth Expectations, Market Reaction, Unexpected Cost Stickiness.

JEL Classification: M31, M41.

¹. doi: [10.22051/JERA.2024.45829.3190](https://doi.org/10.22051/JERA.2024.45829.3190)

². Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Literature and Human Sciences, Ilam University, Ilam, Iran. (Corresponding Author). (f.sabzalipour@ilam.ac.ir).

³. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Literature and Human Sciences, Ilam University, Ilam, Iran. (Gh.esmailikia@ilam.ac.ir).

⁴. M.Sc. Student, Department of Management Accounting, Faculty of Literature and Human Sciences, Ilam University, Ilam, Iran. (ahmadimehran322@gmail.com).

Meta Synthesis of the International Financial Reporting Standards (IFRS) Adoption Effects on Capital Market Variables¹

Vahid Ahmadian², Roghayeh Namvar³

Received: 2024/01/22

Accepted: 2024/02/29

Research Paper

Abstract

The application of IFRS around the world has been the focus of many researches. In the meantime, a line of thought examines the way of financial reporting and the effects of the capital market related to the change of the accounting approach. Considering that these studies report diverse findings, the current research forms a meta-synthesis of IFRS adoption cases between 2007 and 2023 (September) to measure and describe its effects on capital market variables. The findings of the study, which resulted from the review of 109 published articles, show that there are 6 main dimensions including corporate governance, transparency, market participants' decision-making, financial reporting quality, international integration of markets, and the stock market, 18 subcategories, 81 concepts and 163 codes related with the IFRS adoption in the capital market. The derived framework provides a comprehensive theoretical basis and clear evidence to inform policy evaluations and investigations related to financial reporting and the effects of IFRS adoption in the capital market context. Hence, the results emphasize the effects of IFRS adoption in financial and accounting systems and provide data to reflect its consequences in the capital market.

Keyword: IFRS Adoption, Capital Market, Financial Variables, Economic Implications, Meta-Synthesis.

JEL Classification: M40, M41, M48.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.46265.3203

2. Assistant Professor, Department of Economics, Management and Accounting, Tabriz University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author). (V.ahmadian@tabrizu.ac.ir).

3. M.Sc. Department of Business Administration, Faculty of Economics, Management and Accounting, Tabriz University, Tabriz, Iran. (namvar.nastaran@hotmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

The Moderating Role of Family Ownership in the Relationship between Life Cycle and Real Earning Management in Tehran Stock Exchange Listed Companies¹

Ali Ebrahimi Kordlar², Alireza Nasr Esfahani³

Received: 2024/01/20

Accepted: 2024/04/25

Research Paper

Abstract

The main purpose of this research is to investigate the effect of the company's position in the life cycle on real earning management, emphasizing the moderating role of family ownership. The method of research is applied in terms of purpose with a causal nature which takes a post-experimental method. Data source is the information included in the financial statements of the Tehran Stock Exchange listed companies. The time frame of research includes eight consecutive years from 2014 to 2021. The statistical sample embraces 141 TSE-listed companies. The final analysis of data was done in Eviews and SPSS software. Firstly, the entire sample is divided into two groups of companies with family ownership and without family ownership. Then, the effect of the life cycle on earning management variables is tested using multivariate regression analysis in both samples, independently. Finally, the effect coefficients obtained in two samples are compared with each other by two-sample t-test (paired comparison). The obtained results show that there is a significant relationship between the life cycle stages of companies and earning management through sales management, production cost management and investment management. Also, the earnings management strategies used in the life cycle of family-owned firms are different from others. Based on the findings of this research, companies without family ownership use production cost management and sales management in the stages of introduction and maturity, respectively, and in the final stages of life (decline), they put earning management using investment management into practice. While family-owned companies do not use profit management in the early stages (introduction and growth), and in the maturity stages, they manage real earnings by using sales management.

Keyword: Real Earning Management, Life Cycle, Family Ownership, Tehran Stock Exchange.

JEL Classification: M41.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.46135.3199

2. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran. (aebrahimi@ut.ac.ir).

3. M.Sc. Student, Department of Accounting, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (alirezanasr97@gmail.com).

Systematic Review of Uncertainty Literature with Meta Synthesis Approach¹

Behrang Parsafard², Ghasem Bolo³, Maghsoud Amiri⁴,
Mohammad Javad Salimi⁵

Received: 2024/05/25

Accepted: 2024/07/31

Research Paper

Abstract

Stability affects the planning process and making optimal decisions by managers; Uncertainty and instability have been introduced in financial and economic literature as one of the most important factors affecting the amount and level of investment in countries. The impact of uncertainty on the reduction of income and profitability of companies and, as a result, the lack of attractiveness of the Country's financial market for foreign investors, has attracted the attention of experts and researchers. This research aims to systematically review uncertainty research to determine the future trends of this research field. For this purpose, a systematic literature review with a Meta-synthesis approach is used. After deciding on the search protocol and article selection indicators, 68 articles were selected. The evaluation of the selected articles led to the identification of 47 Factors and the measurement indicators related to each Factor. Uncertainty Factors were classified into company, industry, macroeconomy, and international economy. Examining the research carried out in the company aspect shows the interest of the researchers in investigating the uncertainties related to the upstream and downstream chain; In fact, managers and shareholders of companies are insecure about the supply of raw materials for production and sale of manufactured products. In the following, trend-setting articles and highly cited authors were mentioned in each period. The authors believe that the future research process in the field of uncertainty will focus on combined research in both global and corporate dimensions, and researchers will investigate the impact of uncertainty on international companies; This line of research has been started for several years with the tariff war between the United States of America and China and has been intensified by changes in tax rates by governments, so it seems that the research process in the field of tax arbitrage will increase; Also, due to the increasing trend of joint research in the field of uncertainty and cryptocurrencies, this research path is expected to become one of the main paths of uncertainty studies.

Keyword: Uncertainty, Systematic review, Meta synthesis approach, Instability, Optimal production volume, Cryptocurrency.

JEL Classification: D81, G1.

1. doi: 10.22051/jera.2024.47279.3248

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (behrang.parsafard@yahoo.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (bolo@atu.ac.ir).

4. Professor, Department of Industrial Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (amiri@atu.ac.ir).

5. Assistant Professor, Department of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (j_salimi@atu.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Table of Content

Systematic Review of Uncertainty Literature with Meta Synthesis Approach	1
Behrang Parsafard, Ghasem Bolo, Maghsoud Amiri, Mohammad Javad Salimi	
The Moderating Role of Family Ownership in the Relationship between Life Cycle and Real Earning Management in Tehran Stock Exchange Listed Companies	33
Ali Ebrahimi Kordlar, Alireza Nasr Esfahani	
Meta Synthesis of the International Financial Reporting Standards (IFRS) Adoption Effects on Capital Market Variables	67
Vahid Ahmadian, Roghayeh Namvar	
Market Reaction to Asymmetric Cost Behavior: The Impact of Long-Term Growth Expectations.....	121
Farshad Sabzalipour, Ghareibeh Esmailikia, Mehran Ahmadi	
The Impact of Readability of Financial Statements on the Speed of Adjustment of Commercial Credit of Companies	155
Mohammad Hosein Fatheh	
Quantitative and Qualitative Content Analysis of Scientific Research Articles in the Field of Technology in Accounting and Auditing	179
Maryam Sheikhi, Rizvan Hijazi, Majid Zajindar	
COVID-19 Impact on Firm Investment- Evidence from Firms Listed in the Tehran Stock Exchange	213
Najmeh Hajian, Marjan Hashemzadeh	
The Moderating Role of Product Market Non-Financial Performance in the Relationship between ESG Activities and Financial Performance in Listed Companies in the Tehran Stock Exchange ...	241
Zahra Zolfaghari, Naser Izadinia, Saeid Aliahmadi	
Evaluation of the Emergence Key Drivers of Creative Accounting in the Future of Financial Reporting Legitimacy	273
Amirhossein Asadi, Hossein Badiei, Roya Darabi, Norouz Noorolahzadeh	
Designing the Framework of Power Usurpation of Audit Partners: Identifying the Key Factors Affecting the Authoritarianism of Audit Partners ...	313
Farzaneh Pourmahdi Borujeni, Bahareh Banitalebi Dehkordi, Hamid Reza Jafari Dehkordi	

Licence Holder: Alzahra University

Director: Hoseini, Seyed Ali (Associate Prof. Alzahra University)

Editor in chief: Rahmani, Ali (Prof. Alzahra University)

Executive Manager: Amirykhah, Azam

Scientific and Literally Editor: Bashirimanesh, Nazanin

English Editor: Rezaei, Ali

Lay Out Editor: Hasanzadeh Aliabadi, Marzieh

Print and Binding: Ramtin Publishing

Editorial Board

Pourheidari, Omid, Proffessor of Baahonar University

Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University, The USA

Hejazi, Rezvan, Proffessor of Alzahra University

Rahmani, Ali, Proffessor of Alzahra University

Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University, The USA

Sajadi, Hosein, Proffessor of Shahid Beheshti University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Proffessor of Alzahra University

Mashayekhi, Bita, Associate Proffessor Tehran University

Mehrani, Sasan, Associate Proffessor of Tehran University

Homayoun Saeid, Associate Professor of Gavle University, Swed

Yazdifar Hassan, Professor of Salford University Business School, The UK

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

This journal is published in collaboration with the Iran Management Accounting Association.

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting
“Scientific Journal”

Summer 2024, Vol 14, Number 52